

بسم الله الرحمن الرحيم

رساله‌ی

توضیح المسائل

منهاج فردوسیان

(موافق با احتیاط)

(نسخه‌ی اول)

حاج فردوسی

شناسنامه‌ی کتاب:

عنوان: رساله‌ی توضیح المسائل منهاج فردوسیان (نسخه‌ی اول)

مؤلف: حاج فردوسی

سال نشر: ۱۳۹۳

قطع: رقعی

تعداد صفحات: ۵۸۰ صفحه

قیمت: رایگان

مرکز پخش: پایگاه رسمی حاج فردوسی (HajFerdowsi.Help)

فهرست مطالب

۱۵ مقدمه:
۱۷ احکام تقلید و احتیاط
۲۰ احکام طهارت
۲۰ آب مطلق و مضاف
۲۰ آب گُر
۲۱ آب قلیل
۲۲ آب جاری
۲۳ آب باران
۲۴ آب چاه
۲۵ احکام آب‌ها
۲۷ احکام تخلی (بول و مدفوع کردن)
۲۹ استبراء
۳۱ کارهایی که خوب است در تخلی مراعات کنید
۳۲ نجاسات
۳۲ ۱ و ۲ - ادرار و غائط
۳۲ ۳ - منی
۳۲ ۴ - مردار

- ۳۴..... ۵ - خون
- ۳۵..... ۶ و ۷ - سگ و خوک
- ۳۵..... ۸ - کافر
- ۳۶..... ۹ - شراب
- ۳۷..... ۱۰ - فُقَاع
- ۳۷..... ۱۱ - عرق جُنُب از حرام
- ۳۸..... ۱۲ - عرق شتر نجاستخوار
- ۳۸..... راه ثابت شدن نجاست
- ۳۹..... راه نجس شدن چیزهای پاک
- ۴۱..... احکام نجاسات

۴۳..... مَطَهَّرَات

- ۴۳..... ۱. آب
- ۵۰..... ۲. زمین
- ۵۱..... ۳. آفتاب
- ۵۳..... ۴. استحاله
- ۵۴..... ۵. کم شدن دو سوم آب انگور
- ۵۴..... ۶. انتقال
- ۵۵..... ۷. اسلام
- ۵۵..... ۸. تبعیت
- ۵۶..... ۹. برطرف شدن عین نجاست
- ۵۷..... ۱۰. استبراء حیوان نجاستخوار
- ۵۷..... ۱۱. غایب شدن مسلمان
- ۵۸..... احکام ظرف‌ها

۵۹..... وَضُو

- ۶۳..... وضوی ارتماسی

دعاهای موقع وضو گرفتن ۶۴

شرایط وضو ۶۵

احکام وضو ۷۰

چیزهایی که باید برای آنها وضو بگیرد ۷۴

چیزهایی که باید باطل‌کننده‌ی وضو بدانید ۷۵

احکام وضوی جبیره ۷۶

غسل‌های واجب ۸۰

احکام جنابت ۸۰

چیزهایی که نباید در حال جنابت انجام دهید ۸۱

چیزهایی که بهتر است در حال جنابت ترک کنید ۸۲

غسل جنابت ۸۳

غسل ترتیبی ۸۳

غسل ارتماسی ۸۵

احکام غسل کردن ۸۵

استحاضه ۸۸

احکام استحاضه ۸۹

حیض ۹۷

احکام حائض ۱۰۰

اقسام زن‌های حائض ۱۰۴

۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه ۱۰۵

۲. صاحب عادت وقتیه ۱۰۹

۳. صاحب عادت عددیه ۱۱۲

۴. مضطربه ۱۱۳

۵. مبتدئه ۱۱۴

۶. ناسیه ۱۱۵

۱۱۶.....	مسائل متفرقه‌ی حیض
۱۱۸.....	نفاس
۱۲۲.....	احکام اموات
۱۲۲.....	غسل متّ میت
۱۲۴.....	احکام محتضر
۱۲۵.....	احکام بعد از مرگ
۱۲۶.....	احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت
۱۲۷.....	احکام غسل میت
۱۳۰.....	احکام کفن میت
۱۳۳.....	احکام حنوط
۱۳۴.....	احکام نماز میت
۱۳۶.....	دستور نماز میت
۱۳۷.....	کارهایی که خوب است در نماز میت انجام دهید
۱۳۸.....	احکام دفن
۱۴۱.....	کارهایی که خوب است در دفن انجام دهید
۱۴۵.....	نماز وحشت
۱۴۶.....	نبش (شکافتن) قبر
۱۴۷.....	غسل‌هایی که خوب است انجام دهید
۱۵۰.....	تیمم
۱۵۰.....	اول از موارد تیمم
۱۵۳.....	دوم از موارد تیمم
۱۵۴.....	سوم از موارد تیمم
۱۵۵.....	چهارم از موارد تیمم
۱۵۵.....	پنجم از موارد تیمم
۱۵۵.....	ششم از موارد تیمم

هفتم از موارد تیمم ۱۵۶

چیزهایی که می‌توانید به آنها تیمم کنید ۱۵۷

دستور تیمم ۱۵۹

احکام تیمم ۱۶۰

احکام نماز ۱۶۵

نمازهای واجب ۱۶۵

نمازهای واجب یومیه ۱۶۵

وقت نماز ظهر و عصر ۱۶۵

وقت نماز مغرب و عشا ۱۶۷

وقت نماز صبح ۱۶۸

احکام وقت نماز ۱۶۹

نمازهایی که باید به ترتیب بخوانید ۱۷۲

نمازهای مستحب ۱۷۴

وقت نافله‌های یومیه ۱۷۵

نماز غفيله ۱۷۶

احکام قبله ۱۷۷

پوشانیدن بدن در نماز ۱۷۹

لباس نمازگزار ۱۸۱

شرط اول ۱۸۱

شرط دوم ۱۸۵

شرط سوم ۱۸۷

شرط چهارم ۱۸۷

شرط پنجم و ششم ۱۸۸

مواردی که می‌توانید با بدن یا لباس نجس نماز بخوانید ۱۹۱

چیزهایی که خوب است در لباس نمازگزار مراعات کنید ۱۹۴

چیزهایی که خوب است در لباس نمازگزار ترک کنید	۱۹۴
مکان نمازگزار	۱۹۴
جاهایی که خوب است در آنها نماز بخوانید	۲۰۰
جاهایی که نماز خواندن در آنها را کم‌ثواب بدانید	۲۰۱
احکام مسجد	۲۰۱
اذان و اقامه	۲۰۴
واجبات نماز	۲۰۸
نیت	۲۰۹
تکبیرة الاحرام	۲۱۰
قیام (ایستادن)	۲۱۲
قرائت	۲۱۵
رکوع	۲۲۳
سجود	۲۲۷
چیزهایی که می‌توانید بر آنها سجده کنید	۲۳۲
کارهایی که خوب است در سجده مراعات کنید	۲۳۵
سجده‌ی واجب قرآن	۲۳۶
تشهد	۲۳۷
سلام نماز	۲۳۸
ترتیب	۲۳۹
موالات	۲۴۰
قنوت	۲۴۱
تعقیب نماز	۲۴۲
صلوات بر استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)	۲۴۲
مبطلات نماز	۲۴۳
چیزهایی که خوب است در حال نماز ترک کنید	۲۴۹

مواردی که می‌توانید برای آن، نماز واجب را بشکنید..... ۲۴۹

شکّیات ۲۵۰

شک‌های باطل‌کننده..... ۲۵۰

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کنید..... ۲۵۱

۱. شک در چیزی که محل آن گذشته است..... ۲۵۲

۲. شک بعد از سلام..... ۲۵۴

۳. شک بعد از وقت..... ۲۵۴

۴. کثیر الشک (اگر زیاد شک می‌کنید)..... ۲۵۵

۵. شک امام و مأوم..... ۲۵۷

۶. شک در نماز مستحبی..... ۲۵۷

شک‌های صحیح..... ۲۵۹

نماز احتیاط..... ۲۶۳

سجده‌ی سهو..... ۲۶۷

دستور سجده‌ی سهو..... ۲۶۹

قضای سجده و تشهد فراموش شده..... ۲۶۹

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز..... ۲۷۱

نماز مسافر..... ۲۷۳

مسائل متفرقه..... ۲۹۱

نماز قضا..... ۲۹۴

نماز قضای پدر و مادر که پسر بزرگتر باید بخواند..... ۲۹۶

نماز جماعت..... ۲۹۸

شرایط امام جماعت..... ۳۰۶

احکام جماعت..... ۳۰۷

چیزهایی که خوب است در نماز جماعت مراعات کنید..... ۳۱۰

چیزهایی که شایسته است در نماز جماعت ترک کنید..... ۳۱۲

نماز آیات.....	۳۱۲
دستور نماز آیات	۳۱۵
نماز عید فطر و قربان.....	۳۱۷
اجیر گرفتن برای نماز.....	۳۲۰
احکام روزه.....	۳۲۳
نیت.....	۳۲۳
چیزهایی که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید.....	۳۲۷
۱. خوردن و آشامیدن.....	۳۲۷
۲. جماع.....	۳۲۹
۳. استمناء.....	۳۲۹
۴. دروغ بستن به خدای تعالی و استادان منهاج (علیهم‌السلام).....	۳۳۱
۵. رساندن غبار به حلق.....	۳۳۲
۶. فرو بردن سر در آب.....	۳۳۳
۷. باقیماندن بر جنابت یا حیض یا نفاس تا اذان صبح.....	۳۳۴
۸. آماله (تنقیه) کردن.....	۳۴۰
۹. قی (استفراغ) کردن.....	۳۴۰
احکام چیزهایی که باید باطل‌کننده‌ی روزه بشمارید.....	۳۴۱
چیزهایی که شایسته است در حال روزه ترک کنید.....	۳۴۲
روزه‌هایی که باید قضا کنید و کفاره هم بپردازید.....	۳۴۲
کفاره‌ی روزه.....	۳۴۳
جاهایی که باید فقط قضای روزه را بگیرید.....	۳۴۸
احکام روزه‌ی قضا.....	۳۵۰
احکام روزه‌ی مسافر.....	۳۵۴
مواردی که نباید روزه را بر خود واجب بدانید.....	۳۵۵
راه‌های ثابت شدن اول ماه.....	۳۵۷

روزهایی که نباید روزه بگیرید ۳۵۸

روزه‌هایی که خوب است بگیرید ۳۵۹

احکام خمس ۳۶۱

۱. منفعت کسب ۳۶۱

۲. معدن ۳۶۹

۳. گنج ۳۷۰

۴. مال حلال مخلوط به حرام ۳۷۱

۵. جواهری که به واسطه‌ی فرو رفتن در دریا به دست بیاورید ۳۷۲

۶. غنیمت ۳۷۴

۷. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد ۳۷۴

مصرف خمس ۳۷۵

احکام زکات ۳۷۸

شرایط واجب شدن زکات ۳۷۸

زکات گندم و جو و خرما و کشمش ۳۸۰

نصاب طلا ۳۸۵

نصاب نقره ۳۸۵

زکات شتر و گاو و گوسفند ۳۸۷

نصاب شتر ۳۸۷

نصاب گاو ۳۸۹

نصاب گوسفند ۳۸۹

مصرف زکات ۳۹۲

شرایط کسانی که باید مستحق زکات بدانید ۳۹۵

نیت زکات ۳۹۷

مسائل متفرقه‌ی زکات ۳۹۸

زکات فطره ۴۰۳

۴۰۶.....	مصرف زکات فطره
۴۰۷.....	مسائل متفرقه‌ی زکات فطره
۴۰۹.....	احکام حج
۴۱۲.....	احکام خرید و فروش
۴۱۳.....	معاملات و شغل‌هایی که بهتر است ترک کنید
۴۱۳.....	معاملاتی که باید باطل بدانید
۴۱۸.....	شرایط فروشنده و خریدار
۴۲۰.....	شرایط جنس و عوض آن
۴۲۲.....	صیغه‌ی خرید و فروش
۴۲۲.....	خرید و فروش میوه‌ها
۴۲۳.....	نقد و نسیه
۴۲۴.....	معامله‌ی سلف
۴۲۴.....	شرایط معامله‌ی سلف
۴۲۵.....	احکام معامله‌ی سلف
۴۲۶.....	فروش طلا و نقره به طلا و نقره
۴۲۷.....	مواردی که می‌توانید معامله را به هم بزنید
۴۳۱.....	مسائل متفرقه‌ی خرید و فروش
۴۳۲.....	احکام شرکت
۴۳۶.....	احکام صلح
۴۳۹.....	احکام اجاره
۴۴۱.....	شرایط مالی که آن را اجاره می‌دهید
۴۴۲.....	شرایط استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهید
۴۴۳.....	مسائل متفرقه‌ی اجاره
۴۴۸.....	احکام جُعَاله
۴۵۰.....	احکام مُزارعه

۴۵۳.....	احکام مُساقات.....
۴۵۶.....	کسانی که نباید در مال خود تصرف کنند.....
۴۵۷.....	احکام وکالت.....
۴۶۰.....	احکام قرض.....
۴۶۳.....	احکام حواله دادن.....
۴۶۵.....	احکام رهن.....
۴۶۷.....	احکام ضامن شدن.....
۴۶۹.....	احکام کفالت.....
۴۷۰.....	احکام ودیعه (امانت).....
۴۷۴.....	احکام عاریه.....
۴۷۷.....	احکام نکاح یا ازدواج و زناشویی.....
۴۷۷.....	احکام عقد.....
۴۷۸.....	دستور خواندن عقد دائم.....
۴۷۸.....	دستور خواندن عقد غیر دائم.....
۴۷۹.....	شرایط عقد.....
۴۸۱.....	عیب‌هایی که به واسطه‌ی آن‌ها می‌توانید عقد را به هم بزنید.....
۴۸۲.....	زن‌هایی که نباید با آنها ازدواج کنید.....
۴۸۷.....	احکام عقد دائم.....
۴۸۹.....	ازدواج موقت (متعّه یا صیغه).....
۴۹۱.....	احکام نگاه کردن.....
۴۹۳.....	مسائل متفرقه‌ی ازدواج.....
۴۹۶.....	احکام شیردادن.....
۴۹۹.....	شرایط شیر دادنی که باید علت محرم شدن بدانید.....
۵۰۲.....	آداب شیر دادن.....
۵۰۳.....	مسائل متفرقه‌ی شیردادن.....

۵۰۵..... احکام طلاق

۵۰۷..... عدّه‌ی طلاق

۵۰۸..... عدّه‌ی منهاجیاتی که شوهرشان مرده است

۵۰۹..... طلاق بائن و طلاق رجعی

۵۱۰..... احکام رجوع کردن

۵۱۱..... طلاق خلع

۵۱۲..... طلاق مبارات

۵۱۳..... مسائل متفرقه‌ی طلاق

۵۱۵..... احکام غصب

۵۱۹..... احکام مالی که پیدا می‌کنید

۵۲۲..... احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات

۵۲۴..... دستور سر بریدن حیوانات

۵۲۴..... شرایط سر بریدن حیوان

۵۲۶..... دستور کشتن شتر

۵۲۷..... چیزهایی که خوب است موقع سر بریدن حیوانات مراعات کنید

۵۲۷..... چیزهایی که خوب است در کشتن حیوانات ترک کنید

۵۲۸..... احکام شکار کردن با اسلحه

۵۳۰..... شکار کردن با سگ شکاری

۵۳۲..... صید ماهی

۵۳۳..... صید ملخ

۵۳۴..... احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

۵۳۷..... چیزهایی که خوب است موقع غذا خوردن رعایت کنید

۵۳۸..... چیزهایی که خوب است در غذا خوردن ترک کنید

۵۳۹..... چیزهایی که خوب است در نوشیدن آب مراعات کنید

۵۳۹..... چیزهایی که خوب است در نوشیدن آب، ترک کنید

۵۴۰.....	احکام نذر و عهد
۵۴۵.....	احکام قسم خوردن
۵۴۸.....	احکام وقف
۵۵۱.....	احکام وصیت
۵۶۰.....	احکام ارث
۵۶۱.....	ارث دسته‌ی اول
۵۶۳.....	ارث دسته‌ی دوم
۵۶۶.....	ارث دسته‌ی سوم
۵۷۰.....	ارث زن و شوهر
۵۷۲.....	مسائل متفرقه‌ی ارث
۵۷۴.....	امر به معروف و نهی از منکر
۵۷۴.....	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۵۷۶.....	مراتب امر به معروف و نهی از منکر



بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ آلِ اللَّهِ
وَأَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ
مُرْتَقِباً لِأَمْرِ اللَّهِ وَمُرْتَجِئاً لِفَضْلِ اللَّهِ وَعَلَى الْمِنْهَاجِيِّينَ وَالْمِنْهَاجِيَّاتِ سَلَامُ اللَّهِ

مقدمه:

غرض از نگارش این اثر، بی‌نیاز کردن منهاجی گرم‌رو از مراجعه به فقیه خاص و رها شدن از دغدغه‌ی یافتن مجتهد اعلم است. کسی که علاوه بر منهاج فردوسیان، به این احتیاطات عمل نماید، نیاز به تقلید نخواهد داشت و به اصطلاح فقهی، «محتاط» خواهد بود. گرچه مشهور این است که احتیاط، همیشه سخت و زمان‌بر است، ولی یافتن اعلم نیز همیشه پرابهام و بر طبق گمان و تخمین است. پس می‌ارزد که منهاجی به جای گشتن به دنبال اعلم، بار تکلیف را خود بر شانه‌ی همت گیرد و چنان عمل کند که قطع و یقین به انجام فرمان مولا برایش حاصل شود.

آنچه در این رساله اتفاق افتاده، جمع‌آوری احتیاطات فقهای بزرگوار شیعه - تا حد امکان - در فتاواست. کسانی که بخواهند با جوانب این رساله به نحو علمی آشنا شوند، لازم است کتاب «اصول احتیاط منهاج فردوسیان» را به دقت مطالعه نمایند.

در پایان، تصریح و تأکید می‌کنم که این رساله، احتیاطات فتوایی من (حاج فردوسی) نیست بلکه جمع‌بندی‌ای از احتیاطات ده‌ها مرجع پرآوازه‌ی شیعه در قرون اخیر است.

همچنین تصریح و تأکید می‌کنم که عمل به این رساله، فقط برای آن دسته از اصحاب منهاج فردوسیان است که شوق وافری به اطاعت مولا و ترک نافرمانی حضرت او دارند.

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حاج فردوسی

قم مقدسه - مردادماه ۱۳۹۳ خورشیدی

مصادف با شهر شوال المکرم ۱۴۳۵ هجری



احکام تقلید و احتیاط

مسأله‌ی ۱: باید عقیده‌تان به خدای تعالی و استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از روی دلیل عقلی باشد، و نباید در این دو اصل تقلید نمایید. همچنین در سایر اعتقاداتتان نباید بدون دلیل از کتاب و سنت و عترت، گفته‌ی کسی را قبول کنید. ولی در احکام غیر ضروری دین باید یا مجتهد باشید که بتوانید احکام را از روی دلیل به دست آورید، یا مجتهد اعلم را پیدا کنید و از او تقلید نمایید و یا از راه احتیاط، طوری به وظیفه‌ی خود عمل نمایید که یقین کنید تکلیف خود را انجام داده‌اید، مثلاً اگر عده‌ای از مجتهدین عملی را حرام می‌دانند و عده‌ی دیگر می‌گویند حرام نیست، آن عمل را انجام ندهید، و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می‌دانند، آن را بجا آورید.

مسأله‌ی ۲: برای تقلید و احتیاط، باید از فتوهای مجتهدی استفاده کنید که مرد و بالغ و عاقل و شیعه‌ی دوازده امامی و حلال‌زاده و زنده و عادل باشد. و عادل را کسی بدانید که با ملکه‌ی عدالت، کارهایی که بر او واجب است را بجا آورد و کارهایی که بر او حرام است را ترک کند. و نشانه‌اش را این بدانید که اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را پرسید، خوبی او را تصدیق نمایند. همچنین باید حریص به دنیا نباشد.

مسئله‌ی ۳: مجتهدینی که در این رساله، فتاوا و احتیاطاتشان محترم شمرده شده و ملاحظه گردیده است، همگی از مشاهیر فقها و مراجع طراز اول زمان خود بوده و هستند، به نحوی که اعلم بودنشان توسط جمعی از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، تصدیق شده و از گفته‌ی آنان، اطمینان پیدا شده است.

مسئله‌ی ۴: هر گاه چند نفر در نظرتان یا بنا به شهادت جمعی از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، با یکدیگر مساوی باشند، باید در عمل، تا جایی که امکان دارد، فتوای همگی را ملاحظه کنید؛ یعنی چنان عمل کنید که فتوای همگی تحقق یابد.

مسئله‌ی ۵: به دست آوردن احتیاط، دو راه دارد: اول: خودتان توانایی علمی جمع کردن بین فتاوا را داشته باشید. دوم: از این رساله بخوانید.

مسئله‌ی ۶: تا یقین نکرده‌اید که صورت بهتری برای احتیاط هست، می‌توانید به آنچه در این رساله نوشته شده عمل کنید و اگر احتمال دهید که صورت بهتری برای احتیاط هست، بهتر است از آن جستجو نمایید.

مسئله‌ی ۷: هر گاه بتوانید اعلم را تشخیص دهید یا به گواهی کسانی که می‌توانند اعلم را تشخیص دهند، یقین به اعلمیت مجتهدی حاصل کنید، می‌توانید از او تقلید نمایید. در غیر این صورت، باید بر طبق آنچه در این رساله آمده، احتیاط کنید.

مسئله‌ی ۸: اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مسئله‌ای که فتوا داده احتیاط کند، مثلاً بفرماید: «اگر ظرف نجس را یک مرتبه در آب گُر بشویند پاک می‌شود، اگر چه احتیاط است که سه مرتبه بشویند»، اگر مقلد او هستید، می‌توانید در آن مسئله به فتوای او عمل کنید و یک مرتبه بشوید، ولی بهتر

است سه مرتبه بشویید.

مسئله‌ی ۹: اگر مجتهدی که از او تقلید می‌کنید از دنیا برود، باید از مجتهد زنده تقلید کنید و مسیر پرابهام تعیین اعلم را دوباره طی نمایید. ولی اگر به احتیاط عمل می‌کنید، با رحلت مجتهدی، تغییری در رویه‌تان ندهید.

مسئله‌ی ۱۰: هر گاه تقلید می‌کنید، می‌توانید به احتیاط عمل کنید و همچنین است هر گاه احتیاط می‌کنید، می‌توانید اگر یقین به اعلمیت مجتهدی برایتان حاصل شد، احتیاط را رها کرده و از اعلم تقلید نمایید. همچنین می‌توانید در برخی مسائل، احتیاط کنید و در برخی مسائل، از اعلم تقلید نمایید.

مسئله‌ی ۱۱: مسائلی که غالباً به آنها احتیاج دارید را باید یاد بگیرید.

مسئله‌ی ۱۲: هر گاه برایتان مسئله‌ای پیش آید که حکم آن را ندانید، می‌توانید به فتوای اعلم - در صورتی که اعلم را بتوانید تشخیص دهید - عمل کنید و همچنین می‌توانید وظیفه‌ی خود را - با کمک این رساله - از روی احتیاط انجام دهید.

مسئله‌ی ۱۳: هر گاه فتوای مجتهدی را به دیگری بگویید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود، بهتر است به او خبر دهید که فتوا عوض شده، ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمید اشتباه کرده‌اید، در صورتی که ممکن باشد، باید اشتباهتان را برطرف کنید.

مسئله‌ی ۱۴: هر گاه مدتی اعمالتان را بدون تقلید انجام داده باشید، در صورتی اعمال خود را صحیح بشمارید که مطابق با فتوای مجتهد اعلم انجام شده باشد یا بر طبق آنچه در این رساله آمده، موافق با احتیاط باشد.

احکام طهارت

آب مطلق و مضاف

مسئله‌ی ۱۵: آب را یا مطلق بدانید یا مضاف. و آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرید، مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند. و غیر اینها را آب مطلق بدانید و آن را بر پنج قسم بشمارید: اول: آب کُر. دوم: آب قلیل. سوم: آب جاری. چهارم: آب باران. پنجم: آب چاه.

آب کُر

مسئله‌ی ۱۶: آب کُر را مقدار آبی بدانید که اگر در ظرفی که هر یک از درازا و پهنا و گودی آن، سه وجب و نیم (به وجب مرد کامل) است بریزید، آن ظرف را پر کند، و وزن آن بیشتر از ۳۷۸ کیلوگرم باشد.

مسئله‌ی ۱۷: اگر عین نجس مانند ادرار و خون یا چیزی که نجس شده است مانند لباس نجس، به آب کُر برسد چنانچه آن آب، بویا رنگ یا مزه‌ی نجاست را بگیرد، آن آب را نجس بشمارید ولی اگر تغییر نکند، نجس نشمارید.

مسئله‌ی ۱۸: اگر بوی آب کُر به واسطه‌ی غیر نجاست تغییر کند، آن را نجس نشمارید.

مسئله‌ی ۱۹: اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بویا رنگ یا مزه‌ی قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده، کمتر از کر باشد، تمام آب را نجس بشمارید ولی اگر مقداری که

تغییر نکرده، به اندازه‌ی کر یا بیشتر باشد، فقط مقداری که بو یا مزه یا رنگ آن تغییر کرده را در حکم نجس بدانید.

مسئله‌ی ۲۰: هر گاه آب فواره متصل به کر باشد، پاک‌کننده‌ی آب نجس بدانید، ولی اگر قطره قطره روی آب نجس بریزد، پاک‌کننده‌ی آن محسوب نکنید، مگر آن‌که چیزی روی فواره بگیرید تا آب آن قبل از قطره قطره شدن، به طوری با آب نجس متصل و با آن مخلوط شود که آب پاک بر آب نجس غلبه کند و آب نجس، جزئی از آن شمرده شود.

مسئله‌ی ۲۱: اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشوید، آبی که از آن چیز می‌ریزد، اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۲۲: اگر مقداری از آب گُر یخ ببندد و باقی آن به قدر کر نباشد، چنانچه نجاست به آن برسد، نجس بشمارید، و هر قدر از یخ هم آب شود نیز نجس بدانید.

مسئله‌ی ۲۳: هر گاه شک کنید آبی که به اندازه‌ی کر بوده، از کر کمتر شده یا نه، مثل آب گُر بدانید، یعنی پاک‌کننده‌ی نجاست بدانید و اگر نجاستی هم به آن برسد، نجسش نشمارید. و آبی که کمتر از کر بوده و شک دارید به مقدار کر شده یا نه را نباید محکوم به حکم آب گُر بدانید.

مسئله‌ی ۲۴: کر بودن آب را به دو راه ثابت بدانید؛ اول: آن‌که خودتان یقین کنید. دوم: آن‌که دو مرد عادل خبر دهند.

آب قلیل

مسئله‌ی ۲۵: آب قلیل را آبی بدانید که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.
مسئله‌ی ۲۶: هر گاه آب قلیل را روی چیز نجسی بریزید یا چیز نجسی به آن

برسد، نجسش بشمارید، ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزید، مقداری که به آن چیز می‌رسد را نجس، و هر چه بالاتر از آن است را پاک بشمارید. و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، در صورتی که نجاست به بالا برسد، پایین را نجس ندانید، ولی اگر نجاست به پایین برسد، بالا را هم باید نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۲۷: آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد را نجس بشمارید. و باید از آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود، اجتناب کنید.

آب جاری

مسئله‌ی ۲۸: آب جاری را آبی بدانید که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد، مانند آب چشمه و قنات.

مسئله‌ی ۲۹: آب جاری، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه‌ی آن به واسطه‌ی نجاست تغییر نکرده است را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۳۰: اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه‌اش به واسطه‌ی نجاست تغییر کرده است را نجس بشمارید، و طرفی که متصل به چشمه است، اگر چه کمتر از کر باشد را پاک بشمارید. و آب‌های دیگر نهر اگر به اندازه‌ی کر باشد یا به واسطه‌ی آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک، و گرنه نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۳۱: با آب چشمه‌ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد، معامله‌ی آب جاری کنید. یعنی اگر نجاست به آن

برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه‌ی آن به واسطه‌ی نجاست تغییر نکرده، پاکش بشمارید.

مسئله‌ی ۳۲: با آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است، معامله‌ی آب جاری کنید و در صورتی که به ملاقات با نجاست، بو یا رنگ یا مزه‌اش تغییر نکند، نجس ندانید.

مسئله‌ی ۳۳: چشمه‌ای که مثلاً در زمستان می‌جوشد و در تابستان از جوشش می‌افتد، فقط وقتی که می‌جوشد، در حکم آب جاری بدانید.

مسئله‌ی ۳۴: آب حوض حمام اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه به خزینه‌ای که آب آن به اندازه‌ی کر است متصل باشد، مثل آب جاری بدانید.

مسئله‌ی ۳۵: آب لوله‌های حمام اگر متصل به کر باشد، مثل آب جاری بدانید، و آب لوله‌های عمارات اگر متصل به کر باشد، در حکم آب کر بشمارید.

مسئله‌ی ۳۶: آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی‌جوشد، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد را نجس بدانید. اما اگر از بالا با فشار به پایین بریزد، چنانچه نجاست به پایین آن برسد، بالای آن را نجس ندانید.

آب باران

مسئله‌ی ۳۷: اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران بیارد، جایی که باران به آن برسد را پاک بشمارید. و در فرش و لباس و مانند اینها فشار دادن را لازم ندانید ولی باید چندان باران بر آن بیارد که بخش زیادی از آب، از آن جدا شود. و باریدن دو سه قطره را پاک‌کننده ندانید، بلکه باید طوری باشد که اگر بر زمین سخت بیارد، جریان پیدا کند.

مسئله‌ی ۳۸: اگر باران به عین نجس بیارد و به جای دیگر ترشح کند،

چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست نگرفته باشد، پاکش بشمارید. پس اگر باران بر خون بیارد و ترشح کند، چنانچه ذره‌ی خون در آن باشد یا آن که بو یا رنگ یا مزه‌ی خون گرفته باشد، نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۳۹: اگر بر سقف عمارت یا روی بام آن عین نجاست باشد، تا وقتی باران به بام می‌بارد، آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می‌ریزد را پاک بدانید، و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبی که می‌ریزد به چیز نجس رسیده است، نجسش بشمارید.

مسئله‌ی ۴۰: زمین نجسی که باران بر آن بیارد را پاک بدانید. و اگر باران بر زمین جاری شود و در حال باریدن به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۴۱: خاک نجسی که به واسطه‌ی باران گِل شود و آب، آن را فرا گیرد و یقین کنید که آب به تمام اجزای آن رسیده، پاک بدانید. اما اگر فقط رطوبت به آن برسد پاک نشمارید.

مسئله‌ی ۴۲: هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه موقعی که باران می‌آید چیز نجسی را در آن بشویند و آب، بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست نگیرد، آن چیز نجس را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۴۳: اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران بیارد و در حال باریدن به زمین نجس برسد، فرش را نجس نشمارید و آن زمین را پس از آن، پاک بدانید.

آب چاه

مسئله‌ی ۴۴: آب چاهی که از زمین می‌جوشد اگر چه کمتر از کر باشد

چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه‌ی آن به واسطه‌ی نجاست تغییر نکرده را پاک بدانید، ولی بهتر است پس از رسیدن بعضی از نجاست‌ها، مقداری که در کتاب‌های مفصل (مانند قواعد نظری منهاج فردوسیان) گفته شده از آب آن بکشید.

مسئله‌ی ۴۵: اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه‌ی آب آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، موقعی پاک بدانید که با آبی که از چاه می‌جوشد، مخلوط گردد و آب پاک، بر آن غلبه نماید.

مسئله‌ی ۴۶: اگر آب باران یا آب دیگر، در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد، چنانچه بعد از قطع شدن باران، نجاست به آن برسد، نجاستش بشمارید.

احکام آب‌ها

مسئله‌ی ۴۷: آب مضاف، که معنی آن گفته شد، را پاک‌کننده‌ی چیز نجس ندانید و وضو گرفتن و غسل کردن با آن را باطل بدانید.

مسئله‌ی ۴۸: اگر ذره‌ای نجاست به آب مضاف - هر چند زیاد باشد - برسد، آن را نجس بشمارید. ولی چنانچه از بالا و با فشار، روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده را نجس بدانید، و مقداری که بالاتر از آن است را پاک بشمارید. مثلاً اگر گلاب را از گلابدان، روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده را نجس و آنچه به دست نرسیده را پاک بدانید. و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا برود، اگر نجاست به بالا برسد، پایین را نجس نشمارید.

مسئله‌ی ۴۹: هرگاه آب مضاف نجس، طوری با آب گُر یا جاری مخلوط شود که دیگر به آن، آب مضاف گفته نشود، پاکش بدانید.

مسئله‌ی ۵۰: آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه را مثل آب مطلق بشمارید، یعنی پاک‌کننده‌ی چیز نجس بدانید و وضو و غسل را با آن صحیح بشمارید. ولی آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه را مثل آب مضاف بشمارید یعنی ناتوان از پاک کردن نجس، و وضو و غسل با آن را هم باطل بدانید.

مسئله‌ی ۵۱: آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، و معلوم نیست که قبلاً مطلق بوده یا مضاف، چنین آبی را پاک‌کننده‌ی نجاست ندانید و وضو و غسل با آن را باطل بشمارید و حتی اگر به اندازه‌ی کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد، حکم به نجس بودن آن نمایید.

مسئله‌ی ۵۲: آبی که عین نجاست مثل خون و ادرار به آن برسد و بویا رنگ یا مزه‌ی آن را تغییر دهد، اگر چه کر یا جاری باشد، نجس بدانید. ولی اگر بو یا رنگ یا مزه‌ی آن به واسطه‌ی نجاستی که بیرون آن است عوض شود، مثلاً مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد، نجس نشمارید.

مسئله‌ی ۵۳: آبی که عین نجاست مثل خون و ادرار در آن ریخته و بو یا رنگ یا مزه‌ی آن را تغییر داده، چنانچه به کر یا جاری متصل شود، یا باران بر آن بیارد، یا باد، باران را در آن بریزد، یا آب باران در موقع باریدن از ناودان در آن جاری شود و با آن مخلوط گردد و تغییر آن از بین برود، را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۵۴: اگر چیز نجس را در آب گُر یا جاری فرو ببرید، و در چیزهایی که قابل فشار دادن است مانند فرش و لباس، طوری فشار، یا در داخل آب حرکت دهید که آب داخل آن خارج شود، چنانچه از چیزهایی باشد که در دفعه‌ی اول پاک می‌شود، آبی که بعد از بیرون آوردن، از آن می‌ریزد را پاک بشمارید و اگر از چیزهایی باشد که باید دو مرتبه آن را در آب فرو برند تا

پاک شود، آبی که بعد از دفعه‌ی دوم از آن می‌ریزد را پاک بشمارید.
مسئله‌ی ۵۵: آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه را پاک بدانید. و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه را نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۵۶: نیم‌خورده‌ی سگ و خوک و کافر را نجس بدانید و نخورید و نیم‌خورده‌ی حیوانات حرام‌گوشت را پاک بدانید ولی از خوردن آن پرهیز کنید.

احکام تخلی (بول و مدفوع کردن)

مسئله‌ی ۵۷: باید همیشه، چه در وقت تخلی و چه در مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه مثل خواهر و مادر با شما محرم باشند، و همچنین از دیوانه و بچه‌های ممیز، که خوب و بد را می‌فهمند، بیوشانید، ولی پوشاندن عورت از زنتان را لازم ندانید و منهاجیات نیز پوشاندن عورت از شوهرشان را لازم ندانند.

مسئله‌ی ۵۸: لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را بیوشانید و اگر مثلاً با دست هم آن را بیوشانید، کافی بدانید.

مسئله‌ی ۵۹: نباید موقع تخلی، طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه و زانوهایتان رو به قبله یا پشت به قبله باشد.

مسئله‌ی ۶۰: نباید موقع تخلی، طرف جلوی بدنتان رو به قبله یا پشت به قبله باشد و فقط به گرداندن عورت خود از قبله بسنده کنید و همچنین اگر جلوی بدنتان رو به قبله یا پشت به قبله نیست، نباید عورتتان را رو به قبله یا پشت به قبله نمایید.

مسئله‌ی ۶۱: می‌توانید در موقع شستن مخرج ادرار و مدفوع رو به قبله یا

پشت به قبله باشید، ولی اگر در موقع استبراء، ادرار از مخرج بیرون آید، نباید در آن حال رو به قبله یا پشت به قبله باشید.

مسئله‌ی ۶۲: اگر برای آن که نامحرم شما را نبیند یا به دلیل دیگری مجبور شوید رو به قبله یا پشت به قبله بنشینید، و تأخیر تخلی موجب ضرر یا مشقت باشد، می‌توانید رو به قبله یا پشت به قبله بنشینید.

مسئله‌ی ۶۳: بچه را در وقت تخلی، رو به قبله یا پشت به قبله نشانید، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۶۴: در چهار جا نباید تخلی کنید:

اول: در کوچه‌های بن بست در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشند.

دوم: در ملک کسی که اجازه‌ی تخلی نداده است.

سوم: در جایی که برای گروه مخصوصی وقف شده است، مثل بعضی از مدرسه‌های علمیه.

چهارم: روی قبر مؤمنین و مؤمنات در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد؛ و همچنین هر جایی که موجب بی‌احترامی به یکی از مقدسات دینی باشد.

مسئله‌ی ۶۵: در سه صورت مخرج مدفوع را فقط با آب پاک کنید:

اول: آن که با غائط، نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد.

دوم: آن که نجاستی از خارج به مخرج مدفوع رسیده باشد.

سوم: آن که اطراف مخرج، بیشتر از مقدار معمول، آلوده شده باشد. و در غیر

این سه صورت می‌توانید مخرج را با آب بشویید و یا به دستوری که بعداً گفته می‌شود با پارچه و سنگ و مانند اینها پاک کنید، اگر چه شستن با آب را بهتر بدانید.

مسئله‌ی ۶۶: مخرج ادرار را فقط با آب، تطهیر کنید. و بهتر است - چه با آب

کر و چه جاری باشد - سه مرتبه بشویید.

مسئله‌ی ۶۷: اگر مخرج مدفوع را با آب بشویید، باید چیزی از مدفوع در آن نماند، ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد. و اگر در دفعه‌ی اول طوری بشویید که ذره‌ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۶۸: می‌توانید با سنگ، کلوخ، پارچه و مانند اینها، اگر خشک و پاک باشد، مخرج مدفوع را تطهیر کنید و چنانچه رطوبت کمی داشته باشد که به مخرج نرسد، دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۶۹: سنگ یا پارچه‌ای که مدفوع را با آن برطرف می‌کنید، باید سه قطعه باشد، بلکه با اطراف یک سنگ یا یک پارچه هم کافی بدانید. و اگر با سه قطعه برطرف نشود، باید به قدری اضافه نمایید تا مخرج، کاملاً پاکیزه شود، ولی باقی ماندن ذره‌های کوچکی که دیده نمی‌شود را دارای اشکال ندانید. و نباید مخرج مدفوع را با چیزهایی که احترام آنها لازم است، مانند کاغذی که نام خدا بر آن نوشته شده، پاک کنید. و اگر پاک کردید، با آن نماز نخوانید.

مسئله‌ی ۷۰: اگر شک کنید که مخرج را تطهیر کردید یا نه، اگر چه همیشه بعد از ادرار یا مدفوع فوراً تطهیر می‌کردید، باید خود را تطهیر نمایید.

مسئله‌ی ۷۱: اگر بعد از نماز، شک کنید که قبل از نماز، مخرج را تطهیر کردید یا نه، نمازی که خواندید را صحیح بشمارید، ولی برای نمازهای بعدی باید تطهیر کنید.

استبراء

مسئله‌ی ۷۲: شایسته است بعد از بیرون آمدن بول، برای آن که یقین کنید ادرار در مجرا نمانده است، استبراء کنید به این صورت که بعد از قطع شدن

بول، اگر مخرج مدفوع نجس شده، اول آن را تطهیر کنید، بعد سه دفعه با انگشت میانه‌ی دست چپ از مخرج مدفوع تا بیخ آلت بکشید، و بعد انگشت شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارید و سه مرتبه تا ختنه‌گاه بکشید و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهید.

مسئله‌ی ۷۳: آبی که گاهی بعد از شوخی‌های جنسی از شما خارج می‌شود، و به آن «مذی» می‌گویند را پاک بدانید. نیز آبی که گاهی بعد از خارج شدن منی بیرون می‌آید، و به آن «وَدّی» گفته می‌شود و آبی که گاهی بعد از ادرار بیرون می‌آید و به آن «وَدّی» می‌گویند، اگر ادرار به آن نرسیده باشد را پاک بشمارید. و چنانچه بعد از بول، استبراء کنید و بعد آبی از شما خارج شود و شک کنید که ادرار است یا یکی از اینها، پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۷۴: هر گاه شک کنید استبراء کردید یا نه و رطوبتی از شما بیرون آید که ندانید پاک است یا نه، نجسش بشمارید، و چنانچه وضو گرفته باشید، دوباره وضو بگیرید. ولی اگر شک کنید که استبرایی که کردید، درست بوده یا نه و رطوبتی از شما بیرون آید که ندانید پاک است یا نه، پاکش بشمارید و خود را نیازمند به تجدید وضو ندانید.

مسئله‌ی ۷۵: هر گاه استبراء نکنید ولی به واسطه‌ی آن که مدتی از ادرار کردنتان گذشته، یقین یا اطمینان حاصل کنید که ادرار در مجرای ادرار نمانده است، و رطوبتی ببینید و شک کنید که پاک است یا نه، آن رطوبت را پاک بدانید و وضوی خود را باطل شده ندانید.

مسئله‌ی ۷۶: اگر بعد از بول، استبراء کنید و وضو بگیرید، چنانچه بعد از وضو رطوبت ببینید که بدانید یا ادرار است یا منی، باید غسل کنید و سپس باطل‌کننده‌ی وضو مثل ادرار یا مدفوع انجام دهید و برای نماز، وضو بگیرید.

همچنین است اگر وضو نگرفته باشید، به همین دستور عمل کنید.
مسئله‌ی ۷۷: برای منہاجیات، استبراء از ادرار نیست، و اگر رطوبتی ببینند و شک کنند ادرار است یا نه، پاک بدانند، و آن را موجب باطل شدن وضو و غسل نشمارند.

کارهایی که خوب است در تخلی مراعات کنید

مسئله‌ی ۷۸: بهتر است در موقع تخلی جایی بنشینید که کسی شما را نبیند، و موقع وارد شدن به مکان تخلی، اول پای چپ و موقع بیرون آمدن اول پای راست را بگذارید. و در حال تخلی، سنگینی بدنتان را بر پای چپ بیاندازید.

مسئله‌ی ۷۹: در موقع تخلی، روبروی خورشید، ماه و باد ننشینید و در جاده، خیابان، کوچه، در خانه و زیر درختی که میوه دارد تخلی نکنید و در آن حال، نخورید و حرف نزنید و زیاد توقف نکنید و با دست راست، طهارت نگیرید.
(تفصیلش در قوانین عملی منهاج فردوسیان آمده است)

مسئله‌ی ۸۰: ایستاده و در زمین سخت و لانه‌ی جانوران و همچنین در آب، خصوصاً آب ایستاده، ادرار نکنید.

مسئله‌ی ۸۱: ادرار و مدفوعتان را نگه ندارید و در صورتی که ضرر می‌رساند، حتماً از این کار پرهیز نمایید.

مسئله‌ی ۸۲: شایسته است پیش از نماز و پیش از خواب و پیش از نزدیکی و بعد از بیرون آمدن منی، ادرار کنید.

نجاسات

مسئله‌ی ۸۳: دوازده چیز را نجس بشمارید: اول: بول؛ دوم: غائط؛ سوم: منی؛ چهارم: مردار؛ پنجم: خون؛ ششم: سگ؛ هفتم: خوک؛ هشتم: کافر؛ نهم: شراب؛ دهم: فقاع؛ یازدهم: عرق حیوان نجاستخوار؛ دوازدهم: عرق جُنُب از حرام.

۱ و ۲ - ادرار و غائط

مسئله‌ی ۸۴: ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام‌گوشتی که خون جهنده دارد یعنی اگر سرخرگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند، را نجس بدانید و از ادرار و غایط حیوان حرام‌گوشتی که خون آن جستن نمی‌کند اجتناب کنید ولی فضله‌ی حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۸۵: فضله‌ی پرندگان حرام‌گوشت را نجس بدانید.

مسئله‌ی ۸۶: ادرار و مدفوع حیوان نجاستخوار و همچنین ادرار و مدفوع حیوانی که انسانی با آن نزدیکی نموده را نجس بشمارید، و از ادرار و مدفوع هر حیوان حلال‌گوشتی که گوشت آن از خوردن شیر خوک محکم شده باشد، پرهیز کنید.

۳ - منی

مسئله‌ی ۸۷: منی حیوانی که خون جهنده دارد - چه حلال‌گوشت باشد و چه حرام‌گوشت - را نجس بدانید.

۴ - مردار

مسئله‌ی ۸۸: مردار انسان و حیوانی که خون جهنده دارد را نجس بشمارید، چه آن حیوان، خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معین شده، آن را کشته باشند، و ماهی را چون خون جهنده ندارد، اگر چه در آب بمیرد، پاک بدانید.

مسئله‌ی ۸۹: چیزهایی از مردار، غیر از سگ و خوک، مثل پشم، مو، کرک، استخوان و دندان که روح نداشته را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۹۰: اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد و در حالی که زنده است، گوشت یا چیز دیگری که روح دارد را جدا کنند، نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۹۱: پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده، اگر چه آنها را بکنید، پاک بشمارید؛ ولی باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده‌اند، اجتناب نمایید.

مسئله‌ی ۹۲: خوردن تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون آید، اگر پوست روی آن سفت شده باشد، را حلال بشمارید، ولی ظاهر آن را باید آب بکشید. مسئله‌ی ۹۳: هر گاه بره یا بزغاله، پیش از آن که علف‌خوار شود بمیرد، پنیرمایه‌ای که در شیردان (معدّه‌ی) آنها می‌باشد را پاک بدانید، ولی ظاهر آن را باید آب بکشید.

مسئله‌ی ۹۴: داروهای روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از کشورهای غیر اسلامی می‌آورند، اگر یقین به نجاست آنها نداشته باشید را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۹۵: گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته می‌شود را پاک بدانید و همچنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد. ولی اگر بدانید آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که

به دستور شرع کشته شده یا نه، نجس بشمارید.

۵ - خون

مسئله‌ی ۹۶: خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر سرخرگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند را نجس بدانید. پس خون حیوانی مانند ماهی و پشه که خون جهنده ندارند را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۹۷: اگر حیوان حلال‌گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می‌ماند را پاک بدانید؛ ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه‌ی این که سر حیوان در جای بلندی بوده، خون به بدن حیوان برگردد، آن خون را نجس بدانید و از خون باقی‌مانده در اجزای حرام حیوان حلال‌گوشت، مانند خون سپرز و تخم‌ها و خون زیادی که در قلب باقی می‌ماند، پرهیز کنید.

مسئله‌ی ۹۸: از تخم مرغی که ذره‌ای خون در آن است، اجتناب کنید. ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده را پاک و قابل خوردن بدانید.

مسئله‌ی ۹۹: خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود و شیری که آن خون در آن بریزد را نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۱۰۰: خونی که از لای دندان‌ها می‌آید را اگر به واسطه‌ی مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک بشمارید و بهتر است آن را فرو نبرید.

مسئله‌ی ۱۰۱: خونی که به واسطه‌ی کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، در صورتی که ناخن یا پوست سوراخ شود، اگر مشقت ندارد، باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورید؛ و اگر مشقت دارد، باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود بشویید، و پارچه یا چیزی مثل پارچه، بر آن

بگذارید و روی پارچه، دست تر بکشید و سپس تیمّم کنید.
مسئله‌ی ۱۰۲: هر گاه خون، زیر پوست، مرده باشد یا گوشت به واسطه‌ی کوبیده شدن به آن حالت درآمده باشد، آن را پاک بدانید.
مسئله‌ی ۱۰۳: اگر موقع جوشیدن غذا، ذره‌ای خون در آن بیافتد، تمام غذا و ظرف آن را نجس بشمارید، و جوشیدن و حرارت و آتش را پاک‌کننده‌ی آن ندانید.
مسئله‌ی ۱۰۴: زردآبه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است را پاک بشمارید.

۶ و ۷ - سگ و خوک

مسئله‌ی ۱۰۵: سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت‌های آنها را نجس بدانید ولی سگ و خوک دریایی را پاک بشمارید.

۸ - کافر

مسئله‌ی ۱۰۶: کافر یعنی کسی که منکر خداست، یا برای خدا شریک قرار می‌دهد، یا پیغمبری استناد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را قبول ندارد را نجس بشمارید، و همچنین است اگر در یکی از اینها شک داشته باشد. و نیز کسی که ضروری دین یعنی چیزهایی مثل نماز و روزه، که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند را منکر شود، چنانچه بداند آن چیز، ضروری دین است و انکار آن به انکار خدا یا توحید یا نبوت برمی‌گردد، او را نجس بدانید. و از کسی که چیزی را انکار می‌کند ولی نمی‌داند از ضروریات دین است و انکار آن به انکار خدا یا توحید یا نبوت برمی‌گردد، دوری کنید.

مسئله‌ی ۱۰۷: از تمام بدن کافر، حتی مو و ناخن و رطوبت‌های او اجتناب کنید.

مسئله‌ی ۱۰۸: اگر پدر، مادر، پدربزرگ و مادربزرگ بچه‌ی نابالغ، کافر باشند، آن بچه را هم نجس بدانید ولی اگر یکی از اینها مسلمان باشد، بچه را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۱۰۹: کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، به پاک‌ی‌اش حکم کنید ولی اگر نشانه‌ای بر اسلام او نباشد، و در کشورهای اسلامی هم نباشد، احکام دیگر مسلمانان را بر او جاری نکنید، مثلاً منہاجیات با او ازدواج نکنند، و در قبرستان مسلمانان دفنش نکنید.

مسئله‌ی ۱۱۰: مسلمانی که به یکی از استادان معظم منهج فردوسیان (علیهم‌السلام) دشنام دهد یا با آنان دشمنی داشته باشد را نجس بدانید.

۹ - شراب

مسئله‌ی ۱۱۱: شراب و هر چیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد را نجس بدانید. و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد، اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود را پاک بشمارید، هر چند که باید از خوردن آن پرهیز نمایید.

مسئله‌ی ۱۱۲: الکل صنعتی که برای رنگ کردن در و میز و صندلی و مانند اینها به کار می‌رود، اگر ندانید از چیزی که مست‌کننده و روان است درست شده است را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۱۱۳: انگور و آب انگوری که به خودی خود یا به واسطه‌ی پختن به جوش آمده را نجس و حرام بدانید ولی اگر دوسوم آن به آتش کم شود، پاک و حلالش بشمارید. و همچنین است اگر تبدیل به سرکه شود.

مسأله‌ی ۱۱۴: خرما و آب آن اگر به جوش بیاید را پاک و حلال بشمارید ولی از مویز و کشمش و آب آنها، اگر به جوش بیاید، پرهیز کنید.

۱۰ - فُقَاع

مسأله‌ی ۱۱۵: فُقَاع که از جو گرفته می‌شود و به آن «آبجو» می‌گویند را نجس بدانید. ولی آبی که به دستور طبیب از جو می‌گیرند و به آن «ماء الشعیر» می‌گویند را پاک و حلال بشمارید.

۱۱ - عرق جُنُب از حرام

مسأله‌ی ۱۱۶: از عرقی که در هنگام جُنُب شدن یا در مدت جُنُب بودن از حرام از بدنتان خارج می‌شود، پرهیز کنید و با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده، نماز نخوانید. و جُنُب از حرام را به معنی جُنُب شدن از زنا، لواط، نزدیکی با حیوانات یا استمناء بدانید.

مسأله‌ی ۱۱۷: اگر در موقعی که نزدیکی با زن، حرام است، مثلاً در حال روزه ی ماه رمضان، با زن خود نزدیکی کنید، باید از عرق خود در نماز اجتناب نمایید.

مسأله‌ی ۱۱۸: هر گاه از حرام جُنُب شوید و به واسطه‌ی تنگی وقت، عوض غسل، تیمم نمایید و بعد از تیمم و خواندن نماز، عرق کنید، باید از عرق خود در نمازهای بعدی اجتناب نمایید و حتی اگر به واسطه‌ی عذر دیگری هم تیمم کردید، بهتر است از عرق خود در نماز، اجتناب نمایید.

مسأله‌ی ۱۱۹: چه این که اول از حرام جُنُب شوید و بعد با حلال خود نزدیکی کنید، و چه این که اول با حلال خود نزدیکی کنید و بعد، از حرام جُنُب شوید، در هر دو حال باید از عرق خود اجتناب کنید.

۱۲ - عرق شتر نجاستخوار

مسئله‌ی ۱۲۰: باید از عرق شتر نجاستخوار و هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده، اجتناب کنید و نباید با لباس یا بدنی که آلوده به چنین عرقی است، نماز بخوانید.

راه ثابت شدن نجاست

مسئله‌ی ۱۲۱: نجاست هر چیز را از سه راه، ثابت بدانید:
اول: آن‌که خودتان یقین یا اطمینان کنید که چیزی نجس است و اگر گمان داشته باشید چیزی نجس است، پرهیز از آن را لازم ندانید. بنابر این می‌توانید در قهوه‌خانه‌ها و میهمان‌خانه‌ها غذا بخورید، هر چند مردمان لایبالی و کسانی که پاک‌ی و نجسی را مراعات نمی‌کنند، در آنجا غذا بخورند، البته در صورتی که یقین یا اطمینان نداشته باشید غذایی را که برایتان آورده‌اند، نجس است.

دوم: آن‌که کسی که چیزی در اختیار اوست و متهم به دروغ‌گویی نیست، بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر یا نوکر یا کلفتتان بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار اوست، نجس می‌باشد.

سوم: آن‌که دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است، و نیز اگر یک نفر عادل و حتی موثق هم بگوید چیزی نجس است، باید از آن چیز اجتناب کنید.

مسئله‌ی ۱۲۲: اگر به واسطه‌ی ندانستن مسئله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را ندانید، مثلاً ندانید عرق جُنب از حرام پاک است یا نه، باید مسئله را پرسید، ولی اگر با این که مسئله را می‌دانید، در چیزی شک کنید که پاک است یا نه، مثلاً شک کنید آن چیز، خون است یا نه، یا ندانید که خون پشه

است یا خون انسان، حکم به پاک‌بودنش نمایید و واری کردن و پرسیدن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۲۳: چیز نجسی که شک دارید پاک شده یا نه را نجس بدانید، و چیز پاکی را اگر شک کنید نجس شده یا نه را پاک بشمارید. ولی اگر به آسانی بتوانید نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمید، بهتر است واری کنید. مسئله‌ی ۱۲۴: اگر بدانید یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آنها استفاده می‌کنید نجس شده ولی ندانید کدام یک است، باید از هر دو اجتناب کنید، بلکه اگر مثلاً نمی‌دانید لباس خودتان نجس شده یا لباسی که هیچ از آن استفاده نمی‌کنید و مال دیگری است، بهتر است از لباس خودتان اجتناب کنید.

راه نجس شدن چیزهای پاک

مسئله‌ی ۱۲۵: اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد، چیز پاک را نجس بدانید ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که به دیگری نرسد، چیزی که پاک بوده را نجس نشمارید.

مسئله‌ی ۱۲۶: اگر چیز پاکی به چیز نجسی برسد و شک کنید که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، آن چیز پاک را نجس نشمارید ولی اگر یکی از آنها یا هر دو، قبلاً تر بوده و شک کنید در حال ملاقات با نجاست، رطوبتش برطرف شده بوده یا نه، باید از آن اجتناب کنید.

مسئله‌ی ۱۲۷: دو چیزی که نمی‌دانید کدام پاک است و کدام نجس است، اگر چیز پاکی با رطوبت به یکی از آنها برسد، نجسش نشمارید ولی اگر یکی از آنها قبلاً نجس بوده و ندانید پاک شده یا نه، چنانچه چیز پاکی به آن برسد،

نجسش بشمارید.

مسئله‌ی ۱۲۸: زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد، هر قسمتی که نجاست به آن برسد را نجس بشمارید و جاهای دیگر آن را پاک بدانید، و همچنین است خیار و خربزه و مانند اینها.

مسئله‌ی ۱۲۹: هرگاه شیره و روغن و مانند اینها طوری باشد که اگر مقداری از آن را بردارند، جای آن خالی نماند، همین که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن را نجس بشمارید، ولی اگر طوری باشد که جای آن در موقع برداشتن خالی بماند، اگر چه بعد پُر شود، فقط جایی که نجاست به آن رسیده را نجس بشمارید، پس اگر مثلاً فضله‌ی موش در آن بیافتد، جایی که فضله افتاده را نجس بشمارید و بقیه‌اش را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۱۳۰: اگر مگس یا حیوانی مانند آن روی چیز نجسی که تر است بنشیند و بعد روی چیز پاکي که آن هم تر است بنشیند، چنانچه بدانید نجاست، همراه آن حیوان بوده، چیز پاک را نجس بشمارید ولی اگر ندانید، پاکش بشمارید.

مسئله‌ی ۱۳۱: اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود، هر جا که عرق به آن برسد را نجس بشمارید، ولی اگر عرق به جای دیگر نرود، جاهای دیگر بدن را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۱۳۲: اخلاطی که از بینی یا گلو می‌آید اگر غلیظ باشد و خون داشته باشد، جایی که خون دارد را نجس و بقیه‌ی آن را پاک بدانید، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که یقین دارید جای نجس اخلاط به آن رسیده، نجس، و محلی را که شک دارید جای نجس به آن رسیده یا نه را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۱۳۳: اگر آفتابه‌ای که کف آن سوراخ است را روی زمین نجس بگذارند، چنانچه آب به طوری در زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود، آب آفتابه را نجس بشمارید ولی اگر آبی که از زیر آفتابه خارج می‌شود، در زمین فرو رود یا جاری شود به نحوی که با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب آفتابه را نجس ندانید.

مسئله‌ی ۱۳۴: اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد، در صورتی که بعد از بیرون آمدن، آلوده به نجاست نباشد، پاک بشمارید؛ پس اگر اسباب تنقیه یا آب آن در مخرج مدفوع وارد شود یا سوزن و چاقو و مانند اینها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن به نجاست آلوده نباشد، نجسش نشمارید.

احکام نجاسات

مسئله‌ی ۱۳۵: نباید خط و ورق قرآن را نجس کنید و اگر نجس شود، باید فوراً آن را آب بکشید.

مسئله‌ی ۱۳۶: اگر جلد قرآن نجس شود، در صورتی که بی‌احترامی به قرآن باشد باید آن را آب بکشید.

مسئله‌ی ۱۳۷: نباید قرآن را روی عین نجس مانند خون و مردار، اگر چه خشک باشد، بگذارید و اگر گذاشته شد، باید فوراً بردارید.

مسئله‌ی ۱۳۸: نباید قرآن را با مرکب نجس بنویسید، اگر چه یک حرف آن باشد، و اگر نوشته شود، باید آن را آب بکشید یا به واسطه‌ی تراشیدن و مانند آن کاری کنید که از بین برود.

مسئله‌ی ۱۳۹: نباید قرآن را به کافر بدهید و اگر قرآنی در دست اوست، در صورت امکان، باید از او بگیرید.

مسئله‌ی ۱۴۰: اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است مثل کاغذی

که اسم خدا یا استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا استادان معظم منهاج (علیهم‌السلام) بر آن نوشته شده در مستراح بیافتد، باید آن را، اگر چه خرج داشته باشد، بیرون آورده و آب بکشید، و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید به آن مستراح نروید تا یقین کنید آن ورق، پوسیده است. و نیز اگر تربت سید الشهداء (علیه‌السلام) در مستراح بیافتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا وقتی که یقین نکرده‌اید به کلی از بین رفته، به آن مستراح نروید.

مسئله‌ی ۱۴۱: عین نجس مثل مردار و شراب را نخورید و به کودکان خود نخورانید بلکه باید کودک را از خوردن آن منع نمایید. همچنین چیزی که نجس شده را نباید بخورید و نباید به دیگران - چه بالغ و چه کودک - بخورانید.

مسئله‌ی ۱۴۲: هر گاه بخواهید چیزی را بفروشید یا عاریه بدهید که نجس شده ولی می‌توان آن را آب کشید، باید نجس بودن آن را به خریدار یا عاریه‌گیرنده بگویید.

مسئله‌ی ۱۴۳: هر گاه ببینید کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، بهتر است به او بگویید.

مسئله‌ی ۱۴۴: هر گاه جایی از خانه یا فرشتان نجس باشد و ببینید بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه‌ی شما می‌شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است، باید به آنان بگویید.

مسئله‌ی ۱۴۵: هر گاه صاحب‌خانه باشید و در بین غذا خوردن بفهمید غذا نجس است، باید به میهمان‌ها بگویید؛ اما اگر یکی از میهمان‌ها هستید، خبر دادن به دیگران را لازم ندانید مگر این که به طوری با آنان معاشرت داشته

باشید که امکان داشته باشد به واسطه‌ی نجس بودن آنان، خود شما هم نجس شوید، که در این صورت، باید بعد از غذا به آنان بگویید. مسأله‌ی ۱۴۶: هر گاه چیزی را که عاریه کرده‌اید نجس شود، باید تطهیرش کنید و اگر تطهیرش نکردید، باید در وقت برگرداندن، به صاحبش اطلاع دهید.

مسأله‌ی ۱۴۷: اگر بجهی ممیزی که خوب و بد را می‌فهمد و تکلیفش هم نزدیک است، بگوید: «چیزی را آب کشیدم»، باید دوباره آن را آب بکشید. ولی اگر در باره‌ی چیزی که در دست اوست، بگوید: «نجس است»، باید از آن اجتناب کنید.

مُطَهَّرَات

مسأله‌ی ۱۴۸: سیزده چیز را پاک‌کننده‌ی نجاست بدانید که آنها را مُطَهَّرَات می‌گویند: اول: آب؛ دوم: زمین؛ سوم: آفتاب؛ چهارم: استحاله؛ پنجم: کم شدن دو سوم آب انگور؛ ششم: انتقال؛ هفتم: اسلام؛ هشتم: تبعیت؛ نهم: برطرف شدن عین نجاست؛ دهم: استبراء حیوان نجاستخوار؛ یازدهم: غایب شدن مسلمان؛ دوازدهم: انقلاب؛ سیزدهم: خارج شدن خون متعارف از ذبیحه. و احکام اینها به طور تفصیل در مسائل آینده گفته خواهد شد.

۱. آب

مسأله‌ی ۱۴۹: آبی را که چهار شرط داشته باشد، پاک‌کننده‌ی نجاسات بدانید:

اول: آن که مطلق باشد. پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید، را پاک‌کننده‌ی نجاسات ندانید.

دوم: آن که پاک باشد.

سوم: آن که وقتی چیز نجس را می‌شویند، آب، مضاف نشود و بویا رنگ یا مزه‌ی نجاست هم نگیرد.

چهارم: آن که بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نباشد. و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کر، شرط‌های دیگری هم دارد که بعداً گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۱۵۰: ظرف نجس را باید سه مرتبه با آب قلیل، کر یا جاری بشوید ولی ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن ظرف، آب یا چیز روان دیگری خورده، باید اول با خاک پاک، خاک‌مال کنید و بعد یک مرتبه در کر یا جاری یا دو مرتبه با آب قلیل بشوید و همچنین ظرفی را که سگ، آب دهان در آن ریخته، باید پیش از شستن، خاک‌مال کنید.

مسئله‌ی ۱۵۱: اگر دهانه‌ی ظرفی که سگ دهان زده، تنگ باشد و نشود آن را خاک‌مال کرد، چنانچه ممکن است، باید پارچه‌ای به چوبی بپیچید و به توسط آن، خاک را به آن ظرف بمالید، و اگر ممکن نیست، باید خاک را در آن بریزید و به شدت تکان دهید تا به همه‌ی ظرف برسد؛ در غیر این صورت، ظرف را پاک نشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۲: ظرفی را که خوک از آن چیز روانی بخورد، یا بلیسد، باید هفت مرتبه با آب قلیل یا کر یا جاری بشوید و بهتر آن است که خاک‌مال کنید.

مسئله‌ی ۱۵۳: اگر بخواید ظرفی را که به شراب نجس شده با آب قلیل آب بکشید، بهتر است هفت مرتبه بشوید.

مسئله‌ی ۱۵۴: کوزه‌ای که از گِل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته، اگر در آب کر یا جاری بگذارید، به هر جای آن که آب برسد، پاک بشمارید. و اگر بخواهید باطن آن هم پاک شود باید به قدری در آب کُر یا جاری بماند که آب - نه رطوبت یا نم - به تمام آن فرو رود.

مسئله‌ی ۱۵۵: ظرف نجس را با آب قلیل، به یکی از این دو صورت تطهیر کنید: یکی آن‌که سه مرتبه پر کنید و خالی کنید، دیگر آن‌که سه دفعه قدری آب در آن بریزید و در هر دفعه، آب را طوری در آن بگردانید که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزید.

مسئله‌ی ۱۵۶: اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره نجس شود، برای تطهیرش سه مرتبه آن را از آب، پُر کنید و خالی کنید. همچنین می‌توانید سه مرتبه از بالا، آب در آن بریزید، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد و در هر دفعه، آبی که در کف ظرف جمع می‌شود را بیرون آورید، و باید در هر دفعه، ظرفی را که با آن، آب‌ها را بیرون می‌آورید، و دستتان اگر به آب خورده را آب بکشید.

مسئله‌ی ۱۵۷: هر گاه فلزی در حالت مذاب، نجس شود، پس از سرد شدن و آب‌کشیدن، ظاهرش را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۱۵۸: برای پاک کردن تنوری که به ادرار نجس شده است، دو مرتبه از بالا، آب در آن بریزید، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد و در غیر بول، بعد از برطرف شدن عین نجاست، یک مرتبه به دستوری که گفته شد، آب در آن بریزید. و بهتر است گودالی در کف آن بکنید تا آب‌ها در آن جمع شود و بیرون بیاورید، سپس آن گودال را با خاک پاک، پر کنید.

مسئله‌ی ۱۵۹: برای تطهیر چیز نجس، بعد از برطرف کردن عین نجاست،

یک مرتبه در آب گُر یا جاری فرو ببرید که آب به تمام جاهای نجس آن برسد، و فرش و لباس و مانند اینها را طوری فشار یا حرکت دهید که آب داخل آن خارج شود.

مسئله‌ی ۱۶۰: اگر بخواهید چیزی که به ادرار نجس شده را با آب قلیل آب بکشید، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزید و از آن جدا شود، در صورتی که ادرار در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه‌ی دیگر هم آب روی آن بریزید؛ ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه، فشار دهید تا باقیمانده‌ی آب آن بیرون آید.

مسئله‌ی ۱۶۱: اگر چیزی به ادرار پسر شیرخواری که غذاخور نشده، و شیر خوک و زن کافره نخورده، نجس شود، برای تطهیرش یک مرتبه آب روی آن بریزید که به تمام جاهای نجس آن برسد، و باقیمانده‌ی آبش جدا شود، و بهتر است یک مرتبه‌ی دیگر هم آب روی آن بریزید. و نیز بهتر است در لباس و فرش و مانند اینها، فشار دهید.

مسئله‌ی ۱۶۲: اگر چیزی به غیر ادرار نجس شود، برای تطهیرش بعد از برطرف کردن نجاست، یک مرتبه آب روی آن بریزید تا از آن جدا شود، ولی در لباس و مانند آن، باید فشار دهید تا باقیمانده‌ی آبش بیرون آید.

مسئله‌ی ۱۶۳: برای تطهیر حصیر نجسی که با نخ بافته شده، آن را در آب گُر یا جاری فرو ببرید تا عین نجاست برطرف شود و سپس فشار دهید تا باقیمانده‌ی آبش خارج شود.

مسئله‌ی ۱۶۴: اگر ظاهر گندم و برنج و مانند اینها نجس شود، برای تطهیرش، آنها را در آب کر یا جاری فرو ببرید ولی اگر باطنش نجس شده باشد، در مصارف غیر خوراکی مانند بذر یا خوراک دام استفاده کنید. و ظاهر

صابون نجس شده را آب بکشید تا عین نجاست برطرف گردد.

مسئله‌ی ۱۶۵: اگر شک کنید که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه، باید حکم به پاک بودن باطنش کنید.

مسئله‌ی ۱۶۶: اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها به ادرار و مانند آن نجس شده باشد، برای تطهیرش آن را در ظرف پاکی بگذارید و بعد از برطرف شدن عین نجس، سه مرتبه آب روی آن بریزید و خالی کنید. ولی اگر بخواهید لباس یا چیزی که فشار لازم دارد را تطهیر کنید، آن را در ظرفی بگذارید و سه مرتبه آب روی آن بریزید و در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزد، آن را فشار دهید و ظرف را کج کنید تا باقیمانده‌ی آبی که در آن جمع شده، بیرون بریزد.

مسئله‌ی ۱۶۷: لباس نجسی را که به نیل و مانند آن رنگ شده، اگر در آب کُر یا جاری فرو ببرید و آب، پیش از آن که به واسطه‌ی رنگ پارچه مضاف شود به تمام آن برسد، آن لباس را پاک بدانید، اگر چه موقع فشار دادن، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید.

مسئله‌ی ۱۶۸: اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشید و بعد مثلاً لجن آب در آن ببینید، چنانچه احتمال ندهید که جلوگیری از رسیدن آب کرده، آن لباس را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۹: اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن، خورده‌ی گل یا اُشنان در آن دیده شود، و بدانید که آب مطلق به زیر آن گل یا اُشنان رسیده، پاک بشمارید؛ ولی اگر آب نجس به باطن گل یا اُشنان رسیده باشد، ظاهر آن را پاک و باطنش را نجس بدانید.

مسئله‌ی ۱۷۰: هر چیز نجس را تا عین نجاست از آن برطرف نشده، پاک

شمارید؛ ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد، احتراز از آن را لازم ندانید. پس اگر خون را از لباس برطرف کنید و لباس را آب بکشید و رنگ خون در آن بماند، پاک بدانید. اما چنانچه به واسطه‌ی بو یا رنگ نجاست، یقین کنید یا احتمال دهید که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده، نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۱۷۱: برای تطهیر نجاست بدن، در آب گُر یا جاری فرو روید، و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۷۲: برای تطهیر غذایی که لای دندان‌ها مانده و نجس شده است، آب را - طوری که به تمام ظاهر و باطن آن برسد - در دهان بگردانید و بیرون بریزید.

مسئله‌ی ۱۷۳: هر گاه موی انبوهی که نجس شده را بخواهید با آب قلیل آب‌کشی کنید، باید فشار دهید که باقیمانده‌ی آب آن جدا شود.

مسئله‌ی ۱۷۴: اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشید، اطراف آن جا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن، آب به آنها سرایت می‌کند، را با پاک شدن جای نجس، پاک بشمارید و همچنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجس بگذارید و روی هر دو آب بریزید. پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس، روی همه‌ی انگشت‌ها آب بریزید و آب نجس به همه‌ی آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس، تمام انگشت‌ها را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۱۷۵: گوشت و دنبه‌ای که نجس شده را مثل چیزهای دیگر، آب بکشید؛ و همچنین است اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.

مسئله‌ی ۱۷۶: اگر ظرف یا بدنتان نجس باشد و بعد به طوری چرب شود که جلوگیری از رسیدن آب به آنها کند، چنانچه بخواهید ظرف و بدن را آب بکشید، باید چربی را برطرف کنید تا آب به آنها برسد.

مسئله‌ی ۱۷۷: برای تطهیر چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، یک دفعه آن را زیر شیری که متصل به کر است بگیرید. و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن، زیر شیر یا به وسیله‌ی دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می‌ریزد، بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست به خود نگرفته باشد، آن را پاک بدانید. اما اگر آبی که از آن می‌ریزد، بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزید تا در آبی که از آن جدا می‌شود، بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست نباشد.

مسئله‌ی ۱۷۸: اگر چیزی را آب بکشید و یقین کنید پاک شده و بعد شک کنید که عین نجاست را از آن بر طرف کردید یا نه، باید دوباره آن را آب بکشید.

مسئله‌ی ۱۷۹: برای تطهیر زمینی که نجس شده و آب، روی آن جاری نمی‌شود، اگر بخواهید با آب قلیل تطهیرش کنید، باید باقیمانده‌ی آب آن را با پارچه یا ظرف بگیرید. ولی زمینی که روی آن، شن یا ریگ باشد، چون آبی که روی آن می‌ریزد از آن جدا شده و در شن و ریگ فرو می‌رود، ظاهرش را پس از ریختن آب، پاک و زیر ریگ‌ها را نجس بدانید.

مسئله‌ی ۱۸۰: اگر بخواهید زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی‌رود را با آب قلیل تطهیر کنید، باید به قدری آب روی آن بریزید که جاری شود. و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اید از سوراخی بیرون رود، همه‌ی زمین را پاک بشمارید، و اگر بیرون نرود، باید باقیمانده‌ی

آب آن را در هر مرتبه، به وسیله‌ی ظرف یا پارچه بگیریید. و اگر امکان دارد گودالی بکنید که آب در آن جمع شود، بعد آب را بیرون بیاورید و گودال را با خاک پاک پُر کنید.

مسئله‌ی ۱۸۱: اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود، با آب کمتر از کر هم می‌توان تطهیر کرد.

مسئله‌ی ۱۸۲: اگر از شکر آب‌شده‌ی نجس، قند بسازید، حتی اگر در آب کُر یا جاری بگذارید، پاکش نشمارید.

۲. زمین

مسئله‌ی ۱۸۳: زمین را با پنج شرط، پاک‌کننده‌ی کف پا و ته کفش نجس بدانید:

اول: آن‌که زمین پاک باشد.

دوم: آن‌که خشک باشد.

سوم: آن‌که اگر عین نجس مثل خون و بول، یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد، به واسطه‌ی راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود.

چهارم: زمین باید خاک یا سنگ یا آجرفرش یا موزاییک و مانند اینها باشد، و نباید با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش نجس را پاک بشمارید.

پنجم: کف پا و ته کفش، به واسطه‌ی راه رفتن نجس شده باشد، پس اگر به واسطه‌ی غیر راه رفتن روی زمین نجس، نجس شود، نباید برای تطهیرش به راه رفتن روی زمین اکتفا کنید.

مسئله‌ی ۱۸۴: راه رفتن روی آسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده

باشد را پاک‌کننده‌ی کف پا و ته کفش نجس ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۵: برای پاک شدن کف پا و ته کفش، بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروید، اگر چه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

مسئله‌ی ۱۸۶: تر بودن کف پا و ته کفش نجس را لازم ندانید، بلکه اگر خشک هم باشد، می‌توانید با راه رفتن، پاکش کنید.

مسئله‌ی ۱۸۷: بعد از آن که کف پا و ته کفش نجس را به راه رفتن پاک کردید، مقداری از اطراف آن که معمولاً به گِل آلوده می‌شود، را نیز پاک بدانید.

مسئله‌ی ۱۸۸: هر گاه با دست و زانو راه بروید، اگر کف دست یا زانویتان نجس شود، با غیر راه رفتن تطهیر کنید و همچنین است ته عصا و پای مصنوعی و نعل چهارپایان و چرخ اتومبیل و درشکه و مانند اینها.

مسئله‌ی ۱۸۹: اگر بعد از راه رفتن، بو یا رنگ یا ذره‌های کوچکی از نجاست که دیده نمی‌شود در کف پا یا ته کفش بماند، باید آن ذره‌ها را هم برطرف کنید، ولی به باقی بودن بو و رنگ اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۹۰: نباید داخل کفش و مقداری از کف پا که به زمین نمی‌رسد را به واسطه‌ی راه رفتن پاک بدانید و همچنین کف جوراب را به راه رفتن پاک ندانید، مگر این که کف جوراب از پوست باشد و به جای کفش بپوشید.

۳. آفتاب

مسئله‌ی ۱۹۱: آفتاب را با پنج شرط، پاک‌کننده‌ی زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار برده شده و همچنین میخی که به دیوار کوبیده‌اند و جزء ساختمان حساب می‌شود، بدانید:

اول: آن که چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود. پس اگر خشک باشد، باید به وسیله‌ای آن را تر کنید تا آفتاب خشک کند.

دوم: آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب، آن را برطرف کنید.

سوم: آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند. پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز را پاک شمارید. ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پاک‌کننده‌اش بدانید.

چهارم: آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند. پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه‌ی باد و آفتاب خشک شود، پاک ندانید، مگر این که باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده است.

پنجم: آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یک مرتبه خشک کند. پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد، و روی آن را خشک کند و دفعه‌ی دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن را پاک بشمارید و زیر آن را نجس بدانید.

مسئله‌ی ۱۹۲: آفتاب را پاک‌کننده‌ی حصیر نجس ندانید ولی درخت و گیاهی که در زمین است، پیش از چیدن آن، به واسطه‌ی آفتاب پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۱۹۳: اگر بعد از تابیدن آفتاب به زمین نجس، شک کنید که زمین در موقع تابیدن آفتاب، تر بوده یا نه، یا تری آن به واسطه‌ی آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین را پاک بشمارید. و همچنین است اگر شک کنید که پیش از تابش آفتاب، عین نجاست از آن برطرف شده یا نه، یا شک کنید که

چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه.
مسئله‌ی ۱۹۴: اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد، طرفی که آفتاب به آن نتابیده را پاک شمارید.

۴. استحاله

مسئله‌ی ۱۹۵: اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی در آید، پاکش بدانید و می‌گویند «استحاله» شده است. مثل آن که چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد، یا سگ در نمکزار فرو رود و تبدیل به نمک شود. ولی اگر جنس آن عوض نشود، مثل آن که گندم نجس را آرد کنند یا نان ببزند، نباید پاکش بشمارید.

مسئله‌ی ۱۹۶: کوزه گلی و مانند آن، که از گل نجس ساخته شده را نجس بدانید و باید از ذغالی که از چوب نجس درست شده، اجتناب نمایید.
مسئله‌ی ۱۹۷: چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه را نجس بدانید.

مسئله‌ی ۱۹۸: هر گاه شراب، به خودی خود یا به واسطه‌ی آن که چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته‌اند، سرکه شود، پاکش بشمارید.
مسئله‌ی ۱۹۹: شرابی که از انگور نجس و مانند آن درست شده یا نجاست دیگری به آن رسیده باشد، به سرکه شدن پاک ندانید.
مسئله‌ی ۲۰۰: سرکه‌ای که از انگور یا کشمش یا خرما نجس درست شده را نجس بشمارید.

مسئله‌ی ۲۰۱: اگر پوشال ریز انگور یا خرما داخل آنها باشد می‌توانید سرکه بریزید، ولی پیش از آن که خرما و کشمش و انگور تبدیل به سرکه شود، خیار و بادمجان و مانند اینها در آن نریزید.

۵. کم شدن دو سوم آب انگور

مسئله‌ی ۲۰۲: آب انگوری را که به آتش جوش آمده، قبل از این که دوسوم آن تبخیر شود، پاک بشمارید ولی باید از خوردن آن احتراز نمایید. اما اگر به خودی خود جوش بیاید، فقط به سرکه شدن پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۲۰۳: اگر مثلاً در یک خوشه‌ی غوره، یک یا دو دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می‌شود آبغوره گفته شود و اثری از شیرینی انگور در آن نباشد و بجوشد، پاک بشمارید و خوردنش را حلال بشمارید.

مسئله‌ی ۲۰۴: چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، اگر جوش بیاید، حرام و نجس نشمارید.

۶. انتقال

مسئله‌ی ۲۰۵: هر گاه خون انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می‌کند، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد، برود و خون آن حیوان حساب شود، پاک بشمارید، و این را «انتقال» گویند. پس خونی که زالو از انسان می‌مکد، چون خون زالو به آن گفته نمی‌شود و می‌گویند خون انسان است، نجس بدانید.

مسئله‌ی ۲۰۶: هر گاه پشه‌ای که به بدنتان نشسته را بکشید و ندانید خونی که از پشه بیرون آمده از بدن شما مکیده یا از خود پشه می‌باشد، حکم به پاکی آن کنید، و همچنین است اگر بدانید از شما مکیده ولی جزء بدن پشه حساب شود. اما اگر فاصله‌ی بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است، آن خون را نجس بشمارید، و اگر بدانید که

آن خون را از انسان مکیده و شک کنید که جزء بدن پشه شده یا نه، از آن اجتناب کنید.

۷. اسلام

مسئله‌ی ۲۰۷: هر گاه کافر، شهادتین بگوید، یعنی بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله»، مسلمانش بشمارید، و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او را پاک بدانید. ولی اگر موقع مسلمان شدن، عین نجاست به بدن او بوده، باید برطرف کند و جای آن را آب بکشد. و حتی اگر پیش از مسلمان شدن، عین نجاست برطرف شده باشد، باز هم جای آن را آب بکشد.

مسئله‌ی ۲۰۸: اگر موقعی که کافر بوده، لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد - چه آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او باشد و چه نباشد - باید از آن اجتناب کنید.

مسئله‌ی ۲۰۹: اگر کافر شهادتین بگوید و ندانید قلباً مسلمان شده یا نه، حکم به پاکی‌اش کنید، ولی اگر بدانید قلباً مسلمان نشده، باید از او اجتناب کنید.

۸. تبعیت

مسئله‌ی ۲۱۰: تبعیت را آن بدانید که چیز نجسی به واسطه‌ی پاک شدن چیز نجس دیگر، پاک شود.

مسئله‌ی ۲۱۱: اگر شراب، سرکه شود، ظرف آن را هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آن جا رسیده، پاک بشمارید. و پارچه و چیزی هم که معمولاً روی آن می‌گذارند، اگر به آن رطوبت نجس شود، پاک بشمارید، ولی اگر پشت ظرف به آن شراب آلوده شود، بعد از سرکه شدن شراب، از آن

اجتناب کنید.

مسئله‌ی ۲۱۲: تخته یا سنگی که روی آن میت را غسل می‌دهید، و پارچه‌ای که با آن عورت میت را می‌پوشانید، و دستتان که او را غسل می‌دهد، و همین طور کیسه و صابونی که با آن شسته می‌شود را بعد از تمام شدن غسل، پاک بشمارید، هر چند بهتر است کیسه و صابون را جداگانه آب بکشید.

مسئله‌ی ۲۱۳: هر گاه چیزی را با دست خودتان آب می‌کشید، بعد از پاک شدن آن چیز، دستتان را پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۲۱۴: هر گاه لباس و مانند آن را با آب قلیل، آب بکشید و به اندازه‌ی معمول فشار دهید تا آبی که روی آن ریخته‌اید جدا شود، آبی که در آن می‌ماند را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۵: هر گاه ظرف نجس را با آب قلیل آب بکشید، بعد از جدا شدن آبی که برای پاک شدن، روی آن ریخته‌اید، قطرات آب کمی که در آن می‌ماند را پاک بدانید.

۹. برطرف شدن عین نجاست

مسئله‌ی ۲۱۶: اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون، یا متنجس مثل آب نجس، آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود، بدن آن حیوان را پاک بشمارید. و همچنین است باطن بدن انسان مثل داخل دهان و بینی. مثلاً اگر خونی از لابلائی دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن داخل دهان را لازم ندانید. ولی اگر دندان مصنوعی قابل خارج کردن، در دهان، نجس شود، باید آن را آب بکشید.

مسئله‌ی ۲۱۷: اگر غذایی لابلائی دندان‌هایتان مانده باشد و داخل دهانتان خون بیاید، چنانچه ندانید که خون به غذا رسیده، آن غذا را پاک بشمارید ولی

اگر خون به آن برسد، باید آب بکشید.
مسئله‌ی ۲۱۸: جایی را که نمی‌دانید از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجس شود، باید آب بکشید.
مسئله‌ی ۲۱۹: اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند اینها بنشیند، چنانچه هر دو خشک باشند، نجس نشمارید، ولی اگر گرد و خاک یا لباس و مانند اینها تر باشد، باید محل نشستن گرد و خاک را آب بکشید.

۱۰. استبراء حیوان نجاستخوار

مسئله‌ی ۲۲۰: ادرار و مدفوع حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده را نجس بدانید و اگر بخواهید پاک شمرده شود، باید آن را استبراء کنید، یعنی تا مدتی که بعد از آن مدت، دیگر نجاستخوار به آن نگویند، نگذارید نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهید. پس باید شتر نجاستخوار را چهل روز، و گاو را سی روز و گوسفند را چهارده روز و مرغابی را هفت روز و مرغ خانگی را سه روز از خوردن نجاست جلوگیری کنید و غذای پاک به آنها بدهید. و اگر بعد از این مدت باز هم نجاستخوار به آنها گفته شود، باید تا مدتی که دیگر نجاستخوار به آنها نگویند، آنها را از خوردن نجاست جلوگیری نمایید و در این مدت، از ادرار و مدفوعشان پرهیز کنید.

۱۱. غایب شدن مسلمان

مسئله‌ی ۲۲۱: هر گاه چیزی مانند ظرف و فرش، در اختیار مسلمانی باشد و بدانید که نجس شده است، اگر آن مسلمان نباشد که پاک یا نجس بودن آن چیز را از او پرسید، باید آن را آب بکشید.
مسئله‌ی ۲۲۲: هر گاه خودتان یقین کنید که چیزی که نجس بوده، پاک شده

است، یا دو عادل به پاک شدن آن خبر دهند، آن چیز را پاک بشمارید و همچنین است اگر مسلمانی که مراعات پاکی و نجسی می‌کند و چیز نجس در اختیار اوست بگوید آن چیز پاک شده است، ولی اگر مسلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد، و معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه، بهتر است دوباره آب بکشید.

مسئله‌ی ۲۲۳: کسی که وکیل شده است لباسان را آب بکشد، اگر بگوید آب کشیدم، و به گفته‌ی او اطمینان پیدا کنید، آن لباس را پاک بدانید.
مسئله‌ی ۲۲۴: اگر حالی دارید که در آب کشیدن چیز نجس، یقین به پاک شدن پیدا نمی‌کنید، در صورتی که تطهیرتان به نحو متعارف است، به گمان پاک شدن اکتفا کنید.

احکام ظرفها

مسئله‌ی ۲۲۵: نباید از ظرفی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شده، بخورید و بیاشامید و همچنین نباید آن ظرف را در وضو و غسل و کارهایی که باید با چیز پاک انجام داد، استعمال کنید. بلکه چرم سگ و خوک و مردار را - اگر چه ظرف هم نباشد - استعمال نکنید.

مسئله‌ی ۲۲۶: نباید از ظرف طلا و نقره بخورید و بیاشامید و همچنین از آنها در زینت اتاق استفاده ننمایید و حتی برای ذخیره‌ی مالی نیز نگهداری نکنید.
مسئله‌ی ۲۲۷: ظروف طلا و نقره نسازید و از مزد گرفتن برای ساختن آن پرهیز کنید.

مسئله‌ی ۲۲۸: نباید ظروف طلا و نقره را خرید و فروش کنید و از درآمد آن پرهیز نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۹: از گیره‌ی استکان که از طلا یا نقره ساخته شده باشد، استفاده

نکنید.

مسئله‌ی ۲۳۰: از ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند، استفاده نکنید.

مسئله‌ی ۲۳۱: اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنید و ظرف بسازند، چنانچه مقدار آن فلز به قدری زیاد باشد که ظرف طلا یا نقره به آن ظرف نگویند، استعمال آن مانعی ندارد.

مسئله‌ی ۲۳۲: می‌توانید غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است به قصد فرار از غذا خوردن در ظرف طلا و نقره، در ظرف دیگری بریزید و می‌توانید از ظرف دوم، که طلا یا نقره نیست، بخورید و بیاشامید. ولی نباید به عنوان مخزن از آن استفاده کنید مثل این که از پارچ طلا یا نقره، آب در لیوان غیر طلا یا نقره بریزید.

مسئله‌ی ۲۳۳: می‌توانید از بادگیر قلیان و غلاف شمشیر و کارد و قاب قرآن، اگر از طلا یا نقره باشد، استفاده کنید. ولی از عطردان و سرمه‌دان طلا و نقره استفاده نکنید.

مسئله‌ی ۲۳۴: می‌توانید از ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری و برای تقیه استفاده کنید.

مسئله‌ی ۲۳۵: از ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره است یا از چیز دیگر، می‌توانید استفاده کنید.

وضو

مسئله‌ی ۲۳۶: در وضو باید صورت و دست‌هایتان را بشوید و جلوی سر و

روی پاهایتان را مسح کنید.

مسئله‌ی ۲۳۷: باید درازای صورتتان را از بالای پیشانی، یعنی از جایی که موی سر بیرون می‌آید، تا آخر چانه، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد را بشوید. و اگر مختصری از این مقدار را نشوید، وضویتان را باطل بدانید. پس برای آن که یقین کنید این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی از اطراف آن را هم بشوید.

مسئله‌ی ۲۳۸: اگر صورت یا دستتان کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم است، باید ملاحظه کنید که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می‌شویند، شما هم تا همان جا را بشوید. و نیز اگر در پیشانی‌تان مو رویده یا جلوی سرتان مو ندارد، باید به اندازه‌ی معمول، پیشانی را بشوید. و اگر دست و صورتتان هر دو بر خلاف معمول باشد، ولی با هم متناسب باشد، ملاحظه‌ی معمول را لازم ندانید، بلکه به دستوری که در مسئله‌ی پیش گفته شد، وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۳۹: اگر احتمال دهید چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب‌تان هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمالتان در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو واریسی کنید که اگر هست برطرف نماید. مسئله‌ی ۲۴۰: اگر پوست صورتتان از لابلای مو پیدا باشد، باید آب را به پوستتان برسانید، و اگر پیدا نباشد، شستن مو را کافی بدانید و رساندن آب به زیر آن را لازم نشمارید.

مسئله‌ی ۲۴۱: هر گاه شک کنید که پوست صورتتان از لابلای مو پیدا است یا نه، باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برسانید.

مسئله‌ی ۲۴۲: شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن

دیده نمی‌شود را در وضو، لازم ندانید، ولی برای آن‌که یقین کنید از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، باید مقداری از آنها را هم بشوید. و اگر نمی‌دانسته‌اید که باید این مقدار را بشوید، اگر بدانید در وضوهایی که گرفته‌اید، مقدار واجب را شسته‌اید، نمازهایی که خوانده‌اید را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۳: برای وضو، باید صورتان را از بالا به پایین، و دست‌های‌تان را از آرنج به طرف انگشتان بشوید و اگر از پایین به بالا بشوید، وضویتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۴۴: هر گاه دستتان را تر کنید و به صورت و دست‌هایتان بکشید، چنانچه تری دستتان به قدری باشد که به واسطه‌ی کشیدن دست، اندکی آب بر آنها جاری شود و شستن صدق کند، برای وضو کافی بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۵: بعد از شستن صورتان، باید دست راستتان و بعد از آن دست چپتان را از آرنج تا سر انگشتانتان بشوید.

مسئله‌ی ۲۴۶: برای آن‌که یقین کنید آرنجتان را کاملاً شسته‌اید، باید مقداری بالاتر از آرنجتان را هم بشوید.

مسئله‌ی ۲۴۷: هر گاه پیش از شستن صورت، دست‌هایتان را تا مچ شسته باشید، در موقع وضو باید تا سر انگشتانتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویتان را باطل بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۸: در وضو، صورت و دست‌هایتان را با یک مشت آب بشوید و از دو بار و بیشتر آب ریختن، پرهیز کنید.

مسئله‌ی ۲۴۹: بعد از شستن هر دو دست، باید جلوی سرتان را با رطوبتی که از آب وضو در دست راستتان مانده، مسح کنید، و باید از بالا به پایین مسح نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۰: برای مسح سر، قسمتی از سرتان که مقابل پیشانی است را حد اقل به درازای یک انگشت و به پهنای سه انگشت بسته، مسح نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۱: بهتر است مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم می‌توانید، ولی اگر موی جلوی سرتان به اندازه‌ای بلند است که اگر شانه کنید، به صورتتان می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کنید یا فرق سر را باز کرده، پوست سر را مسح نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۲: بعد از مسح سر، باید با رطوبتی که از آب وضو در دست راستتان مانده، روی پای راستتان و با رطوبتی که از آب وضو در دست چپتان مانده، روی پای چپتان را مسح کنید و مسح باید از سر یکی از انگشت‌ها تا مفصل پا باشد.

مسئله‌ی ۲۵۳: بهتر است پایتان را به اندازه‌ی پهنای سه انگشت بسته‌ی دستتان مسح کنید و بهتر از آن، این است که تمام روی پایتان را با تمام کف دستتان مسح نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۴: باید در مسح پا، دست را بر سر انگشت‌ها بگذارید و بعد به روی پا بکشید، نه این که تمام دست را روی پا بگذارید و کمی بکشید. و برای اطمینان، اندکی از زیر انگشتان را نیز مسح کنید.

مسئله‌ی ۲۵۵: در مسح سر و روی پاها، باید دست را روی آنها بکشید، نه این که دست را نگهدارید و سر یا پا را به آن بکشید.

مسئله‌ی ۲۵۶: جای مسحان باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند، مسح را باطل بدانید، ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می‌شود، بگویند فقط از تری کف دست است، وضو را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۲۵۷: اگر برای مسح، رطوبت در کف دستتان نمانده باشد، نباید دستتان را با آب خارج، تر کنید، بلکه باید از ریش یا ابروها و پلک‌هایتان رطوبت بگیرید و با آن مسح نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۸: اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه‌ی مسح سر باشد، باید سر را با همان رطوبت مسح کنید، و برای مسح پاها از ریش یا ابروها و پلک‌هایتان رطوبت بگیرید.

مسئله‌ی ۲۵۹: در حال اختیار نباید بر روی جوراب یا کفش، مسح کنید، ولی اگر به واسطه‌ی سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتوانید کفش یا جورابتان را بیرون آورید، بعد از مسح بر آنها، تیمّم کنید. همچنین اگر روی کفشتان نجس باشد، باید چیز پاکی بر آن بیاندازید و بر آن چیز مسح کنید و سپس تیمّم نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۰: اگر تمام روی پایتان نجس باشد و نتوانید برای مسح، آن را آب بکشید، باید پارچه یا چیز پاکی بر روی آن بگذارید و روی آن را مسح بکشید و سپس تیمّم نمایید.

وضوی ارتماسی

مسئله‌ی ۲۶۱: وضوی ارتماسی را چنین بدانید که که صورت و دست‌هایتان را بعد از این که در آب فرو بردید، به قصد وضو گرفتن بیرون آورید.

مسئله‌ی ۲۶۲: در وضوی ارتماسی نیز مانند وضوی ترتیبی، باید صورت و دست‌هایتان را از بالا به پایین بشوید، پس بعد از این که صورتتان را در آب فرو بردید، باید از طرف پیشانی بیرون آورید و وقتی دست‌هایتان را در آب فرو بردید، باید از طرف آرنج بیرون آورید.

مسئله‌ی ۲۶۳: می‌توانید بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی دیگر را ترتیبی

وضو دهید.

دعاهای موقع وضو گرفتن

مسأله‌ی ۲۶۴: هر گاه خواستید وضو بگیرید، موقعی که نگاهتان به آب می‌افتد، بگویید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجْسًا»

و موقعی که پیش از وضو، دستان خود را می‌شوید، بگویید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»

و در وقت مضمضه کردن یعنی آب در دهان گرداندن، بگویید: «اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ»

و در وقت استنشاق یعنی آب در بینی کردن، بگویید: «اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طَيِّبَهَا»

و موقع شستن صورت، بگویید: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ»

و در وقت شستن دست راست، بگویید: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ يَسَارِي وَ حَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا»

و موقع شستن دست چپ، بگویید: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً اِلَى عُنُقِي وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ التَّيْرَانِ»

و موقعی که سر را مسح می‌کنید، بگویید: «اللَّهُمَّ عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ»

و در وقت مسح پا، بخوانید: «اللَّهُمَّ تَبْتِنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ».

شرایط وضو

وضویتان را با سیزده شرط، صحیح بدانید:

شرط اول: آن که آب وضو، پاک باشد.

شرط دوم: آن که آب وضو، مطلق باشد.

مسئله‌ی ۲۶۵: با آب نجس و آب مضاف، وضو نگیرید و اگر نجس بودن یا مضاف بودن آب را فراموش کنید و با آن وضو گرفته و نماز بخوانید، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخوانید.

مسئله‌ی ۲۶۶: اگر غیر از آب گِل‌آلود مضاف، آب دیگری برای وضو ندارید، چنانچه وقت نماز تنگ است، باید تیمّم کنید و اگر وقت دارید، صبر کنید تا آب، صاف شود و وضو بگیرید.

شرط سوم: آن که آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرید، مباح باشد.

مسئله‌ی ۲۶۷: نباید با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، وضو بگیرید ولی اگر سابقاً راضی بوده و ندانید که از رضایتش برگشته یا نه، می‌توانید وضو بگیرید. و نباید در جایی وضو بگیرید که آب وضو از صورت و دست‌هایتان در جای غصبی بریزد.

مسئله‌ی ۲۶۸: وضو گرفتن از حوض مدرسه‌ای که نمی‌دانید آن حوض را برای همه‌ی مردم وقف کرده‌اند یا برای محصلین همان مدرسه، در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو بگیرند و اطمینان پیدا کنید که وقف آن عمومی است را بدون اشکال بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۹: هر گاه نمی‌خواهید در مسجدی نماز بخوانید، اگر ندانید حوض آن را برای همه‌ی مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آن جا نماز می‌خوانند، نباید از حوض آن وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۰: در صورتی از حوض تیمچه‌ها و مسافرخانه‌ها و مانند اینها در زمانی که ساکن آن جاها نیستید، وضو بگیرید که علم به رضایت صاحبان آنها داشته باشید، و وضو گرفتن کسانی که در آن جاها ساکن نیستند و ممانعت نکردن صاحبان آنها را برای حاصل شدن علم، کافی بدانید.

مسئله‌ی ۲۷۱: وضو گرفتن در نه‌های بزرگ را تا زمانی که ندانید صاحب آنها ناراضی یا صغیر یا دیوانه است یا در تصرف غاصب می‌باشد، بدون اشکال بدانید ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند، نباید با آب آنها وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۲: اگر فراموش کنید آب، غصبی است و با آن وضو بگیرید، وضویتان را صحیح بدانید. ولی اگر خودتان آب را غصب کرده‌اید و غصبی بودن آن را فراموش کنید، باید با آب دیگری که غصبی نباشد وضو بگیرید. شرط چهارم: آن که ظرف آب وضو، مباح باشد.

شرط پنجم: آن که ظرف آب وضو، طلا و نقره نباشد.

مسئله‌ی ۲۷۳: اگر آب وضو در ظرف غصبی یا طلا یا نقره است، نباید با آب آنها وضو بگیرید و اگر غیر از آن، آب دیگری ندارید، باید تیمّم کنید.

مسئله‌ی ۲۷۴: نباید در حوضی که مثلاً یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است، وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۵: اگر در صحن حرم یکی از استادان منهج (علیهم‌السلام) یا امام‌زادگان که سابقاً قبرستان بوده، حوض یا نه‌ری بسازند، چنانچه ندانید که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده‌اند، می‌توانید در آن حوض و نه‌ر وضو بگیرید.

شرط ششم: آن که اعضای وضو، موقع شستن و مسح کردن، پاک باشد.

مسئله‌ی ۲۷۶: اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده‌اید نجس شود، وضویتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۷۷: اگر جایی از بدنتان - غیر از اعضای وضو - نجس باشد، وضو را صحیح بدانید. ولی اگر مخرج را از ادرار یا مدفوع تطهیر نکرده باشید، بهتر است اول آن را تطهیر کنید و بعد وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۸: اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کنید که پیش از وضو آن جا را آب کشیدید یا نه، جایی که نجس بوده را باید آب بکشید و دوباره وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۹: اگر در صورت یا دست‌هایتان بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، در آب کُر یا جاری فرو ببرید و قدری فشار دهید که خون، بند بیاید، بعد به نیت وضو، به دستور وضوی ارتماسی، از آب بیرون بیاورید.

شرط هفتم: آن که وقت برای وضو و نماز، کافی باشد.

مسئله‌ی ۲۸۰: هرگاه وقت نماز به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرید، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمّم کنید. ولی اگر برای وضو و تیمّم به یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۸۱: جایی که باید در تنگی وقت نماز، تیمّم کنید، نباید وضو بگیرید و اگر وضو گرفتید، به آن وضو اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۲۸۲: لازم نیست نیت وضو را به زبان بگویید یا از قلب خود بگذرانید، ولی باید در تمام وضو متوجه باشید که وضو می‌گیرید، به طوری که اگر از شما پرسند: چه می‌کنید، بدانید چه می‌کنید.

شرط نهم: آن که وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورید یعنی اول، صورت

و بعد، دست راست و بعد، دست چپ را بشویید و بعد از آن، سر و بعد، پاها را مسح نماید و پای راست را پیش از پای چپ مسح کنید و اگر به این ترتیب نباشد، به آن وضو اعتنا نکنید.

شرط دهم: آن‌که کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهید.

مسئله‌ی ۲۸۳: نباید بین کارهای وضو به قدری فاصله بیاندازید که وقتی می‌خواهید جایی را بشویید یا مسح کنید، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده‌اید، خشک شده باشد.

مسئله‌ی ۲۸۴: اگر کارهای وضو را پشت سر هم بجا آورید، ولی به واسطه‌ی گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها، رطوبت عضو قبلی خشک شود، اگر رطوبت به اندازه‌ی مسح داشته باشید، وضویتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۸۵: می‌توانید در بین وضو راه بروید، مثلاً بعد از شستن صورت و دست‌ها، چند قدم راه بروید و بعد سر و پا را مسح کنید.

مسئله‌ی ۲۸۶: هر گاه نتوانید وضو بگیرید، باید نایب بگیرید که نایب شما را وضو دهد. و چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتوانید باید بدهید، ولی باید خودتان نیت وضو کنید و با دست خودتان مسح نمایید، و اگر نمی‌توانید، باید نایب، دست شما را بگیرد و به جای مسحتان بکشد. و اگر این هم ممکن نیست، باید از دست شما رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پایتان را مسح کنید. و در صورت امکان، تیمّم هم نمایید.

مسئله‌ی ۲۸۷: هر کدام از کارهای وضو را که می‌توانید به تنهایی انجام دهید، نباید در آن کمک بگیرید.

شرط دوازدهم: آن‌که استعمال آب برایتان مانعی نداشته باشد.

مسئله‌ی ۲۸۸: هر گاه بترسید اگر وضو بگیرید، مریض شوید یا اگر آب را به

مصرف وضو برسانید، تشنه بمانید، نباید وضو بگیرید، و باید تیمّم کنید. ولی اگر ندانید که آب برایتان ضرر دارد و وضو بگیرید و بعد بفهمید ضرر داشته، علاوه بر وضو، تیمّم نیز بنمایید. و اگر با آن وضو، نماز را به جا آورده‌اید، تیمّم کنید و نماز را اعاده نمایید.

مسأله‌ی ۲۸۹: اگر رساندن آب به صورت و دست‌هایتان به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرید.

شرط سیزدهم: آن که در اعضای وضو، مانعی از رسیدن آب نباشد.

مسأله‌ی ۲۹۰: اگر می‌دانید چیزی به اعضای وضویتان چسبیده، ولی شک دارید که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کنید یا آب را به زیر آن برسانید.

مسأله‌ی ۲۹۱: اگر زیر ناخن، که باطن محسوب می‌شود، چرک داشته باشید، وضویتان را دارای اشکال ندانید. ولی اگر ناخنتان را کوتاه کنید، باید برای وضو، آن چرک را برطرف کنید. و نیز اگر ناخنتان، بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری که از معمول بلندتر است را برطرف نمایید.

مسأله‌ی ۲۹۲: اگر در صورت و دست‌ها و جلوی سر و روی پاهایتان به واسطه‌ی سوختن یا چیز دیگری برآمدگی پیدا شود، شستن و مسح روی آن را کافی بدانید و چنانچه سوراخ شود، رساندن آب به زیر پوست را لازم ندانید، بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود، رساندن آب به زیر قسمتی که کنده نشده را لازم ندانید. ولی چنانچه پوستی که کنده شده، گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود، باید آن را قطع کنید یا آب را به زیر آن برسانید.

مسئله‌ی ۲۹۳: هر گاه شک کنید که به اعضای وضویتان چیزی چسبیده یا نه، چنانچه احتمال شما در نظر مردم بجا باشد، مثل آن که بعد از گِل‌کاری شک کنید گِل به دستتان چسبیده یا نه، باید واری کنید یا به قدری دست بمالید که اطمینان پیدا کنید که اگر بوده برطرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

مسئله‌ی ۲۹۴: جایی را که باید بشوید و مسح کنید، هر قدر چرک باشد ولی چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد، دارای اشکال ندانید. و همچنین است اگر بعد از گِج‌کاری و مانند آن چیز سفیدی که جلوگیری از رسیدن آب به پوست نمی‌نماید بر دستتان بماند، ولی اگر شک کنید که با بودن آنها آب به بدن می‌رسد یا نه، باید آنها را برطرف کنید.

مسئله‌ی ۲۹۵: اگر پیش از وضو بدانید که در بعضی از اعضای وضویتان مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کنید که در موقع وضو، آب را به آنجا رسانده‌اید یا نه، باید دوباره وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۹۶: اگر در بعضی از اعضای وضویتان مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد، و هر گاه بعد از وضو شک کنید که آب به زیر آن رسیده یا نه، دوباره وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۹۷: اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببینند و ندانید موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، دوباره وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۲۹۸: اگر بعد از وضو شک کنید چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضویتان بوده یا نه، اگر بدانید که در وقت وضو گرفتن، ملتفت نبوده‌اید، باید دوباره وضو بگیرید.

احکام وضو

مسئله‌ی ۲۹۹: هر گاه در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کنید، نباید به شک خودتان اعتنا کنید.

مسئله‌ی ۳۰۰: اگر شک کنید که وضویتان باطل شده یا نه، بنا بگذارید که وضویتان باقی است. ولی اگر بعد از بول، استبراء نکرده و وضو گرفته باشید و بعد از وضو، رطوبتی از شما بیرون آید که ندانید ادرار است یا چیز دیگر، دوباره وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۰۱: هر گاه شک کنید وضو گرفتید یا نه، باید وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۰۲: هر گاه بدانید که وضو گرفته‌اید و حدثی هم از شما سر زده مثلاً ادرار کرده‌اید، اگر ندانید کدامیک جلوتر بوده، چنانچه پیش از نماز است، باید وضو بگیرید و اگر در بین نماز است، نماز را تمام کنید و با وضوی دیگر اعاده کنید. و اگر بعد از نماز است، وضو بگیرید و نمازی را که خوانده‌اید، دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۳۰۳: اگر بعد از نماز شک کنید که وضو گرفته‌اید یا نه، نمازی که خوانده‌اید را صحیح بدانید، ولی باید برای نمازهای بعدی وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۰۴: اگر در بین نماز شک کنید که وضو گرفتید یا نه، باید نماز را تمام کنید و بعد با وضوی جدید آن را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۳۰۵: اگر بعد از نماز شک کنید که قبل از نماز، وضویتان باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده‌اید را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۳۰۶: اگر مرضی دارید که ادرارتان قطره قطره می‌ریزد یا نمی‌توانید از بیرون آمدن مدفوع خودداری کنید، چنانچه یقین دارید که از اول وقت نماز تا آخر آن، به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کنید، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کنید بخوانید. و اگر مهلتتان به مقدار کارهای

واجب نماز است باید در وقتی که مهلت دارید، فقط کارهای واجب نماز را بجا آورید و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نمایید.

مسئله‌ی ۳۰۷: اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کنید و در بین نماز، چند دفعه ادرار یا مدفوع از شما خارج می‌شود که اگر بخواهید بعد از هر دفعه وضو بگیرید، سخت نیست، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارید و هر وقت ادرار یا مدفوع از شما خارج شد، فوراً وضو بگیرید و بقیه‌ی نماز را بخوانید. و اگر نمی‌توانید خود را از خارج شدن ادرار یا مدفوع نگاه دارید، وضو گرفتن در بین نماز موجب به هم خوردن موالات نمازتان می‌شود، همان نماز را دوباره با یک وضو بخوانید، و اگر در بین آن نماز، وضویتان باطل شد، اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۳۰۸: هر گاه ادرار یا مدفوعتان طوری پی در پی خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برایتان سخت است، اگر بتوانید مقداری از نماز را با وضو بخوانید، باید برای هر نماز، یک وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۰۹: هر گاه ادرارتان پی در پی خارج می‌شود، حتی اگر در بین دو نماز، قطره‌ی بولی از شما خارج نشود، بهتر است برای هر نماز، یک وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۱۰: هر گاه ادرار یا مدفوعتان پی در پی خارج می‌شود، اگر نتوانید هیچ مقدار از نماز را با وضو بخوانید، باید برای هر نمازتان یک وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۱۱: هر گاه مرضی داشته باشید که نتوانید از خارج شدن باد جلوگیری کنید، باید به وظیفه‌ی کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کنند، عمل نمایید.

مسئله‌ی ۳۱۲: هر گاه ادرار یا مدفوعتان پی در پی خارج می‌شود، باید برای

هر نمازی وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شوید. ولی برای بجا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام دهید، در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً بجا بیاورد، وضو جدید لازم ندانید.

مسئله‌ی ۳۱۳: هر گاه ادرارتان قطره قطره می‌ریزد باید برای نماز، به وسیله‌ی کیسه‌ای پلاستیکی که از رسیدن ادرار به جاهای دیگر بدن جلوگیری می‌کند، خود را حفظ نمایید. و پیش از هر نماز، مخرج ادرار را که نجس شده آب بکشید و کیسه را عوض کنید. و نیز اگر نمی‌توانید از بیرون آمدن مدفوع خودداری کنید، چنانچه ممکن باشد، باید به مقدار نماز از رسیدن مدفوع به جاهای دیگر بدن جلوگیری نمایید. و اگر مشقت ندارد، برای هر نماز، مخرج مدفوعتان را آب بکشید و پنبه یا پارچه‌ای که برای جلوگیری از رسیدن مدفوع به سایر نقاط بدن استفاده نموده‌اید را عوض نمایید.

مسئله‌ی ۳۱۴: اگر نمی‌توانید از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کنید، در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و ترس ضرر نداشته باشد، باید به مقدار نماز از خارج شدن ادرار و مدفوع جلوگیری نمایید، اگر چه برایتان خرج داشته باشد. بلکه اگر مرضتان به آسانی معالجه می‌شود، باید خود را معالجه کنید.

مسئله‌ی ۳۱۵: هر گاه نمی‌توانید از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کنید، بعد از آن که مرضتان خوب شد، قضا کردن نمازهایی که در وقت مرض، مطابق وظیفه‌تان خوانده‌اید را لازم ندانید. ولی اگر در بین وقت نماز، مرضتان خوب شود، باید نمازی را که در آن وقت خوانده‌اید دوباره بخوانید.

چیزهایی که باید برای آنها وضو بگیرید

مسئله‌ی ۳۱۶: برای شش چیز باید وضو بگیرید:

اول: برای نمازهای واجب غیر از نماز میت.

دوم: برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز، حدثی از شما سرزده باشد، مثلاً ادرار کرده باشید. و باید برای سجده‌ی سهو هم، وضو بگیرید. و نماز را هم دوباره بخوانید.

سوم: برای طواف واجب خانه‌ی کعبه.

چهارم: اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشید که وضو بگیرید.

پنجم: اگر نذر کرده باشید که جایی از بدن خود را به خط قرآن برسانید.

ششم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشید دست یا جای دیگر بدنتان را به خط قرآن برسانید. ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو، بی‌احترامی به قرآن باشد، باید بدون این که وضو بگیرید، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورید، یا اگر نجس شده آب بکشید، و تا ممکن است از دست گذاشتن به خط قرآن خودداری کنید.

مسئله‌ی ۳۱۷: نباید وقتی وضو ندارید، جایی از بدن خود را به خط قرآن برسانید و بهتر است در آن حال، موی خود را هم به خط قرآن نرسانید. ولی دست زدن بدون وضو به ترجمه‌ی قرآن را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۳۱۸: جلوگیری کردن بچه و دیوانه از دست زدن به خط قرآن را لازم ندانید مگر این که دست زدن آنان، بی‌احترامی به قرآن باشد.

مسئله‌ی ۳۱۹: هر گاه وضو ندارید، نباید به اسم خداوند متعال، به هر زبانی که نوشته شده باشد، دست بزنید. و همچنین است دست زدن به اسم استاد

اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و استادان معظم منهاج (علیهم‌السلام) و حضرت فاطمه (علیها‌السلام).

مسأله‌ی ۳۲۰: می‌توانید با وضو یا غسلی که پیش از وقت نماز، به قصد این که با طهارت باشید، انجام داده‌اید، نماز بخوانید و همچنین است نزدیک وقت نماز، اگر به قصد مهیا بودن برای نماز، وضو بگیرید.

مسأله‌ی ۳۲۱: هر گاه یقین داشته باشید که وقت نماز داخل شده، اگر نیت وضوی واجب کنید و بعد از وضو بفهمید وقت نماز داخل نشده، وضوی خود را صحیح بدانید.

مسأله‌ی ۳۲۲: بهتر است برای خواندن نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم استادان منهاج (علیهم‌السلام) وضو بگیرید، و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای دست زدن به حاشیه‌ی قرآن و قبل از خواب. و خوب است با این که وضو دارید، دوباره وضو بگیرید. و اگر برای یکی از این کارها وضو گرفته باشید، بهتر است برای خواندن نماز واجب، دوباره وضو بگیرید.

چیزهایی که باید باطل‌کننده‌ی وضو بدانید

مسأله‌ی ۳۲۳: هفت چیز را باطل‌کننده‌ی وضو بدانید:

اول: خارج شدن ادرار. دوم: خارج شدن مدفوع. سوم: خارج شدن باد معده و روده از مخرج مدفوع. چهارم: خوابی که به واسطه‌ی آن، چشمتان نبیند و گوشتان نشنود. ولی اگر چشمتان نبیند و گوشتان بشنود، وضو را باطل‌شده ندانید. پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. ششم: استحاضه‌ی منهاجیات، که بعداً گفته می‌شود. هفتم: کاری که برای آن باید غسل کنید مانند جنابت و حیض و نفاس و مسّ میّت.

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند «جبیره» نامیده می‌شود.

مسئله‌ی ۳۲۴: اگر در یکی از اعضای وضویتان، زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۲۵: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست‌هایتان باشد و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، باید دست تر بر آن بکشید. و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم، نجس است و نمی‌توانید آب بکشید، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد از بالا به پایین بشویید. و پارچه‌ای روی زخم بگذارید و دست بر آن بکشید. و چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بهتر آن است که دست تر بر آن بکشید و بعد پارچه‌ی پاکی روی آن بگذارید و دست تر را روی پارچه هم بکشید. و در هر صورت، تیمّم هم بنمایید.

مسئله‌ی ۳۲۶: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاهایتان باشد و روی آن باز است، چنانچه نتوانید آن را مسح کنید، باید پارچه‌ی پاکی روی آن بگذارید و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کنید و تیمّم هم بنمایید و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، مسح آن عضو را لازم ندانید، ولی باید بعد از وضو، تیمّم نمایید.

مسئله‌ی ۳۲۷: اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت زیاد ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کنید و وضو بگیرید، چه زخم و مانند آن در صورت و

دسته‌هایتان باشد، یا جلوی سر و روی پاهایتان.

مسئله‌ی ۳۲۸: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دسته‌هایتان باشد و بتوانید روی آن را باز کنید، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، دست تر روی آن بکشید و بهتر است پارچه‌ای هم روی آن گذاشته و روی پارچه را هم دست تر بکشید و سپس تیمم نمایید.

مسئله‌ی ۳۲۹: اگر نمی‌توانید روی زخم را باز کنید ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته‌اید پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برسانید، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته‌اید، نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد، باید آن را آب بکشید و موقع وضو، آب را به زخم برسانید، و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی‌توانید آن را آب بکشید، باید اطراف زخم را از بالا به پایین بشوید و اگر جبیره پاک است، روی آن را مسح کنید، و اگر جبیره نجس است یا نمی‌توانید روی آن را دست تر بکشید، مثلاً دوایی است که به دست می‌چسبد، پارچه‌ی پاکی را به طوری که به بستن و مانند آن جزء جبیره حساب شود روی آن قرار دهید و دست تر روی آن بکشید و اگر این هم ممکن نیست و تمام محل تیمم یا بعضی آن بی‌مانع باشد، وضو بگیرید و تیمم هم بنمایید و اگر مواضع تیمم پوشیده باشد، وضوی جبیره‌ای را کافی بدانید.

مسئله‌ی ۳۳۰: اگر جبیره، تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها یا تمام هر دو دستتان را گرفته باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرید و اگر تمام یا بعضی مواضع تیمم پوشیده نیست، تیمم هم بنمایید.

مسئله‌ی ۳۳۱: اگر جبیره، تمام اعضای وضویتان را گرفته باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرید و تیمّم هم بنمایید.

مسئله‌ی ۳۳۲: اگر در کف دست و انگشتانتان جبیره دارید و در موقع وضو، دست روی آن کشیده‌اید، باید سر و پاهایتان را با همان رطوبت مسح کنید.

مسئله‌ی ۳۳۳: اگر جبیره تمام پهنای روی پایتان را گرفته باشد ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پایتان باز باشد، باید جاهایی که باز است، روی پا و جایی که جبیره است، روی جبیره را مسح کنید.

مسئله‌ی ۳۳۴: هر گاه در صورت یا دست‌هایتان چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشویید. و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاهایتان باشد، باید بین آنها را مسح کنید. و در جاهایی که جبیره است، باید به دستور جبیره عمل نمایید.

مسئله‌ی ۳۳۵: اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کنید، و تیمّم هم بنمایید و اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارید، پس اگر زخم در صورت و دستانتان است، اطراف آن را بشویید و اگر در سر یا روی پاهایتان است، اطراف آن را مسح کنید و برای جای زخم، به دستور جبیره عمل نمایید.

مسئله‌ی ۳۳۶: اگر در جای وضویتان، زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمّم کنید و بهتر است وضوی جبیره‌ای هم بگیرید.

مسئله‌ی ۳۳۷: اگر جایی از اعضای وضویتان را رگ زده‌اید و نمی‌توانید آن را آب بکشید یا آب برای آن ضرر دارد، باید به دستور جبیره عمل کنید. و اگر معمولاً باز است، شستن اطراف آن را کافی بدانید و سپس تیمّم هم بکنید.

مسئله‌ی ۳۳۸: اگر در جای وضو یا غسلتان چیزی چسبیده است که

برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی‌توانید تحمل کنید، باید به دستور جبیره عمل کنید و تیمم هم بنمایید.

مسئله‌ی ۳۳۹: غسل جبیره‌ای را مثل وضوی جبیره‌ای انجام دهید، و باید آن را ترتیبی به جا آورید نه ارتماسی.

مسئله‌ی ۳۴۰: هر گاه وظیفه‌تان تیمم باشد، اگر در بعضی از جاهای تیمم‌تان زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره ای نمایید.

مسئله‌ی ۳۴۱: هر گاه باید با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز بخوانید، چنانچه بدانید که تا آخر وقت، عذرتان برطرف نمی‌شود، می‌توانید در اول وقت نماز بخوانید. ولی اگر امید دارید که عذرتان تا آخر وقت برطرف شود، باید صبر کنید و اگر عذرتان برطرف نشد، در آخر وقت، نماز را با وضو یا غسل جبیره ای بجا آورید.

مسئله‌ی ۳۴۲: اگر برای مرضی که در چشمتان است روی چشم خود را بچسبانید، باید وضو و غسل را جبیره‌ای انجام دهید، و تیمم هم بنمایید.

مسئله‌ی ۳۴۳: هر گاه ندانید وظیفه‌تان تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، باید هر دو را بجا آورید.

مسئله‌ی ۳۴۴: نمازهایی که با وضوی جبیره‌ای خوانده‌اید را صحیح بدانید و بعد از آن که عذرتان برطرف شد، و هنوز وضوی جبیره‌ای شما باطل نشده است، برای نمازهای بعدی وضو بگیرید.

غسل‌های واجب

غسل‌های واجب را هفت غسل بدانید: اول: غسل جنابت؛ دوم: غسل حیض؛ سوم: غسل نفاس؛ چهارم: غسل استحاضه؛ پنجم: غسل منی میت؛ ششم: غسل میت؛ هفتم: غسلی که به واسطه‌ی نذر و قسم و مانند اینها بر خود واجب کنید.

احکام جنابت

مسئله‌ی ۳۴۵: دو چیز را موجب جُنُب شدن بدانید: اول: جماع؛ دوم: بیرون آمدن منی، در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار.

مسئله‌ی ۳۴۶: هر گاه رطوبتی از شما خارج شود و ندانید منی است یا ادرار یا غیر اینها، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن، بدنتان سست شده، آن رطوبت را منی بدانید و اگر هیچ یک از این نشانه‌ها را نداشته باشد، حکم منی بر آن بار نکنید مگر آن که علم یا اطمینان پیدا کنید که منی بوده است. ولی در منہاجیات و مریض، جستن را در بیرون آمدن آب، لازم ندانید، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد، در حکم منی بدانید و همچنین سست شدن بدن را لازم نشمارید.

مسئله‌ی ۳۴۷: هر گاه مریض نباشید و آبی با جستن از شما بیرون آید و ندانید که با شهوت بوده یا نه، یا بعد از بیرون آمدن، بدنتان سست شده یا نه، بهتر است غسل کنید و بعد از باطل کردن غسل، برای نماز وضو بگیرید. همچنین است اگر بدانید آنچه خارج شده، یا ادرار است یا منی.

مسئله‌ی ۳۴۸: بعد از بیرون آمدن منی، ادرار کنید، چون اگر ادرار نکنید و

بعد از غسل، رطوبتی از شما بیرون آید که ندانید منی است یا رطوبت دیگر، باید دوباره غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۴۹: هر گاه آلت مردانگی خود را به اندازه‌ی ختنه‌گاه یا بیشتر - در زن یا مرد، در جلو یا عقب، در بالغ یا نابالغ - داخل کنید، اگر چه منی بیرون نیاید، خود را جُنب بشمارید. همچنین اگر آلت مردانگی کسی در شما داخل شود - زن باشید یا مرد، از جلو باشد یا از عقب - باید خود را جُنب بدانید.

مسئله‌ی ۳۵۰: هرگاه شک کنید که به مقدار ختنه‌گاه را داخل کرده‌اید یا نه، غسل جنابت را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۳۵۱: نباید با حیوانی نزدیکی کنید ولی اگر مبتلا به چنین معصیتی شدید - چه منی از شما بیرون بیاید و چه بیرون نیاید - باید غسل کنید و بعد از باطل کردن غسل، برای نماز وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۵۲: اگر منی از جای خود حرکت کند ولی بیرون نیاید یا شک کنید که منی از شما بیرون آمده یا نه، غسل را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۳۵۳: هر گاه نمی‌توانید غسل کنید ولی تیمّم برایتان ممکن است، بهتر است بعد از داخل شدن وقت نماز، و قبل از خواندن نماز، با همسرتان نزدیکی نکنید.

مسئله‌ی ۳۵۴: هر گاه در لباس خود منی ببینید و بدانید که از خود شماست و برای آن غسل نکرده باشید، باید غسل کنید و نمازهایی که یقین دارید بعد از بیرون آمدن منی خوانده‌اید را قضا کنید، ولی می‌توانید نمازهایی که احتمال می‌دهید بعد از بیرون آمدن آن منی خوانده باشید را قضا نکنید.

چیزهایی که نباید در حال جنابت انجام دهید

مسئله‌ی ۳۵۵: پنج کار را نباید در حال جنابت انجام دهید:

اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا به هر لغت که باشد و اسامی مبارک پیامبران و استادان منهاج (علیهم‌السلام) و حضرت زهرا (علیها‌السلام).

دوم: رفتن در مسجد الحرام و مسجد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حرم استادان منهاج (علیهم‌السلام)، اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شوید.

سوم: توقف در مساجد دیگر، ولی می‌توانید از یک در داخل و از در دیگر خارج شوید، یا برای برداشتن چیزی بروید.

چهارم: گذاشتن چیزی در مسجد، بلکه از خارج هم چیزی در مسجد نیاندازید.

پنجم: خواندن سوره‌ای که سجده‌ی واجب دارد و آن را چهار سوره بدانید: فصلت، سجده، نجم و علق. و حتی یک حرف را هم به قصد یکی از این چهار سوره نباید بخوانید.

چیزهایی که بهتر است در حال جنابت ترک کنید

مسئله‌ی ۳۵۶: بهتر است نه کار را در حال جنابت انجام ندهید: اول و دوم: خوردن و آشامیدن، مگر این که وضو بگیرید یا دست‌هایتان را بشویید.

سوم: خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده‌ی واجب ندارد.

چهارم: رساندن جایی از بدن‌تان به جلد و حاشیه و بین خط‌های قرآن.

پنجم: همراه داشتن قرآن.

ششم: خوابیدن، مگر این که وضو بگیرید یا به واسطه‌ی نداشتن آب، تیمم بدل از غسل کنید.

هفتم: خضاب کردن به حنا و مانند آن.

هشتم: مالیدن روغن به بدن.

نهم: جماع کردن بعد از آن که محتلم شده‌اید، یعنی در خواب، منی از شما بیرون آمده است.

غسل جنابت

مسئله‌ی ۳۵۷: غسل جنابت برای تحصیل طهارت از جنابت، خوب است ولی باید برای خواندن نماز واجب و مانند آن، غسل کنید و برای نماز میت و سجده‌ی شکر و سجده‌های واجب قرآن و سجده‌ی سهو، غسل جنابت را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۳۵۸: این که در وقت غسل، نیت کنید که غسلتان واجب است یا مستحب را لازم ندانید؛ و فقط باید به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند متعال غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۵۹: هر گاه یقین کنید وقت نماز شده و نیت غسل واجب کنید، ولی بعد معلوم شود که پیش از وقت، غسل کرده‌اید، غسلتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۳۶۰: غسل را چه واجب باشد و چه مستحب، به دو صورت ترتیبی و ارتماسی می‌توانید انجام دهید.

غسل ترتیبی

مسئله‌ی ۳۶۱: در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ بدن‌تان را بشویید. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه‌ی ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکنید، دوباره به ترتیب غسل

کنید.

مسئله‌ی ۳۶۲: باید نصف ناف و نصف عورت خود را با طرف راست بدن و نصف دیگر را با طرف چپ بدن بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت را با هر دو طرف بشوید.

مسئله‌ی ۳۶۳: برای آن‌که یقین کنید هر سه قسمت، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ بدن را کاملاً غسل داده‌اید، باید هر قسمتی را که می‌شویند، مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید. بلکه بهتر است تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن، و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

مسئله‌ی ۳۶۴: اگر بعد از غسل بفهمید جایی از بدن را نشسته‌اید ولی ندانید کجای بدن است، باید دوباره غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۶۵: اگر بعد از غسل بفهمید مقداری از بدن را نشسته‌اید، چنانچه از طرف چپ باشد، شستن همان مقدار را به نیت غسل، کافی بدانید، و اگر از طرف راست باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید. و اگر از سر و گردن باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

مسئله‌ی ۳۶۶: اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شک کنید، شستن همان مقدار را کافی بدانید ولی اگر در شستن مقداری از طرف راست شک کنید، باید بعد از شستن آن مقدار، طرف چپ را هم بشوید و اگر در شستن مقداری از سر و گردن شک کنید باید بعد از شستن آن، دوباره طرف راست و طرف چپ را بشوید و اگر بعد از تمام شدن طرف چپ شک کنید که یکی از اعضای سابق یا مقداری از آن را

شسته‌اید یا نه، بهتر است آن قسمت و قسمت‌های بعد از آن را بشویید.

غسل ارتماسی

مسئله‌ی ۳۶۷: در غسل ارتماسی باید آب، در یک لحظه، تمام بدن‌تان را فرا بگیرد. پس اگر به نیت غسل ارتماسی، در آب فرو روید، چنانچه پایتان روی زمین باشد، باید از زمین بردارید.

مسئله‌ی ۳۶۸: در غسل ارتماسی باید قبل از این که همه‌ی بدن‌تان زیر آب برود، نیت کنید.

مسئله‌ی ۳۶۹: اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمید به مقداری از بدن‌تان آب نرسیده، چه جای آن را بدانید یا ندانید، باید دوباره غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۷۰: اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارید ولی برای غسل ارتماسی وقت دارید، باید غسل را به صورت ارتماسی انجام دهید.

مسئله‌ی ۳۷۱: هر گاه روزی واجب گرفته یا برای حج یا عمره، احرام بسته باشید، نباید غسل ارتماسی کنید. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کنید، آن را صحیح بشمارید.

احکام غسل کردن

مسئله‌ی ۳۷۲: در غسل ارتماسی باید تمام بدن‌تان پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن‌تان را لازم ندانید. و اگر تمام بدن‌تان نجس باشد، می‌توانید هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشید.

مسئله‌ی ۳۷۳: هر گاه از حرام جُنُب شده باشید، نباید آبی که با آن غسل می‌کنید، به طوری گرم باشد که در حال غسل، عرق کنید.

مسئله‌ی ۳۷۴: اگر در غسل به اندازه‌ی سر مویی از بدن‌تان نشسته بماند،

غسلتان را باطل بدانید، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی‌شود، مثل داخل گوش و بینی‌تان را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۳۷۵: جایی را که شک دارید از ظاهر بدن است یا از باطن آن، باید بشویید.

مسئله‌ی ۳۷۶: اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود، باید آن را بشویید ولی اگر دیده نشود، شستن داخل آن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۳۷۷: چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کنید. و اگر پیش از آن که یقین کنید برطرف شده یا نه غسل نمایید، باید دوباره بعد از اطمینان از برطرف شدن مانع، غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۷۸: اگر موقع غسل شک کنید، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد، در بدن‌شان هست یا نه، باید واریسی کنید تا مطمئن شوید که مانعی نیست.

مسئله‌ی ۳۷۹: در غسل باید تمام موهایتان - چه کوتاه باشند و چه بلند - را بشویید.

مسئله‌ی ۳۸۰: تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط بدانید ولی در غسل، شستن بدن از بالا به پایین را لازم ندانید، و نیز در غسل ترتیبی، شستن فوری هر قسمت بعد از شستن قسمت قبل را لازم ندانید، بلکه می‌توانید بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کنید و بعد طرف راست را بشویید و بعد از مدتی طرف چپ را بشویید. ولی اگر نمی‌توانید از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کنید، اگر در تمام وقت به اندازه‌ای که غسل

کنید و نماز بخوانید، ادرار و مدفوع از شما بیرون نمی‌آید، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهید و بعد از غسل هم فوراً نماز بخوانید. و همچنین است حکم مستحاضه که بعداً گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۳۸۱: هر گاه قصد داشته باشید پول حمامی را ندهید یا بدون این که بدانید حمامی راضی است یا نه، بخواهید پول غسل را نسیه پرداخت کنید، اگر چه بعداً حمامی را راضی کنید، باید دوباره غسل نمایید.

مسئله‌ی ۳۸۲: اگر حمامی راضی باشد که پول حمام، نسیه بماند ولی شما که غسل می‌کنید، قصدتان این باشد که طلب او را ندهید، یا از مال حرام بدهید، باید دوباره غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۸۳: نباید پول غسل را از پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده‌اید پرداخت نمایید و اگر چنین کنید، غسلتان را باطل بدانید.

مسئله‌ی ۳۸۴: اگر مخرج مدفوع را در آب خزینه یا استخر تطهیر کنید و پیش از غسل شک کنید که چون در خزینه یا استخر تطهیر کردید، حمامی یا صاحب استخر به غسل کردن شما راضی است یا نه، باید پیش از غسل، حمامی یا صاحب استخر را راضی کنید.

مسئله‌ی ۳۸۵: هر گاه شک کنید که غسل کردید یا نه، باید غسل کنید. ولی اگر بعد از غسل شک کنید که غسلتان درست بوده یا نه، اگر احتمال بدهید که در وقت غسل ملتفت بودید که صحیح بجا آورید، دوباره غسل کردن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۳۸۶: اگر در بین غسل، حدث اصغر از شما سر بزند مثلاً ادرار کنید، باید غسل را از سر بگیرید و بعد از غسل، کاری که وضو را باطل می‌کند انجام داده و برای نماز، وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۳۸۷: هر گاه به خیال این که به اندازه‌ی غسل و نماز وقت دارید، برای خصوص آن نماز غسل کنید و معلوم شود که کمتر از غسل و تمام نماز وقت داشته‌اید، باید دوباره غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۸۸: هر گاه جُنب شده باشید و شک کنید برای آن جنابت، غسل کرده‌اید یا نه، نمازهایی که خوانده‌اید را صحیح بشمارید، ولی برای نمازهای بعدی باید غسل کنید.

مسئله‌ی ۳۸۹: هر گاه چند غسل بر شما واجب باشد، می‌توانید به نیت همه‌ی آنها یک غسل به جا آورید، و همچنین می‌توانید آنها را جدا جدا انجام دهید.

مسئله‌ی ۳۹۰: هر گاه بر جایی از بدنتان آیه‌ی قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته یا خالکوبی شده باشد، اگر ممکن است، باید آن را از بین ببرید و اگر ممکن نیست، باید وضو و غسل را ارتماسی انجام دهید و چنانچه بخواهید وضو و غسل را ترتیبی بجا آورید، باید آب را طوری به بدنتان برسانید که دستتان به آن نوشته نرسد.

مسئله‌ی ۳۹۱: هر گاه غسل جنابت کرده باشید، نباید با آن نماز بخوانید بلکه باید بعد از غسل، کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهید، سپس برای نماز، وضو بگیرید.

استحاضه

مسئله‌ی ۳۹۲: یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود را خون استحاضه بدانید و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، «مُستحاضه» بنامید. خون

استحاضه در بیشتر اوقات، زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ هم نیست، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

مسئله‌ی ۳۹۳: استحاضه را سه قسم بدانید: قلیله و متوسطه و کثیره؛ استحاضه‌ی قلیله را آن بدانید که خون، فقط روی پنبه‌ای را که زن با خود بر می‌دارد، آلوده کند و در آن فرو نرود.

استحاضه‌ی متوسطه را آن بدانید که خون، در پنبه فرو رود اگر چه در یک گوشه‌اش باشد و از طرف دیگر ظاهر شود، ولی به دستمالی که معمولاً زن‌ها برای جلوگیری از خون می‌بندند، نرسد.

استحاضه‌ی کثیره را آن بدانید که خون، از پنبه به دستمال برسد.

احکام استحاضه

مسئله‌ی ۳۹۴: منہاجیات باید در استحاضه‌ی قلیله، برای هر نماز، یک وضو بگیرند و ظاهر فرجشان را هم اگر خون به آن رسیده، آب بکشند و پنبه را هم عوض کنند.

مسئله‌ی ۳۹۵: منہاجیات باید در استحاضه‌ی متوسطه، برای نماز صبح غسل کنند و پیش از غسل، وضو هم بگیرند و تا صبح روز بعد، برای نمازهای خود، کارهای استحاضه‌ی قلیله - که در مسئله‌ی پیش گفته شد - را انجام دهند و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکنند، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کنند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکنند، باید پیش از نماز مغرب و عشا غسل نمایند، چه آن‌که خون بیاید یا قطع شده باشد. همچنین اگر پیش از نماز یا در بین نماز، خون استحاضه‌ی متوسطه ببینند، باید برای آن نماز غسل کنند.

مسئله‌ی ۳۹۶: منہاجیات باید در استحاضه‌ی کثیره، علاوه بر کارهای استحاضه‌ی متوسطه - که در مسئله‌ی پیش گفته شد - برای هر نماز، دستمالشان را عوض کنند، و ظاهر فرجشان را آب بکشند و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورند، و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیاندازند. و اگر فاصله بیاندازند، باید برای نماز عصر دوباره غسل کنند. و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیاندازند، باید برای نماز عشا دوباره غسل نمایند. و پیش از غسل، وضو بگیرند.

مسئله‌ی ۳۹۷: هر گاه خون استحاضه، پیش از وقت نماز هم بیاید، و بعد قطع شود، چه برای آن خون، وضو و غسل بجا آورده باشند و چه بجا نیاورده باشند، باید در موقع نماز، وضو و غسل را بجا آورند.

مسئله‌ی ۳۹۸: منہاجیات در استحاضه‌ی متوسطه و کثیره - که هم باید وضو بگیرند و هم غسل کنند - باید وضو را قبل از غسل انجام دهند.

مسئله‌ی ۳۹۹: هر گاه استحاضه‌ی قلیله، بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کنند. و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نمایند.

مسئله‌ی ۴۰۰: هر گاه استحاضه‌ی قلیله یا متوسطه بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری بجا آورند. و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نمایند.

مسئله‌ی ۴۰۱: منہاجیاتی که استحاضه‌ی کثیره یا متوسطه دارند، نباید پیش از داخل شدن وقت نماز، برای نماز غسل کنند، و نباید میان غسل و نماز فاصله بیاندازند، بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کنند و نماز

شب را بخوانند، باید بعد از داخل شدن صبح، دوباره غسل و وضو را بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۰۲: منہاجیات مستحاضه باید برای هر نمازی - چه واجب باشد و چه مستحب - وضو بگیرند. و نیز اگر بخوانند نمازی را که خوانده‌اند احتیاطاً دوباره بخوانند، یا بخوانند نمازی را که تنها خوانده‌اند را دوباره با جماعت بخوانند، باید تمام کارهایی که برای استحاضه گفته شد را انجام دهند. ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده‌ی فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده‌ی سهو، اگر آنها را بدون فاصله بعد از نماز بجا آورند، انجام کارهای استحاضه را لازم ندانند.

مسئله‌ی ۴۰۳: منہاجیات مستحاضه بعد از آن که خونشان قطع شد، فقط برای نماز اولی که می‌خوانند، باید کارهای استحاضه را انجام دهند و برای نمازهای بعدی لازم ندانند.

مسئله‌ی ۴۰۴: هر گاه منہاجیات ندانند استحاضه‌شان چه قسم است، باید موقعی که می‌خوانند نماز بخوانند، مقداری پنبه داخل فرجشان نمایند و کمی صبر کنند و بیرون آورند و بعد از آن که فهمیدند استحاضه‌شان کدام یک از آن سه قسم است، کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهند، ولی اگر بدانند تا وقتی که می‌خوانند نماز بخوانند، استحاضه‌شان تغییر نمی‌کند، پیش از داخل شدن وقت هم می‌توانند خود را واریسی نمایند.

مسئله‌ی ۴۰۵: هر گاه منہاجیات مستحاضه، پیش از آن که خود را واریسی کنند، مشغول نماز شوند، باید خود را واریسی کرده و دوباره بر طبق وظیفه‌شان نماز بخوانند.

مسئله‌ی ۴۰۶: منہاجیات مستحاضه اگر نتوانند خود را واریسی نمایند، باید به نحوی عمل کنند که یقین نمایند به وظیفه‌شان عمل کرده‌اند. پس در شک

میان قلیله و متوسطه، یا متوسطه و کثیره، عمل به وظیفه‌ی هر دو نمایند. و در شک بین هر سه قسم، عمل به وظیفه‌ی هر سه قسم نمایند.

مسئله‌ی ۴۰۷: هر گاه خون استحاضه در اول ظهورش در باطن باشد و از محل خود خارج نشده باشد، منہاجیات وضو و غسلشان را باطل نشمارند، ولی اگر بیرون بیاید - هر چند کم باشد - یا از محل خود خارج شده و به محلی رسیده باشد که اگر پنبه داخل کنند، آلوده به خون می‌شود، باید به وظایفی که گفته شد عمل کنند.

مسئله‌ی ۴۰۸: منہاجیات مستحاضه اگر بعد از نماز، خود را واریسی کنند و خون نبینند - اگر چه بدانند دوباره خون می‌آید - می‌توانند با وضویی که دارند نماز بخوانند.

مسئله‌ی ۴۰۹: منہاجیات مستحاضه - هر چند اطمینان داشته باشند خون بیرون نمی‌آید - نباید نمازشان را بدون عذر به تأخیر اندازند.

مسئله‌ی ۴۱۰: هر گاه منہاجیات مستحاضه بدانند که پیش از گذشتن وقت نماز، بکلی پاک می‌شوند یا به اندازه‌ی خواندن نماز، خون بند می‌آید، باید صبر کنند و نماز را در وقتی که پاک هستند بخوانند.

مسئله‌ی ۴۱۱: اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و منہاجیات مستحاضه بدانند که اگر نماز را تأخیر بیاندازند، به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورند، بکلی پاک می‌شوند، باید نماز را به تأخیر اندازند و موقعی که بکلی پاک شدند، دوباره وضو و غسل را بجا آورده و نماز را بخوانند. و اگر وقت نماز تنگ شد، به جای هر یک از وضو و غسل، تیمّم کنند و برای نمازهای بعد، غسل و وضو بجا آورند. و اگر وقت تیمّم هم ندارند، به همان حال نماز بخوانند و بعد با غسل و وضو، آن را قضا کنند.

مسئله‌ی ۴۱۲: منہاجیات مستحاضه‌ی کثیره و متوسطه وقتی بکلی از خون پاک شدند باید غسل کنند. ولی اگر بدانند از وقتی که برای نماز قبل، مشغول غسل شده‌اند، دیگر خون نیامده، غسل دوباره را لازم ندانند.

مسئله‌ی ۴۱۳: منہاجیات مستحاضه‌ی قلیله بعد از وضو، و منہاجیات مستحاضه‌ی کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو، باید فوراً مشغول نماز شوند، ولی می‌توانند کارهای مستحب نماز مثل قنوت و غیر آن را بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۱۴: منہاجیات مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیاندازند، و خون ببینند، باید دوباره غسل کنند و بلافاصله مشغول نماز شوند.

مسئله‌ی ۴۱۵: اگر خون استحاضه جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای منہاجیات ضرر نداشته باشد، باید پیش از غسل و بعد از آن به وسیله‌ی پنبه، از بیرون آمدن خون جلوگیری کنند. ولی اگر همیشه جریان ندارد، فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نمایند. و چنانچه کوتاهی کنند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کنند و وضو هم بگیرند و اگر نماز هم خوانده باشند، باید دوباره بخوانند.

مسئله‌ی ۴۱۶: اگر در موقع غسل خونشان قطع نشود، غسلشان را صحیح بدانند. ولی اگر در بین غسل، استحاضه‌ی متوسطه تبدیل به کثیره شود، باید غسلشان را از سر بگیرند.

مسئله‌ی ۴۱۷: منہاجیات مستحاضه باید در تمام طول روزی که روزه هستند، به مقداری که می‌توانند و برایشان ضرر ندارد، از بیرون آمدن خون جلوگیری کنند.

مسئله‌ی ۴۱۸: منہاجیات مستحاضه‌ای که غسل بر ایشان واجب می‌باشد، در صورتی روزه‌شان را صحیح بدانند که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می

خواهند فردای آن را روزه بگیرند، بجا آورده باشند، و بلکه غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد را نیز بجا آورند. و نیز در طول روز، غسل‌هایی را که برای نمازهای روزشان واجب است را انجام دهند.

مسئله‌ی ۴۱۹: هر گاه منہاجیات، بعد از نماز عصر مستحاضه شوند و تا غروب غسل نکنند، در صورتی روزه‌شان را صحیح بدانند که برای نماز مغرب و عشاء همان شب، غسل کنند.

مسئله‌ی ۴۲۰: هر گاه استحاضه‌ی قلیله پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود، باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهند. و اگر استحاضه‌ی متوسطه، کثیره شود، باید کارهای استحاضه‌ی کثیره را انجام دهند. و چنانچه برای استحاضه‌ی متوسطه غسل کرده باشند، باید دوباره برای کثیره غسل کنند.

مسئله‌ی ۴۲۱: هر گاه منہاجیات در بین نماز، استحاضه‌ی متوسطه‌شان تبدیل به کثیره شود، باید نماز را بشکنند و برای استحاضه‌ی کثیره، وضو بگیرند و غسل کنند و کارهای دیگر آن را انجام دهند و همان نماز را بخوانند. و اگر برای هیچ کدام از وضو و غسل وقت ندارند، باید دو تیمم کنند، یکی بدل از وضو و دیگری بدل از غسل. و اگر برای یکی از آنها وقت ندارند، باید عوض آن تیمم کنند و دیگری را بجا آورند. ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارند، نباید نماز را بشکنند، و باید نماز را تمام کنند، و بعداً قضا نمایند. و همچنین است اگر در بین نماز، استحاضه‌ی قلیله‌ی ایشان متوسطه یا کثیره شود.

مسئله‌ی ۴۲۲: اگر در بین نماز، خونشان بند بیاید و منہاجیات مستحاضه ندانند که در باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمند قطع شده

بوده، باید وضو و غسل و نماز را دوباره با حالت پاکی بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۲۳: اگر استحاضه‌ی کثیره تبدیل به متوسطه شود، باید برای نماز اول، عمل کثیره و برای نمازهای بعد، عمل متوسطه را بجا آورند. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر، استحاضه‌ی کثیره تبدیل به متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کنند و برای نماز عصر و مغرب و عشا فقط وضو بگیرند. ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکنند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشند، باید برای نماز عصر غسل نمایند. و اگر برای نماز عصر هم غسل نکنند، باید برای نماز مغرب غسل کنند. و اگر برای آن هم غسل نکنند و فقط به مقدار نماز عشا وقت داشته باشند، باید برای عشا غسل نمایند.

مسئله‌ی ۴۲۴: اگر پیش از هر نماز، خون منہاجیات مستحاضه‌ی کثیره و یا متوسطه قطع شود و دوباره بیاید، باید برای هر نماز، یک غسل بجا آورند. ولی اگر بعد از غسل و پیش از نماز قطع شود، چنانچه وقت تنگ باشد که نتوانند غسل کنند و نماز را در وقت بخوانند، با همان غسل می‌توانند نماز را بخوانند و همین طور است حکم وضو.

مسئله‌ی ۴۲۵: اگر استحاضه‌ی کثیره تبدیل به قلیله شود، باید برای نماز اول، وضو و غسل و برای نمازهای بعد، عمل قلیله را انجام دهند. و نیز اگر استحاضه‌ی متوسطه تبدیل به قلیله شود، باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد، عمل قلیله را بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۲۶: اگر منہاجیات مستحاضه یکی از کارهایی که باید انجام دهند، حتی عوض کردن پنبه را ترک کنند، نمازشان را باطل بدانند.

مسئله‌ی ۴۲۷: منہاجیات مستحاضه باید هر کاری - غیر از نماز - که شرط آن طهارت است مثل دست کشیدن به خط قرآن را ترک کنند، مگر در

صورتی که برایشان واجب باشد. پس در حال ناچاری، باید وضویی غیر از وضویی که برای نماز گرفته‌اند، بگیرند.

مسئله‌ی ۴۲۸: اگر منہاجیات مستحاضه غسل‌های واجب خود را بجا آورند، می‌توانند به مسجد بروند و در آن توقف کنند و سوره‌ای که سجده‌ی واجب دارد بخوانند و شوهرشان با ایشان نزدیکی کند، اگر چه کارهای دیگری که برای نماز واجب است - مثل عوض کردن پنبه و دستمال - انجام نداده باشند.

مسئله‌ی ۴۲۹: هر گاه منہاجیات بخوانند در استحاضه‌ی کثیره یا متوسطه، پیش از وقت نماز، سوره‌ای که سجده‌ی واجب دارد را بخوانند یا به مسجد بروند، باید غسل نمایند. و همچنین است اگر شوهرشان بخواند با ایشان نزدیکی کند.

مسئله‌ی ۴۳۰: منہاجیات مستحاضه باید در صورت پدید آمدن چیزهایی که باید برایش نماز آیات خواند، نماز آیات بخوانند. و باید برای نماز آیات، کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد، انجام دهند.

مسئله‌ی ۴۳۱: هر گاه در وقت نماز یومیه، نماز آیات بر منہاجیات مستحاضه واجب شود، اگر چه بخوانند هر دو را پشت سر هم بجا آورند، باید برای نماز آیات، تمام کارهایی را که برای نماز یومیه باید بجا آورند، انجام دهند. و نباید هر دو را با یک غسل و وضو بخوانند.

مسئله‌ی ۴۳۲: منہاجیات مستحاضه نباید در آن حال، نماز قضا بخوانند.

مسئله‌ی ۴۳۳: هر گاه منہاجیات بدانند خونی که از ایشان خارج می‌شود خون زخم نیست و بین خون استحاضه و حیض و یا نفاس مردد باشند، چنانچه شرعاً حکم حیض و نفاس را نداشته باشد، باید به دستور استحاضه

عمل کنند.

حیض

«حیض» خونی را گویند که غالباً چند روزی در هر ماه از رحم زن خارج می‌شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، «حائض» گویند.

مسئله‌ی ۴۳۴: خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

مسئله‌ی ۴۳۵: زن‌های سیده بعد از تمام شدن شصت سال، یائسه می‌شوند، یعنی خون حیض نمی‌بینند. و زن‌هایی که سیده نیستند، معمولاً بعد از تمام شدن پنجاه سال، یائسه می‌شوند.

مسئله‌ی ۴۳۶: خونی که دختران، پیش از تمام شدن ۱۴ سال و زنان، بعد از یائسه شدن می‌بینند را نباید حیض حساب کنند.

مسئله‌ی ۴۳۷: زنان حامله و زنانی که بچه شیر می‌دهند نیز ممکن است حیض ببینند.

مسئله‌ی ۴۳۸: دخترانی که نمی‌دانند ۱۴ سالشان تمام شده یا نه، اگر خونی ببینند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد، نباید حیض حسابش کنند ولی اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد، آن را حیض بدانند و معلوم می‌شود ۱۴ سالشان تمام شده است.

مسئله‌ی ۴۳۹: زنانی که شک دارند یائسه شده‌اند یا نه، اگر خونی ببینند و ندانند حیض است یا نه، باید بنا بگذارند که یائسه نشده‌اند.

مسئله‌ی ۴۴۰: مدت حیض نباید کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز باشد.

پس اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد، حیض حسابش نکنند. مسأله‌ی ۴۴۱: اگر سه روز اول، حیضشان پشت سر هم نباشد - مثل آن که دو روز خون ببینند و یک روز پاک شوند و دوباره یک روز خون ببینند - باید در روزهایی که خون می‌بینند، میان کارهای منہاجیات مستحاضه و آنچه حائض باید ترک کند، جمع نمایند. و در روزهایی که خون نمی‌بینند، کارهایی که حائض نباید انجام دهد را ترک کنند و عبادت‌های خود را هم بجا آورند. مسأله‌ی ۴۴۲: بیرون آمدن خون را در تمام سه روز، لازم ندانند، بلکه اگر در فرج خون باشد، به نحوی که در این سه روز هر موقع پنبه یا انگشت داخل کنند، به قدر سر سوزنی آلوده شود، همین را برای حیض بودن کافی بدانند؛ به شرط آن که از اول، مقداری خون - هر چند کم - بیرون آمده باشد. ولی اگر خونی بیرون نیامده و در فضای رحم ریخته، باید تا خون بیرون نیامده، همه‌ی عبادت‌های خود را بجا آورند و کارهایی که حائض نباید انجام دهد را ترک کنند. و چنانچه در بین سه روز، مختصری پاک شوند و مدت پاک شدنشان به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز، در فرج خون بوده، باز هم حیض حساب کنند.

مسأله‌ی ۴۴۳: منہاجیات برای حیض، خون دیدن در شب اول و شب چهارم را لازم ندانند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود. پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید، و در شب دوم و سوم، هیچ خون قطع نشود، حیض حساب کنند. ولی اگر در اواسط روز اول، شروع و در همان موقع از روز چهارم قطع شود، به شرطی حیض حساب کنند که در شب‌های دوم و سوم و چهارم نیز خون قطع نشود.

مسأله‌ی ۴۴۴: هر گاه منہاجیات سه روز پشت سر هم در روزهای عادت یا

با نشانه‌های حیض، خون ببینند و پاک شوند، چنانچه دوباره خون ببینند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده‌اند، روی هم از ده روز بیشتر نشود، باید در روزهای پاک، عبادت‌های خود را بجا آورده و آنچه را حائض نباید انجام دهد، ترک کنند.

مسئله‌ی ۴۴۵: هر گاه منہاجیات در ایام عادت خونی ببینند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و ندانند خون دمل و زخم است یا خون حیض، باید همه‌ی چیزهایی که حائض نباید انجام دهد را ترک کنند، و همه‌ی عبادت‌هایی که زن غیر حائض انجام می‌دهد را بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۴۶: هر گاه منہاجیات صاحب عادت وقتیه در ایام عادت، خونی ببینند که ندانند خون زخم است یا حیض، باید آن را حیض قرار دهند. و منہاجیات غیر صاحب عادت وقتیه باید همه‌ی چیزهایی که حائض نباید انجام دهد را ترک کنند و همه‌ی عبادت‌هایی که زن غیر حائض انجام می‌دهد را بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۴۷: هر گاه منہاجیات خونی ببینند و نتوانند بفهمند که خون حیض است یا نفاس، باید به احکام حیض و نفاس عمل کنند و غسل را به نیت آنچه در حقیقت وظیفه‌شان است - یعنی یا حیض یا نفاس - بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۴۸: هر گاه منہاجیات خونی ببینند که ندانند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کنند، یعنی مقداری پنبه داخل فرجشان نمایند و کمی صبر کنند، بعد بیرون آورند، پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت بدانند و اگر به همه‌ی آن رسیده و در پنبه فرو رفته باشد، حیض بشمارند.

مسئله‌ی ۴۴۹: هر گاه منہاجیات کمتر از سه روز خون ببینند و پاک شوند و بعد از سه روز خون ببینند، و مجموع خون اول و دوم و پاکی در بین، از ده

روز بیشتر نباشد، خون دوم را حیض قرار دهند. و در خون اول باید بین کارهای منہاجیات مستحاضه و ترک آنچه حائض نباید انجام دهد، جمع کنند. و نیز در پاکی بین، کارهایی که حائض نباید انجام دهد را ترک کنند و عبادت‌های خود را بجا آورند. و روزه‌هایشان را نگیرند ولی قضا نمایند.

احکام حائض

مسئله‌ی ۴۵۰: منہاجیات حائض نباید چند کار انجام دهند:

اول: عبادت‌هایی که مانند نماز، باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی می‌توانند عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها را لازم نمی‌دانند، مانند نماز میت را بجا آورند.

دوم: تمام چیزهایی که جُنب نباید انجام دهد و در احکام جنابت گفته شد. سوم: جماع کردن در فرج، که منہاجیات نباید اجازه دهند. و ای منہاجیون، نباید با همسر حائضتان نزدیکی کنید، اگر چه بخواهید کمتر از ختنه‌گاه داخل کنید و منی هم بیرون نیاید. و نباید چه در این ایام و چه در حال پاکی، از طریق مقعد با همسرانتان نزدیکی کنید.

مسئله‌ی ۴۵۱: نباید در روزهایی که حیض زنتان قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد، با او نزدیکی کنید. مثل این که زنتان بیشتر از ده روز خون ببیند و بخواهد به دستوری که بعداً گفته می‌شود، روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد.

مسئله‌ی ۴۵۲: اگر مبتلا به نزدیکی با زنتان در ایام حیضش در قُبل شدید، باید شماره‌ی روزهای حیض زنتان را به سه قسمت تقسیم کنید، پس اگر در قسمت اول آن جماع کرده‌اید، باید هجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهید و اگر در قسمت دوم آن جماع کرده‌اید، نُه نخود و اگر در قسمت سوم جماع

کرده‌اید، باید چهار نخود و نیم بدهید. مثلاً هر گاه زنتان شش روز خون حیض ببیند، اگر در شب یا روز اول و دوم با او جماع کرده‌اید، باید هجده نخود طلا بدهید و اگر در شب یا روز سوم و چهارم باشد، نه نخود طلا و اگر در شب یا روز پنجم و ششم باشد، باید چهار نخود و نیم طلا بدهید.

مسئله‌ی ۴۵۳: هر گاه مبتلا به نزدیکی با زنتان در ایام عادت، از مقعد شدید، باید به مقداری که در مسئله‌ی پیش گفته شد، کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۴۵۴: بهتر آن است که طلای کفاره را سکه‌دار بدهید، ولی اگر بخواهید قیمت آن را بدهید، باید قیمت سکه‌دار بدهید.

مسئله‌ی ۴۵۵: اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده‌اید با وقتی که می‌خواهید به فقیر بدهید فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی که می‌خواهید به فقیر بدهید را حساب کنید.

مسئله‌ی ۴۵۶: هر گاه هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض، با زنتان جماع کنید، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم طلا می‌شود بدهید.

مسئله‌ی ۴۵۷: هر گاه بعد از آن که در حال حیض، جماع کردید و کفاره‌ی آن را دادید، دوباره جماع کنید، باید باز هم کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۴۵۸: اگر چند مرتبه با حائض جماع کنید و در بین آن کفاره ندهید، باید برای هر جماع، یک کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۴۵۹: هر گاه در حال جماع بفهمید زنتان حائض شده، باید فوراً از او جدا شوید. ولی اگر جدا نشوید، باید کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۴۶۰: هر گاه مبتلا به زنا با حائض شوید یا با حائض نامحرمی به گمان این که زن خودتان است جماع نمایید، باید کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۴۶۱: هر گاه نمی‌توانید کفاره بدهید، باید استغفار کنید و هر وقت توانستید باید کفاره را بدهید.

مسئله‌ی ۴۶۲: طلاق دادن زن در حال حیض را باطل بدانید.

مسئله‌ی ۴۶۳: هر گاه زنتان بگوید: «حائضم یا از حیض پاک شده‌ام»، در صورتی که متهم نباشد، باید حرفش را قبول کنید.

مسئله‌ی ۴۶۴: هر گاه منہاجیات در بین نماز، حائض شوند، باید نمازشان را رها کنند.

مسئله‌ی ۴۶۵: هر گاه منہاجیات در بین نماز شک کنند که حائض شده‌اند یا نه، اگر بتوانند باید خود را واری کنند و اگر نتوانند، نمازشان را تمام کنند ولی برای نماز بعدی، حتماً باید خود را واری نمایند.

مسئله‌ی ۴۶۶: بعد از آن که منہاجیات از خون حیض پاک شدند، باید برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با طهارت بجا آورده شود، غسل کنند. و آن را مثل غسل جنابت بجا آورند. ولی برای نماز، باید بعد از غسل، کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهند و سپس وضو بگیرند.

مسئله‌ی ۴۶۷: می‌توانید بعد از این که زنتان از خون حیض پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاقش بدهید، و همچنین می‌توانید با او جماع کنید؛ ولی بهتر است که پیش از غسل، از جماع با او خودداری کنید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و دست زدن به خط قرآن را تا غسل نکرده، نباید انجام دهد.

مسئله‌ی ۴۶۸: هر گاه آب برای وضو و غسل منہاجیات کافی نباشد و به اندازه‌ای باشد که بتوانند یا غسل کنند یا وضو بگیرند، باید غسل کنند و بدل از وضو تیمم نمایند، و اگر فقط برای وضو کافی باشد، باید وضو بگیرند و

عوض غسل، تیمّم نمایند. و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارند، باید دو تیمّم کنند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسئله‌ی ۴۶۹: نمازهای یومیهای که منہاجیات در حال حیض نخوانده‌اند، قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نمایند.

مسئله‌ی ۴۷۰: هرگاه وقت نماز داخل شود و منہاجیات بدانند یا احتمال دهند که اگر نماز را به تأخیر بیاورند، حائض می‌شوند، باید فوراً نمازشان را بخوانند.

مسئله‌ی ۴۷۱: هرگاه منہاجیات، نمازشان را به تأخیر اندازند و از اول وقت به اندازه‌ی خواندن یک نماز با طهارت از حدث بگذرد و حائض شوند، باید قضای آن نماز را بجا آورند؛ پس مثلاً منہاجیاتی که مسافر نیستند اگر در اول اذان ظهر نماز نخوانند، در صورتی باید قضا کنند که به مقدار وضو گرفتن و خواندن چهار رکعت نماز از اذان ظهر بگذرد و حائض شوند، و برای منہاجیاتی که مسافر هستند، گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت را کافی بدانند.

مسئله‌ی ۴۷۲: هرگاه منہاجیات در آخر وقت نماز از خون پاک شوند و به اندازه‌ی غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز، مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشند، باید نمازشان را بخوانند و اگر نخوانند، باید قضای آن را بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۷۳: هرگاه منہاجیاتی که از حیض پاک شده‌اند، به اندازه‌ی غسل و وضو وقت ندارند، ولی می‌توانند با تیمّم نماز را در وقت بخوانند، باید تیمّم کنند و آن نماز را بخوانند.

مسئله‌ی ۴۷۴: هرگاه منہاجیاتی که از حیض پاک شده‌اند، شک کنند که

برای نماز وقت دارند یا نه، باید نمازشان را بخوانند.

مسئله‌ی ۴۷۵: هر گاه منہاجیاتی که از حیض پاک شده‌اند، به خیال این که به اندازه‌ی تهیه‌ی مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارند، نماز نخوانند، و بعد بفهمند وقت داشته‌اند، باید قضای آن نماز را بجا آورند.

مسئله‌ی ۴۷۶: خوب است منہاجیات حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نمایند و پنبه و دستمالشان را عوض کنند و وضو بگیرند، و اگر نمی‌توانند وضو بگیرند، تیمّم نمایند و در جای نمازشان، رو به قبله بنشینند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شوند.

مسئله‌ی ۴۷۷: خوب است منہاجیات حائض، خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدنشان به ورق قرآن که خط قرآن در آن نباشد مثل حاشیه و بین سطرها و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن را ترک کنند.

اقسام زن‌های حائض

مسئله‌ی ۴۷۸: منہاجیات حائض را بر شش قسم بدانید:

اول: صاحب عادت وقتیه و عددیه، و آن را منہاجیاتی بدانید که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببینند و شماره‌ی روزهای حیضشان در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثل آن که دو ماه پشت سر هم از اول تا هفتم ماه، خون ببینند.

دوم: صاحب عادت وقتیه، و آن را منہاجیاتی بدانید که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببینند ولی شماره‌ی روزهای حیضشان در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون ببینند ولی ماه اول روز هفتم، و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شوند.

سوم: صاحب عادت عددیه، و آن را منہاجیاتی بدانید که شماره‌ی روزهای

حیضشان در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آن که ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببینند.

چهارم: مضطربه، و آن را منهایاتی بدانید که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت تازه‌ای پیدا نکرده است. پنجم: مبتدئه، و آن را دخترانی بدانید که دفعه‌ی اول خون دیدنشان است. ششم: ناسیه، و آن را منهایاتی بدانید که عادت خود را فراموش کرده‌اند. و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته خواهد شد.

۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه

مسأله‌ی ۴۷۹: منهایاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند را بر سه دسته بدانید:

اول: منهایاتی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببینند و در وقت معین هم پاک شوند، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه، خون ببینند و روز هفتم پاک شوند، که عادت حیض این‌ها از اول تا هفتم ماه است.

دوم: منهایاتی که از خون پاک نمی‌شوند ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معین، مثلاً از اول تا هشتم ماه، خونی که می‌بینند، نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید. و بقیه‌ی خون‌های ایشان نشانه‌های استحاضه را دارد، که عادت این‌ها از اول تا هشتم ماه می‌شود.

سوم: منهایاتی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببینند و بعد از آن که سه روز یا بیشتر خون دیدند، یک روز یا بیشتر پاک شوند و

دوباره خون ببینند و تمام روزهایی که خون دیده‌اند با روزهایی که در وسط، پاک بوده‌اند، از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه، همه‌ی روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده‌اند، روی هم، یک اندازه باشد که عادتشان به اندازه‌ی تمام روزهایی است که خون دیده و در وسطش پاک بوده‌اند، و یک اندازه بودن روزهایی که در وسط پاک بوده‌اند در هر دو ماه را لازم ندانند. مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببینند و سه روز پاک شوند و دوباره سه روز خون ببینند و در ماه دوم بعد از آن که سه روز خون دیدند، سه روز یا کمتر یا بیشتر پاک شوند و دوباره خون ببینند و روی هم از نه روز بیشتر نشود، همه را حیض بدانند، و عادتشان را نه روز بشمارند.

مسأله‌ی ۴۸۰: منهاجیاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند، اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقبتر خون ببینند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای حائض گفته شد عمل کنند. و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده‌اند، مثل این که پیش از سه روز پاک شوند، باید عبادت‌هایی که بجا نیاورده‌اند را قضا نمایند.

مسأله‌ی ۴۸۱: منهاجیاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند، اگر چند روز پیش از عادت و همه‌ی روزهای عادت و چند روز بعد از عادت، خون ببینند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه را حیض بدانند. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی که در روزهای عادت خود دیده‌اند را حیض بدانند، و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده‌اند را استحاضه بشمارند، و باید عبادت‌هایی که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت بجا نیاورده‌اند را قضا نمایند. و اگر همه‌ی روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت، خون ببینند و روی هم از

ده روز بیشتر نشود، همه را حیض بدانند. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت خود را حیض بشمارند و خونی که جلوتر از آن دیده‌اند را استحاضه بدانند، و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده‌اند، باید قضا نمایند. و اگر همه‌ی روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت، خون ببینند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه را حیض بدانند. و اگر بیشتر شود، فقط روزهای عادت را حیض و باقی را استحاضه قرار دهند.

مسئله‌ی ۴۸۲: منهاجیاتی که عادت وقتیّه و عددیه دارند، اگر مقداری از روزهای عادتشان را با چند روز پیش از عادت خون ببینند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه را حیض بدانند. و اگر از ده روز بیشتر شود، روزهایی که در عادت، خون دیده‌اند با چند روز پیش از آن که روی هم به مقدار عادتشان شود را حیض، و روزهای اول را استحاضه قرار دهند. و اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت، خون ببینند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه را حیض بشمارند. و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در عادت، خون دیده‌اند، با چند روز بعد از آن که روی هم به مقدار عادتشان شود را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهند.

مسئله‌ی ۴۸۳: منهاجیاتی که عادت وقتیّه و عددیه دارند اگر بعد از آن که سه روز یا بیشتر خون دیدند، پاک شوند و دوباره خون ببینند و فاصله‌ی بین دو خون، کمتر از ده روز باشد و همه‌ی روزهایی که خون دیده‌اند با روزهایی که در وسط، پاک بوده‌اند از ده روز بیشتر باشد، مثل آن که پنج روز خون ببینند و پنج روز پاک شوند و دوباره پنج روز خون ببینند، چند صورت دارد:

اول: منهاجیاتی که عادت وقتیّه و عددیه دارند اگر بعد از آن که تمام خونی که دفعه‌ی اول دیدند، یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که

بعد از پاک شدن می‌بینند در روزهای عادت نباشد، باید همه‌ی خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهند.

دوم: منہاجیاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند اگر بعد از آن که خون اول در روزهای عادت نباشد، و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد، باید همه‌ی خون دوم را حیض و خون اول را استحاضه قرار دهند.

سوم: منہاجیاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند اگر بعد از آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد، و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد، همه را حیض قرار دهند. و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده را استحاضه بشمارند، مثلاً اگر عادتشان از سوم تا دهم ماه بوده، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببینند و دو روز پاک شوند و بعد تا پانزدهم خون ببینند، از سوم تا دهم را حیض قرار دهند و از اول تا سوم و همچنین از دهم تا پانزدهم را استحاضه بدانند.

چهارم: منہاجیاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند، اگر بعد از آن که مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادتشان باشد، ولی خون اولی که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر باشد، باید در تمام دو خون و پاکی وسط، کارهایی را که حائض نباید انجام دهد و سابقاً گفته شد ترک کنند و کارهای استحاضه را بجا آورند، یعنی به دستوری که برای منہاجیات مستحاضه گفته شد، عبادت‌های خود را انجام دهد.

مسئله‌ی ۴۸۴: منہاجیاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند، اگر در وقت عادت، خون نبینند و در غیر آن وقت به شمارهی روزهای حیضشان با نشانه‌های

حیض، خون ببینند، باید همان را حیض قرار دهند، چه پیش از وقت عادت دیده باشند و چه بعد از آن.

مسئله‌ی ۴۸۵: منهایاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند، اگر در وقت عادت خود خون ببینند ولی شماره‌ی روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادتشان باشد و بعد از پاک شدن، دوباره به شماره‌ی روزهای عادتیه که داشته‌اند خون ببینند، باید آنچه را در وقت دیده‌اند را حیض قرار دهند. و اگر شماره‌ی روزهایشان کمتر باشد، اگر ممکن است کسری عدد را از آنچه بعد از عادت دیده‌اند تمام نمایند، و در باقیمانده، عمل منهایات مستحاضه را بجا آورند، اگر از ده روز تجاوز کند. و اگر تجاوز نکند، تمام روزهایی که خون دیده‌اند را حیض قرار دهند. و در پاکی در بین، احتیاط کنند به ترک آنچه حائض نباید انجام دهد و انجام عبادت‌های خود.

مسئله‌ی ۴۸۶: منهایاتی که عادت وقتیه و عددیه دارند، اگر بیشتر از ده روز خون ببینند، خونی که در روزهای عادت دیده‌اند، اگر چه نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض قرار بدهند، و خونی که بعد از روزهای عادت دیده‌اند، اگر چه نشانه‌های حیض را داشته باشد، استحاضه بدانند. مثلاً منهایاتی که عادت حیضشان از اول تا هفتم ماه است، اگر از اول تا دوازدهم ماه خون ببینند، هفت روز اول آن را حیض، و پنج روز بعد را استحاضه قرار بدهند.

۲. صاحب عادت وقتیه

مسئله‌ی ۴۸۷: منهایاتی که عادت وقتیه دارند را بر سه دسته بدانید:
اول: منهایاتی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببینند و بعد از چند روز پاک شوند، ولی شماره‌ی روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد. مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اول ماه خون ببینند ولی در ماه اول روز

هفتم، و در ماه دوم روز هشتم از خون پاک شوند، که این منہاجیات باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهند.

دوم: منہاجیاتی که از خون پاک نمی‌شوند ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خونشان نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید، و بقیه‌ی خون‌های ایشان نشانه‌ی استحاضه را دارد، و شمارهی روزهایی که خونشان نشانه‌ی حیض دارد، در هر دو ماه یک اندازه نیست. مثلاً در ماه اول، از اول ماه تا هفتم، و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم، خونشان نشانه‌های حیض و بقیه، نشانه‌ی استحاضه را داشته باشد، که این منہاجیات نیز باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهند.

سوم: منہاجیاتی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، سه روز یا بیشتر خون حیض ببینند و بعد پاک شوند و دو مرتبه خون ببینند و تمام روزهایی که خون دیده‌اند با روزهایی که در وسط، پاک بوده‌اند از ده روز بیشتر نشود، ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد. مثلاً در ماه اول، هشت روز و در ماه دوم، نه روز باشد، که این منہاجیات هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهند.

مسأله‌ی ۴۸۸: منہاجیاتی که عادت وقتیه دارند، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت، خون ببینند به طوری که بگویند: حیض را جلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای منہاجیات حائض گفته شد، رفتار نمایند. و اگر بعد بفهمند حیض نبوده‌اند، مثل آن که پیش از سه روز پاک شوند، باید عبادت‌هایی که بجا نیاورده‌اند را قضا نمایند.

مسئله‌ی ۴۸۹: منهاجیاتی که عادت وقتیّه دارند، اگر بیشتر از ده روز خون ببینند و نتوانند حیض را به واسطه‌ی نشانه‌های آن تشخیص دهند، باید شماره‌ی عادت خویشان خود را حیض قرار دهند، چه پدری باشند و چه مادری، زنده باشند یا مرده. ولی در صورتی می‌توانند عادت آنان را حیض خود قرار دهند که شماره‌ی روزهای حیض همه‌ی آنان یک اندازه باشد و اگر شماره‌ی روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد، نمی‌توانند عادت آنان را حیض خود قرار دهند. مگر کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد، به قدری کم باشد که در مقابل آنان هیچ حساب شوند، که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهند.

مسئله‌ی ۴۹۰: منهاجیاتی که عادت وقتیّه دارند و شماره‌ی عادت خویشان خود را حیض قرار می‌دهند، باید روزی را که در هر ماه، اول عادتشان بوده، اول حیض خود قرار دهند. مثلاً منهاجیاتی که هر ماه، روز اول ماه خون می‌دیدند و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می‌شده‌اند، چنانچه یک ماه، دوازده روز خون ببینند و عادت خویشان هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهند.

مسئله‌ی ۴۹۱: منهاجیاتی که باید شماره‌ی عادت خویشان خود را حیض قرار دهند، چنانچه خویشی نداشته باشند یا شماره‌ی عادت آنان مثل هم نباشد، باید در هر ماه، از روزی که خون می‌بینند، سه روز یا شش روز یا هفت روز را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهند. و بهتر آن است که آنچه را ماه اول حیض قرار داده‌اند، در ماه‌های بعد هم همان مقدار را حیض قرار دهند. ولی اگر صاحب عادت وقتیّه باشند و عادتشان در روزهای وسط یا آخر خون

باشد، باید سه روز یا شش روز یا هفت روز وسط یا آخر را که در عادت هستند، حیض قرار دهند.

۳. صاحب عادت عدویه

مسأله‌ی ۴۹۲: منہاجیاتی که عادت عدویه دارند را سه دسته بدانید:
اول: منہاجیاتی که شماره‌ی روزهای حیضشان در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدنشان یکی نباشد که در این صورت، هر چند روزی که خون دیده‌اند، عادت ایشان می‌شود. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببینند، عادتشان پنج روز می‌شود. دوم: منہاجیاتی که از خون پاک نمی‌شوند ولی دو ماه پشت سر هم چند روز، خونی که می‌بینند، نشانه‌ی حیض و بقیه نشانه‌ی استحاضه را دارد و شماره‌ی روزهایی که خون، نشانه‌ی حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، که در این صورت هر تعداد روزی که خونشان نشانه‌ی حیض را دارد، عادتشان می‌شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم، خونشان نشانه‌ی حیض و بقیه نشانه‌ی استحاضه را داشته باشد، شماره‌ی روزهای عادتشان پنج روز می‌شود.

سوم: منہاجیاتی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببینند و یک روز یا بیشتر پاک شوند و دو مرتبه خون ببینند و وقت دیدن خون در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده‌اند و روزهایی که در وسطش پاک بوده‌اند از ده روز بیشتر نشود و شماره‌ی روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده‌اند با روزهای وسط که پاک بوده‌اند را عادت حیضشان قرار دهند، یک اندازه بودن روزهایی

که در وسط پاک بوده‌اند در هر دو ماه را لازم ندانند. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا سوم ماه خون ببینند و دو روز پاک شوند، و دوباره سه روز خون ببینند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببینند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شوند و دوباره خون ببینند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادتشان هشت روز می‌شود.

مسئله‌ی ۴۹۳: منہاجیاتی که عادت عددیه دارند، اگر بیشتر از شمارهی عادتشان خون ببینند و از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه‌ی خون‌هایی که دیده‌اند یک جور باشد، می‌توانند به شمارهی روزهای عادتشان را از اول یا وسط، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند. و اگر همه‌ی خون‌هایی که دیده‌اند یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن نشانه‌ی حیض و چند روز دیگر نشانه‌ی استحاضه داشته باشد، اگر روزهایی که خون، نشانه‌ی حیض را دارد با شمارهی روزهای عادتشان یک اندازه است، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند. و اگر روزهایی که خون، نشانه‌ی حیض دارد، از روزهای عادتشان بیشتر است، فقط به اندازه‌ی روزهای عادتشان را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهند.

۴. مضطربه

مسئله‌ی ۴۹۴: مضطربه یعنی منہاجیاتی که چند ماه خون دیده‌اند ولی عادت معینی پیدا نکرده‌اند، یا عادتشان به هم خورده و عادت دیگری پیدا نکرده‌اند، اگر بیشتر از ده روز خون ببینند و همه‌ی خون‌هایی که دیده‌اند یک جور باشد، باید به عادت خویشان خود رجوع کنند، چه عادت آنان هفت روز باشد یا کمتر یا بیشتر. و اگر خویشان‌شان عادت‌ی ندارند یا در عادت مختلف باشند، باید در هر ماه از روزی که خون می‌بینند، سه روز یا هفت روز یا شش روز را

به دستوری که در مسأله‌ی ۴۹۱ گذشت حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند. و اگر کمتر است مثلاً پنج روز است، باید همان را حیض قرار دهند. و باید در تفاوت بین شماره‌ی عادت آنان و هفت روز، که دو روز است، کارهایی را که حائض نباید انجام دهد ترک نمایند، و کارهای استحاضه را بجا آورند، یعنی به دستوری که برای منہاجیات مستحاضه گفته شد، عبادت‌های خود را انجام دهند. و اگر عادت خویشان‌شان بیشتر از هفت روز، مثلاً نه روز است، باید هفت روز را حیض قرار دهند و در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان، که دو روز است، کارهای منہاجیات مستحاضه را بجا آورند و کارهایی که حائض نباید انجام دهد را ترک نمایند.

مسأله‌ی ۴۹۵: منہاجیات مضطر به اگر بیشتر از ده روز خونی ببینند که چند روز آن، نشانه‌ی حیض و چند روز دیگر آن نشانه‌ی استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه‌ی حیض دارد، کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد، همه‌ی آن را حیض قرار بدهند. و اگر خونی که نشانه‌ی حیض دارد، کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز باشد، باید به دستوری که در مسأله‌ی قبل گفته شد رفتار نمایند. ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه‌ی حیض دارد، دوباره خونی ببینند که آن هم نشانه‌ی حیض را داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد، و دوباره پنج روز خون سیاه ببینند، باید در هر دو خون که نشانه‌ی حیض دارد، اقدام کنند به ترک آنچه حائض نباید انجام دهد و بجا آوردن کارهای منہاجیات مستحاضه.

۵. مبتدئه

مسأله‌ی ۴۹۶: مبتدئه یعنی دخترانی که دفعه‌ی اول خون دیدن‌شان است، اگر بیشتر از ده روز خون ببینند و همه‌ی خون‌هایی که دیده‌اند یک جور

باشد، باید عادت خویشان خود را به طوری که در وقتیه گفته شد، حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهند.

مسأله‌ی ۴۹۷: منهاجیات مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببینند که چند روز آن نشانه‌ی حیض و چند روز دیگرش نشانه‌ی استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه‌ی حیض دارد، کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، باید همه‌ی آن را حیض قرار بدهند. ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه‌ی حیض دارد، دوباره خونی ببینند که آن هم نشانه‌ی خون حیض داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببینند، باید در هر دو خون که نشانه‌ی حیض دارد، آنچه حائض نباید انجام دهد را ترک کنند و آنچه منهاجیات مستحاضه باید انجام دهند را بجا آورند.

مسأله‌ی ۴۹۸: منهاجیات مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببینند که چند روز آن نشانه‌ی حیض و چند روز دیگر آن نشانه‌ی استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه‌ی حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند. و اگر خویشان‌شان عادت ندارند یا مختلف هستند، باید به دستوری که در مسأله‌ی ۴۹۱ گذشت، رفتار کنند.

۶. ناسیه

مسأله‌ی ۴۹۹: ناسیه یعنی منهاجیاتی که عادت خود را فراموش کرده‌اند، اگر بیشتر از ده روز خون ببینند، باید روزهایی که خونشان نشانه‌ی حیض دارد را حیض قرار دهند. و اگر نتوانند حیض را به واسطه‌ی نشانه‌های آن تشخیص دهند، باید سه روز یا شش روز یا هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه

قرار دهند.

مسائل متفرقه‌ی حیض

مسئله‌ی ۵۰۰: هر گاه منہاجیات مبتدئه و مضطربه و ناسیه و منہاجیاتی که عادت عددیه دارند، خونی ببینند که نشانه‌ی حیض داشته باشد یا یقین کنند که سه روز طول می‌کشد، باید عبادت را ترک کنند. و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، باید عبادت‌هایی که بجا نیاورده‌اند را قضا نمایند. ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می‌کشد و نشانه‌های حیض را هم نداشته باشد، باید تا سه روز کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی که حائض نباید انجام دهد را ترک نمایند. و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند، باید آن را حیض قرار دهند.

مسئله‌ی ۵۰۱: منہاجیاتی که در حیض عادت دارند، چه در وقت حیض عادت داشته باشند، چه در عدد حیض، یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببینند که وقت آن یا شماره‌ی روزهای آن یا هم وقت و هم شماره‌ی روزهای آن یکی باشد، عادتشان را برگشته به آنچه در این دو ماه دیده‌اند، بدانند. مثلاً اگر از روز اول تا هفتم ماه خون می‌دیدند و پاک می‌شده‌اند، چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه، خون ببینند و پاک شوند، از دهم تا هفدهم را عادت جدید خود بدانند.

مسئله‌ی ۵۰۲: مقصود از یک ماه در بحث عادت ماهانه را از ابتدای خون دیدن تا سی روز بدانند، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

مسئله‌ی ۵۰۳: منہاجیاتی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می‌بینند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببینند و آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد،

چنانچه روزهایی که در وسط، پاک بوده‌اند از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهند.

مسئله‌ی ۵۰۴: اگر سه روز یا بیشتر خونی ببینند که نشانه‌ی حیض را دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی ببینند که نشانه‌ی استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه‌های حیض ببینند، باید خون اول و خون آخر را که نشانه‌های حیض داشته، حیض قرار دهند.

مسئله‌ی ۵۰۵: هر گاه منہاجیات پیش از ده روز پاک شوند و بدانند که در داخل رحمشان خون نیست، باید برای عبادت‌های خود غسل کنند، اگر چه گمان داشته باشند که پیش از تمام شدن ده روز، دوباره خون می‌بینند. ولی اگر یقین داشته باشند که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بینند، غسل کنند و در پاکی بین، عبادت‌های خود را بجا آورند و آنچه را حائض نباید انجام دهد را ترک نمایند.

مسئله‌ی ۵۰۶: هر گاه منہاجیات پیش از ده روز پاک شوند، و احتمال دهند که در داخل رحمشان خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نمایند و در حالی که ایستاده‌اند، شکم خود را به دیوار یا لبه‌ی میز چسبانده و یک پای خود را بلند نمایند و کمی صبر کنند، سپس پنبه را بیرون آورند. پس اگر پاک بود، غسل کنند و عبادت‌های خود را بجا آورند. و اگر پاک نبود، اگر چه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد، چنانچه در حیض عادت ندارند یا عادتشان ده روز است، باید صبر کنند که اگر پیش از ده روز پاک شدند، غسل کنند، و اگر سر ده روز پاک شدند، یا خون دیدنش از ده روز گذشت، سر ده روز غسل نمایند. و اگر عادتشان کمتر از ده روز است، در صورتی که بدانند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می‌شوند، نباید غسل کنند. و اگر

احتمال دهند خون دیدنشان از ده روز می‌گذرد، باید جمع کنند بین ترک کارهایی که حائض نباید انجام دهد و انجام کارهای منهاجیات مستحاضه. پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا آخر ده روز از خون پاک شدند، تمامش را حیض بدانند، و اگر از ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهند و عبادت‌هایی که بعد از روزهای عادت بجا نیاورده‌اند را قضا نمایند.

مسئله‌ی ۵۰۷: هر گاه منهاجیات، چند روز را حیض قرار دهند و عبادت نکنند، بعد بفهمند حیض نبوده‌اند، باید نماز و روزه‌ای که در آن روزها بجا نیاورده‌اند را قضا نمایند. و اگر چند روز را به گمان این که حیض نیستند عبادت کنند، بعد بفهمند حیض بوده‌اند، چنانچه آن روزها را روزه گرفته باشند، باید قضا نمایند.

نفاس

مسئله‌ی ۵۰۸: از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که منهاجیات ببینند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، آن را خون نفاس بدانند، و زن را در حال نفاس، «نُفَسَاء» گویند.

مسئله‌ی ۵۰۹: خونی که منهاجیات پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه ببینند را نفاس ندانند.

مسئله‌ی ۵۱۰: منهاجیات برای تحقق نفاس، تمام بودن خلقت بچه را لازم ندانند، بلکه اگر خون بسته‌ای هم از رحمشان خارج شود و خودشان بدانند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می‌ماند، انسان می‌شد، خونی که بعد

از آن تا ده روز ببینند را خون نفاس بدانند.

مسئله‌ی ۵۱۱: ممکن است خون نفاس یک لحظه بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز را نفاس حساب نکنند.

مسئله‌ی ۵۱۲: هرگاه منہاجیات شک کنند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه، باید واریسی کنند تا تکلیف شرعی‌شان روشن شود.

مسئله‌ی ۵۱۳: تمام کارهایی که منہاجیات حائض نباید انجام دهند، منہاجیات نفساء نیز نباید انجام دهند و تمام کارهایی که منہاجیات حائض بهتر است انجام دهند یا بهتر است ترک کنند، منہاجیات نفساء نیز بهتر است انجام دهند یا بهتر است ترک کنند.

مسئله‌ی ۵۱۴: نباید زنتان را در حال نفاس طلاق بدهید و همچنین نباید در آن ایام با او نزدیکی کنید و اگر نزدیکی کردید، باید بعد از استغفار، به دستوری که در احکام حیض گفته شد، کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۵۱۵: وقتی منہاجیات از خون نفاس پاک شدند، باید غسل کنند و عبادت‌های خود را بجا آورند. و اگر دوباره خون ببینند، چنانچه روزهایی که خون دیده‌اند با روزهایی که در وسطش پاک بوده‌اند، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، روزهایی که خون دیده‌اند را نفاس قرار دهند و در روزهایی که در بین، پاک بوده‌اند، آنچه نفساء نباید انجام دهد را ترک کنند و عبادت‌های خود را بجا آورند. و روزهایی که پاک بوده‌اند را روزه بگیرند و سپس قضا نمایند.

مسئله‌ی ۵۱۶: هرگاه منہاجیات از خون نفاس پاک شوند و احتمال دهند که در داخل رحمشان خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نمایند و در حالی

که ایستاده‌اند، شکم خود را به دیوار یا لبه‌ی میز چسبانده و یک پای خود را بلند نمایند و کمی صبر کنند، سپس پنبه را بیرون آورند؛ پس اگر پاک باشد، باید برای عبادت‌های خود غسل کنند.

مسئله‌ی ۵۱۷: اگر خون نفاس منهاجیات از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارند، به اندازه‌ی روزهای عادت خود را نفاس و بقیه را استحاضه قرار بدهند. و اگر عادت ندارند، تا ده روزش را نفاس و بقیه را استحاضه بشمارند. و بهتر است منهاجیاتی که عادت دارند، از روز بعد از عادت و منهاجیاتی که عادت ندارند، بعد از روز دهم تا روز هجدهم زایمان، کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی که نفساء نباید انجام دهد را ترک کنند.

مسئله‌ی ۵۱۸: منهاجیاتی که عادت حیضشان کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتشان خون نفاس ببینند، باید به اندازه‌ی روزهای عادتشان را نفاس قرار دهند، و بعد از آن تا دو روز، عبادت را ترک نمایند، و بعد از دو روز، تا پایان روز دهم کارهای منهاجیات مستحاضه را بجا آورند و کارهایی که نفساء نباید انجام دهد را ترک نمایند. و اگر از ده روز بگذرد، استحاضه بدانند و باید روزهای بعد از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار دهند و عبادت‌هایی را که در آن روزها بجا نیاورده‌اند را قضا نمایند. مثلاً منهاجیاتی که عادتشان شش روز بوده، اگر بیشتر از شش روز خون ببینند، باید شش روز را نفاس قرار دهند، سپس در روز هفتم و هشتم، عبادت را ترک کنند، و در روز نهم و دهم کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی که نفساء نباید انجام دهد را ترک نمایند. و اگر بیشتر از ده روز خون دیدند، از روز بعد از عادتشان را استحاضه بشمارند. و بعد از آن تا روز دهم، کارهای منهاجیات مستحاضه را انجام دهند. و اگر عبادت را ترک کرده‌اند، باید قضا

کنند.

مسئله‌ی ۵۱۹: منہاجیاتی که در حیض عادت دارند، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه، پی در پی خون ببینند، باید به اندازه‌ی روزهای عادت خودشان را نفاس قرار دهند. و ده روز از خونی که بعد از نفاس می‌بینند، اگر چه در روزهای عادت ماهانه‌شان باشد را استحاضه قرار دهند. مثلاً منہاجیاتی که عادت حیضشان از بیستم تا بیست و هفتم هر ماه است، اگر روز دهم ماه زایمان کنند و تا یک ماه یا بیشتر، پی در پی خون ببینند، تا روز هفدهم را نفاس، و از روز هفدهم تا ده روز - حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می‌بینند - را استحاضه قرار دهند. و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی که می‌بینند، در روزهای عادتشان باشد، باید حیض بدانند، چه نشانه‌های حیض را داشته باشد و چه نداشته باشد. و همچنین است اگر در روزهای عادتشان نباشد، ولی نشانه‌ی حیض داشته باشد. و اگر بعد از گذشتن ده روز از نفاس، در روزهایی که عادت حیضشان نباشد، خونی ببینند که نشانه‌ی حیض نداشته باشد، باید تا وقتی که ممکن است آن خون حیض باشد، آنچه را حائض نباید انجام دهد را ترک کنند و کارهای منہاجیات مستحاضه را بجا آورند.

مسئله‌ی ۵۲۰: منہاجیاتی که در حیض عادت ندارند، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببینند، ده روز اول آن را نفاس و ده روز دوم آن را استحاضه قرار دهند. و خونی که بعد از آن می‌بینند، اگر نشانه‌ی حیض داشته باشد حیض، و گرنه آن را هم استحاضه قرار دهند.

احکام اموات

غسل مسّ میّت

مسأله‌ی ۵۲۱: هر گاه بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند را مس کنید، یعنی جایی از بدنتان را به آن برسানید، باید غسل مسّ میّت نمایید، چه در خواب مس کنید چه در بیداری، با اختیار مس کنید یا بی اختیار. حتی اگر ناخن یا دندان‌تان به ناخن یا استخوان مرده برسد، باید غسل کنید. و بهتر است برای مس بدن شهید نیز غسل کنید. ولی اگر حیوان مرده ای را مس کنید، غسل را لازم ندانید.

مسأله‌ی ۵۲۲: غسل کردن برای مس مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده، را لازم ندانید، اگر چه جایی را که سرد شده مس نمایید.

مسأله‌ی ۵۲۳: اگر موی خود را به بدن میت برسানید، یا بدن خود را به موی میت، یا موی خود را به موی میت برسানید، باید غسل کنید.

مسأله‌ی ۵۲۴: برای مس بچه‌ی مرده، حتی بچه‌ی سقط شده‌ای که چهار ماه او تمام شده و یا خلقتش تمام شده، اگر چه کمتر از چهار ماهه باشد باید غسل کنید؛ بلکه بهتر است برای مس بچه‌ی سقط شده‌ای که از چهار ماه کمتر دارد و خلقتش هم تمام نشده، غسل کنید. بنابر این هر گاه منہاجیات، بچه‌ی چهار ماهه‌ی مرده‌ای به دنیا بیاورند، باید غسل مسّ میّت کنند. و همچنین اگر بچه‌ی کمتر از چهار ماه داشته باشند ولی خلقتش تمام باشد، که در این صورت نیز باید غسل مسّ میّت نمایند.

مسأله‌ی ۵۲۵: هر گاه بعد از مردن مادران به دنیا آمده باشید، وقتی بالغ شدید، باید غسل مسّ میّت کنید.

مسئله‌ی ۵۲۶: هر گاه انسان مرده‌ای که سه غسل او کاملاً تمام شده را مس نماید، غسل مس میت را لازم ندانید، ولی اگر پیش از آن که غسل سوم تمام شود، جایی از بدن او را مس کنید، اگر چه غسل سوم آن جا تمام شده باشد، باید غسل مس میت نمایید.

مسئله‌ی ۵۲۷: هر گاه در دوران نابالغی، مرده‌ای را مس کنید، باید بعد از بالغ شدن، غسل مس میت نمایید. همچنین اگر بعد از دوره‌ی دیوانگی یا بیهوشی، عاقل و هوشیار شوید و به شما خبر دهند که در آن حال، مرده‌ای را مس کرده بودید، باید غسل مس میت نمایید.

مسئله‌ی ۵۲۸: اگر از بدن زنده یا مرده‌ای که غسلش نداده‌اند، قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آن که قسمت جدا شده را غسل دهند، آن را مس نمایید، باید غسل مس میت کنید. ولی اگر قسمتی که جدا شده، استخوان نداشته باشد، اگر از میت جدا شده، باید غسل مس میت نمایید ولی اگر از زنده باشد، غسل مس میت را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۵۲۹: برای مس استخوانی که گوشت ندارد و آن را غسل نداده‌اند، چه از مرده جدا شده باشد و چه از زنده، باید غسل کنید. و همچنین است برای مس دندانی که از مرده جدا شده، در صورتی که آن مرده را غسل نداده باشند. ولی برای مس دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، یا گوشت آن خیلی کم است، غسل مس میت را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۵۳۰: غسل مس میت را باید مثل غسل جنابت انجام دهید. ولی هر گاه غسل مس میت کرده و بخواهید نماز بخوانید، باید بعد از غسل، کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهید و سپس برای نماز، وضو بگیرید.

مسئله‌ی ۵۳۱: هر گاه چند میت را مس کنید یا یک میت را چند بار مس

نمایید، یک غسل را کافی بدانید.

مسئله‌ی ۵۳۲: هر گاه بعد از منس میت، غسل نکرده باشید، می‌توانید در مسجد توقف نمایید و جماع کنید و سوره‌هایی که سجده‌ی واجب دارد را بخوانید. ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کنید و بعد از غسل، کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهید و سپس برای نماز، وضو بگیرید.

احکام محتضر

مسئله‌ی ۵۳۳: مسلمانی که محتضر است یعنی در حال جان دادن می‌باشد، مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، باید در صورت امکان به پشت بخوابانید به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد. و اگر خواباندن او کاملاً به این طور ممکن نیست، تا اندازه‌ای که ممکن است باید به این دستور عمل کنید. و چنانچه خواباندن او به هیچ قسم ممکن نباشد، باید او را رو به قبله بنشانید، و اگر آن هم نشود باید او را به پهلوئی راست یا به پهلوئی چپ رو به قبله بخوابانید.

مسئله‌ی ۵۳۴: باید تا وقتی غسل میت تمام نشده، مرده را رو به قبله بخوابانید. ولی بعد از آن که غسلش تمام شد، بهتر است مثل حالتی که بر او نماز می‌خوانند، بخوابانید.

مسئله‌ی ۵۳۵: وظیفه دارید محتضر را رو به قبله کنید، ولی باید تا جایی که امکان دارد، از خودش یا ولی‌اش اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۵۳۶: شایسته است شهادتین و اقرار به استادان منهاج (علیهم السلام) و سایر عقاید حقه (که در قواعد نظری پایه‌ی منهاج فردوسیان آمده است) را، به کسی که در حال جان دادن است، طوری تلقین کنید که بفهمد. و نیز بهتر است چیزهایی را که گفته شد، تا وقت مرگ تکرار کنید.

مسئله‌ی ۵۳۷: بهتر است این دعاها را طوری به محتضر تلقین کنید که بفهمد: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ، يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ، اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَ اغْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُوُّ الْعَفُورُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ».

مسئله‌ی ۵۳۸: خوب است کسی را که سخت جان می‌دهد، اگر ناراحت نمی‌شود، به جایی که نماز می‌خوانده ببرید.

مسئله‌ی ۵۳۹: خوب است برای راحت شدن محتضر، بر بالین او سوره‌ی مبارکه‌ی «یس» و «صافات» و «احزاب» و «آیة الکرسی» و آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی اعراف و سه آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره، بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانید.

مسئله‌ی ۵۴۰: محتضر را تنها نگذارید و همچنین چیزی روی سینه و شکم او قرار ندهید و از حضور جُنب و حائض در نزد او جلوگیری کنید و در کنار بالین محتضر، زیاد حرف نزنید و زیاد گریه نکنید و زن‌ها را در نزد او تنها نگذارید.

احکام بعد از مرگ

مسئله‌ی ۵۴۱: بهتر است بعد از مرگ، دهان مرده را با بستن چانه‌اش ببندید که باز نماند و همچنین چشم‌هایش را بر هم بگذارید و دست و پای او را دراز کنید و پارچه‌ای روی او بباندازید و اگر در شب مرده است، در جایی که مُرده، چراغی روشن کنید، و برای تشییع جنازه‌اش مؤمنین را خبر نمایید. و در تشییع، آداب اسلام را رعایت کنید و از شرکت بانوان در تشییع، مخصوصاً اگر حرکت آنان جلوتر از مردان باشد، جلوگیری نمایید و منظره‌ی عبرت‌آور تشییع جنازه را به معصیت و تشبه به عادات و رسوم کفار که حاکی از عدم استقلال فکری و نفوذ بیگانگان است آلوده نکنید و اجازه ندهید که آداب و

رسوم مخالفین اسلام به اجتماع مسلمین راه پیدا کند. و نیز خوب است در دفن مرده عجله نمایید، ولی اگر یقین به مردن او ندارید، باید صبر کنید تا معلوم شود و نیز اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را عقب بیاندازید، که پهلوی چپ او را بشکافند و کودک را بیرون آورند و پهلوی را بدوزند.

احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت

مسئله‌ی ۵۴۲: باید مسلمان مرده را غسل بدهید و حنوط و کفن نمایید و بر او نماز بخوانید و دفنش نمایید، ولی اگر مسلمان دیگری حاضر شد این کارها را انجام دهد، از خودتان ساقط بدانید. و چنانچه هیچکدامتان انجام ندهید، همگی خود را معصیت‌کار بدانید.

مسئله‌ی ۵۴۳: هر گاه کسی مشغول کارهای میت شود، می‌توانید اقدامی نکنید، ولی اگر او عمل را نیمه‌کاره بگذارد، باید شما تمامش کنید.

مسئله‌ی ۵۴۴: هر گاه یقین کنید که دیگری مشغول کارهای میت شده، اقدام به کارهای میت اقدام را بر خود لازم ندانید. ولی اگر شک یا گمان دارید، باید اقدام نمایید.

مسئله‌ی ۵۴۵: هر گاه بدانید غسل یا کفن یا نماز یا دفن شیعه‌ی دوازده‌امامی‌ای را باطل انجام داده‌اند، باید دوباره انجام دهید. ولی اگر گمان دارید که باطل بوده یا شک دارید که درست بوده یا نه، می‌توانید اقدامی نکنید؛ همچنین اگر غیر شیعه‌ی دوازده‌امامی‌ای را هم‌مذهب‌هایش بر طبق مذهب خودشان تجهیز کرده باشند.

مسئله‌ی ۵۴۶: برای غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن مرده، باید از ولی او اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۵۴۷: شوهر را ولی زن برای دخالت در غسل و کفن و دفن او بدانید، و بعد از شوهر، از تمام کسانی که در ارت‌بردن مقدمند، اجازه بگیرید یا به نحوی، یقین به رضایت‌شان حاصل کنید.

مسئله‌ی ۵۴۸: هر گاه کسی بگوید من وصی یا ولی مُرده هستم یا ولی مُرده به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن میت را انجام دهم، و احتمال دهید که راست می‌گوید، می‌توانید انجام کارهای میت را به او بسپارید؛ مگر این‌که کس دیگری بگوید که من وصی یا ولی میت هستم یا از ولی میت اجازه دارم، که در این صورت حرف کسی را بپذیرید که دو نفر عادل به گفته‌ی او شهادت دهند.

مسئله‌ی ۵۴۹: هر گاه کسی قبل از مردن، شما را برای غسل و کفن و دفن و نمازش معین کند، باید از ولی او اجازه بگیرید و این کارها را با هماهنگی او انجام دهید. همچنین اگر ولی مُرده هستید و مُرده در حال زندگی، کسی را برای انجام غسل و کفن و دفن و نمازش معین نموده، باید از او اجازه بگیرید و این کارها را با هماهنگی او انجام دهید. و اگر کسی شما را برای انجام این کارهایش معین کرد، می‌توانید قبول نکنید ولی اگر قبول کردید، باید به آن عمل نمایید. و همچنین اگر بعد از مردن او از وصیتش مطلع شدید، باید به وصیتش عمل کنید.

احکام غسل میت

مسئله‌ی ۵۵۰: باید مُرده را سه غسل بدهید: اول: به آبی که با سدر مخلوط باشد. دوم: به آبی که با کافور مخلوط باشد. سوم: با آب خالص.

مسئله‌ی ۵۵۱: سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

مسئله‌ی ۵۵۲: اگر سدر و کافور به اندازه‌ای که لازم است پیدا نشود، باید همان مقداری که به آن دسترسی دارید، در آب بریزید.

مسئله‌ی ۵۵۳: کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن طواف حج یا عمره بمیرد، نباید او را با آب کافور غسل دهید و به جای آن با آب خالص غسلش دهید.

مسئله‌ی ۵۵۴: اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود یا استعمال آن جایز نباشد، مثل آن که غصبی باشد، باید بجای هر کدام که ممکن نیست، میت را با آب خالص غسل بدهید و تیمّم نیز بدهید.

مسئله‌ی ۵۵۵: غسل دادن شیعه‌ی دوازده امامی را باید به کسی که شیعه‌ی دوازده امامی و عاقل و بالغ است و مسائل غسل را می‌داند، واگذارید.

مسئله‌ی ۵۵۶: وقتی میت را غسل می‌دهید، باید در تمام سه غسل، قصد قربت داشته باشید، یعنی غسل را برای انجام فرمان خداوند متعال بجا آورید.

مسئله‌ی ۵۵۷: باید بچه‌ی مرده‌ی مسلمان را - اگر چه از زنا باشد - غسل بدهید. و نباید کافر را غسل دهید و کفن و دفن کنید. و کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده، چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند، باید او را غسل دهید و اگر هیچ کدام آنان مسلمان نباشند، نباید او را غسل دهید. و اگر بچه‌ای در دارالاسلام پیدا شود و معلوم نباشد که پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان است یا نه، حکم به مسلمانی‌اش کنید و غسلش بدهید و کفن و دفنش نمایید.

مسئله‌ی ۵۵۸: بچه‌ی سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، یا چهار ماه ندارد ولی خلقتش تمام شده، باید غسل بدهید و اگر چهار ماه ندارد و

خلقتش هم تمام نشده، باید در پارچه‌ای بپیچید و بدون غسل دفن کنید.
مسئله‌ی ۵۵۹: نباید جنازه‌ی زن را غسل بدهید. و منهاجیات نیز نباید جنازه‌ی مرد را غسل بدهند. همچنین بهتر است جنازه‌ی زنتان، و اگر از منهاجیات هستید، جنازه‌ی شوهرتان را غسل ندهید.

مسئله‌ی ۵۶۰: می‌توانید دختر بچه‌ای که سن او از سه سال بیشتر نیست، و زنی نیست او را غسل بدهد را غسل دهید. همچنین منهاجیات می‌توانند پسر بچه‌ای که سه سال بیشتر ندارد، و مردی نیست او را غسل بدهد را غسل دهند.

مسئله‌ی ۵۶۱: هر گاه برای غسل دادن میتی که مرد است، مرد پیدا نشود، زنانی که با او نسبت دارند و محرمند مثل مادر و خواهر و عمه و خاله، یا به واسطه‌ی شیرخوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند با رعایت ستر عورت و در حالی که پوششی دارد، غسلش بدهند. و نیز اگر برای غسل میت زن، زن دیگری نباشد، مردهایی که با او نسبت دارند و محرمند، یا به واسطه‌ی شیرخوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند با رعایت ستر عورت و در حالی که پوششی دارد، او را غسل دهند.

مسئله‌ی ۵۶۲: هر گاه مرده‌ای از جنس خودتان را غسل می‌دهید، یعنی اگر مرد هستید، مرده نیز مرد است و اگر زن هستید، مرده نیز زن است، بهتر است غیر از عورت، جاهای دیگر میت برهنه باشد.

مسئله‌ی ۵۶۳: نباید به عورت مرده نگاه کنید، مگر این که زن یا شوهرتان باشد، ولی اگر نگاه کردید، غسل را باطل ندانید.

مسئله‌ی ۵۶۴: اگر جایی از بدن میت نجس باشد، باید پیش از آن که آنجا را غسل بدهید، آب بکشید. و بهتر است تمام بدن میت را پیش از شروع به

غسل، پاک نمایید.

مسئله‌ی ۵۶۵: غسل میت را مثل غسل جنابت بدانید و تا غسل ترتیبی ممکن است، نباید میت را غسل ارتماسی بدهید. و بهتر است در غسل ترتیبی، هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرید بلکه آب را روی آن بریزید.

مسئله‌ی ۵۶۶: کسی که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، غسل حیض یا غسل جنابت را برایش لازم ندانید، بلکه همان غسل میت را کافی بشمارید.

مسئله‌ی ۵۶۷: نباید برای غسل دادن میت، مزد بگیرید، ولی می‌توانید برای کارهای مقدماتی غسل، مزد بگیرید. و اگر کسی برای گرفتن مزد، میت را غسل دهد، آن غسل را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۵۶۸: اگر آب پیدا نشود، یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض هر غسل، میت را یک تیمّم بدهید. و یک تیمّم دیگر هم عوض هر سه غسل بدهید.

مسئله‌ی ۵۶۹: هر گاه بخواهید مرده را تیمّم بدهید، باید دست خود را به زمین بزنید و به صورت و پشت دست‌های میت بکشید. و اگر ممکن باشد، باید با دست میت هم او را تیمّم بدهید.

احکام کفن میت

مسئله‌ی ۵۷۰: میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند، کفن نمایید.

مسئله‌ی ۵۷۱: لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند، و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد. و پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام

بدن را بپوشاند، و بهتر آن است که تا روی پا برسد، و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد، و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

مسئله‌ی ۵۷۲: مقداری از لنگ، که از ناف تا زانو را می‌پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می‌پوشاند را مقدار واجب کفن، و آنچه بیشتر از این مقدار در مسئله‌ی قبل گفته شد را مقدار مستحب کفن بدانید.

مسئله‌ی ۵۷۳: اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن، که در مسئله‌ی قبل گفته شد، را از سهم آنان بردارید، می‌توانید بردارید ولی نباید بیشتر از مقدار واجب کفن را از سهم وارثی که بالغ نشده، بردارید. مسئله‌ی ۵۷۴: هر گاه کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفنش را - که در دو مسأله قبل گفته شد - از ثلث مال او بردارند، یا وصیت کرده باشد ثلث مالش را به مصرف خود او برسانند، ولی مصرف آن را معین نکرده باشد، یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد، می‌توانید مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارید.

مسئله‌ی ۵۷۵: اگر میت وصیت نکرده باشد که کفن را از ثلث مالش بردارید، و بخواهید از اصل مال بردارید، باید در تکفین او به مقدار واجب کفن که قیمتش مطابق شأن میت باشد، اکتفا نمایید.

مسئله‌ی ۵۷۶: کفن زنتان را شما باید بدهید، اگر چه زنتان از خودش مال داشته باشد. و همچنین اگر زنتان را - به شرحی که در کتاب طلاق گفته خواهد شد - طلاق رجعی بدهید و پیش از تمام شدن عده بمیرد، شما باید کفن او را بدهید. و چنانچه شوهر، بالغ نباشد یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد.

مسئله‌ی ۵۷۷: کفن میت را بر خویشان او واجب ندانید، اگر چه مخارج او در حال زندگی بر آنان واجب باشد.

مسئله‌ی ۵۷۸: هر یک از سه پارچه‌ی کفن نباید به قدری نازک باشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد.

مسئله‌ی ۵۷۹: نباید مرده را با چیز غصبی کفن کنید، هر چند چیز دیگری هم پیدا نشود. و چنانچه کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود، باید از تنش بیرون آورید، اگر چه او را دفن کرده باشید. و همچنین نباید با پوست مردار او را کفن کنید. اگر چه چیز دیگری هم پیدا نشود.

مسئله‌ی ۵۸۰: نباید در حال اختیار، مرده را با چیز نجس و یا پارچه‌ی ابریشمی خالص و یا پارچه‌ای که با طلا بافته شده، کفن کنید.

مسئله‌ی ۵۸۱: نباید مرده را در حال اختیار، با پارچه‌ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده، کفن کنید. و بهتر است کفن، از مو یا پشم حیوان حلال گوشت هم نباشد.

مسئله‌ی ۵۸۲: اگر کفن میت به نجاست خود او، یا به نجاست دیگری نجس شود، چنانچه کفن ضایع نمی‌شود، باید مقدار نجس را بشوید یا بئیرید، اگر چه بعد از گذاشتن در قبر باشد. و اگر شستن و بریدن آن ممکن نیست، در صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد، باید عوض نمایید. ولی اگر در قبر گذاشته باشید، بهتر است که بئیرید. بلکه اگر بیرون آوردن میت اهانته به او باشد، باید بئیرید.

مسئله‌ی ۵۸۳: هر گاه کسی که برای حج یا عمره احرام بسته، بمیرد، باید مثل دیگران کفنش کنید و می‌توانید سر و صورتش را بپوشانید.

مسئله‌ی ۵۸۴: شایسته است در حال سلامتی، کفن و سدر و کافور خود را

تهیه کنید.

احکام حنوط

مسئله‌ی ۵۸۵: بعد از غسل، باید میت را حنوط کنید، یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالید. و در این چند موضع، مقداری کافور هم بگذارید، و بهتر است به سر بینی میت هم کافور بمالید، و باید کافور، ساییده و تازه باشد. و نباید به واسطه‌ی کهنه بودن، عطر آن از بین رفته باشد.

مسئله‌ی ۵۸۶: در حنوط، اول کافور را به پیشانی میت بمالید، ولی در جاهای دیگر، ترتیب را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۵۸۷: باید میت را پیش از کفن کردن، حنوط نمایید.

مسئله‌ی ۵۸۸: کسی که برای حج یا عمره. احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن طواف بمیرد، نباید او را حنوط کنید.

مسئله‌ی ۵۸۹: زنی که شوهرش مرده و هنوز عده‌اش تمام نشده، اگر چه نباید خود را خوشبو کند، ولی چنانچه بمیرد، باید او را حنوط کنید.

مسئله‌ی ۵۹۰: نباید میت را با مشک و عنبر و عود و عطرهاى دیگر خوشبو کنید، و نباید برای حنوط، اینها را با کافور مخلوط نمایید.

مسئله‌ی ۵۹۱: می‌توانید قدری تربت حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) با کافور مخلوط کنید. ولی نباید از آن کافور به جاهایی که بی‌احترامی می‌شود، برسانید. و نیز نباید تربت به قدری زیاد باشد که وقتی با کافور مخلوط شد، آن را کافور نگویند.

مسئله‌ی ۵۹۲: اگر کافور به اندازه‌ی غسل و حنوط نباشد، باید غسل را مقدم بدارید. و اگر برای هفت عضو نرسد، باید پیشانی را مقدم بدارید.

مسئله‌ی ۵۹۳: باید دو چوب تر و تازه که هر کدام به طول نیم متر است را در کفن یا قبر، همراه میت بگذارید که به آن «جریدین» گفته می‌شود و آن را مایه‌ی امان مرده از عذاب، تا زمانی که تر و تازه باشد، بدانید.

احکام نماز میت

مسئله‌ی ۵۹۴: باید بر میت مسلمان، اگر چه بچه باشد، نماز بخوانید؛ ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشد و شش سال بچه تمام شده باشد. گر چه بهتر است بر کمتر از شش ساله نیز نماز بخوانید؛ ولی نماز خواندن بر بچه‌ای که مرده به دنیا آمده را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۵۹۵: نماز میت را باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن مرده بخوانید. پس اگر پیش از اینها یا در بین اینها بخوانید، اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، کافی ندانید.

مسئله‌ی ۵۹۶: بهتر است وقتی می‌خواهید نماز میت بخوانید، با وضو یا غسل یا تیمم باشید و بدن و لباستان پاک باشد و لباستان غصبی نباشد و مبطلات نمازهای یومیه را ترک کنید. و شایسته است تمام چیزهایی که در نمازهای دیگر لازم است را رعایت کنید.

مسئله‌ی ۵۹۷: هر گاه مرده‌ای نماز می‌خوانید، باید رو به قبله باشید و نیز باید جنازه را مقابل خود به پشت بخوابانید، به طوری که سر او به طرف راست شما و پای او به طرف چپ شما باشد.

مسئله‌ی ۵۹۸: مکانی که در آن بر مرده نماز می‌خوانید، نباید غصبی باشد و نیز نباید جای ایستادن شما از محل قرار گرفتن جنازه، پست‌تر یا بلندتر باشد. ولی پستی و بلندی مختصر را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۵۹۹: برای نماز میت نباید از جنازه دور باشید. ولی اگر نماز میت را

به جماعت می‌خوانید، چنانچه صف‌ها به یکدیگر متصل باشد، دور بودن را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۶۰۰: باید در حال نماز میت، مقابل جنازه بایستید. ولی اگر نماز میت به جماعت خوانده شود و صف جماعت از دو طرف میت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میت نیستند را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۶۰۱: نباید بین شما که می‌خواهید نماز میت بخوانید و جنازه، پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها باشد، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد، دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۶۰۲: در وقت خواندن نماز، باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست، باید عورتش را - اگر چه با تخته و آجر و مانند اینها باشد - بپوشانید.

مسئله‌ی ۶۰۳: نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت بخوانید. و در موقع نیت، میت را معین کنید.

مسئله‌ی ۶۰۴: هر گاه نتوانید نماز میت را ایستاده بخوانید، می‌توانید نشسته بر او نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۶۰۵: هر گاه میت وصیت کرده باشد که شما بر او نماز بخوانید، باید از ولی میت اجازه بگیرید. و هر گاه ولی مرده باشید و مرده وصیت کرده باشد که شخص خاصی بر او نماز بخواند، باید اجازه بدهید آن شخص نماز بخواند.

مسئله‌ی ۶۰۶: بر یک مرده، چند مرتبه نماز نخوانید، مگر این که مرده، اهل علم و تقوا باشد.

مسئله‌ی ۶۰۷: اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون

نماز دفن کنید، یا بعد از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است، باید تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، با شرطهایی که برای نماز میت گفته شد، به قبرش نماز بخوانید.

دستور نماز میت

مسأله‌ی ۶۰۸: نماز میت را با پنج تکبیر بخوانید و می‌توانید پنج تکبیر را به این ترتیب بگویید:

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگویید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

و بعد از تکبیر دوم بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

و بعد از تکبیر سوم بگویید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ».

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگویید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» و اگر زن است بگویید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ».

و بهتر است بعد از تکبیر اول بگویید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ».

و بعد از تکبیر دوم بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ جَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

و بعد از تکبیر سوم بگویید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوئید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَ إِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». و بعد تکبیر پنجم را بگوید. ولی اگر میت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوئید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَ ابْنَتُ عَبْدِكَ وَ ابْنَةُ أُمَّتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَ إِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَ اغْفِرْ لَهَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». و خوب است بعد از تکبیر پنجم بگوئید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

و اگر دو یا چند مرده باشند، می‌توانید برای هر کدام به صورت جداگانه نماز بخوانید و می‌توانید برای همه‌ی آنها یک نماز بخوانید، ولی باید بعد از تکبیر چهارم، ضمیرها را تثنیه یا جمع بیاورید.

مسئله‌ی ۶۰۹: باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخوانید که نماز از صورت خود خارج نشود.

مسئله‌ی ۶۱۰: هر گاه نماز میت را به جماعت می‌خوانید، باید تکبیرها و دعاها را هم بخوانید.

کارهایی که خوب است در نماز میت انجام دهید

مسئله‌ی ۶۱۱: بهتر است چند کار در نماز میت انجام دهید:

اول: برای خواندن نماز میت، با وضو یا غسل یا تیمّم باشید. و بهتر است در صورتی تیمّم کنید که وضو و غسل ممکن نباشد، یا بترسید که اگر وضو بگیرید یا غسل کنید به نماز میت نرسید.

دوم: هر گاه امام جماعت باشید یا بخواهید به تنهایی بر مرده‌ای که مرد است نماز بخوانید، مقابل وسط قامت او بایستید، و اگر مرده، زن است، مقابل سینه‌اش بایستید.

سوم: بدون کفش نماز بخوانید.

چهارم: در هر تکبیر، دست‌هایتان را بلند کنید.

پنجم: فاصله‌تان با جنازه به قدری کم باشد که اگر باد، لباس‌تان را حرکت دهد، به جنازه برسد.

ششم: نماز میت را به جماعت بخوانید.

هفتم: اگر امام جماعت هستید، تکبیر و دعاها را بلند بخوانید و اگر به جماعت نماز می‌خوانید ولی امام نیستید، تکبیرها و دعاها را آهسته بخوانید.

هشتم: در جماعت، اگر چه یک نفر باشید، عقب امام بایستید.

نهم: در نماز میت، به مرده و مؤمنین زیاد دعا کنید.

دهم: اگر امام جماعت باشید، پیش از نماز، سه مرتبه بگویید: «الصلاة».

یازدهم: نماز را در جایی بخوانید که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می‌روند.

دوازدهم: منہاجیات حائض اگر نماز میت را به جماعت می‌خوانند، در صفی تنها بایستند.

مسأله‌ی ۶۱۲: نماز میت را در مسجد نخوانید، مگر در مسجد الحرام.

احکام دفن

مسئله‌ی ۶۱۳: باید میت را طوری در زمین دفن کنید که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند. و اگر ترس آن باشد که جانور، بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنید.

مسئله‌ی ۶۱۴: اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد، می‌توانید به جای دفن، او را در بنا یا تابوتی بگذارید که از درندگان محفوظ باشد و بوی او هم بیرون نیاید.

مسئله‌ی ۶۱۵: میت را باید در قبر به پهلو راست طوری بخوابانید که جلوی بدنش رو به قبله باشد.

مسئله‌ی ۶۱۶: اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد او فاسد نمی‌شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنید تا به خشکی برسید و او را در زمین دفن کنید، و گرنه باید در کشتی غسلش بدهید و حنوط و کفن کنید و پس از خواندن نماز میت، چیز سنگینی به پایش ببندید و به دریا بیاندازید، و صورت بهتر آن است که جنازه را در خمره یا بشکه‌ای بگذارید و درش را ببندید و به دریا بیاندازید. و اگر ممکن است، باید او را در جایی بیاندازید که فوراً طعمه‌ی حیوانات دریایی نشود.

مسئله‌ی ۶۱۷: اگر بترسید که دشمن، قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و گوش یا بینی یا اعضای دیگر او را ببرد، چنانچه ممکن باشد باید به طوری که در مسئله‌ی پیش گفته شد، او را به دریا بیاندازید.

مسئله‌ی ۶۱۸: مخارج انداختن در دریا و مخارج محکم کردن قبر میت را در صورتی که لازم باشد، باید از اصل مال میت بردارید.

مسئله‌ی ۶۱۹: اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد، چنانچه پدر بچه، مسلمان باشد، باید زن را در قبر به پهلو چپ، پشت به قبله بخوابانید

که روی بچه به طرف قبله باشد. بلکه اگر هنوز روح هم به بدن او داخل نشده باشد، باید به همین دستور عمل کنید.

مسئله‌ی ۶۲۰: نباید مسلمان را در قبرستان کفار، و کافر را در قبرستان مسلمانان دفن کنید.

مسئله‌ی ۶۲۱: نباید مسلمان را در جایی که بی‌احترامی به او باشد، مانند جایی که خاکروبه و کثافت در آن می‌ریزند، دفن کنید.

مسئله‌ی ۶۲۲: میت را نباید در جای غصبی دفن کنید، و همچنین نباید در زمینی دفن کنید که مثل مسجد برای غیر دفن کردن وقف شده است.

مسئله‌ی ۶۲۳: نباید مرده‌ای را در قبر مرده‌ی دیگری دفن کنید، مگر این‌که قبر، کهنه شده و میت اولی از بین رفته باشد و نبش قبر، صدق نکند.

مسئله‌ی ۶۲۴: چیزی که از میت جدا می‌شود، اگر چه مو و ناخن و دندانش باشد، باید با او دفن کنید. ولی اگر موجب نبش قبر می‌شود، باید جداگانه دفن کنید. و خوب است ناخن و دندانی که در حال زندگی از شما جدا می‌شود را نیز دفن نمایید.

مسئله‌ی ۶۲۵: اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندید و همان چاه را قبر او قرار دهید. و در صورتی که چاه، از غیر باشد، باید به نحوی او را راضی کنید.

مسئله‌ی ۶۲۶: اگر بچه در رحم زنتان بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسان‌ترین راه، او را بیرون آورید، حتی اگر ناچار شوید که او را قطعه قطعه کنید، ولی باید خود شما - اگر اهل فن هستید، او را بیرون بیاورید. و اگر ممکن نیست، زنی که اهل فن باشد او را بیرون بیاورد. و اگر ممکن نیست، مرد محرمی که اهل فن باشد. و اگر آن هم

ممکن نشود، مرد نامحرمی که اهل فن باشد بچه را بیرون بیاورد. و در صورتی که آن هم پیدا نشود، زنی که اهل فن نباشد، می‌تواند بچه را بیرون آورد. و اگر آن هم نباشد، مردی که اهل فن نباشد، می‌تواند بچه را بیرون آورد.

مسئله‌ی ۶۲۷: هرگاه زنتان که حامله است بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد، اگر چه امید زنده ماندن کودک را نداشته باشید، باید به وسیله‌ی کسانی که در مسئله‌ی پیش گفته شد، پهلوی چپ او را بشکافید و بچه را بیرون آورید و دوباره بدوزید، مگر این‌که تشخیص داده شود که بچه از طرف دیگر سالم بیرون می‌آید و از طرف چپ سالم بیرون نمی‌آید. ولی اگر بین پهلوی چپ و راست در سالم بودن بچه فرقی نباشد، باید از پهلوی چپ بیرون آورید.

کارهایی که خوب است در دفن انجام دهید

مسئله‌ی ۶۲۸: خوب است به امید آن‌که مطلوب پروردگار باشد، این کارها را مراعات کنید:

- ۱.. قبر را به اندازه‌ی قد انسان متوسط گود کنید.
۲. مرده را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایید، مگر آن‌که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد مثل آن‌که مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند یا مردم برای زیارت اهل قبور بیشتر به آنجا بروند.
۳. جنازه را در چند متری قبر بر زمین بگذارید و تا سه مرتبه کم کم نزدیک قبر برید و در هر مرتبه بر زمین بگذارید و بردارید و در نوبت چهارم وارد قبر کنید.
۴. اگر میت مرد است، در دفعه‌ی سوم طوری زمین بگذارید که سر او طرف پایین قبر باشد و در دفعه‌ی چهارم از طرف سر وارد قبر نمایید و اگر زن

- است در دفعه‌ی سوم طرف قبله‌ی قبر بگذارید و به پهنا وارد قبر کنید.
۵. در موقع وارد کردن جنازه‌ی زن در قبر، پارچه‌ای روی قبر بگیرید.
۶. جنازه را به آرامی از تابوت بردارید و وارد قبر کنید.
۷. دعاهایی که دستور داده شده را پیش از دفن و موقع دفن بخوانید.
۸. بعد از آن که میت را در قبر گذاشتید، گره‌های کفنش را باز کنید و صورت میت را روی خاک بگذارید و بالشی از خاک زیر سر او بسازید.
۹. پشت جنازه، خشت خام یا کلوخی بگذارید که میت به پشت برنگردد.
۱۰. قبر را دارای لحد بسازید، یعنی طوری بسازید که خاک، روی بدن میت نریزد، به این ترتیب که قسمت پایین قبر را باریکتر کنید و بعد از گذاشتن میت در قبر، بالای آن، خشت یا آجر بچینید و یا طرف قبله‌ی قبر را کمی از پایین توسعه دهید به اندازه‌ای که میت در آن قرار بگیرد.
۱۱. پیش از آن که لحد را بیوشانید، دست راست را به شانه‌ی راست میت بزنید و دست چپ را به قوت بر شانه‌ی چپ میت بگذارید و دهانتان را نزدیک گوش او ببرید و به شدت حرکتش دهید و سه مرتبه بگویید: «إِسْمَعِ إِيَّاهُمْ يَا فُلَانُ ابْنُ فُلَانٍ» و به جای فُلَانِ بن فُلَانِ، اسم میت و پدرش را بگویید. مثلاً اگر اسم او محمد و اسم پدرش علی است، سه مرتبه بگویید: «إِسْمَعِ إِيَّاهُمْ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ». پس از آن بگویید: «هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ إِمَامٌ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَ أَنْ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمِ الْحُجَّةِ الْمَهْدِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَيْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَ ائِمَّتُكَ هُدًى أَبْرَارٍ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ» و به جای فلان بن فلان، اسم میت و پدرش را بگویند.

بعد بگویند: «إِذَا آتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ سَأَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِينِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قِبَلَتِكَ وَ عَنْ ائِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ وَ قُلْ فِي جَوَابِهِمَا: اللَّهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيُّي وَ الْأِسْلَامُ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي وَ الْكَعْبَةُ قِبَلَتِي وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامِي وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى إِمَامِي وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءَ إِمَامِي وَ عَلِيُّ زَيْنُ الْعَابِدِينَ إِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ إِمَامِي وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي وَ مُوسَى الْكَاطِمُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَ عَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي وَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي وَ الْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي هَؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ائِمَّتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ شَفَعَائِي، بِهِمْ آتَوَلَى وَ مِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ثُمَّ اَعْلَمَ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ - وَ بِهِ جَاى فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، اِسْمِ مَيْتِ وَ پَدْرَشِ رَا بْگُوِيِيْد - «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَ أَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ وَ أَنْ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ وَ أَوْلَادَهُ الْمَعْصُومِينَ الْأَيْمَةَ الْإِثْنَى عَشَرَ نِعَمَ الْأَيْمَةِ وَ أَنْ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ وَ أَنْ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ الشُّشُورَ حَقٌّ وَ الصَّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ تَطَايِرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» پس بگویند: «أَفَهَمْتُ يَا فُلَانُ» و به جای «فلان» اسم میت را بگویند.

پس از آن بگویند: «تَبَّتْكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَ هَذَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

عَرَفَ اللهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ» پس بگویند: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنِ جَنْبِيهِ وَ أَصْعِدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَ لَقِّهِ مِنْكَ بَرْهَانًا. اللَّهُمَّ عَفُوكَ عَفُوكَ».

مسئله‌ی ۶۲۹: خوب است به امید این که مطلوب پروردگار است، در وقتی که میت را در قبر می‌گذارید، با طهارت و سربرهنه و پا برهنه باشید، و از طرف پای میت از قبر بیرون بیایید. و اگر از خویشان میت نیستید، با پشت دستتان خاک در قبرش بریزید و بگویید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». اگر میت زن است کسی که با او محرم است او را در قبر بگذارد و اگر محرم نباشد، خویشانش او را در قبر بگذارند.

مسئله‌ی ۶۳۰: خوب است به امید این که مطلوب پروردگار است، قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازید و به اندازه‌ی چهار انگشت از زمین بلند کنید و نشانه‌ای روی آن بگذارید که اشتباه نشود و روی قبر، آب بپاشید. و بعد از پاشیدن آب، دستتان را بر قبر بگذارید و انگشت‌هایتان را باز کرده، در خاک فرو ببرید و هفت مرتبه سوره‌ی قدر بخوانید و برای میت، طلب آمرزش کنید و این دعا را بخوانید: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنِ جَنْبِيهِ وَ أَصْعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَ لَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ أَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنِ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ».

مسئله‌ی ۶۳۱: هر گاه ولی میت باشید یا کسی باشید که از طرف ولی میت اجازه‌ی انجام مراسم را داشته‌اید، پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده‌اند، دعاهایی که دستور داده شده را به میت تلقین کنید.

مسئله‌ی ۶۳۲: شایسته است بعد از دفن، صاحبان عزا را سرسلامتی دهید. ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه‌ی سرسلامتی دادن مصیبت یادشان می‌آید، بهتر است ترک کنید. و نیز بهتر است تا سه روز برای اهل خانه‌ی

میت غذا بفرستید، و غذا خوردن در نزد آنان و در منزلشان را ترک کنید.
مسئله‌ی ۶۳۳: شایسته است در مرگ خویشان مخصوصاً در مرگ فرزندان، صبر کنید و هر وقت مردگانتان را یاد می‌کنید «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگویید. و برای مردگانتان قرآن بخوانید، و در کنار قبر پدر و مادران، از خداوند حاجت بخواهید و قبر را محکم بسازید که زود خراب نشود.
مسئله‌ی ۶۳۴: نباید در مرگ کسی، صورت و بدنتان را بخراشید و به خود لطمه بزنید.

مسئله‌ی ۶۳۵: نباید در مرگ کسی، یقه پاره کنید.
مسئله‌ی ۶۳۶: اگر در مرگ زن یا فرزندان، یقه یا لباستان را پاره کنید، یا منہاجیات در عزای میت، صورت خود را بخراشند، چه خون بیاید و چه خون نیاید، یا موی خود را بکنید، باید یک برده آزاد کنید یا ده فقیر را طعام دهید و یا آنها را بیوشانید. و اگر نتوانید، باید سه روز روزه بگیرید. و اگر منہاجیات، موی خود را در عزای میت بپزند، باید دو ماه پی در پی روزه بگیرند یا یک برده آزاد کنند و یا شصت مسکین را طعام دهند.
مسئله‌ی ۶۳۷: نباید در گریه‌ی بر میت، صدایتان را خیلی بلند کنید.

نماز وحشت

مسئله‌ی ۶۳۸: شایسته است در شب اول قبر، دو رکعت نماز وحشت برای میت بخوانید، به این صورت که در رکعت اول بعد از حمد، یک مرتبه آیه الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره‌ی قدر بخوانید، و بعد از سلام نماز بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ» و به جای کلمه‌ی «فلان»، اسم میت را بگویید.
مسئله‌ی ۶۳۹: نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می‌توانید بخوانید،

ولی بهتر است در اول شب، بعد از نماز عشا بخوانید.
مسئله‌ی ۶۴۰: اگر بخواهید میت را به شهر دوری ببرید، یا به جهت دیگر، دفن او به تأخیر افتد، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او به تأخیر اندازید.

نبش (شکافتن) قبر

مسئله‌ی ۶۴۱: نباید قبر مسلمان - اگر چه کودک یا دیوانه باشد - را بشکافید، مگر این که بدنش از بین رفته و خاک شده باشد.

مسئله‌ی ۶۴۲: قبر امامزاده‌ها، شهدا، علما و صلحا - اگر چه سال‌ها بر آن گذشته باشد - چه زیارتگاه باشد و چه نباشد را نباید بشکافید.

مسئله‌ی ۶۴۳: در چند مورد می‌توانید قبر را بشکافید، بلکه در بعضی از آنها باید بشکافید، که عبارتند از:

اول: آن که میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین، راضی نشود که در آنجا بماند.

دوم: آن که کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده، غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند، و همچنین است اگر قسمت قابل اعتنایی از مال خود میت، که به ورثه‌ی او رسیده، با او دفن شده باشد، و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند. ولی اگر مرده وصیت کرده باشد که دعا یا قرآن یا انگشتری را با او دفن کنند، برای بیرون آوردن اینها، نباید قبر را بشکافید، مگر آن که زیادتراً از یک سوم دارایی‌اش باشد و ورثه قبول نکنند.

سوم: آن که مرده، بی‌غسل یا بی‌کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسلش باطل بوده، یا به غیر دستور شرع کفن شده، یا او را در قبر، رو به قبله گذاشته باشند. ولی اگر نبش، در این صورت باعث هتک مرده و اذیت مردم شود، انجام ندهید.

چهارم: آن‌که برای ثابت شدن حقی بخواید بدن میت را ببینید.
پنجم: آن‌که میت را در جایی که بی‌احترامی به اوست، مثل قبرستان کفار، یا جایی که کثافت و خاکروبه می‌ریزند، دفن کرده باشند.
ششم: برای یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، مثلاً بخواید بچه‌ی زنده را از شکم زن حامله‌ای که تازه دفنش کرده‌اند، بیرون آورید.
هفتم: آن‌که بترسید دَرَنده‌ای بدن میت را پاره کند، یا سیل او را ببرد، یا دشمن بیرونش آورد.
هشتم: آن‌که قسمتی از بدن میت که با او دفن نشده را بخواید به بدن ملحق کنید، و باید در این صورت، آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارید که بدن میت دیده نشود.
نهم: آن‌که بخواید میت را به شاهد مشرفه منتقل کنید، بخصوص اگر وصیت کرده باشد.

غسل‌هایی که خوب است انجام دهید

مسأله‌ی ۶۴۴: غسل‌های مستحب در شرع مقدس اسلام را بسیار بدانید، از آن جمله:

۱- غسل جمعه، و وقت آن را از اذان صبح تا ظهر بدانید، و بهتر است نزدیک ظهر بجا آورید. و اگر تا ظهر انجام ندهید باید بدون نیت ادا یا قضا، تا غروب جمعه بجا آورید. و اگر در روز جمعه غسل نکنید، خوب است از صبح تا غروب شنبه، قضای آن را بجا آورید. و هر گاه بترسید در روز جمعه آب پیدا

نکنید، در روز پنجشنبه غسل را انجام دهید، بلکه اگر بتوانید، در شب جمعه، غسل را به امید آن که مطلوب خداوند متعال است، بجا آورید. و خوب است در موقع غسل جمعه بگویید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

۲ - غسل شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم و بیست و چهارم ماه رمضان.

۳ - غسل روز عید فطر و عید قربان، و وقت آن را از اذان صبح تا ظهر بدانید و انجام آن قبل از نماز عید را بهتر بدانید، و اگر تا ظهر انجام ندادید، بعد از ظهر به قصد رجاء بجا آورید.

۴ - غسل شب عید فطر، و وقت آن را از اول مغرب تا اذان صبح بدانید، ولی انجام دادنش در اول شب را بهتر بشمارید.

۵ - غسل روز هشتم و نهم ذیحجه، و در روز نهم، بجا آوردنش در نزدیک ظهر را بهتر بدانید.

۶ - غسل روز اول و پانزدهم و بیست و هفتم و آخر ماه رجب.

۷ - غسل روز عید غدیر، و انجام آن پیش از ظهر را بهتر بدانید.

۸ - غسل روز بیست و چهارم ذیحجه.

۹ - غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع الاول و روز بیست و پنجم ذی‌قعدة.

۱۰ - غسل دادن بچه‌ای که تازه به دنیا آمده، و وقت آن را از تولد تا دو سه روز که بگویند تازه به دنیا آمده بدانید و اگر تأخیر شد، به قصد رجاء غسل بدهید.

۱۱ - غسل منهاجیاتی که برای غیر شوهرشان بوی خوش استعمال کرده

باشند.

۱۲ - غسل کسی که در حال مستی خوابیده باشد.

۱۳ - غسل برای رساندن جایی از بدن به بدن مرده‌ای که غسل داده‌اند.

۱۴ - غسل برای نخواندن عمدی نماز آیات، در موقع گرفتن خورشید و ماه. و در صورتی که تمام ماه یا خورشید گرفته باشد، و عمداً نماز آیات نخوانید، این غسل را ترک نکنید.

۱۵ - غسل برای وقتی که به تماشای به دار آویخته، رفته و آن را دیده باشید، ولی اگر اتفاقی یا از روی ناچاری نگاهتان بیافتد، یا مثلاً برای شهادت دادن رفته باشید، غسل را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۶۴۵: خوب است پیش از داخل شدن در حرم مکه، شهر مکه، مسجد الحرام، خانه‌ی کعبه، حرم مدینه، شهر مدینه، مسجد النبی و حرم ائمه (علیهم‌السلام) غسل کنید و اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شوید، یک غسل را کافی بدانید و اگر بخواهید در یک روز داخل حرم مکه و مسجد الحرام و خانه‌ی کعبه شوید، و نیز اگر در یک روز بخواهید داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد النبی شوید، یک غسل را برای همه کافی بدانید. و نیز خوب است برای زیارت استادان منهاج (علیهم‌السلام) از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند متعال و همچنین برای توبه و نشاط به جهت عبادت و برای سفر رفتن، خصوصاً سفر زیارت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) غسل کنید و اگر یکی از غسل‌هایی که در این مسئله گفته شد را بجا آورید و بعد، کاری کنید که وضو را باطل می‌نماید، مثلاً بخوابید، بهتر است دوباره غسل را بجا آورید.

مسئله‌ی ۶۴۶: نباید با غسل‌هایی که در مسئله‌ی قبل گفته شد، کارهایی

مانند نماز که نیاز به وضو دارد را انجام دهید.

مسئله‌ی ۶۴۷: هر گاه بخواهید چند غسل مستحب انجام دهید، می‌توانید یک غسل به نیت همه بجا آورید.

تیمم

در هفت مورد باید به جای وضو و غسل، تیمم کنید:

اول از موارد تیمم

آن که تهیه‌ی آب، به قدر وضو یا غسل، برایتان ممکن نباشد.

مسئله‌ی ۶۴۸: هر گاه در آبادی باشید، باید برای تهیه‌ی آب وضو و غسل به قدری جستجو کنید که از پیدا شدن آن ناامید شوید. و اگر در بیابان باشید، چنانچه زمین آن پست و بلند است، و یا به واسطه‌ی درخت و مانند آن، عبور در آن زمین مشکل است، باید در هر یک از چهار طرف به اندازه‌ی پرتاب یک تیر قدیمی - که با کمان پرتاب می‌کردند - و اگر زمین آن پست و بلند نیست، باید در هر طرف به اندازه‌ی پرتاب دو تیر، جستجو نمایید. و بهتر است اگر وسیله‌ی نقلیه دارید، به اندازه‌ای که ناامید شوید، به جستجوی آب برآیید.

مسئله‌ی ۶۴۹: اگر بعضی از چهار طرف، هموار و بعضی دیگر پست و بلند بوده یا عبور در آن مشکل باشد، در طرفی که هموار است به اندازه‌ی پرتاب دو تیر و در طرفی که این طور نیست به اندازه‌ی پرتاب یک تیر جستجو کنید.

مسئله‌ی ۶۵۰: در هر طرفی که یقین دارید آب نیست، جستجو در آن طرف را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۶۵۱: هر گاه وقت نمازتان تنگ نیست و برای تهیه‌ی آب وقت دارید، اگر یقین یا اطمینان دارید در محلی دورتر از مقدار یک یا دو تیر، آب هست، در صورتی که مانعی نباشد و مشقت هم نداشته باشد، باید برای تهیه‌ی آب بروید.

مسئله‌ی ۶۵۲: جستجوی خودتان برای یافتن آب را لازم ندانید، بلکه می‌توانید کسی که به گفته‌ی او اطمینان دارید را بفرستید. و در این صورت، می‌توانید یک نفر را از طرف چند نفر بفرستید.

مسئله‌ی ۶۵۳: هر گاه احتمال دهید که داخل بار سفرتان یا در منزل یا در قافله، آب هست، باید به قدری جستجو نمایید که به نبودن آب یقین کنید یا از پیدا کردن آن ناامید شوید.

مسئله‌ی ۶۵۴: اگر پیش از وقت نماز جستجو نمایید و آب پیدا نکنید و تا وقت نماز همان جا بمانید، چنانچه احتمال دهید که آب پیدا می‌کنید، باید دوباره در جستجوی آب بروید.

مسئله‌ی ۶۵۵: اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کنید و آب پیدا نکنید و تا وقت نماز دیگر در همانجا بمانید، چنانچه احتمال دهید که آب پیدا می‌شود، باید دوباره در جستجوی آب بروید.

مسئله‌ی ۶۵۶: اگر از درنده یا دزد بترسید یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتوانید تحمل کنید یا وقت نماز تنگ باشد، جستجو را لازم ندانید. ولی اگر بتوانید مقداری جستجو کنید، به همان مقدار جستجو کنید. و اگر از دزد بر جان یا مال خودتان بترسید، نباید در جستجوی آب بروید. ولی اگر

مالی که احتمال می‌دهید از بین برود، نسبت به دارایی‌تان قابل اعتنا نباشد و ترس دیگری هم نداشته باشید، باید جستجوی آب کنید.

مسئله‌ی ۶۵۷: اگر در جستجوی آب نروید تا وقت نماز تنگ شود، خود را معصیت‌کار بدانید ولی نمازتان با تیمّم را صحیح بشمارید.

مسئله‌ی ۶۵۸: هر گاه یقین داشته باشید آب پیدا نمی‌کنید، چنانچه دنبال آب نروید و با تیمّم نماز بخوانید و بعد از نماز بفهمید که اگر جستجو می‌کردید، آب پیدا می‌شد، باید نمازتان را دوباره با وضو بخوانید و اگر وقتش گذشته، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۶۵۹: اگر بعد از جستجو، آب پیدا نکنید و با تیمّم نماز بخوانید و بعد از نماز بفهمید در جایی که جستجو کرده‌اید، آب بوده، باید اگر وقت باقی است، نمازتان را دوباره با وضو بخوانید.

مسئله‌ی ۶۶۰: اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشید و بدانید که اگر وضوی خود را باطل کنید، تهیه‌ی آب برایتان ممکن نیست، یا نمی‌توانید وضو بگیرید، چنانچه بتوانید وضوی خود را نگهدارید، نباید آن را باطل کنید. و همچنین است اگر بدانید یا دو شاهد عادل خبر دهند که تهیه‌ی آب برایتان ممکن نیست. بلکه اگر احتمال صحیح عقلایی هم بدهید، نباید وضوی خود را باطل کنید.

مسئله‌ی ۶۶۱: اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشید و بدانید که اگر وضوی خود را باطل کنید، تهیه‌ی آب برایتان ممکن نیست، چنانچه بتوانید وضوی خود را نگهدارید، نباید آن را باطل کنید. همچنین اگر احتمال عقلایی بدهید یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر وضوی خود را باطل کنید، تهیه‌ی آب برای‌تان ممکن نیست، چنانچه بتوانید بدون ضرر و مشقت، وضوی خود

را نگهدارید، نباید آن را باطل کنید.

مسئله‌ی ۶۶۲: هر گاه فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب داشته باشید، اگر بدانید که اگر آن را بریزید، آب پیدا نمی‌کنید، یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر آن را بریزید، آب پیدا نمی‌کنید، چه وقت نماز داخل شده باشد و چه نشده باشد، نباید آن آب را بریزید.

مسئله‌ی ۶۶۳: هر گاه بدانید آب پیدا نمی‌کنید، یا دو شاهد عادل خبر دهند که آب پیدا نمی‌کنید، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضوی خود را باطل کنید یا آبی که دارید بریزید، خود را معصیت‌کار بدانید ولی نمازتان با تیمم را صحیح بشمارید، هر چند بهتر است بعداً با وضو یا غسل، قضای آن نماز را بخوانید.

دوم از موارد تیمم

مسئله‌ی ۶۶۴: اگر به واسطه‌ی پیری یا ناتوانی یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشید، دسترسی به آب نداشته باشید، باید تیمم کنید. و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقت داشته باشد که مردم، تحمل آن را نکنند.

مسئله‌ی ۶۶۵: اگر برای کشیدن آب از چاه، دلو و ریسمان و مانند اینها لازم داشته و مجبور باشید بخرید یا کرایه نمایید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد، باید تهیه کنید. و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند.

مسئله‌ی ۶۶۶: اگر ناچار شوید که برای تهیه‌ی آب، قرض کنید، باید قرض نمایید، مگر این که بدانید یا گمان داشته باشید که نمی‌توانید قرض خود را بدهید.

مسئله‌ی ۶۶۷: هر گاه کندن چاه مشقت نداشته باشد، باید برای تهیه‌ی آب، چاه بکنید.

مسئله‌ی ۶۶۸: هر گاه کسی مقداری آب بی‌منت به شما ببخشد، باید قبول کنید.

سوم از موارد تیمم

مسئله‌ی ۶۶۹: اگر از استعمال آب بر جان خود بترسید یا بترسید که به واسطه‌ی استعمال آن، مرض یا عیبی در شما پیدا شود یا مرستان طول بکشد یا شدت یابد یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نمایید. ولی اگر آب گرم برایتان ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرید یا غسل کنید.

مسئله‌ی ۶۷۰: یقین به ضرر آب را لازم ندانید، بلکه اگر احتمال ضرر نیز بدهید، چنانچه آن احتمال در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال، ترس برایتان پیدا شود، باید تیمم کنید.

مسئله‌ی ۶۷۱: هر گاه مبتلا به درد چشم باشید و آب برایتان ضرر داشته باشد، باید تیمم نمایید.

مسئله‌ی ۶۷۲: هر گاه به واسطه‌ی یقین یا ترس ضرر، تیمم کنید و پیش از نماز بفهمید که آب برایتان ضرر ندارد، تیمم خود را باطل بدانید. و اگر بعد از نماز بفهمید، باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخوانید و اگر وقت گذشته، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۶۷۳: هر گاه بدانید آب برایتان ضرر ندارد، چنانچه غسل کنید یا وضو بگیرید و بعد بفهمید که آب برایتان ضرر داشته، باید اگر در وقت است و نماز را نخوانده‌اید، تیمم هم بنمایید. و اگر نماز را خوانده‌اید، دوباره آن را با تیمم بخوانید. و اگر وقت گذشته، با وضو یا غسل آن را قضا نمایید.

چهارم از موارد تیمم

مسئله‌ی ۶۷۴: هرگاه بترسید که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برسانید، خود یا خانواده و فرزندان، یا رفیقتان و کسانی که با شما مربوطند مانند نوکر و کلفت، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم نمایید. و نیز اگر بترسید حیوانی که مال خودتان یا دیگری است از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن حیوان بدهید و تیمم نمایید. و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهید، تلف شود.

مسئله‌ی ۶۷۵: هر گاه غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارید، آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که با شما مربوطند داشته باشید، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارید و با تیمم نماز بخوانید. ولی چنانچه آب را برای حیواناتان بخواهید، باید آب نجس را به آن بدهید و با آب پاک، وضو و غسل را انجام دهید.

پنجم از موارد تیمم

مسئله‌ی ۶۷۶: هر گاه بدن یا لباستان نجس باشد و کمی آب داشته باشید که اگر با آن وضو بگیرید یا غسل کنید، برای آب کشیدن بدن یا لباستان نمی ماند، باید بدن یا لباستان را آب بکشید و با تیمم نماز بخوانید. ولی اگر چیزی نداشته باشید که بر آن تیمم کنید، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برسانید و با بدن یا لباس نجس نماز بخوانید.

ششم از موارد تیمم

مسئله‌ی ۶۷۷: هر گاه غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است، آب یا ظرف دیگری نداشته باشید، مثلاً آب یا ظرفتان غصبی باشد و غیر از آن آب و ظرف دیگری نداشته باشید، باید به جای وضو و غسل، تیمّم کنید.

هفتم از موارد تیمم

مسئله‌ی ۶۷۸: هر گاه وقت نماز به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرید یا غسل کنید، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمّم کنید.

مسئله‌ی ۶۷۹: هر گاه عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازید که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، خود را معصیت‌کار بدانید، و قضای آن نماز را بخوانید.

مسئله‌ی ۶۸۰: هر گاه شک داشته باشید که اگر وضو بگیرید یا غسل کنید، وقت برای نماز خواندنتان می‌ماند یا نه، باید تیمّم کنید و نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۶۸۱: هر گاه به واسطه‌ی تنگی وقت تیمّم کرده باشید، چنانچه بعد از نماز، آبی که داشتید از دستتان برود، اگر چه تیمّم خود را نشکسته باشید، در صورتی که وظیفه‌تان تیمّم باشد، باید دوباره تیمّم نمایید.

مسئله‌ی ۶۸۲: هر گاه آب داشته باشید، اگر به واسطه‌ی تنگی وقت با تیمّم مشغول نماز شوید و در بین نماز، آبی که داشته‌اید از دستتان برود، چنانچه وظیفه‌تان تیمّم باشد، باید برای نمازهای بعدی دوباره تیمّم کنید.

مسئله‌ی ۶۸۳: هر گاه به قدری وقت دارید که می‌توانید وضو بگیرید یا غسل کنید و نماز را بدون کارهای مستحبی آن - مثل اقامه و قنوت بخوانید - باید غسل کنید یا وضو بگیرید و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورید. بلکه اگر به اندازه‌ی سوره هم وقت ندارید، باید غسل کنید یا وضو بگیرید و نماز را بدون سوره بخوانید.

چیزهایی که می‌توانید به آنها تیمم کنید

مسئله‌ی ۶۸۴: تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ - اگر پاک باشد - را صحیح بدانید، و تا خاک ممکن باشد به چیز دیگری تیمم نکنید.

مسئله‌ی ۶۸۵: تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگ‌ها را صحیح بدانید ولی با بودن چیزهایی که در مسئله‌ی قبل گفته شد، بر گچ و آهک پخته تیمم نکنید. و تیمم بر جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه را باطل بدانید. و اگر دسترسی به خاک و مانند آن ندارید و امر دایر است بین گچ یا آهک پخته، باید با هر کدام، یکبار تیمم کنید.

مسئله‌ی ۶۸۶: اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که بر فرش و لباس و مانند اینها نشسته، اگر ظاهر است تیمم کنید. و اگر گرد و غبار آنها ظاهر نیست، ولی وقتی دست به آن می‌زنید گرد بر می‌خیزد، باید اول دست بزنید تا روی آن، غبارآلود شود، بعد تیمم کنید و سپس به گل نیز تیمم کنید. و چنانچه اصلاً گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کنید. و اگر گل هم پیدا نشود، باید نماز را بدون تیمم بخوانید، ولی بعداً قضای آن را بجا آورید.

مسئله‌ی ۶۸۷: اگر بتوانید با تکاندن فرش و مانند آن، خاک تهیه کنید، نباید به گرد تیمم نمایید و اگر بتوانید گل را خشک کنید و از آن خاک تهیه نمایید، نباید به گل تیمم کنید.

مسئله‌ی ۶۸۸: هر گاه آب نداشته باشید، ولی بتوانید برف یا یخ را آب کنید، باید چنان کنید و با آن وضو بگیرید یا غسل نمایید. و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارید، باید - اگر سخت نباشد - با برف یا یخ، اعضای وضو یا غسل را نمناک کنید. و اگر این هم ممکن نیست،

به یخ یا برف تیمّم نمایید. ولی در دو صورت اخیر، نمازی که خوانده‌اید را باید قضا کنید.

مسئله‌ی ۶۸۹: هر گاه با خاک یا ریگ، چیزی که باید تیمّم بر آن را باطل بشمارید، مانند کاه مخلوط شده باشد، نباید به آن تیمّم کنید. ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود، می‌توانید به آن خاک یا ریگ، تیمّم کنید.

مسئله‌ی ۶۹۰: هر گاه چیزی نداشته باشید که بر آن تیمّم کنید، چنانچه بتوانید، باید به خریدن و مانند آن، تهیه نمایید.

مسئله‌ی ۶۹۱: تیمّم به دیوار گلی را صحیح بدانید. ولی بهتر است با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمّم نکنید.

مسئله‌ی ۶۹۲: چیزی که بر آن تیمّم می‌کنید باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمّم بر آن صحیح است را ندارید، باید نماز را بدون تیمّم بخوانید، ولی بعداً با وضو یا غسل، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۶۹۳: اگر یقین داشته باشید که تیمّم به چیزی صحیح است و به آن تیمّم نمایید، بعد بفهمید تیمّم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمّم خوانده‌اید را باید دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۶۹۴: نباید چیزی که بر آن تیمّم می‌کنید، و مکان آن چیز غصبی باشد. پس اگر بر خاک غصبی تیمّم کنید یا خاکی را که مال خودتان است، بی‌اجازه در ملک دیگری بگذارید و بر آن تیمّم کنید، تیمّم خود را باطل بدانید.

مسئله‌ی ۶۹۵: تیمّم در فضای غصبی را باطل بدانید، پس اگر در ملک خود، دست‌هایتان را به زمین بزیند و بی‌اجازه داخل ملک دیگری شوید و دست

هایتان را به پیشانی‌تان بکشید، تیمم خود را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۶۹۶: تیمم به چیز غصبی یا در فضای غصبی یا بر چیزی که در ملک غصبی است را در صورتی باطل بدانید که از غصبی بودن آن اطلاع داشته باشید و عمداً تیمم کنید. پس چنانچه ندانید یا فراموش کرده باشید، تیممتان را صحیح بشمارید، مگر این که خودتان غاصب باشید، یعنی خودتان چیزی را غصب کنید و فراموش کنید که غصب کرده‌اید و بر آن تیمم کنید، یا ملکی را غصب نمایید و فراموش کنید که غصب کرده‌اید و چیزی را که بر آن تیمم می‌کنید را در آن ملک بگذارید، یا در فضای آن ملک تیمم نمایید.

مسئله‌ی ۶۹۷: هر گاه در جای غصبی زندانی باشید، اگر آب و خاکش غصبی است، باید با تیمم نماز بخوانید، و بعداً قضا نمایید.

مسئله‌ی ۶۹۸: باید چیزی که بر آن تیمم می‌کنید، گردی داشته باشد که به دست بماند، و بهتر است بعد از زدن دست‌ها بر آن، دست‌هایتان را بتکانید که گرد آن بریزد.

مسئله‌ی ۶۹۹: به زمین گود و خاک جاده و زمین شوره‌زار که نمک روی آن را نگرفته، تیمم نکنید. ولی اگر نمک، روی آن را گرفته باشد، نباید تیمم کنید.

دستور تیمم

مسئله‌ی ۷۰۰: در تیمم، چهار چیز را باید انجام دهید: اول: نیت. دوم: زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است. سوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی، و باید دست‌ها را روی ابروهایتان هم بکشید. چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن، کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

مسئله‌ی ۷۰۱: تیمم بدل از غسل را مثل تیمم بدل از وضو انجام دهید؛ ولی بهتر است که تیمم را - چه بدل از وضو باشد و چه بدل از غسل - با دو ضرب انجام دهید، به این نحو که: یک مرتبه دست‌ها را به زمین بزنید و به پیشانی و پشت دست‌هایتان بکشید و مرتبه‌ی دیگر، دست‌هایتان را به زمین بزنید و به پشت دست‌هایتان بکشید.

احکام تیمم

مسئله‌ی ۷۰۲: هر گاه مختصری از پیشانی یا پشت دست‌هایتان را مسح نکنید، تیمم خود را باطل بدانید، چه عمداً مسح نکنید و چه این که مسأله را ندانید یا فراموش کرده باشید؛ ولی دقت زیاد را هم لازم ندانید و همین قدر که گفته شود تمام پیشانی و پشت دستتان را مسح کردید، کافی بشمارید.

مسئله‌ی ۷۰۳: برای آن که یقین کنید تمام پشت دست‌هایتان را مسح کرده‌اید، باید مقداری بالاتر از میچ دستتان را هم مسح نمایید؛ ولی مسح بین انگشتانتان را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۷۰۴: در تیمم، باید پیشانی و پشت دست‌هایتان را از بالا به پایین مسح نمایید و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورید و اگر بین آنها به قدری فاصله اندازید که نگویند تیمم می‌کند، دوباره باید تیمم کنید.

مسئله‌ی ۷۰۵: در موقع نیت، باید معین کنید که تیمم شما بدل از غسل است یا بدل از وضو. و اگر بدل از غسل باشد، باید آن غسل را معین نمایید. و چنانچه اشتباهی به جای بدل از وضو، بدل از غسل باشد، یا به جای بدل از غسل، بدل از وضو، نیت کنید یا مثلاً در تیمم بدل از غسل جنابت، نیت تیمم بدل از غسل مسّ میّت نمایید، باید دوباره تیمم کنید.

مسئله‌ی ۷۰۶: در تیمم باید پیشانی و کف دست‌ها و پشت دست‌هایتان پاک

باشد، و اگر کف دستتان نجس باشد و نتوانید آن را آب بکشید، باید دو تیمم کنید: یکی با کف دست و یکی با پشت دست، یعنی پشت دستهایتان را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزنید و به پیشانی و پشت دستهایتان بکشید.

مسئله‌ی ۷۰۷: باید برای تیمم، انگشتر را از دستتان بیرون آورید. و اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها یا در کف دست‌هایتان مانعی باشد، مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید برطرف نمایید.

مسئله‌ی ۷۰۸: اگر پیشانی یا پشت دست‌هایتان زخم است و پارچه یا چیز دیگری که بر آن بسته شده را نمی‌توانید باز کنید، باید دستتان را روی آن بکشید. و نیز اگر کف دستتان زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته شده نتوانید باز کنید، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزنید و به پیشانی و پشت دست‌هایتان بکشید.

مسئله‌ی ۷۰۹: اگر پیشانی و پشت دست‌هایتان مو داشته باشد، موجب اشکال در تیمم ندانید؛ ولی اگر موی سرتان روی پیشانی‌تان آمده باشد، باید آن را عقب بزنید.

مسئله‌ی ۷۱۰: اگر احتمال دهید که در پیشانی و کف دست‌ها یا پشت دست‌هایتان مانعی هست، چنانچه آن احتمال در نظر مردم بجا باشد، باید جستجو نمایید تا یقین یا اطمینان پیدا کنید که مانعی نیست.

مسئله‌ی ۷۱۱: هر گاه وظیفه‌ی شما تیمم است ولی نمی‌توانید تیمم کنید، باید نایب بگیرید. و هر گاه نایب می‌شوید، باید طرفتان را با دست خودش تیمم دهید. و اگر ممکن نباشد، باید دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزنید و به پیشانی و پشت دست‌های او بکشید.

مسأله‌ی ۷۱۲: اگر در بین تیمّم شک کنید که قسمتی از آن را فراموش کرده اید یا نه، باید آن قسمت را با آنچه بعد از آن است به جا آورید. و نیز اگر بعد از به جا آوردن هر جزء شک کنید که درست به جا آورده‌اید یا نه، باید دوباره انجام دهید.

مسأله‌ی ۷۱۳: اگر بعد از مسح دست چپ شک کنید که درست تیمّم کرده اید یا نه، دوباره تیمّم کنید.

مسأله‌ی ۷۱۴: هر گاه وظیفه‌تان تیمّم باشد، نباید پیش از وقت نماز، برای نماز تیمّم کنید. ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبی تیمّم کنید و تا وقت نماز، عذرتان باقی باشد، می‌توانید با همان تیمّم نماز بخوانید.

مسأله‌ی ۷۱۵: هر گاه وظیفه‌تان تیمّم باشد، اگر بدانید تا آخر وقت، عذرتان باقی می‌ماند، در وسعت وقت می‌توانید با تیمّم نماز بخوانید. ولی اگر بدانید که تا آخر وقت، عذرتان برطرف می‌شود، باید صبر کنید و با وضو یا غسل نماز بخوانید.

مسأله‌ی ۷۱۶: هر گاه نتوانید وضو بگیرید یا غسل کنید، در صورتی که بترسید اجلتان برسد ولی عذرتان برطرف نشود و نمازهای قضایتان بماند، می‌توانید با تیمّم نماز قضا بخوانید ولی اگر عذرتان برطرف شد، باید تمام نمازهای قضایی که با تیمّم خوانده‌اید را دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۷۱۷: هر گاه نتوانید وضو بگیرید یا غسل کنید، اگر بدانید که عذرتان تا آخر وقت برطرف نمی‌شود، می‌توانید نمازهای مستحبی‌ای که وقت معین دارند مثل نوافل شبانه‌روز را با تیمّم بخوانید.

مسأله‌ی ۷۱۸: هر گاه باید غسل جبیره‌ای و تیمّم نمایید، مثلاً جراحی در پشتتان باشد، اگر بعد از غسل و تیمّم، حدث اصغری از شما سر بزند، مثلاً

ادرار کنید، برای نمازهای بعد، تا عذرتان باقی است، باید وضو بگیرید و تیمّم بدل از غسل هم انجام دهید.

مسأله‌ی ۷۱۹: هر گاه به واسطه‌ی نداشتن آب یا عذر دیگری تیمّم کنید، بعد از برطرف شدن عذر، تیمّم خود را باطل بشمارید.

مسأله‌ی ۷۲۰: باید چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، باطل‌کننده‌ی تیمّم بدل از وضو؛ و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید، باطل‌کننده‌ی تیمّم بدل از غسل بدانید.

مسأله‌ی ۷۲۱: هر گاه نتوانید غسل کنید، و چند غسل بر شما واجب شده باشد، باید بدل از هر غسلی یک تیمّم بنمایید.

مسأله‌ی ۷۲۲: هر گاه نتوانید غسل کنید، اگر بخواهید عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهید، باید بدل از غسل، تیمّم نمایید. و اگر نتوانید وضو بگیرید، اگر بخواهید عملی که برای آن وضو واجب است را انجام دهید، باید بدل از وضو، تیمّم نمایید.

مسأله‌ی ۷۲۳: هر گاه بدل از غسل جنابت تیمّم کنید، بهتر است کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهید و سپس برای نماز، وضو بگیرید. ولی اگر بدل از غسل‌های دیگر تیمّم کنید، باید وضو بگیرید. و اگر نتوانید وضو بگیرید، باید تیمّم دیگری هم بدل از وضو بنمایید.

مسأله‌ی ۷۲۴: هر گاه بدل از غسل، تیمّم کنید و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برایتان پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتوانید غسل کنید، باید وضو بگیرید و بدل از غسل، تیمّم نمایید. و اگر نمی‌توانید وضو بگیرید، دو تیمّم کنید، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسأله‌ی ۷۲۵: هر گاه وظیفه‌تان آن است که بدل از وضو و بدل از غسل

تیمم کنید، بهتر است تیمم سومی هم به قصد این که بتوانید آن عمل را انجام دهید، بنمایید.

مسئله‌ی ۷۲۶: هر گاه وظیفه‌تان تیمم باشد، اگر برای کاری تیمم کنید، تا تیمم و عذرتان باقی است، می‌توانید کارهایی که باید با وضو یا غسل انجام دهید را به جا آورید. ولی اگر عذرتان تنگی وقت بوده یا با داشتن آب، برای نماز میت یا خوابیدن تیمم کرده باشید، فقط کاری را که برای آن تیمم نموده‌اید می‌توانید انجام دهید.

مسئله‌ی ۷۲۷: در چند مورد بهتر است نمازهایی که با تیمم خوانده‌اید را دوباره بخوانید:

اول: آن که از استعمال آب، ترس داشته و عمداً خود را جُنُب کرده و با تیمم نماز خوانده باشید.

دوم: آن که می‌دانسته یا گمان داشته‌اید که آب پیدا نمی‌کنید و عمداً خود را جُنُب کرده و با تیمم نماز خوانده باشید.

سوم: آن که تا آخر وقت، عمداً در جستجوی آب نروید و با تیمم نماز بخوانید و بعد بفهمید که اگر جستجو می‌کردید، آب پیدا می‌شد.
چهارم: آن که عمداً نماز را به تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده باشید.

پنجم: آن که می‌دانسته یا گمان داشته‌اید که آب پیدا نمی‌شود و آبی را که داشته‌اید ریخته‌اید.

ششم: آن که از ترس مزاحمت جمعیت و نرسیدن به نماز جماعت، نماز جمعه را با تیمم خوانده باشید.

احکام نماز

نمازهای واجب

نمازهای واجب را شش نماز بدانید: اول: نماز یومیه؛ دوم: نماز آیات؛ سوم: نماز میت؛ چهارم: نماز طواف واجب خانه‌ی کعبه؛ پنجم: نماز قضای پدر و مادر که پسر بزرگتر باید بجا آورد؛ ششم: نمازی که به واسطه‌ی اجاره یا نذر یا قسم یا عهد، بر خودتان واجب کرده باشید.

نمازهای واجب یومیه

نمازهای واجب یومیه را پنج نماز به این ترتیب بدانید: ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت؛ مغرب، سه رکعت؛ عشاء چهار رکعت؛ صبح، دو رکعت. مسأله‌ی ۷۲۸: در سفر باید نمازهای چهار رکعتی‌تان را با شرایطی که گفته خواهد شد، دو رکعتی بخوانید.

وقت نماز ظهر و عصر

مسأله‌ی ۷۲۹: اگر چوب یا چیزی مانند آن را راست در زمین هموار فرو ببرید، صبح که خورشید بیرون می‌آید، سایه‌ی آن به طرف مغرب می‌افتد. و هر چه آفتاب بالا می‌آید، این سایه کم می‌شود. و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه‌ی کمی می‌رسد، و ظهر که گذشت، سایه‌ی آن به طرف مشرق بر می‌گردد. و هر چه خورشید رو به مغرب می‌رود، سایه‌اش زیادتر می‌شود. بنابراین این وقتی سایه به آخرین درجه‌ی کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، آن لحظه را ظهر شرعی بدانید. ولی در بعضی

شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر، سایه به طور کامل از بین می‌رود، لحظه‌ای که بعد از آن، سایه دوباره پیدا می‌شود را ظهر شرعی قرار دهید.

مسئله‌ی ۷۳۰: چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می‌برید را «شاخص» بگویید.

مسئله‌ی ۷۳۱: هر کدام از نماز ظهر و عصر را دارای وقت مخصوص و مشترک بدانید. پس وقت مخصوص نماز ظهر را از اول ظهر تا وقتی که از ظهر به اندازه‌ی خواندن نماز ظهر بگذرد، بدانید. و وقت مخصوص نماز عصر را موقعی که به اندازه‌ی خواندن نماز عصر وقت به غروب مانده باشد، که اگر تا این موقع نماز ظهر را نخوانید، نماز ظهرتان را قضا شده بدانید و باید نماز عصر را بخوانید. و بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر بدانید، که اگر در این وقت مشترک، اشتباهی تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخوانید، باید دوباره بعد از نماز ظهر، بخوانید.

مسئله‌ی ۷۳۲: اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شوید و در بین نماز بفهمید اشتباه کرده‌اید، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگردانید. یعنی نیت کنید که آنچه تا به حال خوانده‌اید و آنچه را مشغول آن هستید و آنچه بعد می‌خوانید، همه نماز ظهر باشد. و بعد از آن که نماز را تمام کردید، نماز عصر را بخوانید. و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشید، نیت را به نماز ظهر برگردانید و نماز را تمام کنید، بعد هر دو نماز را به ترتیب بجا آورید.

مسئله‌ی ۷۳۳: باید در زمان حضور امام (علیه‌السلام) در روز جمعه، به جای نماز ظهر، دو رکعت نماز جمعه بخوانید. ولی در زمان غیبت، اگر نماز جمعه

بخوانید، باید نماز ظهرتان را هم بخوانید.

مسأله‌ی ۷۳۴: وقت نماز جمعه را از اول ظهر بدانید تا مقداری که بتوانید نماز جمعه را با شرایط آن، از وضو و حضور در اجتماع، بجا آورید. و اگر امام جمعه هستید، نباید نماز جمعه را از موقعی که عرفاً اول ظهر می‌گویند، تأخیر بیاندازید. و اگر از اوایل ظهر تأخیر افتاد، به جای نماز جمعه، نماز ظهر بخوانید.

وقت نماز مغرب و عشا

مسأله‌ی ۷۳۵: مغرب را موقعی بدانید که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بالای سرتان بگذرد.

مسأله‌ی ۷۳۶: هر کدام از نماز مغرب و عشا را دارای وقت مخصوص و مشترکی بدانید. پس وقت مخصوص نماز مغرب را از اول مغرب بدانید تا وقتی که از مغرب به اندازه‌ی خواندن سه رکعت نماز بگذرد که هر گاه مسافر باشید و تمام نماز عشایتان را سهواً در این وقت بخوانید، باید دوباره آن را بعد از نماز مغرب بخوانید. و وقت مخصوص نماز عشا را موقعی بدانید که به اندازه‌ی خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد، که اگر تا این موقع نماز مغرب را نخوانید، باید اول، نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخوانید. و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا را وقت مشترک نماز مغرب و عشا بدانید، که اگر در این وقت، اشتباهی نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخوانید و بعد از نماز ملتفت شوید، باید نماز مغربتان را بخوانید و بعد از آن، نماز عشایتان را دوباره بجا آورید.

مسأله‌ی ۷۳۷: وقت مخصوص و مشترک - که معنی آن در مسأله‌ی پیش

گفته شد - را برای همه یکسان ندانید، بلکه هر گاه مسافر باشید و به اندازه‌ی خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهرتان را تمام شده بدانید و خود را داخل در وقت مشترک بشمارید، ولی در غیر سفر، پایان وقت مخصوص و آغاز وقت مشترک را بعد از گذشت زمان لازم برای خواندن چهار رکعت بدانید.

مسئله‌ی ۷۳۸: هر گاه پیش از خواندن نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشا شوید و در بین نماز بفهمید که اشتباه کرده‌اید، چنانچه تمام آنچه را خوانده‌اید در وقت مشترک خوانده‌اید و به رکوع چهارم نرفته باشید، باید نیت را به نماز مغرب برگردانید و نماز را تمام کنید و بعد نماز عشا را بخوانید. و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته‌اید، باید نماز را تمام کرده و دوباره بعد از خواندن نماز مغرب، نماز عشا را بخوانید. اما اگر تمام آن چه را خوانده‌اید در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشید و پیش از رکوع رکعت چهارم یادتان بیاید، باید نیت را به نماز مغرب برگردانده و نماز را تمام کنید و دوباره نماز مغرب و بعد از آن، عشا را بخوانید.

مسئله‌ی ۷۳۹: آخر وقت نماز عشا را نصف شب بدانید. پس باید برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها، شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کنید، و برای نماز شب و مانند آن، تا اول آفتاب حساب نمایید.

مسئله‌ی ۷۴۰: اگر از روی معصیت یا به واسطه‌ی عذری نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخوانید، باید تا قبل از اذان صبح بدون این‌که نیت ادا و قضا کنید، بجا آورید.

وقت نماز صبح

مسئله‌ی ۷۴۱: نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیدی‌ای رو به بالا حرکت

می‌کند، که آن را فجر اول گویند. موقعی که آن سفیدی در افق پهن شد را فجر دوم و اول وقت نماز صبح بدانید. و آخر وقت نماز صبح را موقعی که آفتاب بیرون می‌آید، بدانید.

احکام وقت نماز

مسئله‌ی ۷۴۲: موقعی باید مشغول نماز شوید که یقین کنید «وقت» داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند. یا اذان‌گوی وقت شناس مورد وثوق، اذان بگوید.

مسئله‌ی ۷۴۳: هر گاه نایبنا یا زندانی و مانند اینها باشید، نباید به ظن به داخل شدن وقت اکتفا کنید و باید تا یقین به داخل شدن وقت نکرده‌اید، مشغول نماز نشوید. ولی اگر به واسطه‌ی ابر یا غبار و مانند اینها که برای همه مانع از یقین کردن است، نتوانید در اول وقت نماز، به داخل شدن وقت یقین کنید، باید نماز را تا زمانی که یقین به داخل شدن وقت پیدا کنید، به تأخیر اندازید.

مسئله‌ی ۷۴۴: اگر دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند یا خودتان یقین کنید که وقت نماز داخل شده و مشغول نماز شوید و در بین نماز بفهمید که هنوز وقت داخل نشده، یا بعد از نماز بفهمید که تمام نماز را پیش از وقت خوانده‌اید، یا در بین نماز بفهمید وقت داخل شده، یا بعد از نماز بفهمید که در بین نماز، وقت داخل شده است، نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۷۴۵: اگر ملتفت نباشید که باید با یقین به داخل شدن وقت، مشغول نماز شوید، چنانچه بعد از نماز بفهمید که تمام نماز را در وقت خوانده‌اید، نمازتان را صحیح بدانید. ولی اگر بفهمید تمام نماز را پیش از وقت خوانده‌اید، یا بفهمید که در وقت خوانده‌اید یا پیش از وقت، یا بعد از نماز

بفهمید که در بین نماز، وقت داخل شده است، باید نمازتان را دوباره بخوانید. مسأله‌ی ۷۴۶: اگر یقین کنید وقت داخل شده و مشغول نماز شوید و در بین نماز شک کنید که وقت داخل شده یا نه، یا در بین نماز یقین داشته باشید که وقت داخل شده و شک کنید که آنچه از نماز خوانده‌اید در وقت بوده یا نه، نمازتان را تمام کرده و دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۷۴۷: اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه‌ی به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، نباید آن مستحبات را بجا آورید. مثلاً اگر به واسطه‌ی خواندن قنوت، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، نباید قنوت بخوانید.

مسأله‌ی ۷۴۸: هر گاه به اندازه‌ی خواندن یک رکعت نماز وقت دارید، باید نماز را به نیت ادا بخوانید. ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت به تأخیر اندازید.

مسأله‌ی ۷۴۹: هر گاه مسافر نباشید، اگر تا غروب آفتاب به اندازه‌ی خواندن پنج رکعت نماز وقت دارید، باید نماز ظهر و عصر، را بخوانید. و اگر کمتر وقت دارید، باید فقط نماز عصر را بخوانید و بعداً نماز ظهر را قضا کنید. و اگر تا نصف شب به اندازه‌ی خواندن پنج رکعت نماز وقت دارید، باید نماز مغرب و عشا را بخوانید. و اگر کمتر وقت دارید، باید فقط نماز عشا را بخوانید و بعداً باید نماز مغرب را بدون مشخص کردن ادا یا قضا، بخوانید.

مسأله‌ی ۷۵۰: هر گاه مسافر باشید، اگر تا غروب به اندازه‌ی خواندن سه رکعت نماز وقت دارید، باید نماز ظهر و عصر را بخوانید. و اگر کمتر وقت دارید، باید فقط عصر را بخوانید و بعداً نماز ظهر را قضا کنید. و اگر تا نصف شب به اندازه‌ی خواندن چهار رکعت نماز وقت دارید، باید نماز مغرب و عشا

را بخوانید. و اگر کمتر وقت دارید، باید فقط نماز عشا را بخوانید و بعداً باید نماز مغرب را بدون مشخص کردن ادا یا قضا، بخوانید. و چنانچه بعد از خواندن نماز عشا معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را بدون مشخص کردن ادا یا قضا، بجا آورید.

مسئله‌ی ۷۵۱: باید نمازهای یومیه را در اول وقت آن بخوانید. و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد، بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد. مسئله‌ی ۷۵۲: هرگاه عذری داشته باشید که اگر بخواید در اول وقت، نماز بخوانید، ناچار باشید مثلاً بدون ساتر یا با لباس نجس نماز بخوانید، چنانچه بدانید که عذرتان تا آخر وقت باقی است، می‌توانید در اول وقت نماز بخوانید. ولی اگر بدانید که عذرتان تا آخر وقت برطرف می‌شود، باید صبر کنید و بدون عذر نماز بخوانید. مثلاً اگر لباستان نجس باشد و احتمال دهید که می‌توانید تا قبل از تمام شدن وقت نماز، آن را تطهیر کنید، باید صبر نمایید و در آخر وقت، نماز بخوانید. البته آن مقدار صبر را هم لازم ندانید که فقط بتوانید کارهای واجب نماز را انجام دهید، بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت باشد، می‌توانید تیمّم کنید و نمازتان را با آن مستحبات بجا آورید.

مسئله‌ی ۷۵۳: هر گاه مسائل نماز و شکیات و سهویات را نمی‌دانید و احتمال می‌دهید که یکی از این‌ها در نماز پیش آید، باید برای یاد گرفتن این‌ها نماز را از اول وقت به تأخیر اندازید. ولی اگر اطمینان دارید که نماز را به طور صحیح تمام می‌کنید، می‌توانید در اول وقت مشغول نماز شوید. پس اگر در نماز، مسئله‌ای که حکم آن را نمی‌دانید پیش نیاید، نمازتان را صحیح

بدانید. و اگر مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌دانید پیش آید، می‌توانید به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهید عمل نمایید و نماز را تمام کنید. ولی بعد از نماز باید مسأله را پرسید که اگر نمازتان باطل بوده، دوباره بخوانید. مسأله‌ی ۷۵۴: اگر وقت نماز وسعت داشته باشد و طلبکاران هم طلب خود را مطالبه کند، در صورتی که ممکن است، باید اول قرض خود را بدهید، بعد نماز بخوانید. و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را بجا آورید، پیش آید. مثلاً ببینید مسجد، نجس است، که باید اول مسجد را تطهیر کنید، بعد نماز بخوانید. و چنانچه اول نماز بخوانید، خود را معصیتکار بدانید ولی نمازتان را صحیح بشمارید.

نمازهایی که باید به ترتیب بخوانید

مسأله‌ی ۷۵۵: باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر، و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخوانید. و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخوانید، باید دوباره به ترتیب بخوانید.

مسأله‌ی ۷۵۶: اگر به نیت نماز ظهر، مشغول نماز شوید و در بین نماز یادتان بیاید که نماز ظهر را خوانده‌اید، نباید نیتتان را به نماز عصر برگردانید، بلکه باید نماز را به نیت نماز قضا یا نافله‌ی قضا - اگر به رکوع رکعت سوم نرسیده باشید - برگردانید و پس از تمام کردن، نماز عصر را بخوانید. و همینطور است در نماز مغرب و عشا.

مسأله‌ی ۷۵۷: اگر در بین نماز عصر یقین کنید که نماز ظهر را نخوانده‌اید و نیت را به نماز ظهر برگردانید، چنانچه یادتان بیاید که نماز ظهر را خوانده‌اید، باید نیت را به نماز عصر برگردانید، و بعد از تمام کردن نماز، دوباره نماز عصر را بخوانید.

مسئله‌ی ۷۵۸: اگر در بین نماز عصر شک کنید که نماز ظهر را خوانده‌اید یا نه، باید نیت را به نماز ظهر برگردانید. ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، آفتاب غروب می‌کند، باید به نیت نماز عصر، نماز را تمام کنید و بهتر است نماز ظهرتان را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۷۵۹: اگر در نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم شک کنید که نماز مغرب را خوانده‌اید یا نه، چنانچه وقت نماز به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، نصف شب می‌شود، باید به نیت عشا، نماز را تمام کنید. و بعد نماز مغرب را بدون نیت ادا یا قضا بجا آورید. و اگر بیشتر وقت دارید و یک رکعت از آن در وقت مشترک واقع شده باشد، باید نیت را به نماز مغرب برگردانید و نماز را سه رکعتی تمام کنید، بعد نماز عشا را بخوانید.

مسئله‌ی ۷۶۰: اگر در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم، شک کنید که نماز مغرب را خوانده‌اید یا نه، باید نماز را تمام کنید، بعد نماز مغرب را بخوانید. و بعد از آن، نماز عشا را نیز اعاده نمایید، مگر این که این شک، در وقت مخصوص نماز عشا باشد، که در این صورت نماز را تمام کنید و بعد از خواندن نماز مغرب، نماز عشا را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۷۶۱: اگر نمازی را که خوانده‌اید احتیاطاً دوباره بخوانید و در بین نماز یادتان بیاید، نمازی که باید پیش از آن بخوانید را نخوانده‌اید، نباید نیت را به آن نماز برگردانید. مثلاً موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می‌خوانید، اگر یادتان بیاید نماز ظهر را نخوانده‌اید، نباید نیت را به نماز ظهر برگردانید.

مسئله‌ی ۷۶۲: نباید نیت را از نماز قضا به نماز ادا، و از نماز مستحب به نماز واجب برگردانید.

مسئله‌ی ۷۶۳: اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد، می‌توانید در بین نماز،

نیت را به نماز قضا برگردانید، ولی باید برگرداندن نیت به نماز قضا ممکن باشد. مثلاً اگر مشغول نماز ظهر هستید، در صورتی می‌توانید نیت را به قضای نماز صبح برگردانید که داخل در رکوع رکعت سوم نشده باشید. البته به شرطی که در وسط نماز یادتان بیاید که نماز قضا دارید، ولی اگر از اول نماز، یادتان باشد که نماز قضا دارید، نیت را از ادا به قضا برنگردانید.

نمازهای مستحب

مسئله‌ی ۷۶۴: نمازهای مستحبی که آنها را «نافله» می‌گویند را زیاد بدانید. و بین نمازهای مستحبی، به خواندن نافله‌های شبانه‌روز بیشتر سفارش شده، و آنها را در غیر روز جمعه، سی و چهار رکعت بدانید، که هشت رکعت آن را نافله‌ی ظهر و هشت رکعت را نافله‌ی عصر و چهار رکعت را نافله‌ی مغرب و دو رکعت را نافله‌ی عشا و یازده رکعت را نافله‌ی شب و دو رکعت را نافله‌ی صبح بشمارید. و چون دو رکعت نافله‌ی عشا را باید نشسته بخوانید، یک رکعت حساب کنید. ولی در روز جمعه، بر شانزده رکعت نافله‌ی ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه کنید و بهتر است تمام بیست رکعت را پیش از اذان ظهر بخوانید.

مسئله‌ی ۷۶۵: از یازده رکعت نافله‌ی شب، هشت رکعت آن را باید به نیت نافله‌ی شب، و دو رکعت آن را به نیت نماز شفع، و یک رکعت آن را به نیت نماز وتر بخوانید. و آداب کامل نافله‌ی شب در کتاب مجموعه‌ی قوانین عملی منهاج فردوسیان گفته شده است.

مسئله‌ی ۷۶۶: نمازهای نافله را می‌توانید نشسته بخوانید ولی بهتر است هر دو رکعت نماز نافله‌ی نشسته را یک رکعت حساب کنید. مثلاً اگر می‌خواهید نافله‌ی ظهر را که هشت رکعت (چهار دو رکعتی) است نشسته بخوانید، بهتر

است شانزده رکعت (هشت دو رکعتی) بخوانید. و اگر می‌خواهید نماز وتر را نشسته بخوانید، دو نماز یک رکعتی نشسته بخوانید.

مسئله‌ی ۷۶۷: نباید در سفری که نماز ظهر و عصرتان شکسته است، نافله‌ی ظهر و عصر را بخوانید. ولی نافله‌ی عشا را می‌توانید به امید این که مطلوب باشد، بجا آورید.

وقت نافله‌های یومیه

مسئله‌ی ۷۶۸: نافله‌ی ظهر را پیش از نماز ظهر بخوانید. و وقت فضیلت آن را از اول ظهر بدانید تا موقعی که آن مقدار از سایه‌ی شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود، به اندازه‌ی دو هفتم آن شود. مثلاً اگر درازی شاخص هفت وجب باشد، هر وقت مقدار سایه‌ای که بعد از ظهر پیدا می‌شود به دو وجب رسید، آن را آخر وقت فضیلت نافله‌ی ظهر بدانید. ولی تا آخر وقت فریضه، می‌توانید پیش از نماز ظهر بجا آورید. و همچنین وقت ادای نافله‌ی عصر را تا وقت ادای فریضه‌ی عصر بدانید.

مسئله‌ی ۷۶۹: نافله‌ی عصر را پیش از نماز عصر بخوانید. و وقت فضیلت آن را تا موقعی بدانید که آن مقدار از سایه‌ی شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود، به چهارهفتم آن برسد. و چنانچه بخواهید نافله‌ی ظهر را بعد از نماز ظهر، یا نافله‌ی عصر را بعد از نماز عصر بخوانید، نیت ادا و قضا نکنید.

مسئله‌ی ۷۷۰: وقت نافله‌ی مغرب را از بعد از تمام شدن نماز مغرب بدانید تا وقتی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدا می‌شود، از بین برود. و پس از آن تا پایان وقت نماز مغرب، می‌توانید نافله‌اش را بدون نیت ادا و قضا بخوانید.

مسئله‌ی ۷۷۱: وقت نافله‌ی عشا را از بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف

شب بدانید. و بهتر است بلافاصله بعد از نماز عشا بخوانید.

مسئله‌ی ۷۷۲: نافله‌ی صبح را پیش از نماز صبح بخوانید و وقت فضیلت آن را از بعد از فجر اول بدانید تا وقتی که سرخی طرف مشرق پیدا شود. و نشانه‌ی فجر اول، در وقت نماز صبح گفته شد. و می‌توانید نافله‌ی صبح را بلافاصله بعد از نافله‌ی شب بخوانید.

مسئله‌ی ۷۷۳: وقت نافله‌ی شب را از نصف شب تا اذان صبح بدانید، و بهتر است نزدیک اذان صبح بخوانید.

مسئله‌ی ۷۷۴: هر گاه مسافر باشید یا برایتان سخت باشد که نافله‌ی شب را بعد از نصف شب بخوانید، می‌توانید آن را در اول شب بجا آورید.

نماز غفيله

مسئله‌ی ۷۷۵: یکی از نمازهای مستحبی را نماز غفيله بدانید که بین نماز مغرب و عشا و در صورتی که وقت کافی برای خواندن چهار رکعت (دو دو رکعتی) نافله‌ی نماز مغرب داشته باشید، بخوانید. و وقت آن را از بعد از نماز مغرب بدانید تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود. و در رکعت اول آن بعد از حمد، به جای سوره، این آیه را بخوانید: «وَدَا التُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ». و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره، این آیه را بخوانید: «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُّلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ». و در قنوت آن بگویید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي». سپس حاجت‌های خود

را بخواید. و بعد بگویند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعَلَّمْ حاجتِی فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي».

احکام قبله

مسئله‌ی ۷۷۶: خانه‌ی کعبه که در مکه‌ی معظمه می‌باشد را قبله بدانید، و باید روبروی آن، نماز بخوانید. ولی هر گاه دور باشید، اگر طوری بایستید که بگویند رو به قبله نماز می‌خوانید را کافی بدانید. و همچنین است کارهای دیگری مانند سر بردن حیوانات که باید رو به قبله انجام دهید.

مسئله‌ی ۷۷۷: وقتی نماز واجب را ایستاده می‌خوانید، باید صورت، سینه، شکم و انگشتان پاهایتان رو به قبله باشد.

مسئله‌ی ۷۷۸: وقتی نماز واجب را نشسته می‌خوانید، اگر نمی‌توانید به طور معمول بنشینید و در موقع نشستن، کف پاهایتان را به زمین می‌گذارید، باید در موقع نماز، صورت، سینه، شکم و ساق پاهایتان رو به قبله باشد.

مسئله‌ی ۷۷۹: هر گاه نتوانید نشسته نماز بخوانید، باید در حال نماز به پهلوئی راست، طوری بخواهید که جلوی بدنتان رو به قبله باشد. و اگر ممکن نیست، باید به پهلوئی چپ طوری بخواهید که جلوی بدنتان رو به قبله باشد. و اگر این را هم نتوانید، باید به پشت بخواهید، به طوری که کف پاهایتان رو به قبله باشد.

مسئله‌ی ۷۸۰: نماز احتیاط، سجده و تشهد فراموش شده و همچنین سجده‌ی سهو را باید رو به قبله بجا آورید.

مسئله‌ی ۷۸۱: نماز مستحبی را می‌توانید در حال راه رفتن و سواری بخوانید. و اگر در این دو حال نماز مستحبی بخوانید، رو به قبله بودن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۷۸۲: هر گاه بخواهید نماز بخوانید، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نمایید تا یقین کنید که قبله کدام طرف است. و می‌توانید به گفته‌ی دو شاهد عادل که از روی نشانه‌های حسی شهادت می‌دهند، یا به قول کسی که از روی قاعده‌ی علمی قبله را می‌شناسد و محل اطمینان است، عمل کنید. و اگر اینها ممکن نشد، باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راه‌های دیگر پیدا می‌شود، عمل نمایید. حتی می‌توانید به گمانی که از گفته‌ی فاسق یا کافری که به واسطه‌ی قواعد علمی، قبله را می‌شناسد، حاصل می‌شود، عمل کنید.

مسئله‌ی ۷۸۳: هر گاه گمان به قبله داشته باشید، اگر بتوانید گمان قویتری پیدا کنید، نباید به گمان خود عمل نمایید. مثلاً اگر میهمان باشید و از گفته‌ی صاحبخانه گمان به قبله پیدا کنید، ولی بتوانید از راه دیگر، گمان قویتری پیدا کنید، نباید به حرف او عمل نمایید.

مسئله‌ی ۷۸۴: اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای نداشته باشید، یا با این که کوشش کرده‌اید، گمانتان به طرفی نرود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهار طرف بخوانید. و اگر به اندازه‌ی چهار نماز وقت ندارید، باید به اندازه‌ی که وقت دارید نماز بخوانید. مثلاً اگر فقط به اندازه‌ی یک نماز وقت دارید، باید یک نماز به هر طرفی که می‌خواهید بخوانید. ولی بعد از وقت، با علم به قبله، آن نماز را قضا کنید. و باید نمازها را طوری بخوانید که یقین کنید یکی از آنها رو به قبله بوده، یا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است.

مسئله‌ی ۷۸۵: اگر یقین کنید که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخوانید. ولی اگر گمان دارید که در یکی از دو طرف است، به چهار طرف نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۷۸۶: هر گاه باید به چند طرف نماز بخوانید، اگر بخواهید نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را بخوانید، بهتر است نماز اول را به هر چند طرف بخوانید، بعد نماز دوم را شروع کنید.

مسئله‌ی ۷۸۷: هرگاه یقین به قبله نداشته باشید، اگر مجبور باشید غیر از نماز، کاری کنید که باید رو به قبله انجام شود، مثلاً بخواهید سر حیوانی را ببرید، باید به گمان عمل نمایید. و اگر گمان ممکن نیست، می‌توانید به هر طرفی که خواستید انجام دهید.

پوشانیدن بدن در نماز

مسئله‌ی ۷۸۸: باید در حال نماز - اگر چه کسی شما را نبیند - عورتین خود را بپوشانید. و بهتر است از ناف تا زانویتان را هم بپوشانید.

مسئله‌ی ۷۸۹: منہاجیات باید در موقع نماز، تمام بدن، حتی سر و موی خود را بپوشانند و بهتر است کف پاهایشان را نیز بپوشانند. ولی پوشاندن صورت، به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و دست‌ها تا مچ، و پاها تا مچ پا را لازم ندانند. اما برای آن‌که یقین کنند که مقدار واجب را پوشانده‌اند، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ پاهایشان را هم بپوشانند.

مسئله‌ی ۷۹۰: موقعی که قضای سجده‌ی فراموش شده یا تشهد فراموش شده یا سجده‌ی سهو را بجا می‌آورید، باید خود را مثل موقع نماز بپوشانید.

مسئله‌ی ۷۹۱: اگر عمداً در حال نماز، عورتتان را نپوشانید، نمازتان را باطل بدانید. بلکه اگر از روی ندانستن مسئله هم باشد، باید نمازتان را دوباره با ساتر بخوانید.

مسئله‌ی ۷۹۲: اگر در بین نماز بفهمید که عورتتان پیداست، باید نماز را تمام کرده و دوباره با ساتر بخوانید. ولی اگر بعد از نماز بفهمید که عورتتان در نماز پیدا بوده، نمازتان را صحیح بشمارید.

مسئله‌ی ۷۹۳: اگر در حالت ایستاده، لباستان عورتتان را می‌پوشاند، ولی ممکن است در حالت دیگر مثلاً در حالت رکوع و سجود نپوشاند، نباید با آن لباس نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۷۹۴: در حالت ناچاری می‌توانید خود را در نماز، با علف و برگ درختان بپوشانید.

مسئله‌ی ۷۹۵: اگر غیر از گل، هیچ چیزی ندارید که خود را در نماز با آن بپوشانید، باید خود را با گل بپوشانید و نماز بخوانید، سپس یک مرتبه‌ی دیگر مثل برهنه نماز بخوانید، یعنی با ایما و اشاره.

مسئله‌ی ۷۹۶: اگر چیزی نداشته باشید که خود را در نماز با آن بپوشانید، چنانچه احتمال دهید که پیدا می‌کنید، باید نماز را به تأخیر اندازید و اگر چیزی پیدا نکردید، در آخر وقت، مطابق وظیفه‌تان نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۷۹۷: هر گاه بخواهید نماز بخوانید، اگر برای پوشاندن خود، حتی برگ درخت و علف یا گل و لجن نداشته باشید، و یا گودالی هم که در آن بایستید پیدا نکنید، و احتمال ندهید که تا آخر وقت، چیزی پیدا کنید که خود را با آن بپوشانید، در صورتی که احتمال بدهید که ناظر محترم شما را می‌بیند، نشسته نماز بخوانید و عورت خود را با ران خود بپوشانید. و برای رکوع و

سجود به قدری خم شوید که عورتتان پیدا نباشد. و برای سجود، کمی بیشتر از رکوع خم شوید و مَهر را بالا بیاورید و پیشانی را بر آن بگذارید. و اگر اطمینان دارید که ناظر محترم شما را نمی‌بیند، ایستاده نماز بخوانید و جلوی خود را با دست بپوشانید. و در هر صورت رکوع و سجود را با اشاره انجام دهید و برای سجود، سر را قدری پایین‌تر آورید. سپس همان نماز را مانند کسی که پوشش دارد، با رکوع و سجود متعارف بجا آورید.

لباس نمازگزار

مسئله‌ی ۷۹۸: شش شرط را در لباس نمازگزار مراعات کنید: اول: آن‌که پاک باشد. دوم: آن‌که مباح باشد. سوم: آن‌که از اجزای مردار نباشد. چهارم: آن‌که از حیوان حرام‌گوشت نباشد. پنجم: لباس منہاجیون از ابریشم خالص نباشد. ششم: لباس منہاجیون، طلا باف نباشد. و تفصیل اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

شرط اول

مسئله‌ی ۷۹۹: لباستان در هنگام نماز باید پاک باشد. و اگر عمدتاً با بدن یا لباس نجس نماز بخوانید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۸۰۰: هر گاه ندانید نماز خواندن با بدن و لباس نجس را باید باطل بشمارید، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخوانید، باید دوباره با بدن یا لباس پاک بجا آورید.

مسئله‌ی ۸۰۱: اگر به واسطه‌ی ندانستن مسئله، چیز نجسی را نجس ندانید،

مثلاً ندانید عرق کافر، نجس است و با آن نماز بخوانید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۸۰۲: اگر ندانید که بدن یا لباستان نجس است و بعد از نماز بفهمید نجس بوده، بهتر است اگر وقت دارید، دوباره آن نماز را بخوانید.

مسئله‌ی ۸۰۳: اگر فراموش کنید که بدن یا لباستان نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادتان بیاید، باید نماز را دوباره بخوانید، و اگر وقت گذشته قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۰۴: هر گاه در وسعت وقت، مشغول نماز باشید، اگر در بین نماز، بدن یا لباستان نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخوانید، ملتفت شوید که نجس شده یا بفهمید بدن یا لباستان نجس است و شک کنید که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز، بدن یا لباستان را آب بکشید یا لباستان را عوض نمایید یا اگر چیز دیگری عورتتان را پوشانده، لباستان را بیرون آورید. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباستان را آب بکشید یا لباستان را عوض کنید یا بیرون آورید، نمازتان به هم می‌خورد و اگر لباستان را بیرون آورید برهنه می‌مانید، باید نمازتان را بشکنید و با بدن و لباس پاک نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۰۵: هر گاه در تنگی وقت، مشغول نماز باشید، اگر در بین نماز، لباستان نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخوانید، ملتفت شوید که نجس شده یا بفهمید لباستان نجس است و شک کنید که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن

لباس یا عوض کردن یا بیرون آوردن آن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز، لباس را آب بکشید یا عوض نمایید یا اگر چیز دیگری عورتتان را پوشانده، لباس را بیرون آورید. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشید یا عوض کنید یا بیرون آورید، نمازتان به هم می‌خورد و اگر لباس را بیرون آورید برهنه می‌مانید، یا به قدر تبدیل یا تطهیر لباس و درک یک رکعت، وقت ندارید، باید لباستان را بیرون آورید و به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز را تمام کنید و سپس قضا نمایید. ولی چنانچه طوری است که اگر لباستان را آب بکشید یا عوض کنید، نماز به هم می‌خورد و به واسطه‌ی سرما و مانند آن نمی‌توانید لباس را بیرون آورید، باید با همان حال نمازتان را تمام کنید و بعداً قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۰۶: هر گاه در تنگی وقت، مشغول نماز باشید، اگر در بین نماز، بدنتان نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخوانید، ملتفت شوید که نجس شده یا بفهمید بدنتان نجس است و شک کنید که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز، بدنتان را آب بکشید. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدنتان را آب بکشید، نمازتان به هم می‌خورد یا به قدر تطهیر بدن و درک یک رکعت، وقت ندارید، باید با همان حال نماز را تمام کنید و بعداً قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۰۷: هر گاه در پاک بودن بدن یا لباستان شک داشته باشید و خود را واریسی نمایید و چیزی نیابید، چنانچه نماز بخوانید و بعد از نماز بفهمید که بدن یا لباستان نجس بوده، نمازتان را صحیح بشمارید. ولی اگر شک داشته باشید ولی خود را واریسی نکنید، چنانچه نماز بخوانید و بعد از نماز بفهمید که

بدن یا لباسان نجس بوده، باید نمازتان را دوباره با بدن یا لباس پاک بخوانید.

مسئله‌ی ۸۰۸: هر گاه لباسان را آب بکشید و یقین کنید که پاک شده است و با آن نماز بخوانید و بعد از نماز بفهمید پاک نشده، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۸۰۹: هر گاه خونی در بدن یا لباس خود ببینید و یقین کنید که از خون‌های نجس نیست، مثلاً یقین کنید که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمید از خون‌هایی بوده که نباید با آن نماز بخوانید، نمازتان را دوباره با لباس پاک بخوانید.

مسئله‌ی ۸۱۰: هرگاه یقین کنید خونی که در بدن یا لباسان است، خون نجسی است که می‌توانید با آن نماز بخوانید، مثلاً یقین کنید خون زخم و دمل است، اگر چنانچه بعد از نماز بفهمید خونی بوده که نباید با آن نماز بخوانید، باید نمازتان را دوباره بخوانید و اگر وقت گذشته، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۱۱: اگر نجس بودن چیزی را فراموش کنید و بدن یا لباسان با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخوانید و بعد از نماز یادتان بیاید، نماز خود را صحیح بدانید. ولی اگر بدنتان با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده‌اید برسد و بدون این‌که خود را آب بکشید غسل کنید و نماز بخوانید، اگر طوری نبوده که با غسل کردن، بدنتان پاک شود، باید دوباره غسل کنید و نمازتان را نیز دوباره بخوانید. و نیز اگر جایی از اعضای وضویتان با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده‌اید برسد و پیش از آن که آن جا را آب بکشید وضو بگیرید و نماز بخوانید، باید دوباره وضو گرفته و آن نماز را بخوانید.

مسئله‌ی ۸۱۲: هر گاه یک لباس داشته باشید، اگر بدن و لباستان نجس شود و به اندازه‌ی آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشید، می‌توانید لباستان را بیرون آورید و بدن را آب بکشید و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد، به جا آورید. و اگر به واسطه‌ی سرما یا عذر دیگری نتوانید لباستان را بیرون آورید، هر کدام از بدن یا لباستان را که بخواهید می‌توانید آب بکشید. ولی اگر مثلاً نجاست یکی ادرار است که اگر بخواهید با آب قلیل آب بکشید، باید دو مرتبه آب روی آن بریزید، و دیگری خون است که می‌توانید با یک مرتبه آب ریختن، پاکش کنید، باید آن را که به ادرار نجس شده آب بکشید و سپس آن نماز را با بدن و لباس پاک، اعاده کنید.

مسئله‌ی ۸۱۳: هر گاه غیر از لباس نجس، لباس دیگری نداشته باشید، می‌توانید با همان لباس نماز بخوانید، یا نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورید. ولی اگر به واسطه‌ی سرما و مانند آن نتوانید لباستان را بیرون آورید، باید با لباس نجس نماز بخوانید و نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۸۱۴: هر گاه فقط دو لباس دارید، اگر بدانید یکی از آنها نجس است و ندانید کدام یک است و نتوانید آنها را آب بکشید، چنانچه وقت دارید، باید با هر دو لباس نماز بخوانید. مثلاً اگر می‌خواهید نماز ظهر و عصر بخوانید، باید با هر کدام، یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخوانید. ولی اگر وقت تنگ است، باید با یکی از آن دو لباس نماز بخوانید، و در خارج وقت نیز آن نماز را با لباس پاک قضا نمایید. یا این که نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد، بجا آورید. و سپس آن نماز را با لباس پاک قضا نمایید.

شرط دوم

مسئله‌ی ۸۱۵: لباستان در هنگام نماز خواندن، باید مباح باشد. و هر گاه

بدانید که نباید لباس غضبی بپوشید، اگر عمداً در لباس غضبی یا در لباسی که نخ یا دکمه یا چیز دیگری از آن غضبی است نماز بخوانید، باید آن نماز را با لباس غیرغضبی اعاده نمایید.

مسئله‌ی ۸۱۶: هر گاه بدانید که نباید لباس غضبی بپوشید ولی ندانید که نباید در آن نماز بخوانید، اگر عمداً با لباس غضبی نماز بخوانید، باید آن نماز را دوباره با لباس غیرغضبی بخوانید.

مسئله‌ی ۸۱۷: اگر ندانید یا فراموش کنید که لباستان غضبی است و با آن، نماز بخوانید، نمازتان را صحیح بدانید. ولی اگر خودتان آن لباس را غضب کرده و بعداً فراموش کرده باشید، باید آن نماز را اعاده کنید.

مسئله‌ی ۸۱۸: اگر ندانید یا فراموش کنید که لباستان غضبی است و در بین نماز بفهمید، چنانچه چیز دیگری عورتتان را پوشانده است و می‌توانید فوراً یا بدون این‌که موالات یعنی پی در پی بودن نماز به هم بخورد، لباس غضبی را بیرون آورید، باید آن را بیرون آورید و اگر خودتان غاصب نبوده‌اید، نمازتان را صحیح بدانید. ولی اگر چیز دیگری عورتتان را پوشانده یا نمی‌توانید لباس غضبی را فوراً بیرون آورید یا اگر بیرون آورید، پی در پی بودن نماز به هم می‌خورد، در صورتی که به تعداد یک رکعت هم وقت داشته باشید، باید نماز را بشکنید و با لباس غیر غضبی نماز بخوانید. و اگر به این مقدار نیز وقت ندارید، باید در حال نماز، لباس را بیرون آورید و به دستور نماز برهنگان، نماز را تمام نمایید و دوباره با لباس غیر غضبی، قضا کنید.

مسئله‌ی ۸۱۹: هر گاه برای حفظ جانتان با لباس غضبی نماز بخوانید، یا مثلاً برای این‌که دزد، لباس غضبی را نبرد با آن نماز بخوانید، اگر غضب‌کننده خودتان نباشید، نمازتان را صحیح بدانید، ولی اگر خودتان غاصب باشید، باید

بعد از رفع ضرورت، نماز را با لباس غیر غصبی دوباره بخوانید.
مسئله‌ی ۸۲۰: اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده‌اید لباس بخرید، و با آن لباس نماز بخوانید، باید نماز را اعاده کنید. و همچنین است اگر نسیه بخرید و در موقع معامله قصدتان این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده‌اید، بپردازید.

شرط سوم

مسئله‌ی ۸۲۱: نباید لباستان در حال نماز از اجزای حیوان مرده باشد، چه آن مردار دارای خون جهنده باشد، یعنی حیوانی که اگر رگش را بپزند، خون از آن جستن می‌کند، و چه دارای خون جهنده نباشد مانند ماهی و مار.
مسئله‌ی ۸۲۲: نباید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، در حال نماز، همراهتان باشد، اگر چه لباستان نباشد.
مسئله‌ی ۸۲۳: می‌توانید در حال نماز، چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد را همراه خود داشته باشید و همچنین می‌توانید با لباسی که از آنها تهیه شده نماز بخوانید.

شرط چهارم

مسئله‌ی ۸۲۴: لباستان در حال نماز نباید از حیوان حرام گوشت باشد. و اگر مویی از آن هم همراهتان در نماز باشد، نماز خود را باطل بشمارید.
مسئله‌ی ۸۲۵: اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباستان در حال نماز باشد، چنانچه تر باشد، نمازتان را باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۸۲۶: اگر مو، عرق یا آب دهان مسلمانی بر بدن یا لباسان در حال نماز باشد، دارای اشکال ندانید. و همچنین است اگر مروارید، موم یا غسل همراهتان باشد.

مسئله‌ی ۸۲۷: اگر شک داشته باشید که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در کشورهای اسلامی تولید شده باشد و چه در کشورهای کفر، بهتر است با آن نماز نخوانید.

مسئله‌ی ۸۲۸: می‌توانید با لباسی که دکمه‌ی صدفی دارد نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۲۹: می‌توانید با لباس خز خالص نماز بخوانید، ولی نباید با پوست سنجاب نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۳۰: هر گاه با لباسی که نمی‌دانید یا فراموش کرده‌اید که از حیوان حرام گوشت است نماز بخوانید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

شرط پنجم و ششم

مسئله‌ی ۸۳۱: نباید لباس طلا باف بپوشید و نباید در آن نماز بخوانید؛ ولی منہاجیات می‌توانند در نماز و غیر نماز بپوشند.

مسئله‌ی ۸۳۲: نباید با طلا زینت کنید، زینت‌هایی مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست و استعمال عینکی که قاب طلا دارد، و نمازی که با زیورآلات طلا خوانده‌اید را باطل بشمارید، ولی منہاجیات می‌توانند با طلا، در نماز و غیر نماز، زینت کنند.

مسئله‌ی ۸۳۳: هر گاه ندانید یا فراموش کنید که انگشتر یا لباسان از طلاست و با آن نماز بخوانید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۸۳۴: نباید لباس ابریشم خالص را - چه در نماز و چه در غیر نماز -

پوشید، حتی به مقدار چیزی که نماز در آن تمام نمی‌شود، مانند بند شلوار یا عرقچین و مانند اینها.

مسئله‌ی ۸۳۵: نباید - چه در نماز و چه در غیر نماز - لباسی بپوشید که آستر تمام آن یا آستر مقداری از آن که زیادتز از چهار انگشت بسته است، از ابریشم خالص باشد.

مسئله‌ی ۸۳۶: نباید لباسی را که نمی‌دانید از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، - چه در نماز و چه در غیر نماز - بپوشید.

مسئله‌ی ۸۳۷: نباید در حال نماز، دستمال ابریشمی و مانند آن در جیب‌تان باشد.

مسئله‌ی ۸۳۸: منہاجیات می‌توانند در غیر نماز، لباس ابریشمی بپوشند ولی با آن نماز نخوانند.

مسئله‌ی ۸۳۹: می‌توانید در حال ناچاری، لباس غضبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده، بپوشید. و نیز اگر ناچار باشید لباس بپوشید و لباس دیگری غیر از اینها نداشته باشید، و تا آخر وقت هم، ناچاری‌تان از بین نمی‌رود، می‌توانید با این لباس‌ها نماز بخوانید؛ گر چه بهتر است بعداً با لباس خالی از اشکال، قضا کنید.

مسئله‌ی ۸۴۰: هر گاه غیر از لباس غضبی و لباسی که از مردار تهیه شده، لباس دیگری نداشته باشید، ولی ناچار از لباس پوشیدن نباشید، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۴۱: اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری نداشته باشید، چنانچه در پوشیدن آن لباس ناچار باشید، می‌توانید با همان لباس نماز بخوانید و اگر ناچار نباشید باید به دستوری که برای

برهنگان گفته شد نماز را بجا آورید، و سپس یک نماز دیگر هم با همان لباس بخوانید.

مسئله‌ی ۸۴۲: اگر غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف، لباس دیگری نداشته باشید، چنانچه در پوشیدن لباس ناچار نباشید، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۴۳: هر گاه چیزی نداشته باشید که در نماز، عورت خود را با آن بپوشانید، باید اگر چه به کرایه یا خریداری باشد تهیه نمایید. ولی اگر تهیه‌ی آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارایی‌تان زیاد است، یا طوری است که اگر پول را به مصرف لباس برسانید، به حالتان ضرر داشته باشد، می‌توانید به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۴۴: هر گاه لباس نداشته باشید ولی شخص دیگری لباسی به شما ببخشد یا عاریه بدهد، چنانچه قبول کردن آن برایتان مشقت نداشته باشد، باید قبول کنید. بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برایتان سخت نیست، باید از مسلمانی که لباس دارد، طلب بخشش یا عاریه نمایید.

مسئله‌ی ۸۴۵: نباید لباس شهرت، که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای شما معمول نیست، بپوشید و در حال اختیار، نباید در چنین لباسی نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۴۶: نباید لباس زنانه بپوشید، و نباید در حال اختیار، در چنین لباسی نماز بخوانید. همچنین منہاجیات نباید لباس مردانه بپوشند، و نباید در حال اختیار، در چنین لباسی نماز بخوانند.

مسئله‌ی ۸۴۷: هر گاه باید خوابیده نماز بخوانید، نباید - چه برهنه باشید و چه برهنه نباشید - لحاف یا تشک‌تان نجس یا از ابریشم خالص یا از اجزای حیوان حرام گوشت باشد.

مواردی که می‌توانید با بدن یا لباس نجس نماز بخوانید

مسئله‌ی ۸۴۸: در سه صورت، که تفصیل آنها بعداً گفته خواهد شد، اگر بدن یا لباستان در حال نماز نجس باشد، نمازتان را صحیح بدانید:
اول: آن‌که به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دملی که در بدنتان است، لباس یا بدنتان به خون آلوده شده باشد.

دوم: آن‌که بدن یا لباستان به مقدار کمتر از درهم که تقریباً به اندازه‌ی ناخن انگشت شست است، به خون آلوده باشد.

سوم: آن‌که ناچار باشید با بدن یا لباس نجس نماز بخوانید.
و در یک صورت اگر فقط لباستان نجس باشد، نماز خواندن در آن را صحیح بدانید، و آن جایی است که لباس‌های کوچکتان مانند جوراب و عرقچین نجس باشد.

و احکام این چهار صورت، مفصلاً در مسائل بعدی گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۸۴۹: اگر در بدن یا لباستان در حال نماز، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم سخت باشد، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می‌توانید با آن خون نماز بخوانید. و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشته‌اید و نجس شده، در بدن یا لباستان باشد.

مسئله‌ی ۸۵۰: نباید خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است، در بدن یا لباستان در حال نماز باشد.

مسئله‌ی ۸۵۱: اگر جایی از بدن یا لباستان که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود، نباید با آن نماز بخوانید. ولی اگر مقداری از بدن یا لباستان

که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می‌شود، به رطوبت آن نجس شود، می‌توانید با آن نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۵۲: هر گاه از زخمی که داخل دهان یا بینی و مانند اینهاست، خونی به بدن یا لباستان برسد، نباید با آن نماز بخوانید و همچنین است با خون بواسیر، در صورتی که دانه‌هایش داخل باشد.

مسئله‌ی ۸۵۳: هر گاه بدنتان زخم شود، اگر در بدن یا لباس خود خونی ببینید و ندانید از زخم است یا از خون دیگر، نباید با آن نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۵۴: اگر چند زخم در بدنتان باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شوند، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، می‌توانید با خون آنها نماز بخوانید. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شوند، هر کدام که خوب شد، باید برای نماز، بدن و لباستان را از خون آن، آب بکشید.

مسئله‌ی ۸۵۵: نباید سر سوزنی خون حیض یا نفاس یا استحاضه یا خون سگ یا خوک یا کافر یا مسلمان دیگر یا مردار یا حیوان حرام گوشت، در بدن یا لباستان در حال نماز باشد. ولی خون‌های دیگر مثل خون بدن خودتان یا خون حیوان حلال گوشت، اگر چه در چند جای بدن و لباستان باشد، در صورتی که روی هم از درهم (که تقریباً به اندازه‌ی ناخن انگشت شست می‌شود) کمتر باشد، می‌توانید با آن نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۵۶: خونی که به لباس بی‌آستر بریزد و به پشت آن برسد را یک خون حساب کنید. ولی اگر پشت آن، جدا خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمایید. پس اگر خونی که در پشت و روی لباستان است، روی هم کمتر از درهم باشد، می‌توانید با آن نماز بخوانید ولی اگر بیشتر باشد، نماز

خواندن با آن را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۸۵۷: اگر خون روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد، و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمایید. پس اگر خون روی لباس و آستر، کمتر از درهم باشد، نماز با آن را صحیح، و اگر بیشتر باشد، نماز با آن را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۸۵۸: اگر خون بدن یا لباستان، کمتر از درهم باشد و رطوبتی مانند عرق به آن برسد، نباید با آن نماز بخوانید. و اگر بخوانید، باید دوباره با لباس پاک اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۵۹: هر گاه بدن یا لباستان خونی نشود ولی به واسطه‌ی رسیدن به خون، نجس شود، اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نباید با آن، نماز بخوانید. و اگر با آن نماز خواندید، باید اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۶۰: اگر خونی که در بدن یا لباستان است، کمتر از درهم باشد ولی نجاست دیگری به آن برسد، مثلاً یک قطره ادرار روی آن بریزد، نباید با آن نماز بخوانید. و اگر با آن نماز خواندید، باید اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۶۱: اگر لباس‌های کوچکتان مثل عرقچین و جوراب که نمی‌شود با آنها عورت را پوشانید نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام‌گوشت و برای منهاجیون از ابریشم خالص و طلا باف درست نشده باشد، نماز با آنها را صحیح بدانید. و نیز می‌توانید با انگشتر نجس نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۶۲: چیز نجس، چه بتواند ساتر عورت باشد، مانند دستمال و چه نتواند ساتر عورت باشد مانند کلید و چاقوی نجس، نباید در حال نماز، همراه خود داشته باشید. ولی اگر این مسئله را نمی‌دانسته‌اید و مدتی با این حالت نماز خوانده‌اید، قضا کردنش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۸۶۳: چه منہاجیاتی که پرستار بچه هستند و چه منہاجیاتی که پرستار بچه نیستند، نباید در لباس نجس نماز بخوانند و اگر در لباس نجس نماز خواندند، باید دوباره در لباس پاک، اعاده یا قضا نمایند.

چیزهایی که خوب است در لباس نمازگزار مراعات کنید

مسئله‌ی ۸۶۴: چند چیز را در لباس نمازگزار، مراعات کنید که از آن جمله است: پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها، استعمال بوی خوش و به دست کردن انگشتر عقیق. و تفصیل این موارد، در قوانین عملی طبقات هفتم و نهم منهاج فردوسیان آمده است.

چیزهایی که خوب است در لباس نمازگزار ترک کنید

مسئله‌ی ۸۶۵: چند چیز را در لباس نمازگزار ترک کنید، از آن جمله است: پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ، و لباس شرابخوار، و لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی‌کند، و لباسی که نقش صورت دارد. و نیز باز بودن دکمه های لباس و به دست کردن انگشتری که نقش صورت دارد. و تفصیل این موارد، در قوانین عملی طبقات هشتم و نهم منهاج فردوسیان آمده است.

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار، باید چند شرط داشته باشد:

شرط اول: مکان نمازگزار باید مباح باشد.

مسئله‌ی ۸۶۶: نباید در ملک غصبی نماز بخوانید، اگر چه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد، و در این صورت، نمازتان را باطل بشمارید. ولی می‌توانید

در زیر سقف غصبی و خیمه‌ی غصبی، اگر تصرف در سقف یا خیمه صدق ننماید، نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۶۷: نباید در ملک خودتان که منفعتش را به کسی واگذار کرده‌اید، بدون اجازه‌ی او نماز بخوانید. مثلاً نباید در خانه‌ی خودتان که به دیگری اجاره داده‌اید، بدون اجازه‌ی مستأجر، نماز بخوانید. و همچنین نباید در ملکی که دیگری در آن حق دارد، نماز بخوانید، مثلاً اگر مرده‌ای وصیت کرده باشد که ثلث مالش را به مصرفی برسانند، تا وقتی ثلث را جدا نکنند، نباید در ملک او نماز بخوانید. و اگر نماز خواندید، باید بعد از استغفار، دوباره در زمین مباح، اعاده یا قضا کنید.

مسئله‌ی ۸۶۸: نباید جای کسی که در مسجد نشسته، و یا رحل گذاشته و یا سجاده پهن کرده را بگیرد و نباید در آنجا نماز بخوانید. و اگر در آنجا نماز خواندید، باید بعد از استغفار، دوباره نمازتان را در محل دیگری بخوانید.

مسئله‌ی ۸۶۹: اگر در جایی که نمی‌دانید غصبی است، نماز بخوانید - به شرط این که خودتان غاصب نباشید - نمازتان را صحیح بشمارید. ولی اگر در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده‌اید نماز بخوانید، چه خودتان غاصب باشید و چه نباشید، باید بعد از استغفار، در جای مباح، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۷۰: هر گاه می‌دانسته‌اید جایی غصبی است ولی نمی‌دانسته‌اید که نباید در جای غصبی نماز بخوانید و در آن نماز خوانده‌اید، باید بعد از استغفار، آن نماز را در محل مباح، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۷۱: هر گاه ناچار باشید نماز واجب‌تان را سواره بخوانید، چنانچه حیوان سواری یا زین آن غصبی باشد، نمازتان را باطل بشمارید و همچنین است اگر بخواهید سواره نماز مستحبی بخوانید.

مسئله‌ی ۸۷۲: هر گاه در ملک با دیگری شریک باشید، اگر سهمتان جدا نباشد، بدون اجازه‌ی شریکتان نباید در آن ملک تصرف کنید، و در آن نماز بخوانید. و اگر نماز خواندید، باید بعد از استغفار، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۷۳: نباید با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده‌اید ملک بخريد، ولی اگر خریدید، نباید در آن تصرف کنید و نباید در آن نماز بخوانید و اگر خواندید، باید بعد از استغفار، در زمین مباح، اعاده یا قضا نمایید. همچنین است اگر به ذمه بخريد و در موقع خریدن، قصدتان این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده‌اید بدهید.

مسئله‌ی ۸۷۴: اگر صاحب ملک، به زبان، اجازه‌ی نماز خواندن بدهد ولی بداند که قلباً راضی نیست، در آن ملک نماز نخوانید و اگر نماز خواندید، بعد از استغفار، در زمین مباح، اعاده یا قضا نمایید. ولی اگر به زبان، اجازه ندهد ولی یقین کنید که قلباً راضی است، می‌توانید نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۸۷۵: نباید در ملک مرده‌ای که خمس یا زکات بدهکار است، تصرف کنید و نباید در آن نماز بخوانید، مگر این که بدهی او را بپردازند. و اگر قبل از پرداخت بدهکاری مرده، در ملکش نماز بخوانید، باید بعد از استغفار، دوباره در زمین مباح، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۷۶: نباید در ملک مرده‌ای که به مردم بدهکار است تصرف کنید و نباید در آن نماز بخوانید، مگر این که خودتان ضامن شوید یا کسی ضامن شود که قرض‌های او را بپردازد، یا این که طلبکارها و وصی میت، یا طلبکارها و حاکم شرع اجازه بدهند. ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن جنازه معمول است را می‌توانید انجام دهید.

مسئله‌ی ۸۷۷: اگر مرده‌ای قرض نداشته باشد، ولی بعضی از ورثه‌ی او

صغیر یا دیوانه یا غایب باشند، نباید بدون اجازه‌ی ولی آنها در ملک او تصرف کنید. و اگر در آن ملک نماز بخوانید، باید بعد از استغفار، دوباره در زمین مباح، اعاده یا قضا نمایید. ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن جنازه معمول است را می‌توانید انجام دهید.

مسئله‌ی ۸۷۸: می‌توانید در اماکن عمومی مانند مسافرخانه، حمام و مانند اینها که برای واردین آماده شده است، با اطمینان به رضایت صاحبان آنها، نماز بخوانید. ولی در غیر این قبیل جاها، در صورتی می‌توانید نماز بخوانید که مالک آن، اجازه بدهد یا حرفی بزند که معلوم شود یا اطمینان حاصل شود که برای نماز خواندن، اجازه داده است مثل این که به کسی اجازه دهد در ملک او بنشیند و بخوابد که از اینها فهمیده می‌شود برای نماز خواندن هم اجازه داده است.

مسئله‌ی ۸۷۹: در زمین بسیار وسیعی که برای بیشتر مردم مشکل است موقع نماز از آنجا به جای دیگر بروند، می‌توانید بدون کسب اجازه از مالکش نماز بخوانید، ولی اگر بدانید که مالک زمین راضی نیست، نباید در آنجا نماز بخوانید.

شرط دوم: مکان نمازگزار باید بدون حرکت باشد.

مسئله‌ی ۸۸۰: مکانی که در آن نماز می‌خوانید باید بی‌حرکت باشد، و اگر به واسطه‌ی تنگی وقت یا جهت دیگری ناچار باشید در جایی که حرکت دارد مانند اتومبیل، کشتی و قطار نماز بخوانید، به قدری که ممکن است، باید در حال حرکت، چیزی نخوانید، و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند، به طرف قبله برگردید.

مسئله‌ی ۸۸۱: نماز خواندن در اتومبیل، کشتی، قطار و مانند اینها، وقتی

ایستاده‌اند را بدون مانع بدانید.

مسئله‌ی ۸۸۲: نباید روی خرمن گندم و جو و مانند اینها، که نمی‌توانید بی حرکت بمانید، نماز بخوانید. و اگر خواندید، باید در مکان ثابت، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۸۳: باید در جایی نماز بخوانید که اطمینان به تمام کردن نماز داشته باشید، و اگر اطمینان نداشته باشید، نباید نماز بخوانید. پس اگر در جایی که به واسطه‌ی احتمال باد یا باران یا زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارید که بتوانید نمازتان را تمام کنید، هر چند اتفاقی بتوانید تمام کنید، باید آن نماز را دوباره در محلی که از تمام کردن نماز اطمینان داشته باشید، اعاده یا قضا نمایید. و در جایی که نباید در آن توقف کنید مثل زیر سقفی که نزدیک است خراب شود، نباید نماز بخوانید، و اگر خواندید، باید در محل بی‌خطری اعاده یا قضا نمایید. و همچنین نباید بر روی چیزی که ایستادن و نشستن بر روی آن حرام است، مثل فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده، نماز بخوانید، و اگر خواندید، باید بر روی چیزی که ایستادن و نشستن بر آن اشکالی ندارد، اعاده یا قضا نمایید.

شرط سوم: نباید در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی‌توانید در آنجا راست بایستید یا به اندازه‌ی کوچک است که جای رکوع وجود ندارد، نماز بخوانید و اگر مجبور باشید در چنین جایی نماز بخوانید، بعداً در محل وسیع، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۸۴: نباید جلوتر یا مساوی با قبر استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا استادان منهاج (علیهم‌السلام) نماز بخوانید. و اگر خواندید، دوباره عقب‌تر از قبر یا در جای دیگر، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۸۸۵: می‌توانید در جایی نماز بخوانید که چیزی مانند دیوار، بین شما و قبر مطهر باشد که بی‌احترامی نشود، ولی فاصله‌شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه‌ای که روی آن افتاده را کافی ندانید.

شرط چهارم: اگر مکان نمازگزار نجس است، به طوری رطوبت نداشته باشد که رطوبت آن به بدن یا لباس‌تان برسد. ولی جایی که پیشانی را بر آن می‌گذارید، نباید نجس باشد، چه خشک باشد و چه مرطوب.

مسئله‌ی ۸۸۶: منہاجیات نباید در نماز، جلوتر از منہاجیون یا مساوی با آنان بایستند، و بهتر است طوری بایستند که جای سجده‌شان کمی از جای ایستادن منہاجیون عقب‌تر باشد.

مسئله‌ی ۸۸۷: هر گاه منہاجیات، برابر با منہاجیون یا جلوتر از آنان بایستند، اگر با هم وارد نماز شوند، بهتر است آن نماز را دوباره بخوانند. ولی اگر یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد، فقط کسی که بعد مشغول نماز شده، باید نمازش را دوباره بخواند.

مسئله‌ی ۸۸۸: هر گاه بین شما و منہاجیات، دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد، که یکدیگر را نبینید یا بینتان حد اقل پنج متر فاصله باشد، هر دو نمازتان را صحیح بدانید، و همچنین است اگر مکان یکی از شما به قدری بلند باشد که نگویند منہاجیات جلوتر از منہاجیون یا برابر با ایشان ایستاده‌اند.

مسئله‌ی ۸۸۹: نباید با زن نامحرم در اطافی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی‌تواند وارد شود، خلوت کنید و نباید در آنجا نماز بخوانید و اگر خواندید، بعداً در شرایط عادی، اعاده یا قضا نمایید. ولی اگر مشغول نماز باشید و نامحرمی وارد شود، نمازتان را بدون اشکال بدانید. همچنین

منهاجیات نباید با مرد نامحرم در اطاقی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی‌تواند وارد شود، خلوت کنند و نباید در آنجا نماز بخوانند و اگر خواندند، بعداً در شرایط عادی، اعاده یا قضا نمایند. ولی اگر مشغول نماز باشند و نامحرمی وارد شود، نمازشان را بدون اشکال بدانند.

مسئله‌ی ۸۹۰: نباید در جایی که آلات موسیقی همچون تار، نی، دف، عود و مانند آن استعمال می‌شود، نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۹۱: نباید در داخل خانه‌ی کعبه، نماز واجب بخوانید.

مسئله‌ی ۸۹۲: خوب است در داخل کعبه، مقابل هر رکنی، دو رکعت نماز مستحبی بخوانید.

جاهایی که خوب است در آنها نماز بخوانید

مسئله‌ی ۸۹۳: در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانید. و بهتر از همه‌ی مسجدها را مسجد الحرام، و بعد از آن مسجد النبی، و بعد از آن مسجد کوفه، و بعد از آن مسجد بیت المقدس، و بعد از مسجد بیت المقدس مسجد جامع هر شهر، و بعد از آن مسجد محله، و بعد از مسجد محله، مسجد بازار بدانید.

مسئله‌ی ۸۹۴: برای منهاجیات نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوقخانه و اطاق عقب، بهتر است.

مسئله‌ی ۸۹۵: نماز در حرم استادان منهاج (علیهم‌السلام) را بهتر از نماز در مسجد بدانید، مثلاً نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را برابر با دویست هزار نماز بشمارید.

مسئله‌ی ۸۹۶: زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد را نیکو بدانید، و اگر همسایه‌ی مسجد هستید، در صورتی که عذری نداشته

باشد، نباید در غیر مسجد نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۸۹۷: شایسته است با مسلمانی که از روی بی‌اعتنایی در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورید و در کارها با او مشورت نکنید، و همسایه‌ی او نشوید، و از او زن نگیرید و به او زن ندهید.

جاهایی که نماز خواندن در آنها را کم‌ثواب بدانید

مسئله‌ی ۸۹۸: نماز خواندن در چند جا را کم‌ثواب بدانید و از آن جمله است: حمام، زمین نم‌کزار، مقابل انسان، مقابل دری که باز است، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد. و چنانچه زحمت باشد، نباید نماز بخوانید و اگر خواندید، باید در جای دیگری که مزاحمت نباشد، اعاده یا قضا نمایید. همچنین مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه و هر کجا که کوره‌ی آتش باشد، مقابل چاه و چاله‌ای که محل ادرار باشد، روبروی عکس و مجسمه‌ی چیزی که روح دارد، مگر آن‌که روی آن پرده بکشید، در اطاقی که جُنُب در آن باشد، در جایی که عکس باشد اگر چه روبروی نمازگزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر، در قبرستان.

مسئله‌ی ۸۹۹: هر گاه در محل عبور مردم نماز بخوانید، یا کسی روبروی‌تان باشد، خوب است جلوی خودتان چیزی بگذارید، و اگر چوب یا ریسمانی هم باشد، کافی بدانید.

احکام مسجد

مسئله‌ی ۹۰۰: نباید زمین، سقف، بام و طرف داخل و بیرون دیوار مسجد را

نجس کنید و هر گاه بفهمید که نجس شده است، باید فوراً نجاست آن را برطرف کنید.

مسئله‌ی ۹۰۱: اگر نتوانید مسجد را تطهیر نمایید، یا کمک لازم داشته باشید و پیدا نکنید، تطهیر مسجد را لازم ندانید. ولی در صورتی که مشقت نداشته باشد، باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند، اطلاع دهید.

مسئله‌ی ۹۰۲: اگر جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن مقدار کمی از آن ممکن نباشد، باید آنجا را بکنید یا خراب نمایید. و اگر خودتان نجس کرده‌اید، باید بعد از خراب کردن یا کندن، آن قسمت را بسازید و یا پُر کنید. و اگر مسجد به نحوی نجس شده باشد که برای تطهیر آن ناچار باشید تمام مسجد را خراب کنید، چنانچه خیرینی باشند که بعد از تخریب، آن را بسازند، می‌توانید آن را خراب کنید. و اگر چیزی مانند آجر مسجد که ممکن است آن را برگردانید، نجس شود، باید بعد از تطهیر، به مسجد برگردانید.

مسئله‌ی ۹۰۳: اگر مسجدی غصب شده و به جای آن خانه و مانند آن ساخته شده باشد یا به طوری خراب شود که نماز خواندن در آن ممکن نباشد، باز هم نباید آن را نجس کنید و در صورتی که نجس شود، باید تطهیر کنید.

مسئله‌ی ۹۰۴: نباید حرم استادان منهاج (علیهم‌السلام) را نجس کنید، و اگر نجس شود - چه بی‌احترامی باشد و چه بی‌احترامی نباشد - باید تطهیر کنید.

مسئله‌ی ۹۰۵: اگر حصیر مسجد نجس شود، باید آن را آب بکشید. ولی چنانچه به واسطه‌ی آب کشیدن خراب می‌شود و بریدن جای نجس بهتر است، باید آن را بُرید. و اگر شما نجس کرده‌اید و بُرد، باید خودتان اصلاحش کنید.

مسئله‌ی ۹۰۶: نباید عین نجس مانند خون را به مسجد ببرید، چه موجب بی احترامی به مسجد باشد و چه نباشد.

مسئله‌ی ۹۰۷: می‌توانید مسجد را برای روضه‌خوانی، چادر بزیند و فرش کنید و سیاهی بکوبید و اسباب چای در آن ببرید، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود.

مسئله‌ی ۹۰۸: نباید مسجد را به طلا زینت نمایید. و همچنین نباید چیزهایی مثل انسان و حیوان که روح دارند در مسجد نقاشی کنید و نباید عکس انسان در مسجد بگذارید. و همچنین نقاشی چیزهایی که روح ندارند مثل گل و بوته، در مسجد را ترک کنید.

مسئله‌ی ۹۰۹: اگر مسجد خراب هم شود، نباید آن را بفروشید یا داخل ملک و جاده نمایید.

مسئله‌ی ۹۱۰: نباید در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد را بفروشید، و اگر مسجدی خراب شود، باید اینها را صرف تعمیر همان مسجد کنید، و چنانچه به درد آن مسجد نخورد، باید در مسجد دیگری مصرف نمایید. ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد می‌توانید آن را بفروشید و پولش را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگری نمایید.

مسئله‌ی ۹۱۱: شایسته است در صورت توانایی، مسجد بسازید یا مساجدی که نیاز به تعمیر دارد را تعمیر کنید. و اگر مسجد به طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانید آن را خراب کنید و دوباره بسازید. بلکه می‌توانید مسجدی را که خراب نشده برای احتیاج مردم خراب کنید و بزرگتر بسازید.

مسئله‌ی ۹۱۲: شایسته است مسجد را تمیز کنید و چراغش را روشن نمایید. و خوب است وقتی که می‌خواهید به مسجد بروید، خود را خوشبو کنید و لباس پاکیزه بپوشید و ته کفش خود را واریسی کنید که نجاستی به آن چسبیده نباشد. و موقع داخل شدن به مسجد، اول پای راستتان و موقع بیرون آمدن، اول پای چپتان را بگذارید. همچنین خوب است از همه زودتر به مسجد بروید و از همه دیرتر از مسجد بیرون آیید.

مسئله‌ی ۹۱۳: وقتی می‌خواهید از مسجدی که دو در دارد، از یک در وارد و از در دیگر خارج شوید، حد اقل دو رکعت نماز در آن مسجد بخوانید و مسجد را محل عبور خود قرار ندهید.

مسئله‌ی ۹۱۴: در مسجد نخواستید و در آن راجع به کارهای دنیا صحبت نکنید و مشغول صنعت نشوید و شعر - هر چند در مدح استادان منهاج (علیهم‌السلام) باشد - نخوانید و آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد نیاندازید، و گمشده‌ای را طلب نکنید و صدای خود را جز برای اذان، بلند ننمایید.

مسئله‌ی ۹۱۵: کودک و دیوانه را به مسجد راه ندهید. و هر گاه پیاز یا سیر و مانند اینها خورده باشید که بترسید بوی دهانتان مردم را اذیت کند، قبل از حضور در مسجد، بوی دهانتان را از بین ببرید.

اذان و اقامه

مسئله‌ی ۹۱۶: پیش از نمازهای یومیه، اذان و اقامه بگویید، ولی پیش از نماز عید فطر و قربان، نماز میت و نماز آیات، سه مرتبه بگویید: «الصلاة».

مسئله‌ی ۹۱۷: در روز اولی که بچه به دنیا می‌آید یا پیش از آن که بند نافش بیافتد، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویید.

مسئله‌ی ۹۱۸: اذان را هجده جمله بدانید به این ترتیب: «اللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، «حَى عَلَى الصَّلَاةِ»، «حَى عَلَى الْفَلَاحِ»، «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، هر یک دو مرتبه. و اقامه را هفده جمله بدانید یعنی دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اول اذان، و یک مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از آخر آن کم کنید، و بعد از گفتن «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» اضافه نمایید.

مسئله‌ی ۹۱۹: «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيَّ اللَّهِ» را جزء اذان و اقامه ندانید.

مسئله‌ی ۹۲۰: بین جمله‌های اذان و اقامه خیلی فاصله نیندازید. و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازید، باید دوباره آن را از اول بگویید.

مسئله‌ی ۹۲۱: نباید در گفتن اذان و اقامه، صدا را در گلو بیندازید. به طوری که غنا شود یعنی به طور آوازخوانی که در مجالس لهو و بازیگری معمول است.

مسئله‌ی ۹۲۲: در چهار نماز اذان نگوید:

اول: نماز عصر روز جمعه.

دوم: نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی‌حجه است، هر گاه در عرفات باشید.

سوم: نماز عشاء شب عید قربان هر گاه در مشعر الحرام باشید.

چهارم: نماز عصر و عشاء، هر گاه مرضی داشته باشید که نتوانید از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع خودداری کنید.

مسئله‌ی ۹۲۳: هر گاه برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، اگر بخواهید با آن جماعت نماز بخوانید، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگویید.

مسئله‌ی ۹۲۴: هر گاه برای خواندن نماز جماعت به مسجد بروید و ببینید نماز جماعت تمام شده، تا وقتی که صف‌ها به هم نخورده و جمعیت متفرق نشده‌اند، نباید برای نماز خود، اذان یا اقامه بگویید.

مسئله‌ی ۹۲۵: اگر بخواهید در جایی که عده‌ای مشغول نماز جماعتند یا نماز آنان تازه تمام شده و صف‌ها به هم نخورده است، به تنهایی یا با جماعت دیگری که بر پا می‌شود نماز بخوانید، با سه شرط می‌توانید اذان و اقامه نگویید:

اول: آن‌که برای آن نماز، اذان و اقامه گفته باشند.

دوم: آن‌که نماز جماعتی که تمام شده، باطل نباشد.

سوم: آن‌که نمازتان و نماز جماعت در یک مکان باشد. پس اگر نماز جماعت داخل مسجد باشد و بخواهید در بام مسجد نماز بخوانید، بهتر است اذان و اقامه بگویید.

مسئله‌ی ۹۲۶: هر گاه در یکی از شرط‌هایی که در مسئله‌ی قبل گفته شد شک کنید، اذان و اقامه بگویید.

مسئله‌ی ۹۲۷: هر گاه اذان یا اقامه‌ی دیگری را بشنوید، هر قسمتی را که می‌شنوید، آهسته با خود تکرار کنید.

مسئله‌ی ۹۲۸: هر گاه اذان یا اقامه‌ی دیگری را بشنوید، - چه با او گفته باشید و چه نگفته باشید - در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می‌خواهید بخوانید، زیاد فاصله نشده باشد، می‌توانید برای نماز خودتان اذان و اقامه نگویید.

مسئله‌ی ۹۲۹: هر گاه اذان زن را با قصد لذت بشنوید، دوباره خودتان اذان بگویید.

مسئله‌ی ۹۳۰: اذان و اقامه‌ی نماز جماعت را مرد بگوید.

مسئله‌ی ۹۳۱: اقامه را بعد از اذان بگوید و اگر قبل از اذان بگوید، بعد از اذان تکرار کنید و در حال گفتن اقامه، باید با طهارت و رو به قبله و ایستاده باشید و بین جملات آن و نماز، با کلام دیگر فاصله نیاندازید و در حال گفتن اقامه، اشاره نکنید.

مسئله‌ی ۹۳۲: اگر کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید، مثلاً «حی علی الفلاح» را پیش از «حی علی الصلاة» بگوید، باید از جایی که ترتیب به هم خورده دوباره بگوید.

مسئله‌ی ۹۳۳: نباید بین اذان و اقامه فاصله اندازید. پس اگر بین آنها به قدری فاصله دهید که اذانی را که گفته‌اید، اذان این اقامه محسوب نشود، دوباره اذان و اقامه را بگوید. و نیز اگر بین اذان و اقامه با نماز به قدری فاصله اندازید که اذان و اقامه‌ی آن نماز حساب نشود، دوباره برای آن نماز، اذان و اقامه بگوید.

مسئله‌ی ۹۳۴: باید اذان و اقامه را به عربی صحیح بگوید. پس اگر به عربی غلط بگوید یا به جای حرفی حرف دیگری بگوید، یا ترجمه‌ی فارسی آن را بگوید، باید دوباره به عربی صحیح بگوید.

مسئله‌ی ۹۳۵: اذان و اقامه را باید بعد از داخل شدن وقت نماز بگوید پس اگر عمداً یا از روی فراموشی، پیش از وقت بگوید، باید دوباره بعد از داخل شدن وقت، بگوید.

مسئله‌ی ۹۳۶: اگر پیش از گفتن اقامه یا در حال گفتن اقامه، شک کنید که اذان گفته‌اید یا نه، اذان را بگوید.

مسئله‌ی ۹۳۷: هر کجا در بین اذان یا اقامه شک کنید که قسمت پیش از آن

را گفته‌اید یا نه، آن قسمت و بعدش - تا آخر اذان یا اقامه - را بگویید.

مسئله‌ی ۹۳۸: در موقع گفتن اذان، رو به قبله بایستید و با طهارت (غسل، وضو یا تیمم) باشید و دست‌هایتان را بر گوش بگذارید و صدایتان را بلند نمایید و بین جمله‌های اذان، کمی فاصله دهید و بین آنها حرف نزنید.

مسئله‌ی ۹۳۹: باید در موقع گفتن اقامه، بدنتان آرام باشد، و بهتر است آن را از اذان آهسته‌تر بگویید، و جمله‌های مشابه آن را به هم بچسبانید.

مسئله‌ی ۹۴۰: بین اذان و اقامه یک قدم بردارید یا قدری بنشینید یا سجده کنید یا ذکر بگویید یا دعایی بخوانید یا قدری ساکت باشید یا حرفی بزنید یا دو رکعت نماز بخوانید. و بین اذان و اقامه‌ی نماز صبح، با کاری غیر از «حرف زدن» و بین اذان و اقامه‌ی نماز مغرب با کاری غیر از «نماز خواندن» فاصله بیان‌دازید.

مسئله‌ی ۹۴۱: خوب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنید، عادل و وقت‌شناس بوده و چنانچه از بلندگو استفاده نمی‌کند، صدایش بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید.

واجبات نماز

واجبات نماز را یازده چیز بدانید به این ترتیب: اول: نیت؛ دوم: قیام یعنی ایستادن؛ سوم: تکبیرة الاحرام یعنی گفتن «الله اکبر» در اول نماز؛ چهارم: رکوع؛ پنجم: سجود؛ ششم: قرائت؛ هفتم: ذکر؛ هشتم: تشهد؛ نهم: سلام؛ دهم: ترتیب؛ یازدهم: موالات یعنی پی در پی بودن اجزای نماز.

مسئله‌ی ۹۴۲: بعضی از واجبات نماز را رکن بدانید، یعنی اگر آنها را بجا

نیارید یا - عمداً یا اشتباهی - در نماز اضافه کنید، نماز را باطل بدانید و دوباره بخوانید. و بعضی دیگر از واجبات نماز را رکن ندانید، یعنی عمدتاً نباید کم یا زیاد کنید، ولی چنانچه اشتباهی کم یا زیاد گردد، نمازتان را باطل ندانید. و واجباتی که باید رکن بشمارید، پنج چیز است: اول: نیت. دوم: تکبیرة الاحرام. سوم: قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام، و قیام متصل به رکوع یعنی ایستادن پیش از رکوع. چهارم: رکوع. پنجم: دو سجده.

نیت

مسأله‌ی ۹۴۳: باید نماز را به نیت انجام فرمان خداوند متعال به جا آورید، ولی گذراندن نیت از قلب یا گفتن به زبان، مثل این که بگویید: «چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم، قربةً الی الله» را لازم ندانید، بلکه در نماز احتیاط، نباید به زبان بگویید.

مسأله‌ی ۹۴۴: اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت چهار رکعت نماز کنید ولی معین نکنید ظهر است یا عصر، نمازتان را باطل بشمارید و باید دوباره بخوانید. و نیز هر گاه بخواهید نماز قضا را در وقت ادای همان نماز بخوانید، مثلاً بخواهید قضا‌ی نماز ظهر را در وقت نماز ظهر بخوانید، باید معلوم کنید که نماز ادا می‌خوانید یا نماز قضا.

مسأله‌ی ۹۴۵: باید از اول تا آخر نماز، به نیت خود باقی باشید. پس اگر در بین نماز به طوری غافل شوید که اگر پرسند چه می‌کنید؟ ندانید چه بگویید، نمازتان را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۹۴۶: باید فقط برای انجام امر خداوند متعال نماز بخوانید. پس اگر ریا کنید یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخوانید، باید نمازتان را تمام کرده و بعد از استغفار، دوباره با نیت خالص بخوانید.

مسئله‌ی ۹۴۷: حتی قسمتی از نمازتان را هم نباید برای غیر خدا بجا آورید، چه آن قسمت واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت. بلکه اگر تمام نمازتان را برای خدا بجا آورید ولی برای نشان دادن به مردم، در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت، یا به طرز مخصوصی مثلاً با جماعت نماز بخوانید، باید نمازتان را تمام کرده و دوباره بعد از استغفار، با نیت خالص بخوانید.

تکبیرة الاحرام

مسئله‌ی ۹۴۸: باید هر نماز را با گفتن «اللهُ اکبر» شروع کنید و این کار را از ارکان نماز بشمارید. و باید حروف «الله» و حروف «اکبر» و دو کلمه‌ی «الله» و «اکبر» را پشت سر هم بگویید. و نیز باید این دو کلمه را به عربی صحیح بگویید، و اگر به عربی غلط بگویید یا ترجمه‌ی آن را به زبان دیگری بگویید، نمازتان را شروع شده حساب نکنید، بلکه باید دوباره با عربی صحیح ادا نمایید و هر چه نماز خوانده‌اید که تکبیرة الاحرام آن را به عربی صحیح ادا نکرده‌اید، باید دوباره اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۹۴۹: نباید تکبیرة الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می‌خوانید مثلاً به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می‌خوانید، بچسبانید.

مسئله‌ی ۹۵۰: نباید در نماز واجب، «اللهُ اکبر» را به چیزی که بعد از آن می‌خوانید مثلاً به «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بچسبانید، ولی در نماز مستحب اگر بخواهید بچسبانید، باید حرف «ر» در کلمه‌ی «اکبر» را ضمّه بدهید.

مسئله‌ی ۹۵۱: باید موقع گفتن تکبیرة الاحرام، بدنانت آرام باشد، و اگر عمداً در حالی که بدنانت حرکت دارد تکبیرة الاحرام را بگویید، نمازتان را باطل بشمارید. و چنانچه سهواً حرکت کنید، باید نماز را تمام کرده و دوباره با

آرامش بدن، نماز را اعاده نمایید.

مسئله‌ی ۹۵۲: تکبیر، حمد، سوره، ذکر و دعای نماز را باید طوری بخوانید که خودتان بشنوید. و اگر به واسطه‌ی سنگینی یا کری گوش یا سر و صدای زیاد محیط نمی‌شنوسد، باید طوری بگویید که اگر مانعی نمی‌بود، می‌شنیدید.

مسئله‌ی ۹۵۳: هر گاه لال شوید یا زبانتان مرضی پیدا کند که نتوانید «الله اکبر» را درست بگویید، باید به هر طور که می‌توانید بگویید. و اگر هیچ نمی‌توانید بگویید، باید در قلب خود بگذرانید و برای تکبیر اشاره کنید، و زبانتان را هم به اندازه‌ای که می‌توانید، حرکت دهید.

مسئله‌ی ۹۵۴: خوب است قبل از تکبیرة الاحرام بگویید: «یا مُحْسِنُ قَدْ اُتَاكَ الْمِیْسِیُّ وَ قَدْ اَمَرْتُ الْمُحْسِنَ اَنْ یَتَجَاوَزَ عَنِ الْمِیْسِیِّ اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ اَنَا الْمِیْسِیُّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَجَاوَزَ عَنِ قَبِیحِ مَا تَعَلَّمُ مِنِّی»، یعنی ای خدایی که به بندگان احسان می‌کنی، بنده گنهکار به در خانه‌ی تو آمده و تو امر کرده‌ای که نیکوکار از گنهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار، به حق محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و از بدی‌هایی که می‌دانی از من سر زده درگذر.

مسئله‌ی ۹۵۵: موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دست‌هایتان را تا مقابل گوش‌هایتان بالا بیاورید.

مسئله‌ی ۹۵۶: اگر شک کنید که تکبیرة الاحرام را گفتید یا نه، یا باید نیت نماز مستحبی کنید و صورت از قبله برگردانید و سپس به نیت نماز، تکبیرة الاحرام بگویید و یا نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۹۵۷: اگر بعد از گفتن تکبیرة الاحرام شک کنید که آن را صحیح گفتید یا نه، یا باید نیت نماز مستحبی کنید و صورت از قبله برگردانید و

سپس به نیت نماز، تکبیرة الاحرام بگویند و یا نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

قیام (ایستادن)

مسأله‌ی ۹۵۸: قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را «قیام متصل به رکوع» می‌گویند را از ارکان نماز بشمارید. ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع را رکن ندانید و اگر از روی فراموشی ترک شد، نمازتان را صحیح بشمارید.

مسأله‌ی ۹۵۹: باید پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن، مقداری بایستید تا یقین کنید که در حال ایستادن، تکبیر گفته‌اید.

مسأله‌ی ۹۶۰: اگر رکوع را فراموش کنید و بعد از حمد و سوره بنشینید و یادتان بیاید که رکوع نکرده‌اید، باید بایستید و به رکوع بروید. و اگر بدون این که بایستید، به حال خمیدگی به رکوع برگردید، چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده‌اید، نمازتان را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۹۶۱: موقعی که برای تکبیرة الاحرام یا قرائت نماز ایستاده‌اید، بدنتان را حرکت ندهید و به طرفی خم نشوید و به جایی تکیه نکنید. ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع باشید، می‌توانید پاهایتان را حرکت دهید.

مسأله‌ی ۹۶۲: اگر موقعی که برای قرائت نماز ایستاده‌اید، از روی فراموشی، بدنتان را حرکت دهید یا به طرفی خم شوید یا به جایی تکیه کنید، نمازتان را دارای اشکال ندانید. ولی در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع، اگر از روی فراموشی هم باشد، باید نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۹۶۳: باید در موقع ایستادن، هر دو پایتان روی زمین باشد. و بهتر

است سنگینی بدنتان روی هر دو پا باشد.

مسئله‌ی ۹۶۴: اگر می‌توانید درست بایستید، نباید پاهایتان را خیلی با فاصله از یکدیگر بگذارید که ایستادن بر آن صدق نکند و اگر به حال معمولی نایستادید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۹۶۵: موقعی که بخواهید در حال نماز، کمی جلو یا عقب بروید یا کمی بدنتان را به طرف راست یا چپ حرکت دهید، نباید چیزی بگویید، ولی «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» را در حال برخاستن بگویید، و در موقع گفتن ذکرهای واجب و مستحب نماز نیز باید بدنتان بی‌حرکت باشد.

مسئله‌ی ۹۶۶: اگر در حال حرکت بدن ذکر بگویید، مثلاً موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگویید، چنانچه آن را به قصد ذکرى که در نماز دستور داده‌اند بگویید، باید نمازتان را دوباره بخوانید. و اگر به این قصد نگویید بلکه بخواهید ذکرى گفته باشید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۹۶۷: بهتر است دست‌ها و انگشتانتان را در موقع خواندن حمد و سوره حرکت ندهید.

مسئله‌ی ۹۶۸: اگر موقع خواندن حمد و سوره یا خواندن تسبیحات، بی‌اختیار به قدری حرکت کنید که از حال آرام بودن بدن خارج شوید، باید بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت بدن خوانده‌اید، دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۹۶۹: اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شوید باید بنشیند، و اگر از نشستن هم عاجز شوید باید دراز بکشند، ولی تا بدنتان آرام نگرفته، نباید چیزی بخوانید.

مسئله‌ی ۹۷۰: در صورتی که بتوانید ایستاده نماز بخوانید، نباید بنشینید. پس اگر در موقع ایستادن، بدنتان حرکت می‌کند یا مجبورید به چیزی تکیه دهید

یا بدن‌تان را کج کنید یا خم شوید یا پاهایتان را بیش از معمول باز بگذارید، باید به هر طور که می‌توانید ایستاده نماز بخوانید. ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتوانید بایستید، باید راست بنشینید و نشسته نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۹۷۱: در صورتی که بتوانید بنشینید، نباید خوابیده نماز بخوانید. و اگر نتوانید راست بنشینید باید هر طور که می‌توانید بنشینید، و اگر به هیچ قسم نمی‌توانید بنشینید باید به طوری که در احکام قبله گفته شد، به پهلو راست بخوابید، و اگر به پهلو راست نمی‌توانید باید به پهلو چپ بخوابید، و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابید به طوری که کف پاهایتان رو به قبله باشد.

مسئله‌ی ۹۷۲: هر گاه مجبور باشید نشسته نماز بخوانید، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتوانید بایستید و رکوع را ایستاده بجا آورید، باید بایستید و از حال ایستاده به رکوع بروید. و اگر نتوانید، باید رکوع را هم نشسته بجا آورید. مسئله‌ی ۹۷۳: هر گاه مجبور باشید دراز کشیده نماز بخوانید، اگر در بین نماز بتوانید بنشینید، باید مقداری را که می‌توانید، نشسته بخوانید. و نیز اگر می‌توانید بایستید، باید مقداری را که می‌توانید، ایستاده بخوانید، ولی تا بدن‌تان آرام نگرفته نباید چیزی بخوانید.

مسئله‌ی ۹۷۴: هر گاه مجبور باشید نشسته نماز بخوانید، اگر در بین نماز بتوانید بایستید، باید مقداری را که می‌توانید، ایستاده بخوانید، ولی تا بدن‌تان آرام نگرفته، نباید چیزی بخوانید.

مسئله‌ی ۹۷۵: هر گاه بترسید که به واسطه‌ی ایستادن، مریض شوید یا ضرری به شما برسد، می‌توانید نشسته نماز بخوانید. و اگر از نشستن هم

بترسید، می‌توانید درازکشیده نماز بخوانید.

مسئله‌ی ۹۷۶: هر گاه نتوانید بایستید ولی احتمال بدهید که تا آخر وقت بتوانید ایستاده نماز بخوانید، باید نماز را به تأخیر بیاندازید. و اگر در اول وقت نشسته بخوانید و در آخر وقت بتوانید ایستاده بخوانید، باید اعاده کنید. و همچنین است اگر نتوانید در اول وقت نشسته بخوانید ولی آخر وقت بتوانید.

مسئله‌ی ۹۷۷: در حال ایستادن در نماز، بدنتان را راست نگهدارید، شانه هایتان را پایین بیاندازید، دست‌هایتان را روی ران‌هایتان بگذارید، انگشت هایتان را به هم بچسبانید، به جای سجده‌ی خود نگاه کنید، سنگینی بدنتان را به طور مساوی روی هر دو پایتان بیاندازید، با خضوع و خشوع باشید، پاها را پس و پیش نگذارید، پاهایتان را از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله دهید، و منهاجیات پاهایشان را به هم بچسبانند.

قرائت

مسئله‌ی ۹۷۸: باید در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، اول سوره‌ی حمد و بعد از آن، یک سوره‌ی کامل بخوانید.

مسئله‌ی ۹۷۹: اگر وقت نماز تنگ باشد یا ناچار شوید که سوره را نخوانید، مثلاً بترسید که اگر سوره را بخوانید، دزد یا درنده یا چیز دیگری به شما صدمه بزند، نباید سوره را بخوانید.

مسئله‌ی ۹۸۰: نباید عمداً سوره را پیش از حمد بخوانید، ولی اگر خواندید، باید نماز را تمام کنید و اعاده نمایید. و اگر اشتباهی سوره را پیش از حمد بخوانید و در بین آن یادتان بیاید، باید سوره را رها کنید و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخوانید.

مسئله‌ی ۹۸۱: اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کنید و بعد از رسیدن به رکوع بفهمید، نمازتان را صحیح بدانید. ولی بعد از تمام شدن نماز، برای هر کدام، دو سجده‌ی سهو به جا آورید.

مسئله‌ی ۹۸۲: اگر پیش از آن که برای رکوع خم شوید، بفهمید که حمد و سوره را نخوانده‌اید، باید بخوانید، و اگر بفهمید سوره را نخوانده‌اید، باید فقط سوره را بخوانید. ولی اگر بفهمید حمد تنها را نخوانده‌اید، باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخوانید. و نیز اگر خم شوید ولی پیش از آن که به رکوع برسید بفهمید حمد و سوره یا سوره‌ی تنها یا حمد تنها را نخوانده‌اید، باید بایستید و به همین دستور عمل نمایید.

مسئله‌ی ۹۸۳: نباید در نماز واجب، یکی از چهار سوره‌ای که آیه‌ی سجده دارد و در مسئله‌ی ۳۵۵ گفته شد را عمداً بخوانید، و اگر خواندید، باید بعد از خواندن آیه‌ی سجده، سجده کنید و سپس نمازتان را تمام نمایید و دوباره با سوره‌ای که سجده‌ی واجب ندارد، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۹۸۴: اگر اشتباهی مشغول خواندن سوره‌ای شوید که سجده‌ی واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه‌ی سجده بفهمید، باید آن سوره را رها کنید و سوره‌ی دیگر بخوانید. و اگر بعد از خواندن آیه‌ی سجده بفهمید، باید در وسط نماز، سجده کنید و سپس سوره‌ی سجده‌دار و نماز را تمام کنید و بعد از نماز، سجده‌ی آن را بجا آورید و نماز را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۹۸۵: هر گاه در نماز، آیه‌ی سجده را بشنوید، باید با سر اشاره به سجده کنید و نماز را تمام نمایید، سپس سجده‌ی آن را بجا آورید و نماز را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۹۸۶: خواندن سوره در نمازهای مستحبی را خوب بدانید ولی اگر

نماز مستحبی را به واسطه‌ی نذر کردن بر خود واجب نموده باشید، خواندن سوره را ترک نکنید. البته در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت که سوره‌ی مخصوص دارند، اگر بخواهید به دستور آن نماز رفتار کنید، باید همان سوره را بخوانید.

مسئله‌ی ۹۸۷: در رکعت اول نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه، بعد از حمد، سوره‌ی جمعه، و در رکعت دوم آن بعد از حمد، سوره‌ی منافقون بخوانید. و اگر مشغول یکی از اینها شوید، نباید آن را رها کنید و سوره‌ی دیگر بخوانید. مسئله‌ی ۹۸۸: اگر بعد از حمد، مشغول خواندن سوره‌ی توحید یا کافرون شوید، نباید آن را رها کنید و سوره‌ی دیگری بخوانید. ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره‌ی «جمعه» و «منافقون» یکی از این دو سوره را بخوانید، تا به نصف نرسیده می‌توانید آن را رها کنید و سوره‌ی «جمعه» و «منافقون» را بخوانید.

مسئله‌ی ۹۸۹: اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه عمداً سوره‌ی توحید یا کافرون بخوانید، اگر چه به نصف نرسیده باشد، نباید رها کنید و سوره‌ی «جمعه» و «منافقون» را بخوانید.

مسئله‌ی ۹۹۰: اگر در نماز، غیر از سوره‌ی توحید و کافرون، سوره‌ی دیگری بخوانید، می‌توانید تا قبل از این که به نصف سوره برسید، تلاوتش را رها کنید و سوره‌ی دیگر بخوانید. ولی بعد از تلاوت نصف، نباید بقیه‌ی سوره را رها کنید.

مسئله‌ی ۹۹۱: اگر مقداری از سوره را فراموش کنید یا از روی ناچاری مثلاً به واسطه‌ی تنگی وقت یا جهت دیگر نتوانید آن را تمام نمایید، می‌توانید آن سوره را رها کنید و سوره‌ی دیگری بخوانید، اگر چه از نصف آن گذشته باشید

یا سوره‌ای را که می‌خوانده‌اید، سوره‌های توحید یا کافرون باشد.
مسئله‌ی ۹۹۲: باید حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخوانید،
و باید حمد و سوره‌ی نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانید.
مسئله‌ی ۹۹۳: باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشید که تمام
کلمات حمد و سوره، حتی حرف آخر آنها را بلند بخوانید.
مسئله‌ی ۹۹۴: مناجیات می‌توانند حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا
را بلند یا آهسته بخوانند. ولی اگر نامحرم صدایشان را بشنود، باید آهسته
بخوانند.

مسئله‌ی ۹۹۵: اگر در جایی که باید نماز را بلند بخوانید، عمداً آهسته بخوانید،
یا در جایی که باید آهسته بخوانید، عمداً بلند بخوانید، نمازتان را باید اعاده
کنید. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، نمازتان را صحیح
بدانید. و اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمید اشتباه کرده‌اید، باید
مقداری که خوانده‌اید را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۹۹۶: نباید در خواندن حمد و سوره، صدایتان را بیشتر از حد معمول
بلند کنید، مثل این که با فریاد بخوانید، و اگر چنین کردید، باید نمازتان را
اعاده نمایید.

مسئله‌ی ۹۹۷: باید نماز را یاد بگیرید که غلط نخوانید. و اگر به هیچ صورتی
نمی‌توانید صحیح آن را یاد بگیرید، باید هر طور که می‌توانید بخوانید، و بهتر
آن است که نماز را به جماعت بجا آورید، مگر آن‌که مشقت داشته باشد.

مسئله‌ی ۹۹۸: هر گاه حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی
دانید ولی می‌توانید یاد بگیرید، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید یاد
بگیرید و اگر وقت تنگ است، باید در صورتی که ممکن باشد، نمازتان را به

جماعت بخوانید.

مسئله‌ی ۹۹۹: برای یاد دادن نماز، مزد نگیرید.

مسئله‌ی ۱۰۰۰: هر گاه یکی از کلمات حمد یا سوره را ندانید، یا عمداً آن را نگوئید، یا به جای حرفی، حرف دیگری بگوئید مثلاً به جای «ض»، «ظ» بگوئید، یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود، زیر و زبر بدهید، یا تشدید را نگوئید، باید نمازتان را دوباره با قرائت صحیح بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۰۱: هر گاه کلمه‌ای را صحیح بدانید و در نماز همانطور بخوانید ولی بعد بفهمید غلط خوانده‌اید، باید دوباره نمازتان را بخوانید و یا اگر وقت گذشته، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۰۲: اگر اعراب کلمه‌ای را ندانید یا ندانید مثلاً کلمه‌ای به «س» است یا به «ص»، باید یاد بگیرید و چنانچه دو جور یا بیشتر بخوانید، مثل آن که «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» را یک مرتبه با «سین» و یک مرتبه با «صاد» بخوانید، نمازتان را باطل بشمارید. مگر آن‌که هر دو جور قرائت شده باشد و به امید رسیدن به واقع بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۰۳: اگر در کلمه‌ای «واو» باشد و حرف قبل از «واو» در آن کلمه، ضمّه داشته باشد و حرف بعد از «واو» در آن کلمه، همزه باشد مثل کلمه «سوء» باید آن «واو» را مد بدهید، یعنی آن را بکشید و همچنین اگر در کلمه ای «الف» باشد و حرف قبل از «الف» در آن کلمه فتحه داشته باشد و حرف بعد از «الف» در آن کلمه، همزه باشد مثل «جاء»، باید آن را بکشید و نیز اگر در کلمه‌ای «ی» باشد و حرف پیش از «ی» در آن کلمه، کسره داشته باشد و حرف بعد از «ی» در آن کلمه، همزه باشد مثل «جیء»، باید «ی» را با مد بخوانید و اگر بعد از این «واو» و «الف» و «ی» به جای همزه، حرفی باشد

که ساکن است، یعنی فتحه و کسره و ضمه ندارد، باز هم باید این سه حرف را با مد بخوانید، مثلاً در «وَلَا الضَّالِّينَ» که بعد از «الف» حرف «لام» ساکن است، باید «الف» آن را با مد بخوانید. و چنانچه به دستوری که گفته شد رفتار نکنید، باید نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۰۴: نباید در قرائت نماز، «وقف به حرکت» و «وصل به سکون» نمایید. و معنی «وقف به حرکت» آن است که کسره یا فتحه یا ضمه‌ی آخر کلمه‌ای را بگویید و بین آن کلمه و کلمه‌ی بعدش فاصله دهید. مثلاً بگویید «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را کسره بدهید و بعد قدری فاصله دهید و بگویید: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ». و معنی «وصل به سکون» آن است که کسره یا فتحه یا ضمه‌ی کلمه‌ای را نگویید و آن کلمه را به کلمه‌ی بعد بچسبانید، مثل آن که بگویید: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرَّحِيمِ» را کسره ندهید و فوراً «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۰۵: در رکعت سوم و چهارم نماز، سه مرتبه تسبیحات اربعه بگویید، یعنی سه مرتبه بگویید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ».

مسئله‌ی ۱۰۰۶: باید در تنگی وقت، تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگویید.
مسئله‌ی ۱۰۰۷: باید در رکعت سوم و چهارم نماز، تسبیحات اربعه را آهسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۰۸: اگر در رکعت سوم و چهارم، سوره‌ی حمد بخوانید، باید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آن را هم آهسته بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۰۹: اگر نمی‌توانید تسبیحات اربعه را یاد بگیرید یا درست بخوانید، باید در رکعت سوم و چهارم، سوره‌ی حمد بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۰: اگر در دو رکعت اول نماز، به خیال این که در دو رکعت آخر هستید، تسبیحات بگویید، چنانچه پیش از رکوع بفهمید، باید حمد و سوره را بخوانید و اگر در رکوع یا بعد از رکوع بفهمید، نمازتان را صحیح بدانید، ولی بعد از نماز باید برای ترک حمد و ترک سوره و زیادی تسبیحات، برای هر کدام، دو سجده‌ی سهو نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۱۱: اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال این که در دو رکعت اول هستید، حمد بخوانید، یا در دو رکعت اول نماز، با این که گمان می‌کرده‌اید در دو رکعت آخر هستید حمد بخوانید، چه پیش از رکوع بفهمید و چه بعد از آن، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۲: اگر در رکعت سوم یا چهارم بخوانید سوره‌ی حمد بخوانید ولی تسبیحات به زبانتان بیاید، یا بخوانید تسبیحات بخوانید ولی سوره‌ی حمد به زبانتان بیاید، باید آن را رها کنید و دوباره تسبیحات را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۳: اگر در رکعت سوم و چهارم که معمولاً تسبیحات می‌خوانید، بدون قصد، مشغول خواندن سوره‌ی حمد شوید، باید آن را رها کنید و دوباره تسبیحات را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۴: خوب است در رکعت سوم و چهارم، بعد از تسبیحات، استغفار کنید، مثلاً بگویید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» یا بگویید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». و اگر زمانی که مشغول استغفار هستید، شک کنید که تسبیحات را خوانده‌اید یا نه، باید تسبیحات را بخوانید. و نیز اگر قبل از خم شدن برای رکوع در حالی که مشغول استغفار نیستید، شک کنید که تسبیحات را خوانده‌اید یا نه، باید تسبیحات را بخوانید. و اگر به گمان آن که تسبیحات را گفته‌اید، مشغول گفتن استغفار شوید و شک کنید که تسبیحات را خوانده‌اید یا نه،

باید تسبیحات را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۵: اگر در رکوع سوم یا چهارم شک کنید که تسبیحات را خوانده‌اید یا نه، اعتنا نکنید ولی اگر در حال رفتن به رکوع شک کنید که تسبیحات را خوانده‌اید یا نه، باید برگردید و بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۶: هرگاه بعد از تمام شدن آیه یا کلمه‌ای شک کنید که آن را درست گفته‌اید یا نه، تا داخل رکن بعدی نشده‌اید باید آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگویید ولی اگر جزء بعدی، رکن باشد مثلاً در رکوع شک کنید که سوره را درست خوانده‌اید یا نه، نباید برگردید و نباید به شک خود اعتنا کنید. ولی اگر جزء بعدی رکن نباشد، مثلاً موقع گفتن «اللَّهُ الصَّمَد» شک کنید که «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را درست گفته‌اید یا نه، باید دوباره بخوانید. و اگر چند مرتبه شک کنید، می‌توانید چند بار بگویید ولی نباید به حد وسواس برسد و اگر به حد وسواس رسید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۷: در رکعت اول، پیش از خواندن حمد بگویید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگویید و حمد و سوره را شمرده بخوانید و در آخر هر آیه وقف کنید، یعنی آن آیه را به آیه‌ی بعد نچسبانید، و در حال خواندن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشته باشید. اگر نماز را به جماعت می‌خوانید، بعد از تمام شدن حمد امام، و اگر تنهایی می‌خوانید بعد از آن که حمد خودتان تمام شد بگویید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و بعد از خواندن سوره‌ی توحید، یک یا دو یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا» بگویید. بعد از خواندن سوره کمی صبر کنید و بعد تکبیر پیش از رکوع را بگویید یا قنوت را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۸: خوب است در رکعت اول نماز، سوره‌ی قدر و در رکعت دوم، سوره‌ی توحید را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۱۹: نباید در تمام نمازهای یک شبانه‌روز، خواندن سوره‌ی توحید را ترک کنید.

مسئله‌ی ۱۰۲۰: سوره‌ی توحید را به یک نفس نخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۲۱: سوره‌ی را که در رکعت اول خوانده‌اید، در رکعت دوم نخوانید، ولی سوره‌ی توحید را می‌توانید در هر دو رکعت بخوانید.

رکوع

مسئله‌ی ۱۰۲۲: در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ی خم شوید که بتوانید دست‌هایتان را به زانوهایتان بگذارید، و این عمل را رکوع می‌گویند.

مسئله‌ی ۱۰۲۳: هر گاه به اندازه‌ی رکوع خم شوید، باید دست‌هایتان را به زانوهایتان بگذارید.

مسئله‌ی ۱۰۲۴: نباید رکوع را به طور غیر معمول بجا آورید، مثلاً به چپ یا راست خم شوید، اگر چه دست‌هایتان به زانو برسد.

مسئله‌ی ۱۰۲۵: خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کار دیگری مثلاً برای کشتن جانور خم شوید، نباید آن را رکوع حساب کنید، بلکه باید بایستید و دوباره برای رکوع خم شوید، و به واسطه‌ی این عمل، رکن زیاد نشده و نمازتان را باطل شمارید.

مسئله‌ی ۱۰۲۶: هر گاه دست یا زانوی شما با دست و زانوی دیگران فرق داشته باشد، مثلاً دستتان خیلی بلند است که اگر کمی خم شوید به زانویتان می‌رسد یا زانویتان پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شوید تا دستتان به زانویتان برسد، باید به اندازه‌ی معمول خم شوید.

مسئله‌ی ۱۰۲۷: هر گاه نشسته رکوع می‌کنید، باید به قدری خم شوید که صورتتان مقابل زانوهایتان برسد، و بهتر است به قدری خم شوید که صورتتان نزدیک جای سجده‌تان برسد.

مسئله‌ی ۱۰۲۸: باید در رکوع، حد اقل سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۲۹: ذکر رکوع را باید پشت سر هم و به عربی صحیح بگویید و بهتر است «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه و بیشتر بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۳۰: در رکوع باید بدنتان به مقداری که ذکر می‌گویید، چه ذکر واجب باشد و چه اذکار مستحب، آرام باشد.

مسئله‌ی ۱۰۳۱: اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می‌گویید، بی‌اختیار به قدری حرکت کنید که از حال آرام‌بودن بدن خارج شوید، باید بعد از آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگویید، ولی اگر کمی حرکت کنید که از حال آرام بودن بدن خارج نشوید، یا انگشتانتان را حرکت دهید، دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۱۰۳۲: اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شوید و بدنتان آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگویید، باید بعد از رسیدن به رکوع و آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگویید و نماز را پس از اتمام، اعاده نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۳۳: نباید پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارید و اگر سر بردارید، نمازتان را باطل بشمارید، ولی اگر سهواً سر بردارید، چنانچه پیش از آن که از حال رکوع خارج شوید، یادتان بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده‌اید، باید در حال آرامی بدن، دوباره ذکر را بگویید، و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شدید، یادتان بیاید، نمازتان را صحیح بدانید.

و پس از نماز، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۰۳۴: اگر نتوانید به مقدار ذکر در رکوع بمانید، باید بقیه‌ی آن را در حال برخاستن از رکوع بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۳۵: اگر به واسطه‌ی مرض و مانند آن نتوانید در رکوع آرام بگیرید، نمازتان را صحیح بدانید، ولی باید پیش از آن که از حال رکوع خارج شوید، ذکر واجب یعنی «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» را بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۳۶: هرگاه نتوانید به اندازه‌ی رکوع خم شوید، باید به چیزی تکیه دهید و رکوع کنید و اگر موقعی هم که تکیه داده‌اید نتوانید به طور معمول رکوع کنید، باید به هر اندازه که می‌توانید خم شوید، سپس نماز را دوباره بخوانید و رکوع آن را نشسته بجا آورید، و اگر هیچ نتوانید خم شوید، باید موقع رکوع بنشینید و نشسته رکوع کنید، و نماز دیگری هم بخوانید و برای رکوع آن با سر اشاره نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۳۷: هر گاه بتوانید ایستاده نماز بخوانید، اگر در حال ایستاده یا نشسته نتوانید رکوع کنید، باید ایستاده نماز بخوانید و برای رکوع، با سر اشاره کنید، و اگر نتوانید اشاره کنید، باید به نیت رکوع، پلک‌هایتان را بر هم بگذارید و ذکر آن را بگویید و به نیت برخاستن از رکوع، چشم‌هایتان را باز کنید. و اگر از این هم عاجز هستید، باید در قلبتان نیت رکوع کنید و ذکر آن را بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۳۸: هر گاه نتوانید ایستاده یا نشسته رکوع کنید و فقط برای رکوع بتوانید در حالی که نشسته هستید، کمی خم شوید یا در حالی که ایستاده هستید با سرتان اشاره کنید، باید ایستاده نماز بخوانید و برای رکوع،

با سرتان اشاره نمایید و نماز دیگری هم بخوانید و موقع رکوع آن بنشینید و هر قدر می‌توانید، برای رکوع، خم شوید.

مسئله‌ی ۱۰۳۹: اگر بعد از رسیدن به حد رکوع، سر از رکوع بردارید و دو مرتبه به اندازه‌ی رکوع خم شوید، یا بعد از آن که به اندازه‌ی رکوع خم شدید، به قدری خم شوید که از اندازه‌ی رکوع بگذرید و دوباره به رکوع برگردید، چون رکوع زیاد شده است، نمازتان را باطل بشمارید. و بهتر آن است که نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۴۰: بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستید و بعد از آن که بدنتان آرام گرفت به سجده بروید، و اگر عمداً پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدنتان به سجده بروید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۰۴۱: اگر رکوع را فراموش کنید و پیش از آن که به سجده برسید یادتان بیاید، باید بایستید و بعد به رکوع بروید و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۰۴۲: اگر بعد از آن که پیشانی‌تان به زمین رسید، یادتان بیاید که رکوع نکرده‌اید، باید بایستید و رکوع را بجا آورید و بعد از تمام شدن نماز، برای زیاد شدن سجده، دو سجده‌ی سهو بجا آورید، و نماز را دوباره بخوانید. و در صورتی که در سجده‌ی دوم یادتان بیاید، باید بایستید و رکوع را بجا آورید، و نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۴۳: بهتر است پیش از رفتن به رکوع، در حالی که راست ایستاده‌اید، تکبیر بگویید و در رکوع، زانوهایتان را به عقب دهید و پشتتان را صاف نگه دارید و گردنتان را بکشید و مساوی پشتتان نگه دارید و بین دو پایتان را نگاه کنید و پیش از ذکر یا بعد از آن، صلوات بفرستید، ولی آن را به نیت ذکر

رکوع نگویند، و بعد از آن که از رکوع برخاسته و راست ایستادید، در حال آرامی بدن، بگویید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

مسئله‌ی ۱۰۴۴: منهاجیات در حال رکوع، دست‌هایشان را بالاتر از زانوهایشان بگذارند و زانوها را به عقب ندهند.

سجود

مسئله‌ی ۱۰۴۵: باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع، دو سجده کنید و سجده را آن بدانید که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاهایتان را بر زمین بگذارید.

مسئله‌ی ۱۰۴۶: دو سجده را با هم یک رکن حساب کنید. پس اگر در نماز واجب، عمداً یا از روی فراموشی، هر دو را ترک کنید یا دو سجده‌ی دیگر به آنها اضافه نمایید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۰۴۷: نباید عمداً یک سجده را کم یا زیاد کنید، ولی اگر سهواً یک سجده را کم کنید، حکم آن بعداً گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۱۰۴۸: هر گاه پیشانی‌تان را عمداً یا سهواً به زمین نگذارید، سجده محسوبش نکنید اگر چه جاهای دیگر را به زمین بگذارید، ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارید و سهواً جاهای دیگر را به زمین نرسانید یا سهواً ذکر نگویند، سجده را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۴۹: باید در سجده، سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» بگویید، و باید این کلمات را به عربی صحیح بگویید و خوب است «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۵۰: در سجده، باید به مقدار گفتن ذکر، چه ذکر واجب و چه اذکار

مستحب، بدن‌تان آرام باشد.

مسئله‌ی ۱۰۵۱: اگر پیش از آن که پیشانی‌تان به زمین برسد و بدن‌تان آرام بگیرد، عمداً ذکر سجده را بگویید، باید دوباره ذکر را بعد از گذاشتن پیشانی و آرام شدن بدن‌تان تکرار کنید، و نماز را نیز اعاده نمایید. ولی اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارید، نمازتان را باطل بشمارید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۵۲: اگر پیش از آن که پیشانی‌تان به زمین برسد و بدن‌تان آرام گیرد، سهواً ذکر سجده را بگویید و پیش از آن که سر از سجده بردارید، بفهمید که اشتباه کرده‌اید، باید دوباره در حال آرام بودن بدن، ذکر سجده را بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۵۳: اگر بعد از آن که سر از سجده برداشتید، بفهمید که پیش از آرام گرفتن بدن، ذکر را گفته‌اید یا پیش از آن که ذکر سجده تمام شود، سر برداشته‌اید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۵۴: اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گویید یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارید، باید بعد از آرام گرفتن همه‌ی اعضاء، دوباره ذکر واجب را بگویید و نماز را تمام کنید و اعاده نمایید. ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیستید اگر غیر از پیشانی‌تان جاهای دیگر را از زمین بردارید و دوباره بگذارید، دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۱۰۵۵: اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده، سهواً پیشانی‌تان را از زمین بردارید، نمی‌توانید دوباره به زمین بگذارید و باید آن را یک سجده حساب کنید، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارید، باید دو مرتبه به زمین بگذارید و ذکر را بگویید.

مسئله‌ی ۱۰۵۶: بعد از تمام شدن ذکر سجده‌ی اول، باید بنشینید تا بدنتان آرام گیرد، سپس به سجده‌ی دوم بروید.

مسئله‌ی ۱۰۵۷: جای پیشانی‌تان در حال سجده، نباید بیش از چهار انگشت بسته، از جای زانوها و سر انگشتان پاهایتان بلندتر یا پست‌تر باشد. و اگر چنین بود، باید نماز را در جای هموار، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۵۸: در زمین سراشیب - که سراشیبی آن درست معلوم نیست - نیز مانند زمین هموار، نباید جای پیشانی‌تان در حال سجده از جای انگشتان پا و سر زانوهایتان، بیش از چهار انگشت بسته، بلندتر یا پست‌تر باشد.

مسئله‌ی ۱۰۵۹: اگر پیشانی‌تان را سهواً به چیزی بگذارید که از جای انگشتان پا و سر زانوهایتان بلندتر از چهار انگشت بسته است، باید سر را بردارید و به چیزی که بلندی زایدی ندارد بگذارید، و نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۰۶۰: نباید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کنید، چیزی فاصله شود، پس اگر مُهرتان به قدری کثیف باشد که پیشانی‌تان به خاک مُهر نرسد، سجده‌تان را باطل بشمارید، ولی اگر مثلاً رنگ مُهر تغییر کرده باشد، می‌توانید بر آن سجده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۶۱: باید در حال سجده، کف دست‌هایتان را بر زمین بگذارید ولی در حال ناچاری، پشت دست را بگذارید، و اگر گذاشتن پشت دست ممکن نباشد، باید میچ دست را بگذارید، و چنانچه آن را هم نتوانید، باید هر جای دست را که می‌توانید، بر زمین بگذارید.

مسئله‌ی ۱۰۶۲: باید در سجده، سر دو انگشت شست پاها را به زمین بگذارید و اگر انگشت‌های دیگر پا یا روی پا را به زمین بگذارید، یا به واسطه‌ی بلند بودن ناخن، سر شست به زمین نرسد، نمازتان را باطل بشمارید، و اگر به

واسطه‌ی ندانستن مسأله، نمازهای خود را اینطور خوانده‌اید، باید دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۱۰۶۳: اگر مقداری از شست پایتان بریده شده، باید بقیه‌ی آن را به زمین بگذارید، ولی اگر چیزی از آن مانده یا اگر مانده خیلی کوتاه است، باید همان را به زمین بگذارید و ذکر سجده را بگویید و باز بقیه‌ی انگشتان را به زمین بگذارید و دو مرتبه ذکر را بگویید. و اگر هیچ انگشتی ندارید، باید هر مقداری از پایتان که باقی مانده را به زمین بگذارید.

مسأله‌ی ۱۰۶۴: اگر به طور غیر معمول سجده کنید، مثلاً سینه و شکمتان را به زمین بچسبانید یا پاهایتان را دراز کنید، اگر چه هفت عضو که گفته شد، به زمین برسد، باید نماز را دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۱۰۶۵: مَهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کنید باید پاک باشد ولی اگر مثلاً مَهر را روی فرش نجس بگذارید یا یک طرف مَهر نجس باشد، می‌توانید به طرف پاک آن سجده کنید.

مسأله‌ی ۱۰۶۶: هر گاه در پیشانی‌تان دُمل و مانند آن باشد، چنانچه ممکن است، باید با جای سالم پیشانی‌تان سجده کنید. و اگر ممکن نیست، باید دو مَهر را با فاصله بگذارید و دُمل را در فاصله‌ی مَهرها قرار داده و جای سالم پیشانی را بر مَهرها بگذارید.

مسأله‌ی ۱۰۶۷: اگر دُمل یا زخم، تمام پیشانی‌تان را گرفته باشد، باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کنید و اگر ممکن نیست، به چانه یا بینی و اگر به چانه یا بینی هم ممکن نیست، باید به هر جایی از صورت که ممکن است سجده کنید. و اگر به هیچ جایی از صورت ممکن نیست، با جلوی سر سجده نمایید و اگر آن هم ممکن نباشد، با اشاره سجده کنید.

مسأله‌ی ۱۰۶۸: هر گاه نتوانید پیشانی‌تان را به زمین برسانید، باید به قدری که می‌توانید خم شوید و مَهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است را روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارید که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارید.

مسأله‌ی ۱۰۶۹: هر گاه هیچ نتوانید خم شوید، باید برای سجده بنشینید و با سر اشاره کنید، و اگر نتوانید، باید با چشم‌ها اشاره نمایید و در هر دو صورت، باید - اگر می‌توانید - به قدری مَهر را بلند کنید که پیشانی‌تان را بر آن بگذارید و اگر ممکن نیست، مَهر را به پیشانی‌تان بگذارید و اگر با سر و چشم‌ها هم نمی‌توانید اشاره کنید، باید در قلبتان نیت سجده کنید، و با دست و مانند آن هم برای سجده اشاره نمایید.

مسأله‌ی ۱۰۷۰: هر گاه نتوانید بنشینید، باید ایستاده نیت سجده کنید و چنانچه می‌توانید باید برای سجده با سر اشاره کنید، و اگر نمی‌توانید، با چشم‌ها اشاره نمایید، و اگر این را هم نمی‌توانید، در قلبتان نیت سجده کنید، و با دست و مانند آن برای سجده اشاره نمایید.

مسأله‌ی ۱۰۷۱: هر گاه پیشانی‌تان بی‌اختیار به جای سجده بخورد و بلند شود، باید سجده را به طور صحیح بجا آورید. و سپس آن نماز را دو مرتبه بخوانید.

مسأله‌ی ۱۰۷۲: جایی که باید تقیه کنید، اگر بتوانید بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح شمرده می‌شود، طوری سجده کنید که به زحمت نیافتید، نباید بر فرش و مانند آن سجده نمایید و اگر نمی‌توانید، باید در صورت امکان، برای نماز به جای دیگر بروید، و الا در همان جا نماز بخوانید و بر فرش و مانند آن سجده نمایید، سپس آن نماز را با چیزی که سجده بر آن

صحیح شمرده می‌شود، اعاده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۷۳: نباید روی چیزی که بدنتان روی آن آرام نمی‌گیرد، سجده کنید. ولی سجده کردن روی تشکی که بعد از سر گذاشتن و مقداری پایین رفتن، محکم می‌شود را بدون اشکال بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۷۴: هر گاه ناچار شوید در زمین گل نماز بخوانید، چنانچه آلوده شدن بدن و لباس برایتان مشقت ندارد، باید سجده و تشهد را به طور معمول بجا آورید، ولی اگر مشقت دارد، می‌توانید در حالی که ایستاده‌اید، برای سجده با سر اشاره کنید و تشهد را ایستاده بخوانید. و اگر در عین مشقت، سجده و تشهد را به طور معمول بجا آورید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۷۵: باید در رکعت اول و سوم نماز که تشهد ندارد، بعد از سجده‌ی دوم، قدری بی‌حرکت بنشینید و بعد برخیزید.

چیزهایی که می‌توانید بر آنها سجده کنید

مسئله‌ی ۱۰۷۶: باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می‌روید مانند چوب و برگ درخت سجده کنید و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی و نیز سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا، نقره، عقیق و فیروزه را صحیح ندانید، اما سجده کردن بر سنگ‌های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ‌های سیاه را بدون اشکال بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۷۷: نباید بر برگ تازه‌ی درخت انگور، سجده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۷۸: سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است مثل علف و گاه را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۷۹: سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستید را صحیح بدانید ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید مانند گل بنفشه و گل گاو زبان

را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۱۰۸۰: سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه‌ی نارس را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۱۰۸۱: سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ را صحیح بدانید ولی به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه‌ی گلی و مانند آن، در حال اختیار، سجده نکنید.

مسئله‌ی ۱۰۸۲: اگر کاغذ از چیزی که سجده بر آن را صحیح می‌دانید، مثل کاه، ساخته شده باشد، می‌توانید بر آن سجده کنید ولی نباید بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، یا کاغذی که نمی‌دانید از چه چیزی ساخته شده، سجده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۸۳: برای سجده، بهتر است از تربت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و بعد از آن از خاک، و بعد از خاک از سنگ، و بعد از سنگ از گیاه استفاده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۸۴: اگر چیزی که باید سجده بر آن را صحیح بدانید، نداشته باشید یا اگر داشته باشید، به واسطه‌ی سرما یا گرمای زیاد و مانند اینها نتوانید بر آن سجده کنید، باید به لباستان، اگر از کتان یا پنبه است، سجده کنید و اگر از چیز دیگر است، باید بر پشت دست یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نمایید، ولی تا سجده بر پشت دست ممکن است، بر چیز معدنی سجده نکنید.

مسئله‌ی ۱۰۸۵: نباید بر گل و خاک سستی که پیشانی‌تان بر روی آن آرام نمی‌گیرد سجده کنید، ولی اگر بعد از آن که مقداری فرو رفت، محکم شود، سجده بر آن را خالی از اشکال بدانید.

مسئله‌ی ۱۰۸۶: اگر در سجده‌ی اول، مَهر به پیشانی‌تان بچسبد یا پیشانی‌تان به مقدار زیادی خاکی شود، باید مَهر را جدا کنید و خاک را برطرف نمایید. ولی اگر بدون این‌که مَهر را بردارید یا خاک را برطرف کنید، دوباره به سجده بروید، باید نمازتان را تمام کرده و اعاده نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۸۷: اگر در بین نماز، چیزی که بر آن سجده می‌کنید، گم شود و چیزی که سجده بر آن را صحیح می‌دانید، نداشته باشید، چه وقت نماز وسعت داشته باشد و چه وقت تنگ باشد، باید به لباستان اگر از پنبه یا کتان است سجده کنید و اگر از چیز دیگری است، بر پشت دست یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نمایید و سپس نماز را با چیزی که سجده بر آن صحیح است، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۸۸: هرگاه در حال سجده بفهمید پیشانی‌تان را بر چیزی گذاشته‌اید که باید سجده بر آن را باطل بشمارید، اگر ممکن باشد باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که باید سجده بر آن را صحیح بدانید بکشید، ولی اگر ممکن نباشد، در صورتی که لباستان از پنبه و کتان است باید پیشانی را به روی آن بکشید و اگر از چیز دیگری است، پیشانی را از روی آن به پشت دست یا چیز معدنی بکشید، سپس نماز را تمام کرده و اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۸۹: اگر بعد از سجده بفهمید پیشانی‌تان را روی چیزی گذاشته بودید که باید سجده بر آن را باطل بشمارید، باید بر چیزی که سجده بر آن را باید صحیح بشمارید، سجده کنید و نمازتان را اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۹۰: نباید برای غیر خداوند متعال سجده کنید و نباید مانند بعضی از مردم عوام که رو به قبر استادان منهاج (علیهم‌السلام) پیشانی را به زمین

می‌گذارند، عمل کنید، هر چند به نیت شکر خداوند متعال باشد.

کارهایی که خوب است در سجده مراعات کنید

مسأله‌ی ۱۰۹۱: بهتر است چند چیز را در سجده مراعات کنید:

۱- هر گاه ایستاده نماز می‌خوانید، بعد از آن که سر از رکوع برداشدید و کاملاً ایستادید، و هرگاه نشسته نماز می‌خوانید، بعد از آن که کاملاً نشستید، برای رفتن به سجده، تکبیر بگویید.

۲- موقع رفتن به سجده، اول دست‌هایتان را به زمین بگذارید، ولی منهاجیات، اول زانوهایشان را به زمین بگذارند.

۳- بینی را به مَهر یا چیزی که باید سجده بر آن را صحیح بدانید، بگذارید.

۴- در حال سجده، انگشتان دست را به هم بچسبانید و برابر گوش بگذارید، به طوری که سر آنها رو به قبله باشد.

۵- در سجده دعا کنید و از خدا حاجت بخواهید و این دعا را بخوانید: «یا خَیْرَ الْمَسْئُولِیْنَ، وَ یا خَیْرَ الْمُعْطِیْنَ، اُرْزُقْنِیْ وَ اُرْزُقْ عِیَالِیْ مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ فَانَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیْمِ»، یعنی ای بهترین کسی که از او سؤال می‌کنند و ای بهترین عطا کنندگان، روزی بده به من و خانواده‌ی من از فضل خودت، پس به درستی که تو دارای فضل بزرگی.

۶- بعد از سجده، بر ران چپ بنشینید و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارید.

۷- بعد از هر سجده وقتی نشستید و بدنتان آرام گرفت، تکبیر بگویید.

۸- بین سجده‌ی اول و دوم، بدنتان که آرام گرفت «أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ اَتُوْبُ اِلَیْهِ» بگویید.

۹- سجده را طول بدهید و در موقع نشستن، دست‌هایتان را روی ران‌ها

بگذارید.

۱۰- برای رفتن به سجده‌ی دوم، در حال آرامی بدن، تکبیر بگویید.

۱۱- در سجده‌ها صلوات بفرستید ولی آن را به قصد ذکر که در سجده دستور داده‌اند، نگویید.

۱۲- در موقع بلند شدن، دست‌هایتان را بعد از زانوها از زمین بردارید ولی منہاجیات، اول دست‌هایشان را از زمین بردارند.

۱۳- آرنج‌هایتان را به زمین نچسبانید و بازوهایتان را از پهلو جدا نگه دارید، ولی منہاجیات، آرنج‌هایشان را بر زمین بگذارند و تا جایی که امکان دارد، اعضای بدنشان را به یکدیگر بچسبانند. و مستحبات دیگر سجده در کتاب‌های مفصل، مانند قوانین عملی منهاج فردوسیان گفته شده است.

مسئله‌ی ۱۰۹۲: در سجده، قرآن نخوانید و نیز برای برطرف کردن گرد و غبار، جای سجده را فوت نکنید و اگر در اثر فوت کردن، دو حرف از دهانتان بیرون آید، باید نمازتان را تمام کرده و اعاده نمایید. و غیر از اینها، مکروهات دیگری هم در کتاب‌های مفصل، مانند قوانین عملی منهاج فردوسیان گفته شده است.

سجده‌ی واجب قرآن

مسئله‌ی ۱۰۹۳: در هر یک از چهار سوره‌ی «سجده»، «فصلت»، «نجم» و «علق» یک آیه‌ی سجده است که اگر بخوانید یا گوش به آن بدهید، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوراً سجده کنید و اگر فراموش کردید، باید هر وقت یادتان آمد سجده نمایید. و در گوش دادن، فرقی بین این که از خود گوینده بشنوید یا از وسیله‌ای مانند بلندگو و رادیو بشنوید، نگذارید.

مسئله‌ی ۱۰۹۴: اگر موقعی که آیه‌ی سجده را می‌خوانید، از دیگری هم

بشنوید، باید دو بار سجده نمایید.

مسئله‌ی ۱۰۹۵: هر گاه در غیر نماز، در حال سجده، آیه‌ی سجده را بخوانید یا به آن گوش بدهید، باید سر از سجده بردارید و دوباره سجده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۹۶: اگر آیه‌ی سجده را از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد یا از بچه‌ی غیر ممیز که خوب و بد را نمی‌فهمد، گوش بدهید، باید سجده کنید. و همچنین است اگر از مثل نوار صوتی، رادیو یا تلویزیون - که به صورت زنده پخش نمی‌شود - بشنوید، باید سجده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۹۷: برای بجا آوردن سجده‌ی واجب قرآن، وضو یا غسل و همچنین رو به قبله بودن را لازم ندانید، ولی باید عورت خود را بپوشانید و بدن و جای پیشانی‌تان پاک باشد و جای پیشانی از جای سر انگشتان پا و جای زانوها یا بلندتر یا پست‌تر نباشد و محل سجده و لباس‌تان غصبی نباشد و هفت عضوی که در سجده‌ی نماز گفته شد را بر زمین بگذارید و بر چیزهایی که باید سجده بر آن‌ها را صحیح بدانید، سجده کنید.

مسئله‌ی ۱۰۹۸: در بجا آوردن سجده‌ی واجب قرآن، باید طوری عمل کنید که بگویند سجده کرد.

مسئله‌ی ۱۰۹۹: برای بجا آوردن سجده‌ی واجب قرآن، فقط گذاشتن پیشانی به قصد سجده بر زمین را کافی ندانید و باید ذکر هم بگویید و بهتر است بگویید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا لَا مُسْتَكْبِرًا، وَ لَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

تشهد

مسئله‌ی ۱۱۰۰: در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و مستحب و نماز وتر و

همچنین در رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا، باید بعد از سجده‌ی دوم بنشینید و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخوانید یعنی بگویید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

مسئله‌ی ۱۱۰۱: کلمات تشهد را باید به عربی صحیح و به ترتیبی که در مسئله‌ی قبل گفته شد و پشت سر هم بگویید.

مسئله‌ی ۱۱۰۲: اگر تشهد را فراموش کنید و بایستید و پیش از رکوع یادتان بیاید که تشهد را نخوانده‌اید، باید بنشینید و تشهد را بخوانید و دوباره بایستید و تسبیحات اربعه را بخوانید و نماز را تمام کنید. و بعد از نماز، برای ایستادن بی‌جا، دو سجده‌ی سهو بجا آورید. ولی اگر در رکوع یا بعد از آن یادتان بیاید، باید نماز را تمام کنید و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کنید و برای تشهد فراموش شده، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۱۰۳: در حال خواندن تشهد، بر ران چپ بنشینید و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارید و پیش از تشهد بگویید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» یا بگویید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ» و نیز دست‌هایتان را بر ران‌هایتان بگذارید و انگشت‌هایتان را به یکدیگر بچسبانید و به دامان خود نگاه کنید و بعد از تمام شدن تشهد بگویید: «وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ».

مسئله‌ی ۱۱۰۴: منہاجیات در وقت خواندن تشهد، ران‌هایشان را به هم بچسبانند.

سلام نماز

مسئله‌ی ۱۱۰۵: بعد از تشهد رکعت آخر نماز، در حالی که نشسته‌اید و بدن‌تان آرام است، بگویید: «الَسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و بعد از آن

باید بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» و بعد از آن باید بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

مسئله‌ی ۱۱۰۶: اگر سلام نماز را فراموش کنید و موقعی یادتان بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند - مثل پشت به قبله کردن، انجام نداده باشید - باید سلام را بگویید و نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۱۰۷: اگر سلام نماز را فراموش کنید و موقعی یادتان بیاید که صورت نماز به هم خورده است، چنانچه پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند - مثل پشت به قبله کردن - انجام نداده باشید، نمازتان را صحیح بدانید و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد، کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند انجام داده باشید، نمازتان را دوباره بخوانید.

ترتیب

مسئله‌ی ۱۱۰۸: نباید عمداً ترتیب نماز را به هم بزنید ولی اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزنید، مثلاً سوره را پیش از حمد بخوانید، یا سجود را پیش از رکوع بجا آورید، نمازتان را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۰۹: هر گاه رکنی از نماز را فراموش کنید و رکن بعد از آن را بجا آورید، مثلاً پیش از آن که رکوع کنید، دو سجده نمایید، نمازتان را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۱۰: هر گاه رکنی را فراموش کنید و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورید، مثلاً پیش از آن که دو سجده کنید، تشهد بخوانید، باید رکن را بجا آورید و آنچه را اشتباهی پیش از آن خوانده‌اید، دوباره بخوانید. و

بعد از نماز، برای هر زیاده، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۱۱۱: هر گاه چیزی را که رکن نیست فراموش کنید و رکن بعد از آن را بجا آورید، مثلاً حمد را فراموش کنید و مشغول رکوع شوید، نمازتان را صحیح بدانید. و پس از نماز، برای غیر رکن فراموش شده، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۱۱۲: هر گاه چیزی که رکن نیست را فراموش کنید و چیزی که بعد از آن است و آن هم رکن نیست را بجا آورید، مثلاً حمد را فراموش کنید و سوره را بخوانید، چنانچه مشغول رکن بعد شده باشید مثلاً در رکوع یادتان بیاید که حمد را نخوانده‌اید، بگذرید و نمازتان را صحیح بدانید، ولی اگر مشغول رکن بعد نشده باشید، باید آنچه را فراموش کرده‌اید، بجا آورید و بعد از آن چیزی را که اشتباهی جلوتر خوانده‌اید را دوباره بخوانید. و پس از نماز، برای هر واجب فراموش شده، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۱۱۳: اگر سجده‌ی اول را به خیال این که سجده‌ی دوم است یا سجده‌ی دوم را به خیال این که سجده‌ی اول است بجا آورید، نمازتان را صحیح بدانید.

موالات

مسئله‌ی ۱۱۱۴: باید نماز را با موالات بخوانید یعنی کارهای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم بجا آورید و چیزهایی که در نماز می‌خوانید را به طوری که معمول است، پشت سر هم بخوانید و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازید که نگویند نماز می‌خوانید، نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۱۵: هر گاه در نماز، سهواً بین حرف‌ها یا کلمات، فاصله بیندازید و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود، چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشید، باید آن حرف‌ها یا کلمات را به طور معمول بخوانید و اگر

مشغول رکن بعد شده باشید، نمازتان را صحیح بدانید.
مسئله‌ی ۱۱۱۶: طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ را مایه‌ی
از بین رفتن موالات نشمارید.

قنوت

مسئله‌ی ۱۱۱۷: در تمام نمازهای واجب و مستحب، پیش از رکوع رکعت دوم،
قنوت بخوانید و در نماز وتر، با آن که یک رکعت می‌باشد، پیش از رکوع،
قنوت بخوانید. و در هر رکعت نماز جمعه، یک قنوت بخوانید و در نماز آیات،
پنج قنوت و در نماز عید فطر و قربان در رکعت اولش پنج قنوت و در رکعت
دومش چهار قنوت بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۱۸: در قنوت، دست‌هایتان را مقابل صورت و کف آنها را رو به
آسمان و پهلوئی هم ننگه دارید و غیر شست، انگشت‌های دیگران را به هم
بچسبانید و به کف دست‌هایتان نگاه کنید.

مسئله‌ی ۱۱۱۹: هر ذکری را می‌توانید در قنوت بخوانید، و بهتر است بگویید:
«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

مسئله‌ی ۱۱۲۰: قنوت را بلند بخوانید. مگر زمانی که در نماز جماعت باشید و
امام جماعت صدایتان را بشنود.

مسئله‌ی ۱۱۲۱: می‌توانید عمداً قنوت نخوانید، ولی اگر فراموش کنید و پیش
از آن که به اندازه‌ی رکوع خم شوید، یادتان بیاید، می‌توانید بایستید و بخوانید
و اگر در رکوع یادتان بیاید، می‌توانید بعد از رکوع قضا کنید و اگر در سجده
یادتان بیاید، می‌توانید بعد از سلام نماز، قضا نمایید.

تعقیب نماز

مسأله‌ی ۱۱۲۲: بعد از نمازهای یومیه، مقداری مشغول تعقیبات یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شوید و بهتر است پیش از آن که از جای خود حرکت کنید و طهارتتان باطل شود، رو به قبله تعقیبات را بخوانید و می‌توانید به زبان و لهجه‌ی خودتان دعا کنید. همچنین از تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها) غفلت نکنید و به این ترتیب بگویید: ۳۴ مرتبه «الله اکبر»، ۳۳ مرتبه «الحمد لله»، ۳۳ مرتبه «سبحان الله».

مسأله‌ی ۱۱۲۳: بعد از نمازهای یومیه، سجده‌ی شکر نمایید و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارید را کافی بدانید، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه «شکراً لله» یا «شکراً» یا «عفواً» بگویید و نیز هر وقت نعمتی به شما می‌رسد یا بلایی از شما دور می‌شود، سجده‌ی شکر بجا آورید.

صلوات بر استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

مسأله‌ی ۱۱۲۴: هر وقت اسم مبارک استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مانند «محمد» و «احمد» یا لقب و کنیه‌ی آن جناب، مثل «مصطفی» و «ابوالقاسم» را بگویید یا بشنوید، اگر چه در نماز باشید، صلوات بفرستید.

مسأله‌ی ۱۱۲۵: موقع نوشتن اسم مبارک استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) صلوات را هم بنویسید. و نیز بهتر است هر وقت آن حضرت را یاد می‌کنید، صلوات بفرستید.

مبطلات نماز

مسئله‌ی ۱۱۲۶: دوازده چیز را باطل‌کننده‌ی نماز بشمارید که آنها را «مبطلات» می‌گویند:

اول: آن‌که در بین نماز، یکی از شرط‌های آن از بین برود، مثلاً در بین نماز بفهمید لباس یا مکانتان غصبی است.

دوم: آن‌که در بین نماز، عمداً یا سهواً یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً ادرار از شما خارج شود. ولی اگر نمی‌توانید از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع خودداری کنید، اگر در بین نماز، ادرار یا مدفوع از شما خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد، رفتار نمایید، نمازتان را صحیح بدانید. و نیز اگر در بین نماز از منہاجیات مستحاضه، خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشند، نمازشان را صحیح بشمارند.

مسئله‌ی ۱۱۲۷: هر گاه بی‌اختیار خوابتان ببرد، اگر ندانید که در بین نماز خوابتان برده یا بعد از آن، باید نمازتان را دوباره بخوانید. ولی اگر تمام شدن نماز را بدانید، ولی شک کنید که خواب در بین نماز بوده یا بعد، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۱۲۸: اگر بدانید به اختیار خودتان خوابیدید و شک کنید که بعد از نماز بوده یا در بین نماز یادتان رفته که مشغول نماز هستید و خوابیدند، نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۲۹: اگر در حال سجده از خواب بیدار شوید و شک کنید که در سجده‌ی آخر نماز هستید یا در سجده‌ی شکر، باید آن نماز را دوباره بخوانید. سوم: آن‌که مثل بعضی کسانی که شیعه نیستند، دست‌هایتان را روی هم

بگذارید.

مسئله‌ی ۱۱۳۰: هرگاه برای ادب، دست‌هایتان را روی هم بگذارید، اگر چه مثل آنها نباشد، باید نمازتان را دوباره بخوانید، ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا برای کار دیگری مثل خاراندن دست و مانند آن، دست‌هایتان را روی هم بگذارید، دارای اشکال ندانید.

چهارم: آن‌که بعد از خواندن سوره‌ی حمد، «آمین» بگویید، ولی اگر اشتبهاً یا از روی تقیه بگویید، نمازتان را باطل نشمارید.

پنجم: آن‌که عمداً یا از روی فراموشی، پشت به قبله کنید، یا به طرف راست یا چپ قبله بر گردید، بلکه اگر عمداً به قدری بر گردید که نگویند رو به قبله هستید، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۳۱: اگر عمداً سرتان را به پشت برگردانید، نمازتان را باطل بشمارید و همچنین اگر عمداً همه‌ی صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگردانید. بلکه اگر سهواً هم صورت را به این مقدار برگردانید، باید نماز را تمام کرده و دوباره بخوانید.

ششم: آن‌که عمداً کلمه‌ای بگویید که یک حرف یا بیشتر داشته باشد، اگر چه معنی هم نداشته باشد، ولی اگر سهواً بگویید، نمازتان را باطل نشمارید. ولی بعد از نماز باید دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۱۳۲: اگر کلمه‌ای بگویید که یک حرف دارد، چه آن کلمه معنی داشته باشد مثل «ق» که در زبان عربی به معنای «نگهداری کن» است و چه معنی نداشته باشد، باید نمازتان را تمام کرده و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۳۳: سرفه کردن و آروغ زدن در نماز را دارای اشکال ندانید ولی نباید «آخ» و «آه» و مانند اینها که دو حرف است بگویید و اگر عمدی بگویید،

باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۳۴: هر گاه بخواهید چیزی را به دیگری بفهمانید، می‌توانید ذکرى از اذکار نماز که مشغول آن هستید را با صدای بلند بگویید، ولی نباید به قصد فهماندن، ذکرى را در غیر موضعش بگویید، مثل این که در وسط قرائت سوره‌ی حمد، «الله اکبر» بگویید. همچنین نباید قسمتی از حمد یا سوره‌ی نمازهای ظهر یا عصر را به قصد فهماندن مطلبی به دیگری، بلند بگویید و اگر چنین کنید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۳۵: خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره‌ای که سجده‌ی واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد، و نیز دعا کردن در نماز را دارای اشکال ندانید، ولی به غیر زبان عربی دعا نکنید.

مسئله‌ی ۱۱۳۶: می‌توانید چیزی از حمد و سوره یا ذکرهای نماز را عمدتاً یا احتیاطاً چند مرتبه بگویید، ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگویید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۳۷: نباید در حال نماز به دیگری سلام کنید و اگر دیگری به شما سلام کند، با «سلام» یا «سلام علیکم» جواب دهید و نباید «علیکم السلام» بگویید.

مسئله‌ی ۱۱۳۸: باید جواب سلام را - چه در نماز و چه در غیر نماز - فوراً بگویید و اگر عمدتاً یا از روی فراموشی، جواب سلام را به قدری به تأخیر اندازید که جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشید، نباید جواب بدهید و اگر در نماز نباشید، جواب دادن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۱۳۹: باید جواب سلام را طوری بگویید که سلام‌کننده بشنود، ولی اگر سلام‌کننده کم‌شنوا یا ناشنوا باشد، به طور معمول جواب بدهید و در

صورت امکان، با حرکت لب یا اشاره‌ی دست یا سر، جواب را بفهمانید.
مسئله‌ی ۱۱۴۰: جواب سلام را در حال نماز، به قصد امتثال امر شارع مقدس بگویید، نه به قصد قرآن یا دعا یا ردّ جواب.

مسئله‌ی ۱۱۴۱: اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه‌ی ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به شما در حال نماز سلام کند، باید جوابش را بدهید. ولی در جواب سلام زن باید بگوید: «سلامّ علیک» و کاف را حرکت ندهید.

مسئله‌ی ۱۱۴۲: باید در حال نماز، جواب سلام را بدهید، ولی اگر جواب ندادید، نمازتان را صحیح بدانید. و پس از نماز، استغفار کنید.

مسئله‌ی ۱۱۴۳: هر گاه در نماز باشید و شخصی، غلط به شما سلام کند، به طوری که سلام حساب نشود، نباید جوابش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۱۴۴: جواب دادن به سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می‌کند را لازم ندانید. و در جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان بگویید: «عَلَيْک».

مسئله‌ی ۱۱۴۵: هر گاه گروهی باشید و کسی به شما سلام کند، همگی باید جوابش را بدهید ولی یکی از شما جواب بدهد، کافی از جواب‌دادن بقیه بدانید.

مسئله‌ی ۱۱۴۶: هر گاه گروهی باشید و کسی به شما سلام کند، ولی کسی که مقصود سلام‌کننده نبوده جواب بدهد، باز هم همگی یا یکی از شما باید جواب سلامش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۱۴۷: هر گاه در حال نماز باشید و کسی به عده‌ای سلام کند و شک کنید که سلام‌کننده قصد سلام کردن به شما را هم داشته یا نه، نباید جواب بدهید و همچنین است اگر بدانید قصد شما را هم داشته ولی دیگری

جواب سلام را بدهد، اما اگر بدانید که قصد شما را هم داشته و دیگری جواب نداد، باید جواب سلامش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۱۴۸: سلام کردن را خوب بدانید و سعی کنید در حال سواره به پیاده‌ها، در حال ایستاده به نشسته‌ها و همچنین به بزرگترها سلام کنید.

مسئله‌ی ۱۱۴۹: هر گاه همزمان با این که به کسی سلام می‌کنید، آن شخص هم به شما سلام کند، باید جواب سلامش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۱۵۰: جواب سلام را در غیر نماز، به بهتر از سلام بگویید، مثلاً اگر کسی گفت: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ» در جوابش بگویید: «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ». هفتم: آن که با صدا و عمدی بخندید. و چنانچه سهواً با صدا بخندید، به طوری که صورت نماز از بین برود، باید نمازتان را دوباره بخوانید، ولی لبخند و تبسم را باطل‌کننده‌ی نماز نشمارید.

مسئله‌ی ۱۱۵۱: اگر برای جلوگیری از صدای خنده، حالتان تغییر کند مثلاً رنگتان سرخ شود، چنانچه از صورت نمازگزار بیرون روید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

هشتم: آن که برای کار دنیا، عمداً - چه با صدا و چه بدون صدا - گریه کنید، ولی می‌توانید از ترس خدا یا برای آخرت - چه آهسته و چه بلند - گریه کنید. نهم: آن که کاری انجام دهید که صورت نماز را به هم بزند مثل دست زدن و به هوا پریدن و مانند اینها، کم باشد یا زیاد، عمداً باشد یا از روی فراموشی، ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند، مثل اشاره کردن به دست را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۱۱۵۲: اگر در بین نماز به قدری ساکت بمانید که نگویند نماز می‌خوانید، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۵۳: اگر در بین نماز کاری انجام دهید یا مدتی ساکت شوید و شک کنید که نماز به هم خورده یا نه، نمازتان را تمام کرده و دوباره بخوانید. دهم: آن‌که در نماز به نحوی بخورید یا بیاشامید که نگویند نماز می‌خواند، چه عمداً باشد یا از روی فراموشی، باید نمازتان را دوباره بخوانید. ولی هر گاه بخواهید روزه بگیرید، اگر پیش از اذان صبح، در حال نماز مستحبی، تشنه باشید، چنانچه بترسید که اگر نماز را تمام کنید صبح شود، در صورتی که آب روبروی‌تان در دو سه قدمی باشد، می‌توانید در بین نماز، آب بیاشامید، اما نباید کار دیگری که نماز را باطل می‌کند، مثل پشت کردن به قبله انجام دهید.

مسئله‌ی ۱۱۵۴: در نماز، هیچ چیز نخورید و نیاشامید، چه موالات نماز به هم بخورد و چه به هم نخورد و چه بگویند نماز می‌خوانید و چه نگویند. مسئله‌ی ۱۱۵۵: هر گاه در بین نماز، غذایی که لابلائی دندان‌هایتان مانده، بیرون آید، آن را فرو نبرید و همچنین نباید قند یا شکر و مانند اینها در دهانتان مانده باشد و در حال نماز، کم کم آب شود.

یازدهم: آن‌که در رکعت‌های نماز دو رکعتی و سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی، شک کنید به صورتی که در حال شک باقی بمانید و گمانتان به هیچ طرفی نرود.

دوازدهم: آن‌که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کنید، یا چیزی را که رکن نیست، عمداً کم یا زیاد نمایید.

مسئله‌ی ۱۱۵۶: اگر بعد از نماز شک کنید که در بین نماز، کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده‌اید یا نه، نمازتان را صحیح بدانید.

چیزهایی که خوب است در حال نماز ترک کنید

مسئله‌ی ۱۱۵۷: صورتتان را در حال نماز، حتی کمی به طرف راست یا چپ نگردانید و چشم‌هایتان را نبندید و به طرف راست و چپ نگردانید و با ریش و دست خود بازی نکنید و انگشتانتان را داخل هم ننمایید و آب دهان نیاندازید و به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتتان نگاه نکنید و نیز موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی ساکت نشوید، بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد، ترک کنید.

مسئله‌ی ۱۱۵۸: موقعی که خوابتان می‌آید و نیز موقع خودداری کردن از ادرار و مدفوع نماز نخوانید و همچنین جوراب تنگ که پایتان را فشار دهد، در نماز نپوشید. و تفصیل این مسائل در قوانین عملی منهاج فردوسیان آمده است.

مواردی که می‌توانید برای آن، نماز واجب را بشکنید

مسئله‌ی ۱۱۵۹: نباید نماز واجب را از روی اختیار بشکنید، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی می‌توانید بشکنید.

مسئله‌ی ۱۱۶۰: اگر حفظ جان خودتان یا کسی که حفظ جاننش واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می‌باشد، بدون شکستن نماز ممکن نباشد، باید نماز را بشکنید، ولی برای مالی که اهمیت ندارد، نمازتان را نشکنید.

مسئله‌ی ۱۱۶۱: اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشید و طلبکاران طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بتوانید، باید در بین نماز، طلب او را بدهید و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نباشد، باید نماز را بشکنید و طلب او را بدهید، بعد نماز را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۶۲: اگر در بین نماز بفهمید که مسجد نجس است، چنانچه وقت

تنگ باشد، باید نماز را تمام کنید و اگر وقت وسعت دارد و تطهیر مسجد، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز تطهیر کنید، بعد بقیه‌ی نماز را بخوانید و اگر نماز را به هم می‌زند، در صورتی که بعد از نماز، تطهیر مسجد ممکن باشد، نمازتان را تمام کنید، ولی اگر بعد از نماز، تطهیر مسجد ممکن نباشد یا تأخیر تا بعد از نماز، هتک مسجد باشد، باید نمازتان را بشکنید و مسجد را تطهیر نمایید، بعد نماز را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۶۳: جایی که باید نماز را بشکنید، اگر نماز را تمام کنید، خود را معصیت‌کار بدانید و استغفار کنید و نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۶۴: اگر پیش از آن که به اندازه‌ی رکوع خم شوید، یادتان بیاید که اذان و اقامه را فراموش کرده‌اید، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، خوب است نیت نماز را به نافله تبدیل کرده و رها کنید، سپس نماز را با اذان و اقامه بخوانید.

شکّیات

شکّیات نماز را بیست و سه قسم بدانید: هشت قسم آن را شک‌هایی بدانید که نماز را باطل می‌کند و به شش قسم آن اعتنا نکنید و نه قسم دیگر آن را صحیح بشمارید.

شک‌های باطل‌کننده

مسئله‌ی ۱۱۶۵: شک‌هایی که باید باطل‌کننده‌ی نماز بشمارید از این قرار است:

اول: شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز مستحب و نماز احتیاط را باطل‌کننده‌ی نماز ندانید.

دوم: شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز سه رکعتی.

سوم: آن‌که در نماز چهار رکعتی شک کنید که یک رکعت خوانده‌اید یا بیشتر. چهارم: آن‌که در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم شک کنید که دو رکعت خوانده‌اید یا بیشتر. (تفصیل این مسأله در صورت چهارم مسأله‌ی ۱۱۹۹ بیان خواهد شد، به آنجا مراجعه شود).

پنجم: شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج.

ششم: شک بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش.

هفتم: شک در رکعت‌های نماز به طوری که ندانید چند رکعت خوانده‌اید.

هشتم: شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش. ولی اگر بعد از سجده‌ی دوم شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش برایتان پیش آید، باید بنا را بر چهار بگذارید و نماز را تمام کنید و بعد از نماز، دو سجده‌ی سهو بجا آورید و نماز را هم دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۱۱۶۶: اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برایتان پیش آید و به قدری فکر کنید که از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شوید، باید نیت را از واجب به نافله تبدیل کنید و نماز را رها سازید، سپس نماز را از اول بخوانید.

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کنید

مسأله‌ی ۱۱۶۷: شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کنید را از این قرار بدانید:
اول: شک در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است، مثل آن‌که در رکوع، شک کنید که حمد را خوانده‌اید یا نه.

دوم: شک بعد از سلام نماز.

سوم: شک بعد از گذشتن وقت نماز.

چهارم: شک کثیرالشک، یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

پنجم: شک امام در شماره‌ی رکعت‌های نماز در صورتی که مأوم، شماره‌ی آنها را بداند و همچنین شک مأوم در صورتی که امام، شماره‌ی رکعت‌های نماز را بداند.

ششم: شک در رکعت‌های نماز مستحبی.

۱. شک در چیزی که محل آن گذشته است

مسأله‌ی ۱۱۶۸: اگر در بین نماز شک کنید که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده‌اید یا نه، مثلاً شک کنید که حمد را خوانده‌اید یا نه، چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهید، نشده باشید باید آنچه را که در انجام آن شک کرده‌اید بجا آورید و اگر مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهید شده باشید، به شک خود اعتنا نکنید.

مسأله‌ی ۱۱۶۹: اگر در بین خواندن آیه‌ای شک کنید که آیه‌ی پیش را خوانده‌اید یا نه، یا وقتی آخر آیه را می‌خوانید شک کنید که اول آن را خوانده‌اید یا نه، به شک خود اعتنا نکنید.

مسأله‌ی ۱۱۷۰: اگر بعد از رکوع یا سجود شک کنید که کارهای واجب آن، مانند ذکر و آرام بودن بدن را انجام داده‌اید یا نه، به شک خود اعتنا نکنید.

مسأله‌ی ۱۱۷۱: اگر در حالی که به سجده می‌روید، شک کنید که رکوع کرده‌اید یا نه یا شک کنید که بعد از رکوع، ایستاده‌اید یا نه، نماز را تمام کرده و دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۱۱۷۲: اگر در حال برخاستن، شک کنید که تشهد یا سجده را بجا

آورده‌اید یا نه، باید برگردید و بجا آورید. و سپس نمازتان را دوباره بخوانید. مسأله‌ی ۱۱۷۳: هر گاه نشسته یا خوابیده نماز بخوانید، اگر موقعی که حمد یا تسبیحات می‌خوانید، شک کنید که سجده یا تشهد را بجا آورده‌اید یا نه، به شک خود اعتنا نکنید ولی اگر پیش از آن که مشغول حمد یا تسبیحات شوید شک کنید که سجده یا تشهد را بجا آورده‌اید یا نه، باید بجا آورید.

مسأله‌ی ۱۱۷۴: اگر شک کنید که یکی از رکن‌های نماز را بجا آوردید یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده‌اید، باید آن را بجا آورید، مثلاً اگر پیش از خواندن تشهد شک کنید که دو سجده را بجا آورده‌اید یا نه، باید بجا آورید و چنانچه بعد یادتان بیاید که آن رکن را بجا آورده بودید، چون رکن زیاد شده، باید نمازتان را دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۱۱۷۵: اگر شک کنید عملی را که رکن نیست بجا آورده‌اید یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده‌اید، باید آن را بجا آورید، مثلاً اگر پیش از خواندن سوره، شک کنید که حمد را خوانده‌اید یا نه، باید حمد را بخوانید و اگر بعد از انجام آن یادتان بیاید که آن را بجا آورده بودید، چون رکن زیاد نشده، نمازتان را صحیح بدانید.

مسأله‌ی ۱۱۷۶: اگر شک کنید که رکنی را بجا آورده‌اید یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده‌اید مثلاً هر گاه مشغول تشهد باشید، شک کنید که دو سجده را بجا آورده‌اید یا نه، به شک خود اعتنا نکنید و اگر یادتان بیاید که آن رکن را بجا نیاورده‌اید در صورتی که مشغول رکن بعد نشده‌اید، باید آن را بجا آورید و اگر مشغول رکن بعد شده‌اید، نمازتان را تمام کنید و دوباره بخوانید، مثلاً اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادتان بیاید که دو سجده را بجا نیاورده‌اید، باید بجا آورید و اگر در رکوع یا بعد از آن یادتان بیاید، نیت

نمازتان را به نافله بدل کنید و نماز را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۷۷: اگر شک کنید عملی را که رکن نیست بجا آورده‌اید یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده‌اید، به شک خود اعتنا نکنید، مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره هستید اگر شک کنید که حمد را خوانده‌اید یا نه، به شک خود اعتنا نکنید و اگر بعد یادتان بیاید که آن را بجا نیاورده‌اید، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده‌اید باید بجا آورید و اگر مشغول رکن بعد شده‌اید، نمازتان را صحیح بدانید، بنابر این اگر مثلاً در قنوت یادتان بیاید که حمد را نخوانده‌اید، باید بخوانید و اگر در رکوع یادتان بیاید، نمازتان را صحیح بدانید. و بعد از نماز، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۱۷۸: اگر شک کنید که سلام نماز را گفته‌اید یا نه یا شک کنید درست گفته‌اید یا نه، چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده باشید، یا به واسطه‌ی انجام کاری که نماز را به هم می‌زند از حال نمازگزار بیرون رفته باشید، به شک خود اعتنا نکنید ولی اگر پیش از اینها شک کنید، باید سلام را بگویید.

۲. شک بعد از سلام

مسئله‌ی ۱۱۷۹: اگر بعد از سلام نماز شک کنید که نمازتان صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کنید رکوع کردید یا نه یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی، شک کنید که چهار رکعت خواندید یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکنید، ولی اگر هر دو طرف شکتان باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کنید که سه رکعت خواندید یا پنج رکعت، نمازتان را دوباره بخوانید.

۳. شک بعد از وقت

مسئله‌ی ۱۱۸۰: اگر بعد از گذشتن وقت نماز، شک کنید که نماز خوانده‌اید یا

نه یا گمان کنید که نخوانده‌اید، خواندن آن را لازم ندانید ولی اگر پیش از گذشتن وقت، شک کنید که نماز خوانده‌اید یا نه یا گمان کنید که نخوانده‌اید، باید آن نماز را بخوانید، بلکه اگر گمان کنید که خوانده‌اید، باید آن را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۱۸۱: اگر بعد از گذشتن وقت، شک کنید که نماز را درست خواندید یا نه، به شک خود اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۱۸۲: اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بدانید چهار رکعت نماز خوانده‌اید ولی ندانید به نیت ظهر خوانده‌اید یا به نیت عصر، باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر شما واجب است بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۸۳: اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا بدانید یک نماز خوانده‌اید ولی ندانید سه رکعتی خوانده‌اید یا چهار رکعتی، باید قضای نماز مغرب و عشا را بخوانید.

۴. کثیر الشک (اگر زیاد شک می‌کنید)

مسئله‌ی ۱۱۸۴: هر گاه برایتان حالتی پیدا شده باشد که نتوانید سه نماز را پشت سر هم بدون شک بخوانید، خود را «کثیر الشک» بدانید و به شک خود اعتنا نکنید. مثلاً هر گاه در نماز صبح و ظهر و عصر شک کنید، خود را کثیر الشک بدانید.

مسئله‌ی ۱۱۸۵: هر گاه کثیر الشک باشید، اگر در بجا آوردن چیزی شک کنید، چنانچه بجا آوردن آن، نماز را باطل نمی‌کند، باید بنا بگذارید که آن را بجا آورده‌اید، مثلاً اگر شک کنید که رکوع کرده‌اید یا نه، باید بنا بگذارید که رکوع کرده‌اید و اگر بجا آوردن آن نماز را باطل می‌کند، باید بنا بگذارید که آن

را انجام نداده‌اید، مثلاً اگر شک کنید که یک رکوع کرده‌اید یا بیشتر، چون زیاد شدن رکوع، نماز را باطل می‌کند، باید بنا بگذارید که بیشتر از یک رکوع نکرده‌اید.

مسئله‌ی ۱۱۸۶: هر گاه چنان باشید که در یک چیز نماز، زیاد شک می‌کنید، چنانچه در چیزهای دیگر نمازتان شک کنید باید به دستور آن عمل نمایید، مثلاً اگر زیاد شک می‌کنید که سجده کرده‌اید یا نه، اگر در بجا آوردن رکوع شک کنید باید به دستور آن رفتار نمایید، یعنی اگر ایستاده‌اید، رکوع را بجا آورید و اگر به سجده رفته‌اید، اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۱۸۷: هر گاه در نماز مخصوصی مثلاً در نماز ظهر زیاد شک می‌کنید، اگر در نماز دیگری مثلاً در نماز عصر، شک کنید باید به دستور شک رفتار نمایید.

مسئله‌ی ۱۱۸۸: هر گاه چنان باشد که اگر در جای مخصوصی نماز می‌خوانید، زیاد شک می‌کنید، اگر در غیر آن جا نماز بخوانید و شکی برایتان پیش آید، به دستور شک عمل نمایید.

مسئله‌ی ۱۱۸۹: اگر شک کنید که کثیر الشک شده‌اید یا نه، باید به دستور شک عمل نمایید و هر گاه کثیر الشک باشید، تا وقتی یقین نکنید که به حال معمولی مردم برگشته‌اید، نباید به شکتان اعتنا کنید.

مسئله‌ی ۱۱۹۰: هر گاه زیاد شک می‌کنید، اگر شک کنید رکنی را بجا آورده‌اید یا نه و اعتنا نکنید، بعد یادتان بیاید که آن را بجا نیاورده‌اید، چنانچه مشغول رکن بعد نشده‌اید باید آن را بجا آورید و اگر مشغول رکن بعد شده‌اید، نمازتان را باطل بشمارید، مثلاً اگر شک کنید رکوع کرده‌اید یا نه و اعتنا نکنید، چنانچه پیش از سجده‌ی دوم یادتان بیاید که رکوع نکرده‌اید، باید

برگردید و رکوع کنید و نماز را تمام نمایید و نماز را دوباره بخوانید و اگر در سجده‌ی دوم یادتان بیاید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۱۹۱: هر گاه زیاد شک می‌کنید، اگر شک کنید چیزی را که رکن نیست بجا آورده‌اید یا نه و اعتنا نکنید و بعد یادتان بیاید که آن را بجا نیاورده‌اید، چنانچه از محل بجا آوردن آن نگذشته باشید، باید آن را بجا آورید و اگر از محل آن گذشته باشید، نمازتان را صحیح بدانید، مثلاً اگر شک کنید که حمد را خوانده‌اید یا نه و اعتنا نکنید، چنانچه در قنوت یادتان بیاید که حمد را خوانده‌اید، باید بخوانید ولی اگر در رکوع یادتان بیاید، نمازتان را صحیح بدانید.

۵. شک امام و مأوم

مسئله‌ی ۱۱۹۲: هر گاه امام جماعت باشید و در شماره‌ی رکعت‌های نماز جماعت شک کنید، مثلاً شک کنید که سه رکعت خواندید یا چهار رکعت، چنانچه مأوم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده‌اید و به شما بفهماند که چهار رکعت خوانده‌اید، باید نماز را تمام کنید و خواندن نماز احتیاط را لازم ندانید و نیز هر گاه مأوم باشید و در شماره‌ی رکعت‌های نماز شک کنید، اگر امام جماعت، یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است، نباید به شک خود اعتنا نمایید.

۶. شک در نماز مستحبی

مسئله‌ی ۱۱۹۳: هر گاه در شماره‌ی رکعت‌های نماز مستحبی شک کنید، چنانچه طرف بیشتر شک، نماز را باطل می‌کند، باید بنا را بر کمتر بگذارید، مثلاً اگر در نافله‌ی صبح شک کنید که دو رکعت خوانده‌اید یا سه رکعت، باید

بنا بگذارید که دو رکعت خوانده‌اید و اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی‌کند، مثلاً شک کنید که دو رکعت خوانده‌اید یا یک رکعت، می‌توانید به هر طرف شک که بخواهید عمل کنید، ولی بهتر است بنا را بر کمتر بگذارید.

مسئله‌ی ۱۱۹۴: کم شدن رکن را باطل‌کننده‌ی نافله بدانید ولی زیاد شدن رکن را باطل‌کننده نشمارید. پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کنید و موقعی یادتان بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده باشید، باید آن کار را انجام دهید و دوباره آن رکن را بجا آورید، مثلاً اگر در بین رکوع یادتان بیاید که سوره را نخوانده‌اید، باید برگردید و سوره را بخوانید و دوباره به رکوع بروید.

مسئله‌ی ۱۱۹۵: اگر در یکی از کارهای نافله شک کنید، خواه رکن باشد یا غیر رکن، چنانچه محل آن نگذشته باشد، باید بجا آورید و اگر محل آن گذشته باشد، به شک خود اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۱۹۶: اگر در نماز مستحبی دو رکعتی گمانتان به سه رکعت یا بیشتر برود، اعتنا نکنید و نمازتان را صحیح بدانید ولی اگر گمانتان به دو رکعت یا کمتر برود، به همان گمان عمل کنید، مثلاً اگر گمانتان به یک رکعت می‌رود، یک رکعت دیگر هم بخوانید.

مسئله‌ی ۱۱۹۷: اگر در نماز نافله کاری کنید که برای آن سجده‌ی سهو واجب می‌شود یا یک سجده یا تشهد را فراموش نمایید، سجده‌ی سهو یا قضای سجده و تشهد را بعد از نماز، لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۱۹۸: اگر شک کنید که نماز مستحبی را خوانده‌اید یا نه، چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیار، وقت معین نداشته باشد، بنا بگذارید که نخوانده‌اید و همچنین است اگر مثل نافله‌ی یومیه وقت معین داشته باشد و پیش از

گذشتن وقت شک کنید که آن را بجا آورده‌اید یا نه، ولی اگر بعد از گذشت وقت شک کنید که خوانده‌اید یا نه، می‌توانید به شک خود اعتنا نکنید.

شک‌های صحیح

مسئله‌ی ۱۱۹۹: در نه صورت اگر در شماره‌ی رکعت‌های نماز چهار رکعتی‌تان شک کنید باید فکر نمایید، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کردید، همان طرف را بگیرید و نماز را تمام کنید و گرنه به دستورهایی که گفته خواهد شد عمل نمایید و آن نه صورت از این قرار است:

اول: آن که بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم شک کنید دو رکعت خوانده‌اید یا سه رکعت، که باید بنا بگذارید سه رکعت خوانده‌اید و یک رکعت دیگر بخوانید و نماز را تمام کنید و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، به دستوری که بعد گفته خواهد شد، بجا آورید.

دوم: شک بین دو و چهار، بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم، که باید بنا بگذارید چهار رکعت خوانده‌اید و نماز را تمام کنید، و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخوانید.

سوم: شک بین دو و سه و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم، که باید بنا بر چهار بگذارید، و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، و بعد دو رکعت نماز احتیاط نشسته به جا آورید.

چهارم: شک بین چهار و پنج بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم، که باید بنا بر چهار بگذارید و نماز را تمام کنید، و بعد از نماز، دو سجده‌ی سهو بجا آورید، ولی اگر یکی از این چهار شک بعد از سجده‌ی اول، یا پیش از تمام شدن ذکر واجب سجده‌ی دوم برایتان پیش آید، نمازتان را تمام کنید و دوباره بخوانید.

پنجم: شک بین سه و چهار که در هر جای نماز باشد، باید بنا بر چهار بگذارید و نماز را تمام کنید، و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نماز احتیاط نشسته به جا آورید.

ششم: شک بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشینید و تشهد بخوانید و نماز را سلام بدهید، سپس بلافاصله یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورید، و بعد از نماز احتیاط، دو سجده‌ی سهو نیز بجای آورید.

هفتم: شک بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشینید و تشهد بخوانید، و بلافاصله بعد از سلام، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورید. و بعد از نماز احتیاط، دو سجده‌ی سهو انجام دهید.

هشتم: شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشینید و تشهد بخوانید، و بلافاصله بعد از سلام، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، و بعد دو رکعت نشسته به جا آورید. و بعد از نمازهای احتیاط، دو سجده‌ی سهو نیز انجام دهید.

نهم: شک بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشینید و تشهد بخوانید، و بعد از سلام، دو سجده‌ی سهو به جا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۰۰: اگر یکی از شک‌های صحیح برایتان پیش آید، نباید نماز را بشکنید و چنانچه نماز را بشکنید، خود را معصیت‌کار بدانید و استغفار کنید. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، مثل روگرداندن از قبله، نمازتان را از اول بگیرید، نماز دومتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۲۰۱: اگر یکی از شک‌هایی که نماز احتیاط بر آنها واجب است در نماز پیش آید، چنانچه نماز را تمام کنید و بدون خواندن نماز احتیاط، نماز را

از سر بگیرید، خود را معصیت‌کار بدانید و استغفار کنید. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، نماز را از سر بگیرید، نماز دومتان را هم باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۲۰۲: وقتی یکی از شک‌های صحیح برایتان پیش آمد، باید فوراً برای برطرف شدن شک، فکر کنید.

مسئله‌ی ۱۲۰۳: اگر اول، گمانتان به یک طرف بیشتر باشد، بعد دو طرف در نظرتان مساوی شود، باید به دستور شک عمل نمایید، و اگر اول دو طرف در نظرتان مساوی باشد و به طرفی که وظیفه‌تان است بنا بگذارید، بعد گمانتان به طرف دیگر برود، باید همان طرف را بگیرید و نماز را تمام کنید.

مسئله‌ی ۱۲۰۴: هر گاه ندانید گمانتان به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظرتان مساوی است، باید به دستور شک عمل کنید و نماز را تمام نمایید، سپس نماز را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۰۵: اگر بعد از نماز بدانید که در بین نماز، حال تردیدی داشته‌اید که مثلاً دو رکعت خوانده‌اید یا سه رکعت و بنا را بر سه گذاشته‌اید، ولی ندانید که گمانتان به خواندن سه رکعت بوده یا هر دو طرف در نظرتان مساوی بوده، باید نماز احتیاط را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۰۶: اگر موقعی که تشهد می‌خوانید یا بعد از ایستادن شک کنید که دو سجده را بجا آورده‌اید یا نه و در همان موقع یکی از شک‌هایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیافتد صحیح می‌باشد برایتان پیش آید، مثلاً شک کنید که دو رکعت خوانده‌اید یا سه رکعت، به دستور آن شک عمل کنید، و نمازتان را هم دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۰۷: اگر پیش از آن که مشغول تشهد شوید یا در رکعت‌هایی که

تشهد ندارد، پیش از ایستادن شک کنید که دو سجده را بجا آورده‌اید یا نه، و در همان موقع یکی از شک‌هایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است برایتان پیش آید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۲۰۸: اگر موقعی که ایستاده، بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شک کنید و یادتان بیاید که دو سجده یا یک سجده از رکعت پیش بجا نیاورده‌اید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۲۰۹: اگر شکتان از بین برود و شک دیگری برایتان پیش آید، مثلاً اول شک کنید که دو رکعت خوانده‌اید یا سه رکعت، بعد شک کنید که سه رکعت خوانده‌اید یا چهار رکعت، باید به دستور شک دوم عمل نمایید.

مسئله‌ی ۱۲۱۰: اگر بعد از نماز شک کنید که در نماز مثلاً بین دو و چهار شک کرده‌اید یا بین سه و چهار، به دستور هر دو عمل کنید و نماز را هم دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۱۱: اگر بعد از نماز بفهمید که در نماز، شکی برایتان پیش آمده ولی ندانید از شک‌های باطل بوده یا از شک‌های صحیح و اگر از شک‌های صحیح بوده کدام قسم آن بوده است، باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نماز احتیاط نشسته و دو سجده‌ی سهو بجا آورید و نماز را هم دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۱۲: هر گاه نشسته نماز بخوانید، اگر شکی کنید که باید برای آن، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخوانید، باید دو رکعت نشسته بجا آورید، و اگر شکی کنید که معین است برای آن باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخوانید، باید یک رکعت نشسته و سپس دو رکعت نشسته بجا آورید و نماز را هم اعاده کنید.

مسئله‌ی ۱۲۱۳: هر گاه ایستاده نماز بخوانید ولی موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شوید، باید مثل کسی که نماز را نشسته می‌خواند و حکم آن در مسئله‌ی پیش گفته شد، نماز احتیاط را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۱۴: هر گاه نشسته نماز بخوانید ولی موقع خواندن نماز احتیاط بتوانید بایستید، باید به وظیفه‌ی کسی که نماز را ایستاده می‌خواند، عمل کنید.

نماز احتیاط

مسئله‌ی ۱۲۱۵: هر گاه باید نماز احتیاط بخوانید، باید بعد از سلام نماز، فوراً نیت نماز احتیاط کنید و تکبیر بگویید و حمد را بخوانید و به رکوع روید و دو سجده نمایید. پس اگر یک رکعت نماز احتیاط باید بخوانید، بعد از دو سجده، تشهد بخوانید و سلام دهید، و اگر دو رکعت نماز احتیاط باید بخوانید، بعد از دو سجده، یک رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورید و بعد از تشهد، سلام دهید.

مسئله‌ی ۱۲۱۶: نباید در نماز احتیاط، سوره و قنوت بخوانید و نیت آن را نباید به زبان بیاورید و باید سوره‌ی حمد و «بسم الله» آن را هم آهسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۱۷: اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمید نمازی که خوانده‌اید درست بوده، خواندن نماز احتیاط را لازم ندانید. و اگر در بین نماز احتیاط بفهمید، تمام کردن آن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۲۱۸: اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمید که رکعت‌های نمازتان کم بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل می‌کند انجام ندهاید، باید

آنچه از نماز را که نخوانده‌اید بخوانید و برای سلام بیجا، دو سجده‌ی سهو نمایید، و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده‌اید، مثلاً پشت به قبله کرده‌اید، باید نمازتان را دوباره بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۱۹: اگر بعد از نماز احتیاط بفهمید کسری نمازتان به مقدار نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط بخوانید، بعد بفهمید نماز را سه رکعت خوانده‌اید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۲۲۰: اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمید کسری نمازتان کمتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط بخوانید، بعد بفهمید نماز را سه رکعت خوانده‌اید، چنانچه منافی بجا نیآورده باشید، باید کسری نماز را به نماز متصل نموده و نماز را هم دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۲۱: اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمید کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط بخوانید، بعد بفهمید نماز را دو رکعت خوانده‌اید، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده‌اید، مثلاً پشت به قبله کرده‌اید، باید نماز را دوباره بخوانید و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام نداده‌اید، باید دو رکعت کسری نمازتان را بجا آورید و نماز را هم دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۲۲: اگر بین دو و سه و چهار شک کنید و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده یادتان بیاید که نماز را دو رکعت خوانده‌اید، خواندن دو رکعت نماز احتیاط نشسته را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۲۲۳: اگر بین سه و چهار شک کنید و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده را می‌خوانید یادتان بیاید که نماز را سه رکعت خوانده‌اید، باید نماز احتیاط را رها کنید و کسری را بجا آورید و نماز را

دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۲۴: اگر بین دو و سه و چهار شک کنید و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می‌خوانید پیش از رکوع رکعت دوم یادتان بیاید که نماز را سه رکعت خوانده‌اید، باید نماز احتیاط را رها کنید و کسری را بجا آورید و نماز را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۲۵: اگر در بین نماز احتیاط بفهمید کسری نمازتان بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده، باید آن را رها کنید و کسری نماز را بجا آورید و نماز را دوباره بخوانید، مثلاً در شک بین سه و چهار، اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته را می‌خوانید، یادتان بیاید که نماز را دو رکعت خوانده‌اید، باید نماز احتیاط نشسته را رها کنید و دو رکعت کسری نماز را بخوانید و نماز را هم دوباره بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۲۶: اگر شک کنید نماز احتیاطی که برایتان واجب بوده را بجا آورده‌اید یا نه، چنانچه وقت نماز گذشته، به شک خود اعتنا نکنید و اگر وقت دارید در صورتی که مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز برنخاسته و کاری هم مثل روگرداندن از قبله که نماز را باطل می‌کند انجام نداده باشید، باید نماز احتیاط را بخوانید، ولی اگر مشغول کار دیگری شده‌اید یا کاری که نماز را باطل می‌کند بجا آورده‌اید یا بین نماز و شکتان زیاد طول کشیده باشد، نماز احتیاط را بجا آورید و نماز را هم دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۲۷: اگر در نماز احتیاط، رکنی را زیاد کنید یا مثلاً به جای یک رکعت، دو رکعت بخوانید، باید دوباره نماز احتیاط را بخوانید و اصل نماز را هم اعاده نمایید.

مسئله‌ی ۱۲۲۸: موقعی که مشغول نماز احتیاط هستید اگر در یکی از

کارهای آن شک کنید، چنانچه محل آن نگذشته باید بجا آورید و اگر مجلس گذشته، به شک خود اعتنا نکنید مثلاً اگر شک کنید که حمد خوانده‌اید یا نه، چنانچه به رکوع نرفته باشید، باید بخوانید و اگر به رکوع رفته باشید، به شک خود اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۲۲۹: اگر در شماره‌ی رکعت‌های نماز احتیاط شک کنید، باید بنا را بر بیشتر بگذارید ولی چنانچه طرف بیشتر شک، نماز را باطل می‌کند بنا بر کمتر بگذارید و در هر صورت، بعد از تمام شدن نماز احتیاط، اصل نماز را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۳۰: هر گاه در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهواً کم یا زیاد شود و از چیزهایی باشد که در خود نماز، سجده‌ی سهو دارد، باید سجده‌ی سهو را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۳۱: اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کنید که یکی از اجزاء یا شرایط آن را بجا آورده‌اید یا نه، به شک خود اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۲۳۲: اگر در نماز احتیاط، تشهد یا یک سجده را فراموش کنید، باید بعد از سلام نماز، آن را قضا نمایید. و دو سجده‌ی سهو نیز بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۳۳: اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد یا دو سجده بر شما واجب شده باشد، باید اول نماز احتیاط را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۳۴: حکم گمان در رکعت‌های نماز را حکم یقین بدانید، مثلاً اگر در نماز چهار رکعتی گمان دارید که نماز را چهار رکعت خوانده‌اید، نباید نماز احتیاط بخوانید و همچنین گمان در افعال نماز را نیز به حکم یقین بدانید، مثلاً اگر گمان دارید رکوع کرده‌اید، نباید آن را بجا آورید و اگر گمان دارید حمد را نخوانده‌اید، چنانچه به رکوع نرفته‌اید، باید بخوانید، و اگر به رکوع

رفته‌اید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۲۳۵: حکم شک و سهو و گمان در نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب را یکی بدانید، مثلاً اگر در نماز آیات شک کنید که یک رکعت خوانده‌اید یا دو رکعت، چون شکتان در نماز دو رکعتی است، نمازتان را باطل بشمارید.

سجده‌ی سهو

مسئله‌ی ۱۲۳۶: برای شش چیز بعد از سلام نماز، باید دو سجده‌ی سهو به دستوری که بعداً گفته خواهد شد بجا آورید:

اول: آن‌که در بین نماز، سهواً حرف بزنید.

دوم: آن‌که یک سجده را فراموش کنید.

سوم: آن‌که در نماز چهار رکعتی بعد از سجده‌ی دوم شک کنید که چهار رکعت خوانده‌اید یا پنج رکعت.

چهارم: در جایی که نباید نماز را سلام دهید، مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهید.

پنجم: آن‌که تشهد را فراموش کنید.

ششم: در جایی که باید بایستید، اشتباهی بنشینید یا در جایی که باید بنشینید، اشتباهی بایستید.

و خوب است در هر چیزی از نماز که اشتباهی کم یا زیاد شده باشد، دو سجده‌ی سهو انجام دهید.

مسئله‌ی ۱۲۳۷: اگر اشتباهی یا به خیال این که نمازتان تمام شده حرف

- بزنید، باید دو سجده‌ی سهو بجا آورید.
- مسئله‌ی ۱۲۳۸: برای حرفی که از عطسه کردن و سرفه کردن پیدا می‌شود، سجده‌ی سهو را لازم ندانید، ولی اگر مثلاً سهواً «آخ» یا «آه» بگویید، باید سجده‌ی سهو نمایید.
- مسئله‌ی ۱۲۳۹: اگر چیزی را که غلط خوانده‌اید دوباره صحیح بخوانید، برای دوباره خواندن آن، سجده‌ی سهو را لازم ندانید.
- مسئله‌ی ۱۲۴۰: اگر در نماز، سهواً چند کلمه حرف بزنید و تمام آنها یک مرتبه حساب شود، دو سجده‌ی سهو بعد از سلام نماز را کافی بدانید.
- مسئله‌ی ۱۲۴۱: اگر سهواً تسبیحات اربعه را نگوید یا بیشتر یا کمتر از سه مرتبه بگوید، بعد از نماز، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.
- مسئله‌ی ۱۲۴۲: اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید، هر یک از سه سلام نماز یا بخشی از آن را سهواً بگوید، باید دو سجده‌ی سهو بجا آورید.
- مسئله‌ی ۱۲۴۳: اگر در جایی که نباید سلام دهید، اشتباهی هر سه سلام را بگوید، برای هر سلامی دو سجده‌ی سهو بجا آورید.
- مسئله‌ی ۱۲۴۴: اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کنید و پیش از رکوع رکعت بعد یادتان بیاید، باید برگردید و بجا آورید. و بعد از نماز، برای ایستادن بیجا، دو سجده‌ی سهو، و اگر ذکری گفته‌اید، برای آن نیز دو سجده‌ی سهو بنمایید.
- مسئله‌ی ۱۲۴۵: اگر در رکوع یا بعد از آن یادتان بیاید که یک سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده‌اید، باید بعد از سلام نماز، سجده یا تشهد را قضا نمایید و بعد از آن، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.
- مسئله‌ی ۱۲۴۶: اگر سجده‌ی سهو را بعد از سلام نماز عمداً بجا نیاورید، خود

را معصیت‌کار بدانید و استغفار کنید و هر چه زودتر آن را انجام دهید و چنانچه سهواً بجا نیاورید، هر وقت یادتان آمد باید فوراً انجام دهید و دوباره خواندن نماز را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۲۴۷: اگر شک دارید که سجده‌ی سهو برایتان واجب شده یا نه، بجا آوردنش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۲۴۸: هر گاه شک کنید مثلاً دو سجده‌ی سهو بر شما واجب شده یا چهار سجده، بجا آوردن دو سجده را کافی بدانید.

مسئله‌ی ۱۲۴۹: چه یکی از دو سجده‌ی سهو را بجا نیاورید و چه سهواً سه سجده کنید، باید دوباره دو سجده‌ی سهو بنمایید.

دستور سجده‌ی سهو

مسئله‌ی ۱۲۵۰: دستور سجده‌ی سهو را چنین بدانید که بعد از سلام نماز، فوراً نیت سجده‌ی سهو کنید و پیشانی را به چیزی که باید سجده بر آن را صحیح بدانید بگذارید و بگویید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» بعد بنشینید و دوباره به سجده بروید و ذکرى که گفته شد را بگویید و بنشینید و بعد از خواندن تشهد، سلام دهید.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله‌ی ۱۲۵۱: سجده و تشهدی که فراموش کرده‌اید و بعد از نماز، قضای آن را بجا می‌آورید، باید تمام شرایط نماز، مانند پاک بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرط‌های دیگر را داشته باشد.

مسئله‌ی ۱۲۵۲: اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کنید، مثلاً یک سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم را فراموش نمایید، باید بعد

از نماز، قضای هر دو را با سجده‌های سهوی که برای آنها لازم است بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۵۳: اگر یک سجده و تشهد را فراموش کنید، باید هر کدام را اول فراموش کرده‌اید، اول قضا نمایید و اگر ندانید کدام اول فراموش شده باید یک سجده و تشهد و بعد یک سجده‌ی دیگر بجا آورید، یا یک تشهد و یک سجده و بعد یک تشهد دیگر بجا آورید تا یقین کنید سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده بودید، قضا نموده‌اید.

مسئله‌ی ۱۲۵۴: اگر به خیال این که اول، سجده را فراموش کرده‌اید، اول قضای آن را بجا آورید و بعد از خواندن تشهد یادتان بیاید که اول تشهد را فراموش کرده بودید، باید دوباره سجده را قضا نمایید و نیز اگر به خیال این که اول تشهد را فراموش کرده‌اید، اول قضای آن را بجا آورید و بعد از سجده یادتان بیاید که اول سجده را فراموش کرده بودید، باید دوباره تشهد را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۵۵: اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد، کاری کنید که اگر عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیافتد، نماز را باید باطل بشمارید، مثلاً پشت به قبله نمایید، باید قضای سجده و تشهد را بجا آورید و دوباره نمازتان را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۵۶: اگر بعد از سلام نماز یادتان بیاید که یک سجده از رکعت آخر را فراموش کرده‌اید، چنانچه کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند، مثل پشت کردن به قبله انجام نداده‌اید، باید به قصد این که وظیفه‌ی خود را انجام داده باشید، سجده‌ی فراموش شده و بعد از آن تشهد و سلام و دو سجده‌ی سهو بجا آورید و نیز اگر یادتان بیاید که تشهد رکعت آخر را

فراموش کرده‌اید، باید به قصد این که وظیفه‌ی خود را انجام داده باشید، تشهد را بخوانید و بعد از آن، سلام دهید و دو سجده‌ی سهو بنمایید.

مسئله‌ی ۱۲۵۷: اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کنید که باید برای آن سجده‌ی سهو انجام دهید، مثل آن که سهواً حرف بزنید، باید سجده یا تشهد را قضا کنید، و غیر از سجده‌ی سهوی که برای قضای سجده یا تشهد می‌نمایید، دو سجده‌ی سهو دیگر برای حرف زدن بنمایید.

مسئله‌ی ۱۲۵۸: اگر ندانید که سجده را فراموش کرده‌اید یا تشهد را، باید هر دو را قضا نمایید و می‌توانید هر کدام را که خواستید، اول بجا آورید و باید دو سجده‌ی سهو نیز بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۵۹: اگر شک دارید که سجده یا تشهد را فراموش کرده‌اید یا نه، قضایش را لازم نشمارید.

مسئله‌ی ۱۲۶۰: اگر بدانید سجده یا تشهد را فراموش کرده‌اید و شک کنید که پیش از رکوع رکعت بعد بجا آورده‌اید یا نه، باید آن را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۲۶۱: هر گاه سجده یا تشهد را فراموش کنید، اگر برای کار دیگری هم سجده‌ی سهو بر شما لازم شده باشد، باید بعد از نماز، نخست سجده یا تشهد را قضا نمایید و بعد سجده‌ی سهو سجده یا تشهد فراموش شده و بعد سجده‌ی سهو دیگر را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۶۲: اگر شک دارید که بعد از نماز، قضای سجده یا تشهد فراموش شده را بجا آورده‌اید یا نه، چه وقت نماز نگذشته باشد و چه وقت نماز گذشته باشد، باید سجده یا تشهد را قضا نمایید.

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

مسئله‌ی ۱۲۶۳: نباید چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کنید اگر چه

یک حرف آن باشد و اگر چنین کردید، باید نماز را دوباره بخوانید.
مسئله‌ی ۱۲۶۴: اگر به واسطه‌ی ندانستن مسأله، چیزی از واجبات نماز را کم یا زیاد کنید، باید نمازتان را دوباره بخوانید، ولی چنانچه به واسطه‌ی ندانستن مسأله، حمد و سوره‌ی نماز صبح یا مغرب یا عشا را آهسته بخوانید، یا حمد و سوره‌ی نماز ظهر یا عصر را بلند بخوانید، و همچنین اگر منہاجیات، حمد و سوره‌ی نماز ظهر یا عصرشان را بلند بخوانند، یا در مسافرت، نماز ظهر یا عصر یا عشا یا چهار رکعتی بخوانید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۲۶۵: اگر در بین نماز بفهمید وضو یا غسلتان باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده‌اید، باید نماز را به هم بزنید و دوباره با وضو یا غسل بخوانید، و اگر بعد از نماز بفهمید، باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بجا آورید و اگر وقت گذشته، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۲۶۶: اگر بعد از رسیدن به رکوع، یادتان بیاید که دو سجده از رکعت پیش فراموش کرده‌اید، نمازتان را باطل بشمارید، ولی اگر پیش از رسیدن به رکوع یادتان بیاید، باید برگردید و دو سجده را بجا آورید و برخیزید و حمد و سوره یا تسبیحات را بخوانید و نماز را تمام کنید. و بعد از نماز، برای ایستادن بیجا، دو سجده‌ی سهو بنمایید.

مسئله‌ی ۱۲۶۷: اگر پیش از گفتن «السَّلَامُ عَلَیْنَا» یادتان بیاید که دو سجده ی رکعت آخر را بجا نیاورده‌اید، باید دو سجده را بجا آورید و دوباره تشهد بخوانید و نمازتان را سلام دهید. و برای زیاد شدن تشهد، دو سجده‌ی سهو بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۶۸: اگر پیش از سلام نماز یادتان بیاید که یک رکعت یا بیشتر، از آخر نماز را نخوانده‌اید، باید مقداری که فراموش کرده‌اید را بجا آورید.

مسأله‌ی ۱۲۶۹: اگر بعد از سلام نماز یادتان بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده‌اید، چنانچه کاری انجام داده‌اید که اگر در نماز، عمداً یا سهواً اتفاق بیافتد، باید نمازتان را باطل بشمارید مثلاً پشت به قبله کرده‌اید، نمازتان را باطل بشمارید ولی اگر کاری که باید عمدی و سهوی آن را باطل‌کننده‌ی نماز بدانید، انجام نداده‌اید، باید فوراً مقداری که فراموش کرده‌اید را بجا آورید. و برای هر یک از تشهد، سلام و کلام بیجا، دو سجده‌ی سهو بنمایید.

مسأله‌ی ۱۲۷۰: هرگاه بعد از سلام نماز عملی انجام دهید که اگر در نماز عمداً یا سهواً اتفاق بیافتد باید نماز را باطل بدانید، مثلاً پشت به قبله بنمایید و بعد یادتان بیاید که دو سجده‌ی آخر را بجا نیاورده‌اید، نمازتان را باطل بشمارید، ولی اگر پیش از انجام کاری که باید باطل‌کننده‌ی نماز بدانید، یادتان بیاید، باید برگردید و دو سجده‌ای که فراموش کرده‌اید را بجا آورید و تشهد و سلام را دوباره بعد از آن بگویید و دو سجده‌ی سهو برای هر یک از تشهد و سلامی که اول گفته‌اید بجا آورید و نمازتان را اعاده بنمایید.

مسأله‌ی ۱۲۷۱: اگر بفهمید نماز را پیش از وقت خوانده‌اید یا از روی جهل و غفلت یا فراموشی، پشت به قبله یا به طرف راست یا چپ قبله، بجا آورده‌اید، باید دوباره بخوانید و اگر وقت گذشته، قضا بنمایید.

نماز مسافر

وقتی مسافر هستید باید نماز ظهر و عصر و عشاءتان را با هشت شرط، شکسته (قصر) یعنی دو رکعت بخوانید.

شرط اول: آن که سفرتان کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد، و این مسافت، بین چهل تا چهل و پنج کیلومتر است.

مسئله‌ی ۱۲۷۲: هر گاه رفتن و برگشتن‌تان هشت فرسخ است، چنانچه هیچ یک از رفتن و برگشتن‌تان کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخوانید، ولی اگر رفتن یا برگشتن‌تان کمتر از چهار فرسخ باشد، مثلاً اگر رفتن‌تان سه فرسخ و برگشتن‌تان پنج فرسخ، یا رفتن‌تان پنج فرسخ و برگشتن‌تان سه فرسخ باشد، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید. مسئله‌ی ۱۲۷۳: اگر رفتن و برگشتن‌تان هشت فرسخ باشد، باید نمازتان را شکسته بخوانید، چه همان روز و شب بخواهید برگردید یا غیر آن روز و شب. اگر چه بهتر است که اگر همان روز یا شب آن بر نمی‌گردید، تمام نیز بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۷۴: اگر سفرتان مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد یا ندانید که سفرتان هشت فرسخ است یا نه، نباید نماز را شکسته بخوانید و چنانچه شک کنید که سفرتان هشت فرسخ است یا نه، در صورتی که تحقیق کردن برایتان مشقت دارد، باید نمازتان را تمام بخوانید و اگر مشقت ندارند، باید تحقیق کنید و اگر دو عادل بگویند، یا بین مردم معروف باشد که سفرتان هشت فرسخ است، نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۷۵: اگر یک عادل خبر دهد که سفرتان هشت فرسخ است، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید و روزه بگیرید و قضای آن را هم بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۷۶: هر گاه یقین داشته باشید سفرتان هشت فرسخ است، اگر نمازتان را شکسته بخوانید و بعد بفهمید که هشت فرسخ نبوده، باید آن را

چهار رکعتی بجا آورید و اگر وقت گذشته، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۲۷۷: هر گاه قصد مسافرت به محل معینی نموده و یقین داشته باشید سفرتان هشت فرسخ نیست یا شک داشته باشید که هشت فرسخ هست یا نه، چنانچه در بین راه یا بعد از رسیدن به مقصد بفهمید که سفرتان هشت فرسخ بوده، باید نماز را شکسته بخوانید و اگر تمام خوانده‌اید، دوباره شکسته بجا آورید و در صورتی که وقت گذشته باشد، باید نماز را دوباره قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۲۷۸: اگر بین دو محلی که فاصله‌ی آنها کمتر از چهار فرسخ است، چند مرتبه رفت و آمد کنید، اگر چه روی هم رفته هشت فرسخ شود، باید نماز را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۷۹: اگر محلی دو راه داشته باشد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، چنانچه از راهی که هشت فرسخ است به آنجا بروید، باید نمازتان را شکسته بخوانید و لی اگر از راهی که هشت فرسخ نیست، بروید باید تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۰: باید ابتدای هشت فرسخ را از خانه‌های آخر شهر حساب کنید.

شرط دوم: آن که از اول مسافرت، قصد هشت فرسخ را داشته باشید، پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کنید، و بعد از رسیدن به آنجا قصد کنید جایی بروید که با مقداری که آمده‌اید هشت فرسخ شود، چون از اول، قصد هشت فرسخ را نداشته‌اید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی اگر بخواهید از آنجا هشت فرسخ بروید، یا چهار فرسخ بروید و برگردید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۱: هر گاه ندانید سفرتان چند فرسخ است مثلاً برای پیدا کردن گمشده‌ای مسافرت کنید و ندانید که چه مقدار باید بروید تا آن را پیدا کنید، باید نمازتان را تمام بخوانید ولی در برگشتن، چنانچه تا وطنتان یا جایی که می‌خواهید ده روز در آن جا بمانید، هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید نماز را شکسته بخوانید و نیز اگر در بین رفتن قصد کنید که چهار فرسخ بروید و برگردید، چنانچه رفتن یا برگشتن‌تان کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۲: در صورتی باید نمازتان را شکسته بخوانید که تصمیم داشته باشید هشت فرسخ بروید، پس اگر از شهر بیرون روید و مثلاً قصدتان این باشد که اگر رفیق پیدا کنید سفر هشت فرسخی بروید، چنانچه اطمینان دارید که رفیق پیدا می‌کنید، باید نماز را شکسته بخوانید ولی اگر اطمینان ندارید باید تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۳: هر گاه قصد هشت فرسخ داشته باشید، اگر چه در هر روز مقدار کمی راه بروید، وقتی به جایی برسید که دیوار شهر را نبینید و اذان آن را نشنوید، باید نماز را شکسته بخوانید ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه بروید که نگویند مسافر است، باید نمازتان را تمام بخوانید و بهتر است هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۴: هر گاه در سفر، به اختیار دیگری باشید مانند نوکر که با آقای خود مسافرت می‌کند، چنانچه بدانید سفرتان هشت فرسخ است، باید نمازتان را شکسته بخوانید، ولی اگر ندانید، باید از او پرسید که اگر سفرتان هشت فرسخ باشد، نمازتان را شکسته بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۲۸۵: هر گاه در سفر به اختیار دیگری باشید، اگر بدانید یا گمان

داشته باشید که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شوید، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۶: هر گاه در سفر به اختیار دیگری باشید، اگر شک دارید که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شوید یا نه، باید نمازتان را هم تمام و هم شکسته بخوانید، و نیز اگر شگتان از این جهت است که احتمال می‌دهید مانعی برای سفرتان پیش آید، چنانچه احتمالتان در نظر مردم بجا نباشد، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

شرط سوم: آن که در بین راه، از قصد خود برنگردید. پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردید، یا مردد شوید، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۷: اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ، از مسافرت منصرف شوید، چنانچه تصمیم داشته باشید که همان جا بمانید یا بعد از ده روز برگردید یا در برگشتن و ماندن‌تان مردد باشید، باید نمازتان را تمام بخوانید. مسئله‌ی ۱۲۸۸: اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ، از مسافرت منصرف شوید و تصمیم داشته باشید که قبل از ده روز، برگردید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۸۹: اگر برای رفتن به محلی که هشت فرسخ است حرکت کنید و بعد از رفتن مقداری از راه، بخواهید جای دیگری بروید، چنانچه از محل اولی که حرکت کرده باشید تا جایی که می‌خواهید بروید، هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۰: اگر بعد از آن که چهار فرسخ رفتید، توقف کنید و مردد شوید که بقیه‌ی راه را بروید یا نه، و بعد تصمیم بگیرید که بقیه‌ی راه را بروید، باید

تا آخر مسافرت، نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۱: اگر بعد از آن که چهار فرسخ رفتید، در حال حرکت، مردد شوید که بقیه‌ی راه را بروید یا نه، و بعد تصمیم بگیرید که بقیه‌ی راه را بروید، باید تا آخر مسافرت، نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۲: اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسید، مردد شوید که بقیه‌ی راه را بروید یا نه، و در موقعی که مردد هستید مقداری راه بروید و بعد تصمیم بگیرید که بقیه‌ی راه را بروید، چنانچه باقیمانده‌ی سفرتان چهار فرسخ باشد که با برگشتن‌تان هشت فرسخ شود، باید نمازتان را شکسته بخوانید، ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می‌روید روی هم هشت فرسخ باشد، باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

شرط چهارم: آن که نخواهید پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود بگذرید، یا ده روز یا بیشتر در جایی بمانید. پس هر گاه بخواهید پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرید، یا ده روز در محلی بمانید، باید نماز را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۳: هر گاه ندانید پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنتان می‌گذرید یا نه، یا ده روز در محلی می‌مانید یا نه، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۴: هر گاه بخواهید پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنتان بگذرید یا ده روز در محلی بمانید و نیز هر گاه مردد باشید که از وطنتان بگذرید یا ده روز در محلی بمانید، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شوید، باز هم باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی اگر باقیمانده‌ی راه، هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواهید بروید و برگردید و

برگشتن‌تان نیز چهار فرسخ باشد، باید پس از حرکت جدید، نمازتان را شکسته بخوانید.

شرط پنجم: آن که برای کار حرام سفر نکنید، و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کنید، باید نمازتان را تمام بخوانید. و هم چنین است اگر خود سفرتان حرام باشد، مثل آن که برایتان ضرر داشته باشد، یا منہاجیات بدون اجازه‌ی شوهرشان یا فرزند با نهی پدر و مادر که باعث اذیت آنها شود، سفری بروند که بر آنان واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج، واجب باشد، باید نماز را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۵: سفر غیر واجبی که اسباب اذیت پدر و مادر باشد را ترک کنید ولی اگر رفتید، باید در آن سفر، نمازهایتان را تمام بخوانید و روزه هم بگیرید.

مسئله‌ی ۱۲۹۶: هر گاه سفرتان حرام نباشد و برای کار حرام هم سفر نکنید، اگر چه در سفر، معصیتی انجام دهید، مثلاً غیبت کنید یا شراب بخورید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۷: هر گاه برای آن که کار واجبی را ترک کنید مسافرت نمایید، باید نمازتان را تمام بخوانید، پس هر گاه بدهکار باشید، اگر بتوانید بدهی خود را بدهید و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتوانید بدهی خود را بپردازید و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نمایید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکنید، باید نمازتان را شکسته بخوانید، گر چه بهتر است که هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۸: اگر سفرتان سفر حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب

دیگری که سوار هستید غصبی باشد یا در زمین غصبی مسافرت کنید، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۲۹۹: هر گاه با ظالمی مسافرت کنید، اگر مسافرتتان از روی ناچاری نباشد و این همسفر شدن، کمک به ظالم باشد، باید نمازتان را تمام بخوانید ولی اگر ناچار باشید یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کنید، نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۰۰: هر گاه به قصد تفریح و گردش مسافرت کنید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۰۱: هر گاه برای لهو و خوشگذرانی به شکار بروید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی چنانچه برای تهیه‌ی معاش به شکار بروید، نمازتان را شکسته بخوانید و اگر برای کسب و زیاد کردن مال بروید، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید و روزه را هم بگیرید و بعد از سفر، قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۰۲: هر گاه برای معصیت سفر کرده باشید، موقعی که از سفر بر می‌گردید، اگر برگشتن‌تان به اندازه‌ی مسافت شرعی باشد و توبه کرده باشید، باید نمازتان را شکسته بخوانید، ولی اگر برگشتن‌تان به اندازه‌ی مسافت شرعی نباشد، ولی مجموع رفت و برگشتن‌تان به اندازه‌ی مسافت است، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۰۳: هر گاه سفرتان سفر معصیت باشد، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردید، چنانچه باقیمانده‌ی راه، هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد ولی بخواهید بروید و برگردید، باید نمازتان را شکسته بخوانید. و اگر باقیمانده‌ی راه، به اندازه‌ی مسافت شرعی نباشد، ولی مجموع راهی که قبل از توبه رفته‌اید و بعد از توبه می‌روید، به اندازه‌ی مسافت شرعی باشد،

نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۰۴: هر گاه برای معصیت سفر نکرده باشید، اگر در بین راه قصد کنید که بقیه‌ی راه را برای معصیت بروید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی نمازهایی که شکسته خوانده‌اید، در صورتی که مقدار گذشته، هشت فرسخ بوده را صحیح بدانید و اگر به مقدار هشت فرسخ نبوده، اعاده نمایید. شرط ششم: آن که از صحرانشین‌هایی نباشید که در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیواناتشان پیدا کنند، می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند. پس صحرانشین‌ها در این مسافرت‌ها باید نماز را تمام بخوانند.

مسئله‌ی ۱۳۰۵: اگر یکی از صحرانشین‌ها هستید، وقتی برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتتان، بدون چادر و اثاثیه سفر کنید و فقط به منظور تعیین محل و مرتع مناسب برای حیوانات خودتان باشد، چنانچه سفرتان هشت فرسخ باشد، باید هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۰۶: اگر صحرانشین باشید، هر گاه برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کنید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

شرط هفتم: آن که شغل‌تان مسافرت نباشد، بنا بر این اگر شتردار و راننده و چوبدار و کشتیبان و مانند اینها باشید، اگر چه برای بردن اثاثیه‌ی منزل خود مسافرت کنید، در غیر سفر اولتان باید نماز را تمام بخوانید. و هم چنین در سفر اولتان اگر طول بکشد یا از مکانی به مکان دیگر بروید که عرفاً بگویند عملتان سفر است، باید نمازتان را تمام بخوانید. ولی اگر سفری طولانی نباشد، به طوری که عرفاً نگویند: «سفر، عمل اوست» نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۰۷: هر گاه شغلستان مسافرت باشد، اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کنید، باید نمازتان را شکسته بخوانید ولی اگر مثلاً شوfer، اتومبیل خود را برای زیارت، کرایه دهد و در ضمن، خودش هم زیارت کند، باید نمازش را تمام بخواند.

مسئله‌ی ۱۳۰۸: حمله‌دار یعنی کسی که برای رساندن حاجی‌ها به مکه مسافرت می‌کند، چنانچه شغلش مسافرت باشد، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر شغلش مسافرت نباشد، باید شکسته بخواند، و بهتر است هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله‌ی ۱۳۰۹: هر گاه شغلستان کاروان‌داری است و حاجی‌ها را از راه دور به مکه می‌برید، چنانچه تمام سال یا بیشتر سال را در راه باشید، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۰: هر گاه در مقداری از سال، شغلستان مسافرت باشد، مثل رانندگانی که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیلشان را کرایه می‌دهند، باید در سفری که مشغول به کارتان هستید، نمازتان را تمام بخوانید و بهتر است که هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۱: هر گاه از رانندگان و دوره‌گردانی باشید که در دو سه فرسخی شهر، رفت و آمد می‌کنند، چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی بروید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۲: هر گاه شغلستان مسافرت باشد، اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بمانید، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشید و چه بدون قصد بمانید، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌روید، نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۳: هر گاه شغلستان مسافرت باشد، اگر در غیر وطن خودتان ده روز بمانید، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشید و چه نداشته باشید، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌روید، نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۴: هر گاه شغلستان مسافرت باشد، اگر شک کنید که در وطن خود یا جای دیگر، ده روز مانده‌اید یا نه، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۵: هر گاه در شهرها سیاحت کنید و برای خود، وطنی اختیار نکرده باشید، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۶: هر گاه شغلستان مسافرت نباشد، اگر مثلاً در شهری یا دهی جنسی دارید که برای حمل آن، مسافرت‌های پی در پی می‌کنید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۱۷: هر گاه از وطنتان صرف نظر کرده و بخواهید وطن دیگری برای خود اختیار کنید، اگر شغلستان مسافرت نباشد، باید در مسافرت، نمازتان را شکسته بخوانید.

شرط هشتم: آن که به حد ترخص برسید، یعنی از وطنتان یا جایی که با قصد ده روز در آنجا مانده‌اید، به قدری دور شوید که دیوار شهر را نبینید و صدای اذان آن را نشنوید، ولی باید در هوا، غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند. و دور شدن به قدری که مناره‌ها و گنبد‌ها را نبینید را لازم ندانید، بلی اگر به قدری دور شوید که دیوار خانه‌های شهر کاملاً معلوم نباشد، ولی شبیح آنها نمایان است، نماز نخوانید تا وقتی که شبیح پنهان شود، یا هم شکسته بخوانید و هم تمام.

مسئله‌ی ۱۳۱۸: هر گاه به سفر بروید، اگر به جایی برسید که اذان را نشنوید،

ولی دیوار شهر را ببینید یا دیوارها را نبینید ولی صدای اذان را بشنوید، چنانچه بخواهید در آن جا نماز بخوانید، باید هم شکسته و هم تمام بخوانید. مسأله‌ی ۱۳۱۹: هر گاه از سفر به وطنتان برگردید، وقتی دیوار وطن خود را ببینید و صدای اذان آن را بشنوید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی هر گاه مسافر باشید و بخواهید ده روز در محلی بمانید، وقتی دیوار آن جا را ببینید و صدای اذانش را بشنوید، تا قبل از رسیدن به منزل، نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسأله‌ی ۱۳۲۰: هر گاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود یا به قدری گود باشد که اگر کمی دور شوید، دیوار آن را نبینید، اگر از آن شهر مسافرت می‌کنید، وقتی به اندازه‌ای دور شوید که اگر آن شهر در زمین هموار بود، دیوارش از آن جا دیده نمی‌شد، باید نماز خود را شکسته بخوانید و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌های شهر، بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه‌ی معمول را بنمایید.

مسأله‌ی ۱۳۲۱: هر گاه از محلی مسافرت کنید که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسید که اگر آن محل دیوار داشت، از آن جا دیده نمی‌شد، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسأله‌ی ۱۳۲۲: اگر به قدری دور شوید که ندانید صدایی که می‌شنوید صدای اذان است یا صدای دیگری، یا بفهمید اذان می‌گویند ولی کلمات آن را تشخیص ندهید، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسأله‌ی ۱۳۲۳: اگر به قدری دور شوید که اذان خانه‌ها را نشنوید، ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند بشنوید، نباید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۲۴: اگر به جایی برسید که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند نشنوید، ولی اذانی که در جای خیلی بلند یا با بلندگو می‌گویند را بشنوید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۲۵: اگر چشم یا گوشتان، یا صدای اذان، غیر معمولی باشد، در محلی باید نماز را شکسته بخوانید که چشم متوسط، دیوار خانه‌ها را نبیند و گوش متوسط، صدای اذان معمولی را نشنود.

مسئله‌ی ۱۳۲۶: اگر بخواهید در محلی نماز بخوانید که شک دارید به حد ترخص، یعنی جایی که اذان را نشنوید و دیوار را نبینید رسیده‌اید یا نه، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۲۷: هر گاه در حال سفر، از وطن خود عبور کنید، وقتی به جایی برسید که دیوار وطن خود را ببینید و صدای اذان آن را بشنوید، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۲۸: هر گاه در بین مسافرت به وطنتان برسید، تا وقتی در آن جا هستید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی اگر بخواهید از آن جا هشت فرسخ بروید یا چهار فرسخ بروید و برگردید، وقتی به جایی برسید که دیوار وطنتان را نبینید و صدای اذان آن را نشنوید، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۲۹: محلی را که برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده‌اید را و وطنتان بدانید، چه در آن جا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرتان باشد، یا خودتان آنجا را برای زندگی، اختیار کرده باشید.

مسئله‌ی ۱۳۳۰: اگر قصد دارید در محلی که وطن اصلتان نیست، مدتی بمانید و بعد به جای دیگری بروید، آنجا را وطن حساب نکنید.

مسئله‌ی ۱۳۳۱: جایی که محل زندگی خود قرار داده‌اید و ماندن خود را در

آن جا محدود به مقدار معین نکرده‌اید، و مثل کسی که آن جا وطن اوست در آن جا زندگی می‌کنید یعنی اگر مسافرتی برایتان پیش آید، دوباره به همان جا بر می‌گردید، اگر چه قصد نداشته باشید که همیشه در آن جا بمانید، باید آنجا را وطن خود حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۳۳۲: هر گاه در دو محل زندگی می‌کنید، مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگری می‌مانید، باید هر دو جا را وطن خود محسوب کنید. ولی نباید بیشتر از دو محل را برای زندگی خود به عنوان وطن اختیار کنید.

مسئله‌ی ۱۳۳۳: در غیر وطن اصلی و وطن غیر اصلی - که ذکر شد - در جاهای دیگر، اگر قصد ماندن ده روز نکنید، باید نمازتان را شکسته بخوانید، ولی اگر ملکی در جایی داشته باشید و قصد کنید مدتی طولانی (بیشتر از شش ماه) در آنجا بمانید، آنجا را وطنتان انتخاب نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۳۴: اگر به جایی برسید که وطنتان بوده و از آن جا صرف نظر کرده‌اید، نباید در آنجا نمازتان را تمام بخوانید، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشید.

مسئله‌ی ۱۳۳۵: هر گاه در مسافرت، قصد کنید ده روز پشت سر هم در محلی بمانید، یا می‌دانید که بدون اختیار، ده روز در محلی می‌مانند، باید در آن محل، نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۳۶: هر گاه در مسافرت بخواهید ده روز در محلی بمانید، داشتن قصد ماندن در شب اول یا شب یازدهم را لازم ندانید، و همین که قصد کنید از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بمانید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی اگر مثلاً قصدتان این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بمانید،

بہتر آن است کہ نمازتان را ہم شکستہ و ہم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۳۷: ہر گاہ در مسافرت بخواہید دہ روز در محلّی بمانید، در صورتی باید نماز را تمام بخوانید کہ تمام دہ روز را در یک جا بمانید، پس اگر بخواہید مثلاً دہ روز در نجف و کوفہ یا در تہران و شمیران بمانید، باید نمازتان را شکستہ بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۳۸: ہر گاہ در مسافرت بخواہید دہ روز در محلّی بمانید، باید از اول قصد ماندن دہ روز در آن محل یا توابع آن مانند باغ‌ها و بساتین را داشتہ باشید، و اگر از اول قصد بیرون رفتن از آن محل و توابع آن را داشتہ باشید، ہر چند بہ حد ترخص نرسد، نمازتان را ہم شکستہ و ہم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۳۹: ہر گاہ در مسافرت، تصمیم قطعّی نداشتہ باشید دہ روز در جایی بمانید، مثلاً قصدتان این باشد کہ اگر رفیقتان بیاید یا منزل خوبی پیدا کنید، دہ روز بمانید، باید نمازتان را شکستہ بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۴۰: ہر گاہ در مسافرت، تصمیم داشتہ باشید، دہ روز در محلّی بمانید، اگر احتمال بدهید کہ برای ماندنتان مانعی پیش آید، در صورتی کہ احتمالی عقلایی باشد، باید نمازتان را شکستہ بخوانید، ولی اگر طوری است کہ معمول مردم بہ چنان احتمالی اعتنا نمی‌کنند، باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۴۱: ہر گاہ در مسافرت، بدانید کہ مثلاً دہ روز یا بیشتر بہ آخر ماہ مانده است و قصد کنید کہ تا آخر ماہ در جایی بمانید، باید نمازتان را تمام بخوانید ولی اگر ندانید تا آخر ماہ چقدر مانده، باید بپرسید، پس اگر دہ روز یا بیشتر مانده بود، نمازتان را کامل بخوانید و اگر کمتر مانده بود، شکستہ بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۳۴۲: هر گاه در مسافرت قصد کنید ده روز در محلی بمانید، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی، از ماندن منصرف شوید، یا مردد شوید که در آن جا بمانید یا به جای دیگر بروید، باید نمازتان را شکسته بخوانید و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی اداء، از ماندن منصرف شوید یا مردد شوید، تا وقتی در آن جا هستید باید نماز را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۴۳: هر گاه در مسافرتی که قصد کرده‌اید ده روز در محلی بمانید، اگر روزه بگیرید و بعد از ظهر از ماندن در آن جا منصرف شوید، چنانچه یک نماز چهار رکعتی اداء خوانده باشید، روزه‌تان را صحیح بدانید و تا وقتی در آن جا هستید باید نمازهای خود را تمام بخوانید و اگر یک نماز چهار رکعتی اداء نخوانده باشید، باید روزه‌ی آن روزتان را تمام کنید و آن را قضا نیز بنمایید، و باید نمازهای خود را شکسته بخوانید و روزه‌های بعد هم نباید روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۳۴۴: هر گاه در مسافرتی که قصد کرده‌اید ده روز در محلی بمانید، از ماندن منصرف شوید و شک کنید پیش از آن که از قصد ماندن برگردید، یک نماز چهار رکعتی اداء خوانده‌اید یا نه، باید نمازهایتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۴۵: هر گاه در مسافرت به نیت این که نمازتان را شکسته بخوانید، مشغول نماز شوید و در بین نماز تصمیم بگیرید که ده روز یا بیشتر بمانید، باید نمازتان را چهار رکعتی تمام نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۴۶: هر گاه در مسافرتی که قصد کرده‌اید ده روز در جایی بمانید، در بین اولین نماز چهار رکعتی اداء از قصد خود برگردید، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده باشید، باید بنشینید و نماز را دو رکعتی تمام

نمایید و برای قیام بیجا، دو سجده‌ی سهو بجا آورید و بقیه‌ی نمازهای خود را شکسته بخوانید، ولی اگر وارد رکوع رکعت سوم شده باشید، نمازتان را باطل بشمارید و آن را شکسته اعاده نمایید و تا وقتی که در آن جا هستید، نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۴۷: هر گاه در مسافرتی که قصد کرده‌اید ده روز در محلی بمانید، بیشتر از ده روز در آن جا بمانید، تا وقتی مسافرت نکرده‌اید، باید نمازتان را تمام بخوانید و دوباره قصد ماندن ده روز کردن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۳۴۸: هر گاه در مسافرت، قصد کنید ده روز در محلی بمانید، باید روزه‌ی واجب را بگیرید و می‌توانید روزه‌ی مستحبی هم بگیرید. همچنین می‌توانید نماز جمعه و نافله‌ی ظهر و عصر و عشا را هم بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۴۹: هر گاه در مسافرت، قصد کنید ده روز در جایی بمانید، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی اداء بخواید به جایی که کمتر از چهار فرسخ است بروید و به محل اقامت خود برگردید، باید نمازتان را هم شکسته و هم تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۵۰: هر گاه در مسافرتی که قصد کرده‌اید ده روز در جایی بمانید، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی اداء بخواید به جای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است بروید و ده روز در آن جا بمانید، باید در رفتن و در جایی که قصد ماندن ده روز کرده‌اید، نمازهای خود را تمام بخوانید ولی اگر تا جایی که می‌خواهید بروید، هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید موقع رفتن، نمازهای خود را شکسته بخوانید و چنانچه در آن جا قصد ماندن ده روز کردید، نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۵۱: هر گاه در مسافرتی که قصد کرده‌اید ده روز در محلی

بمانید، بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی اداء بخواید به جایی که کمتر از چهار فرسخ است بروید، چنانچه مردد باشید که به محل اولتان برگردید یا نه، یا بکلی از برگشتن‌تان به آن جا غافل باشید، یا بخواید برگردید ولی مردد باشید که ده روز در آن جا بمانید یا نه، یا آن که از ده روز ماندن در آن جا و مسافرت از آن جا غافل باشید، باید از وقتی که می‌روید تا بر می‌گردید و بعد از برگشتن، نمازهایتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۵۲: اگر به خیال این که رفقایتان می‌خواهند ده روز در محلی بمانند، قصد کنید که ده روز در آن جا بمانید و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمید که آنها قصد نکرده‌اند، اگر چه خودتان هم از ماندن منصرف شوید، تا مدتی که در آن جا هستید باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۵۳: اگر در مسافرت، بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بمانید و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشید، بعد از گذشتن سی روز - اگر چه مقدار کمی در آن جا بمانید - باید نمازتان را تمام بخوانید. و همچنین اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ، بین ماندن در آن جا و رفتن بقیه‌ی راه مردد شوید، از وقتی که مردد می‌شوید، باید نمازتان را تمام بخوانید، ولی اگر بین رفتن بقیه‌ی راه و برگشتن به محل خود مردد شوید، در صورتی که به مقدار چهار فرسخ آمده باشید، باید نمازتان را شکسته بخوانید، و اگر به مقدار چهار فرسخ نباشد، نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۵۴: هر گاه در مسافرت بخواید نُه روز یا کمتر در محلی بمانید، اگر بعد از آن که نُه روز یا کمتر در آن جا ماندید، بخواید دوباره نُه روز دیگر یا کمتر بمانید، و همین طور تا سی روز نتوانید یک دهه را قصد کنید، روز سی و یکم و بعد از آن باید نمازتان را تمام بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۵۵: هر گاه در مسافرت، سی روز مردد باشید، در صورتی باید در روز سی و یکم به بعد، نماز را تمام بخوانید که سی روز را در یک جا بمانید، پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جای دیگر بمانید، بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخوانید.

مسائل متفرقه

مسئله‌ی ۱۳۵۶: در مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و مسجد کوفه و نزدیک ضریح مقدس حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) - هر چند مسافر باشید - نمازتان را تمام بخوانید ولی در جایی که اول جزء مسجد کوفه نبوده و بعد به آن اضافه شده و همچنین در صحن‌ها و رواق‌های حرم حضرت سید الشهداء (علیه‌السلام)، نمازتان را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۵۷: هر گاه در مسافرت باشید و بدانید باید نماز را شکسته بخوانید، اگر در غیر چهار مکانی که در مسئله‌ی پیش گفته شد، عمداً تمام بخوانید، نمازتان را باطل بشمارید. و نیز اگر فراموش کنید که مسافر باید نمازش را شکسته بخواند و تمام بخوانید، باید نمازتان را دوباره بخوانید، و اگر بعد از وقت یادتان بیاید، باید قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۵۸: هر گاه بدانید مسافرید و باید نمازتان را شکسته بخوانید، اگر غفلت کنید و تمام بخوانید، یا این که حکم مسافر و سفر خود را فراموش کرده باشید، چنانچه در وقت نماز یادتان بیاید، باید دوباره شکسته بخوانید و اگر در خارج از وقت یادتان بیاید، باید شکسته قضا کنید.

مسئله‌ی ۱۳۵۹: مدتی که نمی‌دانسته‌اید مسافر باید نمازش را شکسته بخواند، نمازهایی که در آن مدت خوانده‌اید را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۳۶۰: هر گاه مسافر باشید و بدانید که باید نمازتان را شکسته

بخوانید، اگر بعضی از خصوصیات آن را ندانید، مثلاً ندانید که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخوانید، چنانچه تمام بخوانید، باید در وقت، اعاده و بعد از وقت، به صورت شکسته قضایش نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۶۱: هر گاه در مسافرتی که می‌دانید باید نمازتان را شکسته بخوانید، اگر به گمان این‌که سفرتان کمتر از هشت فرسخ است تمام بخوانید، وقتی بفهمید که سفرتان هشت فرسخ بوده، باید نمازی را که تمام خوانده‌اید، دوباره شکسته بخوانید و اگر بعد از این‌که وقت گذشته بفهمید، باید شکسته قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۶۲: اگر فراموش کنید که مسافر هستید و نمازتان را تمام بخوانید، چنانچه در وقت یادتان بیاید، باید شکسته به جا آورید و اگر بعد از وقت یادتان بیاید، قضای آن نماز را واجب ندانید.

مسئله‌ی ۱۳۶۳: هر گاه باید نمازتان را تمام بخوانید، اگر شکسته بجا آورید، باید دوباره به صورت تمام، اعاده یا قضا کنید.

مسئله‌ی ۱۳۶۴: اگر مشغول نماز چهار رکعتی شوید و در بین نماز یادتان بیاید که مسافر هستید یا ملتفت شوید که سفرتان هشت فرسخ است، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته باشید، باید نماز را دو رکعتی تمام کنید و اگر به رکوع رکعت سوم رفته باشید، نمازتان را باطل بشمارید، و در صورتی که به مقدار خواندن یک رکعت هم وقت داشته باشید، باید نماز را شکسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۶۵: هر گاه مسافر باشید ولی بعضی از خصوصیات نماز مسافر را ندانید، مثلاً ندانید که اگر چهار فرسخ بروید و همان روز یا شب آن برگردید، باید شکسته بخوانید، چنانچه به نیت نماز چهار رکعتی مشغول نماز

شوید و پیش از رکوع رکعت سوم مسأله را بفهمید، باید نمازتان را دو رکعتی تمام کنید و اگر در رکوع ملتفت شوید، نمازتان را باطل بشمارید و در صورتی که به مقدار یک رکعت از وقت هم مانده باشد، باید نمازتان را شکسته بخوانید.

مسأله‌ی ۱۳۶۶: هر گاه مسافری باشید که باید نماز را تمام بخواند، اگر به واسطه‌ی ندانستن مسأله، به نیت نماز دو رکعتی مشغول نماز شوید و در بین نماز، مسأله را بفهمید، باید نماز را چهار رکعتی تمام کنید و بهتر است که بعد از تمام شدن نماز، دوباره آن را چهار رکعتی بخوانید.

مسأله‌ی ۱۳۶۷: هر گاه در مسافرت نماز نخوانده باشید، اگر پیش از تمام شدن وقت به وطنتان برسید، یا به جایی برسید که می‌خواهید ده روز در آنجا بمانید، باید نمازتان را تمام بخوانید، و هر گاه در اول وقت نماز نخوانید و مسافرت کنید، باید آن نماز را در سفر، شکسته بخوانید.

مسأله‌ی ۱۳۶۸: هر گاه در مسافرتی که باید نمازتان را شکسته بخوانید، نماز ظهر یا عصر یا عشاءتان قضا شود، باید چه در سفر و چه در وطن، آن را دو رکعتی قضا نمایید و همچنین اگر بخواهید نمازی که در وطن از شما فوت شده را در حال سفر قضا نمایید، باید تمام بخوانید.

مسأله‌ی ۱۳۶۹: بهتر است بعد از هر نمازی که در سفر، شکسته می‌خوانید، سی یا شصت مرتبه بگویید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ».

نماز قضا

مسئله‌ی ۱۳۷۰: هر گاه نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باشید، باید قضای آن را بجا آورید، اگر چه در تمام وقت نماز، خواب مانده یا به واسطه‌ی سستی، نماز نخوانده باشید، ولی قضا کردن نمازهای یومیه‌ای که منہاجیات در حال حیض یا نفاس نخوانده‌اند را لازم ندانند.

مسئله‌ی ۱۳۷۱: اگر بعد از وقت نماز بفهمید نمازی که خوانده‌اید باطل بوده، باید قضای آن را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۷۲: نباید در خواندن نمازهای قضایان کوتاهی کنید و بهتر است هر نمازی که فوت می‌شود را فوراً قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۷۳: بهتر است تا زمانی که نماز قضا دارید، به جای خواندن نماز مستحبی، نمازهای قضایان را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۳۷۴: اگر احتمال دهید که نماز قضایی دارید یا نمازهایی را که خوانده‌اید صحیح نبوده، خوب است قضای آن را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۳۷۵: قضای نمازهای یومیه را تا جایی که امکان دارد، به ترتیبی که فوت شده بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۳۷۶: اگر بخواهید قضای چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخوانید یا مثلاً بخواهید قضای یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخوانید، به ترتیب خواندن آنها را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۳۷۷: اگر ندانید کدامیک از نمازهایی که از شما فوت شده، جلوتر بوده، تا جایی که امکان دارد، طوری آنها را بخوانید که یقین کنید به ترتیبی

که قضا شده بجا آورده‌اید.

مسئله‌ی ۱۳۷۸: اگر بدانید نمازهایی که از شما قضا شده، کدام یک جلوتر قضا شده، آنچه اول قضا شده را اول بخوانید و دومی را بعد و همین طور. مسئله‌ی ۱۳۷۹: هر گاه بخواهید برای مرده‌ای نماز قضا بخوانید، و آن مرده، ترتیب قضا شدن را روشن کرده باشد، باید به همان ترتیب، قضا را بجا بیاورید.

مسئله‌ی ۱۳۸۰: هر گاه بخواهید چند نفر را اجیر کنید که برای مرده‌ای نماز بخوانند، و آن مرده، ترتیب قضا شدن را روشن کرده باشد، باید برایشان وقتی معین کنید تا در یک زمان، بیش از یک نفر مشغول نماز برای آن مرده نباشد.

مسئله‌ی ۱۳۸۱: اگر بدانید که مرده، ترتیب قضا شدن را نمی‌دانسته یا ندانید که می‌دانسته، باید طوری نمازهایش را قضا کنید که یقین به مراعات ترتیب حاصل کنید.

مسئله‌ی ۱۳۸۲: هر گاه بخواهید چند نفر را اجیر کنید که برای مرده‌ای نماز بخوانند، و آن مرده، ترتیب قضا شدن را روشن نکرده باشد، بهتر است برای هر کدام وقتی معین کنید تا همه با هم شروع به خواندن نماز قضا نکنند.

مسئله‌ی ۱۳۸۳: هر گاه چند نماز از شما قضا شده باشد و شماره‌ی آنها را ندانید، مثلاً ندانید چهار نماز بوده یا پنج نماز، یا شماره‌ی آنها را می‌دانسته‌اید ولی فراموش کرده‌اید، به قدری نماز بخوانید که یقین کنید تمام آن را بجا آورده‌اید.

مسئله‌ی ۱۳۸۴: هر گاه یک نماز قضا از امروز یا روزهای پیش دارید، قبل از خواندن نماز اداء، نماز قضایتان را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۸۵: هر گاه بدانید یک نماز چهار رکعتی نخوانده‌اید ولی ندانید نماز ظهر است یا عصر یا عشاء، باید یک نماز چهار رکعتی به نیت قضای نمازی که نخوانده‌اید، بخوانید و می‌توانید آن را با صدای بلند یا آهسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۸۶: هر گاه از روزهای گذشته نمازهای قضا داشته باشید و یک نماز یا بیشتر هم امروز از شما قضا شده باشد، بهتر است نمازهای قضا، مخصوصاً نماز قضای امروز را پیش از نماز ادا بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۸۷: تا زنده هستید - اگر چه از خواندن نمازهای قضایتان عاجز باشید - قضا کردن دیگری را کافی ندانید و باید وصیت کنید تا بعد از مردن، برایتان قضا کنند.

مسئله‌ی ۱۳۸۸: می‌توانید نماز قضا را با جماعت بخوانید، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم ندانید هر دو یک نماز را بخوانید بلکه مثلاً می‌توانید نماز قضای صبح را با نماز ظهر امام جماعت بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۸۹: فرزندان ممیزتان یعنی کودکانتان که خوب و بد را می‌فهمند را به نماز خواندن و عبادت‌های دیگر عادت دهید و به قضای نمازها هم وادار نمایید.

نماز قضای پدر و مادر که پسر بزرگتر باید بخواند

مسئله‌ی ۱۳۹۰: هر گاه پسر بزرگتر باشید و پدر یا مادرتان - چه با عذر و چه از روی نافرمانی - نماز یا روزه‌شان را بجا نیاورده باشند، باید بعد از فوتشان، قضا نمایید یا برای انجام آن اجیر بگیرید. و اگر پدر یا مادرتان پسر نداشته باشند و شما دختر بزرگترشان هستید، اگر نماز یا روزه‌شان را بجا نیاورده باشند، باید بعد از فوتشان، قضا نمایید یا برای انجام آن اجیر بگیرید.

مسئله‌ی ۱۳۹۱: هر گاه پسر بزرگتر باشید و شک داشته باشید که پدر یا مادرتان نماز یا روزه‌ی قضا داشته‌اند یا نه، قضای نماز و روزه را بر خود لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۳۹۲: هر گاه پسر بزرگتر باشید و بدانید که پدر یا مادرتان نماز قضا داشته‌اند ولی شک کنید که بجا آورده‌اند یا نه، باید قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۳۹۳: هر گاه معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است، قضای نماز و روزه‌ی پدر و مادر را بین خودتان قسمت کنید یا برای انجام آن قرعه بزنید. مسئله‌ی ۱۳۹۴: هر گاه پسر بزرگتر باشید و پدر یا مادرتان وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه‌ی او اجیر بگیرید، بعد از آن که اجیر، نماز و روزه‌ی او را به طور صحیح بجا آورد یا کسی حاضر شد مجانی از طرف میت نماز و روزه‌اش را قضا نماید، چیزی بر خود واجب ندانید.

مسئله‌ی ۱۳۹۵: هر گاه پسر بزرگتر باشید و بخواهید نماز پدر و مادرتان را قضا کنید، باید به تکلیف خودتان عمل کنید، مثلاً قضای نماز صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخوانید.

مسئله‌ی ۱۳۹۶: هر گاه خودتان نماز و روزه‌ی قضا داشته باشید، اگر نماز و روزه‌ی پدر و مادر هم بر شما واجب شود، هر کدام را بخواهید، می‌توانید اول بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۳۹۷: هر گاه پسر بزرگتر باشید ولی موقع مرگ پدر یا مادر، نابالغ یا دیوانه بوده‌اید، وقتی که بالغ یا عاقل شدید، باید نماز و روزه‌ی پدر یا مادرتان را قضا نمایید، و چنانچه برادر بزرگترتان که پسر بزرگتر است، در موقع مرگ پدر یا مادرتان، نابالغ یا دیوانه بوده و پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن بمیرد، شما که پسر دوم هستید باید بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۳۹۸: هر گاه پسر دوم باشید و برادر بزرگترتان که پسر بزرگتر است، پیش از آن که نماز و روزه‌ی پدر یا مادرتان را قضا کند بمیرد، چنانچه بین مرگ پدر یا مادرتان و مرگ او به قدری طول کشیده که می‌توانسته قضای نماز و روزه‌ی آنها را بجا آورد، قضایش را بر خودتان لازم ندانید، ولی اگر این مقدار طول نکشیده، شما که پسر دوم هستید، باید نماز و روزه‌ی پدر یا مادرتان را قضا کنید.

نماز جماعت

مسئله‌ی ۱۳۹۹: نمازهای واجبتان خصوصاً نمازهای یومیه را به جماعت بخوانید و بر جماعت خواندن نماز صبح و مغرب و عشا، بخصوص اگر همسایه‌ی مسجد باشید یا صدای اذان مسجد را بشنوید، بیشتر مواظبت کنید.

مسئله‌ی ۱۴۰۰: در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند، ثواب نمازشان بیشتر می‌شود تا به ده نفر برسد و عده‌ی آنان که از ده گذشت، اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و دریاها مرکب و درخت‌ها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

مسئله‌ی ۱۴۰۱: نباید نماز جماعت را از روی بی‌اعتنایی و بدون عذر ترک کنید.

مسئله‌ی ۱۴۰۲: بهتر است صبر کنید که نماز را به جماعت بخوانید. و نماز

جماعت را از نماز اول وقت که تنها خوانده شود، بهتر بدانید. و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانید، از نماز فرادایی که آن را طول بدهید، بهتر بشمارید.

مسئله‌ی ۱۴۰۳: وقتی که جماعت بر پا می‌شود، گر چه نمازتان را به تنهایی خوانده باشید، دوباره با جماعت بخوانید و اگر بعد بفهمید که نماز اولتان باطل بوده، نماز دوم را کافی بدانید.

مسئله‌ی ۱۴۰۴: هر گاه نمازتان را به عنوان امام یا مأموم به جماعت خواندید، همان نماز را دوباره به عنوان امام یا مأموم با افراد دیگر بجا نیاورید، مگر این که در نماز اولتان احتمال فساد بدهید.

مسئله‌ی ۱۴۰۵: هر گاه در نماز دچار وسواس می‌شوید و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخوانید از وسواس راحت می‌گردید، باید نماز را با جماعت بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۰۶: هر گاه پدر یا مادرتان به شما امر کند که نماز را به جماعت بخوانید، باید نماز را به جماعت بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۰۷: نماز مستحب را نباید با جماعت بخوانید، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران است. و هر گاه در نماز عید فطر و قربان در عصر غیبت استاد حاضر (ارواحنا فداه) شرکت کردید، حمد و سوره‌تان را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۰۸: موقعی که امام جماعت، نماز یومیه می‌خواند، می‌توانید هر کدام از نمازهای یومیه را به او اقتدا کنید، ولی اگر نماز یومیه‌اش را احتیاطاً دوباره می‌خواند، اقتدا نکنید.

مسئله‌ی ۱۴۰۹: هر گاه امام جماعت قضای نماز یومیه‌ی خود را می‌خواند، می‌توانید به او اقتدا کنید، ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می‌کند یا قضای

احتیاطی نماز کس دیگری را می‌خواند، اقتدا نکنید.

مسئله‌ی ۱۴۱۰: هر گاه ندانید نمازی را که امام می‌خواند، نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نباید به او اقتدا کنید.

مسئله‌ی ۱۴۱۱: هر گاه محراب، آنقدر فرو رفتگی داشته باشد که اگر دو طرف محراب بایستید، امام جماعت را نبینید، نباید اقتدا کنید.

مسئله‌ی ۱۴۱۲: هر گاه دو طرف صف ایستاده باشید و به واسطه‌ی طولانی شدن صف اول، امام را نبینید، می‌توانید اقتدا کنید و نیز اگر به واسطه‌ی طولانی شدن یکی از صف‌های دیگر، صف جلوی خود را نبینید، می‌توانید اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۱۳: هر گاه صف‌های جماعت تا در مسجد برسد، می‌توانید مقابل در و پشت صف بایستید و پشت سر آنان نیز می‌توانید اقتدا کنید، ولی اگر دو طرف بایستید، صف جلو را نمی‌بینید، اقتدا نکنید.

مسئله‌ی ۱۴۱۴: هر گاه پشت ستون بایستید، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه‌ی مأموم دیگر به امام متصل نباشید، نباید اقتدا کنید. بلکه اگر از دو طرف هم متصل باشید، ولی از صف جلو، حتی یک نفر را هم نبینید، نباید اقتدا کنید.

مسئله‌ی ۱۴۱۵: هر گاه امام جماعت باشید، نباید جای ایستادنتان از جای ایستادن مأمومین، بلندتر باشد ولی اگر مقدار خیلی کمی بلندتر باشد، دارای اشکال ندانید. همچنین نباید به امام جماعتی که جایش از جای شما بلندتر است اقتدا کنید. و نیز اگر بخواهید در زمین سرایش امام جماعت باشید، هر گاه در طرفی که بلندتر است بایستید، در صورتی می‌توانید که سرایشی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن زمین مسطح بگویند.

مسئله‌ی ۱۴۱۶: هر گاه مأموم باشید و جایتان بلندتر از جای امام باشد، در صورتی که بلندی‌اش به مقدار متعارف زمان قدیم باشد، مثل آن که امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام بایستد، می‌توانید اقتدا کنید، ولی در ساختمان‌های چند طبقه‌ی این زمان نباید اقتدا کنید.

مسئله‌ی ۱۴۱۷: اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اید، بچه‌ی ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد فاصله شود، در صورتی که نماز او را صحیح بدانید می‌توانید اقتدا کنید ولی اگر شک در صحت نماز او داشته باشید و فاصله زیاد باشد که اتصال بقیه‌ی صف به امام به وسیله‌ی آن کودک باشد، نباید اقتدا کنید، بلی فاصله شدن یک کودک - هر چند نمازش باطل باشد - را مانع اتصال به جماعت ندانید.

مسئله‌ی ۱۴۱۸: هر گاه بعد از تکبیر امام، صف جلوتان آماده‌ی نماز بوده، و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، شما که در صف بعد ایستاده‌اید، می‌توانید تکبیر بگویید، ولی بهتر است صبر کنید تا تکبیر صف جلو تمام شود.

مسئله‌ی ۱۴۱۹: اگر بدانید نماز یک صف از صف‌های جلو باطل است، نباید در صف‌های بعدی اقتدا کنید، ولی اگر ندانید نماز آنان صحیح است یا نه، می‌توانید اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۲۰: هرگاه بدانید نماز امام جماعت باطل است، مثلاً بدانید امام وضو ندارد، اگر چه خود امام ملتفت نباشد، نباید به او اقتدا کنید.

مسئله‌ی ۱۴۲۱: اگر بعد از نماز بفهمید که امام جماعت عادل نبوده، یا کافر بوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلاً بی‌وضو نماز خوانده است، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۴۲۲: اگر در بین نماز شک کنید که اقتدا کرده‌اید یا نه، چنانچه در

حالی باشید که وظیفه‌ی مأموم است، مثلاً به حمد و سوره‌ی امام گوش می‌دهید باید نماز را به جماعت تمام کنید، ولی اگر مشغول کاری باشید که هم وظیفه‌ی امام و هم وظیفه‌ی مأموم است، مثلاً در رکوع یا سجده باشید، باید نماز را به نیت فرادی تمام نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۲۳: تا ناچار نشده‌اید، در بین نماز جماعت، نیت فرادا نکنید.

مسئله‌ی ۱۴۲۴: هر گاه به واسطه‌ی عذری بعد از حمد و سوره‌ی امام یا در بین حمد و سوره‌ی امام، نیت فرادا کنید، باید حمد و سوره را از اول بخوانید. مسئله‌ی ۱۴۲۵: هر گاه در بین نماز جماعت، نیت فرادا نمایید، یا مردد شوید که نیت فرادا کنید یا نه، باید نمازتان را فرادا تمام کنید.

مسئله‌ی ۱۴۲۶: هر گاه در بین نماز جماعت شک کنید که نیت فرادا کرده‌اید یا نه، باید بنا بگذارید که نیت فرادا نکرده‌اید.

مسئله‌ی ۱۴۲۷: اگر موقعی که امام در رکوع است، اقتدا کنید و به رکوع امام برسید، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازتان به طور جماعت را صحیح بدانید و یک رکعت حساب کنید، اما اگر به مقدار رکوع خم شوید ولی به رکوع امام نرسید، نیتتان را تبدیل به نافله کنید و نماز را به هم بزنید و در رکعت بعدی اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۲۸: اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کنید و به مقدار رکوع خم شوید ولی شک کنید که به رکوع امام رسیدید یا نه، نیتتان را تبدیل به نافله کنید و نماز را به هم بزنید و در رکعت بعدی اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۲۹: اگر موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کنید و پیش از آن که به اندازه‌ی رکوع خم شوید، امام سر از رکوع بردارد، نیتتان را تبدیل به نافله کنید و نماز را به هم بزنید و در رکعت بعدی اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۳۰: اگر اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کنید و سهواً پیش از آن که به رکوع بروید، امام سر از رکوع بردارد، نمازتان را صحیح بشمارید، ولی چنانچه عمداً رکوع را به تأخیر اندازید، باید نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۳۱: هر گاه موقعی برسید که امام جماعت مشغول خواندن تشهد آخر نماز است، چنانچه بخواهید به ثواب جماعت برسید، باید بعد از نیت و گفتن تکبیرة الاحرام بنشینید و تشهد را با امام بخوانید، ولی سلام را نگویند و صبر کنید تا امام، سلام نماز را بدهد، بعد بایستید و بدون آن که دوباره نیت کنید یا تکبیر الاحرام بگویید، حمد و سوره را بخوانید و آن را رکعت اول نماز خود حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۴۳۲: در نماز جماعت نباید جلوتر از امام یا مساوی با او بایستید، بلکه باید در محل اعضای سجده و حرکات نماز، قدری عقب‌تر باشید.

مسئله‌ی ۱۴۳۳: در نماز جماعت نباید بین شما و امام، پرده و مانند آن که پشتش دیده نمی‌شود فاصله باشد، بلکه شیشه و مانند آن که پشتش دیده می‌شود نیز فاصله نباشد. و همچنین است بین شما با مأموم دیگری که به واسطه‌ی او به امام متصل شده‌اید. ولی منهاجیات می‌توانند بین خود و بین امام جماعت یا مأموم دیگری که مرد است و به واسطه‌ی او به امام متصل شده‌اند، پرده و مانند آن قرار بدهند.

مسئله‌ی ۱۴۳۴: اگر بعد از شروع به نماز، بین شما و امام یا بین شما و کسی که به واسطه‌ی او متصل به امام هستید، پرده یا چیز دیگری فاصله شود، هر چند پشت آن را بتوانید ببینید، باید نیت فرادا کنید و نمازتان را تمام نمایید.

مسأله‌ی ۱۴۳۵: اگر بین جای سجده‌ی شما و جای ایستادن امام، تا اندازه‌ی یک قدم فاصله باشد، دارای اشکال ندانید، و نیز اگر بین شما با مأومی که جلوتان ایستاده و به واسطه‌ی او به امام متصل هستید، به همین مقدار فاصله باشد. گر چه بهتر آن است که جای سجده‌ی تان با جای پای کسی که جلوتان ایستاده، فاصله نداشته باشد.

مسأله‌ی ۱۴۳۶: اگر به واسطه‌ی کسی که طرف راست یا چپتان اقتدا کرده به امام جماعت متصل باشید و از جلو به امام متصل نباشید، نباید بیشتر از یک قدم با او فاصله داشته باشید.

مسأله‌ی ۱۴۳۷: اگر در حال نماز، بین شما و امام یا بین شما و کسی که به واسطه‌ی او به امام متصل هستید، بیشتر از یک قدم فاصله پیدا شود، باید قصد فرادا کنید و نمازتان را صحیح بدانید.

مسأله‌ی ۱۴۳۸: هر گاه در صف دوم ایستاده باشید و نماز همه‌ی کسانی که در صف جلو هستند، تمام شود یا همه‌ی آنها نیت فرادا نمایند، نمازتان را به صورت فرادا صحیح بدانید، هر چند صف جلو، فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا کنند.

مسأله‌ی ۱۴۳۹: هر گاه در رکعت دوم اقتدا کنید، باید قنوت و تشهد را با امام بخوانید و موقع خواندن تشهد، انگشتان دست و سینه‌ی پا را به زمین بگذارید و زانوهایتان را بلند کنید و باید بعد از تشهد با امام برخیزید و حمد و سوره را بخوانید و اگر برای سوره وقت ندارید، حمد را تمام کنید و در رکوع، خود را به امام برسانید، ولی اگر به رکوع نمی‌رسید، باید حمد و سوره را بخوانید و نماز را به نیت فرادا تمام نمایید.

مسأله‌ی ۱۴۴۰: اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است

اقتدا کنید، باید در رکعت دوم نمازتان که رکعت سوم امام است، بعد از دو سجده، بنشینید و تشهد را به مقدار واجب بخوانید و برخیزید، و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات، وقت ندارید، یک مرتبه بگویید و در رکوع یا سجده خود را به امام برسانید.

مسئله‌ی ۱۴۴۱: اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و بدانید اگر اقتدا کنید و حمد را بخوانید، به رکوع امام نمی‌رسید، باید صبر کنید تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۴۲: اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کنید، باید حمد و سوره را بخوانید و اگر برای سوره وقت ندارید، باید حمد را تمام کنید و در رکوع خود را به امام برسانید، ولی اگر رکوع را درک نمی‌کنید، باید حمد و سوره را بخوانید و نماز را به نیت فرادا تمام نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۴۳: هر گاه بدانید اگر سوره یا قنوت را بخوانید، به رکوع امام نمی‌رسید، چنانچه عمداً سوره یا قنوت را بخوانید و به رکوع نرسید، باید نمازتان را به نیت فرادا تمام نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۴۴: هر گاه اطمینان داشته باشید اگر سوره را شروع کنید یا تمام نمایید به رکوع امام می‌رسید، باید سوره را شروع کنید یا اگر شروع کرده‌اید تمام نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۴۵: هر گاه یقین داشته باشید، اگر سوره را بخوانید به رکوع امام می‌رسید، چنانچه سوره را بخوانید و به رکوع نرسید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۴۴۶: اگر امام ایستاده باشد و ندانید که در کدام رکعت است، چنانچه راهی برای فهمیدن نباشد، باید صبر کنید و در رکوع اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۴۷: اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است، حمد و

سوره نخوانید و بعد از رکوع بفهمید که در رکعت سوم یا چهارم بوده، نمازتان را صحیح بدانید. ولی اگر پیش از رکوع بفهمید، باید حمد و سوره را بخوانید و اگر به رکوع نرسید، نمازتان را به نیت فرادا تمام نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۴۸: اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است، حمد و سوره را بخوانید و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمید که در رکعت اول یا دوم بوده است، نمازتان را صحیح بدانید. و اگر در بین حمد و سوره بفهمید، باید ادامه‌ی حمد یا سوره را رها کنید.

مسئله‌ی ۱۴۴۹: اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی هستید، جماعت بر پا شود، چنانچه اطمینان نداشته باشید که اگر نماز را تمام کنید به جماعت می‌رسید، بهتر است نماز مستحبی‌تان را رها کنید.

مسئله‌ی ۱۴۵۰: اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی هستید، جماعت بر پا شود، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارید که اگر نماز را تمام کنید به جماعت می‌رسید، بهتر است نمازتان را به نیت نماز مستحبی برگردانده و دو رکعتی تمام کنید و خود را به جماعت برسانید.

مسئله‌ی ۱۴۵۱: هر گاه مأوم باشید و نماز امام تمام شود، در حالی که شما هنوز مشغول تشهد یا سلام اول باشید، نیت فرادا کردن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۴۵۲: هر گاه در نماز جماعت، یک رکعت از امام جماعت عقب مانده باشید، وقتی امام، تشهد رکعت آخر را می‌خواند، باید انگشتان دست و سینه‌ی پا را به زمین بگذارید و زانوها را بالا به حالت نیم‌خیز نگه دارید و صبر کنید تا امام، سلام نماز را بگوید و بعد برخیزید.

شرایط امام جماعت

مسئله‌ی ۱۴۵۳: امام جماعتی که به او اقتدا می‌کنید، باید بالغ، عاقل، شیعه‌ی دوازده امامی، عادل، حلال‌زاده و مرد باشد و نماز را به طور صحیح بخواند، و بجهی ممیز که خوب و بد را می‌فهمد، نباید به بجهی ممیز دیگر اقتدا نماید.

مسئله‌ی ۱۴۵۴: هر گاه شک کنید امامی را که عادل می‌دانسته‌اید، به عدالت خود باقی است یا نه، می‌توانید به او اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۵۵: هر گاه ایستاده نماز بخوانید، نباید به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کنید و هر گاه نشسته نماز بخوانید، نباید به کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۵۶: هر گاه نشسته نماز بخوانید، می‌توانید به کسی که نشسته نماز می‌خواند اقتدا کنید و همچنین وقتی خوابیده نماز بخوانید، می‌توانید به کسی که نشسته نماز می‌خواند، اقتدا کنید. ولی وقتی که خوابیده نماز می‌خوانید، نباید به کسی که خوابیده نماز می‌خواند اقتدا نمایید.

مسئله‌ی ۱۴۵۷: اگر امام جماعت به واسطه‌ی عذری با تیمم یا با وضوی جبیره‌ای نماز بخواند، می‌توانید به او اقتدا کنید ولی اگر به واسطه‌ی عذری با لباس نجس نماز می‌خواند، نباید به او اقتدا کنید.

مسئله‌ی ۱۴۵۸: هر گاه کسی مرضی دارد که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوعش خودداری کند، نباید به او اقتدا کنید.

مسئله‌ی ۱۴۵۹: هر گاه مرض خوره یا پیسی داشته باشید، نباید امام جماعت شوید. و به کسی که حد شرعی بر او جاری شده اقتدا نکنید.

احکام جماعت

مسئله‌ی ۱۴۶۰: موقعی که بخواهید نماز جماعت بخوانید، باید امام را معین

نمایید، ولی دانستن اسم او را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۴۶۱: در نماز جماعت باید همه چیز نماز، غیر از حمد و سوره، را خودتان بخوانید، ولی اگر رکعت اول یا دومتان، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۶۲: اگر در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشاء، صدای حمد و سوره‌ی امام را بشنوید، اگر چه کلمات را تشخیص ندهید، نباید حمد و سوره را بخوانید ولی اگر صدای امام را نشنوید، حمد و سوره را آهسته بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۶۳: اگر بعضی از کلمات حمد و سوره‌ی امام را بشنوید، نباید حمد و سوره را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۶۴: اگر سهواً حمد و سوره بخوانید یا خیال کنید صدایی را که می شنوید صدای امام نیست و حمد و سوره بخوانید و بعد بفهمید صدای امام بوده، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۴۶۵: اگر شک کنید که صدای امام را می شنوید یا نه، یا صدایی بشنوید و ندانید صدای امام است یا صدای کس دیگر، حمد و سوره را نخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۶۶: هر گاه مأموم باشید، نباید در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، حمد و سوره بخوانید، ولی به جای آن ذکر بگویید.

مسئله‌ی ۱۴۶۷: نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگویید، بلکه تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگویید.

مسئله‌ی ۱۴۶۸: هر گاه مأموم باشید، اگر سلام امام را بشنوید یا بدانید چه وقت سلام می گوید، نباید پیش از امام سلام بگویید ولی چنانچه سهواً پیش

از امام سلام دهید، نمازتان را صحیح بدانید و دوباره سلام دادن با امام را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۴۶۹: هر گاه مأموم باشید، غیر از تکبیرة الاحرام و سلام که نباید قبل از امام بگویید، بهتر است چیزهای دیگر نماز را نیز پیش از امام نگوید. مسئله‌ی ۱۴۷۰: هر گاه مأموم باشید، باید غیر از آنچه در نماز خوانده می‌شود، کارهای دیگر آن مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورید و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی طولانی بعد از امام انجام دهید، باید یا نمازتان را فرادا کنید یا با جماعت تمام نمایید و بعد از استغفار، دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۷۱: اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارید، صبر کنید تا امام سر از رکوع بردارد، چون اگر دوباره به رکوع برگردید و پیش از آن که به رکوع برسید، امام سر بردارد، باید نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۴۷۲: اگر به اشتباه سر بردارید و ببینید امام در سجده است، صبر کنید تا امام سر از سجده بردارد.

مسئله‌ی ۱۴۷۳: هر گاه به اشتباه پیش از امام سر از سجده بردارید، اگر به سجده برگردید و هنوز به سجده نرسیده، امام سر بردارد، نمازتان را صحیح بدانید، ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیافتد، نمازتان را باطل بشمارید. مسئله‌ی ۱۴۷۴: اگر به اشتباه سر از رکوع یا سجده بردارید و سهواً یا به خیال این که به امام نمی‌رسید به رکوع یا سجده نروید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۴۷۵: هر گاه سر از سجده بردارید و ببینید امام در سجده است، باید صبر کنید تا معلومتان شود که سجده‌ی اول امام است یا سجده‌ی دوم.

پس اگر سجده‌ی اول بود، با امام به سجده‌ی دوم بروید و اگر سجده‌ی دوم امام بود، خودتان یک سجده‌ی دیگر انجام داده و خود را به امام برسانید.

مسئله‌ی ۱۴۷۶: اگر سهواً پیش از امام به رکوع بروید و طوری باشد که اگر سر بردارید به مقداری از قرائت امام می‌رسید، باید سر بردارید و با امام به رکوع بروید. و اگر عمداً برنگردید، یا نیت فرادا کنید و نمازتان را تمام نمایید و یا این که باید نماز را به جماعت تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۷۷: اگر سهواً پیش از امام به رکوع بروید و طوری باشد که اگر برگردید به چیزی از قرائت امام نمی‌رسید، یا نیت فرادا کنید و نمازتان را تمام نمایید و یا این که باید سر بردارید و با امام، نماز را تمام کنید و نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۷۸: اگر سهواً پیش از امام به سجده بروید، یا باید نیت فرادا کنید و نمازتان را تمام نمایید و یا این که باید سر بردارید و با امام، نمازتان را تمام کنید و نمازتان را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۷۹: هر گاه مأوم باشید و امام در رکعتی که قنوت ندارد، اشتباهی قنوت بخواند یا در رکعتی که تشهد ندارد، اشتباهی مشغول خواندن تشهد شود، نباید قنوت و تشهد را بخوانید ولی نباید پیش از امام به رکوع بروید، یا پیش از ایستادن امام بایستید، بلکه باید صبر کنید تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیه‌ی نماز را با او بخوانید.

چیزهایی که خوب است در نماز جماعت مراعات کنید

مسئله‌ی ۱۴۸۰: هر گاه تنها باشید، طرف راست امام بایستید، و اگر یکی از منهاجیات تنها باشد، طوری در طرف راست امام بایستد که جای سجده‌اش مساوی زانو یا پای امام باشد، و اگر یک مرد و یک زن، یا یک مرد و چند زن

باشید، شما در طرف راست امام ایستاده و منهاجیات پشت سر امام بایستند، و اگر چند مرد یا چند زن باشید، پشت سر امام بایستید، و اگر چند مرد و چند زن باشید، مردها پشت سر امام بایستید و زن‌ها پشت سر مردها بایستند.

مسئله‌ی ۱۴۸۱: در نماز میت، که منهاجیات می‌توانند امام زنان شوند، بهتر است جلوتر از دیگر زنان نایستند.

مسئله‌ی ۱۴۸۲: بهتر است هر گاه امام جماعت باشید، در وسط صف بایستید و بخواهید که منهاجیون (اهل علم و کمال و تقوا) در صف اول بایستند.

مسئله‌ی ۱۴۸۳: صف‌های جماعت را منظم کنید و بهتر است بین شما و کسانی که در یک صف ایستاده‌اید، فاصله نباشد و شانه‌هایتان ردیف یکدیگر باشد.

مسئله‌ی ۱۴۸۴: هر گاه مأموم باشید، بعد از گفتن «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» امام جماعت، برخیزید.

مسئله‌ی ۱۴۸۵: وقتی امام جماعت باشید، حال مأمومی که از دیگران ضعیف‌تر است را رعایت کنید و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهید، مگر بدانید همه‌ی کسانی که به شما اقتدا کرده‌اند، مایلند. و عجله نکنید تا افراد ضعیف به شما برسند.

مسئله‌ی ۱۴۸۶: هر گاه امام جماعت باشید، در حمد و سوره و ذکرهایی که بلند می‌خوانید، صدای خود را به قدری بلند کنید که دیگران بشنوند، ولی نباید بیش از اندازه صدایتان را بلند کنید.

مسئله‌ی ۱۴۸۷: هر گاه امام جماعت باشید و در رکوع بفهمید کسی تازه

رسیده و می‌خواهد اقتدا کند، ذکر رکوع را دو برابر همیشه بخوانید و بعد برخیزید، و برای افراد بعدی که می‌خواهند اقتدا کنند، صبر نکنید.

چیزهایی که شایسته است در نماز جماعت ترک کنید

مسئله‌ی ۱۴۸۸: اگر در صف‌های جماعت جا باشد، تنها نایستید.
مسئله‌ی ۱۴۸۹: ذکرهای نماز را طوری نگویند که امام جماعت بشنود.
مسئله‌ی ۱۴۹۰: هر گاه مسافری باشید که نماز ظهر و عصر و عشايتان را دو رکعتی می‌خوانید، اگر بخواهید در این نمازها به کسی که مسافر نیست اقتدا کنید یا هر گاه مسافر نباشید و بخواهید در این نمازها، به مسافر اقتدا نمایید، ثواب نمازتان را کمتر از اقتدای مسافر به مسافر و غیر مسافر به غیر مسافر بدانید.

نماز آیات

مسئله‌ی ۱۴۹۱: نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد را برای چهار چیز بخوانید:

اول: گرفتن خورشید. دوم: گرفتن ماه، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد. سوم: زلزله، اگر چه کسی هم نترسد. چهارم: رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها. و در حوادث زمینی مانند فرو رفتن آب دریا و ریزش کوه و رانش زمین که موجب ترس اکثر مردم می‌شود، خواندن نماز آیات را ترک نکنید.

مسئله‌ی ۱۴۹۲: اگر از چیزهایی که باید برایش نماز آیات بخوانید، بیشتر از

یکی اتفاق بیافتد، باید برای هر یک از آنها یک نماز آیات بخوانید، مثلاً اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود، باید دو نماز آیات بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۹۳: هر گاه باید چند نماز آیات بخوانید، معین کنید که برای چه عاملی نماز آیات می‌خوانید.

مسئله‌ی ۱۴۹۴: هر گاه چیزهایی که باید برای آنها نماز آیات بخوانید، در همان شهری که در آن هستید اتفاق بیافتد، باید نماز آیات بخوانید ولی اگر در جای دیگری اتفاق افتاده باشد، خواندن نماز آیات را بر خود لازم ندانید مگر این که مکان وقوع آنها به قدری نزدیک شما باشد که با شهر شما یکی حساب شود.

مسئله‌ی ۱۴۹۵: باید از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند، نماز آیات را بخوانید، و نباید به قدری تأخیر بیاندازید که شروع به باز شدن کند. مسئله‌ی ۱۴۹۶: اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیاندازید که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند، نیت ادا یا قضا نکنید، ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخوانید، باید نیت قضا نمایید. و در صورتی که تمام ماه یا خورشید گرفته باشد و عمداً نماز آیات را نخوانده باشید، قبل از قضای نماز، غسل کنید.

مسئله‌ی ۱۴۹۷: اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه، بیشتر از خواندن یک رکعت باشد ولی نماز را نخوانید، تا به اندازه‌ی خواندن یک رکعت به آخر وقت آن مانده باشد، یا مدت گرفتنشان به اندازه‌ی خواندن یک رکعت باشد، باید نماز آیات را به نیت ادا بخوانید.

مسئله‌ی ۱۴۹۸: موقعی که زلزله یا رعد و برق و مانند اینها از حوادث گذرا که زمان آغاز و پایان ندارد، اتفاق بیافتد، باید فوراً نماز آیات را بخوانید و اگر

بخوانید، خود را معصیت‌کار بدانید و پس از استغفار، در اولین فرصت بخوانید و نیت ادا یا قضا نکنید.

مسئله‌ی ۱۴۹۹: اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه، بفهمید که تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخوانید ولی اگر بفهمید مقداری از آن گرفته بوده، قضایش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۵۰۰: اگر عده‌ای بگویند که خورشید یا ماه گرفته است، تحقیق کنید تا به یقین برسید ولی اگر تحقیق امکان ندارد یا زمانی بیش از زمان خورشیدگرفتگی یا ماه‌گرفتگی طول می‌کشد، نماز آیات را به نیت مطلوبیت بخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۰۱: اگر به گفته‌ی کسانی که از روی قاعده‌ی علمی، وقت گرفتن خورشید و ماه را می‌دانند، اطمینان پیدا کنید که خورشید یا ماه گرفته، باید نماز آیات را بخوانید. و نیز اگر بگویید فلان وقت، خورشید یا ماه می‌گیرد و فلان مقدار طول می‌کشد، و به گفته‌ی آنان اطمینان پیدا کنید، باید به حرف آنان عمل نمایید. مثلاً اگر بگویید آفتاب در فلان ساعت شروع به باز شدن می‌کند، نباید نماز را تا آن وقت به تأخیر اندازید.

مسئله‌ی ۱۵۰۲: اگر بفهمید نماز آیاتی را که خوانده‌اید باطل بوده، باید دوباره بخوانید، و اگر وقت گذشته، باید قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۰۳: هر گاه در وقت نماز یومیه، نماز آیات هم واجب شود، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارید، هر کدام را که خواستید اول بخوانید، ولی اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد، باید اول آن را بخوانید، و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز یومیه را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۰۴: هر گاه در بین نماز یومیه بفهمید که وقت نماز آیات است،

چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد، باید آن را تمام کنید، بعد نماز آیات را بخوانید، و اگر وقت نماز یومیه تنگ نباشد، باید آن را بشکنید و اول نماز آیات و بعد نماز یومیه را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۵۰۵: اگر در بین نماز آیات بفهمید که وقت نماز یومیه تنگ است، باید نماز آیات را رها کنید و مشغول نماز یومیه شوید و بعد از آن که نماز را تمام کردید، پیش از انجام کاری که نماز را به هم بزند، بقیه‌ی نماز آیات را از همان جا که رها کرده‌اید بخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۰۶: هر گاه در حال حیض یا نفاس منہاجیات، آفتاب یا ماه بگیرد و تا آخر مدتی که خورشید یا ماه باز می‌شود در حال حیض یا نفاس باشند، باید در حال پاکی، بدون نیت ادا یا قضا، بجا آورند.

دستور نماز آیات

مسئله‌ی ۱۵۰۷: نماز آیات را دو رکعت بدانید که در هر رکعت پنج رکوع دارد، و دستور آن این است که بعد از نیت، تکبیر بگویید و یک حمد و یک سوره‌ی تمام بخوانید و به رکوع بروید و سر از رکوع بردارید، دوباره یک حمد و یک سوره بخوانید، باز به رکوع بروید تا پنج مرتبه، و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم، دو سجده نمایید و برخیزید و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورید و تشهد بخوانید و سلام دهید.

مسئله‌ی ۱۵۰۸: در نماز آیات می‌توانید بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کنید و یک آیه یا بیشتر از آن را بخوانید و به رکوع بروید و سر بردارید و بدون این که حمد بخوانید، قسمت دوم همان سوره را بخوانید و به رکوع بروید و همین طور تا پیش از رکوع پنجم، سوره را

تمام نمایید، مثلاً بعد از حمد بگویید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و به رکوع بروید، بعد از ذکر رکوع بایستید و بگویید: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» باز به رکوع بروید و بعد از ذکر رکوع بایستید و بگویید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» باز به رکوع بروید و بعد از ذکر رکوع بایستید و بگویید: «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ» سپس به رکوع بروید و بعد ذکر رکوع، باز هم سر بردارید و بگویید: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» و بعد از آن به رکوع پنجم بروید و بعد از سر برداشتن، دو سجده کنید و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورید و بعد از سجده‌ی دوم، تشهد بخوانید و نماز را سلام دهید.

مسئله‌ی ۱۵۰۹: می‌توانید در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و سوره بخوانید و در رکعت دیگر، یک حمد بخوانید و سوره را به پنج قسمت تقسیم کنید.

مسئله‌ی ۱۵۱۰: چیزهایی که در نماز یومیه، واجب و مستحب می‌دانید را در نماز آیات هم واجب و مستحب بدانید، جز این که به جای اذان و اقامه، سه مرتبه به امید ثواب، بگویید: «الصَّلَاةَ».

مسئله‌ی ۱۵۱۱: بعد از رکوع پنجم و دهم، بگویید «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» و نیز پیش از رکوع و بعد از آن تکبیر بگویید.

مسئله‌ی ۱۵۱۲: خوب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم، قنوت بخوانید، و می‌توانید فقط یک قنوت، پیش از رکوع دهم بخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۱۳: اگر در نماز آیات شک کنید که چند رکعت خوانده‌اید و فکرتان به جایی نرسد، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۱۴: اگر شک کنید که در رکوع آخر رکعت اول هستید یا در رکوع

اول رکعت دوم، و فکرشان به جایی نرسد، نمازتان را باطل بشمارید. ولی اگر مثلاً شک کنید که چهار رکوع کرده‌اید یا پنج رکوع، چنانچه برای رفتن‌تان به سجده خم نشده‌اید، باید رکوعی را که شک دارید بجا آورده‌اید یا نه، بجا آورید. ولی اگر برای رفتن‌تان به سجده خم شده‌اید، نماز را تمام کنید و دوباره بخوانید.

مسأله‌ی ۱۵۱۵: هر یک از رکوع‌های نماز آیات را باید رکن بدانید، که اگر عمداً یا اشتباهی کم یا زیاد کنید، نمازتان را باطل بشمارید.

نماز عید فطر و قربان

مسأله‌ی ۱۵۱۶: حضور در نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام (علیه السلام) را واجب بدانید که باید به جماعت خوانده شود، ولی در زمان ما که استاد حاضر (ارواح‌فداه) غایب هستند، می‌توانید فرادا بخوانید و اگر بخواهید به جماعت بخوانید، حمد و سوره را خودتان بخوانید.

مسأله‌ی ۱۵۱۷: وقت نماز عید قربان را از اول آفتاب روز عید تا ظهر بدانید.

مسأله‌ی ۱۵۱۸: نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانید و در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنید و زکات فطره را هم بدهید یا جدا نمایید و بعد، نماز عید را بخوانید.

مسأله‌ی ۱۵۱۹: نماز عید فطر و قربان را دو رکعت بدانید که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره، باید پنج تکبیر بگویید، و بعد از هر تکبیر، یک قنوت بخوانید و بعد از قنوت پنجم، تکبیر بگویید و به رکوع بروید و دو سجده بجا آورید و برخیزید، و در رکعت دوم، چهار مرتبه تکبیر بگویید و بعد از هر

تکبیر قنوت بخوانید و تکبیر پنجم را بگویید و به رکوع بروید و بعد از رکوع، دو سجده کنید و تشهد بخوانید و نماز را سلام دهید.

مسئله‌ی ۱۵۲۰: در قنوت نماز عید فطر و قربان می‌توانید هر دعا و ذکرى بخوانید ولی بهتر است این دعا را به امید ثواب بخوانید: «اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ وَ أَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبْرُوتِ وَ أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كِرَامَةً وَ مَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».

مسئله‌ی ۱۵۲۱: بهتر است در نماز عید فطر و قربان، حمد و سوره را بلند بخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۲۲: بهتر است در رکعت اول نماز عید فطر و قربان، سوره‌ی «شمس» و در رکعت دوم آن، سوره‌ی «غاشیه» را بخوانید، یا در رکعت اول، سوره‌ی «اعلی» و در رکعت دوم، سوره‌ی «شمس» را بخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۲۳: بهتر است در روز عید فطر، قبل از نماز عید به خرما افطار کنید، و در عید قربان، بعد از نماز عید، قدری از گوشت قربانی بخورید.

مسئله‌ی ۱۵۲۴: پیش از نماز عید، غسل کنید.

مسئله‌ی ۱۵۲۵: بهتر است برای نماز عید، بر زمین سجده کنید و در حال گفتن تکبیرها، دست‌ها را بلند کنید و نماز را بلند بخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۲۶: بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح

و ظهر و عصر روز عید و نیز بعد از نماز عید فطر، این تکبیرها را بگویید: «الله أكبرُ اللهُ أكبرُ، لا إلهَ إلا اللهُ، وَ اللهُ أكبرُ اللهُ أكبرُ، وَ لِلهِ الْحَمْدُ، اللهُ أكبرُ عَلَى مَا هَدَانَا»

مسئله‌ی ۱۵۲۷: در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است، تکبیرهایی را که در مسئله‌ی پیش گفته شد بگویید و بعد از آن بگویید: «اللهُ أكبرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بِهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا» ولی اگر عید قربان را در منا باشید، بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی‌حجه است، این تکبیرها را بگویید.

مسئله‌ی ۱۵۲۸: نماز عید را زیر سقف نخوانید.

مسئله‌ی ۱۵۲۹: هر گاه در تکبیرهای نماز و قنوت‌های آن شک کنید، اگر از محل آن تجاوز نکرده باشید، بنابر کمتر بگذارید، و اگر بعد معلوم شود که گفته بودید، اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۵۳۰: اگر قرائت یا تکبیرات یا قنوت‌ها را فراموش کنید و بجا نیاورید، نمازتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۵۳۱: اگر رکوع یا دو سجده یا تکبیرة الاحرام را فراموش کنید، نمازتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۳۲: اگر در نماز عید، یک سجده یا تشهد را فراموش کنید، بعد از نماز آن را بجا آورید و نیز اگر کاری که برای آن سجده‌ی سهو لازم است پیش آید، باید بعد از نماز، دو سجده‌ی سهو بنمایید.

اجیر گرفتن برای نماز

مسئله‌ی ۱۵۳۳: می‌توانید بعد از درگذشت مسلمانی، برای بجا آوردن نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی‌اش بجا نیاورده، دیگری را اجیر کنید یعنی به او مزد دهید که آنها را بجا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد، صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۵۳۴: می‌توانید برای بعضی از کارهای مستحبی مثل زیارت مرقد مطهر استادان منهج (علیهم‌السلام)، از طرف زندگان اجیر شوید، و نیز می‌توانید کار مستحبی را انجام دهید و ثواب آن را برای مردگان یا زندگان هدیه نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۳۵: کسی را که برای خواندن نماز قضای میت، اجیر می‌کنید، باید یا مجتهد باشد یا مسائل نماز را از روی تقلید بداند، یا آن‌که عمل به احتیاط کند.

مسئله‌ی ۱۵۳۶: هر گاه اجیر شده باشید، باید موقع نیت، میت را معین نمایید، ولی دانستن اسم میت را لازم ندانید. پس می‌توانید نیت کنید از طرف کسی نماز می‌خوانید که برای او اجیر شده‌اید.

مسئله‌ی ۱۵۳۷: وقتی اجیر می‌شوید، باید خود را به جای میت فرض کنید و عبادت‌های او را قضا نمایید، پس اگر عملی را انجام دهید و ثوابش را برای او هدیه کنید، کافی ندانید.

مسئله‌ی ۱۵۳۸: باید کسی را اجیر کنید که اطمینان داشته باشید نماز را به صورت صحیح می‌خواند.

مسئله‌ی ۱۵۳۹: هر گاه کسی را برای نمازهای میت اجیر کرده باشید، اگر بفهمید که عمل را بجا نیاورده یا باطل انجام داده، باید دوباره اجیر بگیرید.

مسئله‌ی ۱۵۴۰: هرگاه شک کنید که اجیر، عمل را انجام داده یا نه، اگر چه اجیر بگوید عمل را انجام داده‌ام، باید دوباره اجیر بگیرید، ولی اگر شک کنید که عمل او صحیح بوده یا نه، اعتنا نکنید.

مسئله‌ی ۱۵۴۱: کسی را که عذری دارد و مثلاً نشسته نماز می‌خواند را برای نمازهای میت اجیر نکنید، بلکه کسی که با تیمم یا جبیره نماز می‌خواند را نیز اجیر نکنید.

مسئله‌ی ۱۵۴۲: می‌توانید برای زن اجیر شوید و منهاجیات نیز می‌توانند برای مرد اجیر شوند، و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز باید به تکلیف خود عمل نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۴۳: قضای نمازهای میت را به ترتیب بخوانید، بخصوص در مثل نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از یک روز.

مسئله‌ی ۱۵۴۴: هر گاه اجیر شوید و با شما شرط کنند که عمل را به طور مخصوصی انجام دهید، باید همان طور بجا آورید و اگر با شما شرط نکرده باشند، باید در آن عمل به آنچه نزدیک‌تر به احتیاط است عمل کنید، مثلاً اگر وظیفه‌ی میت گفتن سه مرتبه تسبیحات اربعه بوده و تکلیف شما، یک مرتبه است، سه مرتبه بگویید.

مسئله‌ی ۱۵۴۵: هر گاه اجیر شوید و با شما شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخوانید، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۵۴۶: هر گاه چند نفر را برای خواندن نماز قضای میت اجیر کنید،

باید برای هر کدام آنها وقتی را معین نمایید، مثلاً اگر با یکی از آنها قرار گذاشتید که از صبح تا ظهر نماز قضا بخوانید، با دیگری قرار بگذارید که از ظهر تا شب بخوانید، و نیز باید نمازی را که در هر دفعه شروع می‌کنید معین نمایید، مثلاً قرار بگذارید اول نمازی را که می‌خواند صبح باشد یا ظهر یا عصر، و همچنین باید با آنها قرار بگذارید که در هر دفعه، نماز یک شبانه روز را تمام کنند و اگر ناقص بگذارند، آن را حساب نکنند و دفعه‌ی بعد، نماز یک شبانه‌روز را از اول شروع نمایند.

مسئله‌ی ۱۵۴۷: اگر کسی اجیر شود که مثلاً در مدت یک سال، نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال، بمیرد باید برای نمازهایی که می‌دانید به جا نیاورده است، دیگری را اجیر نمایید، بلکه برای نمازهایی که احتمال می‌دهید به جا نیاورده نیز باید اجیر بگیرید.

مسئله‌ی ۱۵۴۸: کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده‌اید، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه‌ی آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشید که تمام نمازها را خودش بخواند، باید اجرت مقداری که نخوانده را از مال او به ولی میت بدهید، مثلاً اگر نصف آنها را نخوانده است، باید نصف پولی که گرفته را از مال او به ولی میت بدهید، و اگر شرط نکرده باشید، باید ورثه‌اش از مال او اجیر بگیرند، اما اگر مال نداشته باشد، چیزی بر ورثه واجب ندانید.

مسئله‌ی ۱۵۴۹: اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، باید از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایید و اگر چیزی زیاد آمد، در صورتی که وصیت کرده باشد و ورثه اجازه بدهند، برای تمام نمازهای او اجیر بگیرید و اگر اجازه ندهند، یک‌سوم آن را به مصرف نماز خودش برسانید.

احکام روزه

روزه آن است که برای انجام فرمان خداوند متعال، از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند و شرح آنها بعداً گفته خواهد شد، خودداری نمایید.

نیت

مسأله‌ی ۱۵۵۰: گفتن نیت روزه به زبان یا گذراندن نیت روزه از قلبتان را لازم ندانید، بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند متعال از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهید را کافی بدانید، و برای آن که یقین کنید، تمام این مدت را روزه بوده‌اید، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نمایید.

مسأله‌ی ۱۵۵۱: می‌توانید در هر شب از ماه رمضان برای روزه‌ی فردای آن نیت کنید و بهتر است که شب اول ماه، نیت روزه‌ی همه‌ی ماه را بنمایید.

مسأله‌ی ۱۵۵۲: وقت نیت روزه‌ی ماه رمضان را از اول شب تا اذان صبح بدانید.

مسأله‌ی ۱۵۵۳: وقت نیت روزه‌ی مستحبی را از اول شب تا موقعی که به اندازه‌ی نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد، بدانید؛ که اگر تا این وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشید، می‌توانید نیت روزه‌ی مستحبی کنید.

مسأله‌ی ۱۵۵۴: هر گاه در غیر ماه رمضان و نذر معین، پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده باشید، اگر پیش از ظهر بیدار شوید و نیت کنید،

روزه‌ی تان - چه واجب و چه مستحب - را صحیح بدانید، و اگر بعد از ظهر بیدار شوید، نباید نیت روزه‌ی واجب نمایید. ولی در ماه رمضان و واجب مضیق مثل نذر معین، باید نیت روزه بنمایید و آن را تمام کنید و بعد هم قضای آن را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۵۵۵: اگر بخواهید در غیر روزه‌ی ماه رمضان، روزه‌ی دیگری بگیرید، باید آن را معین نمایید، مثلاً نیت کنید که روزه‌ی قضا یا روزه‌ی نذر می‌گیرید، ولی تعیین روز چندم در ماه رمضان را لازم ندانید، بلکه اگر ندانید ماه رمضان است، یا فراموش نمایید و روزه‌ی دیگری را نیت کنید، آن را روزه‌ی ماه رمضان حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۵۵۶: اگر بدانید ماه رمضان است و عمداً نیت روزه‌ی غیر ماه رمضان کنید، نه روزه‌ی ماه رمضان حسابش کنید و نه روزه‌ای که قصد کرده اید.

مسئله‌ی ۱۵۵۷: هر گاه مثلاً به نیت روز اول ماه، روزه بگیرید، بعد بفهمید دوم یا سوم بوده، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۵۵۸: هر گاه پیش از اذان صبح نیت کنید و بیهوش شوید و در بین روز به هوش آیید، باید روزه‌ی آن روز را تمام نمایید و قضای آن را نیز بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۵۵۹: اگر پیش از اذان صبح نیت کنید و مست شوید و در بین روز به هوش آیید، باید روزه‌ی آن روز را تمام کنید و قضای آن را هم بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۵۶۰: اگر پیش از اذان صبح نیت کنید و بخوابید و بعد از مغرب بیدار شوید، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۵۶۱: اگر ندانید یا فراموش کنید که ماه رمضان است و پیش از

ظهر ملتفت شوید، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشید، باید نیت کنید و روزه‌تان را صحیح بدانید ولی اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشید، یا بعد از ظهر ملتفت شوید که ماه رمضان است، باید تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهید و بعد از ماه رمضان، روزه‌ی آن روز را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۶۲: هر گاه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شوید، باید روزه بگیرید، بلکه اگر پیش از ظهر بالغ شوید و مفطری بجا نیاورده باشید، آن روز را قصد روزه کنید، ولی اگر بعد از اذان بالغ شوید، روزه‌ی آن روز را واجب ندانید.

مسئله‌ی ۱۵۶۳: هر گاه برای به جا آوردن روزه‌ی میتی اجیر شده باشید، به جای روزه‌ی مستحبی، آن روزه‌ها را بگیرید، ولی اگر روزه‌ی قضا یا روزه‌ی واجب دیگری دارید، نباید روزه‌ی مستحبی بگیرید. و چنانچه فراموش کنید و روزه‌ی مستحب بگیرید، در صورتی که پیش از ظهر یادتان بیاید، نیت خود را به روزه‌ی واجب برگردانید. ولی اگر بعد از ظهر یا بعد از مغرب ملتفت شوید، روزه‌ی آن روز را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۶۴: اگر غیر از روزه‌ی ماه رمضان، روزه‌ی معین دیگری برایتان واجب شده باشد، مثلاً نذر کرده باشید که روز معینی را روزه بگیرید، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکنید، روزه‌تان را باطل بشمارید، ولی اگر ندانید که روزه‌ی آن روز بر شما واجب است، یا فراموش کنید و پیش از ظهر یادتان بیاید، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشید، نیت روزه کنید و قضایش را هم بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۵۶۵: اگر برای روزه‌ی واجب غیر معینی مثل روزه‌ی کفاره، عمداً تا

نزدیک ظهر نیت نکنید، بلکه اگر پیش از نیت روزه، تصمیم داشته باشید که روزه نگیرید، یا تردید داشته باشید که بگیرید یا نه، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشید، می‌توانید پیش از ظهر نیت روزه کنید.

مسئله‌ی ۱۵۶۶: هر گاه کافری پیش از ظهر ماه رمضان، مسلمان شود و از اذان صبح تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند، و اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، باید تا شب از مبطلات روزه پرهیز کند و روزه‌ی آن روز را قضا نماید.

مسئله‌ی ۱۵۶۷: هر گاه مریض باشید و پیش از ظهر ماه رمضان خوب شوید و از اذان صبح تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشید، باید نیت روزه کنید و آن روز را روزه بگیرید، و چنانچه بعد از ظهر خوب شوید، باید تا شب از مبطلات روزه پرهیز کنید و روزه‌ی آن روز را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۶۸: روزی را که شک دارید آخر شعبان است یا اول ماه رمضان، به نیت روزه‌ی قضا روزه بگیرید، و چنانچه بعد معلوم شود ماه رمضان بوده، روزه‌ی ماه رمضان حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۵۶۹: اگر روزی را که شک دارید آخر شعبان است یا اول ماه رمضان، به نیت روزه‌ی قضا یا روزه‌ی مستحبی و مانند آن روزه بگیرید، و در بین روز بفهمید که ماه رمضان است، باید نیت روزه‌ی ماه رمضان کنید.

مسئله‌ی ۱۵۷۰: اگر در روزه‌ی واجب معینی مثل روزه‌ی ماه رمضان مردد شوید که روزه‌ی خود را باطل کنید یا نه، یا قصد کنید که روزه‌تان را باطل کنید، اگر چه از قصدی که کرده‌اید توبه نمایید و کاری هم که روزه را باطل می‌کند انجام ندهید، روزه‌تان را باطل بشمارید، ولی باید تا مغرب از انجام مفطرات پرهیز نمایید و بعد قضا نمایید.

مسأله‌ی ۱۵۷۱: در روزه‌ی مستحب و روزه‌ی واجبی که وقت آن معین نیست، مثل روزه‌ی کفاره، اگر قصد کنید کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهید، یا مردد شوید که به جا آورید یا نه، چنانچه به جا نیاورید، می‌توانید پیش از ظهر، دوباره نیت روزه کنید.

چیزهایی که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید

مسأله‌ی ۱۵۷۲: نه چیز را باطل‌کننده‌ی روزه بدانید: اول: خوردن و آشامیدن. دوم: جماع. سوم: استمنا، و استمنا آن است که با خود کاری کنید که منی از شما بیرون آید. چهارم: دروغ بستن به خدای تعالی و استادان منهاج (علیهم السلام). پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق. ششم: فرو بردن تمام سر در آب. هفتم: باقی ماندن بر جنابت یا حیض یا نفاس تا اذان صبح. هشتم: اماله کردن با چیزهای روان. نهم: قی کردن. و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

۱. خوردن و آشامیدن

مسأله‌ی ۱۵۷۳: اگر در حال روزه، با التفات به این که روزه‌دار هستید، چیزی بخورید یا بیاشامید، روزه‌تان را باطل بدانید، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شیرهی درخت، و چه کم باشد یا زیاد. حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورید و دوباره به دهان ببرید و رطوبت آن را فرو دهید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسأله‌ی ۱۵۷۴: اگر موقعی که مشغول غذا خوردن هستید بفهمید صبح شده، باید لقمه را از دهانتان بیرون آورید. و چنانچه عمداً فرو ببرید، روزه‌تان را باطل بشمارید و علاوه بر قضا، به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، کفاره

هم پرداخت نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۷۵: اگر در حال روزه، سهواً چیزی بخورید یا بیاشامید، روزه‌تان را باطل نشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۷۶: در حال روزه از استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود، خودداری کنید. و تا مجبور نشده‌اید، آمپول غیر خوراکی مانند آمپول بی‌حسی هم استعمال نکنید.

مسئله‌ی ۱۵۷۷: نباید در حال روزه، چیزی که لابلائی دندان‌هایتان مانده است را عمداً فرو ببرید.

مسئله‌ی ۱۵۷۸: باید بعد از صرف سحری و پیش از اذان صبح، دندان‌هایتان را خلال کنید، ولی چنانچه خلال نکنید، خواه چیزی از لابلائی دندان‌هایتان بیرون آمده و به حلقتان فرو رود و چه بیرون نیاید، باید روزه‌تان را تمام کنید و قضای آن روز را هم بگیرید.

مسئله‌ی ۱۵۷۹: فرو بردن آب دهانتان، اگر چه به واسطه‌ی خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد را باطل‌کننده‌ی روزه ندانید.

مسئله‌ی ۱۵۸۰: اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهانتان نرسیده را می‌توانید فرو ببرید، ولی اگر داخل فضای دهان شود، نباید فرو ببرید.

مسئله‌ی ۱۵۸۱: اگر در حال روزه به قدری تشنه شوید که بترسید از تشنگی بمیرید، یا ضرر غیر قابل جبرانی ببینید، باید به اندازه‌ای که از مردن نجات پیدا کنید و ضرر را دفع نمایید، آب بیاشامید، ولی روزه‌تان را باطل بشمارید و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه‌ی روز از بجا آوردن کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۸۲: جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که

معمولاً به حلق نمی‌رسد، اگر چه اتفاقاً به حلق برسد را باطل‌کننده‌ی روزه ندانید، ولی اگر از اول بدانید که به حلق می‌رسد، هر چند به حلق نرسد، باید در ادامه‌ی روز از مفطرات پرهیز کنید و قضای آن را بگیرید و کفاره نیز بپردازید.

مسئله‌ی ۱۵۸۳: نباید برای ضعف، روزه را بخورید، ولی اگر ضعفتان به قدری باشد که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، می‌توانید روزه‌تان را بخورید.

۲. جماع

مسئله‌ی ۱۵۸۴: جماع را باطل‌کننده‌ی روزه بدانید، اگر چه به مقدار ختنه‌گاه داخل کنید و منی هم بیرون نیاید.

مسئله‌ی ۱۵۸۵: در حال روزه از انجام بازی‌های جنسی پرهیزید و حتی کمتر از مقدار ختنه‌گاه هم داخل نکنید.

مسئله‌ی ۱۵۸۶: هر گاه شک کنید که به اندازه‌ی ختنه‌گاه داخل کردید یا نه، اگر قصد دخول داشته‌اید و بدانید که جماع، روزه را باطل می‌کند، ولو دخول واقع نشده، یا شک در آن نمایید، روزه‌تان را باطل بشمارید، و قضای آن را بجا آورید. ولی اگر قصد دخول نداشته‌اید و شک کنید که به اندازه‌ی ختنه‌گاه داخل کردید یا نه، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۵۸۷: اگر فراموش کنید که روزه‌اید و جماع نمایید، یا به اجبار با شما جماع نمایند، به طوری که از اختیارتان خارج باشد، روزه‌تان را باطل نشمارید، ولی چنانچه در بین جماع یادتان بیاید یا در بین، اجبار از بین برود، باید فوراً از حال جماع خارج شوید، و اگر خارج نشوید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

۳. استمناء

مسئله‌ی ۱۵۸۸: نباید در حال روزه، استمناء کنید، یعنی با خود، کاری کنید که منی از شما بیرون آید، و اگر چنین کردید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۸۹: اگر بی‌اختیار منی از شما بیرون آید، روزه‌تان را باطل ندانید. ولی اگر کاری کنید که بی‌اختیار منی از شما بیرون آید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۹۰: هر گاه بدانید در حال روزه اگر بخوابید، محتلم می‌شوید، یعنی در خواب، منی از شما بیرون می‌آید، می‌توانید در روز بخوابید. و چنانچه بخوابید و محتلم هم بشوید، روزه‌تان را صحیح بدانید، گر چه بهتر است نخوابید.

مسئله‌ی ۱۵۹۱: هر گاه روزه‌دار باشید و در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شوید، جلوگیری از بیرون آمدن آن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۵۹۲: هر گاه در حال روزه محتلم شوید، می‌توانید قبل از غسل، ادرار کنید و به دستوری که در مسئله‌ی ۷۲ گفته شد، استبرا نمایید، اگر چه بدانید به واسطه‌ی ادرار یا استبرا کردن، باقیمانده‌ی منی از مجرا بیرون می‌آید.

مسئله‌ی ۱۵۹۳: هر گاه در حال روزه محتلم شوید، اگر بدانید منی در مجرا مانده و در صورتی که پیش از غسل ادرار نکنید، بعد از غسل، منی از شما بیرون می‌آید، باید پیش از غسل، ادرار کنید.

مسئله‌ی ۱۵۹۴: هر گاه می‌دانید اگر عمداً منی از خود بیرون آورید، روزه‌تان باطل می‌شود، در صورتی که به قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کنید، باید روزه‌تان را باطل بشمارید، و باید قضای آن را به جا آورید، اگر چه منی از شما بیرون نیاید. ولی اگر منی بیرون آید، علاوه بر قضا، کفاره نیز باید

بپردازید. و در هر دو صورت در ماه رمضان، باید در بقیه‌ی روز از آنچه روزه را باطل می‌کند، خودداری نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۹۵: هر گاه در حال روزه، بدون قصد بیرون آمدن منی با همسران بازی و شوخی کنید، چنانچه اطمینان دارید که منی از شما خارج نمی‌شود، اگر چه اتفاقاً منی بیرون آید، روزه‌تان را صحیح بدانید. ولی اگر اطمینان ندارید، در صورتی که منی از شما بیرون آید، روزه‌تان را باطل بشمارید. همچنین اگر شوخی را تا نزدیک بیرون آمدن منی ادامه دهید و منی خارج شود، و خودداری نکنید تا خارج گردد، روزه‌تان را باطل بشمارید.

۴. دروغ بستن به خدای تعالی و استادان منهاج (علیهم‌السلام)

مسئله‌ی ۱۵۹۶: هر گاه در حال روزه، با گفتن یا نوشتن یا اشاره و مانند اینها، به خدا یا استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا استادان معظم منهاج (علیهم‌السلام) یا حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) یا سایر پیامبران و جانشینان آنان، عمداً نسبت دروغ بدهید، اگر چه فوراً بگویید: «دروغ گفتم» یا توبه کنید، روزه‌ی خود را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۹۷: هر گاه بخواهید در حال روزه، حدیثی که نمی‌دانید راست است یا دروغ را نقل کنید، باید از کسی که آن حدیث را گفته یا از کتابی که آن حدیث در آن نوشته شده، نقل نمایید.

مسئله‌ی ۱۵۹۸: اگر چیزی را به اعتقاد این که راست است از قول خدای تعالی یا استادان معظم منهاج (علیهم‌السلام) نقل کنید و بعد بفهمید دروغ بوده، روزه‌تان را باطل نشمارید.

مسئله‌ی ۱۵۹۹: هر گاه بدانید دروغ بستن به کسانی که در مسئله‌ی ۱۵۹۶ شمرده شدند را باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید و چیزی که می‌دانید دروغ

است را به آنان نسبت دهید و بعداً بفهمید آن چه را که گفته‌اید، راست بوده است. در ماه رمضان باید تا مغرب از آنچه روزه را باطل می‌کند، خودداری کنید و روزه‌تان را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۶۰۰: نباید دروغی را که دیگری ساخته، عمداً به کسانی که در مسئله‌ی ۱۵۹۶ شمرده شدند، نسبت دهید، و اگر چنین کنید، باید روزه‌تان را باطل بشمارید. ولی می‌توانید از قول کسی که آن دروغ را ساخته، نقل کنید. مسئله‌ی ۱۶۰۱: هر گاه در حالی که روزه‌دار هستید از شما پرسند که آیا کسانی که در مسئله‌ی ۱۵۹۶ شمرده شدند، چنین مطلبی فرموده‌اند؟ و شما جایی که باید در جواب بگویید نه، عمداً بگویید بلی، یا جایی که باید بگویید بلی، عمداً بگویید نه، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۰۲: اگر از قول کسانی که در مسئله‌ی ۱۵۹۶ شمرده شدند، حرف راستی را بگویید، بعد بگویید دروغ گفتم، یا در شب، دروغی را به آنان نسبت دهید و فردای آن که روزه می‌باشید، بگویید آنچه دیشب گفتم راست است، روزه‌تان را باطل بشمارید.

۵. رساندن غبار به حلق

مسئله‌ی ۱۶۰۳: نباید در حال روزه، غبار به حلق‌تان برسانید، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است، مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل گچ و آهک.

مسئله‌ی ۱۶۰۴: اگر به واسطه‌ی باد، غباری پیدا شود و با این که متوجه روزه‌دار بودن خود و باطل‌کننده بودن غبار باشید، مواظبت نکنید و به حلق‌تان برسد، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۰۵: در حال روزه، دود سیگار و تنباکو و مانند اینها و همچنین بخار

غلیظ را به حلق نرسانید.

مسئله‌ی ۱۶۰۶: اگر مواظبت نکنید و غبار یا بخار یا دود و مانند اینها داخل حلقتان شود، چنانچه یقین داشته‌اید که به حلق نمی‌رسد، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۰۷: اگر فراموش کنید که روزه هستید و مواظبت نکنید، یا بی اختیار غبار و مانند آن به حلقتان برسد، روزه‌تان را باطل نشمارید، و چنانچه ممکن است باید آن را بیرون آورید.

۶. فرو بردن سر در آب

مسئله‌ی ۱۶۰۸: نباید در حال روزه، عمداً تمام سرتان را در آب فرو ببرید، ولی اگر چنین کنید، اگر چه باقی بدنتان از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرید. و منهاجیات روزه‌دار، نباید در آب بنشینند.

مسئله‌ی ۱۶۰۹: اگر نصف سرتان را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه‌ی دیگر در آب فرو ببرید، روزه‌تان را باطل نشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۱۰: هر گاه قصد داشته باشید که سرتان را زیر آب فرو ببرید و شک کنید که تمام سرتان زیر آب رفته یا نه، روزه‌تان را باطل بشمارید. ولی اگر چنین قصدی نداشته‌اید و شک کنید که تمام سرتان زیر آب رفته یا نه، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۱۱: هر گاه تمام سرتان زیر آب برود ولی مقداری از موهایتان بیرون بماند، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۱۲: در حال روزه نباید سرتان را در گلاب و آب‌های مضاف دیگر فرو ببرید.

مسئله‌ی ۱۶۱۳: اگر در حال روزه، بی اختیار در آب بیافتید و تمام سرتان را

آب بگیرد، یا فراموش کنید که روزه هستید و سرتان را در آب فرو ببرید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۱۴: هر گاه عادتاً با افتادن در آب، سرتان زیر آب می‌رود، چنانچه با توجه به این مطلب، خود را در آب بیاندازید و سرتان زیر آب برود، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۱۵: هر گاه فراموش کنید که روزه هستید و سرتان را در آب فرو ببرید یا دیگری به زور، سرتان را در آب فرو کند، چنانچه در زیر آب یادتان بیاید که روزه هستید، یا آن شخص، دست خود را بردارد، باید فوراً سرتان را بیرون آورید، و چنانچه بیرون نیاورید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۱۶: اگر فراموش کنید که روزه هستید و به نیت غسل، سرتان را در آب فرو ببرید، روزه و غسلتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۱۷: هر گاه بدانید روزه هستید و عمداً برای غسل، سرتان را در آب فرو ببرید، چنانچه روزه‌تان روزه‌ی واجب‌ی باشد که مثل روزه‌ی کفاره، وقت معینی ندارد و افطار آن جایز است، غسلتان را صحیح و روزه‌تان را باطل بشمارید، و همچنین است حکم روزه‌ی مستحبی. ولی چنانچه روزه‌تان مثل روزه‌ی ماه رمضان، واجب معین باشد، هم روزه و هم غسلتان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۱۸: اگر برای آن که کسی را از غرق شدن نجات دهید، سرتان را در آب فرو ببرید، اگر چه نجات دادن او واجب باشد، روزه‌تان را باطل بشمارید.

۷. باقیماندن بر جنابت یا حیض یا نفاس تا اذان صبح

مسئله‌ی ۱۶۱۹: هر گاه جُنُب باشید، باید تا اذان صبح غسل کنید، یا اگر وظیفه‌تان تیمّم است، تیمّم نمایید، ولی اگر عمداً چنین نکنید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۲۰: هر گاه در ماه رمضان تا اذان صبح غسل نکنید و تیمّم هم ننمایید، ولی از روی عمد نباشد، مثل آن که دیگری نگذارد غسل و تیمّم کنید، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۲۱: هر گاه جُنُب باشید و بخواهید روزه‌ی ماه رمضان یا روزه‌ی معین بگیرید، چنانچه عمداً غسل نکنید تا وقت تنگ شود، خود را معصیت‌کار بدانید ولی باید تیمّم کنید و روزه‌تان را صحیح بدانید. و در قضای ماه رمضان که وقتش تنگ شده، باید تیمّم کنید و روزه بگیرید و بعد هم آن را بجا آورید، و درقضای موشع، روزه را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۲۲: هر گاه در ماه رمضان جُنُب شوید ولی غسل را فراموش کنید و بعد از یک روز یادتان بیاید، باید روزه‌ی آن روز را قضا نمایید، و اگر بعد از چند روز یادتان بیاید، باید روزه‌ی هر چند روزی را که یقین دارید جُنُب بوده اید، قضا نمایید. مثلاً اگر نمی‌دانید سه روز جنب بوده‌اید یا چهار روز، باید روزه‌ی سه روز را قضا کنید گر چه بهتر است چهار روز را روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۶۲۳: هر گاه در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمّم وقت ندارید، نباید خود را جُنُب کنید و اگر خود را جُنُب کنید، باید استغفار نمایید و روزه را قضا کنید و کفاره بدهید، ولی اگر برای تیمّم وقت دارید، چنانچه خود را جُنُب کنید، باید تیمّم نمایید و بعد از استغفار، قضای آن را نیز بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۶۲۴: در شب‌های ماه رمضان، قبل از این که خود را جُنُب کنید،

باید تحقیق نمایید که وقت و امکانات کافی برای غسل داشته باشید، ولی اگر بدون تحقیق، گمان کنید که به اندازه‌ی غسل وقت دارید و خود را جُنُب کنید و بعد بفهمید وقت تنگ بوده، باید تیمّم کنید و روزه بگیرید و روزه‌تان را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۶۲۵: هر گاه در شب ماه رمضان جُنُب شوید و بدانید که اگر بخوابید، تا صبح بیدار نمی‌شوید، نباید بخوابید، و چنانچه بخوابید و تا صبح بیدار نشوید، روزه‌تان را باطل بشمارید و بعد از استغفار، روزه را قضا کنید و کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۱۶۲۶: هر گاه در شب ماه رمضان، جُنُب باشید، اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن قبل از اذان صبح نداشته باشید، نباید پیش از غسل بخوابید، و اگر بخوابید و تا اذان صبح بیدار نشوید، باید قضای روزه را بگیرید و کفاره نیز بدهید.

مسئله‌ی ۱۶۲۷: هر گاه در شب ماه رمضان، جُنُب باشید، اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن قبل از اذان صبح داشته باشید، چنانچه تصمیم داشته باشید که بعد از بیدار شدن غسل کنید و با این تصمیم بخوابید و تا اذان صبح بیدار نشوید، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۲۸: هر گاه در شب ماه رمضان، جُنُب باشید، و بدانید که اگر بخوابید، پیش از اذان صبح بیدار می‌شوید، چنانچه غفلت داشته باشید که بعد از بیدار شدن باید غسل کنید، در صورتی که بخوابید و تا اذان صبح بیدار نشوید، باید روزه‌ی آن روز را بگیرید و بعداً قضا کنید و کفاره هم پردازید.

مسئله‌ی ۱۶۲۹: هر گاه در شب ماه رمضان، جُنُب باشید، و بدانید که اگر بخوابید پیش از اذان صبح بیدار می‌شوید، چنانچه نخواهید بعد از بیدار شدن

غسل کنید، یا تردید داشته باشید که غسل کنید یا نه، در صورتی که بخوابید و بیدار نشوید، باید روزه‌ی آن روز را بگیرید و بعداً قضا کنید و کفاره هم بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۳۰: هر گاه در شب ماه رمضان، جُنب باشید، پس بخوابید و بیدار شوید و بدانید یا احتمال دهید که اگر دوباره بخوابید، پیش از اذان صبح بیدار می‌شوید و تصمیم هم داشته باشید که بعد از بیدار شدن غسل کنید، چنانچه دوباره بخوابید و تا اذان صبح بیدار نشوید، باید روزه‌ی آن روز را قضا کنید. و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شوید و برای مرتبه‌ی سوم بخوابید، ولی اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن نداشته باشید، باید علاوه بر قضا، کفاره هم بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۳۱: خوابی را که در آن محتلم شده‌اید، خواب اول حساب کنید، پس اگر بعد از بیدار شدن، دوباره بخوابید و بدانید که بیدار می‌شوید یا عادت به بیدار شدن داشته باشید و تصمیم هم داشته باشید که بعد از بیدار شدن دوباره غسل کنید، چنانچه تا اذان صبح بیدار نشوید، باید قضای آن روز را بگیرید و بهتر است کفاره هم بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۳۲: هر گاه در حال روزه محتلم شوید، بهتر است فوراً غسل کنید.

مسئله‌ی ۱۶۳۳: هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شوید و ببینید محتلم شده‌اید، اگر چه بدانید پیش از اذان صبح، محتلم شده‌اید، روزه‌ی آن روزتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۳۴: هر گاه بخواهید قضای روزه‌ی ماه رمضان را بگیرید، اگر تا اذان صبح جُنب بمانید، اگر چه از روی عمد نباشد، اگر وقت وسعت داشته

باشد، روزه‌ی خود را باطل بشمارید، ولی اگر وقت تنگ باشد، باید آن روز را روزه بگیرد و عوض آن بعد از ماه مبارک، یک روز روزه بگیرد.

مسئله‌ی ۱۶۳۵: هر گاه بخواهید قضای روزه‌ی ماه رمضان را بگیرید، اگر بعد از اذان صبح بیدار شوید و ببینید محتلم شده‌اید و بدانید پیش از اذان محتلم شده‌اید، چنانچه وقت روزه تنگ است، مثلاً پنج روز روزه‌ی ماه رمضان دارید، و پنج روز هم به ماه رمضان مانده است، باید آن روز را روزه بگیرید و بعد از ماه رمضان هم عوض آن را بجا آورید، ولی اگر وقت قضای روزه تنگ نیست، روزه‌تان را باطل بشمارید و روز دیگری روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۶۳۶: اگر در روزه‌ی واجب‌ی غیر روزه‌ی ماه رمضان و قضای آن، تا اذان صبح جُنب بمانید، روز دیگری روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۶۳۷: هر گاه منہاجیات پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شوند، باید غسل کنند یا تیمّم نمایند ولی اگر عمدأً غسل نکنند، یا اگر وظیفه‌شان تیمّم است، تیمّم نکنند، روزه‌شان را باطل بشمارند.

مسئله‌ی ۱۶۳۸: اگر منہاجیات پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شوند و برای غسل وقت نداشته باشند، چنانچه بخواهند روزه‌ی واجب‌ی بگیرند که مثل روزه‌ی ماه رمضان وقت آن معین است، باید تیمّم نمایند، و بهتر است تا اذان صبح بیدار بمانند، ولی نباید روزه‌ی مستحب‌ی یا روزه‌ی واجب‌ی که مثل روزه‌ی کفاره، وقت آن معین نیست را با تیمّم بگیرند.

مسئله‌ی ۱۶۳۹: هر گاه منہاجیات نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شوند و برای هیچ کدام از غسل و تیمّم وقت نداشته باشند، یا بعد از اذان بفهمند که پیش از اذان پاک شده‌اند، چنانچه روزه‌ای را که می‌گیرند مثل روزه‌ی ماه رمضان، واجب معین باشد، روزه‌شان را صحیح بدانند، ولی اگر

روزه‌ی مستحب یا روزه‌ای باشد که مثل روزه‌ی کفاره، وقت آن معین نیست، روز دیگری روزه بگیرند.

مسئله‌ی ۱۶۴۰: اگر منہاجیات بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شوند، یا در بین روز، خون حیض یا نفاس ببینند، اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه‌ی آن روزشان را باطل بشمارند.

مسئله‌ی ۱۶۴۱: اگر منہاجیات غسل حیض یا نفاس را فراموش کنند و بعد از یک یا چند روز یادشان بیاید، باید قضای روزه‌هایی که بدون غسل گرفته‌اند را بگیرند.

مسئله‌ی ۱۶۴۲: اگر منہاجیات پیش از اذان صبح ماه رمضان از حیض یا نفاس پاک شوند و در غسل کردن کوتاهی کنند و تا اذان غسل نکنند، روزه‌شان را باطل بشمارند. ولی چنانچه کوتاهی نکنند، مثلاً منتظر باشند که حمام، زاننه شود یا آب که قطع شده بود، بیاید، اگر چه سه مرتبه بخوابند و تا اذان غسل نکنند و در تنگی وقت تیمّم کنند یا از تیمّم هم عاجز باشند، روزه‌شان را صحیح بدانند.

مسئله‌ی ۱۶۴۳: اگر منہاجیاتی که در حال استحاضه هستند، غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه (در مسئله‌ی ۴۱۷ به بعد) گفته شد به جا آورند، روزه‌ی خود را صحیح بدانند.

مسئله‌ی ۱۶۴۴: هر گاه مسّ میّت کرده باشید، یعنی جایی از بدن خود را به بدن مرده‌ی سردشده‌ی غسل‌نداده رسانده باشید، می‌توانید بدون غسل مسّ میّت روزه بگیرید. و اگر در حال روزه، میت سردشده‌ی غسل‌نداده‌ای را مسّ نمایید، روزه‌تان را باطل نشمارید.

۸. آماله (تنقیه) کردن

مسئله‌ی ۱۶۴۵: نباید در حال روزه با چیز روان تنقیه کنید و اگر آماله (تنقیه) کردید، اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه‌تان را باطل بشمارید. ولی استعمال شیاف‌هایی که برای معالجه است را دارای اشکال ندانید، و از استعمال شیاف‌هایی که برای لذت بردن است، مثل شیاف تریاک یا برای تغذیه از این مجراست، خودداری نمایید.

۹. قی (استفراغ) کردن

مسئله‌ی ۱۶۴۶: هرگاه در حال روزه، عمداً قی کنید - اگر چه به واسطه‌ی مرض و مانند آن ناچار باشید - روزه‌تان را باطل بشمارید، ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کنید، دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۱۶۴۷: اگر در شب، چیزی بخورید که می‌دانید به واسطه‌ی خوردن آن، در روز بی اختیار قی می‌کنید، نباید بخورید، ولی اگر بخورید، باید روزه‌ی آن روز را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۶۴۸: اگر در حال روزه بتوانید از قی کردن خودداری کنید، چنانچه برایتان ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نمایید.

مسئله‌ی ۱۶۴۹: هر گاه در حال روزه، حشرات پرنده مانند مگس و زنبور وارد دهانتان شود، نباید آن را فرو ببرید ولی اگر در گلویتان فرو رود، روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۵۰: اگر سهواً چیزی را فرو ببرید و پیش از رسیدن به شکم یادتان بیاید که روزه هستید، چنانچه ممکن باشد، باید آن را بیرون آورید و روزه‌تان را صحیح بدانید. ولی چنانچه به قدری پایین رفته باشد که اگر آن را

داخل شکم کنید خوردن نمی‌گویید، بیرون آوردن آن را لازم ندانید و روزه‌تان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۱۶۵۱: اگر یقین داشته باشید که به واسطه‌ی آروغ زدن، چیزی از گلویتان بیرون می‌آید، نباید عمداً آروغ بزنید، بلکه اگر احتمال هم بدهید، نباید آروغ بزنید.

مسئله‌ی ۱۶۵۲: اگر آروغ بزنید و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانتان بیاید، باید آن را بیرون بریزید، ولی اگر بی‌اختیار فرو رود، روزه‌تان را صحیح بدانید.

احکام چیزهایی که باید باطل‌کننده‌ی روزه بشمارید

مسئله‌ی ۱۶۵۳: هر گاه عمداً و از روی اختیار، کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید، روزه‌تان را باطل بشمارید و چنانچه از روی عمد نباشد، دارای اشکال ندانید، ولی اگر در حال جنابت بخوابید و به تفصیلی که در مسئله‌ی ۱۶۳۰ گفته شد تا اذان صبح غسل نکنید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۵۴: اگر در حال روزه، سهواً یکی از کارهایی که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید و به خیال این که روزه‌تان باطل شده، عمداً دوباره یکی از آنها را بجا آورید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۵۵: هر گاه روزه باشید و دیگری چیزی به زور در گلویتان بریزد، یا سرتان را به زور در آب فرو برد، روزه‌تان را باطل نشمارید، ولی اگر مجبورتان کند که روزه‌تان را باطل کنید، مثلاً به شما گفته شود: «اگر غذا نخوری، ضرر مالی یا جانی به تو می‌زنیم» و خودتان برای جلوگیری از ضرر، چیزی بخورید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۶۵۶: در حال روزه‌ی واجب معین مثل روزه‌ی ماه رمضان، نباید به

جایی بروید که می‌دانید یا احتمال می‌دهید چیزی در گلویتان خواهند ریخت یا مجبورتان خواهند کرد که خودتان روزه‌تان را باطل کنید، و اگر بروید و چیزی در گلویتان بریزند یا از روی ناچاری، خودتان کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهید، روزه‌تان را باطل بدانید، بلکه اگر قصد رفتن کنید، اگر چه نروید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

چیزهایی که شایسته است در حال روزه ترک کنید

مسأله‌ی ۱۶۵۷: شایسته است در حال روزه، چند کار را ترک کنید و از آن جمله است: ریختن قطره در چشم و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق‌تان برسد، انجام دادن هر کاری مانند خون دادن و حمام رفتن که باعث ضعف‌تان شود، انفیه کشیدن اگر ندانید که به حلق می‌رسد ولی اگر بدانید به حلق می‌رسد، باید ترک کنید، بو کردن گیاه‌های معطر، مرطوب کردن لباسی که در بدن دارید، کشیدن دندان و هر کاری که به واسطه‌ی آن از دهانتان خون بیاید، مسواک کردن با چوب مرطوب، بی‌جهت آب یا چیزی در دهان کردن و نیز بوسیدن و شوخی‌های جنسی با همسر بدون قصد بیرون آمدن منی، ولی اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد، روزه‌تان را باطل بشمارید.

روزه‌هایی که باید قضا کنید و کفاره هم پردازید

مسأله‌ی ۱۶۵۸: اگر در حال روزه‌ی ماه رمضان، در شب جُنُب شوید و به تفصیلی که در مسأله ۱۶۳۹ گفته شد بیدار شوید و دوباره بخوابید و تا اذان صبح بیدار نشوید و یا بیدار شوید و برای مرتبه‌ی سوم بخوابید و بیدار نشوید، فقط قضای آن روز را بگیرید، ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل می‌

کند عمداً انجام دهید، در صورتی که می‌دانسته‌اید آن کار روزه را باطل می‌کند، هم باید قضا کنید و هم باید کفاره بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۵۹: اگر به واسطه‌ی ندانستن مسأله، کاری انجام دهید که روزه را باطل می‌کند، چنانچه در یاد گرفتن مسأله، کوتاهی کرده و در وقت به جا آوردن آن کار، احتمال مفطر بودن آن را می‌داده‌اید، باید علاوه بر قضا، کفاره هم بدهید. ولی اگر نمی‌توانسته‌اید مسأله را یاد بگیرید یا اصلاً ملتفت مسأله نبوده‌اید یا یقین داشته‌اید که فلان چیز، روزه را باطل نمی‌کند، پرداخت کفاره را لازم ندانید.

کفاره‌ی روزه

مسئله‌ی ۱۶۶۰: هر گاه کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان بر شما واجب شود، باید یک برده آزاد کنید یا به دستوری که در مسأله‌ی بعد گفته خواهد شد، دو ماه روزه بگیرید یا شصت فقیر را سیر کنید یا به هر کدام، یک مُدّ که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهید، و چنانچه اینها برایتان ممکن نباشد، هر مقدار می‌توانید صدقه به فقرا بدهید، و اگر از دادن صدقه هم عاجز هستید، هجده روز پی در پی روزه بگیرید، و اگر نمی‌توانید روزه بگیرید، استغفار کنید و هر قدر می‌توانید روزه بگیرید، و اگر اصلاً نمی‌توانید روزه بگیرید، اکتفا به استغفار نمایید، اگر چه مثلاً یک مرتبه بگویید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَنْتُوبُ إِلَيْهِ»، ولی هر وقت بتوانید، باید کفاره را بدهید.

مسئله‌ی ۱۶۶۱: هر گاه بخواهید دو ماه کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان را بگیرید، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرید، ولی می‌توانید بقیه‌اش را پی در پی نگیرید.

مسئله‌ی ۱۶۶۲: هر گاه بخواهید دو ماه کفاره‌ی روزه‌ی ماه رمضان را بگیرید،

نباید موقعی شروع کنید که در بین سی و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان، نباید در آن روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۶۶۳: هر گاه باید پی در پی روزه بگیرید، اگر در بین آن، بدون عذر، یک روز روزه نگیرید، یا وقتی شروع کنید که در بین آن به روزی برسید که روزی آن واجب است، مثلاً به روزی برسید که نذر کرده‌اید آن روز را روزه بگیرید، باید روزه‌هایتان را از اول شروع کنید.

مسئله‌ی ۱۶۶۴: اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرید، عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور هستید، برایتان پیش آید، بقیه‌ی روزه‌ها را بعد از برطرف شدن عذر بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۶۶۵: هر گاه به چیز حرامی روزه‌ی خود را باطل کنید، چه آن چیز، در اصل حرام باشد مثل شراب خوردن و زنا کردن، یا به جهتی حرام شده باشد مثل نزدیکی کردن با همسر دائم یا موقت خود در حال حیض، باید کفاره‌ی جمع بپردازید یعنی باید یک برده آزاد کنید و دو ماه روزه بگیرید و شصت فقیر را سیر کنید، یا به هر کدام آنها یک مد - که تقریباً ده سیر است - گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهید، و چنانچه بجا آوردن هر سه برایتان ممکن نباشد، هر کدام آنها را که ممکن است، باید انجام دهید.

مسئله‌ی ۱۶۶۶: هر گاه در حال روزه، عمداً دروغی را به کسانی که در مسئله‌ی ۱۵۹۶ برشمرده شدند، نسبت دهید، باید استغفار کنید و کفاره‌ی جمع پرداخت نمایید.

مسئله‌ی ۱۶۶۷: هر گاه در حال روزه‌ی ماه رمضان، چند مرتبه جماع کنید، باید برای هر دفعه یک کفاره بپردازید، ولی اگر جماعتان حرام باشد، برای هر دفعه باید یک کفاره‌ی جمع بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۶۸: هر گاه در حال روزه‌ی یک روز از ماه رمضان، چند مرتبه کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید - غیر از جماع - انجام دهید، برای همه‌ی آنها یک کفاره بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۶۹: هر گاه در حال روزه‌ی ماه رمضان، جماع حرام کنید و بعد با حلال خود جماع نمایید، باید بعد از استغفار، یک کفاره‌ی جمع و یک کفاره‌ی غیر جمع بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۷۰: هر گاه در حال روزه‌ی ماه رمضان، کاری که حلال است - غیر از جماع - و روزه را باطل می‌کند، انجام دهید، مثلاً آب بیاشامید، و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می‌کند - غیر از جماع - انجام دهید، مثلاً غذای حرامی بخورید، باید بعد از استغفار، یک کفاره بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۷۱: هر گاه در حال روزه‌ی ماه رمضان، آروغ بزنیید و چیزی در دهانتان بیاید، چنانچه عمداً آن را فرو ببرید، روزه‌تان را باطل بشمارید و باید قضای آن را بگیرید و کفاره هم بپردازید، ولی اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده به دهانتان بیاید و عمداً آن را فرو ببرید، باید قضای آن روزه را بگیرید، و کفاره‌ی جمع هم بپردازید.

مسئله‌ی ۱۶۷۲: هر گاه نذر کنید که روز معینی را روزه بگیرید، چنانچه در آن روز عمداً روزه‌ی خود را باطل کنید، باید یک برده آزاد نمایید، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرید، یا به شصت فقیر طعام دهید.

مسئله‌ی ۱۶۷۳: هر گاه بتوانید وقت را تشخیص دهید، اگر به گفته‌ی کسی که می‌گوید مغرب شده افطار کنید، و بعد بفهمید مغرب نبوده است، باید آن روز را قضا کنید و کفاره بپردازید. ولی اگر خبردهنده عادل بوده، فقط قضای

آن روز را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۶۷۴: هر گاه عمداً روزه‌ی خود را باطل کنید، باید کفاره را بپردازید، و مسافرت رفتن را - چه پیش از ظهر مسافرت کنید و چه بعد از ظهر - موجب ساقط شدن کفاره ندانید.

مسئله‌ی ۱۶۷۵: هر گاه عمداً روزه‌ی خود را باطل کنید، و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برایتان پیدا شود، کفاره‌ی آن روز را باید بپردازید. مسئله‌ی ۱۶۷۶: اگر یقین کنید که روز اول ماه رمضان است، و عمداً روزه‌ی خود را باطل کنید، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده، باید استغفار کنید ولی پرداخت کفاره را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۶۷۷: هر گاه شک کنید که آخر ماه رمضان است یا اول شوال، و عمداً روزه‌ی خود را باطل کنید، بعد معلوم شود اول شوال بوده، باید استغفار کنید ولی پرداخت کفاره را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۶۷۸: هر گاه در حال روزه‌ی ماه رمضان با زن خود که روزه‌دار است جماع کنید، چنانچه زنتان را مجبور کرده باشید، باید هم کفاره‌ی روزه‌ی خودتان و هم کفاره‌ی روزه‌ی زنتان را بدهید، ولی اگر زنتان به جماع راضی بوده، هر کدامتان باید کفاره‌ی خودش را بپردازد.

مسئله‌ی ۱۶۷۹: هر گاه منہاجیات، شوهر خود را مجبور به جماع نمایند، یا کار دیگری که روزه را باطل می‌کند از او بخواهند و او انجام دهد، پرداخت کفاره‌ی روزه‌ی شوهرشان را لازم ندانند.

مسئله‌ی ۱۶۸۰: هر گاه در حال روزه‌ی ماه رمضان، زن خود را مجبور به جماع کنید، و در بین جماع زنتان راضی شود، خودتان باید دو کفاره بدهید و زنتان باید یک کفاره بپردازد.

مسئله‌ی ۱۶۸۱: هر گاه در حال روزه‌ی ماه رمضان، با زن روزه‌دار خود که خوابیده است جماع نمایید، باید یک کفاره بپردازید و زن باید روزه‌اش را صحیح بداند و پرداخت کفاره را لازم نشمارد.

مسئله‌ی ۱۶۸۲: هر گاه زنتان را مجبور کنید تا کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید - غیر از جماع - را بجا آورد، پرداخت کفاره‌ی زن را لازم ندانید و خود زن هم پرداخت کفاره را لازم نداند.

مسئله‌ی ۱۶۸۳: هر گاه به واسطه‌ی مسافرت یا مریضی، روزه نمی‌گیرید، نباید زن روزه‌دارتان را مجبور به جماع کنید، ولی اگر او را مجبور نمایید، باید کفاره‌اش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۶۸۴: نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کنید، و بهتر است فوراً آن را انجام دهید.

مسئله‌ی ۱۶۸۵: هر گاه کفاره‌ای که باید بپردازید را تا چند سال نپردازید، بیش از همان کفاره را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۶۸۶: هر گاه بخواهید برای کفاره یک روز، شصت فقیر را طعام بدهید، اگر به شصت فقیر دسترسی دارید، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مُدّ که تقریباً ده سیر است طعام بدهید، یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نمایید، ولی چنانچه اطمینان داشته باشید که فقیر، طعام را به خانواده‌ی خود می‌دهد یا به آنها می‌خوراند، می‌توانید برای هر یک از خانواده‌ی فقیر، اگر چه صغیر باشد، یک مُدّ به آن فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۶۸۷: هر گاه قضای روزه‌ی ماه رمضان را گرفته باشید، اگر بعد از ظهر، عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهید، باید به ده فقیر، هر کدام یک مُدّ که تقریباً ده سیر است طعام بدهید، و اگر نمی‌توانید، سه روز

پی در پی روزه بگیرید. گرچه بهتر است به شصت فقیر طعام بدهید.

جاهایی که باید فقط قضای روزه را بگیرید

مسأله‌ی ۱۶۸۸: در چند صورت فقط قضای روزه را بگیرید و پرداخت کفاره را لازم ندانید:

اول: آن که در حال روزه‌ی ماه رمضان، عمداً قی کنید.

دوم: آن که در شب ماه رمضان جُنُب باشید و به تفصیلی که در مسأله‌ی ۱۶۳۰ گفته شد، تا اذان صبح از خواب دوم بیدار نشوید، ولی در خواب سوم باید کفاره پرداخت نمایید.

سوم: عملی که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام ندهید ولی نیت روزه نکنید، یا ریا کنید، یا قصد کنید که روزه نباشید، یا قصد کنید کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهید.

چهارم: آن که در ماه رمضان، غسل جنابت را فراموش کنید و با حال جنابت، یک یا چند روز را روزه بگیرید.

پنجم: آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کنید صبح شده یا نه، کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید، بعد معلوم شود صبح بوده، و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارید صبح شده، کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید، بعد معلوم شود صبح بوده، قضای آن روز را باید بجا آورید. بلکه اگر بعد از تحقیق شک کنید که صبح شده یا نه یا ظن پیدا کنید به این که صبح نشده و کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید، بعد معلوم شود صبح بوده، نیز قضای روزه‌ی آن روز را به جا آورید.

ششم: آن که کسی بگوید صبح نشده و به گفته‌ی او کاری که باید باطل‌کننده

ی روزه بدانید را انجام دهید، بعد معلوم شود صبح بوده است. هفتم: آن که کسی بگوید صبح شده ولی به گفته‌ی او یقین نکنید، یا خیال کنید شوخی می‌کند و کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید، بعد معلوم شود صبح بوده است.

هشتم: آن که به گفته‌ی دیگری که عادل باشد، افطار کنید، بعد معلوم شود مغرب نبوده است. و همچنین است ناپینا و مانند آن.

نهم: آن که در هوای صاف به واسطه‌ی تاریکی یقین کنید که مغرب شده و افطار کنید، بعد معلوم شود مغرب نبوده است ولی اگر شک داشته باشید که مغرب شده و افطار کنید و معلوم شود مغرب نبوده، کفاره هم باید بپردازید. ولی اگر در هوای ابری به گمان این که مغرب شده افطار کنید، بعد معلوم شود مغرب نبوده، قضایش را لازم ندانید.

دهم: آن که برای خنک شدن یا بی‌جهت، مضمضه کنید یعنی آب در دهان بگردانید و بی‌اختیار فرو رود ولی اگر فراموش کنید که روزه هستید و آب را فرو دهید یا برای وضوی نماز واجب مضمضه کنید و بی‌اختیار فرو رود، قضا را لازم ندانید.

یازدهم: آن که از جهت اکراه یا اضطرار یا تقیه افطار کنید.

مسئله‌ی ۱۶۸۹: اگر غیر از آب، چیز دیگری را در دهان ببرید و بی‌اختیار فرو رود، یا آب، داخل بینی کنید و بی‌اختیار فرو رود، آن روز را قضا کنید.

مسئله‌ی ۱۶۹۰: مضمضه‌ی زیاد در حال روزه را ترک کنید، و اگر بعد از مضمضه بخواهید آب دهانتان را فرو ببرید، بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزید تا یقین کنید که آب خارج در دهان باقی نمانده است.

مسئله‌ی ۱۶۹۱: هر گاه بدانید یا ایمن نباشید که به واسطه‌ی مضمضه، بی

اختیار یا از روی فراموشی، آب وارد گلویتان می‌شود، نباید مضمضه کنید.
مسئله‌ی ۱۶۹۲: هر گاه در ماه رمضان، بعد از تحقیق، یقین کنید که صبح نشده و کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۶۹۳: هر گاه شک کنید که مغرب شده یا نه، نباید افطار کنید، و چنانچه افطار کنید، باید هم قضا نمایید و هم کفاره بپردازید. همچنین اگر شک کنید که صبح شده یا نه، نباید پیش از تحقیق، کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام دهید.

احکام روزه‌ی قضا

مسئله‌ی ۱۶۹۴: هر گاه در برهه‌ای از عمرتان دیوانه بوده‌اید، قضای روزه‌های وقتی که دیوانه بوده‌اید را واجب ندانید.

مسئله‌ی ۱۶۹۵: هر گاه کافر باشید و مسلمان شوید، قضای روزه‌های وقتی که کافر بوده‌اید را واجب ندانید. ولی اگر پیش از ظهر روز ماه رمضان مسلمان شوید و کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام نداده باشید، بهتر است آن روز را روزه بگیرید، و اگر ترک نمودید، قضا نمایید. ولی اگر مسلمان بودید و کافر شدید و دوباره به اسلام برگشتید، باید روزه‌های وقتی که کافر بودید را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۶۹۶: روزه‌ای که از شما به واسطه‌ی مستی فوت شده را باید بعد از استغفار، قضا نمایید، اگر چه چیزی که به واسطه‌ی آن مست شده‌اید را برای معالجه خورده باشید، بلکه اگر نیت روزه کرده و مست شده و در حال مستی، روزه را ادامه داده تا از مستی خارج شده باشید، باید روزه‌ی آن روز را تمام کنید و بعداً قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۶۹۷: هر گاه برای عذری چند روز روزه نگیرید و بعد شک کنید که چه وقت عذرتان برطرف شده، باید مقدار بیشتر را که احتمال می‌دهید روزه نگرفته‌اید، قضا نمایید، مثلاً هر گاه پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی‌دانید پنجم ماه رمضان از سفر برگشته‌اید یا ششم، باید شش روز روزه بگیرید. و نیز هر گاه ندانید چه وقت عذر برایتان پیدا شده، باید مقدار بیشتر را قضا نمایید، مثلاً اگر در اواخر ماه رمضان مسافرت کنید و بعد از ماه رمضان برگردید و ندانید که بیست و پنجم ماه رمضان مسافرت کرده‌اید یا بیست و ششم، باید مقدار بیشتر یعنی شش روز را قضا کنید.

مسئله‌ی ۱۶۹۸: هر گاه از چند ماه رمضان، روزه‌ی قضا داشته باشید، می‌توانید قضای هر کدام را که بخواهید، اول بگیرید، ولی اگر وقت قضای ماه رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از ماه رمضان آخر قضا داشته باشید و پنج روز هم به ماه رمضان مانده باشد، باید اول، قضای ماه رمضان آخر را بگیرید.

مسئله‌ی ۱۶۹۹: اگر قضای روزه‌ی چند ماه رمضان بر عهده‌تان باشد، که تأخیر یکی کفاره دارد و تأخیر دیگری ندارد، باید در نیت معین کنید روزه‌ای را که می‌گیرید، قضای کدام ماه رمضان است.

مسئله‌ی ۱۷۰۰: هر گاه قضای روزه‌ی ماه رمضان را گرفته باشید، اگر وقت قضای روزه‌تان تنگ نباشد، می‌توانید پیش از ظهر، روزه‌ی خود را باطل نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۰۱: هر گاه قضای روزه‌ی ماه رمضان شخص دیگری را گرفته باشید، نباید بعد از ظهر، روزه‌تان را باطل کنید.

مسئله‌ی ۱۷۰۲: هر گاه پسر بزرگتر باشید و پدر یا مادرتان به واسطه‌ی مرض

یا حیض یا نفاس، روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته باشد و پیش از تمام شدن ماه رمضان بمیرد، قضا کردن روزه‌هایی که نگرفته است را لازم ندانید، اگر چه بهتر است قضا کنید. ولی اگر به جهت مسافرت، روزه نگرفته باشد، باید برایش قضا کنید.

مسئله‌ی ۱۷۰۳: هر گاه به واسطه‌ی مرضی روزه‌ی ماه رمضان را نگیرید و مرضتان تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی که نگرفته‌اید را لازم ندانید گر چه بهتر است، ولی باید برای هر روز، یک مُدّ - که تقریباً ده سیر است - طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهید. ولی اگر به واسطه‌ی عذر دیگری، مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشید و عذرتان تا ماه رمضان بعد باقی باشد، باید روزه‌هایی که نگرفته‌اید را قضا کنید، و برای هر روز، یک مُدّ طعام هم به فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۰۴: هر گاه به واسطه‌ی مرضی، روزه‌ی ماه رمضان را نگیرید و بعد از ماه رمضان، مرضتان برطرف شود ولی عذر دیگری پیدا کنید که نتوانید تا ماه رمضان بعد قضای روزه را بگیرید، باید روزه‌هایی که نگرفته‌اید را قضا نمایید. و نیز اگر در ماه رمضان، غیر از مریضی، عذر دیگری داشته باشید و بعد از ماه رمضان آن عذر برطرف شود ولی تا ماه رمضان سال بعد به واسطه‌ی مرض نتوانید روزه بگیرید، باید روزه‌هایی که نگرفته‌اید را قضا کنید.

مسئله‌ی ۱۷۰۵: هر گاه در ماه رمضان به واسطه‌ی عذری روزه نگیرید و بعد از ماه رمضان، عذرتان برطرف شود و تا ماه رمضان آینده، عمداً قضای روزه را نگیرید، باید روزه را قضا کنید و برای هر روز، یک مُدّ گندم یا جو و مانند اینها هم به فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۰۶: هر گاه در قضای روزه کوتاهی کنید تا وقتش تنگ شود و در تنگی وقت، عذری پیدا کنید، باید قضا را بگیرید و برای هر روز یک مُدْ گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهید، بلکه اگر موقعی که عذر دارید، تصمیم داشته باشید که بعد از برطرف شدن عذر روزه‌های خود را قضا کنید، و پیش از آن که قضا نمایید در تنگی وقت عذر پیدا کنید، باید قضای آن را بگیرید، و برای هر روز، یک مُدْ گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۰۷: اگر مرضی‌تان چند سال طول بکشد، بعد از آن که خوب شدید اگر تا ماه رمضان آینده‌اش به مقدار قضا داشته باشید، باید قضای ماه رمضان آخر را بگیرید و برای هر روز از سال‌های گذشته، یک مُدْ که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۰۸: هر گاه باید برای هر روز، یک مُدْ طعام به فقیر بدهید، می‌توانید کفاره‌ی چند روز را به یک فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۰۹: هر گاه قضای روزه‌ی ماه رمضان را چند سال تأخیر بیاندازید، باید قضایش را بگیرید و برای هر روز، یک مُدْ طعام به فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۱۰: هر گاه روزه‌ی ماه رمضان را عمداً و بدون عذر نگیرید، باید قضای آن را بجا آورید و برای هر روز، دو ماه روزه بگیرید، یا به شصت فقیر طعام بدهید، یا یک برده آزاد کنید. و چنانچه تا ماه رمضان آینده قضای آن روزه را بجا نیاورید، برای هر روز نیز یک مُدْ طعام به فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۱۱: اگر روزه‌ی ماه رمضان را عمداً نگیرید و در طول روز، کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید انجام دهید، پرداخت یک کفاره را کافی بدانید. ولی اگر چند مرتبه جماع کنید، باید برای هر مرتبه یک کفاره بپردازید.

مسئله‌ی ۱۷۱۲: هر گاه پسر بزرگتر باشید، باید بعد از مرگ پدر یا مادرتان،

قضای نماز و روزه‌شان را به تفصیلی که در مسأله‌ی ۱۳۹۰ گفته شد بجا آورید.

مسأله‌ی ۱۷۱۳: هر گاه پسر بزرگتر باشید، و پدر یا مادرتان، غیر از روزه‌ی ماه رمضان، روزه‌ی واجب دیگری مانند روزه‌ی نذر را نگرفته باشند، باید قضا نمایید.

احکام روزه‌ی مسافر

مسأله‌ی ۱۷۱۴: در سفری که باید نمازهای چهار رکعتی‌تان را دو رکعتی بخوانید، نباید روزه بگیرید. ولی اگر از کسانی باشید که باید نمازتان را در سفر تمام بخوانید، مثل کسانی که شغلشان مسافرت یا سفرشان سفر معصیت است، باید در آن سفر روزه بگیرید.

مسأله‌ی ۱۷۱۵: تا جایی که می‌توانید، مسافرت در ماه رمضان را ترک کنید، بویژه اگر برای فرار از روزه باشد.

مسأله‌ی ۱۷۱۶: اگر غیر از روزه‌ی ماه رمضان، روزه‌ی معین دیگری بر عهده‌تان باشد، مثلاً نذر کرده باشید روز معینی را روزه بگیرید، تا ناچار نشوید، نباید در آن روز مسافرت کنید، و اگر در سفر باشید، چنانچه ممکن است باید قصد کنید که ده روز در جایی بمانید و آن روز را روزه بگیرید.

مسأله‌ی ۱۷۱۷: اگر نذر کنید روزه بگیرید ولی روز آن را معین نکنید، نباید آن را در سفر بجا آورید. ولی چنانچه نذر کنید که روز معینی را در سفر روزه بگیرید، باید آن را در سفر بجا آورید. و نیز اگر نذر کنید روز معینی را - چه مسافر باشید و چه نباشید - روزه بگیرید، باید آن روز را اگر چه مسافر باشید، روزه بگیرید.

مسأله‌ی ۱۷۱۸: هر گاه مسافر باشید، می‌توانید برای خواستن حاجت،

چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را در مدینه‌ی طیبه، روزه‌ی مستحبی بگیرید.
مسئله‌ی ۱۷۱۹: کسی که نمی‌داند باید روزه‌ی مسافر را باطل بشمارد، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد، روزه‌اش را باطل بشمارد، ولی اگر تا مغرب نفهمد، روزه‌اش را صحیح بداند.

مسئله‌ی ۱۷۲۰: هر گاه فراموش کنید که مسافر هستید، یا فراموش کنید که باید روزه‌ی مسافر را باطل بشمارید و در سفر روزه بگیرید، روزه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۱۷۲۱: هر گاه در حال روزه، بعد از ظهر مسافرت نمایید، باید روزه‌ی خود را تمام کنید، ولی اگر پیش از ظهر مسافرت کنید، وقتی به حد ترخص برسید، یعنی به جایی برسید که دیوار شهر را نبینید و صدای اذان آن را نشنوید، می‌توانید روزه‌ی خود را باطل کنید، ولی اگر پیش از آن، روزه‌تان را باطل کنید، باید قضا کنید و کفاره نیز بپردازید.

مسئله‌ی ۱۷۲۲: هر گاه پیش از اذان ظهر، از مسافرت، به وطنتان یا به جایی برسید که می‌خواهید ده روز در آن جا بمانید، چنانچه کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام نداده‌اید، باید آن روز را روزه بگیرید، ولی اگر انجام داده باشید، نباید آن روز را روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۷۲۳: هر گاه بعد از اذان ظهر از مسافرت، به وطنتان یا به جایی برسید که می‌خواهید ده روز در آن جا بمانید، نباید آن روز را روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۷۲۴: هر گاه در ماه رمضان، مسافر باشید یا به علت عذری روزه نگیرید، در طول روز، جماع نکنید و در خوردن و آشامیدن، سیر نخورید.

مواردی که نباید روزه را بر خود واجب بدانید

مسئله‌ی ۱۷۲۵: هر گاه به واسطه‌ی پیری نمی‌توانید روزه بگیرید، یا برایتان مشقت دارد، روزه را بر خود واجب ندانید ولی در هر دو صورت، باید برای هر روز، یک مُدّ که تقریباً ده سیر است، گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۲۶: هر گاه به واسطه‌ی پیری روزه نگرفته‌اید، اگر بعد از ماه رمضان بتوانید روزه بگیرید، باید قضای روزهایی که روزه نگرفته‌اید را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۷۲۷: هر گاه مرضی داشته باشید که زیاد تشنه شوید و نتوانید تشنگی را تحمل کنید، یا برایتان مشقت داشته باشد، روزه را بر خود واجب ندانید، ولی باید برای هر روز، یک مُدّ گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهید، و بهتر است که بیشتر از مقداری که ناچار هستید، آب نیاشامید. و چنانچه بعد بتوانید روزه بگیرید، باید روزههایی که نگرفته‌اید را قضا نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۲۸: منہاجیاتی که نزدیک زایمانشان است و روزه برای جنینشان ضرر دارد، روزه را بر خود واجب ندانند و باید برای هر روز، یک مُدّ طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهند. و نیز اگر روزه برای خودشان ضرر دارد، نباید روزه بگیرند. و در هر دو صورت، روزههایی که نگرفته‌اند را باید قضا نمایند.

مسئله‌ی ۱۷۲۹: منہاجیاتی که بچه شیر می‌دهند و شیرشان کم است، چه مادر بچه و چه دایه‌ی او باشند، یا بی‌اجرت شیر دهند، اگر روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهند ضرر داشته باشد، روزه را بر خود واجب ندانند و باید برای هر روز، یک مُدّ طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهند. و در هر صورت، روزههایی که نگرفته‌اند را باید قضا نمایند. ولی اگر کسی پیدا شود که بی‌اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از

شخص دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، باید بچه را به او بدهند و روزه بگیرند.

راه‌های ثابت شدن اول ماه

مسئله‌ی ۱۷۳۰: ثابت شدن اول ماه را به چهار چیز بدانید:

اول: آن‌که خودتان ماه را ببینید.

دوم: عده‌ای که از گفته‌ی آنان یقین یا اطمینان پیدا می‌کنید بگویند: «ماه را دیده‌ایم»، و همچنین است هر چیزی که به واسطه‌ی آن، یقین یا اطمینان پیدا شود.

سوم: دو مرد عادل بگویند که «در یک شب ماه را دیده‌ایم»، ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، اول ماه را ثابت ندانید، و همچنین اگر قابل تصدیق نباشند، مثل این که آسمان صاف باشد و تعداد استهلال‌کنندگان زیاد باشند و غیر از این دو نفر، دیگران هر چه دقت کنند نبینند.

چهارم: سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه‌ی آن، اول ماه رمضان را ثابت بدانید، و سی روز از اول ماه رمضان بگذرد که به واسطه‌ی آن، اول ماه شوال را ثابت بدانید.

مسئله‌ی ۱۷۳۱: اثبات اول ماه را به حکم حاکم شرع ندانید.

مسئله‌ی ۱۷۳۲: اول ماه را با پیشگویی منجمین ثابت ندانید، ولی اگر از گفته‌ی آنان یقین پیدا کنید، باید به آن عمل نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۳۳: بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن را دلیل این که شب پیش، شب اول ماه بوده ندانید.

مسئله‌ی ۱۷۳۴: اگر اول ماه رمضان برایتان ثابت نشود و روزه نگیرید، چنانچه دو مرد عادل بگویند که شب پیش، ماه را دیده‌ایم، باید روزه‌ی آن

روز را قضا نمایید و اگر در همان روز هستید، تا مغرب از انجام آنچه باطل‌کننده‌ی روزه می‌دانید، پرهیز نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۳۵: هر گاه در شهری که با شهر شما در شب، مشترک است، اول ماه رمضان ثابت شود، آن روز را به قصد آنچه وظیفه‌تان است، روزه بگیرید. و هر گاه در شهری که با شهر شما در شب، مشترک است، اول شوال ثابت شود، آن روز را مسافرت کنید و روزه نگیرید، سپس یک روز روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۷۳۶: اول ماه را به اعلام وسایل ارتباط جمعی مانند تلویزیون و رادیو ثابت ندانید، مگر این که یقین کنید مستند به شهادت دو مرد عادل است.

مسئله‌ی ۱۷۳۷: روزی را که نمی‌دانید آخر ماه رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرید، ولی اگر پیش از مغرب بفهمید که اول شوال است، باید افطار کنید.

مسئله‌ی ۱۷۳۸: هر گاه زندانی باشید و نتوانید به ماه رمضان یقین کنید، باید به گمان عمل نمایید، و اگر آن هم ممکن نباشد، باید یک ماه را به انتخاب خودتان روزه بگیرید. ولی اگر زندانتان طولانی شد، باید بعد از گذشتن یازده ماه از ماهی که روزه گرفته‌اید، دوباره یک ماه روزه بگیرید.

روزهایی که نباید روزه بگیرید

مسئله‌ی ۱۷۳۹: نباید روز عید فطر و عید قربان را روزه بگیرید، همچنین نباید روزی که نمی‌دانید آخر شعبان است یا اول ماه رمضان، به نیت اول ماه رمضان روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۷۴۰: منہاجیات نباید بدون اجازه‌ی شوهرشان روزه‌ی مستحبی

بگیرند.

مسئله‌ی ۱۷۴۱: نباید بدون اجازه‌ی پدر یا مادر یا پدربزرگ پدری‌تان، روزه‌ی مستحبی بگیرید.

مسئله‌ی ۱۷۴۲: هرگاه بدون اجازه‌ی پدرتان، روزه‌ی مستحبی بگیرید، و در بین روز، پدر نهی‌تان کند، باید افطار کنید.

مسئله‌ی ۱۷۴۳: هر گاه بدانید که روزه برایتان ضرر ندارد، اگر چه پزشک بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرید. و هر گاه یقین یا گمان داشته باشید که روزه برایتان ضرر دارد، اگر چه پزشک بگوید ضرر ندارد، نباید روزه بگیرید، و اگر روزه گرفتید، آن روزه را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۱۷۴۴: هر گاه احتمال بدهید که روزه برایتان ضرر دارد و از آن احتمال، ترس برایتان پیدا شود، چنانچه احتمالتان در نظر مردم بجا باشد، نباید روزه بگیرید، و اگر روزه بگیرید، صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۱۷۴۵: هر گاه عقیده داشته باشید که روزه برایتان ضرر ندارد، اگر روزه بگیرید و بعد از مغرب بفهمید روزه برایتان ضرر داشته، باید قضای آن را بجا آورید.

مسئله‌ی ۱۷۴۶: غیر از روزه‌هایی که گفته شد، روزه‌های دیگری هم هست که در قوانین عملی منهج فردوسیان گفته شده است.

مسئله‌ی ۱۷۴۷: روز عاشورا و روزی که شک دارید روز عرفه است یا عید قربان، روزه نگیرید.

روزه‌هایی که خوب است بگیرید

مسئله‌ی ۱۷۴۸: روزه‌ی تمام روزهای سال، غیر از روزه‌های حرام و مکروه که گفته شد را مستحب بدانید. و برای بعضی از روزها بیشتر سفارش شده

است، که از آن جمله بدانید:

۱. پنجشنبه‌ی اول و پنجشنبه‌ی آخر هر ماه قمری، و چهارشنبه‌ی اولی که بعد از روز دهم ماه است. و اگر نتوانید اینها را بجا بیاورید، قضا نمایید، و چنانچه اصلاً نتوانید روزه بگیرید، برای هر روز، یک مُدّ طعام یا ۱۳ نخود نقره‌ی سکه دار به فقیر بدهید.

۲. سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری.

۳. تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه، اگر چه یک روز باشد.

۴. روز عید نوروز، روزهای چهارم تا نهم شوال، روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی‌قعدة، روز اول تا روز نهم ذی‌حجه (روز عرفه)، عید سعید غدیر (۱۸ ذی‌حجه)، روز مباحله (۲۴ ذی‌حجه)، روز اول و سوم و هفتم محرم، میلاد مسعود استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) (۱۷ ربیع‌الاول)، پانزدهم جمادی‌الاولی، روز مبعث استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) (۲۷ رجب)، و هر گاه روزه‌ی مستحبی بگیرید، به آخر رساندنش را لازم ندانید، بلکه اگر برادر مؤمنتان، شما را به غذا دعوت کند، دعوت او را قبول کنید، و در بین روز افطار نمایید.

مسأله‌ی ۱۷۴۹: خوب است اگر از شش گروه زیر هستید، در ماه رمضان، اگر چه روزه نباشید ولی از کارهایی که روزه را باطل می‌کند خودداری نمایید: اول: هر گاه در مسافرت، کاری که باید باطل‌کننده‌ی روزه بدانید را انجام داده باشید و پیش از ظهر به وطنتان یا به جایی که می‌خواهید ده روز بمانید، برسید.

دوم: هر گاه بعد از ظهر، از سفر، به وطن خود یا به جایی که می‌خواهید ده روز در آنجا بمانید، برسید.

سوم: هر گاه مریض باشید و مریضی‌تان پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام داده باشید.

چهارم: هر گاه مریضی‌تان بعد از ظهر خوب شود.

پنجم: منهایاتی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شوند.

ششم: کافری که بعد از ظهر مسلمان شود یا پیش از ظهر مسلمان شود و پیش از مسلمان شدن مفطر به جا آورده باشد.

مسئله‌ی ۱۷۵۰: بهتر است نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخوانید، ولی اگر کسی منتظران است یا میل زیادی به غذا دارید که نمی‌توانید با حضور قلب نماز بخوانید، بهتر است اول، افطار کنید. ولی به قدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن بجا آورید.

احکام خمس

مسئله‌ی ۱۷۵۱: خمس را در هفت چیز واجب بدانید: اول: منفعت کسب. دوم: معدن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط به حرام. پنجم: جواهری که به واسطه‌ی غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید. ششم: غنیمت جنگی. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. و احکام اینها به تفصیل گفته خواهد شد.

۱. منفعت کسب

مسئله‌ی ۱۷۵۲: هرگاه از تجارت یا صنعت یا کسب‌های دیگر، مالی به دست آورید، اگر چه مثلاً اجرت بجا آوردن نماز و روزه‌ی میتی باشد، چنانچه از

مخارج سال خود و خانواده‌تان که باید به آنان نفقه بدهید، زیاد بیاید، باید خمس، یعنی یک‌پنجم آن را به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۵۳: اگر غیر از کسب، مالی به دست آورید، مثلاً چیزی به شما بخشیده شود، چنانچه از مخارج سالتان زیاد بیاید، باید خمسش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۵۴: بهتر است منہاجیات، خمس مهریه‌شان را - در صورتی که از مخارج سالشان اضافه بیاید - پردازند. همچنین هر گاه خویشاوند دوری داشته باشید و ندانید چنین خویشی دارید، باید خمس ارثی که از او می‌برید را، اگر از مخارج سالتان زیاد بیاید، بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۵۵: هر گاه مالی به ارث ببرید و بدانید کسی که این مال از او به ارث رسیده، خمس آن را نداده است، باید خمس آن را بدهید. و نیز اگر در خود آن مال خمس نباشد ولی بدانید کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۵۶: اگر به واسطه‌ی قناعت کردن، چیزی از مخارج سالتان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۵۷: هر گاه شخص دیگری مخارجتان را بدهد، باید خمس تمام مالی که به دست می‌آورید را بدهید، ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت و مانند آن کرده باشید، فقط باید خمس باقیمانده را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۵۸: اگر ملکی را بر افراد معینی، مثلاً بر اولاد خود وقف نمایید، چنانچه در آن ملک، زراعت و درختکاری کنید و از آن چیزی به دست آورید و از مخارج سالتان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهید. بلکه اگر طور دیگری هم از ملک نفع ببرید، مثلاً اجاره‌ی آن را بگیرید، باید خمس مقداری که از مخارج سالتان زیاد می‌آید را بدهید.

مسأله‌ی ۱۷۵۹: هر گاه فقیر باشید، پرداخت خمس مالی که بابت خمس و زکات می‌گیرید، را لازم ندانید، ولی خمس مالی که بابت صدقه‌ی مستحبی گرفته‌اید، اگر از مخارج سالتان زیاد بیاید را باید بدهید. همچنین اگر از مالی که بابت خمس و زکات و صدقه‌ی مستحبی گرفته‌اید، منفعتی ببرید و از مخارج سالتان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهید. مثلاً هر گاه از درختی که بابت خمس به شما داده‌اند، میوه‌ای به دست آورید، چنانچه درخت را برای منفعت بردن و کسب ننگه داشته باشید، باید خمس مقداری که از مخارج سالتان زیاد می‌آید را بدهید.

مسأله‌ی ۱۷۶۰: نباید با عین پول خمس نداده، جنسی را بخرید.

مسأله‌ی ۱۷۶۱: هر گاه جنسی را بخرید و بخواهید بعد از معامله قیمت آن را پردازید، نباید از پول خمس نداده بدهید.

مسأله‌ی ۱۷۶۲: جنسی که خمس به آن تعلق گرفته را نخرید ولی اگر می‌خرید، باید خمس آن را از فروشنده بگیرید و پردازید.

مسأله‌ی ۱۷۶۳: نباید چیزی که خمس آن را نداده‌اید، به کسی ببخشید ولی اگر ببخشید، باید خمس آن را خودتان پردازید.

مسأله‌ی ۱۷۶۴: اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دستتان آید، پرداخت خمس آن را لازم ندانید.

مسأله‌ی ۱۷۶۵: هر گاه تاجر، کاسب، صنعتگر و مانند اینها باشید، باید از وقتی که شروع به کاسبی می‌کنید، یک سال که بگذرد، خمس آنچه را که از مخارج سالتان زیاد می‌آید را بدهید. و اگر شغلتان کاسبی نیست، اگر اتفاقاً منفعتی ببرید، بعد از آن که یک سال از موقعی که فایده برده‌اید بگذرد، باید خمس مقداری که از خرج سالتان زیاد آمده را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۶۶: می‌توانید هر وقت منفعتی به دستتان رسید، خمس آن را بدهید، و می‌توانید دادن خمس را تا آخر سال به تأخیر اندازید. و می‌توانید برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهید.

مسئله‌ی ۱۷۶۷: کسی مانند تاجر و کاسب که باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسب کسر کنید و خمس باقیمانده را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۶۸: اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده‌اید بالا رود و آن را بفروشید و در بین سال، قیمتش پایین آید، پرداخت خمس مقداری که بالا رفته را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۷۶۹: هر گاه قیمت جنسی که برای تجارت خریده‌اید، بالا رود و به امید این که قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال خمسی، آن را بفروشید و قیمتش پایین آید، باید خمس مقداری که بالا رفته را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۷۰: هر گاه قیمت مالی که خمسش را داده‌اید، بالا رود، اگر آن را بفروشید و از مخارج سالتان زیادتز بیاید، باید خمس آن مقدار که قیمتش بالا رفته را بدهید. همچنین اگر مالی که خمسش را داده‌اید، رشد کند مثلاً درختی که خریده‌اید، نمو کند و بزرگ شود و یا گوسفندی که خریده‌اید، چاق شود، اگر آن را بفروشید و از مخارج سالتان زیادتز بیاید، باید خمس آن مقدار که رشد کرده و چاق شده را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۷۱: هر گاه باغی را فقط برای میوه خوردن خود و خانواده‌تان احداث کنید، چنانچه نیاز به آن دارید و جزء مؤونه محسوب می‌شود، پرداخت خمس برای هیچکدام از باغ و نمو آن را لازم ندانید. ولی اگر برای این که میوه‌ی آن را بفروشید و از قیمت آن استفاده کنید، آن را احداث کرده

اید، حکم سرمایه را دارد و باید خمس آن را بدهید، به این معنی که پس از آن که باغ شد و درخت‌هایش به حد کمال رسید، خمس زمین و درخت‌ها و میوه‌هایش را بدهید و از آن به بعد، هر سال فقط خمس میوه و نمو درخت‌ها و زیادی قیمت باغ را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۷۲: اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بکارید، سالی که موقع فروش آنهاست، اگر چه آنها را نفروشید، باید خمس آنها را بدهید، ولی اگر مثلاً از شاخه‌های آن که معمولاً هر سال می‌برند استفاده‌ای ببرید و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسبتان از مخارج سالتان زیاد بیاید، باید در آخر هر سال، خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۷۳: هر گاه چند رشته کسب داشته باشید، مثلاً اجاره‌ی ملک بگیرید و خرید و فروش و زراعت هم بکنید، چنانچه در هر رشته کسبی که دارید، سرمایه و دخل و خرج و حساب و صندوق جداگانه دارید، باید منافع همان رشته را حساب کنید و خمس آن را بدهید، و اگر در آن رشته ضرر کنید، از رشته‌ی دیگر جبران نکنید. ولی اگر رشته‌های مختلف در دخل و خرج و حساب و صندوقشان یکی باشد، باید همه را آخر سال، یکجا حساب کنید و اگر اضافه از مخارج سالتان باشد، خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۷۴: خرج‌هایی که برای به دست آوردن فایده می‌کنید، مانند هزینه‌ی دلال و باربری که عینش یا عوضش باقی نمی‌ماند را می‌توانید جزء مخارج کسب حساب کنید، یعنی خمسش را نپردازند.

مسئله‌ی ۱۷۷۵: پرداخت خمس آنچه از منافع کسب که در بین سال خمسی به مصرف خوراک، پوشاک، اثاثیه و خرید منزل، عروسی، جهیزیه‌ی دختر در وقتی که نیاز به تهیه‌ی آن است، زیارت، خیرات و مانند اینها می‌رسانید، در

صورتی که از شأنتان زیاد نباشد و زیاده‌روی هم نکرده باشید، را لازم ندانید. مسأله‌ی ۱۷۷۶: می‌توانید مالی که به مصرف نذر و کفاره می‌رسانید را جزء مخارج سالیانه‌تان حساب کنید، و نیز مالی که به کسی می‌بخشید یا جایزه می‌دهید، در صورتی که از شأنتان زیاد نباشد.

مسأله‌ی ۱۷۷۷: هر گاه نتوانید جهیزیه‌ی دخترتان را یکجا تهیه کنید و مجبور باشید که هر سال مقداری از آن را تهیه نمایید، هر مقدار که تهیه کردید را به دخترتان هدیه کنید.

مسأله‌ی ۱۷۷۸: مالی که خرج سفر حج و زیارت‌های دیگر می‌کنید، اگر مانند مرکب سواری باشد که عین آن باقی است و از منفعت آن استفاده شده، از مخارج سالی حساب کنید که در آن سال شروع به مسافرت کرده‌اید، اگر چه سفرتان تا مقداری از سال بعد طول بکشد، ولی اگر مثل خوراکی‌ها از بین رفته باشد، باید خمس مقداری که در سال بعد واقع شده را بدهید. مسأله‌ی ۱۷۷۹: هر گاه از کسب و تجارت فایده‌ای ببرید، اگر مال دیگری هم داشته باشید که خمس آن واجب نباشد، می‌توانید مخارج سال خود را فقط از فایده‌ی کسب حساب کنید.

مسأله‌ی ۱۷۸۰: هر گاه آذوقه‌ای که برای مصرف سالتان از منفعت کسب خریده‌اید، در آخر سال خمسی، زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهید. و چنانچه بخواهید قیمت آن را بدهید، در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده‌اید زیاد شده باشد، باید قیمت آخر سال را حساب کنید.

مسأله‌ی ۱۷۸۱: اگر از منفعت کسب، پیش از دادن خمس، اثاثیه‌ای برای منزلتان بخرید، چنانچه در بین سال خمسی احتیاجتان به آن برطرف شود، باید خمس آن را بدهید. و همچنین است زیورآلات زنانه، اگر در بین سال،

وقت زینت کردن منهاجیات با آنها بگذرد.

مسئله‌ی ۱۷۸۲: اگر در یک سال منفعتی نبرید، نباید مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می‌برید کسر نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۸۳: اگر در اول سال منفعتی نبرید و از سرمایه خرج کنید و پیش از تمام شدن سال، منفعتی به دستتان آید، نباید مقداری را که از سرمایه برداشته‌اید، از منافع کسر کنید.

مسئله‌ی ۱۷۸۴: هر گاه مقداری از سرمایه‌ی یک رشته‌ی کسبتان به تلف یا ضرر در معامله، کم شود یا از بین برود و از باقیمانده‌ی آن رشته منافی ببرید که از خرج سالتان زیاد بیاید، مقداری از سرمایه که کم شده را از آن منافع بر ندارید.

مسئله‌ی ۱۷۸۵: هر گاه غیر از سرمایه، چیز دیگری از امواتان از بین برود، نباید از منفعتی که به دستتان می‌آید آن چیز را تهیه کنید، ولی اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشید، می‌توانید در بین سال خمسی از منافع کسبتان آن را تهیه کنید.

مسئله‌ی ۱۷۸۶: اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کنید و پیش از تمام شدن سال خمسی منفعتی ببرید، نباید مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۸۷: اگر در تمام سال منفعتی نبرید و برای مخارج خود قرض کنید، نباید آن قرض را از منافع سال‌های بعد کسر نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۸۸: نباید برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارید قرض کنید، و چنانچه قرض کردید، نباید آن قرض را از منافع کسبتان، کسر نمایید.

مسأله‌ی ۱۷۸۹: می‌توانید خمس هر چیز را از همان چیز بدهید یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار هستید، پول یا جنس دیگر بدهید. ولی خمس مال حلال مخلوط به حرام را باید از عین همان مال بدهید.

مسأله‌ی ۱۷۹۰: تا زمانی که خمس مال را ندهید، نباید در آن تصرف کنید، اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشید.

مسأله‌ی ۱۷۹۱: هر گاه خمس بدهکار باشید، نباید آن را به ذمه بگیرید، یعنی خود را بدهکار اهل خمس بدانید و در تمام مال تصرف کنید، و چنانچه تصرف کنید و آن مال تلف شود، باید خمس آن را بدهید.

مسأله‌ی ۱۷۹۲: هر گاه خمس بدهکار باشید، اگر با اجازه‌ی حاکم شرع، خمس را به ذمه بگیرید که بعد ادا نمایید، می‌توانید در تمام مال تصرف کنید، و منافعی که از آن به دست می‌آید، مال خودتان است.

مسأله‌ی ۱۷۹۳: هر گاه با کسی شریک باشید، اگر خمس منافع خود را بدهید ولی شریکتان خمسش را ندهد و در سال بعد از مالی که خمسش را نداده است برای سرمایه‌ی شرکت بگذارد، هیچ کدام نباید در آن تصرف کنید.

مسأله‌ی ۱۷۹۴: اگر بجهی صغیرتان سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منافعی به دست آید، باید پیش از بلوغ صغیر، خمس آن را بدهید و اگر بعد از تمام شدن سال، خمسش را ندهید، نباید در آن مال تصرف نمایید. و اگر در دوران قبل از بلوغ، سرمایه‌ای داشته‌اید که سودآوری داشته و ولایتان خمس آن را نداده است، باید بعد از بلوغ، خمس آن را بدهید.

مسأله‌ی ۱۷۹۵: نباید در مالی که یقین دارید خمسش را نداده‌اید تصرف کنید، ولی در مالی که شک دارید خمس آن را داده‌اید یا نه، می‌توانید تصرف

نمایید.

مسئله‌ی ۱۷۹۶: هر گاه از اول تکلیف خمس نداده باشید، اگر ملکی بخرید و قیمت آن بالا رود، باید خمس قیمت روز (نه قیمت زمان خرید) آن را بدهید. مسئله‌ی ۱۷۹۷: هر گاه از اول تکلیف خمس نداده باشید، باید یکبار خمس تمام زندگی‌تان را بپردازید و از آن به بعد، در همان تاریخ، خمس منافع سال گذشته که از مخارجتان اضافه آمده باشد را بدهید.

۲. معدن

مسئله‌ی ۱۷۹۸: هر گاه از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدن‌های دیگر، چیزی به دست آورید، در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۷۹۹: نصاب معدن، ۱۰۵ مثقال معمولی نقره یا ۱۵ مثقال معمولی طلاست، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده‌اید، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده‌اید، به قیمت ۱۰۵ مثقال معمولی نقره یا ۱۵ مثقال معمولی طلا برسد، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۰۰: هر گاه استفاده‌ای که از معدن برده‌اید، به حدّ نصابی که در مسئله‌ی قبل گفته شد نرسد، در صورتی باید خمس آن را بدهید که به تنهایی یا با دیگر منفعتهای کسب، از مخارج سالتان زیاد بیاید.

مسئله‌ی ۱۸۰۱: باید گچ، آهک، گل سرشور و گل سرخ را از معدن محسوب کنید و اگر به حدّ نصاب برسد، خمسش را بپردازید.

مسئله‌ی ۱۸۰۲: هر گاه از معدن چیزی به دست می آورید، باید خمس آن را بدهید، چه معدن روی زمین باشد یا زیر زمین، در زمینی باشد که ملک خودتان است یا در جایی باشد که مالک ندارد.

مسئله‌ی ۱۸۰۳: هر گاه ندانید چیزی که از معدن بیرون آورده‌اید، به حدّ نصاب رسیده یا نه، باید به وزن کردن یا از هر راهی که امکان دارد، قیمت آن را معلوم کنید.

مسئله‌ی ۱۸۰۴: هر گاه با مشارکت چند نفر چیزی از معدن بیرون آورید، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده‌اید، قیمتش به حدّ نصاب برسد، اگر چه سهم هر کدامتان به حدّ نصاب نرسد، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۰۵: هر گاه معدنی را که در ملک دیگری است، بدون اجازه‌ی او بیرون آورید، آنچه از آن به دست می‌آید، مال صاحب ملک است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده بدهد.

۳. گنج

مسئله‌ی ۱۸۰۶: گنج را مالی بدانید که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و آن را پیدا کنید، و طوری باشد که به آن گنج بگویند.

مسئله‌ی ۱۸۰۷: هر گاه در زمینی که ملک کسی نیست، گنجی پیدا کنید، مال خودتان بدانید ولی باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۰۸: نصاب گنج را ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا بدانید، یعنی اگر قیمت چیزی که از گنج به دست می‌آورید، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده‌اید، به یکی از این دو نصاب برسد، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۰۹: هر گاه در زمینی که از دیگری خریده‌اید، گنجی پیدا کنید و بدانید مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده‌اند نیست، مال خودتان بدانید و باید خمس آن را بدهید. ولی اگر احتمال دهید که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهید و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید تا جایی که

امکان دارد، به کسانی که پیش از او مالک زمین بوده‌اند اطلاع دهید.
مسئله‌ی ۱۸۱۰: هر گاه در ظرف‌های متعددی که در یک جا دفن شده‌اند مالی پیدا کنید که قیمت آنها روی هم ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا باشد، باید خمس آن را بدهید، ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کنید، هر کدام آنها که قیمتش به این مقدار برسد، باید خمس آن را بپردازید.

مسئله‌ی ۱۸۱۱: هر گاه دو نفری گنجی پیدا کنید که قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، باید خمس آن را بدهید، اگر چه سهم هر یک از شما به این مقدار نباشد.

مسئله‌ی ۱۸۱۲: هر گاه حیوانی را بخرید و در شکم آن مالی پیدا کنید، چنانچه احتمال دهید که مال فروشنده است، باید به او خبر دهید و اگر معلوم شود مال او نیست، باید به ترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کنید، و چنانچه معلوم شود که مال هیچ یک از آنان نیست، اگر چه قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا نرسد، باید خمس آن را بدهید.

۴. مال حلال مخلوط به حرام

مسئله‌ی ۱۸۱۳: هر گاه مال حلالتان به طوری با مال حرام مخلوط شود که نتوانید آنها را از یکدیگر تشخیص دهید و صاحب مال حرام و مقدار آن معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهید و بعد از دادن خمس، بقیه‌ی مال را حلال بدانید.

مسئله‌ی ۱۸۱۴: هر گاه مال حرامی با مال حلالتان مخلوط شود و مقدار حرام را بدانید ولی صاحب آن را نشناسید، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهید و از حاکم شرع هم اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۸۱۵: هر گاه مال حرامی با مال حلالتان مخلوط شود و مقدار حرام

را ندانید ولی صاحبش را بشناسید، باید یکدیگر را راضی نمایید و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که بدانید چیز معینی مال اوست و شک کنید که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارید مال اوست و مقدار بیشتری که احتمال می‌دهید مال او باشد را به او بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۱۶: هر گاه خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهید و بعد بفهمید که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، باید مقداری که می‌دانید از خمس بیشتر بوده، با اجازه‌ی حاکم شرع، از طرف صاحب آن صدقه بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۱۷: هر گاه خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهید، و بعد از آن صاحبش معلوم شود یا مالی که صاحبش را نمی‌شناخته‌اید و به نیت صاحبش صدقه داده‌اید، صاحبش پیدا شود، باید به مقدار مالش به او بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۱۸: هر گاه مال حرامی با مال حلالتان مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و بدانید که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست ولی نتوانید بفهمید کیست، اگر ممکن است باید همه را راضی کنید و اگر ممکن نیست، باید آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر تقسیم کنید. و اگر به تقسیم مساوی راضی نمی‌شوند، باید قرعه بیان‌دازید و به نام هر کس افتاد، مال را به او بدهید.

۵. جواهری که به واسطه‌ی فرو رفتن در دریا به دست بیایند

مسئله‌ی ۱۸۱۹: هر گاه به واسطه‌ی غواصی یعنی فرو رفتن در دریا، لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا بیرون می‌آید، بیرون آورید، رویدنی باشد یا معدنی، به تنهایی باشید یا همکار داشته باشید، در یک

دفعه آن را از دریا بیرون آورید یا در چند دفعه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۲۰: هر گاه بدون فرو رفتن در دریا، به وسیله‌ی اسبابی، جواهر را بیرون آورید، باید خمس آن را بدهید. ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهر بگیرید، در صورتی باید خمسش را بدهید که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسبتان، از مخارج سالتان زیاد بیاید.

مسئله‌ی ۱۸۲۱: در ماهی و حیوانات دیگری که با فرو رفتن و یا بدون فرورفتن در دریا می‌گیرید، در صورتی باید خمس بدهید که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب، از مخارج سالتان زیادتر باشد.

مسئله‌ی ۱۸۲۲: هر گاه بدون قصد این که چیزی از دریا بیرون آورید، در دریا فرو بروید و اتفاقاً جواهری به دست آورید، در صورتی که قصد کنید که آن چیز ملکتان باشد، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۲۳: هر گاه در دریا فرو بروید و حیوانی را بیرون آورید و در شکم آن حیوان، جواهری پیدا کنید، باید خمسش را بپردازید.

مسئله‌ی ۱۸۲۴: هر گاه در رودخانه‌های بزرگ مانند دجله و فرات فرو بروید و جواهری بیرون آورید، چنانچه در آن رودخانه جواهر به عمل می‌آید، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۲۵: هر گاه در آب فرو بروید و مقداری عنبر بیرون آورید یا از روی آب بگیرید یا از کنار دریا به دست آورید، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۲۶: هر گاه کسبتان غواصی یا بیرون آوردن معدن باشد، اگر خمس آنها را بدهید و چیزی از مخارج سالتان زیاد بیاید، پرداخت دوباره‌ی خمس آن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۲۷: هر گاه بچه‌ی نابالغان معدنی را بیرون آورد یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد یا گنجی پیدا کند یا به واسطه‌ی فرو رفتن در دریا، جواهری بیرون آورد، شما که ولی او هستید، باید خمس آنها را بدهید.

۶. غنیمت

مسئله‌ی ۱۸۲۸: هر گاه در زمان ظهور و به امر امام (علیه‌السلام) با کفار بجنگید و چیزهایی در جنگ به دست آورید، به آنها غنیمت گفته خواهد شد و مخارجی را که برای غنیمت کرده‌اید مانند مخارج نگهداری، و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام (علیه‌السلام) صلاح می‌داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام است را باید از غنیمت کنار بگذارید و خمس بقیه‌ی آن را بدهید.

۷. زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

مسئله‌ی ۱۸۲۹: هر گاه کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین یا با اجازه‌ی حاکم شرع، از مال دیگرش بدهد، و نیز اگر خانه و دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد، باید خمس زمین آن را بدهد.

مسئله‌ی ۱۸۳۰: هر گاه زمینی را از کافر ذمی بخرید که او از مسلمان خریده و خمسش را نداده باشد، باید خمسش را بدهید. همچنین اگر چنین زمینی را به ارث ببرید، باید خمس آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۳۱: نباید به کافر ذمی به این شرط که خمس ندهد یا این که فروشنده خمس آن را بدهد، زمین بفروشید. ولی می‌توانید به این شرط که خمس را از طرف او به صاحبان خمس بدهید، معامله نمایید.

مسئله‌ی ۱۸۳۲: هر گاه زمینی را به غیر خرید و فروش، ملک کافر کنید و

عوض آن را بگیریید مثلاً به او صلح نمایید، باید با او در ضمن عقد، شرط کنید که خمس آن را بدهد.

مسئله‌ی ۱۸۳۳: هر گاه کافر ذمی صغیر باشد و ولی او بخواهد برایش زمینی بخرد، به او زمین نفروشید.

مصرف خمس

مسئله‌ی ۱۸۳۴: باید خمس مالتان را به فقیه حاکم بر جامعه‌ی اسلامی (ولی فقیه) بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۳۵: هر گاه بخواهید با اجازه‌ی ولی فقیه، سهم سادات را به سید یتیم بدهید، باید فقیر باشد ولی می‌توانید به سیدی که در سفرش درمانده شده بدهید، هر چند در وطنش فقیر نباشد.

مسئله‌ی ۱۸۳۶: به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر سفرش سفر معصیت باشد، یا خودش در حال معصیت باشد، نباید سهم سادات بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۳۷: می‌توانید به سیدی که عادل نیست سهم سادات بدهید، ولی به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید سهم سادات بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۳۸: به سیدی که معصیت‌کار است، اگر دادن سهم سادات، کمک به معصیت او باشد، نباید سهم سادات بدهید، همچنین است به سیدی که آشکارا معصیت می‌کند، اگر چه دادن سهم سادات به او، کمک به معصیتش نباشد.

مسئله‌ی ۱۸۳۹: نباید به صرف این که کسی ادعا می‌کند سید است، به او سهم سادات بدهید، مگر آن که دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند یا در بین مردم به طوری معروف باشد که یقین یا اطمینان به سیادت او پیدا کنید.

مسئله‌ی ۱۸۴۰: می‌توانید به کسی که در شهر خودش مشهور به سیادت است، اگر چه یقین به سید بودنش نداشته باشید، سهم سادات بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۴۱: هر گاه زنتان سیده باشد، نباید به او سهم سادات بدهید ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، می‌توانید سهم سادات را به زنتان بدهید تا به مصرف آنان برساند.

مسئله‌ی ۱۸۴۲: اگر مخارج سیدی که زنتان نیست بر شما واجب باشد، نباید از سهم سادات، خوراک و پوشاک او را بدهید یا آن که ملک او کنید که به مصرف مخارج خودش برساند.

مسئله‌ی ۱۸۴۳: می‌توانید به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است ولی او نمی‌تواند مخارج آن سید را بدهد، سهم سادات بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۴۴: نباید بیشتر از مخارج یک سال، به یک سید فقیر، سهم سادات بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۴۵: هر گاه در شهر یا روستایتان سید فقیری نباشد و احتمال هم ندهید که پیدا شود، یا نگهداری سهم سادات تا پیدا شدن مستحق ممکن نباشد، باید سهم سادات را به محل دیگری ببرید و به مستحق برسانید و مخارج بردن آن را از خمس بر ندارید و اگر خمس از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده باشید، باید عوض آن را بدهید و اگر کوتاهی نکرده باشید، پرداخت عوضش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۴۶: هرگاه در شهر خودتان مستحق نیابید ولی احتمال دهید که پیدا شود، اگر چه نگهداری سهم سادات تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد، می‌توانید سهم سادات را به شهر دیگری ببرید و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکنید و تلف شود، جبران‌ش را لازم ندانید ولی نباید مخارج بردن آن

را از سهم سادات بردارید.

مسئله‌ی ۱۸۴۷: اگر در شهر خودتان مستحق پیدا شود، می‌توانید سهم سادات را به شهر دیگری ببرید و به مستحق برسانید، ولی مخارج بردن آن را باید از خودتان بدهید و در صورتی که از بین برود، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشید، باید جبران نمایید.

مسئله‌ی ۱۸۴۸: اگر سهم سادات را با اجازه‌ی حاکم شرع به شهر دیگری ببرید و در حفظ آن کوتاهی نکنید ولی از بین برود، پرداخت دوباره‌اش را لازم ندانید و همچنین است اگر به کسی بدهید که از طرف حاکم شرع، وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر برود.

مسئله‌ی ۱۸۴۹: نباید خمس مالتان را از جنس دیگری بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۵۰: هر گاه از مستحق طلبکار باشید و بخواهید طلب خود را بابت خمس حساب کنید، باید سهم سادات را به او بدهید و بعد مستحق بابت بدهی‌اش به شما برگرداند.

مسئله‌ی ۱۸۵۱: مستحق نباید سهم سادات را بگیرد و به مالک ببخشد.

مسئله‌ی ۱۸۵۲: اگر خمس را با حاکم شرع یا وکیل او، دست‌گردان کنید و بخواهید در سال بعد پردازید، نباید از منافع آن سال کسر نمایید، پس اگر مثلاً هزار تومان دست‌گردان کرده‌اید و از منافع سال بعد دو هزار تومان بیشتر از مخارجتان داشته باشید، باید خمس دو هزار تومان را بدهید، و هزار تومانی را که بابت خمس بدهکار هستید، از بقیه پردازید.

احکام زکات

مسئله‌ی ۱۸۵۳: زکات را بر نه چیز واجب بدانید: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند. پس هر گاه مالک یکی از این نه چیز باشید، با شرایطی که بعداً گفته خواهد شد، باید مقداری که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برسانید.

مسئله‌ی ۱۸۵۴: هر گاه «سُلت» که دانه‌ای است به نرمی گندم و خاصیت جو دارد و «عُلس» که مثل گندم است و خوراک مردم صنعا می‌باشد، به نصاب زکات برسد، باید زکاتش را بدهید.

شرایط واجب شدن زکات

مسئله‌ی ۱۸۵۵: در صورتی باید زکات بدهید که مال، به مقدار نصاب که بعداً گفته خواهد شد برسد و شما که مالک آن هستید، بالغ و عاقل و آزاد باشید و بتوانید در آن مال تصرف کنید.

مسئله‌ی ۱۸۵۶: هر گاه یازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشید، باید اول ماه دوازدهم زکات آن را بپردازید، ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۸۵۷: هر گاه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشید و در بین سال بالغ شوید، باید اول سال را اول بالغ شدن خود قرار دهید.

مسئله‌ی ۱۸۵۸: وقت واجب شدن زکات گندم و جو را وقت دانه بستن آن؛

وقت واجب شدن زکات کشمش را وقت غوره شدن آن؛ و وقت واجب شدن زکات خرما را وقت زرد یا سرخ شدن آن بدانید. ولی وقت دادن زکات در گندم و جو، موقع خرمن و جدا کردن کاه آنها و در خرما و کشمش، موقعی بدانید که انگور، کشمش و رطب، خرما شده باشد.

مسئله‌ی ۱۸۵۹: اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و کشمش و خرما - که در مسئله‌ی پیش گفته شد - بالغ باشید، باید زکات آنها را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۶۰: هر گاه صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشید ولی در تمام سال، دیوانه باشید، پرداخت زکات برای آن سال را لازم ندانید، ولی اگر در مقداری از سال دیوانه باشید و در آخر سال عاقل گردید، چنانچه دیوانگی‌تان به قدری کم باشد که مردم بگویند در تمام سال عاقل بوده، باید زکات آنها را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۶۱: هر گاه صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشید ولی در مقداری از سال، مست یا بیهوش شوید، باید زکات آنها را بدهید، و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و خرما و کشمش، مست یا بیهوش باشید.

مسئله‌ی ۱۸۶۲: هر گاه مالتان غصب شود و نتوانید در آن تصرف کنید، پرداخت زکاتش را لازم ندانید، ولی اگر زراعتتان غصب شده باشد، و موقعی که زکات آن واجب می‌شود، در دست غصب‌کننده باشد، باید موقعی که به شما بر می‌گردد، زکات آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۶۳: اگر طلا و نقره یا چیز دیگری که باید زکات آن را واجب بدانید، قرض کنید و یک سال نزد شما بماند، باید زکات آن را بدهید و زکاتش را بر کسی که قرض داده واجب ندانید.

زکات گندم و جو و خرما و کشمش

مسئله‌ی ۱۸۶۴: زکات گندم و جو و خرما و کشمش را وقتی باید بدهید که به مقدار نصاب برسد و نصاب آنها را ۸۴۷ کیلوگرم بدانید.

مسئله‌ی ۱۸۶۵: هر گاه از انگور، خرما، گندم و جو، بعد از واجب شدن زکاتش و پیش از دادن زکات، بردارید یا به فقیر بدهید، باید زکات مقداری که مصرف کرده‌اید را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۶۶: هرگاه بعد از آن که زکات گندم یا جو یا خرما یا انگور واجب شد، مالکش بمیرد، باید مقدار زکات را از مال او بدهید ولی اگر پیش از واجب شدن زکات بمیرد، هر یک از ورثه که سهمتان به اندازه‌ی نصاب باشد، باید زکات سهم خودتان را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۶۷: هر گاه از طرف حاکم شرع، مأمور جمع‌آوری زکات باشید، می‌توانید موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می‌کنند و بعد از کشمش شدن انگور و خرما شدن رطب، زکاتش را مطالبه کنید. و اگر مالک باشید و مأمور جمع‌آوری زکات، طلب زکات کند و ندهید و چیزی که زکات آن واجب شده از بین برود، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۶۸: اگر بعد از این که درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو را مالک شدید، زکاتش واجب شود، باید زکات آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۶۹: هر گاه بعد از آن که زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد، زراعت یا درخت را بفروشید، باید زکات آنها را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۷۰: هر گاه گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرید و بدانید که فروشنده، زکات آن را نداده است، باید زکاتش را بدهید ولی اگر شک کنید که داده یا نه، پرداخت زکاتش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۷۱: اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش، موقعی که تر است به وزنی که گفته شد برسد ولی بعد از خشک شدن، کمتر از این مقدار شود، زکات آن را واجب ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۷۲: هر گاه گندم یا جو یا خرما یا انگور را پیش از خشک شدن مصرف کنید، چنانچه خشک آنها به اندازه‌ی نصاب باشد، باید زکات آنها را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۷۳: خرمایی که تازه‌ی آن را می‌خورند و اگر بماند خیلی کم می‌شود یا بعد از خشک شدن، خرما به آن نمی‌گویند، چنانچه مقداری باشد که خشک آن به نصابی که گفته شد برسد، باید زکات آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۷۴: گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آنها را داده‌اید، اگر چند سال هم نزدتان بماند، پرداخت زکاتش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۷۵: هر گاه گندم، جو، خرما و انگور، مقداری از باران یا نهر یا رطوبت زمین استفاده کند و به همان مقدار از آبیاری با دلو و مانند آن استفاده نماید، سه‌چهل‌مش را بابت زکات بدهید. ولی چنانچه طوری باشد که بگویند با دلو آبیاری شده نه باران، یک‌بیستم، و اگر بگویند با آب باران آبیاری شده، یک‌دهم‌مش را بابت زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۷۶: هر گاه گندم، جو، خرما و انگور، مقداری از باران یا نهر یا رطوبت زمین استفاده کند و مقداری از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند آبیاری با دلو و مانند آن شده، یک‌بیستم‌مش را بابت زکات بدهید و اگر بگویند آبیاری با آب نهر و باران شده، یک‌دهم‌مش را بابت زکات بپردازید.

مسئله‌ی ۱۸۷۷: اگر شک کنید که آبیاری با آب باران و آب دلو، به یک اندازه

بوده یا آب باران غلبه داشته، سه‌چهلیم آن را بابت زکات بدهید.
مسئله‌ی ۱۸۷۸: هر گاه گندم، جو، خرما و انگور، با آب باران و نهر آبیاری شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد، ولی با آب دلو هم آبیاری شود و آب دلو به زیاد شدن محصول کمک نکند، یک‌دهمیش را بابت زکات بدهید و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود و به آب نهر و باران محتاج نباشد، ولی با آب نهر و باران هم آبیاری شود ولی به زیاد شدن محصولتان کمک نکند، یک‌بیستمش را بابت زکات پردازید.

مسئله‌ی ۱۸۷۹: هر گاه زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنید، و در زمینی که پهلوی آن است زراعتی کنید که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود، زکات زراعتی که با دلو آبیاری شده را یک‌بیستم و زکات زراعتی که پهلوی آن است را یک‌دهم پردازید.

مسئله‌ی ۱۸۸۰: نباید مخارجی که برای گندم، جو، خرما و انگور کرده‌اید را از محصول کسر کنید و چنانچه بدون کم کردن مخارج، محصولتان به حد نصاب برسد، باید زکاتش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۸۱: نباید بذر را از حاصل کسر نمایید.

مسئله‌ی ۱۸۸۲: هر گاه زمین و اسباب زراعت یا یکی از این دو، ملک خودتان باشد، نباید کرایه‌ی آنها را جزء مخارج حساب کنید و نیز نباید برای کارهایی که خودتان کرده‌اید یا دیگری - با اجرت یا بی‌اجرت - انجام داده است، چیزی از حاصل کسر کنید.

مسئله‌ی ۱۸۸۳: هر گاه درخت انگور یا خرما را بخرید، - چه قبل از واجب شدن زکات باشد و چه بعد از واجب شدن زکات - قیمت آن را جزء مخارج حساب نکنید.

مسئله‌ی ۱۸۸۴: هر گاه زمینی را بخرید و در آن زمین گندم یا جو بکارید، نباید پولی که برای خرید زمین داده‌اید را جزء مخارج حساب کنید، و همچنین است اگر زراعت را بخرید، نباید قیمت زراعت را جزء مخارج به حساب آورید.

مسئله‌ی ۱۸۸۵: هر گاه بتوانید بدون گاو و چیزهای دیگر که برای زراعت لازم است، زراعت کنید، اگر اینها را بخرید، نباید پولی را که برای خرید اینها داده‌اید را جزء مخارج حساب نمایید.

مسئله‌ی ۱۸۸۶: هر گاه نتوانید بدون گاو و چیزهای دیگر که برای زراعت لازم است، زراعت کنید، اگر اینها را بخرید، نباید پولی را که برای خرید اینها داده‌اید را جزء مخارج حساب نمایید.

مسئله‌ی ۱۸۸۷: هر گاه در یک زمین، جو یا گندم که باید زکاتش را بدهید با چیزی مثل برنج و لوبیا که پرداخت زکاتش را لازم ندانید، بکارید، مخارج هر کدام را برای همان محصول حساب کنید، ولی اگر برای هر دو مخارجی کرده باشید، باید به هر دو قسمت نمایید، مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، می‌توانید نصف مخارج را از جنسی که زکات دارد، کسر نمایید.

مسئله‌ی ۱۸۸۸: هر گاه برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال برای زراعت فایده دارد، خرجی کنید، می‌توانید آن را جزء مخارج سال اول حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۸۸۹: هر گاه در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه‌ی آنها در یک وقت به دست نمی‌آید، گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشید و همه‌ی آنها محصول یک سال حساب شوند، چنانچه چیزی که اول می‌رسد به اندازه‌ی نصاب باشد، باید زکات آن را موقعی که

می‌رسد بدهید و زکات بقیه را هر وقت به دست می‌آید ادا نمایید و اگر آنچه اول می‌رسد به اندازه‌ی نصاب نباشد، در صورتی که یقین ندارید که همه‌ی آنها به اندازه‌ی نصاب شود، باید صبر کنید تا بقیه‌ی آن برسد، پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، باید زکات آن را بپردازید.

مسئله‌ی ۱۸۹۰: هر گاه درخت خرما یا انگور، در یک سال، دو مرتبه میوه بدهد، چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد، باید زکات آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۹۱: هر گاه مقداری خرما یا انگور تازه داشته باشید که خشک آن به اندازه‌ی نصاب می‌شود، باید صبر کنید تا خشک شود و سپس زکاتش را بپردازید.

مسئله‌ی ۱۸۹۲: نباید زکات خرمای خشک یا کشمش را از خرمای تازه یا انگور بدهید، و نیز نباید زکات خرمای تازه یا انگور را از خرمای خشک یا کشمش بدهید، ولی می‌توانید یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۹۳: هر گاه کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکات آن واجب شده است، بمیرد، باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهید و بعد قرض او را ادا نمایید.

مسئله‌ی ۱۸۹۴: هر گاه کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد، بمیرد و پیش از آن که زکات اینها واجب شود، ورثه‌اش قرض او را از مال دیگری بدهند، هر کدام از ورثه که سهمشان به حدّ نصاب برسد، باید زکاتش را بدهد و اگر پیش از آن که زکات اینها واجب شود، قرض او را ندهند، چنانچه مال میت فقط به اندازه‌ی بدهی او باشد، پرداخت زکات را لازم ندانید ولی اگر مال میت بیشتر از بدهی او باشد، در صورتی که بدهی او

به قدری است که اگر بخواهید ادا نمایید، باید مقداری از گندم یا جو یا خرما یا انگور را هم به طلبکار بدهید، پرداخت زکات برای آنچه به طلبکار می‌دهید را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۹۵: هر گاه گندم یا جو یا خرما یا کشمشی که زکات آنها واجب شده، خوب و بد داشته باشد، نباید زکات جنس خوب را از بد بدهید، ولی می‌توانید زکات هر کدام را از خودش، یا زکات جنس بد را از خوب بدهید.

نصاب طلا

مسئله‌ی ۱۸۹۶: نصاب طلا را بیست مثقال شرعی و هر مثقال آن را هجده نخود بدانید، پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد و هر چه بیشتر بشود، اگر شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، باید یک‌چهارم آن را از بابت زکات بدهید و اگر به این مقدار نرسد، زکات آن را واجب ندانید.

نصاب نقره

مسئله‌ی ۱۸۹۷: نصاب نقره را ۱۰۵ مثقال معمولی بدانید که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و هر چه بیشتر شود، چنانچه شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، باید یک‌چهارم آن را از بابت زکات بدهید و اگر به این مقدار نرسد، زکات آن را واجب ندانید.

مسئله‌ی ۱۸۹۸: هر گاه طلا یا نقره‌تان به اندازه‌ی نصاب باشد، اگر چه زکات آن را داده باشید، تا وقتی از نصاب اول کم نشده است، باید هر سال زکات آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۸۹۹: زکات طلا و نقره را در صورتی واجب بدانید که آن را سکه

زده باشید و معامله با آن رواج داشته باشد، همچنین اگر معامله با آن در گذشته رواج داشته و فعلاً رایج نباشد، باید زکات آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۰۰: طلا و نقره‌ی سکه‌داری که منہاجیات برای زینت به کار می‌برند، در صورتی که رواج معامله با آن باقی باشد، باید زکاتش را بپردازند.
مسئله‌ی ۱۹۰۱: هر گاه طلا و نقره داشته باشید، اگر هیچ کدام آنها به اندازه‌ی نصاب اول نباشد، مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشید، پرداخت زکات هیچکدامش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۹۰۲: زکات طلا و نقره را در صورتی واجب بدانید که یازده ماه مالک مقدار نصاب باشید، پس اگر در بین یازده ماه، طلا یا نقره‌تان از نصاب اول کمتر شود، پرداخت زکاتش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۹۰۳: هر گاه در بین یازده ماه، طلا و نقره‌ای که دارید را با طلا یا نقره یا چیز دیگری عوض نمایید، یا آنها را آب کنید، پرداخت زکاتش را لازم ندانید ولی نباید برای فرار کردن از دادن زکات، چنین کاری بکنید.

مسئله‌ی ۱۹۰۴: اگر در ماه دوازدهم، پول طلا و نقره را آب کنید، باید زکات آنها را بدهید، و چنانچه به واسطه‌ی آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود، باید زکاتی را که پیش از آب کردن بر آنها واجب بوده بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۰۵: اگر طلا و نقره‌ای که دارید، خوب و بد داشته باشد، می‌توانید زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهید، ولی بهتر است زکات همه‌ی آنها را از طلا و نقره‌ی خوب بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۰۶: هر گاه به طلا یا نقره‌ای که بیشتر از اندازه‌ی معمولی فلز دیگر دارد، پول طلا و نقره گفته شود، باید زکاتش را از خودش بپردازید.

مسئله‌ی ۱۹۰۷: هر گاه طلا و نقره‌ای که دارید، به مقدار معمول با فلز دیگری

مخلوط باشد، نباید زکات آن را از طلا و نقره‌ای که بیشتر از معمول با فلز دیگری مخلوط شده، پردازید.

زکات شتر و گاو و گوسفند

مسئله‌ی ۱۹۰۸: باید زکات شتر، گاو و گوسفند را هر گاه به نصابش برسد پرداخت نمایید، چه در تمام سال، بیکار باشد و چه کار کند، چه از علف بیابان بچرد و چه از زراعتی که ملک خودتان است.

مسئله‌ی ۱۹۰۹: هر گاه برای شتر، گاو و گوسفند خود چراگاهی که کسی نکاشته را بخرید یا اجاره کنید، یا برای چراندن در آن باج بدهید، باید زکات حیواناتان را بدهید.

نصاب شتر

مسئله‌ی ۱۹۱۰: زکات شتر را دارای دوازده نصاب بدانید:

اول: پنج شتر، که باید برای زکاتش یک گوسفند بدهید، و تا شماره‌ی شتران‌تان به این مقدار نرسد، پرداخت زکات را لازم ندانید.

دوم: ده شتر، که باید برای زکاتش دو گوسفند بدهید.

سوم: پانزده شتر، که باید برای زکاتش سه گوسفند بدهید.

چهارم: بیست شتر، که باید برای زکاتش چهار گوسفند بدهید.

پنجم: بیست و پنج شتر، که باید برای زکاتش پنج گوسفند بدهید.

ششم: بیست و شش شتر، که باید برای زکاتش، شتری که داخل سال دوم شده باشد بدهید.

هفتم: سی و شش شتر، که باید برای زکاتش، شتری که داخل سال سوم شده باشد بدهید.

هشتم: چهل و شش شتر، که باید برای زکاتش، شتری که داخل سال چهارم شده باشد بدهید.

نهم: شصت و یک شتر، که باید برای زکاتش، شتری که داخل سال پنجم شده باشد بدهید.

دهم: هفتاد و شش شتر، که باید برای زکاتش، دو شتر که داخل سال سوم شده باشد بدهید.

یازدهم: نود و یک شتر، که باید برای زکاتش، دو شتر که داخل سال چهارم شده باشد بدهید.

دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن، که باید یا چهل تا چهل تا حساب کنید و برای هر چهل تا، شتری که داخل سال سوم شده باشد بدهید، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کنید و برای هر پنجاه تا، شتری که داخل سال چهارم شده باشد بدهید، و یا با چهل و پنجاه حساب کنید، ولی در هر صورت باید طوری حساب کنید که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می‌ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارید، باید برای صد تا، دو شتر که داخل سال چهارم شده باشد، و برای چهل تا، یک شتر که داخل سال سوم شده باشد بدهید. و شتری که در زکات می‌دهید، باید ماده باشد. و اگر ندارید، باید بخرید.

مسئله‌ی ۱۹۱۱: پرداخت زکات بین دو نصاب را لازم ندانید، پس اگر شماره‌ی شترهایی که دارید از نصاب اول که پنج تاست بگذرد، تا به نصاب دوم که ده تاست نرسیده، فقط باید زکات پنج تایی آن را بدهید. و همچنین بدانید در نصاب‌های بعد.

نصاب گاو

مسأله‌ی ۱۹۱۲: زکات گاو را دارای دو نصاب بدانید:

نصاب اول: سی گاو، که وقتی شماره‌ی گاوهایتان به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، باید یک گوساله‌ی نر که داخل سال دوم شده باشد را از بابت زکات بدهید.

نصاب دوم: چهل گاو، که باید گوساله‌ی ماده‌ای که داخل سال سوم شده باشد را از بابت زکات بدهید. و زکات بین سی و چهل گاو را لازم ندانید، مثلاً هر گاه سی و نه گاو داشته باشید، فقط باید زکات سی تای آنها را بدهید، و نیز اگر از چهل گاو زیادت داشته باشید، تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهید، و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارید، باید دو گوساله که داخل سال دوم شده باشند بدهید، و همچنین هر چه بالا رود باید سی تا سی تا حساب کنید، یا چهل تا چهل تا، یا با سی و چهل حساب نمایید، و زکات آن را به دستوری که گفته شده بدهید، ولی باید طوری حساب کنید که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می‌ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارید، باید به حساب سی و چهل حساب کنید و برای سی تای آن، زکات سی تا، و برای چهل تای آن، زکات چهل تا را بدهید، چون اگر به حساب سی تا حساب کنید، ده تا زکات نداده می‌ماند. ولی در جایی که رعایت این جهت ممکن نیست، مثل آن که پنجاه گاو داشته باشید، چهل را بگیرید، اگر چه باز هم ده تا زیاد بیاید.

نصاب گوسفند

مسأله‌ی ۱۹۱۳: زکات گوسفند را دارای پنج نصاب بدانید:

اول: چهل گوسفند، که باید برای زکاتش، یک گوسفند بدهید، و تا تعداد گوسفند به چهل نرسد، پرداخت زکاتش را لازم ندانید.

دوم: صد و بیست و یک گوسفند، که باید برای زکاتش، دو گوسفند بدهید.

سوم: دویست و یک گوسفند، که باید برای زکاتش، سه گوسفند بدهید.

چهارم: سیصد و یک گوسفند، که باید برای زکاتش، چهار گوسفند بدهید.

پنجم: چهارصد گوسفند و بالاتر از آن که باید آنها را صد تا صد تا حساب کنید و برای هر صد تای آنها یک گوسفند بدهید.

و زکات گوسفند را می‌توانید از خود گوسفندان بدهید یا از گوسفند دیگر پردازید یا پولش را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۱۴: پرداخت زکات برای بین دو نصاب را لازم ندانید. پس اگر شماره‌ی گوسفندهایتان از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد، تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهید و پرداخت زکات در زیادی آنها را لازم ندانید. و همچنین عمل کنید در نصاب‌های بعد.

مسئله‌ی ۱۹۱۵: هر گاه شتر یا گاو یا گوسفند به مقدار نصاب برسد، باید زکاتش را بدهید، چه همه‌ی آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

مسئله‌ی ۱۹۱۶: در پرداخت زکات، گاو و گاومیش را یک جنس حساب کنید، و شتر عربی و غیر عربی را یک جنس حساب کنید، و همچنین بز و میش و شیشک را یک جنس حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۹۱۷: هر گاه بخواهید گوسفند برای زکات بدهید، باید حد اقل داخل سال دوم شده باشد، و اگر بخواهید بز بدهید، باید داخل سال سوم

شده باشد.

مسئله‌ی ۱۹۱۸: گوسفندی را که بابت زکات می‌دهید، باید قیمتش از تمام گوسفندهایتان بیشتر باشد و همچنین در گاو و شتر.

مسئله‌ی ۱۹۱۹: هر گاه چند نفر با هم شریک باشید، هر کدامتان که سهمش به نصاب اول رسیده، باید زکات بدهد، و بر کسانی که سهمشان کمتر از نصاب اول است، پرداخت زکات را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۹۲۰: هر گاه در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشید و روی هم به اندازه‌ی نصاب باشند، باید زکات آنها را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۲۱: هر گاه گاو یا گوسفند یا شتری که دارید، مریض یا معیوب باشد، باید زکات آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۲۲: اگر گاو و گوسفند و شتری که دارید، همگی مریض یا معیوب یا پیر باشند، می‌توانید زکات را از خود آنها بدهید. ولی اگر همه سالم و بی‌عیب و جوان باشند، نباید زکات آنها را مریض یا معیوب یا پیر بدهید، بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض، و دسته‌ای معیوب و دسته‌ی دیگر بی‌عیب، و مقداری پیر و مقداری جوان باشند، باید برای زکات آنها، سالم و بی‌عیب و جوان بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۲۳: هر گاه پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو یا گوسفند یا شتری که دارید را با چیز دیگری عوض کنید یا نصابی را که دارید با مقدار نصاب از همان جنس عوض نمایید، مثلاً چهل گوسفند بدهید، و چهل گوسفند دیگر بگیرید، پرداخت زکات گوسفندهای جدید را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۹۲۴: هر گاه باید زکات گاو و گوسفند و شتر را بدهید، اگر زکات آنها را از مال دیگری بدهید، تا وقتی شماره‌ی آنها از نصاب کم نشده، هر

سال باید زکات آنها را بدهید و اگر از خود آنها بدهید و از نصاب اول کمتر شوند، پرداخت زکات را لازم ندانید، مثلاً هر گاه چهل گوسفند دارید، اگر از مال دیگری زکات آنها را بدهید، یا از خود آنها زکاتشان را بدهید، تا وقتی که گوسفندهایتان از چهل کم نشده، هر سال باید یک گوسفند بدهید.

مصرف زکات

مسأله‌ی ۱۹۲۵: مصرف زکات را در هشت مورد بدانید:

اول: فقیر، و فقیر را کسی بدانید که مخارج سال خود و خانواده‌اش را ندارد، پس کسانی که صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارند که می‌توانند مخارج سال خود را بگذرانند را فقیر ندانید.

دوم: مسکین، و مسکین را کسی بدانید که از فقیر، سخت‌تر روزگار می‌گذراند.

سوم: کسانی که از طرف امام (علیه‌السلام) یا نایب امام مأمور هستند که زکات را جمع و نگهداری نمایند و به حساب آن رسیدگی کنند و آن را به امام (علیه‌السلام) یا نایب امام یا فقرا برسانند.

چهارم: کافرهایی که اگر زکات به آنان بدهید، به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ، به مسلمانان کمک می‌کنند.

پنجم: خریداری برده‌هایی که در سختی هستند و آزاد کردن آنان.

ششم: پرداخت بدهکاری کسانی که نمی‌توانند قرض خود را بدهند.

هفتم: سبیل الله یعنی هر کار خیر و عمل نیکی که شارع مقدس نسبت به آن تشویق کرده باشد و برای انجامش بتوان قصد قربت نمود، مثل چاپ و نشر کتاب‌های منهاج فردوسیان، تربیت مبلغ منهاج فردوسیان و اعزام مبلغ منهاج فردوسیان به کشورها، شهرها و روستاهای مختلف.

هشتم: ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر در مانده شده است. و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۱۹۲۶: به فقیر و مسکین، بیشتر از مخارج یک سال خود و خانواده‌اش ندهید، و اگر مقداری پول یا جنس دارد، فقط به اندازه‌ی کسری مخارج یک سالش به او زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۲۷: هر گاه مخارج سالتان را داشته باشید، سپس مقداری از آن را مصرف کنید و بعد شک کنید که آنچه باقی مانده، به اندازه‌ی مخارج سالتان هست یا نه، نباید زکات بگیرید.

مسئله‌ی ۱۹۲۸: هر گاه صنعتگر یا مالک یا تاجری باشید که در آمدتان از مخارج سالتان کمتر باشد، می‌توانید برای کسری مخارجتان، زکات بگیرید و مصرف کردن ابزار کار یا ملک یا سرمایه‌ی خود در مخارج را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۹۲۹: هر گاه خرج سال خود و خانواده‌تان را نداشته باشید، اگر خانه‌ای دارید که ملک شماست و در آن نشسته‌اید یا مرکب سواری‌ای دارید، چنانچه بدون اینها نمی‌توانید زندگی کنید، اگر چه برای حفظ آبرویتان باشد، می‌توانید زکات بگیرید و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارید و اگر فقیری باشید که اینها را ندارید، اگر به اینها احتیاج داشته باشید، می‌توانید از زکات خریداری نمایید.

مسئله‌ی ۱۹۳۰: هر گاه فقیر باشید ولی یاد گرفتن صنعت برایتان مشکل نباشد، باید یاد بگیرید، و نباید با زکات زندگی کنید، ولی در مدتی که مشغول یاد گرفتن صنعت هستید، می‌توانید زکات بگیرید.

مسئله‌ی ۱۹۳۱: به کسی که قبلاً فقیر بوده، و می‌گوید: «فقیرم»، اگر از گفته‌ی او اطمینان پیدا کنید، می‌توانید زکات بدهید.

مسأله‌ی ۱۹۳۲: به کسی که می‌گوید: «فقیرم» و قبلاً فقیر نبوده یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، چنانچه از گفته‌ی او اطمینان حاصل نکنید، نباید زکات بدهید.

مسأله‌ی ۱۹۳۳: هر گاه از فقیری طلبکار باشید، می‌توانید طلبی را که از او دارید، بابت زکات حساب کنید.

مسأله‌ی ۱۹۳۴: هر گاه فقیری که به شما بدهکار است، بمیرد، بهتر است به امید دریافت پاداش‌های مضاعف الهی، طلبتان را ببخشید.

مسأله‌ی ۱۹۳۵: می‌توانید به فقیر نگوید که آنچه بابت زکات به او می‌دهید، زکات است. بلکه اگر فقیر خجالت می‌کشد، بهتر است به اسم هدیه بدهید، ولی باید قصد زکات نمایید.

مسأله‌ی ۱۹۳۶: هر گاه به گمان این که کسی فقیر است به او زکات بدهید، بعد بفهمید فقیر نبوده یا از روی ندانستن مسأله به کسی که می‌دانید فقیر نیست زکات بدهید، باید دوباره زکاتتان را به فقیر بدهید.

مسأله‌ی ۱۹۳۷: هر گاه بدهکار باشید و نتوانید بدهی خود را بدهید، اگر چه مخارج سالتان را داشته باشید، می‌توانید برای دادن قرض خود زکات بگیرید، به شرط این که مالی که قرض کرده‌اید را در معصیت خرج نکرده باشید، یا اگر در معصیت خرج کرده‌اید، از آن معصیت توبه کرده باشید.

مسأله‌ی ۱۹۳۸: هر گاه به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، زکات بدهید و بعد بفهمید که قرضش را در معصیت مصرف کرده بوده، اگر از آن معصیت توبه نکرده، چیزی را که به او داده‌اید، بابت زکات حساب نکنید.

مسأله‌ی ۱۹۳۹: کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه

فقیر نباشد، می‌توانید طلبی که از او دارید را بابت زکات حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۹۴۰: هر گاه در سفر، خرجی‌تان تمام شود یا مرکبتان از کار بیافتد، چنانچه سفرتان سفر معصیت نباشد و خودتان هم در معصیت نباشید و نتوانید با قرض کردن یا فروختن چیزی، خود را به مقصد برسانید، اگر چه در وطن خود فقیر نباشید، می‌توانید زکات بگیرید، ولی اگر بتوانید در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کنید، فقط به مقداری که به آنجا برسید، می‌توانید زکات بگیرید.

مسئله‌ی ۱۹۴۱: هر گاه در سفر، درمانده شده و زکات گرفته باشید، بعد از آن که به وطنتان رسیدید، اگر چیزی از زکات زیاد آمده باشد، باید آن را به حاکم شرع بدهید و بگویید آن چیز زکات است.

شرایط کسانی که باید مستحق زکات بدانید

مسئله‌ی ۱۹۴۲: باید فقط به شیعه‌ی دوازده امامی زکات بدهید، پس اگر کسی را شیعه بدانید و به او زکات بدهید، بعد معلوم شود شیعه نبوده، باید دوباره زکات بدهید. حتی اگر از راه شرعی، شیعه بودن کسی ثابت شود و به او زکات بدهید و زکات تلف شود، بعد معلوم شود شیعه نبوده، باید دوباره زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۴۳: اگر کودک یا دیوانه‌ای از شیعه فقیر باشد، می‌توانید به سرپرست او زکات بدهید، به قصد این که آنچه را می‌دهید ملک کودک یا دیوانه باشد.

مسئله‌ی ۱۹۴۴: اگر به سرپرست کودک یا دیوانه دسترسی نداشته باشید، می‌توانید خودتان یا به وسیله‌ی شخص قابل اعتمادی، زکات را به مصرف کودک یا دیوانه برسانید و باید موقعی که زکات به مصرف آنان می‌رسد، نیت

زکات کنید.

مسئله‌ی ۱۹۴۵: می‌توانید به فقیری که گدایی می‌کند زکات بدهید، ولی نباید به کسی که زکات را در معصیت مصرف می‌کند، زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۴۶: نباید به کسی که معصیت کبیره بجا می‌آورد یا نماز نمی‌خواند، زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۴۷: به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارجش بر شما واجب باشد، می‌توانید زکات بدهید، ولی اگر زنتان یا کسی که مخارجش بر شما واجب است، برای خرجی خودش قرض کرده باشد، نباید بدهی او را از زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۴۸: نباید مخارج کسانی که خرجشان بر شما واجب است، مثل زن و فرزند را از زکات بدهید، و اگر مخارج آنان را بتوانید بدهید و ندهید، خود را معصیت‌کار بدانید، ولی اگر مردی مخارج زن و فرزندش را ندهد، شما می‌توانید به آنان زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۴۹: می‌توانید زکات را به پسران بدهید که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید.

مسئله‌ی ۱۹۵۰: هر گاه پسران بخواهد «منهاجی» شود، نباید کتاب‌های منهاج فردوسیان را از زکات برایش تهیه کنید ولی اگر بخواهد «مُبلَّغ منهاج فردوسیان» شود که فایده‌اش به دیگران هم برسد، می‌توانید برای خریدن آنها به او زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۵۱: می‌توانید به پسر یا پدرتان برای زن گرفتن، زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۵۲: به زنی که شوهرش مخارج او را می‌دهد یا خرجی نمی‌دهد ولی زن می‌تواند او را به دادن خرجی مجبور کند، نباید زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۵۳: هر گاه همسر موقتتان فقیر باشد، می‌توانید به او زکات بدهید ولی اگر در ضمن عقد موقت، شرط کرده باشید که مخارج او را بدهید یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر شما واجب باشد، نباید به آن زن زکات بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۵۴: منہاجیات می‌توانند به شوهر فقیرشان زکات بدهند، اگر چه شوهرشان، زکات را صرف مخارج خود آنان نماید.

مسئله‌ی ۱۹۵۵: سادات نباید از غیر سادات زکات بگیرند.

مسئله‌ی ۱۹۵۶: می‌توانید به کسی که معلوم نیست سید است یا نه و شهرت به عدم سیادت دارد، زکات بدهید.

نیت زکات

مسئله‌ی ۱۹۵۷: باید زکات را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند متعال بدهید و در نیت معین کنید که آنچه را می‌دهید، زکات مال است یا زکات فطره، و همچنین اگر مثلاً زکات گندم و جو را باید بپردازید، معین کنید چیزی را که می‌دهید، زکات گندم است یا زکات جو.

مسئله‌ی ۱۹۵۸: وقتی می‌خواهید زکات بدهید، باید نیت کنید ولی اگر بدون نیت پرداخت کردید، دوباره آن را با نیت، بپردازید.

مسئله‌ی ۱۹۵۹: هر گاه کسی را وکیل کنید که زکات مالتان را به مستحق برساند، باید در وکیل کردن و همچنین وقتی که زکات را به وکیل می‌دهید، قصد قربت کنید و تا وقتی به فقیر می‌رسد به قصدتان باقی باشید.

مسئله‌ی ۱۹۶۰: هر گاه خودتان یا وکیلان، بدون قصد قربت، زکات را به فقیر بدهید، می‌توانید پیش از آن که آن مال از بین برود، نیت زکات کنید.

مسائل متفرقه‌ی زکات

مسئله‌ی ۱۹۶۱: موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می‌کنید و موقع خشک شدن خرما و انگور، باید زکات را به فقیر بدهید یا از مال خود جدا کنید و زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه یازدهم باید به فقیر بدهید، یا از مال خود جدا نمایید، و اگر منتظر فقیر معینی باشید یا بخواهید به فقیری بدهید که از جهتی برتری دارد، باید زکات را جدا کنید تا بعد به آن فقیر معین برسانید.

مسئله‌ی ۱۹۶۲: هر گاه بعد از جدا کردن زکات، انتظار فقیر معین یا مصرف معینی را نداشته باشید، باید فوراً زکات را به مستحق بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۶۳: هر گاه بتوانید زکات را به مستحق برسانید، اگر ندهید و به واسطه‌ی کوتاهی‌تان از بین برود، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۶۴: هر گاه بتوانید زکات را به مستحق برسانید، اگر زکات را ندهید و بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشید، از بین برود، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۶۵: هر گاه زکات را از خود مال کنار بگذارید، می‌توانید در بقیه‌ی آن تصرف کنید و اگر از مال دیگری کنار بگذارید، می‌توانید در تمام آن مال تصرف نمایید.

مسئله‌ی ۱۹۶۶: نباید زکاتی را که کنار گذاشته‌اید، برای خود بردارید و چیز دیگری به جای آن بگذارید.

مسئله‌ی ۱۹۶۷: اگر از زکاتی که کنار گذاشته‌اید، منفعتی حاصل شود، مثلاً گوسفندی که برای زکات گذاشته‌اید، بره بیاورد، مال فقیر است.

مسئله‌ی ۱۹۶۸: هر گاه در موقع کنار گذاشتن زکات، مستحقی حاضر باشد،

باید زکات را به او بدهید، مگر کسی را در نظر داشته باشید که دادن زکات به او از جهتی بهتر باشد.

مسئله‌ی ۱۹۶۹: نباید با عین مالی که برای زکات کنار گذاشته‌اید برای خودتان تجارت کنید ولی اگر با اجازه‌ی حاکم شرع و برای مصلحت زکات تجارت کنید، سود تجارت را برای فقرا قرار دهید و اگر ضرر کرد، خودتان جبران نمایید.

مسئله‌ی ۱۹۷۰: چیزهایی که قبل از واجب شدن زکات به فقیر داده‌اید را زکات حساب نکنید ولی اگر چیزی را که به فقیر داده‌اید، بعد از واجب شدن زکات از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد، می‌توانید آن چیز را بابت زکات حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۹۷۱: هر گاه فقیر باشید و بدانید زکات بر شخصی واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات از آن شخص بگیرید و پیش شما تلف شود، باید جبران نمایید. ولی هر گاه مالک باشید و قبل از واجب شدن زکات، چیزی به فقیر بدهید، اگر موقعی که زکات بر شما واجب شد، آن فقیر به فقرش باقی باشد و مال را در معصیت مصرف نکرده باشد، می‌توانید عوض چیزی که به آن فقیر داده‌اید را بابت زکات حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۹۷۲: هر گاه فقیر باشید و ندانید زکات بر شخصی واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات از آن شخص بگیرید و پیش شما تلف شود، جبران‌ش را لازم ندانید. و اگر مالک باشید و مالی به فقیر بدهید و فقیر نداند که زکات بر شما واجب نشده، اگر آن چیز پیش او تلف شود، نباید عوض آن را بابت زکات حساب کنید.

مسئله‌ی ۱۹۷۳: زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقرای آبرومند بدهید و در

دادن زکات، خویشان خود را بر دیگران و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی که اهل گدایی نیستید را بر اهل گدایی، مقدم بدانید، ولی اگر دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد، زکات را به او بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۷۴: زکات را آشکارا، و صدقه‌ی مستحبی را، مخفی بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۷۵: هر گاه در شهرتان مستحق نباشد، و نتوانید زکات را به مصرف دیگری که برای آن معین شده برسانید، چنانچه امید نداشته باشید که بعداً مستحق پیدا کنید، باید زکات را به شهر دیگری ببرید و به مصرف زکات برسانید، ولی مخارج بردن به آن شهر را از زکات بردارید و اگر زکات، بدون این که کوتاهی کرده باشید، تلف شد، جبران آن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۱۹۷۶: هر گاه در شهر خودتان مستحق پیدا شود، می‌توانید زکات را به شهر دیگری ببرید، ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودتان بدهید و اگر زکات تلف شد، جبران نمایید، مگر آن‌که با اجازه‌ی حاکم شرع برده باشید.

مسئله‌ی ۱۹۷۷: اجرت وزن کردن یا پیمانانه نمودن گندم، جو، کشمش و خرمایی که برای زکات می‌دهید را خودتان بپردازید و از زکات بردارید.

مسئله‌ی ۱۹۷۸: هر گاه ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا بیشتر، از بابت زکات بدهکار باشید، کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا قیمتش را به یک فقیر بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۷۹: هر گاه زکات‌دهنده هستید، از مستحق درخواست نکنید زکاتی که از شما گرفته را به خودتان بفروشد. ولی اگر مستحق هستید و می‌خواهید چیزی که بابت زکات گرفته‌اید را بفروشید، بعد از آن‌که به قیمت رساندید، کسی که زکات را از او گرفته‌اید را در خریدن آن، بر دیگران مقدم

بدارید.

مسئله‌ی ۱۹۸۰: هر گاه شک کنید زکاتی که بر شما واجب بوده را داده‌اید یا نه، باید زکات را بدهید، هر چند شگتتان برای زکات سال‌های پیش باشد.

مسئله‌ی ۱۹۸۱: هر گاه از فقرای زکات‌بگیر باشید، نباید زکات را به کمتر از مقدار آن صلح کنید یا چیزی را گران‌تر از قیمت آن بابت زکات قبول نمایید، یا زکات را از مالک بگیرید و به او ببخشید. ولی اگر زکات زیادی بدهکار هستید و فقیر شده‌اید و نمی‌توانید زکات را بدهید، چنانچه بخواهید توبه کنید، و امید هم نداشته باشید که دارا شوید، فقیر می‌تواند زکات را از شما بگیرد و به شما ببخشد.

مسئله‌ی ۱۹۸۲: می‌توانید از زکات، قرآن یا کتاب‌های منہاج فردوسیان بخرید و وقف نمایید، اگر چه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کنید که خرج آنان بر شما واجب است. و نیز می‌توانید تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهید، گر چه بهتر است تولیت آن را برای حاکم شرع قرار دهید.

مسئله‌ی ۱۹۸۳: نباید از زکات، ملک بخرید و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر شما واجب است وقف نمایید که عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

مسئله‌ی ۱۹۸۴: هر گاه فقیر باشید، می‌توانید برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکات بگیرید، ولی اگر به مقدار خرج سالتان زکات گرفته باشید، نباید برای زیارت و مانند آن زکات بگیرید.

مسئله‌ی ۱۹۸۵: هر گاه فقیر باشید و کسی شما را وکیل کند که زکات مالش را به فقرا برسانید، بهتر است برای برداشتن خودتان از آن زکات، از او اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۱۹۸۶: هر گاه شتر یا گاو یا گوسفند یا طلا یا نقره را بابت زکات بگیرید، چنانچه شرطهایی که برای واجب شدن زکات گفته شد در آنها جمع شود، باید زکات آنها را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۸۷: هر گاه با کسی در مالی که زکات آن واجب شده شریک باشید، نخست مال را تقسیم کنید و سپس زکات سهم خود را بپردازید.

مسئله‌ی ۱۹۸۸: هر گاه خمس یا زکات بدهکار باشید و کفاره و نذر و مانند اینها هم بر شما واجب باشد و قرض هم داشته باشید، چنانچه نتوانید همه‌ی آنها را بدهید، اگر مالی که خمس یا زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس و زکات را بدهید و اگر از بین رفته باشد، می‌توانید هر کدام از خمس یا زکات یا کفاره یا نذر یا قرض و مانند اینها را ادا نمایید.

مسئله‌ی ۱۹۸۹: هر گاه کسی که خمس یا زکات بدهکار است و نذر و مانند اینها هم بر او واجب شده است و قرض هم دارد، بمیرد و مال او برای همه‌ی آنها کافی نباشد، چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهید و بقیه‌ی مالش را به چیزهای دیگری که بر او واجب است تقسیم کنید. ولی اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، باید مالش را به خمس و زکات و قرض و نذر و مانند اینها تقسیم نمایید.

مسئله‌ی ۱۹۹۰: می‌توانید به کسانی که مشغول فراگیری منهاج فردوسیان هستند، در صورتی که فراگیری منهاج فردوسیان، آنان را از کسب درآمد بازداشته باشد، زکات بدهید ولی به کسانی که مشغول فراگیری علم دیگری هستند، زکات ندهید.

زکات فطره

مسأله‌ی ۱۹۹۱: هر گاه موقع غروب شب عید فطر، بالغ و عاقل و هوشیار باشید و فقیر و برده‌ی کس دیگری نباشید، باید برای خودتان و هر یک از کسانی که نانخورتان هستند، سه کیلو گرم از خوراک معمولی خود و خانواده‌تان از گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها یا پولش را به مستحق بدهید.

مسأله‌ی ۱۹۹۲: اگر مخارج سال خود و خانواده‌تان را ندارید و کسبی هم ندارید که بتوانید مخارج سال خود و خانواده‌تان را بگذرانید، می‌توانید زکات فطره را ندهید.

مسأله‌ی ۱۹۹۳: باید فطره‌ی کسانی که در غروب شب عید فطر، نانخورتان حساب می‌شوند را بدهید، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر شما واجب باشد یا نه، در همان شهر باشند یا در شهر دیگر.

مسأله‌ی ۱۹۹۴: هر گاه کسی که نانخورتان است و در شهر دیگری است را وکیل کنید که از مال شما فطره‌ی خود را بدهد، چنانچه اطمینان داشته باشید که فطره را می‌دهد، پرداخت فطره‌اش را بر خودتان لازم ندانید.

مسأله‌ی ۱۹۹۵: فطره‌ی میهمانتان که پیش از غروب شب عید فطر، با رضایت شما وارد شده را باید بپردازید.

مسأله‌ی ۱۹۹۶: فطره‌ی میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، بدون رضایت شما وارد شده ولی مدتی نزدتان می‌ماند را باید بدهید، و همچنین است فطره‌ی کسی که مجبورید خرجی او را بدهید.

مسأله‌ی ۱۹۹۷: فطره‌ی میهمانی که بعد از غروب شب عید فطر بر شما وارد

می‌شود را با میهمان مصالحه کنید یعنی اگر حاضر بود، فطره‌اش را بدهد، و گرنه خودتان بپردازید.

مسئله‌ی ۱۹۹۸: فطره‌ی کسی که موقع غروب شب عید فطر، نانخورتان محسوب می‌شود ولی دیوانه یا بیهوش است را بدهید.

مسئله‌ی ۱۹۹۹: هر گاه تا قبل از اذان ظهر روز عید فطر، بالغ شوید، یا عاقل گردید، یا دارا شوید، در صورتی که نانخور کسی محسوب نشوید، باید زکات فطره‌تان را بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۰۰: هر گاه موقع غروب شب عید فطر، زکات فطره بر شما واجب نباشد، اگر تا پیش از اذان ظهر روز عید فطر، شرطهای واجب شدن فطره در شما پیدا شود، باید زکات فطره را بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۰۱: پرداخت فطره را بر کافری که بعد از غروب شب عید فطر مسلمان شده، لازم ندانید. ولی مسلمانی که شیعه‌ی اثنی‌عشری نبوده، اگر بعد از دیدن هلال ماه، شیعه شود، باید زکات فطره را بدهد.

مسئله‌ی ۲۰۰۲: هر گاه فقط به اندازه‌ی سه کیلو گندم و مانند آن یا قیمتش داشته باشید، بهتر است زکات فطره را بدهید و چنانچه خانواده‌ای داشته باشید و بخواهید فطره‌ی آنها را هم بدهید، می‌توانید به قصد فطره، آن سه کیلو یا قیمتش را به یکی از خانواده‌تان بدهید و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر، چیزی را که می‌گیرد به کسی بدهد که از خودتان نباشد و اگر یکی از اعضای خانواده‌تان صغیر باشد، سرپرستش به جای او بگیرد و به مصرف صغیر برساند نه این‌که از طرف او به دیگری بدهد.

مسئله‌ی ۲۰۰۳: اگر بعد از غروب شب عید فطر بچه‌دار شوید، یا کسی نانخور

شما حساب شود، واجب نیست فطره‌ی او را بدهید، اگر چه بهتر است فطره‌ی کسانی که بعد از غروب تا پیش از ظهر روز عید، نانخوران حساب می‌شوند را بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۰۴: هر گاه کسی نانخور کسی باشد و پیش از غروب شب عید فطر، نانخور شما شود، فطره‌اش را شما باید بپردازید، مثلاً اگر دختری را پیش از غروب شب عید به همسری به خانه بیاورید، باید فطره‌اش را بدهید. مسئله‌ی ۲۰۰۵: هر گاه دیگری باید فطره‌تان را بدهد، پرداخت فطره را بر خودتان لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۰۰۶: هر گاه فطره‌تان بر کسی واجب باشد و او فطره‌تان را ندهد، اگر خودتان دارید، فطره‌تان را پرداخت نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۰۷: هر گاه فطره‌ی افرادی بر شما واجب باشد، اگر خودشان فطره‌شان را بدهند، پرداخت فطره‌ی آنان را از خود ساقط ندانید.

مسئله‌ی ۲۰۰۸: منهاجیاتی که شوهرشان مخارج آنان را نمی‌دهد، چنانچه نانخور کس دیگری باشند، باید آن شخص فطره‌شان را بدهد و اگر نانخور کس دیگری نیستند، در صورتی که فقیر نباشند، خودشان باید فطره‌شان را بدهند.

مسئله‌ی ۲۰۰۹: اگر از غیر سادات هستید، نباید به سادات، فطره بدهید، حتی اگر نانخور سیدی دارید، باز هم نباید فطره‌اش را به سادات بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۱۰: هر گاه مخارج مادر یا دایه‌ی شیردهی را می‌دهید، فطره‌ی کودکی که از آن مادر یا دایه شیر می‌خورد را نیز باید بدهید. ولی اگر منهاجیات، بچه‌ای را شیر می‌دهند و مخارج خود را از مال کودک بر می‌دارند، فطره‌ی کودک را بر کسی لازم ندانند.

مسئله‌ی ۲۰۱۱: نباید مخارج خانواده‌تان را از مال حرام بدهید، ولی اگر دچار چنین معصیتی هستید، باید فطره‌ی آنان را از مال حلال بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۱۲: هر گاه کسی را اجیر نمایید و شرط کنید که مخارج او را بدهید، باید فطره‌اش را هم بدهید، ولی چنانچه شرط کنید که مقداری از مخارج او را بدهید، مثلاً پولی برای مخارجش بدهید، بهتر است فطره‌اش را نیز بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۱۳: هر گاه کسی بعد از غروب شب عید فطر بمیرد، باید فطره‌ی او و خانواده‌اش را از مال او بدهید، ولی اگر پیش از غروب بمیرد، پرداخت فطره‌ی او و خانواده‌اش را لازم ندانید.

مصرف زکات فطره

مسئله‌ی ۲۰۱۴: زکات فطره را فقط به فقرای شیعه‌ی اثنی‌عشری بدهید، اگر چه در شهر دیگر باشند.

مسئله‌ی ۲۰۱۵: هر گاه کودک شیعه‌ی دوازده‌ماهی‌ای فقیر باشد، می‌توانید فطره را با اجازه‌ی سرپرستش به مصرف او برسانید و یا به واسطه‌ی دادن به سرپرست کودک، ملک کودک نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۱۶: عدالت را در فقیری که فطره به او می‌دهید، لازم ندانید، ولی نباید به بی‌نماز و شرابخوار و کسی که آشکارا معصیت کبیره می‌کند فطره بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۱۷: نباید به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند، فطره بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۱۸: به یک فقیر، در طرف کمی، کمتر از سه کیلو و در طرف زیادی، بیشتر از مخارج سالش، بابت فطره ندهید، و فطره را تقسیم نکنید،

مثلاً به یک فقیر، یک و نیم فطره ندهید، بلکه یا یک فطره بدهید یا دو فطره.

مسئله‌ی ۲۰۱۹: نباید از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آن است مثلاً از گندمی که قیمت آن، دو برابر قیمت گندم معمولی است، یک و نیم کیلو بدهید، بلکه فطره باید سه کیلو باشد و حتی به عنوان قیمت فطره هم نباید چنین کنید.

مسئله‌ی ۲۰۲۰: نباید قسمتی از فطره را از یک جنس، مثلاً گندم و نصف دیگر آن را از جنس دیگر، مثلاً جو بدهید، و حتی به عنوان قیمت فطره هم نباید چنین کنید.

مسئله‌ی ۲۰۲۱: در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم بدانید، و بعد همسایگان فقیر را، بعد اهل علم فقیر را، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، آنها را مقدم بدانید.

مسئله‌ی ۲۰۲۲: هر گاه به گمان این که کسی فقیر است، به او فطره بدهید و بعد بفهمید فقیر نبوده، باید دوباره فطره بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۲۳: تا به فقیر بودن کسی اطمینان نداشته باشید، نباید به او فطره بدهید.

مسائل متفرقه‌ی زکات فطره

مسئله‌ی ۲۰۲۴: باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند متعال بدهید و موقعی که آن را می‌دهید، نیت دادن فطره نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۲۵: نباید پیش از ماه رمضان یا در بین ماه رمضان، زکات فطره بدهید، بلکه باید صبح روز عید و پیش از نماز عید، بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۲۶: نباید گندم یا چیز دیگری را که برای فطره می‌دهید، به

جنس دیگر یا خاک مخلوط باشد.

مسئله‌ی ۲۰۲۷: نباید فطره را از جنس معیوب بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۲۸: هر گاه باید فطره‌ی چند نفر را بدهید، می‌توانید قسمتی را از یک جنس و قسمت دیگری را از جنس دیگر بدهید، مثلاً می‌توانید فطره‌ی بعضی را گندم و فطره‌ی بعض دیگر را جو بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۲۹: هر گاه نماز عید فطر می‌خوانید، باید فطره را پیش از نماز عید بدهید یا جدا نمایید، ولی اگر نماز عید نمی‌خوانید، می‌توانید دادن فطره را تا اذان ظهر به تأخیر اندازید.

مسئله‌ی ۲۰۳۰: اگر به نیت فطره، مقداری از مال خود را کنار بگذارید و تا ظهر روز عید به مستحق ندهید، باید هر وقت آن را می‌دهید، نیت فطره نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۳۱: اگر موقعی که دادن زکات فطره واجب است، فطره را ندهید و کنار هم نگذارید، بعداً باید بدون این‌که نیت ادا و قضا کنید، فطره را بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۳۲: اگر فطره را کنار بگذارید، نباید آن را برای خودتان بردارید و مال دیگری را برای فطره بگذارید.

مسئله‌ی ۲۰۳۳: هر گاه مالی داشته باشید که قیمتش از فطره بیشتر است، نباید فطره را ندهید و نیت کنید که مقداری از آن مال برای فطره باشد.

مسئله‌ی ۲۰۳۴: هر گاه مالی که برای فطره کنار گذاشته‌اید از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته‌اید و دادن فطره را به تأخیر انداخته‌اید، باید عوض آن را بدهید، بلکه اگر دسترسی به فقیر نداشته‌اید ولی در نگهداری آن کوتاهی کرده‌اید، نیز باید عوضش را بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۳۵: تا وقتی در محل خودتان مستحق پیدا می‌شود، نباید فطره را به جای دیگر ببرید، و اگر به جای دیگر ببرید و تلف شود، باید عوض آن را بدهید.

احکام حج

مسئله‌ی ۲۰۳۶: حج را زیارت کردن خانه‌ی خدا و انجام اعمالی که دستور داده‌اند در آن جا بجا آورده شود، بدانید و هر گاه این شرایط را دارا باشید، باید یک مرتبه در عمرتان بجا آورید:

اول: آن‌که بالغ باشید.

دوم: آن‌که عاقل و آزاد باشید.

سوم: آن‌که به واسطه‌ی رفتن به حج، مجبور نشوید کار حرامی را انجام دهید یا عمل واجبی که از حج مهمتر است را ترک نمایید، پس اگر مثلاً مجبور باشید از راه غصبی به حج بروید و راه دیگری نباشد، نباید به حج بروید.

چهارم: آن‌که مستطیع باشید، و مستطیع بودن را به چند چیز بدانید:

اول: آن‌که توشه‌ی راه و چیزهایی که بر حسب حالتان در سفر به آن محتاج می‌شوید و در کتاب‌های مفصل گفته شده را دارا باشید، و نیز مرکب سواری یا مالی که بتوانید آنها را تهیه کنید داشته باشید.

دوم: سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشید که بتوانید به مکه بروید و حج را بجا آورید.

سوم: در راه، مانعی از رفتن‌تان نباشد، پس اگر راه بسته باشد یا بترسید که در راه، جان یا آبرویتان از بین برود، یا مالتان را ببرند، بجا آوردن حج را لازم ندانید، ولی اگر از راه دیگری بتوانید بروید، اگر چه دورتر باشد، در صورتی که مشقت زیادی نداشته باشد و خیلی غیر متعارف نباشد، باید از آن راه بروید.

چهارم: به قدر بجا آوردن اعمال حج، وقت داشته باشید.

پنجم: مخارج کسانی که خرجی آنان بر شما واجب است - مثل زن و بچه - و مخارج کسانی که مردم، خرجی دادن به آنها را لازم می‌دانند را داشته باشید. ششم: بعد از برگشتن از حج، کسب یا زراعت یا عایدی ملک یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشید که مجبور نشوید به زحمت زندگی کنید.

مسئله‌ی ۲۰۳۷: نداشتن خانه‌ی ملکی را بهانه‌ای برای ترک حج قرار ندهید، بلکه به حج بروید و از خدای تعالی بخواهید که نیازتان به خانه‌ی ملکی را مرتفع سازد.

مسئله‌ی ۲۰۳۸: منهایاتی که می‌توانند به حج بروند، اگر بعد از برگشتن شان، از خودشان مال نداشته باشند و شوهرشان هم مثلاً فقیر باشد و خرجی‌شان را ندهد و ناچار شوند به سختی زندگی کنند، حج را بر خودشان لازم ندانند.

مسئله‌ی ۲۰۳۹: هر گاه کسی مخارج حج و مخارج خانواده‌تان در مدتی که در حج هستید را قبول کند، باید حج را بجا آورید، اگر چه قرض داشته باشید و بعد از برگشتن، مالی که بتوانید با آن زندگی کنید، نداشته باشید.

مسئله‌ی ۲۰۴۰: هر گاه کسی مخارج حج و مخارج خانواده‌تان در مدتی که در حج هستید را به شما ببخشد و شرط کند که حج بجا آورید، باید قبول کنید، اگر چه قرض داشته باشید و در موقع برگشتن، مالی که بتوانید با آن زندگی کنید، نداشته باشید.

مسئله‌ی ۲۰۴۱: هر گاه مخارج حج و مخارج خانواده‌تان در مدتی که در حج هستید را به شما بدهند و از شما بخواهند که حج بگذارید، در صورتی که اطمینان داشته باشید که از شما پس نخواهند گرفت، باید به حج بروید.

مسئله‌ی ۲۰۴۲: هر گاه مقداری مال که برای حج کافی است به شما بدهند،

به شرط این که در سفر حج، به کسی که مال را داده خدمت کنید، می‌توانید قبول نکنید و حج را بدین واسطه بر خود لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۰۴۳: هر گاه مقداری مال به شما بدهند و بدین وسیله حج بر شما واجب شود و حج بگزارید، بهتر است بعداً اگر مالی از خودتان پیدا کنید، دوباره حج بجا آورید.

مسئله‌ی ۲۰۴۴: هر گاه برای تجارت، مثلاً تا جدّه بروید و مالی به دست آورید که اگر بخواهید از آنجا به مکه بروید، مستطیع باشید، باید حج کنید، و در صورتی که حج نمایید، اگر چه بعداً مالی پیدا کنید که بتوانید از وطن خود به مکه بروید، دیگر حج را بر خود واجب ندانید.

مسئله‌ی ۲۰۴۵: هر گاه اجیر شوید تا از طرف کسی دیگر حج بگذارید، چنانچه خودتان نتوانید بروید و بخواهید شخص دیگری را از طرف خودتان بفرستید، باید از کسی که شما را اجیر کرده اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۰۴۶: باید در اولین سالی که استطاعت حاصل شد، حج بگذارید، ولی اگر مستطیع شدید و حج نرفتید و فقیر شدید، باید اگر چه به زحمت باشد، بعداً حج بجا آورید، و اگر به هیچ وجه نتوانید حج بروید، چنانچه کسی شما را برای حج اجیر کند، باید به مکه بروید و حج کسی که برایش اجیر شده‌اید را بجا آورید و تا سال بعد در مکه بمانید و برای خود حج نمایید، ولی اگر ممکن باشد که اجیر شوید و اجرت را نقد بگیرید و کسی که شما را اجیر کرده راضی شود که حج او را در سال بعد بجا آورید، باید سال اول برای خود و سال بعد برای کسی که اجیر شده‌اید، حج نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۴۷: اگر در سال اولی که مستطیع شده‌اید به مکه بروید ولی در وقت معینی که دستور داده‌اند به عرفات و مشعرالحرام نرسید، چنانچه در

سال‌های بعد مستطیع نباشید، حج را بر خود واجب ندانید، ولی اگر از سال‌های پیش مستطیع بوده و نرفته‌اید، اگر چه به زحمت باشد، باید حج کنید.

مسئله‌ی ۲۰۴۸: باید در اولین سالی که مستطیع شدید، حج بگذارید ولی اگر در سال اولی که مستطیع شدید، حج نکنید و بعد به واسطه‌ی پیری یا مرض و ناتوانی نتوانید حج نمایید و ناامید باشید از این که بعداً خودتان حج کنید، باید شخص دیگری را از طرف خود بفرستید، بلکه اگر در سال اولی که به قدر رفتن به حج مال پیدا کرده‌اید، به واسطه‌ی پیری یا مرض یا ناتوانی نتوانید حج کنید، باید کسی را از طرف خود بفرستید که حج نماید.

مسئله‌ی ۲۰۴۹: هر گاه از طرف شخص دیگری برای حج اجیر شده باشید، باید طواف نساء را از طرف او بجا آورید. و اگر بجا نیاورید، نزدیکی با زن را بر خود حرام بشمارید.

مسئله‌ی ۲۰۵۰: اگر طواف نساء را درست بجا نیاورید یا فراموش کنید، چنانچه در بین راه یا بعد از بازگشت به وطن یادتان بیاید، باید در صورت امکان برگردید و آن را انجام دهید، و در صورتی که نتوانید برگردید، باید شخص دیگری را برای انجام آن نایب بگیرید تا زنتان بر شما حلال باشد.

احکام خرید و فروش

مسئله‌ی ۲۰۵۱: باید قبل از معامله، احکام معاملات را فرا بگیرید. بهتر است در قیمت جنس بین مشتری‌ها فرق نگذارید مگر به لحاظ علم و تقوا. بهتر است چیزی را که می‌فروشید زیادتر بدهید و آنچه را که می‌خرید کمتر بگیرید. همچنین در قیمت جنس، سختگیری نکنید. و خوب است کسی که

با او معامله کرده‌اید اگر پیشیمان شود و تقاضای به هم زدن معامله داشته باشد، بپذیرید.

مسئله‌ی ۲۰۵۲: هر گاه به جهت ندانستن حکم مسأله‌ای ندانید معامله‌ای که کرده‌اید را باید صحیح بدانید یا باطل، نباید در مالی که گرفته‌اید تصرف نمایید، مگر آن‌که بدانید طرف معامله، راضی به تصرف شما در آن مال است، هر چند معامله باطل باشد.

مسئله‌ی ۲۰۵۳: اگر مال ندارید و مخارجی مثل خرج زن و بچه بر عهده‌تان است، باید از راهی شرعی و قانونی، کسب درآمد کنید.

معاملات و شغل‌هایی که بهتر است ترک کنید

مسئله‌ی ۲۰۵۴: بهتر است این معاملات و شغل‌ها را ترک کنید: اول: برده فروشی. دوم: قصابی. سوم: کفن فروشی. چهارم: معامله با مردمان پست. پنجم: معامله بین اذان صبح تا طلوع آفتاب. ششم: آن‌که کار خود را خرید و فروش گندم و جو و مانند اینها قرار دهید. هفتم: آن‌که برای خریدن جنسی که دیگری می‌خواهد بخرد، داخل معامله‌ی او شوید.

معاملاتی که باید باطل بدانید

مسئله‌ی ۲۰۵۵: در چند مورد، معامله را باطل بشمارید: اول: خرید و فروش عین نجس، مثل ادرار و مدفوع و مسکرات. دوم: خرید و فروش مال غصبی، مگر آن‌که صاحبش معامله را اجازه دهد. سوم: خرید و فروش چیزهایی که مال نیست. چهارم: معامله‌ی چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی.

پنجم: معامله‌ای که در آن ربا باشد.

ششم: غش در معامله، یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگری مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده‌اید.

مسئله‌ی ۲۰۵۶: می‌توانید چیز پاکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است را بفروشید، ولی باید نجس بودن آن را به مشتری بگویید.

مسئله‌ی ۲۰۵۷: هر گاه چیز پاکی مانند روغن و نفت که آب کشیدن آن ممکن نیست، نجس شود، باید نجس بودنش را به خریدار بگویید.

مسئله‌ی ۲۰۵۸: نباید دارویی که از عین نجاست مانند شراب و مردار تهیه شده است را معامله کنید، ولی معامله‌ی دارویی که عینش نجس نیست، اگر به آن احتیاج داشته باشید را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۲۰۵۹: خرید و فروش روغن‌ها و داروهای روان و عطرهایی که از کشورهای غیر اسلامی می‌آورند، اگر نجس بودن آنها معلوم نباشد، را دارای اشکال ندانید، ولی روغنی که از حیوان، بعد از جان دادن آن می‌گیرند، چنانچه در شهر کفار از دست کافر بگیرید و از حیوانی باشد که اگر رگ آن را بپزند، خون از آن جستن می‌کند، نجس بدانید و معامله‌اش را باطل بشمارید، بلکه اگر در شهر مسلمانان هم از دست کافر بگیرید، معامله‌اش را باطل بشمارید، مگر آن که بدانید آن کافر از مسلمان خریده است.

مسئله‌ی ۲۰۶۰: اگر روباه را به غیر دستوری که در شرع معین شده کشته باشند یا خودش مرده باشد، خرید و فروش پوست آن را حرام و معامله‌ی آن را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۰۶۱: گوشت، پیه و چرمی که از کشورهای غیر اسلامی می‌آورند را

نخريد. همچنين اينها را از دست كافر در بازار اسلام هم نخريد مگر اين كه يقين داشته باشيد از حيواني است كه به دستور شرع كشته شده است.

مسئله‌ی ۲۰۶۲: می‌توانید گوشت، پیه و چرمی که به دست مسلمان در بازار اسلام فروخته می‌شود را بخريد ولی اگر بدانيد كه آن مسلمان، آن را از دست كافر گرفته و تحقيق نكرده كه از حيواني است كه به دستور شرع كشته شده يا نه، معامله‌ی آن را باطل بشماريد.

مسئله‌ی ۲۰۶۳: نبايد مسكرات را خريد و فروش كنيد.

مسئله‌ی ۲۰۶۴: نبايد مال غصبی را خريد و فروش كنيد، ولی اگر مالك، آن معامله را قبول كند، معامله را صحيح بدانيد و پولی كه از خريدار گرفته‌ايد را به مالك بدهيد.

مسئله‌ی ۲۰۶۵: معامله‌ای را كه در آن، خريدار قصد ندارد پول جنس را بدهد، باطل بدانيد.

مسئله‌ی ۲۰۶۶: نبايد نيت داشته باشيد پول جنسی كه نسيه می‌خريد را از حرام بدهيد، ولی اگر در حال معامله چنين نيتی داشته‌ايد، بعد از استغفار، از پول حلال بپردازيد.

مسئله‌ی ۲۰۶۷: نبايد آلات لهو و لعب مثل تار و ساز، حتی سازهای كوچك كه بازيچه‌ی بچه‌هاست، خريد و فروش كنيد.

مسئله‌ی ۲۰۶۸: نبايد چيزهائی كه می‌شود استفاده‌ی حلال از آن بريد را به قصد استفاده در حرام بفروشيد، مثلاً نبايد انگور را به قصد ساختن شراب بفروشيد.

مسئله‌ی ۲۰۶۹: نبايد مجسمه‌ی انسان يا حيوان درست كنيد يا نقاشی نماييد و همچنين از خريد و فروش آن پرهيز كنيد، ولی خريد و فروش اجناسی

مانند صابون که روی آن مجسمه است را دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۲۰۷۰: چیزی که از قمار یا دزدی یا از معامله‌ی باطل تهیه شده را نباید بخرید و نباید در آن تصرف کنید و اگر بخرید، باید به صاحب اصلی‌اش برگردانید.

مسئله‌ی ۲۰۷۱: هر گاه بخواهید روغن، عسل و مانند آن که با چیز دیگری مخلوط شده را بفروشید، باید میزان ناخالصی‌اش را به مشتری بگویید.

مسئله‌ی ۲۰۷۲: نباید مقداری از جنسی که با وزن یا پیمانه می‌فروشید را به زیادتر از همان جنس بفروشید، مثلاً نباید یک کیلو گندم را به یک کیلو و نیم گندم بفروشید، و باید چنین معامله‌ای را ربا و حرام بدانید، و گناه یک درهم ربا را بزرگتر از هفتاد مرتبه زنا با محرم خود بشمارید. بلکه اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشد، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهید بگیرید، باز هم باید ربا و حرام بدانید، پس نباید مس درست را بدهید و بیشتر از آن مس شکسته بگیرید، یا برنج اعلی را بدهید و بیشتر از آن برنج نامرغوب بگیرید، یا طلای ساخته را بدهید و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرید.

مسئله‌ی ۲۰۷۳: اگر چیزی را که اضافه می‌گیرید، غیر از جنسی باشد که می‌فروشید، مثلاً یک کیلو گندم را به یک کیلو گندم و ده تومان پول بفروشید، ربا و حرام بدانید، بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرید ولی شرط کنید که خریدار، عملی برایتان انجام دهد، باز هم ربا و حرام بدانید.

مسئله‌ی ۲۰۷۴: هر گاه بخواهید دو جنس را با هم مبادله کنید، باید جنستان را به طرف بفروشید و جنس او را بخرید و از معامله‌ی جنس به جنس

پرهیز نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۷۵: می‌توانید چیزهایی که با متر فروخته می‌شود، مثل پارچه و لوله یا چیزهایی که با شماره معامله می‌شود، مثل کفش و لباس را به زیادت یا کمتر بفروشید، مثلاً پنج متر پارچه‌ی مرغوب بدهید و ده متر پارچه‌ی نامرغوب بگیرید یا ده جفت کفش بزرگ بدهید و دوازده جفت کفش بچه‌گانه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۰۷۶: هر گاه جنسی را در بعضی از شهرها به وزن یا پیمانه بفروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله کنند، چنانچه در شهرتان با وزن یا پیمانه فروخته می‌شود، نباید به زیادت یا کمتر بفروشید.

مسئله‌ی ۲۰۷۷: اگر چیزی را که می‌فروشید و عوضی را که می‌گیرید از یک جنس نباشد، می‌توانید به زیادی بفروشید، مثلاً می‌توانید یک کیلو برنج را به دو کیلو گندم معامله کنید.

مسئله‌ی ۲۰۷۸: هر گاه جنسی را که می‌فروشید و عوضی را که می‌گیرید از یک چیز گرفته شده باشد، نباید در معامله‌اش زیاد بگیرید، پس نباید یک کیلو روغن حیوانی را به دو کیلو پنیر بفروشید، و همچنین نباید میوه‌ی رسیده را به زیادت یا کمتر از میوه‌ی نارس بفروشید.

مسئله‌ی ۲۰۷۹: در معامله‌های جنس به جنس، باید جو و گندم را یک جنس حساب کنید، پس نباید مثلاً ده کیلو گندم بدهید و یازده کیلو جو بگیرید، همچنین نباید ده کیلو گندم بگیرید که سر خرمن، یازده کیلو جو بدهید، چون گندم را نقد گرفته و بعد از مدتی جو را می‌دهید، مثل آن است که زیادی گرفته باشید.

مسئله‌ی ۲۰۸۰: می‌توانید از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرید، ولی

نباید از پدر یا فرزند یا زنتان ربا بگیرید، و نیز منهاجیات نباید از شوهرشان ربا بگیرند.

شرایط فروشنده و خریدار

مسئله‌ی ۲۰۸۱: هر گاه بخواهید فروشنده یا خریدار باشید، باید هفت شرط را دارا باشید:

اول: آن‌که بالغ باشید.

دوم: آن‌که عاقل باشید.

سوم: آن‌که سفیه نباشید، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنید.

چهارم: آن‌که حاکم شرع، شما را از تصرف در امواتان جلوگیری نکرده باشد.

پنجم: آن‌که قصد خرید و فروش داشته باشید، پس اگر مثلاً به شوخی بگویید: «مال خود را فروختم»، معامله را باطل بشمارید.

ششم: آن‌که کسی شما را مجبور نکرده باشد.

هفتم: آن‌که جنس و عوضی که می‌دهید را مالک باشید، یا مثل پدر و پدربزرگ صغیر، اختیار مال صغیر در دست شما باشد، یا از طرف مالک، وکیل باشید.

و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۲۰۸۲: نباید با بچه‌ی نابالغ معامله کنید، اگر چه پدر یا پدربزرگ آن بچه به او اجازه‌ی معامله داده باشد، ولی اگر کودک، وسیله باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند، یا جنس را به خریدار بدهد و پول را به فروشنده برساند، چون در حقیقت دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده‌اید، معامله را صحیح بدانید، ولی باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشید که کودک، جنس و پول را به صاحب آن می‌رساند.

مسئله‌ی ۲۰۸۳: نباید با بچه‌ی نابالغ معامله کنید، چون اگر از بچه‌ی نابالغ چیزی بخرید یا چیزی به او بفروشید، باید جنس یا پولی که از او گرفته‌اید را به صاحبش بدهید یا از صاحبش رضایت بخواهید، و اگر صاحب آن را نمی‌شناسید و برای شناختن او هم وسیله‌ای ندارید، باید چیزی را که از بچه گرفته‌اید، به عنوان رد مظالم به حاکم شرع بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۸۴: هر گاه در جایی که نباید با بچه‌ی نابالغ معامله کنید، معامله کنید و جنس یا پولی که به بچه داده‌اید از بین برود، نباید از بچه یا سرپرست او مطالبه کنید.

مسئله‌ی ۲۰۸۵: هر گاه خریدار یا فروشنده را مجبور به معامله کنید، چنانچه بعد از معامله راضی شود، باید دوباره صیغه‌ی معامله را بخوانید.

مسئله‌ی ۲۰۸۶: نباید مال کسی را بدون اجازه‌ی او بفروشید، ولی اگر چنین کردید، چنانچه صاحب مال به فروش آن راضی نشود و اجازه ندهد، معامله را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۰۸۷: هر گاه پدر یا پدربزرگ پدری کودک باشید، در صورتی می‌توانید مال کودک را بفروشید که برای کودک مصلحت داشته باشد، همچنین اگر وصی پدر یا وصی پدربزرگ پدری یا حاکم شرع باشید، فقط در صورتی می‌توانید مال کودک را بفروشید که مصلحت کودک در آن باشد.

مسئله‌ی ۲۰۸۸: نباید مال دیگران را غصب کنید و اگر غصب کردید، باید به صاحبش برگردانید و نباید آن را بفروشید، ولی اگر مالی را غصب کردید و فروختید و بعد از فروش، صاحب مال، معامله را برای خودش اجازه داد، معامله را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۰۸۹: نباید مال دیگران را غصب کنید و اگر غصب کردید، باید به

صاحبش برگردانید و نباید آن را بفروشید ولی اگر مالی را غصب کردید و فروختید و بعد از فروش، صاحب مال، معامله را برای شما (غاصب) اجازه داد، معامله را باطل بشمارید.

شرایط جنس و عوض آن

مسئله‌ی ۲۰۹۰: پنج شرط را باید در جنسی که می‌فروشید و چیزی که عوض آن می‌گیرید، ملاحظه کنید:

اول: آن که مقدار آن با وزن یا پیمانه یا شماره و مانند اینها معلوم باشد.
دوم: آن که بتوانید آن را تحویل دهید، بنا بر این فروختن اسبی که فرار کرده را صحیح ندانید.

سوم: خصوصیتی که در جنس و عوض هست و به واسطه‌ی آنها میل مردم به معامله فرق می‌کند را معین نمایید.

چهارم: آن که کسی در جنس، یا در عوض آن حقی نداشته باشد، پس نباید مالی را که گرو گذاشته‌اید، بدون اجازه‌ی او بفروشید.

پنجم: آن که خود جنس را بفروشید نه منفعت آن را، پس نباید مثلاً منفعت یک ساله‌ی خانه‌ی خود را بفروشید، ولی می‌توانید به جای پول، منفعت ملک خود را بدهید، مثلاً می‌توانید فرش را از کسی بخرید و عوض آن، منفعت یک ساله‌ی خانه‌تان را به او واگذار کنید، و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۲۰۹۱: جنسی را که در شهری با وزن یا پیمانه معامله می‌کنند، باید در آن شهر با وزن یا پیمانه بخرید، ولی می‌توانید همان جنس را در شهری که با دیدن معامله می‌کنند، با دیدن خریداری نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۹۲: چیزی را که با وزن خرید و فروش می‌کنید، با پیمانه هم

می‌توانید معامله کنید، به این صورت که اگر مثلاً می‌خواهید ده کیلو گندم بفروشید، با پیمان‌ه‌ای که یک کیلو گندم می‌گیرد، ده پیمان‌ه بدهید.

مسئله‌ی ۲۰۹۳: هر گاه یکی از شرط‌هایی که گفته شد، در معامله نباشد، معامله را باطل بشمارید، ولی اگر خریدار و فروشنده راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند، تصرف آنها را بدون اشکال بدانید.

مسئله‌ی ۲۰۹۴: نباید مال وقف‌شده را خرید و فروش کنید، ولی اگر به طوری خراب شود که نتوانید استفاده‌ای که برای آن وقف شده را از آن ببرید، مثلاً حصیر مسجد به طوری پاره شود که نتوانید روی آن نماز بخوانید، می‌توانید آن را بفروشید ولی باید پولش را در همان مسجد به مصرفی برسانید که به مقصود وقف‌کننده، نزدیکتر باشد.

مسئله‌ی ۲۰۹۵: هرگاه بین کسانی که مالی برای آنان وقف شده به طوری اختلاف پیدا شود که اگر مال وقف را نفروشند، گمان آن برود که مال یا جانی تلف شود، می‌توانید آن مال را بفروشید و به مصرفی که به مقصود واقف نزدیکتر است برسانید. ولی چنانچه اختلافشان با فروختن و تهیه‌ی مکان دیگری برطرف می‌شود، فقط می‌توانید آن موقوفه را به محل دیگر تبدیل کنید و یا با پول فروش آن، محل دیگری بخرید و به جای مکان اول و در همان جهت وقف اول، وقف نمایید.

مسئله‌ی ۲۰۹۶: می‌توانید ملکی که در اجاره است را بخرید یا بفروشید، ولی استفاده‌ی آن ملک در مدت اجاره، برای مستأجر است، و هر گاه خریدار باشید و ندانید که آن ملک را اجاره داده‌اند یا به گمان این که مدت اجاره‌اش کم است، ملک را خریده باشید، پس از اطلاع می‌توانید معامله را به هم بزنید.

صیغه‌ی خرید و فروش

مسئله‌ی ۲۰۹۷: خواندن صیغه‌ی خرید و فروش را به عربی، لازم ندانید، بلکه اگر مثلاً فروشنده به فارسی بگوید: «این مال را در عوض این پول فروختم» و مشتری بگوید: «قبول کردم» معامله را صحیح بدانید، ولی خریدار و فروشنده باید قصد انشاء داشته باشند، یعنی مقصودشان از گفتن این دو جمله، خرید و فروش باشد.

مسئله‌ی ۲۰۹۸: هر گاه در موقع معامله، صیغه نخوانید ولی فروشنده در مقابل مالی که از شما می‌گیرد، مال خود را ملک شما کند و شما بگیرید، معامله را صحیح بدانید و هر دو، خود را مالک جنس و بهایش بدانید.

خرید و فروش میوه‌ها

مسئله‌ی ۲۰۹۹: می‌توانید میوه‌ای که گُل آن ریخته و دانه بسته، به طوری که معمولاً از آفت گذشته باشد، پیش از چیدن، و نیز غوره بر درخت را خرید و فروش کنید.

مسئله‌ی ۲۱۰۰: اگر بخواهید میوه‌ای را که بر درخت است، پیش از آن که گُلش بریزد و دانه ببندد بفروشید، باید چیزی که دارای مالیت و قابل فروش جداگانه و ملک فروشنده باشد، با آن ضمیمه نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۰۱: می‌توانید خرمایی که زرد یا سرخ شده را بر درخت بفروشید ولی نباید عوض آن را خرما بگیرید.

مسئله‌ی ۲۱۰۲: می‌توانید خیار، بادمجان، سبزی‌جات و مانند اینها - که سالی چند مرتبه چیده می‌شود - را در صورتی که ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنید که مشتری، چند دفعه در سال آن را بچیند، خرید و فروش کنید.

مسئله‌ی ۲۱۰۳: می‌توانید خوشه‌ی گندم و جو را بعد از آن که دانه بسته، به چیز دیگری غیر از گندم و جو بفروشید.

نقد و نسیه

مسئله‌ی ۲۱۰۴: هر گاه جنسی را نقد بفروشید، خریدار و فروشنده بعد از معامله می‌توانید جنس و پول را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرید، و تحویل دادن خانه و زمین و مانند اینها را به این بدانید که آن را در اختیار خریدار بگذارید تا بتواند در آن تصرف کند، و تحویل دادن فرش و لباس و مانند اینها را به این بدانید که آن را طوری در اختیار خریدار بگذارید که اگر بخواهد آن را به جای دیگر ببرد، جلوگیری نکنید.

مسئله‌ی ۲۱۰۵: در معامله‌ی نسیه، باید مدت، کاملاً معلوم باشد، پس اگر جنسی را بفروشید که سر خرمن پول آن را بگیرید، چون مدت نسیه کاملاً معین نشده، معامله را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۱۰۶: هر گاه جنسی را نسیه بفروشید، نباید پیش از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اید، عوض آن را از خریدار مطالبه نمایید، ولی اگر خریدار بمیرد و از خودش مال داشته باشد، می‌توانید پیش از تمام شدن مدت، طلبتان را از ورثه‌ی او مطالبه نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۰۷: هر گاه جنسی را نسیه بفروشید، می‌توانید بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اید، عوض آن را از خریدار مطالبه نمایید، ولی اگر خریدار نتواند بپردازد، باید او را مهلت دهید.

مسئله‌ی ۲۱۰۸: هر گاه بخواهید جنسی را به نسیه بفروشید، باید قیمتش را واضح به مشتری بگویید.

مسئله‌ی ۲۱۰۹: هر گاه جنسی را نسیه بفروشید و برای گرفتن پول آن مدتی

قرار دهید، می‌توانید بعد از گذشتن مدتی، مثلاً نصف مدت تعیین‌شده، با موافقت بدهکار، مقداری از طلب خود را کم کنید و بقیه را نقد بگیرید.

معامله‌ی سلف

مسئله‌ی ۲۱۱۰: معامله‌ی سلف را چنین بدانید که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد، پس اگر بگویید: «این پول را می‌دهم که مثلاً بعد از شش ماه، فلان جنس را بگیرم» و فروشنده بگوید: «قبول کردم»، یا فروشنده پول را بگیرد و بگوید: «فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم»، معامله را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۱۱: نباید پول طلا و پول نقره یا طلا و نقره را به صورت سلف به پول طلا و پول نقره یا به طلا و نقره معامله کنید و معامله‌ی سلف را فقط در جنس با پول بدانید و از معامله‌ی سلف جنس با جنس نیز پرهیز کنید.

شرایط معامله‌ی سلف

مسئله‌ی ۲۱۱۲: هفت شرط را در معامله‌ی سلف معتبر بدانید:
اول: خصوصیتی را که قیمت جنس به واسطه‌ی آنها فرق می‌کند معین نمایید. ولی دقت زیاد هم لازم ندانید، بلکه همین قدر که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده را کافی بشمارید. پس معامله‌ی سلف در نان و گوشت و پوست حیوان و مانند اینها در صورتی که نشود خصوصیاتشان را کاملاً معین کرد را باطل بشمارید.

دوم: پیش از آن که خریدار و فروشنده از هم جدا شوند، خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد.

سوم: مدت را کاملاً معین کنید، پس اگر مثلاً بگویید: «تا اول خرمن، جنس

را تحویل می‌دهم»، چون مدت، کاملاً معلوم نشده، معامله را باطل بدانید. چهارم: وقتی را برای تحویل جنس معین کنید که در آن وقت، جنس به قدری کمیاب نباشد که فروشنده نتواند آن را تحویل دهد.

پنجم: محل تحویل جنس را معین نمایید.

ششم: وزن یا پیمانانه یا شماره‌ی آن را معین کنید. البته جنسی که معمولاً با دیدن معامله می‌شود را می‌توانید سلف بفروشید، ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ، تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.

هفتم: جنسی را که می‌فروشید، در مقابل پول باشد نه در مقابل جنس.

احکام معامله‌ی سلف

مسئله‌ی ۲۱۱۳: نباید جنسی را که سلف خریده‌اید، پیش از تمام شدن مدت بفروشید، و بعد از تمام شدن مدت، اگر چه آن را تحویل نگرفته باشید، می‌توانید بفروشید، گر چه بهتر است غلات مانند گندم و جو را پیش از تحویل گرفتن بفروشید.

مسئله‌ی ۲۱۱۴: در معامله‌ی سلف، هر گاه فروشنده، جنسی را که قرارداد کرده، در موعدش تحویل بدهد، شما که مشتری هستید، باید قبول کنید و نیز اگر بهتر از آنچه قرار گذاشته، بدهد، یعنی همان اوصاف را با زیادتی کمال دارا باشد، باید قبول نمایید، ولی اگر این طور نباشد، می‌توانید قبول نکنید.

مسئله‌ی ۲۱۱۵: هر گاه جنسی را که فروشنده می‌دهد، پست‌تر از جنسی باشد که قرارداد کرده، می‌توانید قبول نکنید.

مسئله‌ی ۲۱۱۶: اگر فروشنده به جای جنسی که قرارداد کرده، جنس دیگری بدهد، در صورتی که خریدار باشید و راضی شوید، می‌توانید قبول کنید.

مسئله‌ی ۲۱۱۷: اگر جنسی را که سلف فروخته‌اید، در موقعی که باید آن را تحویل دهید نایاب شود و نتوانید آن را تهیه کنید، این حق را به مشتری بدهید که صبر کند تا تهیه نمایید یا معامله را به هم بزند و چیزی را که داده، پس بگیرد.

مسئله‌ی ۲۱۱۸: هر گاه جنسی را بفروشید و قرار بگذارید که بعد از مدتی تحویل دهید و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرید، معامله را باطل بشمارید.

فروش طلا و نقره به طلا و نقره

مسئله‌ی ۲۱۱۹: هر گاه طلا را به طلا، یا نقره را به نقره بفروشید، سکه‌دار باشد یا بی‌سکه، در صورتی که وزن یکی از آنها زیادتر از دیگری باشد، معامله را حرام و باطل بشمارید و ترک کنید.

مسئله‌ی ۲۱۲۰: می‌توانید طلا را به نقره، یا نقره را به طلا بفروشید، هر چند وزن آنها مساوی نباشد.

مسئله‌ی ۲۱۲۱: هر گاه طلا یا نقره را به طلا یا نقره بفروشید، باید فروشنده و خریدار پیش از آن که از یکدیگر جدا شوید، جنس و عوض آن را به یکدیگر تحویل دهید، و اگر هیچ مقدار از چیزی را که قرار گذاشته‌اید، تحویل ندهید، معامله را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۱۲۲: هر گاه فروشنده یا خریدار تمام چیزی را که قرار گذاشته، تحویل دهد و دیگری مقداری از آن را تحویل دهد و از یکدیگر جدا شوید، اگر چه باید معامله به آن مقدار را صحیح بدانید، ولی کسی که تمام مال به دست او نرسیده، می‌تواند معامله را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۱۲۳: هر گاه مقداری خاک نقره‌ی معدن را به همان مقدار نقره‌ی خالص، و یا مقداری خاک طلای معدن را به همان مقدار طلای خالص

بفروشید، معامله را باطل بشمارید، ولی می‌توانید خاک نقره را به طلا، و خاک طلا را به نقره بفروشید.

مواردی که می‌توانید معامله را به هم بزنید

مسأله‌ی ۲۱۲۴: حق به هم زدن معامله را «خیار» گویند و چه خریدار باشید و چه فروشنده، در یازده صورت می‌توانید معامله را به هم بزنید:

اول: آن‌که از مجلس معامله متفرق نشده باشید. (خیار مجلس)

دوم: آن‌که مغبون شده باشید. (خیار غبن)

سوم: در معامله قرارداد کنید که تا مدت معینی هر دو یا یکی از شما بتوانید معامله را به هم بزنید. (خیار شرط)

چهارم: فروشنده یا خریدار مال خود را بهتر از آنچه هست نشان داده باشد و طوری کرده باشد که قیمت مال در نظر مردم زیادتر شود. (خیار تدلیس)

پنجم: چه فروشنده باشید و چه خریدار، شرط کنید که کاری انجام دهید یا شرط کنید مالی را که می‌دهید به طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکنید، که در این صورت، دیگری می‌تواند معامله را به هم بزند. (خیار تخلف شرط)

ششم: در جنس یا عوض آن عیبی باشد. (خیار عیب)

هفتم: معلوم شود مقداری از جنسی را که فروخته‌اید، مال دیگری است. پس اگر صاحب آن به معامله راضی نشود، خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد، و نیز اگر معلوم شود مقداری از چیزی را که خریدار عوض قرار داده، مال دیگری است و صاحب آن راضی نشود، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند یا عوض آن مقدار را از خریدار بگیرد. (خیار شرکت)

هشتم: فروشنده، خصوصیات جنس معینی را که مشتری ندیده به او بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته، نبوده است، که در این صورت مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند، و نیز اگر مشتری خصوصیات عوض معینی را که می‌دهد بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته، نبوده است، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند. (خيار رؤیت)

نهم: مشتری، پول جنسی که نقدی خریده را تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد، که اگر مشتری شرط نکرده باشد که دادن پول را به تأخیر اندازد و شرط تأخیر جنس هم نشده باشد، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند. ولی اگر جنسی را که خریده مثل بعضی از میوه‌ها باشد که اگر یک روز بماند ضایع می‌شود، چنانچه تا شب، پول آن را ندهد و شرط نکرده باشید که دادن پول را تأخیر اندازد و شرط تأخیر جنس هم نشده باشد، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند. (خيار تأخیر)

دهم: حیوانی را فروخته باشید، که خریدار تا سه روز می‌تواند معامله را به هم بزند. (خيار حیوان)

یازدهم: نتوانید جنسی که فروخته‌اید را تحویل دهید، مثلاً اسبی که فروخته‌اید فرار نماید، که در این صورت مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند. (خيار تعذر تسلیم)

و احکام اینها در مسایل آینده گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۲۱۲۵: هر گاه قیمت جنس را ندانید یا در موقع معامله غلفت کنید و جنس را گرانتر از قیمت معمولی آن بخرید، چنانچه به قدری گران خریده باشید که مردم، شما را مغبون بدانند و به کمی و زیادی آن اهمیت بدهند، می‌توانید معامله را به هم بزنید، و نیز اگر در وقت فروش، قیمت جنس را

ندانید یا موقع معامله غفلت کنید و جنس را ارزانتر از قیمت آن بفروشید، در صورتی که مردم به مقداری که ارزان فروخته‌اید اهمیت بدهند و شما را مغبون بدانند، می‌توانید معامله را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۱۲۶: در بیع شرط، که مثلاً خانه‌ی صد میلیون تومانی را به چهل میلیون تومان بفروشید و قرار بگذارید که اگر فروشنده، سر مدت پول را بدهد، بتواند معامله را به هم بزند، در صورتی که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند، معامله را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۲۷: در بیع شرط، اگر چه فروشنده اطمینان داشته باشد که هرگاه سر مدت، پول را ندهد، خریدار ملک را به او می‌دهد، معامله را صحیح بدانید، ولی اگر سر مدت پول را ندهید، نباید ملک را از خریدار مطالبه کنید و اگر خریدار بمیرد، نباید ملک را از ورثه‌ی او مطالبه نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۲۸: اگر جنس اعلا را با جنس پست مخلوط کنید و به اسم جنس اعلا بفروشید، مثلاً چای اعلا را با چای پست مخلوط کنید و به اسم چای اعلا بفروشید، در صورتی که مشتری، هنگام معامله نداند و بعد بفهمد، می‌تواند معامله را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۱۲۹: هرگاه بفهمید مال معینی را که خریده‌اید عیبی دارد، مثلاً هرگاه حیوانی را بخرید و بفهمید یک چشمش کور است، چنانچه آن عیب پیش از معامله در مال بوده ولی نمی‌دانسته‌اید، می‌توانید معامله را به هم بزنید یا فرق قیمت سالم و معیوب آن را معین کنید و به نسبت تفاوت قیمت سالم و معیوب، از پولی که به فروشنده داده‌اید پس بگیرید، مثلاً مالی را که به چهار هزار تومان خریده‌اید، اگر بفهمید معیوب است، در صورتی که قیمت سالم آن هشت هزار تومان و قیمت معیوب آن شش هزار تومان

باشد، چون فرق قیمت سالم و معیوب، یک‌چهارم می‌باشد، می‌توانید یک چهارم پولی که داده‌اید، یعنی یک هزار تومان را از فروشنده بگیرید.

مسئله‌ی ۲۱۳۰: هر گاه فروشنده باشید و بفهمید در عوض معینی که گرفته‌اید، عیبی هست، چنانچه آن عیب پیش از معامله در عوض بوده و شما نمی‌دانسته‌اید، می‌توانید معامله را به هم بزنید یا تفاوت قیمت سالم و معیوب را به دستوری که در مسئله‌ی پیش گفته شد بگیرید.

مسئله‌ی ۲۱۳۱: هر گاه بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن مال، عیبی در آن پیدا شود، خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند، و نیز اگر در عوض مال، بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن، عیبی پیدا شود، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند، ولی نباید تفاوت قیمت بگیرید.

مسئله‌ی ۲۱۳۲: هر گاه بعد از معامله، عیب مال را بفهمید، یا باید فوراً معامله را به هم بزنید و یا این که به معامله راضی شوید، و نباید بعد از مدتی، خواستار به هم زدن معامله شوید.

مسئله‌ی ۲۱۳۳: هر گاه بعد از خریدن جنس، عیب آن را بفهمید، اگر چه فروشنده حاضر نباشد، می‌توانید معامله را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۱۳۴: در چهار صورت اگر بفهمید مالی که خریده‌اید، عیبی دارد، نباید معامله را به هم بزنید یا تفاوت قیمت بگیرید:

اول: آن‌که موقع خریدن، عیب مال را بدانید.

دوم: به عیب مال راضی شوید.

سوم: در وقت معامله بگویید: «اگر مال، عیبی داشته باشد، پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم».

چهارم: فروشنده در وقت معامله بگوید: «این مال را با هر عیبی که دارد می

فروشم». ولی اگر عیبی را معین کند و بگوید مال را با این عیب می‌فروشم و معلوم شود عیب دیگری هم دارد، می‌توانید برای عیبی که فروشنده معین نکرده، مال را پس دهید یا تفاوت قیمت بگیرید.

مسئله‌ی ۲۱۳۵: در سه صورت اگر بفهمید مالی که خریده‌اید، عیبی دارد، نباید معامله را به هم بزنید، ولی می‌توانید تفاوت قیمت بگیرید:

اول: آن‌که بعد از معامله، در مال تصرف کنید به طوری که مال به حال اول نباشد و تغییر کرده باشد، مثل آن که پارچه را ببرید، یا گندم را آرد کنید.

دوم: بعد از معامله بفهمید مال عیب دارد و فقط حق برگرداندن آن را ساقط کنید.

سوم: بعد از تحویل گرفتن مال، عیب دیگری در آن پیدا شود، ولی اگر حیوان معیوبی را بخرید و پیش از گذشتن سه روز، عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشید، باز هم می‌توانید آن را پس دهید، و نیز اگر فقط خریدار تا مدتی حق به هم زدن معامله را داشته باشد و در آن مدت، مال عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشید، می‌توانید معامله را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۱۳۶: اگر مالی داشته باشید که خودتان آن را ندیده باشید و کس دیگری خصوصیات آن را برایتان گفته باشد، چنانچه همان خصوصیات را به مشتری بگویید و آن را بفروشید و بعد از فروش بفهمید که بهتر از آن بوده که برایتان وصف شده، می‌توانید معامله را به هم بزنید.

مسائل متفرقه‌ی خرید و فروش

مسئله‌ی ۲۱۳۷: هر گاه فروشنده باشید و قیمت خرید جنس را به مشتری بگویید، باید تمام چیزهایی که به واسطه‌ی آنها قیمت مال، کم یا زیاد می‌شود را بگویید، اگر چه به همان قیمت یا به کمتر از آن بفروشید، مثلاً باید

بگوید که نقد خریده‌اید یا نسیه. و چنانچه بعضی از آن خصوصیات را نگوید و بعداً مشتری بفهمد، می‌تواند معامله را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۱۳۸: هر گاه جنسی را به کسی بدهید و قیمت آن را معین کنید و بگوید این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه زیادتیر فروختی مال خودت باشد، هر چه زیادتیر از آن قیمت بفروشد را به دلال بدهید. و همچنین اگر بگوید این جنس را به این قیمت به تو فروختم، و او بگوید: «قبول کردم»، یا به قصد فروختن، جنس را به او بدهید و او هم به قصد خریدن بگیرد، هر چه زیادتیر از آن قیمت بفروشد مال خود اوست.

مسئله‌ی ۲۱۳۹: اگر قصاب هستید، نباید به اسم گوشت نر، گوشت ماده بفروشید و اگر چنین کنید باید استغفار نمایید و مشتری را راضی نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۴۰: هر گاه پارچه‌فروش باشید و مشتری از شما پارچه‌ای بخواهد که رنگ آن نرود، ولی شما پارچه‌ای به او بفروشید که رنگش برود، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۱۴۱: نباید در معامله، قسم دروغ بخورید، بلکه از قسم راست هم پرهیز کنید.

احکام شرکت

مسئله‌ی ۲۱۴۲: هر گاه دو نفر بخواهید با هم شرکت کنید، چنانچه قبل از خواندن عقد شرکت یا بعد از آن، هر کدام مقداری از مال خود را با مال دیگری به طوری مخلوط کنید که از یکدیگر تشخیص داده نشود و به عربی یا به زبان دیگر، صیغهی شرکت را بخوانید، یا کاری کنید که معلوم باشد می

خواهید با یکدیگر شریک باشید، شرکنتان را صحیح بدانید.
مسئله‌ی ۲۱۴۳: هر گاه چند نفر باشید و بخواهید در مزدی که از کار خودتان می‌گیرید با یکدیگر شرکت کنید، شرکنتان را صحیح ندانید، مثل باربرها اگر قرار بگذارند هر قدر مزد گرفتند با هم قسمت کنند.

مسئله‌ی ۲۱۴۴: هر گاه دو نفر با یکدیگر شرکت کنید که هر کدام با اعتبار خودتان جنسی بخرید و قیمت آن را خودتان بدهکار شوید ولی در جنسی که هر کدام خریده‌اید و در استفاده‌ی آن با یکدیگر شریک باشید، شرکنتان را صحیح ندانید، اما اگر هر کدام، دیگری را وکیل کنید که جنس را برایتان نسبه بخرد، بعد هر شریکی جنس را برای خودش و شریکش بخرد که هر دو بدهکار شوید، شرکت را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۴۵: با کسانی که به واسطه‌ی عقد شرکت، شریک می‌شوید، باید مکلف و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار شرکت کنند، و نیز باید بتوانند در مال خود تصرف نمایند. پس نباید با سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید، شرکت کنید.

مسئله‌ی ۲۱۴۶: می‌توانید در عقد شرکت، شرط کنید کسی که کار می‌کند یا بیشتر از شریک دیگر کار می‌کند، بیشتر منفعت ببرد، ولی نباید شرط کنید کسی که کار نمی‌کند یا کمتر کار می‌کند، بیشتر منفعت ببرد.

مسئله‌ی ۲۱۴۷: هر گاه قرار بگذارید که همه‌ی استفاده را یک نفر ببرد، یا تمام ضرر یا بیشتر آن را یکی از آنان بدهد، باید نفع و ضرر را به نسبت مال، بین خودتان تقسیم نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۴۸: چه شرط کنید که یکی از شریک‌ها بیشتر منفعت ببرد و چه شرط نکنید، چنانچه سرمایه‌ی شما به یک اندازه باشد، منفعت و ضرر را هم

به یک اندازه تقسیم کنید، و اگر سرمایه‌ی شما به یک اندازه نباشد، باید منفعت و ضرر را به نسبت سرمایه‌تان قسمت نمایید، مثلاً اگر دو نفر شرکت کنید و سرمایه‌ی یکی از شما، دو برابر سرمایه‌ی دیگری باشد، سهم او از منفعت و ضرر را دو برابر سهم دیگری بدانید، چه هر دو به یک اندازه کار کنید یا یکی کمتر کار کند یا هیچ کار نکند.

مسئله‌ی ۲۱۴۹: هر گاه در عقد شرکت، شرط کنید که هر دو با هم خرید و فروش نمایید، یا هر کدام به تنهایی معامله کنید یا فقط یکی از شما معامله کند، باید به قرارداد عمل نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۵۰: اگر معین نکنید که کدام یک از شما با سرمایه، خرید و فروش نمایید، هیچکدامتان نباید بدون اجازه‌ی دیگری با آن سرمایه معامله کنید.

مسئله‌ی ۲۱۵۱: هر گاه اختیار سرمایه‌ی شرکت با شما باشد، باید به قرارداد شرکت عمل کنید، مثلاً اگر با شما قرار گذاشته‌اند که نسبه بخرید یا نقد بفروشید یا جنس را از محل مخصوصی بخرید، باید به همان قرارداد رفتار نمایید، و اگر با شما قرار می‌گذاشته باشند، باید داد و ستدی نمایید که برای شرکت، ضرر نداشته باشد، و معاملات را به طوری که متعارف است انجام دهید، پس اگر مثلاً معمول است که نقد بفروشید یا مال شرکت را در مسافرت همراه خود نبرید، باید به همین طور عمل نمایید، و اگر معمول است که نسبه بدهید یا مال را به سفر ببرید، می‌توانید همین طور عمل کنید.

مسئله‌ی ۲۱۵۲: هر گاه با سرمایه‌ی شرکت معامله کنید، نباید بر خلاف قراردادی که با شما کرده‌اند، خرید و فروش کنید، ولی اگر چنین کنید و خسارتی برای شرکتتان پیش آید، باید جبران کنید و رضایت شرکاء را به

دست آورید.

مسئله‌ی ۲۱۵۳: هر گاه با سرمایه‌ی شرکت معامله کنید و اتفاقاً مقداری از آن یا تمام آن تلف شود، اگر زیاده‌روی ننموده و در نگهداری سرمایه، کوتاهی نکرده‌اید، جبران‌ش را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۱۵۴: هر گاه شریکی که با سرمایه‌ی شرکت معامله می‌کند، ادعا کند سرمایه، تلف شده و پیش حاکم شرع قسم بخورد، باید حرف او را قبول کنید.

مسئله‌ی ۲۱۵۵: هر گاه تمام شریک‌ها از اجازه‌ای که به تصرف در مال یکدیگر داده‌اند برگردند، هیچ کدام نباید در مال شرکت تصرف کنید، و اگر یکی از شما از اجازه‌ی خود برگردد، شریک‌های دیگر حق تصرف ندارند، ولی کسی که از اجازه‌ی خود برگشته، می‌تواند در مال شرکت تصرف کنید، مگر آن که اجازه‌ی دیگر شرکاء مقید به اجازه‌ی او باشد.

مسئله‌ی ۲۱۵۶: هر وقت یکی از شریک‌ها تقاضا کند که سرمایه‌ی شرکت را تقسیم کنید، باید قبول نمایید، و در صورتی که تقسیم سرمایه، مستلزم ضرر بر شرکاء باشد، باید به هر نحو ممکن، سهم آن شریک را پرداخت کنید یا به نحوی با او مصالحه نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۵۷: اگر یکی از شریک‌هایتان بمیرد یا دیوانه یا بیهوش یا سفیه شود یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نماید، یا از جهت مفلس شدن به حکم حاکم شرع از تصرف در مالش ممنوع شود، شما و شرکای دیگر نباید در مال شرکت تصرف کنید.

مسئله‌ی ۲۱۵۸: هر گاه شریک، چیزی را نسبه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست، ولی اگر برای شرکت بخرد و شرکاء دیگر به آن

معامله راضی شوند، نفع و ضررش را برای همه‌ی آنان بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۵۹: هر گاه با سرمایه‌ی شرکت معامله‌ای کنید، بعد بفهمید شرکت باطل بوده، چنانچه طوری باشد که اگر می‌دانستید شرکت درست نیست به تصرف در مال یکدیگر راضی بودید، معامله را صحیح بدانید، و هر چه از آن معامله پیدا شده را مال همه‌ی سهام‌داران بدانید، و اگر این طور نباشد، در صورتی که کسانی که به تصرف دیگران راضی نبوده‌اند، به آن معامله راضی شوند، معامله را صحیح و گرنه باطل بدانید. و در هر صورت، هر کدام از سهام‌داران که برای شرکت، کاری کرده است، اگر به قصد مجانی کار نکرده باشد، می‌تواند مزد زحمتهای خود را به اندازه‌ی معمول از شریک‌های دیگرش بگیرد.

احکام صلح

مسئله‌ی ۲۱۶۰: این که با دیگری سازش کنید که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کنید، یا از طلب یا حق خود بگذرید، که او هم در عوض، مقداری از مال یا منفعت مال خود را به شما واگذار نماید، یا از طلب یا حقی که دارد بگذرد، بلکه اگر بدون آن که عوضی بگیرید، مقداری از مال یا منفعت مال خود را به کسی واگذار کنید یا از طلب یا حق خود بگذرید را «صلح» بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۶۱: وقتی چیزی را به شخصی صلح می‌کنید، باید بالغ و عاقل باشید، و کسی شما را مجبور نکرده باشد، و قصد صلح داشته باشید، و حاکم شرع هم شما را از تصرف در اموالتان جلوگیری نکرده باشد.

مسئله‌ی ۲۱۶۲: صیغه‌ی صلح را می‌توانید به هر زبان و لفظی که بفهماند با هم صلح و سازش کرده‌اید، بخوانید.

مسئله‌ی ۲۱۶۳: هر گاه گوسفندهای خود را به چوپان بدهید که مثلاً یک سال نگهداری کند و از شیر آن استفاده نماید و مقداری روغن بدهد، چنانچه شیر گوسفند را در مقابل زحمتهای چوپان و آن روغن صلح کنید و قرار نگذارید که روغن، حاصل از خود آن شیر باشد، صلح را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۶۴: هر گاه بخواهید طلب یا حق خود را به دیگری صلح کنید، در صورتی صحیح بدانید که او قبول نماید. ولی اگر بخواهید از طلب یا حق خود بدون صلح بگذرید، قبول کردن او را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۱۶۵: هر گاه مقدار بدهی خود را بدانید ولی طلبکارتان نداند، چنانچه طلبکار حاضر باشد طلب خود را به کمتر از مقداری که هست صلح کند، باید مقدار واقعی بدهی خود را به او بگویید. مثلاً اگر از شما پنجاه هزار تومان طلبکار باشد و حاضر باشد طلب خود را به ده هزار تومان صلح نماید، باید مبلغ واقعی را به او بگویید، آنگاه به هر مبلغی که راضی شد، صلح نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۶۶: هر گاه بخواهید دو چیزی را که از یک جنس، و وزن آنها معلوم است به یکدیگر صلح کنید، نباید وزن یکی بیشتر از دیگری باشد، بلکه اگر وزن آنها معلوم نباشد و احتمال دهید که وزن یکی بیشتر از دیگری است، نباید صلح کنید.

مسئله‌ی ۲۱۶۷: هر گاه دو نفر از یک نفر طلبکار باشید، یا دو نفر از دو نفر دیگر طلبکار باشید و بخواهید طلبهای خود را به یکدیگر صلح کنید، چنانچه طلب شما از یک جنس، و وزن آنها یکی باشد، مثلاً هر دو، ده کیلو گندم

طلبکار باشید، مصالحه‌تان را صحیح بدانید، و همچنین است اگر جنس طلب شما یکی نباشد، مثلاً یکی ده کیلو برنج و دیگری دوازده کیلو گندم طلبکار باشد، ولی اگر طلب شما از یک جنس و چیزی باشد که معمولاً با وزن یا پیمانه آن را معامله می‌کنند، در صورتی که وزن یا پیمانه‌ی آنها مساوی نباشد، مصالحه‌تان را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۱۶۸: هر گاه از کسی طلبی داشته باشید که باید بعد از مدتی بگیرید، چنانچه مقصودتان این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کنید و بقیه را نقد بگیرید، می‌توانید طلب خود را به مقدار کمتری صلح کنید.

مسئله‌ی ۲۱۶۹: هر گاه چیزی را با شخصی صلح کنید، با رضایت یکدیگر می‌توانید صلح را به هم بزنید، و نیز اگر در ضمن معامله برای هر دو یا یکی از دو طرف معامله، حق به هم زدن معامله را قرار داده باشید، کسی که آن حق را دارد، می‌تواند صلح را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۱۷۰: در سه صورت از هشت صورتی که می‌توان معامله را به هم زد و در احکام خرید و فروش گفته شد، نباید صلح را به هم بزنید:

اول: در معامله می‌توانستید تا وقتی خریدار و فروشنده از مجلس معامله متفرق نشده‌اید، معامله را به هم بزنید، ولی در صلح نباید چنین کنید.

دوم: در معامله اگر مشتری، حیوانی را می‌خرید، تا سه روز حق به هم زدن معامله را داشت، ولی در صلح، نباید چنین کنید.

سوم: در معامله اگر پول جنسی را که نقد خریده‌اید تا سه روز ندهید و جنس را تحویل نگیرید، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند، ولی در صلح نباید چنین کنید.

مسئله‌ی ۲۱۷۱: هر گاه چیزی را که به صلح گرفته‌اید، معیوب باشد، می‌توانید

صلح را به هم بزنید، ولی نباید تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرید.
مسئله‌ی ۲۱۷۲: هر گاه شخصی مال خود را به شما صلح نماید با این شرط که اگر بعد از مرگش وارثی نداشته باشد، باید چیزی را که به شما صلح کرده است را وقف کنید، اگر این شرط را قبول کنید، باید با اجازه‌ی حاکم شرع به آن شرط عمل نمایید.

احکام اجاره

مسئله‌ی ۲۱۷۳: چه اجاره بدهید و چه اجاره کنید، باید مکلف و عاقل باشید و به اختیار خودتان اجاره را انجام دهید، و نیز باید در مال خود حق تصرف داشته باشید، پس نباید از سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، و کسی که از تصرف در مالش به حکم حاکم شرع ممنوع شده، اجاره کنید و نباید به او اجاره دهید.

مسئله‌ی ۲۱۷۴: می‌توانید از طرف دیگری وکیل شوید و مال او را اجاره دهید یا مالی را برایش اجاره کنید.

مسئله‌ی ۲۱۷۵: هر گاه سرپرست یا قیم کودکی باشید، می‌تواند مال او را اجاره دهید، یا خود او را اجیر دیگری نمایید، ولی نباید مدت اجاره را بیش از زمان بالغ شدن کودک قرار دهید.

مسئله‌ی ۲۱۷۶: نباید کودک صغیری که سرپرست ندارد را بدون اجازه‌ی مجتهد اجیر کنید، ولی اگر به مجتهد دسترسی ندارید، می‌توانید از چند نفر مؤمن که عادل باشند اجازه بگیرید، به شرط آن که اجیر گرفتن کودک نابالغ به مصلحت او بوده و ترک آن، دارای مفسده برای بچه‌ی نابالغ باشد.

مسئله‌ی ۲۱۷۷: خواندن صیغه‌ی عربی برای اجاره را لازم ندانید، بلکه اگر مالک به کسی بگوید: «ملک خود را به تو اجاره دادم» و او بگوید: «قبول کردم»، اجاره را صحیح بدانید، و نیز اگر حرفی نزنند و مالک به قصد این که ملک را اجاره دهد، آن را به مستأجر واگذار کند و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد، اجاره را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۷۸: هر گاه بدون صیغه خواندن بخواهید برای انجام عملی اجیر شوید، همین که با رضایت طرف معامله، مشغول آن عمل شوید، اجاره را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۷۹: کسی که نمی‌تواند حرف بزند، می‌تواند با اشاره بفهماند که ملک را اجاره داده یا اجاره کرده است.

مسئله‌ی ۲۱۸۰: هر گاه مکانی مانند خانه، مغازه یا اتاق را اجاره کنید و صاحب ملک با شما شرط کند که فقط خودتان از آن استفاده نمایید، نباید آن را به دیگری اجاره دهید، و اگر شرط نکند، می‌توانید با اجازه‌ی مالک، آن را به دیگری اجاره دهید، ولی اگر بخواهید به زیادتر از مقداری که اجاره کرده اید، اجاره دهید، باید در آن، کاری مانند تعمیر و سفیدکاری انجام داده باشید، خواه به غیر جنسی که اجاره کرده‌اید، اجاره دهید یا به همان جنس.

مسئله‌ی ۲۱۸۱: اگر اجیر با شما شرط کند که فقط برای خودتان کار کند، نباید او را به دیگری اجاره دهید. و اگر شرط نکند، نباید به زیادتر از آنچه که او را اجاره کرده‌اید، اجاره بدهید، خواه به همان جنس اجاره دهید یا به غیر جنسی که اجاره کرده‌اید.

مسئله‌ی ۲۱۸۲: اگر غیر خانه، دکان، اتاق، اجیر، زمین، کشتی و آسیاب، چیز دیگری را اجاره کنید و مالک با شما شرط نکرده باشد که فقط خودتان از آن

استفاده کنید، می‌توانید بعد از این که کار ارزشمندی در آن انجام داده باشید، به بیشتر از مقداری که اجاره کرده‌اید، اجاره دهید. مسأله‌ی ۲۱۸۳: هر گاه خانه یا مغازه‌ای را مثلاً یک ساله به صد هزار تومان اجاره کنید و از نصف آن خودتان استفاده نمایید، می‌توانید نصف دیگر آن را به صد هزار تومان اجاره دهید، ولی اگر بخواهید نصف آن را به زیاده‌تر از مقداری که اجاره کرده‌اید، مثلاً به صد و بیست هزار تومان اجاره دهید، باید در آن، کاری مانند تعمیر انجام داده باشید.

شرایط مالی که آن را اجاره می‌دهید

مسأله‌ی ۲۱۸۴: مالی که اجاره می‌دهید، باید دارای چند شرط باشد: اول: آن که معین باشد، پس نباید بگویید: «یکی از خانه‌های خود را اجاره دادم». دوم: مستأجر آن را ببیند یا کسی که آن را اجاره می‌دهد طوری خصوصیات آن را بگوید که کاملاً معلوم باشد. سوم: تحویل دادن آن ممکن باشد، پس اجاره دادن اسبی که فرار کرده را باطل بشمارید. چهارم: آن که مال به واسطه‌ی استفاده کردن از بین نرود، پس اجاره دادن نان و میوه و خوردنی‌های دیگر را صحیح ندانید. پنجم: استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره داده‌اید ممکن باشد، پس اجاره دادن زمین برای زراعت در صورتی که آب باران کفایت آن را نکند و از آب نهر هم آبیاری نشود را صحیح ندانید. ششم: چیزی را که اجاره می‌دهید مال خودتان باشد و اگر مال کس دیگری را اجاره دهید، در صورتی صحیح بدانید که صاحبش رضایت دهد.

مسئله‌ی ۲۱۸۵: درخت را برای استفاده از میوه‌اش اجاره ندهید بلکه مصالحه کنید.

مسئله‌ی ۲۱۸۶: منہاجیات می‌توانند برای آن‌که از شیرشان استفاده شود، اجیر شوند و بهتر است از شوهرشان اجازه بگیرند، ولی اگر به واسطه‌ی شیر دادن، حق شوهرشان از بین برود، نباید بدون اجازه‌ی او اجیر شوند.

شرایط استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهید

مسئله‌ی ۲۱۸۷: باید استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهید، چهار شرط داشته باشد:

اول: آن‌که حلال باشد، بنابر این اجاره دادن دکان برای شراب‌فروشی یا نگهداری شراب و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل شراب را باطل بشمارید.

دوم: پول دادن برای آن استفاده در نظر مردم، بیهوده نباشد.

سوم: اگر چیزی را که اجاره می‌دهید چند استفاده دارد، استفاده‌ای را که مستأجر باید از آن برد معین نمایید، مثلاً اگر حیوانی را که سواری می‌دهد و بار می‌برد اجاره دهید، باید در موقع اجاره معین کنید که سواری یا باربری آن، مال مستأجر است یا همه‌ی استفاده‌های آن.

چهارم: مدت استفاده را معین نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۸۸: هر گاه ابتدای مدت اجاره را معین نکنید، ابتدای آن را بعد از خواندن صیغه‌ی اجاره بدانید.

مسئله‌ی ۲۱۸۹: هر گاه خانه‌ای را مثلاً یک ساله اجاره دهید و ابتدای آن را یک ماه بعد از خواندن صیغه قرار دهید، اجاره را صحیح بدانید، اگر چه موقعی که صیغه می‌خوانید خانه در اجاره‌ی دیگری باشد.

مسئله‌ی ۲۱۹۰: اگر مدت اجاره را معلوم نکنید و بگویید: «هر وقت در خانه نشستی، اجاره‌ی آن ماهی صد هزار تومان است»، اجاره را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۱۹۱: هر گاه ابتدای اجاره را معین کنید ولی انتهای آن را مشخص نکنید، مثل این که به مستأجر بگویید: «خانه را یک ماهه به صد هزار تومان به تو اجاره دادم و بعد از آن هم هر قدر بنشینی اجاره‌ی آن، ماهی صد هزار تومان است»، یا نه ابتدا و نه انتهای اجاره را معین نکنید، مثلاً بگویید: «هر ماهی صد هزار تومان»، اجاره حتی برای ماه اول را هم باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۱۹۲: خانه‌ای که مسافران و زائران در آن منزل می‌کنند و معلوم نیست چقدر در آن می‌مانند، اگر قرار بگذارید که مثلاً شبی بیست هزار تومان بدهید و صاحب خانه راضی شود، می‌توانید از آن خانه استفاده کنید، ولی چون مدت اجاره را معلوم نکرده‌اید، اجاره را صحیح ندانید و صاحب خانه هر وقت بخواهد می‌تواند شما را بیرون کند.

مسائل متفرقه‌ی اجاره

مسئله‌ی ۲۱۹۳: مالی که مستأجر بابت اجاره می‌دهد باید معلوم باشد، پس اگر از چیزهایی است که مثل گندم با وزن معامله می‌کنند، باید وزن آن را معلوم کنید، و اگر از چیزهایی است که مثل تخم مرغ با شماره معامله می‌کنید، باید شماره‌ی آن را معین کنید، و اگر مثل اسب و گوسفند است، باید اجاره‌دهنده آن را ببیند یا مستأجر، خصوصیات آن را به او بگوید.

مسئله‌ی ۲۱۹۴: هر گاه زمینی را برای زراعت جو یا گندم اجاره دهید، نباید اجاره را جو یا گندم همان زمین قرار دهید.

مسئله‌ی ۲۱۹۵: هر گاه چیزی را اجاره بدهید، تا آن چیز را تحویل نداده‌اید نباید اجاره‌ی آن را مطالبه کنید، و نیز اگر برای انجام عملی اجیر شده باشید،

نباید پیش از انجام عمل، مطالبه‌ی اجرت کنید، مگر آن‌که شرط کرده باشید یا معمول باشد که قبل از عمل، اجرت را بدهند، مثل کسی که برای نماز و روزه و حج اجیر می‌شود.

مسئله‌ی ۲۱۹۶: هرگاه چیزی را اجاره کرده و تحویل بگیرید، هر چند تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکنید، باید اجاره‌ی آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۱۹۷: هرگاه کسی را اجیر کنید که در روز معینی کاری را انجام دهد و در آن روز برای انجام آن کار حاضر شود، اگر چه کاری برای انجام دادن به او ندهید، باید اجرتش را بپردازید، مثلاً اگر خیاطی را در روز معینی برای دوختن لباستان اجیر نمایید و خیاط در آن روز آماده‌ی کار باشد، اگر چه پارچه را به او ندهید که بدوزد، باید اجرتش را بدهید، چه خیاط بیکار باشد، چه برای خودش یا دیگری کار کند.

مسئله‌ی ۲۱۹۸: هرگاه مستأجر باشید و بعد از تمام شدن مدت اجاره معلوم شود که اجاره باطل بوده، باید اجاره را با صاحب ملک مصالحه کنید و رضایتش را جلب نمایید.

مسئله‌ی ۲۱۹۹: هرگاه چیزی را که اجاره کرده‌اید از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و در استفاده بردن از آن هم زیاده‌روی ننموده باشید، خود را از لحاظ شرعی ضامن ندانید، گر چه شاید از لحاظ قانونی مجبور به جبران شوید، و نیز اگر مثلاً پارچه‌ای که به خیاط داده‌اید از بین برود، در صورتی که خیاط بر خلاف دستورناتان عمل نکرده و در نگهداری آن هم کوتاهی نکرده باشد، نباید عوض آن را بگیرید، هر چند قانون، او را مجبور به پرداخت خسارت نماید.

مسئله‌ی ۲۲۰۰: هرگاه صنعتگر باشید و چیزی را که گرفته‌اید ضایع کنید، باید

جبران نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۰۱: هر گاه سر حیوانی را ببرید و آن را حرام کنید، چه مزد گرفته باشید و چه مجانی سر بریده باشید، باید قیمت آن را به صاحبش بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۰۲: اگر حیوانی را اجاره کنید و معین نمایید که چقدر بار بر آن بگذارید، چنانچه بیشتر از آن مقدار بار کنید و آن حیوان بمیرد یا معیوب شود، باید جبران کنید و نیز اگر مقدار بار را معین نکرده باشید و بیشتر از معمول بار کنید و حیوان تلف شود یا معیوب گردد، باید جبران کنید. و در هر دو صورت، اجرت زیادی بار را بر حسب معمول، بپردازید.

مسئله‌ی ۲۲۰۳: اگر حیوانی را برای بردن بار شکستنی اجاره کنید، چنانچه آن حیوان بلغزد یا رَم کند و بار را بشکند، صاحب حیوان را ضامن ندانید، ولی اگر حیوانی را برای بردن بار شکستنی اجاره دهید و به واسطه‌ی زدن و مانند آن، کاری کنید که حیوان، زمین بخورد و بار را بشکند، باید جبران نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۰۴: هر گاه بچه‌ای را ختنه کنید و ضرری به آن بچه برسد یا بمیرد، باید جبران کنید.

مسئله‌ی ۲۲۰۵: هر گاه پزشک باشید و در معالجه خطا کنید و به مریض، ضرری برسد یا بمیرد، باید جبران کنید.

مسئله‌ی ۲۲۰۶: هرگاه پزشک باشید، باید قبل از طبابت، به مریض یا ولی او بگویید که اگر ضرری به مریض برسد، ضامن نیستید و با این شرط، طبابت کنید. پس اگر چنین شرطی کردید و دقت و احتیاط خود را به کار بردید و به مریض ضرری برسد یا بمیرد، خود را ضامن شرعی ندانید، گر چه شاید از لحاظ قانونی مجبور به جبران باشید.

مسئله‌ی ۲۲۰۷: چه مستأجر باشید و چه اجاره‌دهند، می‌توانید با رضایت

یکدیگر، معامله را به هم بزنید و نیز اگر در اجاره شرط کنید که هر دو، یا یکی از شما حق به هم زدن معامله را داشته باشد، می‌توانید مطابق قرارداد، اجاره را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۲۰۸: چه مستأجر باشید و چه اجاره‌دهند، هر گاه بفهمید که مغبون شده‌اید، چنانچه در موقع خواندن صیغه ملتفت نباشید که مغبون هستید، می‌توانید اجاره را به هم بزنید، ولی اگر در صیغه‌ی اجاره شرط کرده باشید که اگر مغبون هم باشید حق به هم زدن معامله را نداشته باشید، نباید اجاره را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۲۰۹: اگر چیزی را اجاره دهید و پیش از آن که تحویل دهید، کسی آن را غصب نماید، مستأجر می‌تواند اجاره را به هم بزند و چیزی را که به عنوان اجاره داده را پس بگیرد، یا اجاره را به هم نزند و اجاره‌ی مدتی که در تصرف غصب‌کننده بوده را به میزان معمول از غاصب بگیرد.

مسئله‌ی ۲۲۱۰: اگر چیزی را که اجاره کرده‌اید، تحویل بگیرید و بعد، شخص دیگری آن را غصب کند، نباید اجاره را به هم بزنید و فقط حق دارید کرایه‌ی آن چیز را به مقدار معمول از غصب‌کننده بگیرید.

مسئله‌ی ۲۲۱۱: هر گاه پیش از آن که مدت اجاره تمام شود، ملک را به مستأجر بفروشید، باید در باره‌ی مدتی که باقی مانده، با مستأجر مصالحه نمایید، ولی اگر آن را به دیگری بفروشید، اجاره را باقی به حال خود بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۱۲: اگر پیش از ابتدای مدت اجاره، ملک به طوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد یا قابل استفاده‌ای که شرط کرده‌اید نباشد، اجاره را باطل بدانید و پولی که از مستأجر گرفته‌اید را به او برگردانید.

مسئله‌ی ۲۲۱۳: هر گاه ملکی را اجاره کنید و بعد از گذشتن مقداری از مدت

اجاره، به طوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد یا قابل استفاده‌ای که شرط کرده‌اید نباشد، می‌توانید باقیمانده‌ی مدت اجاره را با صاحب ملک مصالحه کنید.

مسئله‌ی ۲۲۱۴: هر گاه خانه‌ای که مثلاً دو اتاق دارد را اجاره دهید و یک اتاق آن خراب شود، چنانچه مستأجر تقاضا کند، اجاره‌ی باقیمانده را به هم بزنید. و اگر تقاضا نکرد، در تعمیر و بازگرداندن استفاده‌ی مال اجاره داده شده به مستأجر، بکشید.

مسئله‌ی ۲۲۱۵: هر گاه اجاره‌دهنده یا مستأجر بمیرد، اجاره را باطل نشمارید مگر این که شرط شده باشد که خود مستأجر از آن استفاده کند که در این صورت، با مردن مستأجر، اجاره را باطل بدانید. همچنین اگر خانه، مال اجاره دهنده نباشد، مثلاً دیگری وصیت کرده باشد که تا او زنده است منفعت خانه مال او باشد، چنانچه آن خانه را اجاره دهد و پیش از تمام شدن مدت اجاره بمیرد، از وقتی که مرده، اجاره را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۲۱۶: هر گاه بئاً باشید و صاحب کار، شما را وکیل کند که برای او کارگر بگیرید، نباید کمتر از مقداری که از صاحب کار می‌گیرید، به کارگر بدهید، و اگر چنین کنید، باید آن را به صاحب کار برگردانید، همچنین هر گاه اجیر شوید که ساختمان را تمام کنید و برای خود اختیار بگذارید که خودتان بسازید یا به دیگری بدهید، نباید به کمتر از مقداری که اجیر شده‌اید به دیگری واگذار کنید.

مسئله‌ی ۲۲۱۷: هر گاه رنگرز باشید و صاحب پارچه قرار بگذارد که مثلاً پارچه را با نیل رنگ کنید، چنانچه با رنگ دیگر رنگ نمایید، نباید چیزی بگیرید.

احکام جُعَاله

مسأله‌ی ۲۲۱۸: هر گاه قرار بگذارید در مقابل کاری که دیگران برایتان انجام می‌دهند، مال معینی بدهید، این را «جُعَاله» بدانید، مثل این که بگویید: «هر کس گمشده‌ی مرا پیدا کند، صد هزار تومان به او می‌دهم». پس به کسی که این قرار را می‌گذارد «جاعل» و به کسی که کار را انجام می‌دهد «عامل» بگویید. و فرق بین جعاله و این که کسی را برای کاری اجیر کنید این است که در اجاره، بعد از خواندن صیغه، اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی هم که او را اجیر کرده، باید خود را به اندازه‌ی اجرتش به او بدهکار بداند، ولی در جعاله، عامل می‌تواند مشغول عمل نشود و تا عمل را انجام ندهد، جاعل خودش را بدهکار نداند.

مسأله‌ی ۲۲۱۹: وقتی می‌توانید جعاله بگذارید که بالغ و عاقل باشید و از روی قصد و اختیار قرارداد کنید و شرعاً بتوانید در مال خود تصرف نمایید، بنابر این جعاله‌ی آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند و جعاله‌ی مجبور نسبت به اموالی که شرعاً از تصرف در آنها ممنوع است و جعاله‌ی ورشکسته‌ای که حاکم شرع، حکم افلاس او را صادر کرده است را صحیح ندانید.

مسأله‌ی ۲۲۲۰: جعاله را در سه کار، صحیح ندانید:

اول: کارهای حرام، مثل این که برای خوردن شراب، مبلغی را معین کرده باشند.

دوم: کارهای بی‌فایده که غرض عقلایی به آن تعلق نگرفته باشد. مثل این که

برای رفتن در شب به جای تاریک یا قبرستان، مبلغی را معین کرده باشند. سوم: کارهای واجب که شرعاً واجب است مجانی انجام شود. مثل این که برای خواندن نمازهای یومیه، مبلغی را معین کرده باشند.

مسئله‌ی ۲۲۲۱: هر گاه مالی را قرار می‌گذارید، یا باید برای عامل، شناخته‌شده باشد یا باید خصوصیات آن را کاملاً معین نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۲۲: هر گاه مزد معینی برای کاری قرار ندهید، مثلاً بگویید: «هر کس بچه‌ی مرا پیدا کنید، پولی به او می‌دهم» و مقدار آن را معین نکنید، چنانچه کسی آن عمل را انجام دهد، باید مزد او را به مقداری که کار او در نظر مردم ارزش دارد، بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۲۳: هر گاه پیش از قرارداد، کار را انجام دهید یا بعد از قرارداد به قصد این که پول نگیرید انجام دهید، حقی برای خود قائل نشوید.

مسئله‌ی ۲۲۲۴: جاعل می‌تواند پیش از آن که عامل شروع به کار کند، جعاله را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۲۲۵: هر گاه بخواهید بعد از آن که عامل شروع به کار کرد، جعاله را به هم بزنید، باید با او در مورد مزدش مصالحه کنید.

مسئله‌ی ۲۲۲۶: هر گاه عامل باشید، در صورتی می‌توانید عمل را ناتمام بگذارید که تمام کردن عمل، اسباب ضرر به جاعل نباشد، ولی اگر موجب ضرر باشد، باید کار را تمام کنید، پس اگر مثلاً کسی بگوید: «هر کس چشم مرا عمل کند، فلان مقدار به او می‌دهم» اگر پزشک جراح باشید و شروع به عمل کنید، چنانچه طوری باشد که اگر عمل را تمام نکنید، چشم جاعل، معیوب می‌شود، باید آن را تمام نمایید و در صورتی که ناتمام بگذارید، نباید حقی از جاعل طلب کنید و اگر عیبی حاصل شود، باید جبران کنید.

مسئله‌ی ۲۲۲۷: هر گاه عامل باشید و کار را ناتمام بگذارید، چنانچه آن کار مثل پیدا کردن اسب است که تا تمام نشود، برای جاعل فایده ندارد، نباید چیزی مطالبه کنید و همچنین است اگر جاعل، مزد را برای تمام کردن عمل قرار بگذارد، مثلاً بگوید: «هر کس لباس مرا بدوزد، ده هزار تومان به او می‌دهم». ولی اگر مقصود جاعل این باشد که هر مقدار از عمل که انجام گیرد، برای آن مقدار مزد بدهد، باید به طور مصالحه، یکدیگر را راضی نمایید.

احکام مزارعه

مسئله‌ی ۲۲۲۸: مزارعه را آن بدانید که مالک زمین با کشاورز به این قسم معامله کند که زمین را در اختیار او بگذارد تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به مالک بدهد.

مسئله‌ی ۲۲۲۹: در مزارعه، چند شرط را مراعات کنید:

اول: آن‌که صیغه‌ی مزارعه بخوانید به این صورت که صاحب زمین به زارع بگوید: «زمین را به تو واگذار کردم» و زارع هم بگوید: «قبول کردم».

دوم: آن‌که مالک و زارع هر دو مکلف و عاقل باشید و با قصد و اختیار خود مزارعه را انجام دهید، و سفیه نباشید، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنید، و اگر مزارعه مستلزم تصرف در مال باشد، محجور نباشید.

سوم: آن‌که مالک و زارع از تمام حاصل زمین ببرید، و طوری نباشد که همه‌ی حاصل زمین به یکی اختصاص داده شود.

چهارم: آن‌که سهم هر کدام به درصد باشد، مثل نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها، و باید تعیین شده باشد. پس نباید مثلاً قرارداد کنید که حاصل یک

قطعه، مال یکی و حاصل قطعه‌ی دیگر مال دیگری باشد. و نیز نباید مالک بگوید: «در این زمین زراعت کن و هر چه می‌خواهی به من بده».

پنجم: آن که مدتی که زمین باید در اختیار زارع باشد را معین کنید، و باید مدت، به قدری باشد که در آن مدت، به دست آمدن حاصل ممکن باشد.

ششم: آن که زمین قابل زراعت باشد. و اگر زراعت در آن ممکن نباشد اما بتوانید کاری کنید که زراعت ممکن شود، مزارعه را صحیح بدانید.

هفتم: آن که زراعتی را که می‌خواهید انجام دهید، معین نمایید.

هشتم: مالک، زمین را معین کند. پس کسی که چند قطعه زمین دارد و با هم تفاوت دارند، اگر به زارع بگوید: «در یکی از این زمین‌ها زراعت کن»، و آن را معین نکند، مزارعه را باطل بدانید.

نهم: خرجی را که هر کدامتان باید انجام دهید را معین نمایید، مگر این که خرجی را که هر کدام باید کنید معلوم باشد.

مسئله‌ی ۲۲۳۰: نباید مالک یا زارع شرط کند که مقداری از حاصل برای او باشد و بقیه را بین خودتان قسمت کنید، هر چند بدانید که بعد از برداشتن آن مقدار، مقداری دیگر هم باقی می‌ماند.

مسئله‌ی ۲۲۳۱: هر گاه مدت مزارعه تمام شود و حاصل به دست نیاید، اگر مالک باشید، رضایت دهید که زراعت، در زمینتان بماند و زارع را وادار نکنید که زراعت را بچیند و حاضر نشوید ضرری به زارع برسد. ولی اگر زارع باشید، چنانچه مالک راضی به ماندن زراعتتان در زمین نباشد، باید زراعتتان را جمع کنید.

مسئله‌ی ۲۲۳۲: هر گاه به واسطه‌ی پیشامدی، زراعت در زمین ممکن نباشد، مثلاً آب از زمین قطع شود، مزارعه را به هم خورده بدانید، ولی اگر

زارع باشید و بدون عذر زراعت نکنید، چنانچه زمین در تصرفتان بوده و مالک در آن تصرفی نداشته، باید اجاره‌ی آن مدت را به مقدار معمول به مالک بدهید. و در صورتی که مقداری از زراعت به دست آمده باشد، حتی مثل علف که می‌توان به حیوانات داد، باید آن مقدار را مطابق قرارداد، بین خود تقسیم کنید.

مسئله‌ی ۲۲۳۳: هر گاه مالک و زارع، صیغه‌ی مزارعه خوانده باشید، نباید بدون رضایت یکدیگر، مزارعه را به هم بزنید و همچنین هر گاه مالک باشید و به قصد مزارعه، زمین را به کسی واگذار کنید، بعد از آن که او مشغول عمل شد، نباید بدون رضایتش معامله را به هم بزنید. ولی اگر در ضمن خواندن صیغه‌ی مزارعه شرط کرده باشید که هر دو یا یکی از شما حق به هم زدن معامله را داشته باشد، می‌توانید مطابق قراری که گذاشته‌اید، معامله را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۲۳۴: هر گاه بعد از قرارداد مزارعه، مالک یا زارع بمیرد، مزارعه را به هم خورده ندانید، بلکه ورثه‌شان به جای آنان باشند. ولی اگر زارع بمیرد و شرط کرده باشید که خود زارع، زراعت را انجام دهد، مزارعه را به هم خورده بدانید و چنانچه زراعت، نمایان شده باشد، باید سهم او را به ورثه‌اش بدهید و حقوق دیگری هم که زارع داشته، ورثه‌ی او ارث می‌برند. و اگر مالک یا ورثه‌ی مالک هستید، نباید زارع یا ورثه‌اش را مجبور به جمع کردن محصول کنید و نباید راضی به ضررشان شوید، ولی اگر زارع یا ورثه‌ی زارع هستید، باید با مالک یا ورثه‌اش برای ماندن محصول در زمین، مصالحه کنید.

مسئله‌ی ۲۲۳۵: هر گاه بعد از زراعت بفهمید که مزارعه باطل بوده است، اگر مالک باشید باید در مخارجی که کرده‌اید، و همچنین درآمد حاصله، با زارع

مصالحه کنید.

مسئله‌ی ۲۲۳۶: هر گاه بعد از زراعت بفهمید که مزارعه باطل بوده است، اگر زارع باشید باید در مخارجی که کرده‌اید، و همچنین درآمد حاصله، با مالک مصالحه کنید.

مسئله‌ی ۲۲۳۷: هر گاه بعد از جمع کردن حاصل و تمام شدن مدت مزارعه، ریشه‌ی زراعت در زمین بماند و سال بعد، دو مرتبه حاصل دهد، صاحب زمین و صاحب بذر، با یکدیگر مصالحه کنید. ولی اگر زارع باشید و مالک زمین، صاحب بذر نیز باشد، از محصول سال دوم از او مطالبه نکنید.

احکام مساقات

مسئله‌ی ۲۲۳۸: هر گاه درخت‌های میوه‌تان یا درخت‌هایی که منافع آن برایتان است یا درخت‌هایی که اختیارش با شماست را تا مدت معینی به کسی واگذار کنید که تربیت نماید و آب دهد و به مقداری که قرار می‌گذارید، از میوه‌ی آن بردارد، این معامله را مساقات گویند.

مسئله‌ی ۲۲۳۹: معامله‌ی مساقات را در درخت‌هایی که میوه ندارد، مثل بید و چنار، صحیح ندانید ولی در مثل درخت حنا که از برگ آن می‌توان استفاده کرد یا درختی که از گل آن می‌توان استفاده کرد، صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۴۰: بهتر است در معامله‌ی مساقات، صیغه بخوانید ولی اگر صاحب درخت به قصد مساقات آن را واگذار کند و کسی که کار می‌کند به همین قصد مشغول کار شود، معامله را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۴۱: چه مالک باشید و چه کسی که تربیت درخت‌ها را به عهده

می‌گیرد، باید مکلف و عاقل باشید و کسی شما را مجبور نکرده باشد و نیز نباید سفیه باشید، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنید و نیز باید مالک از تصرف در مالش به حکم حاکم شرع ممنوع نباشد.

مسئله‌ی ۲۲۴۲: مدت مساقات را باید معلوم کنید و اگر اول آن را معین کنید و آخر آن را موقعی قرار دهید که میوه‌ی آن سال به دست می‌آید و به حسب عادت، آن موقع معلوم باشد، مساقات را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۴۳: باید سهم هر کدام از حاصل، به درصد باشد، مثل نصف یا یک‌سوم و مانند اینها، پس نمی‌توانید قرار بگذارید که مقدار مشخصی، مثلاً صد کیلو از میوه‌ها مال مالک، و بقیه مال کسی باشد که کار می‌کند.

مسئله‌ی ۲۲۴۴: باید قرار معامله‌ی مساقات را پیش از ظاهر شدن میوه بگذارید.

مسئله‌ی ۲۲۴۵: معامله‌ی مساقات را در میوه‌های بوته‌ای مانند خربزه و خیار، صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۲۴۶: معامله‌ی مساقات را در باره‌ی درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده می‌کند و به آبیاری احتیاج ندارد، اگر چه به کارهای دیگر مانند بیل زدن و کود دادن برای زیاد شدن میوه محتاج باشد، انجام ندهید.

مسئله‌ی ۲۲۴۷: دو نفری که مساقات کرده‌اید با رضایت یکدیگر می‌توانید معامله را به هم بزنید و نیز اگر در ضمن خواندن صیغه‌ی مساقات شرط کنید که هر دو یا یکی از شما حق به هم زدن معامله را داشته باشد، می‌توانید مساقات را مطابق قراری که گذاشته‌اید به هم بزنید، بلکه اگر در معامله شرط کنید و عملی نشود، کسی که برای نفع او شرط شده، می‌تواند

معامله را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۲۴۸: هر گاه مالک بمیرد، معامله‌ی مساقات را به هم خورده ندانید بلکه ورثه‌اش را به جای او قرار دهید.

مسئله‌ی ۲۲۴۹: هر گاه کسی که تربیت درخت‌ها را به او واگذار کرده‌اید بمیرد، معامله‌ی مساقات را باطل شده ندانید، پس اگر در عقد شرط نکرده باشید که خودش آنها را تربیت کند، ورثه‌اش می‌توانند به جای او عمل کنند. و چنانچه خودشان عمل را انجام ندهند و اجیر هم نگیرند، می‌توانید از حاکم شرع بخواهید تا از مال میت اجیر بگیرد و حاصل را بین شما و ورثه‌ی تربیت‌کننده قسمت کند. و اگر شرط کرده باشید که خود او درخت‌ها را تربیت نماید، با مردن او می‌توانید معامله را فسخ کنید یا راضی شوید که ورثه‌ی او یا کسانی که آنها اجیر می‌کنند، درخت‌ها را تربیت نمایند.

مسئله‌ی ۲۲۵۰: هر گاه شرط کنید که تمام حاصل برای مالک باشد، مساقات را باطل بشمارید، ولی اگر مالک هستید و چنین قراردادی انجام داده‌اید، باید در مزد آبیاری و کارهای دیگر، با کسی که درخت‌ها را تربیت کرده، مصالحه نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۵۱: هر گاه زمینی را به دیگری واگذار کنید که در آن درخت بکارد و آنچه عمل می‌آید برای هر دو باشد، معامله را باطل بشمارید. ولی اگر چنین کردید، اگر درخت‌ها مال خودتان بوده، بعد از تربیت هم مال خودتان بدانید ولی باید مزد کسی که آنها را تربیت کرده را بدهید. اما اگر مال کسی بوده که آنها را تربیت کرده، بعد از تربیت هم مال او بدانید و در ماندن یا کندن درختان، با یکدیگر مصالحه نمایید.

کسانی که نباید در مال خود تصرف کنند

مسئله‌ی ۲۲۵۲: با بچه‌ای که بالغ نشده، طرف معامله‌ی اقتصادی (مانند: خرید، فروش، مضاربه، اجاره، قرض، مساقات و مزارعه) نشوید. و نشانه‌ی بالغ شدن را یکی از این سه چیز بدانید:

اول: روییدن موی درشت زیر شکم و بالای عورت.

دوم: بیرون آمدن منی.

سوم: تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و تمام شدن نه سال قمری در زن.

مسئله‌ی ۲۲۵۳: روییدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها را نشانه‌ی بالغ شدن ندانید، مگر این که به واسطه‌ی اینها به بالغ شدن یقین کنید.

مسئله‌ی ۲۲۵۴: نباید با دیوانه و سفیه یعنی کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند و کسی که به واسطه‌ی افلاس، حاکم شرع او را از تصرف در مالش منع کرده است، طرف معامله‌ی اقتصادی (مانند: خرید، فروش، مضاربه، اجاره، قرض، مساقات و مزارعه) شوید.

مسئله‌ی ۲۲۵۵: کسی که گاهی عاقل و گاهی دیوانه است، تصرفی که موقع دیوانگی در مال خود می‌کند را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۲۵۶: می‌توانید در حال مرضی، حتی مرضی که امیدی به بهبودی از آن ندارید، هر قدر از مال خود را به مصرف خود، خانواده، میهمان و کارهایی که اسراف شمرده نمی‌شود برسانید. ولی در بخشیدن مال به دیگران یا ارزان‌تر فروختن آن، رضایت ورثه را تحصیل کنید و مواظب باشید بیش از یک‌سوم دارایی‌تان نباشد.

احکام وکالت

وکالت را آن بدانید که کاری را که می‌توانید در آن دخالت کنید، به دیگری واگذار نمایید تا از طرف شما انجام دهد، مثلاً کسی را وکیل کنید که خانه‌تان را بفروشد یا زنی را برای شما عقد نماید. پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بی‌هوده مصرف می‌کند، اگر حاکم شرع او را از تصرف منع کرده یا در حالی که بالغ شده سفیه بوده، نباید برای فروش مال خودش، کسی را وکیل نماید.

مسئله‌ی ۲۲۵۷: خواندن صیغه در وکالت را بهتر از نخواندن آن بدانید ولی اگر به دیگری بفهمانید که او را وکیل کرده‌اید و او هم بفهماند قبول نموده، مثلاً مال خود را به کسی بدهید که برایتان بفروشد و او هم مال را بگیرد، وکالت را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۵۸: هر گاه کسی را که در شهر دیگری است وکیل نمایید و برایش وکالتنامه بفرستید و او قبول کند، اگر چه وکالتنامه بعد از مدتی برسد، وکالت را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۵۹: هر گاه موکل باشید یعنی بخواهید شخصی را وکیل کنید، باید وکیل‌تان، بالغ و عاقل باشد. و وکالت کسی را می‌توانید بپذیرید که بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار، اقدام به وکیل کردن شما کند.

مسئله‌ی ۲۲۶۰: نباید برای انجام کاری که نمی‌توانید انجام دهید، یا شرعاً نباید انجام دهید، وکیل شوید مثلاً هر گاه در احرام حج باشید، چون نباید صیغه‌ی ازدواج بخوانید، نباید برای خواندن صیغه‌ی ازدواج از طرف دیگری وکیل شوید.

مسئله‌ی ۲۲۶۱: می‌توانید کسی را برای انجام تمام کارهای خودتان وکیل

کنید، ولی اگر برای کار خاصی وکیل می‌کنید، باید آن کار را مشخص نمایید. مسأله‌ی ۲۲۶۲: هر گاه وکیل باشید و از وکالت عزل شوید، یعنی از کار بر کنار گردید، بعد از آن که خبر برکناری به شما رسید، نباید آن کار را انجام دهید. ولی اگر موکل باشید و وکیلان را عزل کنید، یعنی از کار بر کنارش نمایید، کارهایی که پیش از دریافت خبر برکناری انجام داده را صحیح بدانید.

مسأله‌ی ۲۲۶۳: هر گاه وکیل باشید، می‌توانید از وکالت کناره بگیرید، ولی باید کناره‌گیری‌تان را به اطلاع موکلان برسانید تا ضرری از این ناحیه متوجه او نشود.

مسأله‌ی ۲۲۶۴: هر گاه وکیل باشید، نباید برای انجام کاری که به شما واگذار شده، دیگری را وکیل نمایید، ولی اگر موکل به شما اجازه داده باشد که وکیل بگیرید، به هر طوری که دستور داده است، باید رفتار نمایید. پس اگر گفته باشد: «برای من وکیل بگیر» باید از طرف او وکیل بگیرید و نباید کسی را از طرف خودتان وکیل کنید.

مسأله‌ی ۲۲۶۵: هر گاه با اجازه‌ی موکلان، کسی را از طرف او وکیل کنید، اجازه‌ی عزل آن وکیل را به دست موکلان بدانید به طوری که عزل شدن خود را موجب بر هم خوردن وکالت آن وکیل نشمارید، و نیز اگر بمیرید، وکالت دوم را باطل نشمارند.

مسأله‌ی ۲۲۶۶: هر گاه با اجازه‌ی موکلان، کسی را از طرف خودتان وکیل کنید، هم خودتان و هم موکلان می‌توانید آن وکیل را عزل کنید و در صورتی که عزل شوید، وکالت دومی را باطل بشمارید، و نیز اگر بمیرید، وکالت دوم را باطل بشمارند.

مسئله‌ی ۲۲۶۷: هر گاه چند نفر را برای انجام کاری وکیل می‌کنید، باید مشخص نمایید که هر کدام از آنها می‌تواند به تنهایی در آن کار اقدام کند یا باید با هم انجام دهید. و هر گاه وکیل شده باشید، باید معلوم کنید که به صورت مستقل وکیل شده‌اید یا به همراه دیگر وکلا، پس اگر به صورت مستقل وکیل شده‌اید، مردن بعض وکلا را موجب باطل شدن وکالت خود ندانید، ولی اگر همه با هم وکیل شده‌اید، نباید به تنهایی اقدامی کنید و مردن یکی از وکلا را موجب باطل شدن وکالتان بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۶۸: هر گاه موکل باشید و وکیلان بمیرد یا دیوانه یا بیهوش شود، وکالت را باطل بدانید، و هر گاه وکیل باشید، مردن یا دیوانه یا بیهوش شدن موکلان را موجب باطل شدن وکالت بشمارید. و نیز اگر چیزی را که برای تصرف در آن وکیل شده‌اید از بین برود، مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده‌اید بمیرد، وکالت را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۲۶۹: هر گاه کسی را برای کاری وکیل کنید و چیزی برایش قرار بگذارید، باید بعد از انجام آن کار، چیزی که قرار گذاشته‌اید را به او بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۷۰: هر گاه کسی را که وکیل کرده‌اید، در نگهداری مالی که در اختیار اوست کوتاهی نکند و غیر از تصرفی که به او اجازه داده‌اید، تصرف دیگری در آن ننماید و اتفاقاً آن مال از بین برود، نباید عوض آن را بگیرید.

مسئله‌ی ۲۲۷۱: هر گاه وکیل شوید، نباید در نگهداری مالی که در اختیاران است، کوتاهی کنید، یا غیر از تصرفی که به شما اجازه داده شده، تصرف دیگری در آن بنمایید، ولی اگر چنین کردید و آن مال از بین رفت، باید جبران نمایید. پس اگر لباسی که وکیل شده‌اید تا بفروشید را بپوشید و آن لباس تلف شود، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۷۲: هر گاه وکیل شده باشید و غیر از تصرفی که موکل به شما اجازه داده است، تصرف دیگری در مال بکنید، مثلاً لباسی را که وکیل شده‌اید تا بفروشید را بفروشید، می‌توانید بعداً تصرفی که موکل به آن اجازه داده است را در آن انجام دهید.

احکام قرض

قرض دادن از کارهای نیکویی است که در آیات قرآن و سخنان استادان منهاج (علیهم‌السلام)، به آن زیاد سفارش شده است. از استاد اعظم (صلی الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد، مال او زیاد می‌شود و ملائکه بر او رحمت می‌فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می‌گذرد. و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می‌شود.

مسئله‌ی ۲۲۷۳: بهتر است در قرض، صیغه بخوانید، ولی اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهید و او هم به همین قصد بگیرد، قرض را صحیح بدانید، به شرط این که مقدار آن کاملاً معلوم باشد.

مسئله‌ی ۲۲۷۴: اگر قرضی که داده‌اید، مدت نداشته باشد، هر وقت که بدهکار، بدهی خود را بدهد، باید قبول نمایید. و همچنین است اگر مدت داشته باشد و بدهکار بخواهد پیش از مدت، قرض خود را بدهد. ولی اگر بدهکار هستید، چنانچه طلبکار راضی به گرفتن قرض، پیش از مدت نباشد، پرداخت قرض را تا مدت تعیین شده به تأخیر اندازید.

مسئله‌ی ۲۲۷۵: هر گاه قرضی به کسی بدهید و در صیغه‌ی قرض، برای

پرداخت آن، مدتی قرار دهید، نباید پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را مطالبه نمایید. ولی اگر مدت نگذاشته باشید، هر وقت احساس کردید بدهکار می‌تواند بدهی‌اش را بپردازد، می‌توانید طلب خود را مطالبه نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۷۶: هر گاه بدهکار باشید و طلبکار، طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بتوانید بدهی خود را بدهید، باید فوراً آن را بپردازید و اگر بدون جهت به تأخیر اندازید، خود را گناهکار بدانید.

مسئله‌ی ۲۲۷۷: هر گاه طلبکار باشید و بدهکارتان غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و اثاثیه‌ی منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، نباید طلب خود را از او مطالبه نمایید، بلکه باید تا زمانی که بتواند بدهی خود را بپردازد، صبر کنید.

مسئله‌ی ۲۲۷۸: هر گاه بدهکار باشید و نتوانید بدهی خود را بدهید، چنانچه بتوانید کاسبی کنید، باید کاسبی کنید و بدهی خود را بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۷۹: هر گاه دسترسی به طلبکار خود نداشته باشید، چنانچه امید نداشته باشید که او را پیدا کنید، باید با اجازه‌ی حاکم شرع، طلب او را به فقیر غیر سید بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۸۰: هر گاه مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهی او نباشد، باید مالش را به همین مصرف‌ها برسانید و به وارث او چیزی ندهید.

مسئله‌ی ۲۲۸۱: هر گاه مقداری طلا یا نقره قرض کنید و قیمت آن کم شود، می‌توانید همان مقداری که گرفته‌اید را پس بدهید و بهتر است با طلبکارتان مصالحه نمایید. ولی اگر قیمت آن زیادتر گردد، نباید از آن مقدار که گرفته‌اید، کمتر بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۸۲: هر گاه مالی که قرض کرده‌اید، از بین نرفته باشد و صاحب مال، آن را مطالبه کند، بهتر است همان مال را به او بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۸۳: هر گاه قرض می‌دهید نباید شرط کنید که زیادت‌تر از مقداری که می‌دهید بگیرید، مثلاً نباید پنج کیلو گندم بدهید و شرط کنید که شش کیلو بگیرید، یا ده تخم مرغ بدهید به شرط این که یازده تخم مرغ بگیرید. بلکه نباید قرار بگذارید که بدهکار، کاری برایتان انجام دهد یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد. مثلاً نباید شرط کنید هزار تومانی که قرض کرده را با یک کبریت پس دهد. و نیز نباید با او شرط کنید که چیزی را که قرض می‌گیرد، به طور مخصوص پس دهد، مثلاً نباید مقداری طلای نساخته به او بدهید و شرط کنید که ساخته پس بگیرید. ولی هر گاه چیزی قرض می‌کنید، بهتر است زیادت‌تر از آنچه قرض کرده‌اید پس بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۸۴: همچنان که نباید ربا بدهید، نباید ربا بگیرید و اگر قرض ربایی گرفتید، نباید در آن تصرف کنید و باید فوراً پس بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۸۵: نباید بذر را به طور ربایی قرض بگیرید، ولی اگر چنین کردید و با آن زراعت نمودید، بعد از استغفار، با صاحب بذر در محصول، مصالحه کنید.

مسئله‌ی ۲۲۸۶: هر گاه لباسی را از پولی که بابت قرض ربایی گرفته‌اید یا از پول حلالی که مخلوط با رباست بخرید، نباید در نماز و غیر نماز بیوشید و اگر با آن نماز خوانده‌اید، باید نمازتان را در لباس دیگر، اعاده یا قضا نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۸۷: می‌توانید مقداری پول به تاجر بدهید که در شهر دیگر، از طرف او کمتر بگیرید و این را «صرف برات» می‌گویند.

مسئله‌ی ۲۲۸۸: نباید مقداری پول به کسی بدهید که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد، مثلاً نباید نود هزار تومان بدهید که بعد از ده روز در شهر دیگر، صد هزار تومان بگیرد.

احکام حواله دادن

مسئله‌ی ۲۲۸۹: هر گاه طلبکار خود را حواله دهید که طلب خود را از شخص دیگری بگیرد و طلبکار هم قبول نماید، بعد از آن که حواله درست شد، کسی که به او حواله شده، باید خود را بدهکار بداند، و دیگر طلبکار نباید طلبی که دارد را از بدهکار اولی مطالبه نماید.

مسئله‌ی ۲۲۹۰: بدهکار و طلبکار و کسی که سر او حواله شده، باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز نباید سفیه باشند یعنی نباید مال خود را در کارهای بیهوده مصرف کنند، همچنین نباید محجور (کسی که حاکم شرع او را از تصرف در مالش ممنوع کرده) باشند و نیز اگر حاکم شرع، کسی را به واسطه‌ی ورشکستگی از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد، نباید او را حواله بدهید که طلبش را از دیگری بگیرد و خودش هم نباید به کسی حواله بدهد، ولی می‌تواند سر کسی حواله بدهد که به او بدهکار نیست.

مسئله‌ی ۲۲۹۱: حواله را در صورتی صحیح بدانید که کسی که سر او حواله می‌شود، چه بدهکارتان باشد و چه نباشد، قبول نماید. و نیز اگر بخواهید به کسی که جنسی بدهکار است، جنس دیگری حواله دهید مثلاً به کسی که جو بدهکار است، گندم حواله دهید، تا او قبول نکند، حواله را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۲۹۲: باید موقعی که حواله می‌دهید، بدهکار باشید، پس اگر بخواهید از کسی قرض کنید، تا وقتی از او قرض نکرده‌اید، نباید او را به کسی حواله دهید که آنچه را بعداً به شما قرض می‌دهد، از آن کس بگیرد.

مسئله‌ی ۲۲۹۳: مال مورد حواله باید برای حواله‌دهنده و طلبکار، معین باشد یعنی مردد نباشد. پس اگر مثلاً ده کیلو گندم و ده هزار تومان پول به یک نفر بدهکار باشید، نباید به او بگویید: «یکی از دو طلب خود را از فلانی بگیر» و آن را معین نکنید.

مسئله‌ی ۲۲۹۴: مبلغ بدهی باید برای بدهکار و طلبکار، معین باشد، پس هر گاه بدهکار یا طلبکار باشید و در موقع حواله دادن، مقدار آن یا جنس آن را ندانید ولی در جایی ثبت باشد، حواله را صحیح ندانید، مثلاً اگر طلب کسی را در دفتر نوشته باشید، نباید پیش از دیدن دفتر، حواله بدهید.

مسئله‌ی ۲۲۹۵: هر گاه طلبکار باشید، می‌توانید حواله را قبول نکنید، اگر چه کسی که به او حواله شده‌اید، فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی ننماید، ولی اگر بدهکار باشید، نباید طلبکارتان را مجبور به پذیرش حواله نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۹۶: هر گاه به شما حواله داده شود، در حالی که بدهکار نیستید، چنانچه حواله را قبول کنید، نباید پیش از پرداختن حواله، مقدار حواله را از حواله‌دهنده بگیرید و اگر طلبکار، طلب خود را به مقدار کمتری صلح کرد، نباید بیش از مقدار صلح شده را از حواله‌دهنده مطالبه نمایید.

مسئله‌ی ۲۲۹۷: بعد از آن که حواله درست شد، چه حواله‌دهنده باشید و چه کسی که به او حواله شده، نباید حواله را به هم بزنید، و هرگاه طلبکار باشید و کسی که به او حواله شده‌اید، در موقع حواله فقیر نباشد، اگر چه بعداً فقیر

شود، نباید حواله را به هم بزنید و همچنین است اگر موقع حواله، فقیر باشد و بدانید فقیر است. ولی اگر ندانید فقیر است و بعد بفهمید، می‌توانید حواله را به هم بزنید و طلب خود را از حواله‌دهنده بگیرید، مگر این که فقیر، در آن وقت مالدار شده باشد.

مسئله‌ی ۲۲۹۸: هر گاه بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده یا یکی از آنان، برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهد، می‌تواند مطابق قراری که گذاشته است، حواله را به هم بزند.

مسئله‌ی ۲۲۹۹: هر گاه حواله‌ی کسی را به خواهش او پرداخت کنید، می‌توانید چیزی که داده‌اید را از او بگیرید، ولی اگر بدون خواهش او داده باشید، نباید چیزی که داده‌اید را از او مطالبه نمایید.

احکام رهن

مسئله‌ی ۲۳۰۰: «رهن» را آن بدانید که بدهکار، مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد که اگر طلب او را ندهد، طلبش را از آن مال به دست آورد. مسئله‌ی ۲۳۰۱: بهتر است در رهن، صیغه بخوانید، ولی همین قدر که بدهکار، مال خود را به قصد گرو به طلبکار بدهد و طلبکار هم به همین قصد بگیرد، رهن را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۰۲: کسی که نزدش گرو می‌گذارید و از کسی که گرو قبول می‌کنید، باید مکلف و عاقل باشد و کسی آنها را مجبور نکرده باشد، و نیز گرودهنده نباید مفلس و سفیه باشد یعنی مال خود را بیهوده مصرف نکند، بلکه اگر به واسطه‌ی ورشکستگی یا برای آن که بعد از بالغ شدن سفیه شده،

حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد، نباید مال او را به گرو قبول کنید.

مسئله‌ی ۲۳۰۳: مالی را می‌توانید گرو بگذارید که شرعاً بتوانید در آن تصرف کنید و اگر مال کس دیگر را گرو می‌گذارید، در صورتی صحیح بدانید که صاحب مال، به گرو گذاشتن آن راضی باشد.

مسئله‌ی ۲۳۰۴: باید چیزی را که گرو می‌گذارید، خرید و فروش آن صحیح باشد، پس نمی‌توانید شراب و مانند آن را گرو بگذارید.

مسئله‌ی ۲۳۰۵: استفاده‌ی چیزی که در نزدتان گرو گذاشته شده را برای گروگذارنده بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۰۶: چه طلبکار باشید و چه بدهکار، نباید مالی که گرو گذاشته شده را بدون اجازه‌ی یکدیگر، ملک کسی کنید، مثلاً ببخشید یا بفروشید، ولی اگر مالک باشید و آن را ببخشید یا بفروشید و بعد، طلبکار راضی شود، معامله را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۰۷: هر گاه طلبکارتان، چیزی را که گرو برداشته، با اجازه‌ی شما که بدهکارش هستید بفروشد، پول آن را هم مثل خود مال، گرو بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۰۸: هر گاه موقعی که بدهکار باید بدهی خود را بدهد فراموش کرد و بدهی خود را ندهد، می‌توانید با اجازه‌ی او، مالی که گرو گذاشته را بفروشید و طلب خود را بردارید، ولی باید بقیه را به بدهکار بدهید. اما اگر بدهکارتان اجازه‌ی فروش نداد، باید برای فروش آن از حاکم شرع اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۳۰۹: هر گاه طلبکار باشید و بدهکارتان غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و چیزهایی مانند اثاثیه‌ی خانه که محل احتیاج اوست، چیز دیگری

نداشته باشد، نباید طلب خود را از او مطالبه کنید، همچنین اگر مالی را که گرو گذاشته، خانه و اثاثیه هم باشد، نباید موارد مورد نیاز گروگذارنده را بفروشید و طلب خود را بردارید.

احکام ضامن شدن

مسئله‌ی ۲۳۱۰: هر گاه بخواهید ضامن شوید تا بدهی کسی را بپردازید، باید به هر لفظی، اگر چه عربی نباشد، به طلبکار بفهمانید که ضامن هستید و طلبکار هم رضایت خود را اعلام کند، ولی راضی بودن بدهکار را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۳۱۱: وقتی طلبکار باشید، ضمانت کسی را قبول کنید که عاقل و بالغ باشد و کسی او را مجبور به ضمانت نکرده باشد و نیز سفیه نباشد یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف کند. و به طلبکاری ضمانت بدهید که مکلف و عاقل باشد. ولی این شرطها را در بدهکار لازم ندانید، مثلاً می‌توانید ضامن شوید که بدهی بچه یا دیوانه را بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۱۲: نباید برای ضامن شدن خودتان شرطی قرار دهید، مثلاً بگویید: «اگر بدهکار قرض تو را نداد، من می‌دهم»، و به ضامن شدن کسی که شرط بگذارد، ترتیب اثر ندهید.

مسئله‌ی ۲۳۱۳: کسی که ضامن بدهی او می‌شوید، باید بدهکار باشد، پس اگر کسی بخواهد از دیگری قرض کند، تا وقتی قرض نکرده نباید ضامن او شوید.

مسئله‌ی ۲۳۱۴: در صورتی ضامن شوید که طلبکار و بدهکار و جنس بدهی معین باشد. پس اگر دو نفر از کسی طلبکار باشند نباید بگویید: «من ضامن

هستم که طلب یکی از شماها را بدهم»، چون معین نکرده‌اید که طلب کدام را خواهید داد. و نیز اگر شخصی از دو نفر طلبکار باشد، نباید بگویید: «من ضامن هستم که بدهی یکی از آن دو نفر را به تو بدهم»، چون معین نکرده‌اید که بدهی کدام را می‌دهید. و همچنین اگر کسی از دیگری مثلاً ده کیلو گندم و ده هزار تومان پول طلبکار باشد، نباید بگویید: «من ضامن یکی از دو طلب تو هستم» و معین نکنید که ضامن گندم هستم یا ضامن پول.

مسئله‌ی ۲۳۱۵: هر گاه ضامن باشید و طلبکار، تمام یا بخشی از طلب خود را به شما ببخشد، نباید آن مقداری که طلبکار به شما بخشیده را از بدهکار بگیرید.

مسئله‌ی ۲۳۱۶: هر گاه ضامن شوید که بدهی کسی را بدهید، نباید از ضامن شدن خود برگردید.

مسئله‌ی ۲۳۱۷: چه ضامن باشید و چه طلبکار، نباید شرط کنید که هر وقت بخواهید، ضامن بودن ضامن را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۳۱۸: هرگاه کسی در موقع ضامن شدن، بتواند طلبتان را بدهد، اگر چه بعد فقیر شود، نباید ضامن بودن او را به هم بزنید و طلب خود را از بدهکار اول مطالبه نمایید و همچنین است اگر در موقع ضامن شدن نمی‌توانسته ولی شما می‌دانستید که نمی‌تواند و به ضامن شدن او راضی شده باشید.

مسئله‌ی ۲۳۱۹: هر گاه در موقعی که ضامن می‌شوید، نتوانید طلب طلبکار را بدهید و طلبکار در آن وقت نداند و بعد ملتفت شود، می‌تواند ضامن بودن شما را به هم بزند. ولی اگر خودتان طلبکار باشید و بفهمید ضامن در وقت ضمانت نمی‌توانسته ولی اکنون می‌تواند، نباید ضمانت را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۳۲۰: هر گاه بدون اجازه‌ی بدهکار، ضامن شوید که بدهی او را بدهید، نباید چیزی از او بگیرید.

مسئله‌ی ۲۳۲۱: هر گاه با اجازه‌ی بدهکار ضامن شوید که بدهی او را بدهید، می‌توانید مقداری را که ضامن شده‌اید، پس از پرداخت آن، از او مطالبه نمایید، ولی اگر به جای جنسی که بدهکار بوده، جنس دیگری به طلبکار او بدهید، نباید چیزی را که داده‌اید از او مطالبه نمایید، مثلاً اگر ده کیلو گندم بدهکار بوده و ده کیلو برنج بدهید، نباید برنج را از او مطالبه نمایید، مگر این که خودش راضی شود که برنج بدهد.

احکام کفالت

مسئله‌ی ۲۳۲۲: کفالت را آن بدانید که ضامن شوید که هر وقت طلبکار، بدهکار را خواست، به دست او بدهید و به کسی که این طور ضامن شود، «کفیل» گویند. و همچنین است اگر کسی بر دیگری حقی داشته باشد یا ادعای حقی کند که دعوای او قابل قبول باشد، چنانچه ضامن شوید که هر وقت صاحب حق یا مدعی، طرف را خواست به دست او بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۲۳: کفالت را در صورتی صحیح بدانید که کفیل به هر لفظی، اگر چه عربی نباشد، به طلبکار بگوید: «من ضامنم هر وقت بدهکار خود را بخواهی به دست تو بدهم» و طلبکار هم قبول نمایید.

مسئله‌ی ۲۳۲۴: کفالت کسی را قبول کنید که مکلف و عاقل باشد و او را در کفالت مجبور نکرده باشند و بتواند کسی که کفیل او شده را حاضر نماید و سفیه و مفلس نباشد.

مسأله‌ی ۲۳۲۵: هفت چیز را موجب برهم خوردن کفالت بدانید:

اول: کفیل، بدهکار را به دست طلبکار بدهد.

دوم: طلب طلبکار داده شود.

سوم: طلبکار از طلب خود بگذرد.

چهارم: بدهکار بمیرد.

پنجم: طلبکار، کفیل را از کفالت آزاد کند.

ششم: کفیل بمیرد.

هفتم: کسی که صاحب حق است، به وسیله‌ی حواله یا طور دیگری حق خود

را به دیگری واگذار نماید.

مسأله‌ی ۲۳۲۶: نباید به زور، بدهکار را از دست طلبکار رها کنید، ولی اگر

چنین کنید، چنانچه طلبکار دسترسی به او نداشته باشد، باید بدهکار را به

دست طلبکار بدهید یا طلب او را بپردازید.

احکام ودیعه (امانت)

مسأله‌ی ۲۳۲۷: هر گاه کسی مال خود را به شما بدهد و بگوید: «نزد تو

امانت باشد» و شما هم قبول کنید، یا بدون این که حرفی بزنید، به او

بفهمانید که مال را برایش نگهداری می‌کنید و او هم به قصد نگهداری کردن

بدهد، باید به احکام ودیعه و امانتداری که بعداً گفته می‌شود، عمل نمایید.

مسأله‌ی ۲۳۲۸: کسی که مالتان را در نزد او امانت می‌گذارید، باید بالغ و

عاقل باشد، پس نباید پیش بچه یا دیوانه امانت بگذارید.

مسأله‌ی ۲۳۲۹: هر گاه از بچه یا دیوانه چیزی را به طور امانت قبول کنید،

باید آن را به صاحبش بدهید و اگر آن چیز، مال خود بچه یا دیوانه است باید به سرپرست او برسانید و چنانچه مال تلف شود، باید عوض آن را بدهید. ولی اگر برای این که مال از بین نرود و به قصد این که به آنان برسانید، آن را از بچه گرفته باشید، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشید، خود را ضامن ندانید.

مسئله‌ی ۲۳۳۰: هر گاه نتوانید امانت را نگهداری نمایید، نباید امانت را قبول کنید مگر آن که حال خود را به صاحب مال بگویید. ولی اگر صاحب مال در نگهداری آن عاجزتر باشد و کسی هم که بهتر حفظ کند نباشد، می‌توانید بپذیرید.

مسئله‌ی ۲۳۳۱: هر گاه به صاحب مال بفهمانید که برای نگهداری مال او حاضر نیستید، چنانچه او مال را بگذارد و برود، بهتر است از آن نگهداری کنید، ولی اگر نگهداری نکردید و آن مال تلف شد، جبران‌ش را بر خود لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۳۳۲: هر گاه چیزی را امانت بگذارید، هر وقت بخواهید می‌توانید آن را پس بگیرید، و هر گاه که امانت را قبول می‌کنید، هر وقت بخواهید می‌توانید آن را به صاحبش برگردانید.

مسئله‌ی ۲۳۳۳: هر گاه از نگهداری امانت منصرف شوید و ودیعه را به هم بزنید، باید هرچه زودتر مال را به صاحب آن یا وکیل یا ولی صاحبش برسانید یا به آنان خبر دهید که حاضر به نگهداری نیستید و اگر بدون عذر، مال را به آنان نرسانید و خبر هم ندهید، چنانچه مال تلف شود، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۳۴: هر گاه امانتی را قبول می‌کنید، اگر برای آن، جای مناسبی ندارید، باید جای مناسب تهیه نمایید. و طوری آن را نگهداری کنید که مردم نگویند در امانت، خیانت کرده و در نگهداری آن کوتاهی نموده است و اگر در

جایی که مناسب نیست بگذارید و تلف شود، باید عوض آن را بدهید. مسأله‌ی ۲۳۳۵: هر گاه امانت را قبول کنید، اگر در نگهداری آن کوتاهی نکنید و زیاده‌روی هم ننمایید و اتفاقاً آن مال تلف شود، خود را ضامن ندانید. ولی اگر آن را در جایی بگذارید که گمان می‌رود ظالمی بفهمد و آن را ببرد، چنانچه تلف شود، باید عوض آن را به صاحبش بدهید. مگر آن که جایی محفوظتر از آن نداشته باشید و نتوانید مال را به صاحبش یا به کسی که بهتر حفظ می‌کند برسانید.

مسأله‌ی ۲۳۳۶: هر گاه صاحب مال برای نگهداری مال خود جایی را معین کند و به شما که امانت را قبول کرده‌اید بگوید: «باید مال را در این جا حفظ کنی و اگر احتمال هم بدهی که از بین برود، نباید آن را به جای دیگری ببری»، چنان که احتمال دهید که در آن جا از بین برود و بدانید چون آن جا در نظر صاحب مال برای حفظ بهتر بوده، گفته است که نباید از آن جا بیرون ببری، می‌توانید آن را به جای دیگری که به نظر خودتان برای حفظ بهتر باشد ببرید، و اگر به آن جا ببرید و تلف شود، خود را ضامن ندانید. ولی اگر ندانید به چه جهت گفته که به جای دیگر نبرید، چنانچه به جای دیگر ببرید و تلف شود، باید عوض آن را بدهید.

مسأله‌ی ۲۳۳۷: هر گاه صاحب مال برای نگهداری مال خود جایی را معین کند ولی به شما که امانت را قبول کرده‌اید نگوید که «آن را به جای دیگر نبر»، چنانچه احتمال دهید که در آن جا از بین می‌رود، باید آن را به جای دیگری که مال در آن جا محفوظتر است ببرید و چنانچه مال در آن جا تلف شد، خود را ضامن ندانید. ولی اگر مال را به جای دیگری که در آنجا محفوظ تر است نبرید و مال در جای اول تلف شود، باید جبران نمایید.

مسئله‌ی ۲۳۳۸: هر گاه صاحب مال دیوانه شود، اگر امانتش را قبول کرده اید، باید فوراً امانت را به سرپرست او برسانید، و یا به سرپرست او خبر دهید و اگر بدون عذر شرعی، مال را به سرپرست او ندهید و از خبر دادن هم کوتاهی کنید و مال تلف شود، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۳۹: هر گاه صاحب مال بمیرد، باید مالی که در نزدتان امانت گذاشته بوده را به وارث او برسانید، یا به وارث او خبر دهید، و چنانچه مال را به وارث او ندهید و از خبر دادن هم کوتاهی کنید و مال تلف شود، باید جبران نمایید. ولی اگر برای آن که می‌خواهید بفهمید کسی که می‌گوید: «من وارث میت هستم» راست می‌گوید یا نه، یا میت وارث دیگری دارد یا نه، مال را ندهید ولی در حفظ آن کوتاهی نکنید و مال تلف شود، خود را ضامن ندانید.

مسئله‌ی ۲۳۴۰: هر گاه صاحب مال بمیرد و چند وارث داشته باشد، باید مالی که در نزدتان امانت گذاشته را به همه‌ی ورثه بدهید، یا به کسی بدهید که همه‌ی ورثه، گرفتن مال را به او واگذار کرده‌اند. پس اگر بدون اجازه‌ی دیگران، تمام مال را به یکی از ورثه بدهید، خود را ضامن سهم دیگران بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۴۱: هر گاه کسی که امانت را قبول کرده بمیرد، یا دیوانه شود، اگر شما وارث یا سرپرست او هستید، باید هر چه زودتر به صاحب مال اطلاع دهید یا امانت را به او برسانید.

مسئله‌ی ۲۳۴۲: هر گاه نشانه‌های مرگ را در خود ببینید، باید چنانچه ممکن باشد، تمام امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها یا وکیلشان برسانید و اگر ممکن نیست باید آن را به حاکم شرع بدهید و چنانچه به حاکم شرع دسترسی ندارید، در صورتی که وارثتان امین و منهاجی است و از امانت اطلاع دارد، به

او یادآوری کنید، و گرنه باید وصیت کنید و شاهد بگیرید و به وصی و شاهد، اسم صاحب مال و جنس و خصوصیات مال و محل آن را بگویید. مسأله‌ی ۲۳۴۳: هر گاه نشانه‌های مرگ را در خود ببینید و به وظیفه‌ای که در مسأله‌ی پیش گفته شد عمل نکنید، سپس مرضتان خوب شود، چنانچه آن امانت از بین برود، باید عوضش را بدهید، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشید یا بعد از مدتی پشیمان شوید و وصیت کنید.

احکام عاریه

مسأله‌ی ۲۳۴۴: عاریه را آن بدانید که مال خود را به دیگری بدهید که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی از او نگیرد.

مسأله‌ی ۲۳۴۵: بهتر است در عاریه صیغه بخوانید ولی اگر مثلاً لباس را به قصد عاریه به کسی بدهید و او به همین قصد بگیرد، عاریه را صحیح بدانید.

مسأله‌ی ۲۳۴۶: عاریه دادن چیز غصبی و چیزی که مالتان است ولی منفعت آن را به دیگری واگذار کرده‌اید، مثلاً آن را اجاره داده‌اید، را در صورتی صحیح بدانید که مالک چیز غصبی یا کسی که آن چیز را اجاره کرده، به عاریه دادن آن راضی باشد.

مسأله‌ی ۲۳۴۷: چیزی که منفعتش مالتان است، مثلاً آن را اجاره کرده‌اید را می‌توانید عاریه بدهید. ولی اگر در اجاره شرط کرده باشد که خودتان از آن استفاده کنید، نمی‌توانید آن را به دیگری عاریه دهید.

مسأله‌ی ۲۳۴۸: نباید از دیوانه یا بچه یا سفیه یا مفلس، عاریه بگیرید مگر این که سرپرستشان مصلحت بداند و اجازه بدهد.

مسئله‌ی ۲۳۴۹: هر گاه در نگهداری چیزی که عاریه کرده‌اید کوتاهی نکنید و در استفاده از آن هم زیاده‌روی ننمایید و اتفاقاً آن چیز تلف شود، خود را ضامن ندانید، ولی چنانچه شرط کنید که اگر تلف شود، ضامن باشید یا چیزی را که عاریه کرده‌اید، طلا و نقره باشد، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۵۰: هر گاه طلا و نقره را عاریه نمایید، نباید شرط کنید که اگر تلف شد، ضامن نباشید.

مسئله‌ی ۲۳۵۱: اگر عاریه‌دهنده بمیرد، باید چیزی که عاریه کرده‌اید را به ورثه‌ی او بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۵۲: اگر عاریه‌دهنده طوری شود که شرعاً نتواند در مال خود تصرف کند، مثلاً دیوانه شود، باید مالی که عاریه کرده‌اید را به سرپرست او بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۵۳: هر گاه چیزی عاریه داده باشید، هر وقت بخواهید، در صورتی که موجب خسارت به عاریه‌گیرنده نباشد، می‌توانید آن را پس بگیرید، ولی اگر موجب خسارت است، باید مهلت بدهید یا جبران نمایید. و هر گاه چیزی عاریه کرده باشید، هر وقت بخواهید می‌توانید آن را پس بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۵۴: نباید ظرف طلا و نقره داشته باشید، چه رسد به این که بخواهید آن را عاریه بدهید و همچنین نباید ظرف طلا و نقره را برای زینت اتاق یا استفاده‌ی دیگر، عاریه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۳۵۵: عاریه دادن گوسفند برای استفاده از شیر و پشم آن، و عاریه دادن حیوان نر برای جفتگیری را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۵۶: هر گاه چیزی که عاریه کرده‌اید را به مالک یا وکیل یا ولی او

بدهید و بعد آن چیز تلف شود، خود را ضامن ندانید. ولی اگر بدون اجازه‌ی صاحب مال، یا وکیل، یا ولی او، آن را به جایی ببرید که صاحبش معمولاً به آن جا می‌برده، مثلاً اسب را در اصطبل که صاحبش برای آن درست کرده، ببندید و بعد تلف شود، یا کسی آن را تلف کند، باید جبران نمایید.

مسئله‌ی ۲۳۵۷: هر گاه بخواهید چیز نجسی را عاریه دهید، باید نجس بودن آن را به عاریه‌گیرنده بگویید.

مسئله‌ی ۲۳۵۸: چیزی که عاریه کرده‌اید را نباید بدون اجازه‌ی صاحب آن به شخص دیگری اجاره یا عاریه دهید.

مسئله‌ی ۲۳۵۹: هر گاه کسی چیزی که عاریه کرده را با اجازه‌ی صاحب آن و از طرف او، به دیگری عاریه دهد، چنانچه عاریه‌گیرنده‌ی اول بمیرد یا دیوانه شود، عاریه‌ی دومی را باطل ندانید.

مسئله‌ی ۲۳۶۰: هر گاه بدانید مالی که عاریه کرده‌اید غصبی است، باید آن را به صاحبش برسانید و نباید به عاریه‌دهنده بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۶۱: مالی که می‌دانید غصبی است را نباید عاریه کنید و اگر عاریه کردید، نباید از آن استفاده‌ای ببرید، ولی اگر مال غصبی را عاریه کردید و از آن استفاده نمودید و در دست شما از بین رفت، باید عوض آن و همچنین عوض استفاده‌هایی که کرده‌اید را به مالک بدهید. همچنین اگر از بین رفت، باید اصلش و عوض استفاده‌هایی که کرده‌اید را به مالک بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۶۲: هر گاه ندانید مالی که عاریه کرده‌اید، غصبی است، و در دستتان از بین برود، چنانچه صاحب مال، عوض آن را از شما بگیرد، شما هم می‌توانید آن چه به صاحب مال داده‌اید را از عاریه‌دهنده مطالبه نمایید، ولی اگر چیزی را که عاریه کرده‌اید، طلا یا نقره باشد یا عاریه‌دهنده با شما شرط

کرده باشد که اگر آن چیز از بین برود، عوضش را بدهید، نباید چیزی که به صاحب مال می‌دهید را از عاریه‌دهنده مطالبه نمایید.

احکام نکاح یا ازدواج و زناشویی

به واسطه‌ی عقد ازدواج، زن را به مرد، حلال بشمارید و ازدواج را بر دو قسم بدانید: ازدواج دائم و ازدواج غیر دائم. ازدواج دائم را آن بدانید که مدت زناشویی در آن معین نشود، و زنی را که به این قسم عقد می‌کنید، «دائمه» گویند. و ازدواج غیر دائم را آن بدانید که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد نمایید، و زنی را که به این قسم عقد کنید، «متعّه» یا «صیغه» نامند.

احکام عقد

مسئله‌ی ۲۳۶۳: در زناشویی - چه دائم و چه غیر دائم - باید صیغه بخوانید و تنها راضی بودن زن و مرد را کافی ندانید. و صیغه‌ی عقد را یا خودتان (زن و مرد) بخوانید، یا شخص دیگری را وکیل کنید که از طرف شما بخواند.

مسئله‌ی ۲۳۶۴: مرد بودن وکیل را لازم ندانید بلکه منهجیات را هم می‌توانید برای خواندن صیغه‌ی عقد، وکیل کنید.

مسئله‌ی ۲۳۶۵: تا یقین نکنید که وکیلان صیغه را خوانده است، نباید به همسران نگاه محرمانه نمایید، و نباید به گمان این که وکیل، صیغه را خوانده است، کفایت کنید، ولی اگر وکیل بگوید: «صیغه را خوانده‌ام» و از گفته‌اش اطمینان حاصل کنید، کافی بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۶۶: هر گاه زنی شما را وکیل کند که مثلاً ده روز او را به عقد مردی درآورید، باید ابتدای ده روز را معین کنید.

مسئله‌ی ۲۳۶۷: می‌توانید برای خواندن صیغه‌ی عقد دائم یا غیر دائم از طرف دو نفر وکیل شوید و نیز می‌توانید از طرف زن وکیل شوید و او را برای خود به طور دائم یا غیر دائم عقد کنید، و همچنین منہاجیات می‌توانند از طرف مرد وکیل شوند که خود را به عقد او در آورند، ولی بهتر است که عقد را دو نفر بخوانند.

دستور خواندن عقد دائم

مسئله‌ی ۲۳۶۸: هر گاه خودتان (زن و مرد) بخواهید صیغه‌ی عقد دائم را بخوانید، اول زن باید بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده)، پس از آن بدون فاصله بگویند: «قَبِلْتُ التَّرْوِیْحَ» (یعنی ازدواج را قبول کردم). و اگر وکیل شده باشید که صیغه‌ی عقد را بخوانید، چنانچه مثلاً اسم مرد، احمد و اسم زن فاطمه باشد، هر گاه وکیل زن باشید باید بگویند: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلِكَ أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ» پس بدون فاصله، وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ التَّرْوِیْحَ لِمُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ». و باید لفظی که خود یا وکیل‌تان می‌گویید، با لفظی که زن یا وکیلش می‌گوید، مطابق باشد، مثلاً اگر زن یا وکیلش «زَوَّجْتُ» می‌گوید، یا وکیل‌تان هم «قَبِلْتُ التَّرْوِیْحَ» بگوید.

دستور خواندن عقد غیر دائم

مسئله‌ی ۲۳۶۹: هر گاه خودتان (زن و مرد) بخواهید صیغه‌ی عقد غیر دائم را بخوانید، باید نخست، مدت و مهریه را معین کنید، سپس زن بگوید:

«زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (یعنی خود را برای مدتی که مشخص شده، زن تو نمودم به مهری که معین گردیده)، بعد شما بدون فاصله بگویید: «قَبِلْتُ» (قبول کردم). و اگر وکیل شده باشید که صیغه‌ی عقد موقت را بخوانید، هر گاه وکیل زن باشید باید بگویید: «مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ» (به ازدواج موقت موکل تو در آوردم، موکل خودم را برای مدتی که مشخص شده، به مهری که معین گردیده) پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: «قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا».

شرایط عقد

مسئله‌ی ۲۳۷۰: باید در عقد ازدواج، چند چیز را ملاحظه کنید:

اول: آن که صیغه‌ی عقد را به عربی صحیح بخوانید.

دوم: قصد انشاء داشته باشید، چه برای خودتان باشد و چه وکیل شده باشید که صیغه را بخوانید، یعنی اگر خودتان (مرد و زن) صیغه را می‌خوانید، زن به گفتن «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي» قصدش این باشد که خود را زن شما قرار دهد، و شما به گفتن «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ» زن بودن او را برای خود قبول نمایید، و اگر وکیل شده باشید، به گفتن «زَوَّجْتُ» و «قَبِلْتُ» قصدتان این باشد که مرد و زنی که شما را وکیل کرده‌اند، زن و شوهر شوند.

سوم: کسی را که وکیل می‌کنید تا صیغه را بخواند، باید بالغ و عاقل باشد، و صیغه‌ای که بچه یا دیوانه می‌خواند را معتبر ندانید.

چهارم: هر گاه وکیل زن یا مرد برای خواندن صیغه شده باشید، باید در عقد، زن و مرد را معین کنید، مثلاً اسم آنها را ببرید یا به آنها اشاره نمایید.

پنجم: زن و مرد باید به ازدواج راضی باشند.

مسئله‌ی ۲۳۷۱: هر گاه در صیغه‌ی عقد، یک حرف یا یک کلمه را غلط

بخوانید به طوری که معنی آن را عوض کند، باید عقد را دوباره با عبارات صحیح، بخوانید.

مسئله‌ی ۲۳۷۲: می‌توانید کسی که دستور زبان عربی را نمی‌داند، ولی قرائتش صحیح است و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه می‌داند و از هر لفظی معنای آن را قصد می‌نماید را برای خواندن صیغه‌ی عقدتان وکیل کنید. مسئله‌ی ۲۳۷۳: هر گاه زنی را برای مردی بدون اجازه‌ی آنان عقد کنید و بعداً زن و مرد به آن عقد راضی شوند، عقد را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۷۴: هر گاه زن و مرد یا یکی از آن دو را به ازدواج مجبور نمایند ولی بعد از خواندن عقد، راضی شوند، عقد را صحیح بدانید، گرچه بهتر است صیغه‌ی عقد را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۲۳۷۵: هر گاه پدر یا پدربزرگ پدری باشید، می‌توانید برای فرزند یا نوه‌ی نابالغ یا دیوانه‌ی خود که به حال دیوانگی بالغ شده است، همسر بگیرید. و هر گاه پدر یا پدربزرگ پدری‌تان در کودکی یا دیوانگی شما برایتان زن گرفته باشد، اگر ازدواجی که برایتان کرده‌اند، مصلحت داشته و مفسده‌ای نداشته، نباید بعد از بالغ یا عاقل شدن، آن را به هم بزنید، ولی اگر مفسده‌ای داشته، می‌توانید آن را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۳۷۶: منہاجیاتی که به حد بلوغ رسیده و رشیده هستند، یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهند، اگر بخواهند شوهر اختیار کنند، چنانچه باکره باشند، باید از پدر یا پدربزرگ پدری خود اجازه بگیرند، ولی اجازه‌ی مادر و برادر را لازم ندانند.

مسئله‌ی ۲۳۷۷: هر گاه پدر و پدربزرگ پدری منہاجیات غایب باشند، به طوری که نتوانند از آنان اجازه بگیرند و احتیاج به شوهر کردن داشته باشند،

می‌توانند بدون اجازه گرفتن از آنان، ازدواج کنند. و نیز اگر باکره نباشند، در صورتی که بکارتشان به واسطه‌ی شوهر دائم یا موقت از بین رفته باشد، اجازه‌ی پدر و پدربزرگ پدری را لازم ندانند، ولی اگر به واسطه‌ی دستکاری یا پرش یا وطی به شبهه یا زنا از بین رفته باشد، باید اجازه بگیرند.

مسئله‌ی ۲۳۷۸: هر گاه پدر یا پدربزرگ پدری‌تان در دوران کودکی شما، برایتان زن بگیرند، باید بعد از بالغ شدن، خرج آن زن را بدهید، و همچنین اگر پیش از بلوغ بتوانید از زنتان بهره‌ی جنسی بگیرید و زنتان هم حاضر به بهره‌دهی جنسی باشد، باید خرجش را بدهید.

مسئله‌ی ۲۳۷۹: هر گاه پدر یا پدربزرگ پدری‌تان در دوران کودکی شما، برایتان زن بگیرند، چنانچه در موقع عقد، مالی داشته باشید، خودتان باید مهریه‌ی زنتان را بدهید. و هر گاه پدر یا پدربزرگ پدری باشید و برای فرزند یا نوه‌ی نابالغان زن بگیرید، اگر او در موقع عقد، مالی نداشته باشد، خودتان باید مهریه‌ی زنتان را بدهید.

عیب‌هایی که به واسطه‌ی آنها می‌توانید عقد را به هم بنزید

مسئله‌ی ۲۳۸۰: هر گاه بعد از عقد بفهمید که زنتان یکی از هفت عیب را پیش از عقد داشته، می‌توانید عقد را به هم بنزید؛ اول: دیوانگی. دوم: مرض جذام. سوم: مرض پیسی. چهارم: کوری. پنجم: زمین گیر بودن. ششم: افضاء یعنی راه ادرار و حیض او یکی شده باشد. ولی اگر راه حیض و مدفوع او یکی شده باشد، چنانچه زن را نخواهید، طلاقش بدهید و برای مهریه با او مصالحه نمایید. هفتم: آن‌که گوشت یا غده یا استخوانی در فرج او باشد که مانع از نزدیکی شود.

مسئله‌ی ۲۳۸۱: هر گاه منہاجیات بعد از عقد بفهمند که شوهرشان پیش از

عقد، دیوانه بوده است، یا بعد از عقد دیوانه شود، یا بفهمند شوهرشان آلت مردی ندارد، یا آلتش بعد از عقد و قبل از نزدیکی بریده شود، یا بفهمند مرضی دارد که نمی‌تواند نزدیکی نماید، یا بفهمند بیضه‌های او را پیش از عقد کشیده‌اند، یا بیضه‌هایش را بعد از عقد بکشند، می‌توانند به زندگی با او راضی شوند و می‌توانند از او طلاق بگیرند، ولی اگر طلاق گرفتند، مهریه‌شان را مطالبه نکنند.

مسئله‌ی ۲۳۸۲: هر گاه بخواهید به واسطه‌ی یکی از عیب‌هایی که در دو مسأله پیش گفته شد، عقد را به هم بزنید، طلاق دادن را لازم ندانید، ولی چنانچه منہاجیات بخواهند به واسطه‌ی یکی از عیب‌هایی که در مسأله‌ی پیش گفته شد، عقد را به هم بزنند، باید طلاق بگیرند ولی مهریه‌شان را نگیرند.

مسئله‌ی ۲۳۸۳: هر گاه زنتان به واسطه‌ی آن که نمی‌توانید نزدیکی کنید، از شما جدا شود، باید نصف مهریه‌اش را بدهید. ولی اگر به واسطه‌ی یکی از عیب‌های دیگری که گفته شد، عقد را به هم بزنید یا زنتان عقد را به هم بزنند، چنانچه نزدیکی نکرده باشید، پرداخت مهریه را لازم ندانید، ولی اگر نزدیکی کرده‌اید، باید تمام مهریه را بدهید.

زن‌هایی که نباید با آنها ازدواج کنید

مسئله‌ی ۲۳۸۴: نباید با زن‌هایی مثل مادر، خواهر و مادر زن که محرم هستند، ازدواج کنید.

مسئله‌ی ۲۳۸۵: هر گاه زنی را برای خود عقد نمایید، اگر چه با او نزدیکی نکنید، مادر و مادرِ مادر آن زن و مادر پدر او و هر چه بالا بروند را برای خود محرم شمارید.

مسئله‌ی ۲۳۸۶: هر گاه زنی را عقد کنید و با او نزدیکی نمایید، دختر و نوه‌ی دختری و نوه‌ی پسری آن زن و هر چه پایین روند، چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند را برای خود محرم بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۸۷: هر گاه با زنی که برای خود عقد کرده‌اید، نزدیکی نکرده باشید، تا وقتی که آن زن در عقدتان است، نباید با دختر او ازدواج کنید.

مسئله‌ی ۲۳۸۸: عمه و خاله‌ی پدر، و عمه و خاله‌ی پدر پدر، و عمه و خاله‌ی مادر و عمه و خاله‌ی مادر مادر، و هر چه بالا بروند را بر خود محرم بدانید.

مسئله‌ی ۲۳۸۹: منہاجیات، بعد از عقد، پدر و پدربزرگ شوهر، و هر چه بالا بروند را محرم بدانند و پسر و نوه‌ی پسری و دختری شوهر و هر چه پایین آیند را بعد از نزدیکی، محرم بدانند، چه در موقع عقد باشند، یا بعداً به دنیا بیایند.

مسئله‌ی ۲۳۹۰: هر گاه زنی را برای خود عقد کنید، چه عقد دائم باشد و چه عقد موقت، تا وقتی که آن زن در عقدتان است، نباید با خواهر آن زن ازدواج دائم یا موقت نمایید.

مسئله‌ی ۲۳۹۱: هر گاه زن دائم‌تان را - به ترتیبی که در کتاب طلاق گفته خواهد شد - طلاق رجعی دهید، نباید در بین عده، خواهر او را عقد دائم یا موقت نمایید، همچنین هر گاه مدت زن موقتتان به پایان رسد یا باقیمانده‌اش را ببخشید، نباید در ایام عده‌ی او، خواهرش را عقد دائم یا موقت نمایید. همچنین از ازدواج با خواهر زن، در عده‌ی طلاق بائن پرهیزید.

مسئله‌ی ۲۳۹۲: نباید بدون اجازه‌ی زن خود، با خواهرزاده یا برادرزاده‌ی او ازدواج کنید، و اگر بدون اجازه‌ی زنتان، آنان را عقد نمایید و بعداً زنتان راضی

شود، باید صیغه‌ی عقد را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۲۳۹۳: نباید بدون اجازة‌ی زن خود با خواهرزاده یا برادرزاده‌ی او ازدواج کنید، ولی اگر ازدواج کردید و زنتان فهمید و حرفی نزد، یا رضایتش را به صراحت اعلام نکرد، باید از خواهرزاده یا برادرزاده‌اش جدا شوید و چنانچه رضایتش را به صراحت اعلام کرد، باید صیغه‌ی عقد را دوباره بخوانید.

مسئله‌ی ۲۳۹۴: هر گاه پیش از ازدواج با دختر عمه یا دختر خاله‌ی خود، به زنا با مادر آنان مبتلا شده باشید، هیچگاه نباید با آنان ازدواج دائم یا موقت نمایید.

مسئله‌ی ۲۳۹۵: هر گاه با دختر عمه یا دختر خاله‌ی خود ازدواج نمایید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کنید، مبتلا به زنا با مادرشان گردید، باید با طلاق از آنان جدا شوید.

مسئله‌ی ۲۳۹۶: هر گاه مبتلا به زنا با زنی غیر از عمه و خاله‌ی خود گردید، نباید هرگز با دختر او ازدواج کنید، ولی اگر زنی را عقد نمایید و با او نزدیکی کنید، بعد مبتلا به زنا با مادر آن زن شوید، آن زن را بر خود حرام ندانید، اما اگر بعد از عقد و پیش از آن که با آن زن نزدیکی کنید، مبتلا به زنا با مادرش شوید، باید زن را طلاق دهید و دیگر با او ازدواج نکنید.

مسئله‌ی ۲۳۹۷: نباید با زن غیر مسلمان، به صورت دائم ازدواج کنید، ولی می‌توانید به صورت موقت با زن مسیحی و یهودی ازدواج نمایید و از ازدواج موقت با ناصبی، وهابی، غلات و خوارج پرهیزید. همچنین منہاجیات نباید به عقد غیر مسلمان درآیند.

مسئله‌ی ۲۳۹۸: هر گاه مبتلا به زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده‌ی طلاق

رجعی است، گردید، هرگز نباید با آن زن ازدواج کنید و همچنین اگر مبتلا به زنا با زنی شوید که در عده‌ی ازدواج موقت یا عده‌ی طلاق بائن یا عده‌ی وفات است، از ازدواج با او بپرهیزید.

مسئله‌ی ۲۳۹۹: هر گاه مبتلا به زنا با زن بی‌شوهری شوید که در عده نیست، می‌توانید آن زن را برای خود عقد نمایید، ولی باید صبر کنید تا حیض ببیند. همچنین اگر بخواهید با زن بی‌شوهری که در عده نبوده و زنا داده ازدواج کنید، باید صبر کنید تا حیض ببیند.

مسئله‌ی ۲۴۰۰: هر گاه زنی را که در عده‌ی دیگری است، برای خود عقد کنید، چنانچه بدانید عده‌ی زن تمام نشده و بدانید نباید زن را در عده عقد کنید، هر چند با او نزدیکی نکرده باشید، هرگز او را بر خود حلال ندانید. همچنین اگر زن توجه داشته که عده‌اش تمام نشده و نباید در عده به عقد کسی در آید.

مسئله‌ی ۲۴۰۱: هر گاه زنی را برای خود عقد کنید و بعد معلوم شود که در عده بوده، در صورتی که با او نزدیکی کرده باشید، باید جدا شوید و هرگز با او ازدواج نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۰۲: هر گاه بفهمید زنی که با او ازدواج کرده‌اید، شوهر دارد، باید فوراً از او جدا شوید و بعداً هم هیچگاه او را برای خود عقد نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۰۳: هر گاه زنتان زنا داد، او را بر خود حرام ندانید، ولی اگر توبه نکند و بر عمل خود باقی باشد، باید او را طلاق دهید و مهریه‌اش را بپردازید.

مسئله‌ی ۲۴۰۴: هر گاه منہاجیاتی که طلاق گرفته‌اند یا مدت عقد موقتشان به پایان رسیده یا باقیمانده‌ی آن توسط شوهرشان بخشیده شده، ازدواج کنند و شک نمایند که عده‌ی شوهر اولشان تمام شده بوده یا نه، به شک خود اعتنا نکنند.

مسئله‌ی ۲۴۰۵: نباید با مادر، مادربزرگ، خواهر، دختر و نوه‌ی پسری که مبتلا به لواط با او شده‌اید، ازدواج کنید، هر چند لواط مربوط به قبل از بلوغتان باشد ولی اگر شک کنید که دخول صورت گرفته یا نه، می‌توانید ازدواج کنید.

مسئله‌ی ۲۴۰۶: هر گاه با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نمایید و بعد از ازدواج و دخول به زوجه، مبتلا به لواط با آن کس گردید، زنتان را بر خود حرام ندانید ولی اگر بعد از عقد و پیش از دخول به زن، مبتلا به لواط گردید، باید با طلاق از زنتان جدا شوید و هرگز با او ازدواج نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۰۷: هر گاه در حال احرام - که یکی از کارهای حج است - با زنی ازدواج نمایید، اگر نمی‌دانسته‌اید که نباید در حال احرام ازدواج کنید، عقدتان را باطل بشمارید، ولی چنانچه می‌دانسته‌اید که نباید در حال احرام زن بگیرید یا نمی‌دانسته‌اید ولی با آن زن نزدیکی کرده باشید، باید از او جدا شوید و هرگز با او ازدواج نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۰۸: هر گاه زنی که در حال احرام است، با مردی که در حال احرام نیست ازدواج کند، عقدشان را باطل بشمارید، ولی اگر زن می‌دانسته که نباید در حال احرام ازدواج کند یا نمی‌دانسته ولی شوهرش با او نزدیکی کرده باشد، باید از آن شوهر جدا شود و هرگز با او ازدواج نکند.

مسئله‌ی ۲۴۰۹: هر گاه طواف نساء - که یکی از کارهای حج است - را بجا نیاورید، زنتان که به واسطه‌ی مُحْرَم شدن بر شما حرام شده بود را حلال بشمارید، و نیز اگر منہاجیات طواف نساء نکنند، شوهرشان را حلال ندانند، ولی اگر بعداً طواف نساء را انجام دهید، یکدیگر را حلال بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۱۰: هر گاه دختر نابالغی را برای خود عقد کنید و پیش از آن که

نه سال دختر تمام شود، با او نزدیکی و دخول کنید، باید طلاقش دهید و هرگز با او ازدواج نکنید و اگر او را افضاء کرده‌اید، علاوه بر مهریه، دیه‌ی افضاء نیز بدهید و نفقه‌ی او را تا زنده است بپردازید.

مسئله‌ی ۲۴۱۱: نباید با زنی که سه مرتبه طلاقش داده‌اید، ازدواج کنید، ولی اگر با شرایطی که در کتاب طلاق گفته خواهد شد، با مرد دیگری ازدواج کند، بعد از مرگ یا طلاق شوهر دوم و گذشتن مقدار عدّه، می‌توانید دوباره او را برای خود عقد نمایید.

احکام عقد دائم

مسئله‌ی ۲۴۱۲: منہاجیاتی که عقد دائمی شده‌اند، نباید بدون اجازه‌ی شوهرشان - حتی اگر با حقوق شوهرشان منافاتی نداشته باشد - از خانه بیرون بروند و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نمایند و بدون عذر شرعی (مانند حیض یا بارداری‌ای که نزدیکی برای جنین خطر دارد) از نزدیکی کردن او جلوگیری نکنند. و اگر زنتان در اموری که گفته شد اطاعت کند، باید برایش غذا، لباس، مسکن و لوازم ضروری زندگی تهیه کنید و اگر تهیه نکنید، چه توانایی داشته باشید و چه توانایی نداشته باشید، خود را مدیون زنتان بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۱۳: هر گاه منہاجیات در بیرون رفتن از منزل و تسلیم شدن برای لذت، از شوهرشان اطاعت نکنند، خود را گناهکار بدانند و نباید از غذا و لباس شوهر استفاده کنند و برای ماندن در منزل، با او مصالحه کنند. و هر گاه زنتان در امور یاد شده از شما اطاعت نمی‌کند، حضور هر چهار شب یک بار در نزد او را لازم ندانید، ولی در هر حال، مهریه‌اش را باید بپردازید.

مسئله‌ی ۲۴۱۴: نباید زنتان را به خدمت کردن در خانه مجبور کنید.

مسئله‌ی ۲۴۱۵: هر گاه مایل باشید زنتان را به سفر ببرید، باید خرج سفرش را بدهید. ولی منهجیات نباید مخارج سفرهای غیرضروری خود را از شوهرشان بگیرند، بویژه اگر بیشتر از مخارج وطن باشد، مگر این که شوهرشان مایل باشد آنان را به سفر ببرد.

مسئله‌ی ۲۴۱۶: منهجیاتی که از شوهرشان اطاعت می‌کنند، هر گاه مطالبه‌ی خرجی کنند و شوهر خرجشان را ندهد، می‌توانند جهت مجبور کردن شوهر بر پرداخت نفقه، به حاکم شرع و اگر ممکن نباشد به مؤمنین عادل و اگر آن هم ممکن نباشد به مؤمنین گنهکار مراجعه نمایند. و چنانچه نتوانند شوهرشان را بر دادن نفقه مجبور کنند، اگر ممکن باشد می‌توانند با اجازه‌ی حاکم شرع، در هر روز به اندازه‌ی خرجی آن روز را بدون اجازه از مال او بردارند و اگر ممکن نباشد، چنانچه ناچار باشند که معاش خود را تهیه کنند، اگر نتوانند با اطاعت شوهر تهیه‌ی معاش کنند، می‌توانند در موقعی که مشغول تهیه‌ی معاش هستند، اطاعت از شوهر نکنند.

مسئله‌ی ۲۴۱۷: باید هر چهار شب، یک شب در نزد زن دائمی‌تان باشید، ولی نزدیکی کردن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۴۱۸: نباید بیش از چهار ماه، نزدیکی با زن دائم خود را ترک کنید، مگر این که پیر و بی‌رغبت باشد و از حق خود گذشت نماید.

مسئله‌ی ۲۴۱۹: باید در عقد دائم، مقدار مهریه را معین کنید ولی اگر تعیین نکردید، عقد را صحیح بدانید، و چنانچه با او نزدیکی کنید، باید مهریه‌اش را مطابق مهریه‌ی زن‌هایی که مثل او هستند، بدهید. ولی هر گاه در عقد موقت، مهریه را تعیین نکنید، ازدواج را باطل بدانید و دوباره بعد از تعیین مهریه، صیغه را بخوانید.

مسئله‌ی ۲۴۲۰: هر گاه موقع خواندن عقد دائمی، برای دادن مهریه مدتی را معین نکرده باشید، منہاجیات می‌توانند پیش از گرفتن مهریه - چه شوهرشان توانایی دادن مهریه را داشته باشد و چه نداشته باشد - از نزدیکی کردن شوهرشان جلوگیری کنند، ولی اگر پیش از گرفتن مهریه، به نزدیکی راضی شوند و شوهر با آنان نزدیکی کند، دیگر نباید بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهرشان جلوگیری نمایند.

ازدواج موقت (متعہ یا صیغہ)

مسئله‌ی ۲۴۲۱: ازدواج موقت را - اگر چه برای لذت بردن هم نباشد - صحیح بدانید، ولی بهتر است خالی از لذت جنسی نباشد.

مسئله‌ی ۲۴۲۲: نباید بیش از چهار ماه، نزدیکی با زن موقت خود را ترک کنید، مگر این که پیر و بی‌رغبت باشد و از حق خود گذشت نماید.

مسئله‌ی ۲۴۲۳: هر گاه زنی که با او ازدواج موقت می‌کنید، در عقد شرط نماید که با او نزدیکی نکنید، عقد و شرطش را صحیح بدانید و فقط لذت‌های دیگر از او ببرید، ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شد، می‌توانید با او نزدیکی نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۲۴: منہاجیاتی که ازدواج موقت می‌کنند - اگر چه حامله شوند - نباید از شوهرشان خرجی بگیرند، مگر این که در ضمن عقد، شرط کرده باشند.

مسئله‌ی ۲۴۲۵: هر گاه زن موقتتان بمیرد، نباید از ارث او بگیرید، مگر این که در ضمن عقد، شرط کرده باشید. همچنین منہاجیاتی که ازدواج موقت می‌کنند، نباید از شوهرشان تقاضای هم‌خواهی داشته باشند و نباید از ارث شوهرشان بگیرند، مگر این که در ضمن عقد، این موارد را شرط کرده باشند.

مسئله‌ی ۲۴۲۶: هر گاه با زنی ازدواج موقت کنید که نمی‌دانسته در ازدواج موقت، حق خرجی و همخوابی ندارد، عقد او را صحیح بدانید ولی بهتر است به نحوی با او رفتار کنید که رضایتش حاصل شود، یا مدت را به او ببخشید و رهایش کنید.

مسئله‌ی ۲۴۲۷: منہاجیاتی که ازدواج موقت کرده‌اند، نباید بدون اجازه‌ی شوهر، از خانه بیرون بروند.

مسئله‌ی ۲۴۲۸: هر گاه یکی از منہاجیات، مردی را وکیل کند که او را به مدت و مبلغ معین برای خود عقد موقت نماید، چنانچه آن مرد، او را به عقد دائم خود درآورد یا به غیر از مدت یا مبلغی که معین کرده است به عقد موقت خود در آورد، وقتی فهمید، می‌تواند به کار او رضایت دهد و می‌تواند ازدواج را بر هم بزند.

مسئله‌ی ۲۴۲۹: می‌توانید برای مَحرم شدن، زنی را به عقد دائم پسر یا نوه‌ی پسری نابالغ خود درآورید، و نیز می‌توانید دختر نابالغ خود را برای مَحرم شدن، به عقد دائم کسی درآورید، ولی از ازدواج موقتی که بهره‌ی جنسی در آن نباشد، برای ایجاد محرمیت استفاده نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۳۰: هر گاه بخواهید کودک خود را که در محل دیگری است و نمی‌دانید زنده است یا مرده، به عقد کسی درآورید، باید یقین به زنده بودنش حاصل نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۳۱: هر گاه باقیمانده‌ی مدت ازدواج موقت را ببخشید، چنانچه با آن زن نزدیکی کرده باشید، باید تمام چیزی که قرار گذاشته‌اید را به او بدهید، و اگر نزدیکی نکرده باشید، باید نصف آن را بدهید، هر چند بهتر است تمام آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۴۳۲: می‌توانید زنی که با او ازدواج موقت کرده‌اید و در عده‌ی آن ازدواج به سر می‌برد را قبل از تمام شدن عده، به عقد دائم یا موقت خود درآورید. ولی نباید در بین مدت ازدواج موقت و قبل از بخشیدن بقیه‌ی مدت، او را به عقد دائم خود در آورید.

احکام نگاه کردن

مسئله‌ی ۲۴۳۳: نباید به بدن و موی زن نامحرم مسلمان، چه به قصد لذت بردن و چه بدون آن، نگاه کنید. و همچنین به دختر مسلمانی که نه سالش تمام نشده، ولی خوب و بد را می‌فهمد یا نگاه کردن به او امکان تهییج شهوت دارد، نگاه نکنید. و نیز نباید به صورت و دست زن نامحرم مسلمان به قصد لذت بردن نگاه کنید، و از نگاه کردن به صورت و دست زن نامحرم مسلمان بدون قصد لذت بردن نیز بپرهیزید. و نیز منہاجیات نباید به بدن مرد نامحرم نگاه کنند، همچنین نباید به صورت و دست‌های مرد نامحرم به قصد لذت بردن نگاه کنند، و بهتر است بدون قصد لذت بردن نیز نگاه نکنند.

مسئله‌ی ۲۴۳۴: نباید به بدن و موی زنان کفار و اهل کتاب، چه به قصد لذت بردن و چه بدون آن، نگاه کنید. و همچنین به دختر کافر و اهل کتاب که نه سالش تمام نشده، ولی خوب و بد را می‌فهمد یا نگاه کردن به او امکان تهییج شهوت دارد، نگاه نکنید. و نیز نباید به صورت و دست زنان کفار و اهل کتاب به قصد لذت بردن نگاه کنید، و از نگاه کردن به صورت و دست زنان کفار و اهل کتاب بدون قصد لذت بردن نیز بپرهیزید. و نیز منہاجیات نباید به بدن مردان کافر و اهل کتاب نگاه کنند، همچنین نباید به صورت و دست های مردان کافر و اهل کتاب به قصد لذت بردن نگاه کنند و بهتر است بدون قصد لذت بردن نیز نگاه نکنند.

مسئله‌ی ۲۴۳۵: منہاجیات باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بیوشانند، بلکه باید بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که نظر شهوانی داشته باشد، بیوشانند. همچنین باید صورت و دست‌هایشان را از معرض مردی که نگاه شهوت‌آلود دارد، دور بدارند.

مسئله‌ی ۲۴۳۶: نباید به عورت کسی نگاه کنید، اگر چه از پشت شیشه یا در آینه یا آب صاف و مانند اینها باشد، همچنین از نگاه کردن به عورت بجهی ممیزی که خوب و بد را می‌فهمد، بپرهیزید. ولی زن و شوهر دائم و موقت و همچنین کنیز و مولایش می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

مسئله‌ی ۲۴۳۷: مرد و زنی که با یکدیگر محرمند، می‌توانند بدون قصد لذت بردن، به تمام بدن یکدیگر، غیر از فاصله‌ی ناف تا زانو نگاه کنند.

مسئله‌ی ۲۴۳۸: نباید به قصد لذت بردن به بدن مردان دیگر نگاه کنید، و نیز منہاجیات نباید به قصد لذت بردن به بدن زنان دیگر نگاه کنند.

مسئله‌ی ۲۴۳۹: نباید از زن نامحرم بی‌حجاب، عکس یا فیلم بگیرید و به عکس و فیلم بی‌حجاب زن نامحرم نیز نگاه نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۴۰: هر گاه بخواهید مرد دیگری، یا زنی غیر از زن خود را تنقیه کنید یا عورت او را آب بکشید، باید دستکش بیوشید که دستتان به عورت او نرسد، و همچنین است اگر منہاجیات بخواهند در حال ناچاری، زن دیگری، یا مردی غیر از شوهرشان را تنقیه کنند، یا عورت او را آب بکشند، باید از دستکش استفاده نمایند.

مسئله‌ی ۲۴۴۱: هر گاه برای معالجه‌ی زن نامحرم ناچار باشید او را نگاه کنید و دست به بدن او بزنید، باید بر حد ضرورت اکتفا کنید، یعنی اگر با نگاه

کردن بتوانید معالجه کنید، نباید دست به بدن او بزنید و اگر با دست زدن بتوانید معالجه کنید، نباید او را نگاه کنید.

مسئله‌ی ۲۴۴۲: هر گاه ناچار باشید، می‌توانید برای معالجه‌ی مریض، به عورت او نگاه کنید، ولی اگر بتوانید مستقیم نگاه نکنید بلکه از دوربین یا آینه نگاه کنید، باید چنین کنید.

مسائل متفرقه‌ی ازدواج

مسئله‌ی ۲۴۴۳: هر گاه به واسطه‌ی نداشتن زن به گناه می‌افتید، باید زن بگیرید.

مسئله‌ی ۲۴۴۴: هر گاه در عقد، شرط کنید که زنتان باید باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده، می‌توانید عقد را به هم بزنید.

مسئله‌ی ۲۴۴۵: نباید با زن نامحرم در محل خلوتی که کسی نتواند وارد آن شود، تنها باشید و چنانچه امکان داشته باشد، باید محل را ترک کنید. و نمازهای واجبی که در چنین شرایطی خوانده‌اید را باید اعاده یا قضا کنید. و همچنین منہاجیات نباید با مرد نامحرم، در محل خلوتی که کسی نتواند وارد آن شود، تنها باشند و چنانچه امکان داشته باشد، باید محل را ترک کنند. و نمازهای واجبی که در چنین شرایطی خوانده‌اند را باید اعاده یا قضا کنند.

مسئله‌ی ۲۴۴۶: نباید قصد ندادن مهریه‌ی زنتان داشته باشید، ولی اگر مقدار مهریه را در عقد معین کنید ولی قصدتان این باشد که آن را ندهید، عقد را صحیح بدانید و باید مهریه را بدهید.

مسئله‌ی ۲۴۴۷: مسلمانی را که خدای تعالی یا استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یا معاد را انکار کند را مرتد بدانید و همچنین است اگر حکم ضروری دین یعنی حکمی که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند،

مثل واجب بودن نماز و روزه را انکار کند، در صورتی که منکر شدن آن حکم، به انکار خدای تعالی یا استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برگردد.

مسئله‌ی ۲۴۴۸: هر گاه یکی از منہاجیات، شوهرش پیش از آن که با او نزدیکی کند، به طوری که در مسئله‌ی پیش گفته شد، مرتد شود، عقدش را باطل بداند و نگهداشتن عده را برای خودش لازم نشمارد. ولی اگر بعد از نزدیکی مرتد شود، در صورتی که یائسه نباشد، باید به دستوری که در احکام طلاق گفته خواهد شد، عده نگه دارد. و چه در بین عده مسلمان شود یا تا آخر عده مرتد بماند، عقدش را باطل بشمارد.

مسئله‌ی ۲۴۴۹: هر گاه یکی از منہاجیات، شوهرش مسلمان زاده باشد و مرتد شود، باید به آنچه در مسئله‌ی قبل گفته شد عمل کند.

مسئله‌ی ۲۴۵۰: هر گاه یکی از منہاجیات، شوهرش غیرمسلمان زاده باشد ولی خودش مسلمان شود و سپس مرتد گردد، باید به آنچه در دو مسأله قبل گفته شد عمل کند.

مسئله‌ی ۲۴۵۱: هر گاه زنتان در عقد با شما شرط کند که او را از شهری بیرون نبرید و شما هم قبول کنید، نباید زنتان را از آن شهر بیرون ببرید، مگر این که خودش راضی شود.

مسئله‌ی ۲۴۵۲: هر گاه زنتان از شوهر دیگرش دختری داشته باشد، می‌توانید آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست، عقد کنید و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کنید، می‌توانید با مادر آن دختر ازدواج نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۵۳: هر گاه منہاجیات مبتلا به زنا شده یا مورد تجاوز قرار گیرند و از زنا حامله شوند، نباید بچه‌شان را سقط کنند.

مسئله‌ی ۲۴۵۴: هر گاه مبتلا به زنا با زنی شوید که شوهر ندارد و در عده‌ی

کسی هم نیست، چنانچه بعد او را عقد کنید و بجهای از شما پیدا شود، در صورتی که ندانید از نطفه‌ی حلال است یا حرام، آن بچه را حلال‌زاده بدانید. مسأله‌ی ۲۴۵۵: هر گاه ندانید که زنی در عده است یا ندانید که نباید زن را در عده عقد کنید و با او ازدواج کنید، بجهای که از شما به دنیا می‌آید را حلال‌زاده بدانید. ولی عقدتان را باطل بشمارید و هرگز نباید با او ازدواج کنید.

مسأله‌ی ۲۴۵۶: هر گاه زنی ادعا کند یائسه است، نباید حرف او را قبول کنید، ولی اگر ادعا کند شوهر ندارد یا در عده نیست، می‌توانید حرف او را قبول کنید.

مسأله‌ی ۲۴۵۷: هر گاه بعد از آن که با زنی ازدواج کردید، کسی بگوید: «آن زن شوهر داشته» و زن بگوید: «نداشتم»، چنانچه شرعاً ثابت نشود که شوهر داشته، باید حرف زن را قبول کنید، مگر این که آن شخص، مورد اعتماد و اطمینان باشد که در این صورت، باید با طلاق از زن جدا شوید.

مسأله‌ی ۲۴۵۸: هر گاه زنتان را طلاق بدهید و آزاد و مسلمان و عاقل باشد، باید سرپرستی پسران را تا دو سال و دخترتان را تا هفت سال به او بسپارید و نباید در این مدت، کودک را از مادرش جدا کنید، به شرط این که زنتان در این مدت، ازدواج نکند.

مسأله‌ی ۲۴۵۹: خوب است در شوهر دادن دخترتان که بالغه است، یعنی توانایی اداره‌ی زندگی مشترک را دارد، سختگیری نکنید.

مسأله‌ی ۲۴۶۰: هر گاه زنتان، مهریه‌اش را به شما صلح کند که زن دیگر نگیرید، نباید دوباره ازدواج کنید. و هر گاه منهجیات، مهریه‌شان را به شوهرشان صلح کنند که او زن دیگری نگیرد، نباید مهریه‌شان را بگیرند.

مسئله‌ی ۲۴۶۱: هر گاه کسی که از زنا به دنیا آمده، زن بگیرد و بچه‌دار شود، آن بچه را حلال‌زاده بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۶۲: نباید در روزی ماه رمضان یا در حال حیض زن، با او نزدیکی کنید، پس اگر چنین کنید، باید استغفار نموده و کفاره بدهید، ولی اگر بچه‌ای از آن نزدیکی به دنیا آید، حلال‌زاده بشمارید.

مسئله‌ی ۲۴۶۳: هر گاه یکی از منہاجیات، یقین کند شوهرش در سفر مرده است، اگر بعد از عده‌ی وفات - که مقدار آن در احکام طلاق گفته خواهد شد - شوهر کند و شوهر اول از سفر برگردد، باید از شوهر دوم جدا شده و به شوهر اولش بپیوندد. ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد، باید عده نگه دارد. و اگر شوهر دوم آن زن باشید، باید مهریه‌ی او را بدهید، ولی پرداخت خرج عده را لازم ندانید.

احکام شیردادن

مسئله‌ی ۲۴۶۴: اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی که در مسئله‌ی ۲۴۷۴ گفته خواهد شد، شیر دهد، آن بچه را به این عده محرم بدانید:

اول: خود زن و آن را «مادر رضاعی» بگویید.

دوم: شوهر زن که شیر، مال اوست و او را «پدر رضاعی» بگویید.

سوم: پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.

چهارم: بچه‌هایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند، یا به دنیا خواهند آمد.

پنجم: بچه‌های اولاد آن زن هر چه پایین روند، چه از اولاد او به دنیا آمده، یا اولاد او آن بچه‌ها را شیر داده باشند.

ششم: خواهر و برادر آن زن، اگر چه رضاعی باشند. یعنی به واسطه‌ی شیر خوردن، با آن زن، خواهر و برادر شده باشند.

هفتم: عمو و عمه‌ی آن زن، اگر چه رضاعی باشند.

هشتم: دایی و خاله‌ی آن زن، اگر چه رضاعی باشند.

نهم: اولاد شوهر آن زن که شیر، مال آن شوهر است، هر چه پایین روند، اگر چه اولاد رضاعی او باشند.

دهم: پدر و مادر شوهر آن زن، که شیر، مال آن شوهر است، هر چه بالا روند.

یازدهم: خواهر و برادر شوهری که شیر، مال اوست، اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند.

دوازدهم: عمو و عمه و دایی و خاله‌ی شوهری که شیر، مال اوست و هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند.

و نیز عده‌ی دیگری که در مسائل بعد گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۲۴۶۵: هر گاه زنی بچه‌تان را با شرایطی که در مسئله‌ی ۲۴۷۴ گفته خواهد شد شیر بدهد، نباید با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند ازدواج کنید و نیز نباید دخترهای شوهری که شیر، مال اوست را برای خود عقد نمایید، بلکه نباید دخترهای رضاعی او را هم برای خود عقد نمایید و نباید نگاه محرمانه، یعنی نگاهی که می‌توانید به محرم‌های خود کنید، به آنان نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۶۶: هر گاه زن‌تان بچه‌ای را با شرایطی که در مسئله‌ی ۲۴۷۴ گفته خواهد شد شیر بدهد، خواهرهای آن بچه را بدین واسطه بر خود محرم ندانید و با آنان ازدواج هم نکنید. و نیز خویشان‌تان را به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده، محرم نشمارید.

مسئله‌ی ۲۴۶۷: هر گاه منہاجیات بچه‌ای را شیر دهند، برادرهای آن بچه را بدین واسطه بر خود مَحْرَم ندانید، و نیز خویشان‌شان را به برادر و خواهر بچه ای که شیر خورده، مَحْرَم نشمارند.

مسئله‌ی ۲۴۶۸: هر گاه با زنی که دختری را شیر کامل داده ازدواج کنید و با آن زن نزدیکی نمایید، هیچگاه نباید آن دختر را برای خود عقد کنید.
مسئله‌ی ۲۴۶۹: هر گاه با دختری ازدواج کنید، هیچگاه نباید با زنی که آن دختر را شیر کامل داده، ازدواج نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۷۰: نباید با دختری که مادر یا مادر بزرگش شما را شیر کامل داده است، ازدواج کنید و نیز اگر زن پدرتان از شیر پدرتان، دختری را شیر داده باشد، نباید با آن دختر ازدواج نمایید، و چنانچه دختر شیرخواری را برای خود عقد کنید، بعد مادر یا مادر بزرگ یا زن پدرتان از شیر پدرتان آن دختر را شیر دهند، عقد را باطل بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۷۱: با دختری که خواهرتان یا زن برادرتان از شیر برادرتان او را شیر کامل داده باشد، نباید ازدواج کنید و همچنین است اگر خواهرزاده یا برادرزاده یا نوهی خواهر یا نوهی برادرتان آن دختر را شیر داده باشند.

مسئله‌ی ۲۴۷۲: منہاجیات نباید بچه‌ی دخترشان را شیر دهند، که اگر چنین کنند، دخترشان باید برای همیشه از شوهرش جدا شود، و همچنین است اگر بچه‌ای که شوهر دخترشان از زن دیگر دارد را شیر دهند. ولی اگر بچه‌ی پسر خود را شیر دهند، زن پسرشان که مادر آن کودک شیرخوار است را بر شوهرش حرام ندانید.

مسئله‌ی ۲۴۷۳: هر گاه زن پدر منہاجیات، بچه‌ی شوهرشان را از شیر پدرشان شیر دهد، باید برای همیشه از شوهرشان جدا شوند، چه بچه‌ی

خودشان باشد یا بچه‌ی زن دیگر شوهرشان.

شرایط شیر دادنی که باید علت محرم شدن بدانید

مسأله‌ی ۲۴۷۴: نه شرط را برای شیر دادنی که علت محرم شدن است، لازم بدانید:

اول: بچه از شیر زن زنده بخورد، پس اگر از پستان زنی که مرده است شیر بخورد، موجب ایجاد محرمیت ندانید.

دوم: شیر آن زن از حرام نباشد، پس اگر شیر بچه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه‌ی دیگر بدهید، بچه را به واسطه‌ی آن شیر بر کسی محرم ندانید.
سوم: بچه، شیر را از پستان بمکد، پس اگر شیر را در گلوی او بریزید، موجب ایجاد محرمیت ندانید.

چهارم: شیر، خالص بوده و با چیز دیگری مخلوط نباشد.

پنجم: شیر از یک شوهر باشد. پس اگر زن شیردهی را طلاق دهید، بعد شوهر دیگری کند و از او حامله شود و تا موقع زاییدن، شیری که از شوهر اول داشته باقی باشد و مثلاً هشت دفعه پیش از زاییدن از شیر شوهر اول و هفت دفعه بعد از زاییدن از شیر شوهر دوم به بچه‌ای بدهد، بچه را به واسطه‌ی آن شیر بر کسی محرم ندانید.

ششم: بچه به واسطه‌ی مرض، شیر را قی نکند، ولی اگر قی کند، کسانی که به واسطه‌ی شیر خوردن به آن بچه محرم می‌شوید، نباید با او ازدواج کنید و نگاه محرمانه هم به او ننمایید.

هفتم: پانزده مرتبه یا یک شبانه‌روز - به طوری که در مسأله‌ی بعدی گفته خواهد شد - از شیر، سیر بخورد یا مقداری شیر به او بدهید که بگویند از آن شیر، استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است، بلکه اگر ده

مرتبه هم به او شیر دهید، کسانی که به واسطه‌ی شیر خوردن به او محرم می‌شوید با او ازدواج نکنید و نگاه محرمانه هم به او ننمایید.

هشتم: دو سال بچه تمام نشده باشد، پس اگر بعد از تمام شدن دو سالگی او را شیر بدهید، موجب ایجاد محرمیت به کسی ندانید بلکه اگر مثلاً پیش از تمام شدن دو سال، چهارده مرتبه و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد، باز هم موجب ایجاد محرمیت به کسی ندانید، ولی چنانچه از موقع زاییدن زن شیرده، بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه‌ای را شیر دهد، نباید با او ازدواج کنید و نگاه محرمانه هم به او ننمایید.

نهم: شیر از زایمان باشد، پس خوردن شیری که بدون زایمان در پستان زن یا مرد پیدا شده را موجب محرمیت ندانید.

مسئله‌ی ۲۴۷۵: شیر خوردنی را موجب محرمیت بدانید که شیرخوار در بین یک شبانه‌روز، غذا یا شیر زن دیگری را نخورد، ولی اگر کمی غذا بخورد که نگویند در بین، غذا خورده، دارای اشکال ندانید. و نیز باید پانزده مرتبه را از شیر یک زن بخورد و در بین پانزده مرتبه، شیر دیگری را نخورد و در هر دفعه، بدون فاصله شیر بخورد، ولی اگر در بین شیر خوردن، نفس تازه کند یا کمی صبر کند که از اولی که پستان در دهان می‌گیرد تا وقتی سیر می‌شود، یک دفعه حساب شود، دارای اشکال ندانید.

مسئله‌ی ۲۴۷۶: هر گاه زنی از شیر شوهر خود بچه‌ای را شیر دهد، بعد شوهر دیگری کند و از شیر آن شوهر هم بچه‌ی دیگری را شیر دهد، آن دو بچه، نباید با هم ازدواج کنند ولی نگاه محرمانه نیز به یکدیگر ننمایند.

مسئله‌ی ۲۴۷۷: هر گاه زنی از شیر یک شوهر، چندین بچه را شیر دهد، همه‌ی آنان باید خود را به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده،

مَحْرَم بدانند.

مسئله‌ی ۲۴۷۸: هر گاه کسی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان - با شرایطی که گفته شد - بچه‌ای را شیر دهد، همه‌ی آن بچه‌ها باید خود را به یکدیگر و به آن مرد و به همه‌ی آن زن‌ها مَحْرَم بدانند.

مسئله‌ی ۲۴۷۹: هر گاه دو زن شیرده داشته باشید و یکی از آنان بچه‌ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر بدهد، آن شیردادن را موجب محرمیت آن بچه ندانید.

مسئله‌ی ۲۴۸۰: هر گاه زنی از شیر یک شوهر، پسر و دختری را شیر کامل بدهد، خواهر و برادر آن دختر نباید خود را با خواهر و برادر آن پسر، مَحْرَم بدانند ولی با یکدیگر ازدواج هم نکنند.

مسئله‌ی ۲۴۸۱: نباید بدون اجازة‌ی زن خود با زن‌هایی که به واسطه‌ی شیر خوردن، خواهرزاده یا برادر زاده‌ی زنتان شده‌اند ازدواج کنید و نیز اگر گرفتار لواط با پسری شده باشید، نباید با دختر، خواهر، مادر و مادر بزرگ آن پسر که رضاعی هستند، یعنی به واسطه‌ی شیر خوردن، دختر، خواهر و مادر او شده‌اند، ازدواج نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۸۲: زنی که برادرتان را شیر داده را مَحْرَم ندانید، ولی با او ازدواج نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۸۳: نباید با دو خواهر - اگر چه رضاعی باشند، یعنی به واسطه‌ی شیر خوردن خواهر یکدیگر شده باشند - ازدواج کنید و چنانچه دو زن را عقد کنید و بعد بفهمید خواهر بوده‌اند، در صورتی که عقد آنان در یک وقت بوده، هر دو را باطل بشمارید و اگر در یک وقت نبوده، عقد اولی را صحیح و عقد دومی را باطل بدانید.

مسئله‌ی ۲۴۸۴: منہاجیات نباید به چند گروه شیر بدهند:

اول: برادر و خواهر خودشان.

دوم: عمو، عمه، دایی و خاله‌ی خودشان.

سوم: اولاد عمو و اولاد دایی خودشان.

چهارم: برادرزاده‌ی خودشان.

پنجم: برادر شوهر یا خواهر شوهرشان.

ششم: خواهرزاده‌ی خود یا خواهرزاده‌ی شوهرشان.

هفتم: عمو، عمه، دایی و خاله‌ی شوهرشان.

هشتم: نوه‌ی زن دیگر شوهرشان.

مسئله‌ی ۲۴۸۵: زنی که دختر عمه یا دختر خاله‌تان را شیر داده را محرم

ندانید، ولی از ازدواج با او نیز خودداری نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۸۶: هر گاه یکی از زن‌هایتان فرزند عموی زن دیگرتان را شیر

دهد، موجب حرام شدن زنی که فرزند عموییش شیر خورده بر خود ندانید.

آداب شیر دادن

مسئله‌ی ۲۴۸۷: بهترین زن برای شیر دادن به بچه را مادر او بدانید و سزاوار

است منہاجیات برای شیر دادن از شوهر خود مزد نگیرند، ولی خوب است

که به زنانان برای شیردادن مزد بدهید و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد

بگیرد، می‌توانید بچه را از او گرفته و به دایه بدهید.

مسئله‌ی ۲۴۸۸: دایه‌ای که برای کودک می‌گیرید، دوازده امامی و دارای عقل

و عفت و صورت نیکو باشد و شیرخواران را به دایه‌ی کم عقل یا غیر دوازده

امامی یا بد صورت یا بد اخلاق یا زنازاده یا دایه‌ای که از زنا بچه‌دار شده،

ندهید.

مسائل متفرقه‌ی شیردادن

مسئله‌ی ۲۴۸۹: باید منہاجیات به هر بچہ‌ای که شیر کامل می‌دهند، به دقت ثبت کنند تا بعدها فراموش نشود و دو نفر مَحرم با یکدیگر ازدواج نکنند.

مسئله‌ی ۲۴۹۰: خوب است کسانی که به واسطه‌ی شیر خوردن، با شما خویشی پیدا کرده‌اند را احترام نمایید، ولی نباید از یکدیگر ارث ببرید.

مسئله‌ی ۲۴۹۱: منہاجیات باید در صورتی که ممکن باشد، فرزندشان را دو سال تمام شیر بدهند و اگر امکان نداشت، بیست و یک ماه را حتماً شیر بدهند.

مسئله‌ی ۲۴۹۲: منہاجیات نباید بدون اجازه‌ی شوهرشان به بچہ‌ی دیگری شیر بدهند. و نباید بچہ‌ای را شیر بدهند که به واسطه‌ی شیردادن به آن بچہ، به شوهرشان حرام شود؛ مثلاً اگر شوهرشان دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد، نباید آن دختر را شیر دهند، چون اگر آن دختر را شیر دهند، مادر زن شوهرشان شده و بر او حرام می‌گردد.

مسئله‌ی ۲۴۹۳: هر گاه دختر شیرخواری را با اجازه‌ی ولی‌اش برای خود عقد موقت کنید و زن برادران - با شرایطی که در مساله‌ی ۲۴۷۴ گفته شد - به او شیر بدهد، آن دختر و همچنین زن برادران را محرم ندانید، ولی هرگز با زن برادران، اگر از برادران جدا شود یا بعد از مردن برادران، و همچنین آن دختر، ازدواج نکنید.

مسئله‌ی ۲۴۹۴: هر گاه پیش از آن که زنی را برای خود عقد کنید، بفهمید که آن زن به واسطه‌ی شیر خوردن بر شما حرام شده، نباید با او ازدواج کنید. و اگر بعد از عقد بفهمید، عقد را باطل بشمارید. پس اگر با او نزدیکی نکرده باشید یا نزدیکی کرده باشید و زن در وقت نزدیکی کردن می‌دانسته بر شما

حرام است، پرداخت مهریه‌اش را لازم ندانید، ولی اگر او نیز بعد از نزدیکی بفهمد که بر شما حرام بوده، باید مهریه‌اش را مطابق زن‌هایی که مثل او هستند، بدهید. و در تفاوت مهریه‌ی خودش با مهریه‌ی زنان مثل او، با هم مصالحه نمایید.

مسئله‌ی ۲۴۹۵: هر گاه منہاجیات پیش از آن که به عقد مردی در آیند، بفهمند که با او به واسطه‌ی شیر خوردن محرم هستند، نباید به همسری‌اش رضایت دهند و اگر بعد از عقد بفهمند، چنانچه نزدیکی نکرده باشند، عقدشان را باطل بشمارند و نباید مهریه بگیرند، ولی اگر نزدیکی کرده باشند، از شوهرشان جدا شوند و بر مقدار مهریه با او مصالحه کنند.

مسئله‌ی ۲۴۹۶: شیر دادنی که باید علت محرم شدن بدانید را به دو چیز ثابت بشمارید:

اول: خبردان عده‌ای که از گفته‌ی آنان یقین برایتان حاصل شود.

دوم: شهادت دو مرد عادل یا یک مرد و دو زن عادل یا چهار زن عادل. و این دو گروه باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلاً بگویند: «ما دیده‌ایم که فلان بچه، یک شبانه‌روز از پستان فلان زن شیر خورده و چیزی هم در بینش نخورده» و همچنین سایر شرطها - که در مسئله‌ی ۲۴۷۴ گفته شد - را شرح دهند.

مسئله‌ی ۲۴۹۷: هر گاه شک کنید در دوران شیرخواری، از زنی به مقداری که علت محرم شدن است، شیر خورده‌اید یا نه، یا گمان داشته باشید که به آن مقدار شیر خورده‌اید، آن شیر خوردن را موجب ایجاد محرمیت ندانید و از ازدواج با کسانی که می‌توانستند به واسطه‌ی آن شیر بر شما محرم باشند، خودداری نمایید.

احکام طلاق

مسئله‌ی ۲۴۹۸: هر گاه بخواهید زن خود را طلاق بدهید، باید عاقل و بالغ باشید و به اختیار خودتان طلاق بدهید. پس اگر مجبورتان کرده باشند زنتان را طلاق بدهید، آن طلاق را باطل بشمارید. و نیز باید قصد طلاق داشته باشید، پس اگر صیغه‌ی طلاق را به شوخی بگویید، طلاق را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۴۹۹: زنی را که می‌خواهید طلاق بدهید، باید در وقت طلاق، از خون حیض و نفاس پاک باشد و در آن پاکی یا در حال نفاس یا حیضی که پیش از این پاکی بوده با او نزدیکی نکرده باشید، و تفصیل این دو شرط در مسائل آینده گفته خواهد شد.

مسئله‌ی ۲۵۰۰: در دو صورت می‌توانید زنتان را در حال حیض یا نفاس طلاق بدهید:

اول: آن‌که بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشید.

دوم: به واسطه‌ی غایب بودن زن، نتوانید بفهمید که زنتان از خون حیض یا نفاس پاک است یا نه.

مسئله‌ی ۲۵۰۱: هرگاه زنتان را از خون حیض پاک بدانید و طلاقش دهید، بعد معلوم شود موقع طلاق در حال حیض بوده، طلاق را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۵۰۲: هر گاه بدانید زنتان در حال حیض یا نفاس است، اگر غایب شود، مثلاً به مسافرت برود و بخواهید او را طلاق دهید، باید تا مدتی که معمولاً زن‌ها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند، صبر کنید.

مسئله‌ی ۲۵۰۳: هر گاه بخواهید زنتان که غایب است را طلاق دهید، چنانچه بتوانید اطلاع پیدا کنید که زن در حال حیض یا نفاس است یا نه، اگر چه از روی عادت حیض زن یا نشانه‌های دیگری باشد که در شرع معین شده، باید

تا مدتی که معمولاً زن‌ها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند، صبر کنید. مسأله‌ی ۲۵۰۴: هر گاه با زنتان که از خون حیض و نفاس پاک است، نزدیکی کنید و بخواهید طلاقش دهید، باید صبر کنید تا دوباره حیض ببیند و پاک شود. و همچنین اگر در حال حیض یا نفاس با او نزدیکی کنید، نباید در پاکی بعد از آن حیض یا نفاس او را طلاق دهید، اگر چه در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشید. ولی زنی که نه سالش تمام نشده، یا حامله است را می‌توانید بعد از نزدیکی طلاق دهید، و همچنین است اگر زنتان یائسه باشد، یعنی اگر سیده است بیشتر از شصت سال و اگر سیده نیست، بیشتر از پنجاه سال داشته باشد.

مسأله‌ی ۲۵۰۵: هرگاه با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است، نزدیکی کنید و در همان پاکی طلاقش دهید، اگر بعد معلوم شود که موقع طلاق حامله بوده، باید دوباره او را طلاق دهید.

مسأله‌ی ۲۵۰۶: هر گاه با زنتان که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کنید و مسافرت نمایید، چنانچه بخواهید در سفر طلاقش دهید، باید به قدری که زن معمولاً بعد از آن پاکی، خون می‌بیند و دوباره پاک می‌شود، صبر کنید.

مسأله‌ی ۲۵۰۷: هر گاه بخواهید زن خود را که به واسطه‌ی مرضی حیض نمی‌بیند، طلاق دهید، باید از وقتی که با او نزدیکی کرده‌اید، تا سه ماه از نزدیکی با او خودداری نمایید و بعد او را طلاق دهید.

مسأله‌ی ۲۵۰۸: طلاق را باید به صیغه‌ی عربی صحیح بخوانید و دو مرد عادل آن را بشنوند. اگر خودتان بخواهید صیغه‌ی طلاق را بخوانید و اسم زنتان مثلاً عایشه باشد، باید بگویید: «رُؤِجَتِی عَیْشَةُ طَالِقٌ» یعنی زن من عایشه، رها

است، و هر گاه بخواهید وکیل دیگری در طلاق شوید و اسم زن وکیلتان مثلاً عایشه باشد، باید بگویید: «زَوْجَةُ مُوَكَّلِي عَائِشَةُ طَالِقٌ»

مسئله‌ی ۲۵۰۹: ازدواج موقت را دارای طلاق ندانید و شاهد گرفتن و پاک بودن زن از حیض را لازم ندانید. و رها شدن زن از شوهر موقتش را به یکی از دو راه بدانید:

اول: این که مدت تعیین شده در زمان خواندن صیغه‌ی عقد موقت، فرا برسد.
دوم: این که شوهر، باقیمانده‌ی مدت ازدواج را به زن موقتش ببخشد.

عده‌ی طلاق

مسئله‌ی ۲۵۱۰: منہاجیاتی که نه سالتان تمام نشده و منہاجیاتی که یائسه هستند، می‌توانند بلافاصله بعد از طلاق - اگر چه شوهرشان با آنها نزدیکی کرده باشد - ازدواج کنند.

مسئله‌ی ۲۵۱۱: منہاجیاتی که نه سالشان تمام شده و یائسه نیستند، هر گاه شوهرشان با آنها نزدیکی کرده باشد و طلاقشان دهد، بعد از طلاق باید عده نگه‌دارند یعنی به قدری صبر کنند که دو بار حیض ببینند و پاک شوند و همین که حیض سوم را دیدند، عده‌شان را تمام شده بدانند و می‌توانند شوهر کنند، ولی اگر شوهرشان پیش از نزدیکی با آنها طلاقشان دهد، نگه داشتن عده را لازم ندانند و می‌توانند فوراً بعد از طلاق، شوهر کنند.

مسئله‌ی ۲۵۱۲: منہاجیاتی که حیض نمی‌بینند، اگر در سن زن‌هایی باشند که حیض می‌بینند، چنانچه شوهرشان بعد از نزدیکی کردن آنها را طلاق دهد، باید بعد از طلاق، تا سه ماه عده نگه‌دارند.

مسئله‌ی ۲۵۱۳: منہاجیاتی که عده‌شان سه ماه است، باید نود روز از روز بعد از طلاق، حساب کنند.

مسئله‌ی ۲۵۱۴: هر گاه منہاجیات از شوهرشان حامله باشند، اگر شوهرشان ایشان را طلاق بدهد، پایان عده‌شان را به دنیا آمدن یا سقط شدن جنین‌شان بدانند، اگر چه مثلاً یک ساعت بعد از طلاق باشد. ولی اگر از زنا یا شبهه حامله باشند، باید بعد از طلاق، تا سه پاکی یا سه ماه، از ازدواج خودداری نمایند.

مسئله‌ی ۲۵۱۵: هر گاه منہاجیاتی که نه سالشان تمام شده و یائسه نیستند، به ازدواج موقت کسی در آیند، چنانچه شوهرشان با ایشان نزدیکی نماید و مدت ازدواجشان تمام شود، یا شوهرشان باقیمانده‌ی مدت را به ایشان ببخشد، در صورتی که حیض می‌بینند، باید به مقدار دو حیض و اگر حیض نمی‌بینند، به مدت چهل و پنج روز، از شوهر کردن خودداری نمایند.

مسئله‌ی ۲۵۱۶: منہاجیات باید ابتدای عده‌ی طلاقشان را از موقع خوانده شدن صیغه‌ی طلاق حساب کنند، چه بدانند طلاقشان داده‌اند و چه ندانند، پس اگر منہاجیات بعد از تمام شدن عده بفهمند که طلاق داده شده‌اند، دوباره عده نگه‌داشتن را لازم ندانند.

عده‌ی منہاجیاتی که شوهرشان مرده است

مسئله‌ی ۲۵۱۷: منہاجیاتی که شوهرشان مرده، اگر حامله نباشند، باید تا چهار ماه و ده روز عده نگهدارند یعنی از شوهر کردن خودداری نمایند، اگر چه یائسه یا همسر موقت باشند، یا شوهرشان با ایشان نزدیکی نکرده باشد. ولی اگر حامله باشند، باید تا موقع تولد یا سقط جنینشان عده نگهدارند، ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز، بچه‌شان به دنیا آید یا سقط شود، باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرشان صبر کنند، و این عده را «عده‌ی وفات» گویند.

مسئله‌ی ۲۵۱۸: منہاجیاتی که در عده‌ی وفات هستند، نباید لباسی که زینت حساب می‌شود، بپوشند و نباید سرمه بکشند و باید از هر گونه زینت و آرایشی خودداری نمایند.

مسئله‌ی ۲۵۱۹: هر گاه یکی از منہاجیات یقین کند که شوهرش مرده و بعد از تمام شدن عده‌ی وفات، ازدواج کند، چنانچه معلوم شود شوهرش بعداً مرده است و ازدواجش با شوهر دوم بعد از مردن شوهر اول اتفاق افتاده است، باید از شوهر دوم جدا شود و در صورتی که حامله باشد، تا زایمان یا سقط جنین صبر کند، سپس چهار ماه و ده روز برای شوهر اول عده‌ی وفات نگه دارد. و اگر حامله نباشد، باید از روزی که خبر صحیح مرگ شوهر اولش را دریافت کرد، چهار ماه و ده روز برای شوهر اول، عده‌ی وفات نگه دارد، سپس برای شوهر دوم، عده‌ی طلاق نگهدارد.

مسئله‌ی ۲۵۲۰: منہاجیات باید ابتدای عده‌ی وفات را از موقعی که از مرگ شوهرشان مطلع می‌شوند قرار دهند.

مسئله‌ی ۲۵۲۱: هر گاه زنی بگوید: «عده‌ام تمام شده»، با دو شرط از او قبول کنید:

اول: آن که مورد تهمت نباشد.

دوم: آن که از طلاق یا مردن شوهرش به قدری گذشته باشد که در آن مدت، تمام شدن عده ممکن باشد.

طلاق بائن و طلاق رجعی

مسئله‌ی ۲۵۲۲: «طلاق بائن» را آن طلاقی بدانید که بعد از طلاق، نباید به زن خود رجوع کنید یعنی نباید بدون عقد، او را به زنی قبول نمایید و آن را بر شش قسم بدانید:

اول: طلاق زنتان که نُه سالش تمام نشده باشد.
دوم: طلاق زنتان که یائسه باشد. یعنی اگر سیده است بیشتر از شصت سال و اگر سیده نیست بیشتر از پنجاه سال داشته باشد.
سوم: طلاق زنتان که بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشید.
چهارم: طلاق زنتان که او را سه دفعه طلاق داده باشید.
پنجم: طلاق خُلع و مبارات. و احکام اینها بعداً گفته خواهد شد.
ششم: طلاق حاکم شرع. یعنی هر گاه نه حاضر باشید مخارج زندگانی زنتان را بدهید، و نه حاضر باشید او را طلاق دهید، حاکم شرع او را طلاق بدهد. و غیر اینها را «طلاق رجعی» بدانید، یعنی بعد از طلاق تا وقتی زن در عدّه است، می‌توانید به او رجوع نمایید و بدون نیاز به عقد مجدد، زنتان محسوب شود.

مسأله‌ی ۲۵۲۳: هر گاه زنتان را طلاق رجعی دهید، باید در مدت عدّه، مخارجش را بپردازید، و نباید او را از خانه‌ای که موقع طلاق در آن خانه بوده بیرون کنید، ولی در بعضی از مواقع - مثل این که زن، فحاشی کند یا رفت و آمد با مردان نامحرم داشته باشد - می‌توانید بیرونش کنید. و منهجیات در عده‌ی طلاق رجعی، نباید برای کارهای غیر لازم، بدون اجازه‌ی شوهرشان از آن خانه بیرون روند.

احکام رجوع کردن

مسأله‌ی ۲۵۲۴: بعد از طلاق رجعی، به دو روش می‌توانید به زنتان رجوع کنید:

- اول: حرفی بزنید که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده‌اید.
- دوم: کاری کنید که از آن رجوع فهمیده شود.

ولی اگر در عده، بدون قصد رجوع، کامجویی جنسی مانند نزدیکی، بوسیدن و لمس کردن شهوانی داشته باشید، باید زنتان را دوباره طلاق بدهید.
مسئله‌ی ۲۵۲۵: بهتر است برای رجوع کردن شاهد بگیرید و به زن خبر دهید، ولی اگر بعد از تمام شدن عده بگویید: «در عده رجوع نموده‌ام» و زن تصدیق نکند، باید اثبات نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۲۶: هر گاه از زنی که او را طلاق رجعی داده‌اید، مالی بگیرید و با او صلح کنید که دیگر به او رجوع نکنید، نباید به او رجوع کنید.

مسئله‌ی ۲۵۲۷: هر گاه زنتان را دو بار طلاق دهید و به او رجوع کنید، یا دو بار او را طلاق دهید و بعد از گذشت عده‌ی هر طلاق، عقدش کنید، یا بعد از یک طلاق، رجوع کنید و بعد از طلاق دیگر عقدش کنید، بعد از طلاق سوم، نباید با آن زن ازدواج کنید. ولی اگر بعد از طلاق سوم با شخص دیگری ازدواج کند، با پنج شرط می‌توانید دوباره با او ازدواج کنید:

اول: آن‌که عقد شوهر دوم، دائمی باشد. پس اگر مثلاً یک ماهه یا یک ساله او را عقد موقت کند، بعد از آن که از او جدا شد، نمی‌توانید او را عقد کنید.
دوم: شوهر دوم، بالغ باشد. پس هر گاه با کودکی ازدواج کند، نمی‌توانید بعد از جدایی، با او ازدواج کنید.

سوم: شوهر دوم با او از جلو نزدیکی و دخول کرده باشد به نحوی که هر دو لذت برده باشد، و شوهر، انزال منی داشته باشد.

چهارم: شوهر دوم طلاقش دهد یا بمیرد.

پنجم: زن، عده‌ی طلاق یا عده‌ی وفات شوهر دومش تمام شده باشد.

طلاق خلع

مسئله‌ی ۲۵۲۸: طلاق زنی که به شوهرش مایل نیست و ترس مبتلا شدن

به فحشاء دارد و مهریه یا مال دیگر خود را به شوهر می‌بخشد تا طلاقش دهد را «طلاق خلع» گویند.

مسئله‌ی ۲۵۲۹: هر گاه خودتان بخواهید صیغه‌ی طلاق خلع زنتان را بخوانید، چنانچه اسم زنتان مثلاً عایشه باشد، پس از بذل و قبول آن بگویید: «زَوْجَتِي عَائِشَةُ خَلَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ» و نیز بگویید: «زَوْجَتِي عَائِشَةُ خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ هِيَ طَالِقٌ» یعنی زنم عایشه را طلاق خلع دادم، او رها است.

مسئله‌ی ۲۵۳۰: هر گاه از طرف زنی وکیل شوید که مهریه‌ی او را به شوهرش ببخشید و شوهرش نیز شما را وکیل کند که زنش را طلاق دهید، چنانچه اسم شوهر، خالد و اسم زن عایشه باشد، باید بعد از بذل و قبول بذل از طرف شوهر، صیغه‌ی خلع را این طور بخوانید: «عَنْ مُوَكَّلَتِي عَائِشَةَ بَدَلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِي خَالِدٍ لِيَخْلَعَهَا عَلَيَّ» پس از آن بدون فاصله بگویید: «زَوْجَةُ مُوَكَّلِي خَلَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ فَهِيَ طَالِقٌ» و نیز بگویید: «زَوْجَةُ مُوَكَّلِي خَالَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَلْتُ فَهِيَ طَالِقٌ» و هر گاه زن بخواهد چیزی غیر از مهریه‌اش را به شوهرش ببخشد که او را طلاق دهد، باید به جای کلمه‌ی «مهرها» آن چیز را بگویید، مثلاً اگر صد هزار تومان داده، باید بگویید: «بَدَلْتُ مِائَةَ أَلْفِ تَومَانٍ».

طلاق مبارات

مسئله‌ی ۲۵۳۱: هر گاه زن و شوهری یکدیگر را نخواهند و زن، مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد، آن طلاق را «مبارات» گویند.

مسئله‌ی ۲۵۳۲: هر گاه خودتان بخواهید صیغه‌ی مبارات را بخوانید، چنانچه مثلاً اسم زنتان عایشه باشد، و آنچه می‌بخشد، مهریه‌اش باشد، باید بگویید: «بَارَأْتُ زَوْجَتِي عَائِشَةَ عَلَيَّ مَهْرَهَا فَهِيَ طَالِقٌ» یعنی مبارات کردم زنم عایشه را در مقابل مهریه‌اش، پس او رها است، و چنانچه آن مال، غیر از مهریه

باشد، باید بگویید: «بَارَأْتُ زَوْجَتِي عَائِشَةَ عَلَى مَا بَدَلْتُ فِيهَا طَالِقٌ» و اگر وکیل دیگری شده‌اید، در صورتی که آنچه می‌بخشد، مهریه‌اش باشد، باید بگویید: «بَارَأْتُ زَوْجَةَ مُوَكَّلِي عَائِشَةَ عَلَى مَهْرهَا فِيهَا طَالِقٌ» و در صورتی که آنچه می‌بخشد، مالی غیر از مهریه‌اش باشد، باید بگویید: «بَارَأْتُ زَوْجَةَ مُوَكَّلِي عَائِشَةَ عَلَى مَا بَدَلْتُ فِيهَا طَالِقٌ».

مسئله‌ی ۲۵۳۳: صیغه‌ی طلاق خلع و مبارات را باید به عربی صحیح بخوانید، ولی می‌توانید بذل و قبول را به زبان غیر عربی بگویید. مثلاً زن می‌تواند برای آن که مال خود را به شوهرش ببخشد، به فارسی بگوید: «برای این که مرا طلاق بدهی، مهریه‌ام یا فلان مال را به تو بخشیدم» و شوهرش نیز می‌تواند به فارسی قبول کند.

مسئله‌ی ۲۵۳۴: هر گاه زن‌تان در بین عده‌ی طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد، می‌توانید رجوع کنید و بدون عقد، دوباره او را زن خود بدانید.
مسئله‌ی ۲۵۳۵: هر گاه با زن‌تان مبارات کنید، نباید مالی را که برای طلاق مبارات می‌گیرید، بیشتر از مهریه‌ی زن‌تان باشد، ولی در طلاق خلع می‌توانید بیشتر بگیرید.

مسائل متفرقه‌ی طلاق

مسئله‌ی ۲۵۳۶: هر گاه مردی بخواهد با یکی از منہاجیات - به گمان این که زن خودش است - نزدیکی کند، اگر منہاجیات بدانند که شوهرشان نیست، باید او را آگاه کرده و مانع نزدیکی‌اش شوند، ولی اگر گمان کنند شوهرشان است و تسلیم او شوند، باید عده نگهدارند.

مسئله‌ی ۲۵۳۷: هر گاه یکی از منہاجیات، مبتلا به زنا شد، باید عده نگه دارد.

مسئله‌ی ۲۵۳۸: نباید زن شوهرداری را ترغیب کنید تا از شوهرش طلاق بگیرد و با شما ازدواج نماید، ولی اگر چنین شد، طلاق و عقد را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۵۳۹: منهاجیات نباید اختیار طلاق را شرط ضمن عقد ازدواجشان کنند، ولی می‌توانند وکالت از طرف شوهر را شرط ضمن عقد نمایند که هرگاه مسافرت کند یا مثلاً تا شش ماه خرجی‌شان را ندهد یا معتاد شود، وکالت داشته باشند خود را طلاق بدهند. و اگر چنین شرطی را در ضمن عقد قبول کردید، نباید زنتان را از وکالت عزل نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۴۰: منهاجیاتی که شوهرشان گم شده، اگر بخواهند با مرد دیگری ازدواج کنند، باید به نزد مجتهد عادل بروند و به دستور او عمل نمایند.

مسئله‌ی ۲۵۴۱: می‌توانید زن پسر یا زن نوه‌ی پسری‌تان که دیوانه باشد و دیوانگی‌اش متصل به زمان صغیر بودنش باشد، اگر به مصلحت او می‌دانید، را با اجازه‌ی حاکم شرع طلاق بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۴۲: هر گاه برای پسر یا نوه‌ی پسری‌تان، زنی را عقد موقت کنید، چنانچه صلاح بچه باشد، می‌توانید مدت آن زن را ببخشید، اگر چه مقداری از زمان تکلیف بچه نیز جزء مدت عقد موقت باشد، مثل این که برای پسر یا نوه‌ی پسری چهارده ساله‌تان زنی را عقد دو ساله کنید، ولی زن دائمی او را نباید طلاق دهید.

مسئله‌ی ۲۵۴۳: هر گاه مردی از روی علاماتی که در شرع معین شده، دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنان طلاق دهد، اگر آن دو نفر یا یکی از آنها را عادل نمی‌دانید، نباید آن زن را برای خودتان یا برای شخص دیگری

عقد کنید.

مسئله‌ی ۲۵۴۴: هر گاه زنتان را طلاق دهید، او را مطلع نمایید.

احکام غصب

غصب را آن بدانید که از روی ظلم، بر مال یا حق کسی مسلط شوید و این را یکی از گناهان بزرگ بشمارید که اگر انجام دهید، در قیامت به عذاب گرفتار خواهید شد. از استاد اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده است که هر کس یک وجب زمین از دیگری غصب کند، در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن، مثل گردنبند بر گردن او خواهند انداخت.

مسئله‌ی ۲۵۴۵: نباید مردم را از استفاده از مکان‌های عمومی مانند مسجد، مدرسه، حمام و پل، محروم کنید. همچنین نباید جای کسی که در مسجد، جا گرفته را بگیرید.

مسئله‌ی ۲۵۴۶: چیزی را که پیش طلبکاران گرو می‌گذارید، باید پیش او بماند که اگر طلب او را ندهید، طلب خود را از آن به دست آورد، پس نباید پیش از آن که طلب او را بدهید، آن چیز را از او بگیرید، و اگر چنین کنید، خود را غصب‌کننده‌ی حق او بدانید.

مسئله‌ی ۲۵۴۷: هر گاه مالی که نزد کسی گرو گذاشته‌اید، توسط دیگری غصب شود، می‌توانید از او مطالبه نمایید، همچنین هر گاه طلبکار باشید و مالی که در نزدتان گرو است، غصب شود، می‌توانید از غاصب مطالبه نمایید. و چنانچه آن چیز را از او بگیرید، باز هم در گرو است، و اگر آن چیز از بین برود و عوض آن را بگیرید، آن عوض هم مثل خود آن چیز در گرو می‌باشد.

مسئله‌ی ۲۵۴۸: هر گاه چیزی را غضب کنید، باید به صاحبش برگردانید و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهید یا از او بخواهید که حقش را ببخشد.

مسئله‌ی ۲۵۴۹: هر گاه از چیزی که غضب کرده‌اید، منفعتی به دست آورید، مثلاً از گوسفندی که غضب کرده‌اید، بره‌ای متولد شود، مال صاحب گوسفند بدانید، و نیز هر گاه مثلاً خانه‌ای را غضب کرده باشید، اگر چه در آن ننشسته‌اید، باید اجاره‌ی آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۵۰: هر گاه از بچه یا دیوانه، چیزی را غضب کنید، باید آن را به ولی او بدهید و اگر از بین رفته، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۵۱: هرگاه با کمک شخص دیگری چیزی را غضب کنید، اگر می‌توانسته‌اید به تنهایی آن را غضب نمایید، خود را ضامن تمام آن چیز بدانید.

مسئله‌ی ۲۵۵۲: هر گاه چیزی که غضب کرده‌اید را با چیز دیگری مخلوط کنید، مثلاً گندمی که غضب کرده‌اید را با جو مخلوط نمایید، چنانچه جدا کردن آنها ممکن است، اگر چه زحمت داشته باشد، باید جدا کرده و به صاحبش برگردانید.

مسئله‌ی ۲۵۵۳: هر گاه ظرف طلا و نقره یا چیز دیگری که نباید ساخته شود را غضب کرده و خراب نمایید، پرداخت مزد ساختن آن چیز به صاحبش را لازم ندانید، ولی اگر مثلاً گوشواره‌ای را غضب کرده و خراب نمایید، باید آن را با مزد ساختش به صاحب آن بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۵۴: هر گاه چیزی که غضب کرده‌اید را به طوری تغییر دهید که از اولش بهتر شود، مثلاً طلایی که غضب کرده‌اید را گوشواره بسازید، چنانچه صاحب مال، مالش را به همان صورت از شما بخواهد، باید به همان صورت

به او بدهید و از او برای زحمتی که کشیده‌اید، مزد نگیرید، بلکه بدون اجازه ی مالک، نباید آن را به صورت اولش درآورید، و اگر بدون اجازه‌ی او، آن چیز را مثل اولش کنید، باید تفاوت قیمت ساخته و نساخته‌ی آن را هم به صاحبش بدهید. و در صورتی که مزد ساختن، کمتر از تفاوت ساخته و نساخته باشد، باید تفاوت قیمت را هم بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۵۵: اگر چیزی را که غصب کرده‌اید به طوری تغییر دهید که از اولش بهتر شود، ولی صاحب مال بگوید: «باید آن را به صورت اول درآوری»، باید آن را به صورت اولش درآورید، و چنانچه قیمت آن به واسطه‌ی تغییر دادن، از اولش کمتر شود، باید تفاوت آن را به صاحبش بدهید، پس هر گاه طلایی که غصب کرده‌اید را گوشواره بسازید و صاحب آن بگوید: «باید به صورت اولش درآوری»، در صورتی که بعد از آب کردن، قیمت آن از پیش از گوشواره ساختن کمتر شود، باید تفاوت آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۵۶: هر گاه زمینی را غصب کرده و در آن زراعت کنید، یا درخت بنشانید، زراعت و درخت و میوه‌ی آن را مال خودتان بدانید، و چنانچه صاحب زمین راضی نباشد که زراعت و درخت در زمینش بماند، باید فوراً زراعت یا درخت خود را، اگر چه ضرر نمایید، از زمین بکنید، و نیز باید اجاره‌ی زمین را در مدتی که زراعت و درخت در آن بوده به صاحب زمین بدهید، و خرابی‌هایی که در زمین پیدا شده را درست کنید، مثلاً جای درخت‌ها را پر نمایید، و اگر به واسطه‌ی اینها قیمت زمین از اولش کمتر شود، باید تفاوت آن را هم بدهید، و نباید صاحب زمین را مجبور کنید که زمین را به شما بفروشد یا اجاره دهد، و اگر صاحب زمین هستید، نباید غاصب را مجبور کنید که درخت یا زراعتش را به شما بفروشد.

مسئله‌ی ۲۵۵۷: هر گاه زمینی را غصب نمایید، اگر صاحب زمین راضی شود که زراعت یا درختان در زمین او بماند، کندن زراعت یا درختان را لازم ندانید، ولی باید اجاره‌ی آن زمین، از وقتی که غصب کرده‌اید تا وقتی صاحب زمین راضی شده، را بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۵۸: هر گاه چیزی که غصب کرده‌اید از بین برود، در صورتی که مثل گاو و گوسفند باشد که قیمت اجزای آن با هم فرق دارد، مثلاً گوشت آن یک قیمت و پوست آن قیمت دیگری دارد، باید قیمت آن را بدهید و چنانچه قیمت بازار آن فرق کرده باشد، باید بالاترین قیمتی را که از زمان غصب تا زمان پرداخت قیمت داشته، بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۵۹: هر گاه چیزی که غصب کرده‌اید و از بین رفته مانند گندم و جو باشد که قیمت اجزایش با هم فرق ندارد، باید مثل همان چیزی را که غصب کرده‌اید بدهید، ولی چیزی را که می‌دهید، باید خصوصیاتش مثل چیزی باشد که آن را غصب کرده‌اید و از بین رفته است.

مسئله‌ی ۲۵۶۰: هر گاه چیزی که مثل گوسفند، قیمت اجزای آن با هم فرق دارد را غصب نمایید و از بین برود، چنانچه قیمت بازار آن فرق نکرده باشد ولی در مدتی که پیشتان بوده مثلاً چاق شده باشد، باید قیمت وقتی که چاق بوده را بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۶۱: هر گاه مالی از شما غصب شود و کسی از غاصب اول غصب کند و مالتان از بین برود، می‌توانید عوض آن را از هر کدام آنان بگیرید، یا از هر کدام آنان مقداری از عوض آن را مطالبه نمایید. و چنانچه غاصب اول باشید و صاحب مال، عوض مالش را از شما بگیرد، می‌توانید آنچه را داده‌اید از غاصب دوم بگیرید. ولی اگر غاصب دوم باشید و صاحب مال، عوض

مالش را از شما بگیرد، نباید آنچه را داده‌اید از غاصب اول بگیرید.

مسئله‌ی ۲۵۶۲: هر گاه چیزی که می‌خرید یا می‌فروشید، یکی از شرط‌های معامله در آن نباشد، مثلاً چیزی که باید با وزن خرید و فروش کنید، بدون وزن معامله نمایید. معامله را باطل بشمارید و چنانچه فروشنده و خریدار، با قطع نظر از معامله، راضی باشید که در مال یکدیگر تصرف کنید، می‌توانید در آن تصرف کنید، وگرنه چیزی را که از یکدیگر گرفته‌اید، مثل مال غصبی بدانید و باید آن را به هم برگردانید، و در صورتی که مال هر یک در دست دیگری تلف شود، چه بدانید معامله باطل بوده و چه ندانید، باید عوض آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۶۳: هرگاه مالی را از فروشنده بگیرید که آن را ببینید یا مدتی نزد خود نگهدارید تا اگر پسندیدید بخرید، در صورتی که آن مال تلف شود، باید عوض آن را به صاحبش بدهید.

احکام مالی که پیدا می‌کنید

مسئله‌ی ۲۵۶۴: مالی را که پیدا می‌کنید، اگر نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه‌ی آن صاحبش معلوم شود، باید از طرف صاحبش صدقه بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۶۵: هر گاه مالی پیدا کنید که نشانه دارد، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و ندانید راضی است یا نه، نباید بدون اجازه‌ی او بردارید، و همچنین است اگر صاحب آن معلوم نباشد، نباید بردارید.

مسئله‌ی ۲۵۶۶: هرگاه چیزی که پیدا کردید را بردارید و نشانه‌ای داشته باشد که به واسطه‌ی آن بتوانید صاحبش را پیدا کنید، اگر چه صاحب آن

کافری باشد که در امان مسلمانان است، باید از روزی که آن را پیدا کرده و برداشتید، تا یک سال در جاهایی که مردم اجتماع می‌کنند و احتمال می‌دهید صاحبش آنجا باشد، اعلان کنید.

مسئله‌ی ۲۵۶۷: اگر خودتان نخواهید اعلان کنید، می‌توانید به کسی که اطمینان دارید، بگویید از طرف شما اعلان نماید.

مسئله‌ی ۲۵۶۸: اگر تا یک سال اعلان کنید و صاحب مال پیدا نشود، باید آن را از طرف صاحبش صدقه بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۶۹: اگر بعد از آن که یک سال اعلان کردید و صاحب مال پیدا نشد، مال را برای صاحبش نگهداری کنید و از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و زیاده‌روی هم ننموده باشید، خود را ضامن ندانید، ولی اگر از طرف صاحبش صدقه بدهید یا برای خودتان بردارید، باید در صورت پیدا شدن صاحبش، به او برگردانید.

مسئله‌ی ۲۵۷۰: هر گاه مالی را پیدا کنید و بردارید، اگر عمداً به دستوری که گفته شد اعلان نکنید، گذشته از این که باید خود را معصیت‌کار بدانید و استغفار کنید، باز هم باید اعلان کنید.

مسئله‌ی ۲۵۷۱: هر گاه بچه‌ی نابالغان چیزی پیدا کند، شما باید اعلان نمایید.

مسئله‌ی ۲۵۷۲: هر گاه در بین سالی که اعلان می‌کنید، از پیدا شدن صاحب مال ناامید شوید، باید آن را صدقه بدهید.

مسئله‌ی ۲۵۷۳: هر گاه در بین سالی که اعلان می‌کنید، مال از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده یا زیاده‌روی کرده باشید، باید عوض آن را به صاحبش بدهید، و اگر کوتاهی نکرده و زیاده‌روی هم ننموده باشید،

جبرانش را بر خود لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۵۷۴: هر گاه مالی که نشانه دارد را در جایی پیدا کنید که معلوم است به واسطه‌ی اعلان، صاحبش پیدا نمی‌شود، اگر بردارید، باید در همان روز اول، آن را از طرف صاحبش صدقه بدهید و چنانچه صاحبش پیدا شود و به صدقه دادن راضی نشود، باید عوض آن را به او بدهید و ثواب صدقه‌ای که داده‌اید، مال خود شماست.

مسئله‌ی ۲۵۷۵: اگر چیزی را پیدا کنید و به خیال این که مال خودتان است بردارید، بعد بفهمید مال خودتان نبوده، باید تا یک سال اعلان نمایید. و همچنین است اگر مثلاً پای خود را به گمشده بزنید و آن را از جای خودش حرکت دهید.

مسئله‌ی ۲۵۷۶: باید موقع اعلان، جنس چیزی که پیدا کرده‌اید را معین نمایید، به نحوی که در نظر عرف، صدق تعریف کند مثل این که بگویید: «کتابی پیدا کرده‌ام یا لباسی پیدا کرده‌ام» و بر همین قدر که بگویید: «چیزی پیدا کرده‌ام» اکتفا نکنید.

مسئله‌ی ۲۵۷۷: هر گاه چیزی را پیدا کنید و شخصی بگوید: «مال من است»، در صورتی باید به او بدهید که نشانه‌های آن را بگوید و یقین پیدا کنید که مال اوست.

مسئله‌ی ۲۵۷۸: هر گاه چیزی را پیدا کنید ولی اعلان نکنید و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارید و آن چیز از بین برود یا شخصی آن را بردارد، باید جبران کنید.

مسئله‌ی ۲۵۷۹: هرگاه چیزی پیدا کنید که اگر بماند فاسد می‌شود، اگر آن را بردارید، باید تا مقداری که ممکن است آن را نگهدارید، بعد قیمت کنید و

خودتان بردارید یا بفروشید و پولش را نگهدارید، و در صورت امکان، باید برای فروشش از حاکم شرع یا وکیلش اجازه بگیرید و تا یک سال آن را اعلان کنید. پس اگر صاحبش پیدا شد، پول را به او تسلیم کنید و اگر صاحبش پیدا نشد، از طرف او صدقه بدهید، و اگر امکان دارد، برای صدقه دادن، از حاکم شرع اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۵۸۰: هر گاه چیزی را پیدا کنید، در صورتی می‌توانید موقع وضو گرفتن و نماز خواندن همراه خود داشته باشید که بخواهید صاحبش را پیدا کنید.

مسئله‌ی ۲۵۸۱: هر گاه کفش‌هایتان را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، نباید آن کفش را بردارید.

مسئله‌ی ۲۵۸۲: هر گاه مال کم‌ارزشی پیدا کنید، مانند مال ارزشمند، نباید بردارید.

احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات

مسئله‌ی ۲۵۸۳: هر گاه حیوان حلال‌گوشتی را - به دستوری که بعداً گفته خواهد شد - سر ببرید، چه وحشی باشد و چه اهلی، بعد از جان دادن، گوشتش را حلال و بدنش را پاک بدانید، مگر این که انسانی با او نزدیکی کرده باشد یا نجاستخوار باشد و به دستوری که در شرع معین نموده‌اند، استبراء نشده باشد، یا گوسفندی باشد که از شیر خوک رشد کرده باشد، که در این موارد، نباید بعد از سر بریدن، گوشت آن را حلال بدانید.

مسئله‌ی ۲۵۸۴: حیوان حلال‌گوشت وحشی مانند آهو و کبک و بز کوهی و

حیوانِ حلال‌گوشتی که اهلی بوده و بعداً وحشی شده مثل گاو و شتر اهلی که فرار کرده و وحشی شده است، و به آسانی نمی‌توانید سر ببرید، را می‌توانید به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، شکار کنید، ولی نباید حیوانِ حلال‌گوشت اهلی مانند گوسفند و مرغ خانگی و حیوانِ حلال‌گوشت وحشی که به واسطه‌ی تربیت کردن اهلی شده است، و به آسانی می‌توانید سر ببرید، را شکار کنید و اگر چنین کنید، آن را پاک و حلال نشمارید.

مسئله‌ی ۲۵۸۵: حیوانِ حلال‌گوشت وحشی را در صورتی با شکار کردن پاک و حلال بدانید که بتواند فرار کند یا پرواز نماید، بنا بر این بچه آهو که نمی‌تواند فرار کند و بچه کبک که نمی‌تواند پرواز نماید را با شکار کردن، پاک و حلال ندانید و اگر آهو و بچه‌اش را که نمی‌تواند فرار کند، با یک تیر شکار نمایید، آهو را حلال و بچه‌اش را حرام بدانید.

مسئله‌ی ۲۵۸۶: حیوانِ حلال‌گوشتی که خون جهنده ندارد، مانند ماهی را اگر به خودی خود بمیرد، پاک بدانید، ولی گوشتش را نباید بخورید.

مسئله‌ی ۲۵۸۷: حیوانِ حرام‌گوشتی که خون جهنده ندارد، مانند مار را با سر بریدن حلال نشمارید ولی مرده‌ی آن را پاک بدانید.

مسئله‌ی ۲۵۸۸: سگ و خوک را به واسطه‌ی سر بریدن و شکار کردن پاک نشمارید و نباید گوشتشان را بخورید، ولی حیوانِ حرام‌گوشتی که درنده و گوشتخوار است مانند گرگ و پلنگ را اگر به دستوری که گفته خواهد شد سر ببرید یا با تیر و مانند آن شکار کنید، پاک بدانید ولی نباید گوشتش را بخورید و اگر چنین حیواناتی را با سگ شکاری شکار کنید، بدنشان را پاک ندانید.

مسئله‌ی ۲۵۸۹: هر گاه فیل، خرس، بوزینه، موش و حیواناتی مانند سوسمار

که در داخل زمین زندگی می‌کنند، خون جهنده داشته باشند و به خودی خود بمیرند را نجس بدانید، بلکه اگر سرشان را ببرید یا شکارشان کنید، نیز بدنشان را پاک نشمارید.

مسئله‌ی ۲۵۹۰: هر گاه از شکم حیوان زنده، بچه‌ی مرده‌ای بیرون آید یا آن را بیرون آورید، باید نجسش بدانید و نباید گوشتش را بخورید.

دستور سر بردن حیوانات

مسئله‌ی ۲۵۹۱: برای سر بردن حیوان، باید چهار رگ بزرگ گردن آن را از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل ببرید.

مسئله‌ی ۲۵۹۲: باید چهار رگ را پشت سر هم ببرید که یک کار حساب شود و نباید بین بردن رگ‌ها فاصله بیاندازید.

مسئله‌ی ۲۵۹۳: اگر گرگ، گلوی گوسفند را به طوری بکند که از چهار رگی که در گردن است و باید بریده شود چیزی نماند، آن حیوان را حرام بدانید، ولی اگر مقداری از گردن را بکند و چهار رگ باقی باشد، یا جای دیگری از بدنش را بکند، در صورتی که گوسفند زنده باشد، می‌توانید به دستوری که گفته خواهد شد، سرش را ببرید، و در آن صورت، حلال و پاکش بشمارید.

شرایط سر بردن حیوان

مسئله‌ی ۲۵۹۴: در سر بردن حیوان، هفت چیز را مراعات کنید:
اول: کسی که سر حیوان را می‌برد، چه مرد باشد چه زن، باید مسلمان باشد و اظهار دشمنی با استادان معظم منهاج (علیهم‌السلام) نکند، پس از حیوانی که کافر یا ناصبی یا وهابی سر بریده، نباید بخورید و آن را پاک هم ندانید. ولی بچه‌ی مسلمان اگر ممیز باشد یعنی خوب و بد را بفهمد، می‌تواند سر

حیوان را ببرد.

دوم: سر حیوان را با چیزی ببرید که از آهن باشد، ولی چنانچه آهن پیدا نشود و طوری باشد که اگر سر حیوان را نبرید می‌میرد، با چیز تیزی که چهار رگ آن را جدا کند، مانند شیشه و سنگ تیز، سر آن را ببرید. و نباید از دندان یا ناخن برای بریدن رگ‌هایش استفاده کنید.

سوم: در موقع سر بردن، جلوی بدن حیوان، رو به قبله باشد و خودتان هم رو به قبله باشید. پس اگر بدانید باید رو به قبله سر ببرید ولی عمداً حیوان را رو به قبله نکنید، حیوان را نجس و حرام بشمارید. ولی اگر فراموش کنید، یا مسأله را ندانید، یا قبله را اشتباه کنید، یا ندانید قبله کدام طرف است، یا نتوانید حیوان را رو به قبله کنید، آن را پاک و حلال بدانید.

چهارم: وقتی می‌خواهید سر حیوان را ببرید یا کارد به گلویش بگذارید، باید به نیت سر بردن، نام خدا را بگویید و می‌توانید به گفتن «بسم الله» اکتفا کنید، ولی اگر بدون قصد سر بردن، نام خدا را ببرید، آن حیوان را پاک نشمارید و گوشتش را حلال ندانید. همچنین هر گاه کسی که این مسأله را نمی‌داند حیوانی را سر ببرد، نباید پاک و حلالش بشمارید. ولی اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد، دارای اشکال ندانید.

پنجم: حیوان بعد از بریده شدن سرش، حرکتی نکند، اگر چه مثلاً چشم یا دُم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین زند که معلوم شود زنده بوده است. و باید خونسش به مقدار معمول بیرون آید.

ششم: سر حیوان یا پرنده را پیش از بیرون آمدن روح از بدنش جدا نکنید، ولی اگر از روی غفلت یا به جهت تیزی چاقو، سرش جدا شود، پاک و حلالش بدانید. همچنین رگ سفیدی که از مهره‌های گردن تا دُم حیوان

امتداد دارد و آن را «نخاع» می‌گویند را عمداً قطع نکنید. همچنین نباید پیش از بیرون آمدن روح، پوست حیوان را بکنید. هفتم: باید سرش را از مذبح ببرید. پس نباید کارد را از پشت گردن فرو نموده و به طرف جلو بیاورید که گردن حیوان از پشت بریده شود.

دستور کشتن شتر

مسئله‌ی ۲۵۹۵: اگر بخواهید شتر را بکشید که بعد از جان دادن پاک و حلال باشد، باید با پنج شرط اولی که برای سر بریدن حیوانات گفته شد، کارد یا چیز دیگری که از آهن و بُرنده باشد را در گودی بین گردن و سینه‌اش فرو کنید.

مسئله‌ی ۲۵۹۶: بهتر است وقتی می‌خواهید کارد را به گردن شتر فرو ببرید، شتر ایستاده و رو به قبله باشد، ولی می‌توانید در حالی که زانوهایش را به زمین زده یا به پهلو خوابیده است و دست و پا و سینه‌اش رو به قبله است، کارد را در گودی گردنش فرو کنید.

مسئله‌ی ۲۵۹۷: نباید به جای این که کارد را در گودی گردن شتر فرو کنید، سرش را ببرید. همچنین نباید گوسفند و گاو و مانند اینها را مثل شتر، کارد در گودی گردنشان فرو کنید، که اگر چنین کردید، گوشتش را حرام و بدنش را نجس بدانید. ولی اگر چهار رگ شتر را ببرید و تا زنده است، به دستوری که گفته شد، کارد در گودی گردنش فرو کنید، گوشت آن را حلال و بدن آن را پاک بدانید. و نیز اگر کارد در گودی گردن گاو یا گوسفند یا مانند اینها فرو کنید و تا زنده است، سر آن را ببرید، حلال و پاکش بدانید.

مسئله‌ی ۲۵۹۸: هر گاه حیوانی سرکش شود به طوری که نتوانید آن را به دستوری که در شرع معین شده بکشید یا مثلاً در چاه بیافتد و احتمال

بدهید که در آن جا بمیرد و کشتن آن به دستور شرع ممکن نباشد، می‌توانید با چیزی مثل شمشیر که به واسطه‌ی تیزی آن بدن زخم می‌شود، به بدنش زخم بزنید تا در اثر زخم جان بدهد، و در این صورت، پاک و حلالش بدانید و رو به قبله بودن را لازم ندانید، ولی باید شرط‌های دیگری که برای سر بردن حیوانات گفته شد را مراعات کنید.

چیزهایی که خوب است موقع سر بردن حیوانات مراعات کنید

مسئله‌ی ۲۵۹۹: خوب است چند چیز را در سر بردن حیوانات مراعات کنید:
اول: موقع سربردن گوسفند، دو دست و یک پای آن را ببندید و پای دیگرش را باز بگذارید، و موقع سر بردن گاو، چهار دست و پایش را ببندید و دُم آن را باز بگذارید، و موقع کشتن شتر دو دست آن را از پایین تا زانو، یا تا زیر بغل به یکدیگر ببندید و پاهایش را باز بگذارید، و مرغ را بعد از سر بردن رها کنید تا پر و بال بزند.

دوم: کسی که حیوان را می‌کشد، رو به قبله باشد.

سوم: پیش از کشتن حیوان، آب جلوی آن بگذارید.

چهارم: کاری کنید که حیوان کمتر اذیت شود، مثلاً کارد را خوب تیز کنید و با سرعت سر حیوان را ببرید.

چیزهایی که خوب است در کشتن حیوانات ترک کنید

مسئله‌ی ۲۶۰۰: خوب است چند چیز را در سر بردن حیوانات ترک کنید:

اول: حیوان را در جایی نگشاید که حیوان دیگر آن را ببیند.

دوم: اگر احتیاج و ضرورتی در کار نیست، در شب جمعه یا پیش از ظهر روز جمعه سر حیوان را نبرید.

سوم: حیوانی که خودتان پرورش داده‌اید را خودتان سر بُرید.

احکام شکار کردن با اسلحه

مسأله‌ی ۲۶۰۱: هر گاه حیوانِ حلالِ گوشت وحشی را با اسلحه شکار کنید، با پنج شرط، حلال و پاکش بدانید:

اول: آن که اسلحه‌ی شکار مثل کارد و شمشیر، برنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که به واسطه‌ی تیز بودن، بدن حیوان را پاره کند. و اگر به وسیله‌ی دام یا چوب و سنگ و مانند اینها حیوانی را شکار کنید، پاک و حلالش ندانید مگر این که آن را زنده دریابید و سرش را بُرید. و اگر حیوانی را با تفنگ شکار کنید، چنانچه گلوله‌ی آن تیز باشد که در بدن حیوان فرو رود و آن را پاره کند، پاک و حلالش بدانید. ولی اگر گلوله تیز نباشد بلکه با فشار در بدن حیوان فرو رود و حیوان را بکشد، یا به واسطه‌ی حرارتش بدن حیوان را بسوزاند و در اثر سوزاندن، حیوان بمیرد، پاک و حلالش ندانید.

دوم: کسی که شکار می‌کند باید مسلمان باشد یا بچه‌ی مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد، و اگر کافر یا کسی که اظهار دشمنی با استادان معظم منهاج (علیهم‌السلام) می‌کند مثل خوارج، غلات، نواصب و وهابی‌ها، حیوانی را شکار نمایند، آن شکار را پاک و حلال ندانید.

سوم: اسلحه را برای شکار کردن حیوان به کار ببرید. پس اگر مثلاً جایی را نشان کنید و اتفاقاً حیوانی را بکشید، آن حیوان را پاک و حلال ندانید.

چهارم: باید در وقت بکار بردن اسلحه، نام خدا را ببرید و چنانچه عمداً نام خدا را نبرید، شکارتان را پاک و حلال ندانید. ولی اگر فراموش کرده باشید، دارای اشکال ندانید.

پنجم: وقتی به حیوان برسید که مرده باشد، یا اگر زنده است، به اندازه‌ی سر

بریدن آن وقت نباشد. و چنانچه به اندازه‌ی سر بریدنش وقت باشد و سر حیوان را نبرید تا بمیرد، آن را پاک و حلال ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۰۲: هر گاه دو نفری حیوانی را شکار کنید و کسی که در شکار کردن کمکتان کرده، کافر باشد یا مسلمان باشد ولی عمداً نام خدا را نبرده باشد، آن شکار را پاک و حلال ندانید و از آن نخورید.

مسئله‌ی ۲۶۰۳: هر گاه حیوانی را شکار کنید و از نظر ناپدید شود و بعد از آن، مرده‌ی آن حیوان را پیدا کنید، اگر بدانید که مرگش فقط به خاطر زخم سلاح شکار بوده، حلال و پاکش بدانید. ولی اگر احتمال می‌دهید که سلاح شکاری به همراه عامل دیگری مانند خفه شدن در آب، سبب مرگ حیوان شده، آن را پاک و حلال نشمارید و از آن استفاده نکنید.

مسئله‌ی ۲۶۰۴: نباید با سگ غصبی یا اسلحه‌ی غصبی، حیوانی را شکار کنید، ولی اگر چنین کردید، خود را گناهکار بشمارید و استغفار کنید، ولی شکارتان را حلال و مال خودتان بدانید. اما باید اجرت اسلحه یا سگ را به صاحبش بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۰۵: هر گاه با شمشیر یا چیز دیگری که می‌توانید با آن شکار کنید، حیوانی را دو قسمت کنید و سر و گردن در یک قسمت بماند، اگر بتوانید او را ذبح شرعی کنید، می‌توانید از آن قسمت استفاده نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۰۶: هر گاه با چوب یا سنگ یا چیز دیگری که نباید با آن شکار کنید، حیوانی را دو قسمت کنید، اگر قسمتی که سر و گردن دارد، زنده باشد و ممکن باشد که مقداری زنده بماند، می‌توانید سرش را به دستوری که در شرع معین شده ببرید و همان قسمت را حلال و پاک بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۰۷: هر گاه حیوانی را شکار کنید یا سر ببرید و بچه‌ی زنده‌ای از

آن بیرون آید، چنانچه آن بچه را به دستوری که در شرع معین شده سر ببرید، حلال و پاک بدانید، و گرنه نباید از آن استفاده کنید.

مسئله‌ی ۲۶۰۸: هر گاه حیوانی را شکار کنید یا سر ببرید و بچه‌ی مرده‌ای از شکمش بیرون آورید، چنانچه خلقت بچه کامل باشد و مو یا پشم در بدنش روییده باشد و مطمئن باشید که بر اثر سربردن مادر مرده است، پاک و حلال بدانید ولی اگر پیش از کشتن مادرش مرده باشد، باید نجس و حرام بشمارید و از آن استفاده نکنید.

شکار کردن با سگ شکاری

مسئله‌ی ۲۶۰۹: هر گاه سگ شکاری، حیوان وحشی و یا حیوان اهلی وحشی شده‌ی حلال‌گوشتی را شکار کند، با شش شرط آن را پاک و حلال بدانید:

اول: سگ به طوری تربیت شده باشد که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستید، برود و هر وقت از رفتنش جلوگیری کنید، بایستد. و نیز باید عادتش این باشد که تا صاحبش نرسد از شکار نخورد. ولی اگر اتفاقاً از شکار بخورد، دارای اشکال ندانید.

دوم: صاحبش آن را بفرستد. پس اگر از پیش خود دنبال شکار برود و حیوانی را شکار کند، آن حیوان را نجس و حرام بدانید. بلکه اگر از پیش خود دنبال شکار رود و بعداً صاحبش بانگ بزند که زودتر آن را به شکار برساند، اگر چه به واسطه‌ی صدای صاحبش شتاب کند، باید از خوردن آن شکار خودداری نمایید.

سوم: کسی که سگ را می‌فرستد باید مسلمان باشد یا بچه‌ی مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد، پس اگر کافر یا کسی که اظهار دشمنی با استادان معظم منهاج (علیهم‌السلام) می‌کند، سگ را بفرستد، شکار آن سگ را

نجس و حرام بدانید.

چهارم: وقت فرستادن سگ، نام خدا را ببرید. و اگر عمداً نام خدا را نبرید، آن شکار را نجس و حرام بشمارید. ولی اگر از روی فراموشی باشد، دارای اشکال ندانید. و اگر وقت فرستادن سگ، نام خدا را عمداً نبرید و پیش از آن که سگ به شکار برسد، نام خدا را ببرید، باید از آن شکار اجتناب نمایید. پنجم: شکار به واسطه‌ی زخمی که از دندان سگ پیدا کرده بمیرد. پس اگر سگ، شکار را خفه کند یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد، حلال و پاکش ندانید.

ششم: هر گاه سگ را بفرستید و به طور معمول با شتاب به دنبال صید بروید، وقتی برسید که حیوان مرده باشد یا اگر زنده است به اندازه‌ی سر بردن آن وقت نباشد. و چنانچه وقتی برسید که به اندازه‌ی سر بردن وقت باشد، مثلاً حیوان، چشم یا دم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین بزند، چنانچه سر حیوان را نبرید تا بمیرد، حلال و پاکش ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۱۰: هر گاه بعد از این که سگ را فرستادید، موقعی برسید که بتوانید سر حیوان را ببرید، چنانچه مثلاً به واسطه‌ی بیرون آوردن کارد و مانند آن وقت بگذرد و آن حیوان بمیرد، حلال بشمارید. ولی اگر چیزی همراهتان نباشد که با آن سر حیوان را ببرید و یا مثلاً به واسطه‌ی تنگ بودن غلاف یا چسبندگی آن، بیرون آوردن کارد طول بکشد و وقت بگذرد و حیوان بمیرد، نباید آن را پاک و حلال بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۱۱: اگر چند سگ را بفرستید و با هم حیوانی را شکار کنند، چنانچه همه‌ی آنها دارای شرطهایی که گفته شد باشند، شکارتان را حلال بدانید ولی اگر یکی از آنها دارای آن شرطها نباشد، شکارتان را حرام

بشمارید.

مسئله‌ی ۲۶۱۲: اگر سگ را برای شکار حیوانی بفرستید، ولی سگ، حیوان دیگری را شکار کند، آن شکار را حلال و پاک بدانید. و نیز اگر آن حیوان را با حیوان دیگری شکار کند، هر دوی آنها را حلال و پاک بشمارید.

مسئله‌ی ۲۶۱۳: اگر چند نفر با هم سگ را بفرستید و یکی از شما کافر باشد یا همه‌تان مسلمان باشید ولی یکی از شما عمداً نام خدا را نبرد، آن شکار را حرام بدانید. و نیز اگر یکی از سگ‌هایی که فرستاده‌اید، به طوری که گفته شد، تربیت شده نباشد، آن شکار را نجس و حرام بشمارید.

مسئله‌ی ۲۶۱۴: اگر باز یا حیوان دیگری غیر از سگ شکاری، حیوانی را شکار کند، آن شکار را پاک و حلال ندانید، ولی اگر وقتی برسید که حیوان، زنده باشد و به دستوری که در شرع معین شده، سر آن را ببرید، حلال و پاک بشمارید.

صید ماهی

مسئله‌ی ۲۶۱۵: اگر ماهی پولک‌دار را زنده از آب بگیرید و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن را حلال بدانید. و چنانچه در آب بمیرد، پاک بدانید ولی نباید آن را بخورید. ولی ماهی بدون پولک را، اگر چه زنده از آب بگیرید و بیرون آب جان دهد، نباید بخورید.

مسئله‌ی ۲۶۱۶: هر گاه ماهی از آب بیرون بیافتد، یا موج، آن را بیرون بیاندازد یا آب، فرو رود و ماهی در خشکی بماند، چنانچه پیش از آن که بمیرد، با دست یا به وسیله‌ی دیگری آن را بگیرید، بعد از جان دادن، حلالش بشمارید.

مسئله‌ی ۲۶۱۷: مسلمان بودن کسی که ماهی را صید می‌کند، و گفتن نام

خدا در موقع ماهی گرفتن را لازم ندانید. ولی باید ببینید یا مطمئن باشید که آن را زنده گرفته و در خارج آب مرده است.

مسئله‌ی ۲۶۱۸: ماهی مرده‌ای که معلوم نیست آن را زنده از آب گرفته‌اند یا مرده، چنانچه در دست مسلمان باشد، حلال بشمارید و اگر در دست کافر باشد، اگر چه بگوید آن را زنده گرفته‌ام، نباید حلال بدانید، مگر آن که یقین کنید یا دو شاهد عادل شهادت دهند که راست می‌گوید. همچنین از کنسروهای ماهی‌ای که از کشورهای غیر اسلامی می‌آورند، اگر یقین نکنید که ماهی آن را زنده گرفته‌اند، نباید استفاده نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۱۹: از خوردن ماهی زنده خودداری کنید.

مسئله‌ی ۲۶۲۰: نباید ماهی زنده را بریان کنید یا در بیرون آب، پیش از جان دادن بکشید، و اگر چنین کردید، نباید بخورید.

مسئله‌ی ۲۶۲۱: هر گاه ماهی را بیرون آب، دو قسمت کنید، و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیافتد، قسمتی که بیرون آب مانده را نباید بخورید.

صيد ملخ

مسئله‌ی ۲۶۲۲: اگر ملخ را با دست یا به وسیله‌ی دیگری زنده بگیرید، بعد از جان دادن می‌توانید بخورید. و لازم ندانید کسی که آن را می‌گیرد مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد، ولی اگر ملخ مرده‌ای در دست کافر باشد و معلوم نباشد که آن را زنده گرفته یا نه، اگر چه بگوید: «زنده گرفته‌ام»، نباید حلالش بشمارید، مگر آن که یقین حاصل کنید یا دو شاهد عادل شهادت دهند که راست می‌گوید.

مسئله‌ی ۲۶۲۳: نباید ملخی که بال درنیاورده و نمی‌تواند پرواز کند را بخورید.

احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

مسئله‌ی ۲۶۲۴: نباید گوشت خفاش، طاووس، مینا و جمیع انواع کلاغ و هر پرنده‌ای که مثل شاهین و عقاب و باز، چنگال دارد یا هنگام پرواز، بال‌زدنش کمتر از صاف نگهداشتن بالش باشد را بخورید و همچنین هر مرغی که چینه دان و سنگدان و خار پشت یا ندارد، مگر آن که معلوم باشد که بال‌زدنش بیشتر از صاف نگهداشتن بالش است. ولی می‌توانید گوشت مرغ خانگی و کبوتر و اقسام گنجشک را بخورید و بلبل و سار و چکاوک را از اقسام گنجشک بدانید. و از خوردن گوشت پرستو و هدهد پرهیز کنید.

مسئله‌ی ۲۶۲۵: هر گاه چیزی که روح دارد را از حیوان زنده جدا نمایید، مثلاً دنبه یا مقداری گوشت از گوسفند زنده ببرید، آن را نجس و خوردنش را حرام بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۲۶: شازده چیز از حیوانات حلال گوشت را نباید بخورید:

- ۱- خون؛
- ۲- فضله: یعنی ادرار و مدفوع؛
- ۳- نری: یعنی آلت تناسلی جنس نر؛
- ۴- فرج: یعنی آلت تناسلی جنس ماده؛
- ۵- بچه‌دان: یعنی زهدان، کیسه‌ای که بچه در آن پرورش می‌یابد، معادل رحم در انسان؛

- ۶- غدد: که آن را دشول می‌گویند؛
- ۷- تخم: که آن را خایه، بیضه و دنبان می‌گویند؛
- ۸- پیه‌خوره: چیزی که در مغز سر است و به شکل نخود می‌باشد؛
- ۹- مغز حرام: که در میان تیره‌ی پشت است و به آن «نخاع» می‌گویند؛
- ۱۰- پی: که در دو طرف تیره‌ی پشت است؛
- ۱۱- زهره‌دان: معادل کیسه‌ی صفراء در انسان که مایع زردرنگ و تلخی در آن جمع می‌شود.
- ۱۲- سپرز: یا همان طحال، کیسه‌ای در سمت چپ بدن که محل جمع‌شدن خون غلیظ (گلوبول‌های قرمز) است؛
- ۱۳- بول‌دان: یا مثانه، کیسه‌ای که محل جمع‌شدن ادرار است؛
- ۱۴- حده‌ی چشم: یعنی مردمک، توده‌ی سیاه‌رنگی که در میان پیه چشم است؛
- ۱۵- ذات‌الاشجاع: چیزی که در میان شُم است؛
- ۱۶- دریچه‌های دل: یعنی دو زائده بر بالای دل که به «گوش دل» هم شهرت دارد.
- مسئله‌ی ۲۶۲۷: نباید خبائث، یعنی چیزهایی که طبیعت انسان از آن متنفر است، بخورید، مثل سرگین و آب بینی، ولی اگر پاک باشد و مقدار اندکی از آن با چیز حلالی چنان مخلوط شود که در نظر مردم نابود حساب شود، مثل این که سرگین گوسفند در شیر افتد و بیرون آورده شود، خوردن آن را دارای اشکال ندانید.
- مسئله‌ی ۲۶۲۸: نباید خاک بخورید و اگر بخواهید از خاک مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) برای شفا استفاده کنید، باید آن را در آب

حل کنید تا مستهلک شود.

مسئله‌ی ۲۶۲۹: تا زمانی که آب بینی و خلط سینه به فضای دهانتان نیامده، می‌توانید فرو ببرید، ولی اگر به فضای دهان آمد، بیرون بیاندازید و بهتر است غذایی که موقع خلال کردن از لابلای دندان‌هایتان بیرون می‌آید را فرو ندهید.

مسئله‌ی ۲۶۳۰: نباید چیزی که برای سلامتی‌تان ضرر دارد بخورید و بیاشامید، و شایسته است خوردن و آشامیدن چیزهایی که ضرر کم دارد، مانند سوسیس، کالباس، چای و نوشابه‌های صنعتی گازدار را ترک کنید.

مسئله‌ی ۲۶۳۱: هر گاه انسانی با اسب یا قاطر یا الاغ نزدیکی نماید، نباید از گوشت آن یا نسل آن بخورید و باید ادرار و سرگینش را نجس بشمارید، و باید آنها را از شهر بیرون ببرید، و در جای دیگری بفروشید، و هر گاه مرتکب چنین گناهی شده باشید، باید قیمتش را به صاحبش بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۳۲: هر گاه با حیوان حلال‌گوشتی که مرسوم است گوشت آن را می‌خورند مانند گاو و گوسفند نزدیکی شود، ادرار و سرگین خود آنها و نسل آنها که بعد از نزدیکی به دنیا بیایند را نجس بشمارید و از خوردن گوشت و آشامیدن شیر آنها و همین‌طور از خوردن گوشت و آشامیدن شیر نسل آنها که بعد از نزدیکی به دنیا بیایند، پرهیز کنید، چه نزدیکی در قُبُل باشد و چه در دُبُر، چه کسی که نزدیکی کرده صغیر باشد یا کبیر، عالم باشد یا جاهل، اختیار داشته باشد یا مجبور باشد، حیوانی که با او نزدیکی شده نر باشد یا ماده. پس باید فوری آن حیوان را بکشید و بسوزانید که اگر با حیوان دیگری نزدیکی کند، از شیر آن حیوان هم نباید بخورید و اگر مرتکب چنین کاری شدید، باید پول آن را به صاحبش بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۳۳: نباید شراب یا مست‌کننده‌ی دیگر بنوشید، و نوشیدنش را یکی از بزرگترین گناهان بشمارید.

مسأله‌ی ۲۶۳۴: نباید سر سفره‌ای که در آن شراب خورده می‌شود بنشینید و نباید از آن سفره چیزی بخورید.

مسأله‌ی ۲۶۳۵: باید مسلمان دیگری که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد را نان و آب بدهید و او را از مرگ نجات دهید.

چیزهایی که خوب است موقع غذا خوردن رعایت کنید

مسأله‌ی ۲۶۳۶: خوب است چند چیز را در غذا خوردن مراعات کنید:
اول: هر دو دستتان را پیش از غذا بشویید و با حوله و دستمال خشک نکنید.

دوم: بعد از غذا، دستتان خود را بشویید و با دستمال خشک کنید.
سوم: هر گاه میزبان باشید، پیش از میهمان‌ها شروع به غذا خوردن کنید و بعد از همه دست بکشید، و پیش از غذا، اول خودتان دستانتان را بشویید، بعد کسی که طرف راستتان نشسته و همین طور تا برسد به کسی که طرف چپتان نشسته، و بعد از غذا، اول کسی که طرف چپتان نشسته دست خود را بشوید و همین طور تا به طرف راستتان برسد و به شما ختم شود.

چهارم: در اول غذا «بِسْمِ اللَّهِ» بگویید، ولی اگر سر یک سفره چند جور غذا باشد، در وقت خوردن هر کدام از آنها، «بِسْمِ اللَّهِ» بگویید.

پنجم: با دست راست غذا بخورید.

ششم: با سه انگشت یا بیشتر غذا بخورید و با دو انگشت نخورید.

هفتم: اگر با چند نفر دیگر، بر سر یک سفره نشسته‌اید، از غذای جلو خودتان بخورید.

هشتم: لقمه‌هایتان را کوچک بردارید.

نهم: سرسفره زیاد بنشینید و غذا خوردن را طول بدهید.

دهم: غذایتان را خوب بجوید.

یازدهم: بعد از غذا، خداوند روزی‌رسان را شکر کنید.

دوازدهم: انگشت‌هایی که آغشته به غذا شده را بلیسید.

سیزدهم: بعد از غذا خلال نمایید، ولی با چوب انار و چوب ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکنید.

چهاردهم: آنچه در سفره می‌ریزد را جمع کنید و بخورید. ولی اگر در بیابان غذا می‌خورید، بهتر است آنچه می‌ریزد را برای پرندگان و حیوانات بگذارید.

پانزدهم: در اول روز و اول شب غذا بخورید و در بین روز و در بین شب غذا نخورید.

شانزدهم: بعد از خوردن غذا به پشت بخوابید و پای راست را روی پای چپ بپا نازید.

هفدهم: در اول غذا و آخر آن نمک بخورید.

هجدهم: میوه را پیش از خوردن، با آب بشویید.

موارد دقیق و بیشتر در کتاب «مجموعه‌ی قوانین عملی منهاج فردوسیان» آمده است، بدان کتاب مراجعه کنید.

چیزهایی که خوب است در غذا خوردن ترک کنید

مسئله‌ی ۲۶۳۷: چند چیز را در غذا خوردن ترک کنید:

اول: در حال سیری غذا نخورید.

دوم: پرخوری نکنید. در روایت است که خداوند متعال بیشتر از هر چیزی از شکم پُر بدش می‌آید.

سوم: در موقع غذا خوردن به صورت کسی نگاه نکنید.

چهارم: غذای داغ نخورید.

پنجم: در چیزی که می‌خورید یا می‌آشامید، فوت نکنید.
ششم: بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر غذای دیگر نمانید.
هفتم: نان را از سر بی‌اعتنایی، با کارد پاره نکنید.
هشتم: نان را زیر ظرف غذا نگذارید.
نهم: استخوان‌ها را به طور کامل از گوشت، پاک نکنید.
دهم: میوه‌هایی که امکان دارد را پوست بکنید.
یازدهم: میوه‌ها را پیش از آن که کاملاً بخورید، دور نیاندازید.
موارد دقیق و بیشتر در کتاب «مجموعه‌ی قوانین عملی منهاج فردوسیان»
آمده است، بدان کتاب مراجعه کنید.

چیزهایی که خوب است در نوشیدن آب مراعات کنید

مسئله‌ی ۲۶۳۸: خوب است چند چیز را در آشامیدن آب مراعات کنید:
اول: آب را به طور مکیدن بیاشامید.
دوم: در روز، ایستاده آب بنوشید.
سوم: پیش از آشامیدن آب، «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویید.
چهارم: آب را به سه نفس بیاشامید.
پنجم: از روی میل آب بیاشامید.
ششم: بعد از آشامیدن آب، حضرت اباعبدالله (علیه‌السلام) و اهل بیت
ایشان را یاد کنید و قاتلان آن حضرت را لعنت نمایید.
موارد دقیق و بیشتر در کتاب «مجموعه‌ی قوانین عملی منهاج فردوسیان»
آمده است، بدان کتاب مراجعه کنید.

چیزهایی که خوب است در نوشیدن آب، ترک کنید

مسأله‌ی ۲۶۳۹: خوب است چند چیز را در آشامیدن آب ترک کنید:

اول: زیاد آب ننوشید.

دوم: بعد از غذای چرب، آب ننوشید.

سوم: در شب، به حال ایستاده، آب ننوشید.

چهارم: آب را با دست چپ ننوشید.

پنجم: از جای شکسته‌ی کوزه و جایی که دسته‌ی آن است، آب ننوشید.

موارد دقیق و بیشتر در کتاب «مجموعه‌ی قوانین عملی منهاج فردوسیان» آمده است، بدان کتاب مراجعه کنید.

احکام نذر و عهد

مسأله‌ی ۲۶۴۰: نذر را این بدانید که بر خود واجب کنید و ملتزم شوید که کار خیری را برای خدا بجا آورید، یا کاری که نکردن آن بهتر است را برای خدا ترک نمایید یا مالی از اموالتان را به دیگری بدهید.

مسأله‌ی ۲۶۴۱: در نذر باید صیغه بخوانید ولی عربی بودنش را لازم ندانید، پس اگر بگویید: «چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که ده هزار تومان به فقیر بدهم»، نذرتان را صحیح بدانید.

مسأله‌ی ۲۶۴۲: باید در هنگام نذر کردن، مکلف و عاقل باشید و به اختیار و قصد خود نذر کنید. بنا بر این اگر به اجبار نذر کنید یا به واسطه‌ی عصبانی شدن، بی‌اختیار نذر کنید، نذرتان را صحیح ندانید.

مسأله‌ی ۲۶۴۳: آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشید، اگر نذر کند

مالش را به مصرفی برساند، صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۴۴: منهاجیات نباید بدون اجازه‌ی شوهرشان نذر کنند و اگر شوهرشان از نذر کردن ایشان جلوگیری نماید، و یا بدون اجازه‌ی شوهرشان نذر کنند، نذرشان را باطل بشمارند.

مسئله‌ی ۲۶۴۵: هر گاه زنتان با اجازه‌ی شما نذر کند، نباید نذر او را به هم بزیند، یا او را از عمل کردن به نذرش جلوگیری نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۴۶: برای نذر کردن، از پدر و مادرتان اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۶۴۷: کاری را می‌توانید نذر کنید که انجام آن برایتان ممکن باشد، بنا بر این اگر نمی‌توانید پیاده به کربلا بروید، اگر نذر کنید که پیاده بروید، نذرتان را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۴۸: هر گاه نذر کنید که کار حرام یا مکروهی را انجام دهید، یا کار واجب یا مستحبی را ترک کنید، نذرتان را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۴۹: هر گاه نذر کنید که کار مباحی را انجام دهید یا ترک نمایید، چنانچه بجا آوردن آن و ترکش از هر جهت مساوی باشد، نذرتان را صحیح ندانید، و اگر انجام آن از جهتی بهتر باشد و به قصد همان جهت نذر کنید، مثلاً نذر کنید غذایی را بخورید که برای عبادت، قوت بگیرید، نذرتان را صحیح بدانید، و نیز اگر ترک آن از جهتی بهتر باشد، و برای همان جهت نذر کنید که آن را ترک نمایید، مثلاً برای این که دود، مضر است، نذر کنید که آن را استعمال نکنید، نذرتان را صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۵۰: اگر نذر کنید نماز واجب خود را در جایی بخوانید که به خودی خود، ثواب نماز در آنجا زیاد نیست، مثلاً نذر کنید نماز را در اتاق بخوانید، چنانچه نماز خواندن در آنجا از جهتی بهتر باشد مثلاً به واسطه‌ی این که

خلوت است، حضور قلب پیدا می‌کنید، نذرتان را صحیح بدانید.
مسئله‌ی ۲۶۵۱: هر گاه نذر کنید عملی را انجام دهید، باید همانطور که نذر کرده‌اید بجا آورید. پس اگر نذر کنید که روز اول ماه، صدقه بدهید یا روزه بگیرید یا نماز اول ماه بخوانید، چنانچه قبل از آن روز یا بعد از آن بجا آورید، کافی ندانید. و نیز اگر نذر کنید که وقتی مریضان خوب شد، صدقه بدهید، چنانچه پیش از آن که خوب شود صدقه را بدهید، کافی ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۵۲: هر گاه نذر کنید روزه بگیرید ولی وقت و مقدار آن را معین نکنید، یک روز روزه بگیرید. و هر گاه نذر کنید نماز بخوانید و مقدار و خصوصیات آن را معین نکنید، یک نماز دو رکعتی بخوانید. و هر گاه نذر کنید صدقه بدهید و جنس و مقدار آن را معین نکنید، چیزی به فقیر بدهید به اندازه‌ای که بگویند صدقه داده‌اید. و هر گاه نذر کنید کاری برای خدا بجا آورید، می‌توانید یک نماز بخوانید یا یک روز روزه بگیرید، یا چیزی صدقه بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۵۳: هر گاه نذر کنید روز معینی را روزه بگیرید، باید همان روز را روزه بگیرید، و نباید در آن روز مسافرت کنید و اگر به واسطه‌ی مسافرت روزه نگیرید، باید علاوه بر قضای آن روز، کفاره هم بدهید، یعنی یک برده آزاد کنید، یا به شصت فقیر طعام دهید، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرید، ولی اگر ناچار شوید که مسافرت کنید، یا عذر دیگری مثل مرض یا حیض برایتان پیش آید، فقط قضایش را بگیرید.

مسئله‌ی ۲۶۵۴: نباید از روی اختیار، نذرتان را ترک کنید، ولی اگر چنین کردید، باید کفاره بدهید، یعنی یک برده آزاد کنید یا به شصت فقیر طعام دهید یا دو ماه پی در پی روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۶۵۵: هر گاه نذر کنید که تا وقت معینی عمل خاصی را ترک کنید، بعد از گذشتن آن وقت می‌توانید آن عمل را بجا آورید و اگر پیش از گذشتن وقت از روی فراموشی، یا ناچاری انجام دهید، پرداخت کفاره را لازم ندانید، ولی باز هم لازم است که تا آن وقت، آن عمل را بجا نیاورید، و چنانچه دوباره پیش از رسیدن آن وقت، بدون عذر، آن عمل را انجام دهید، باید به مقداری که در مسئله‌ی پیش گفته شد، کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۵۶: هر گاه نذر کنید عملی را ترک نمایید و وقتی برای آن معین نکرده باشید، اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا ندانستن، آن عمل را انجام دهید، پرداخت کفاره را لازم ندانید، ولی چنانچه از روی اختیار آن را بجا آورید، باید کفاره بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۵۷: هر گاه نذر کنید که در هر هفته، روز معینی - مثلاً روز جمعه - را روزه بگیرید، چنانچه یکی از جمعه‌ها مصادف با عید فطر یا قربان باشد، یا در روز جمعه، عذر دیگری مانند حیض برایتان پیدا شود، نباید آن روز را روزه بگیرید و باید قضای آن را بجا آورید.

مسئله‌ی ۲۶۵۸: هر گاه کسی که از او ارث می‌برید، نذر کرده باشد که مقدار معینی صدقه بدهد، چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد، بهتر است آن مقدار را از مال خودتان و به نیت او صدقه بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۵۹: نذر فقیر خاص نکنید ولی اگر نذر کردید که به فقیر معینی صدقه بدهید، نباید آن را به فقیر دیگری بدهید و اگر آن فقیر بمیرد، باید به ورثه‌اش - اگر فقیر باشند - بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۶۰: اگر نذر کنید که به زیارت یکی از استادان منهاج (علیهم‌السلام) مثلاً به زیارت حضرت اباعبدالله (علیه‌السلام) مشرف شوید،

چنانچه به زیارت استاد دیگری بروید، کافی ندانید، ولی اگر به واسطه‌ی عذری نتوانید آن استاد را زیارت کنید، چیزی بر خود واجب ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۶۱: هر گاه رفتن به زیارت را نذر کنید ولی غسل زیارت و نماز آن را نذر نکنید، بجا آوردن آنها را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۶۲: هر گاه برای حرم یکی از استادان منهاج (علیهم‌السلام) یا امامزادگان چیزی نذر کنید، باید آن را در تعمیر و روشنایی و فرش حرم و مانند اینها مصرف کنید، یا به زوّار و خدّام آنان بدهید.

مسئله‌ی ۲۶۶۳: هر گاه برای یکی از استادان منهاج (علیهم‌السلام) یا امامزادگان نذر کنید، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده‌اید، باید به همان مصرف برسانید و اگر مصرف معینی را قصد نکرده‌اید، می‌توانید به فقرا یا زوّارشان داده یا به خدّامی که مشغول خدمت در مرقدشان هستند بدهید، گر چه بهتر است در ترویج مکتبشان (منهاج فردوسیان) هزینه کنید و ثوابش را به آن استاد یا امامزاده هدیه نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۶۴: هر گاه گوسفندی را نذر کنید، باید پشم آن و مقداری که چاق می‌شود را جزء نذر بدانید، و اگر پیش از آن که به مصرف نذر برسانید شیر بدهد یا بزّه بیاورد، باید به مصرف نذر برسانید.

مسئله‌ی ۲۶۶۵: هر گاه نذر کنید اگر مریضتان خوب شود، یا مسافرتان بیاید، عملی را انجام دهید، چنانچه معلوم شود که پیش از نذر کردن، مریضتان خوب شده، یا مسافرتان آمده است، عمل کردن به نذرتان را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۶۶: نباید برای دیگران نذر کنید، مثل این که نذر کنید دختر خود را به سید شوهر دهید، ولی اگر چنین کردید، بعد از آن که دختر به تکلیف رسید، اختیار را به خودش بدهید و نذرتان را معتبر ندانید، گر چه اگر بتوانید،

او را راضی نمایید که به سید شوهر کند.

مسئله‌ی ۲۶۶۷: هرگاه با خدای متعال عهد کنید که اگر به حاجت شرعی خود برسید، کار خیری را انجام دهید، بعد از آن که حاجتان برآورده شد، باید آن کار را انجام دهید و نیز اگر بدون آن که حاجتی داشته باشید عهد کنید که عمل خیری را انجام دهید، باید آن عمل را انجام دهید.

مسئله‌ی ۲۶۶۸: در عهد هم مثل نذر باید صیغه بخوانید و نیز کاری که عهد می کنید انجام دهید، باید یا عبادت باشد، مثل نماز واجب و مستحب، یا کاری باشد که انجام آن بهتر از ترکش باشد. و اگر مباحی را عهد کنید، باید انجام دهید.

مسئله‌ی ۲۶۶۹: اگر به عهد خود عمل نکنید، باید کفاره بدهید، یعنی یا شصت فقیر را سیر کنید یا دو ماه روزه بگیرید، یا یک برده آزاد کنید.

احکام قسم خوردن

مسئله‌ی ۲۶۷۰: هرگاه قسم بخورید که کاری را انجام دهید یا ترک کنید، مثلاً قسم بخورید که روزه بگیرید یا دود استعمال نکنید، چنانچه عمداً مخالفت کنید، باید کفاره بدهید یعنی یک برده آزاد کنید یا ده مسکین را اطعام کنید، یا ده فقیر را بپوشانید و اگر اینها را نتوانید، باید سه روز، پشت سر هم روزه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۶۷۱: چند شرط را در قسم در نظر داشته باشید:

اول: وقتی که قسم می‌خورید، باید بالغ و عاقل باشد، و از روی قصد و اختیار قسم بخورید، پس قسم‌هایی که در کودکی یا دیوانگی یا مستی یا به خاطر این که مجبورتان کرده‌اند یا در حال عصبانی بودن و خارج از اختیار خورده‌اید

را درست ندانید. و همچنین اگر بخواهید راجع به مال خودتان قسم بخورید، باید در حال بالغ شدن سفیه نباشید و حاکم شرع شما را از تصرف در اموالتان منع نکرده باشد.

دوم: کاری را که قسم می‌خورید انجام دهید، نباید حرام و مکروه باشد، و کاری را که قسم می‌خورید ترک کنید، نباید واجب و مستحب باشد، و اگر قسم بخورید که کار مباحی را بجا آورید، نباید ترک آن در نظر مردم بهتر از انجامش باشد، و نیز اگر قسم بخورید کار مباحی را ترک کنید، نباید انجام آن در نظر مردم بهتر از ترکش باشد.

سوم: به یکی از اسامی خداوند متعال قسم بخورید که به غیر ذات مقدس او گفته نمی‌شود، مثل «خدا» و «الله» ولی اگر به اسمی قسم بخورید که به غیر خدا هم می‌گویند، ولی به قدری به خدا گفته شده که هر وقت کسی آن اسم را بگوید، ذات مقدس حق در نظر می‌آید، مثل «خالق» و «رازق»، قسمت‌ان را صحیح بدانید. بلکه اگر به لفظی قسم بخورید که بدون قرینه، خدا به نظر نمی‌آید، ولی قصد خدا کرده باشید، باید به آن قسم عمل نمایید.

چهارم: قسم را به زبان بیاورید، پس اگر قسم را بنویسید یا در قلبتان قصد کنید، صحیح ندانید، ولی هر گاه آدم لال، با اشاره قسم بخورد، قسمش را صحیح بدانید.

پنجم: عمل کردن به قسم برایتان ممکن باشد و اگر موقعی که قسم می‌خورید ممکن باشد ولی بعداً از عمل به آن عاجز شوید، از وقتی که عاجز می‌شوید، قسم خود را به هم خورده بدانید، و نیز اگر عمل کردن به قسم به قدری مشقت پیدا کند که نتوانید آن را تحمل کنید، و یا آن چیزی که برایش قسم خورده‌اید، در موقع عمل به قسم، رجحانش را از دست بدهد یا حرام

شود، قسمتان را به هم خورده بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۷۲: برای قسم خوردن باید از پدرتان اجازه بگیرید. همچنین منہاجیات باید از شوهرشان اجازه بگیرند. و اگر پدر یا شوهر از قسم خوردنتان جلوگیری کنند، قسمتان را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۷۳: هر گاه منہاجیات، بدون اجازه‌ی شوهرشان قسم بخورند، ولی شوهرشان برای کاری که قسم خورده‌اند بجا نیاورند، بگوید: «بجا آور»، یا برای کاری که قسم خورده‌اند بجا آورند، بگوید: «بجا نیاور»، قسمشان را بی‌اثر بشمارند.

مسئله‌ی ۲۶۷۴: هر گاه از روی فراموشی یا ناچاری به قسمتان عمل نکنید، پرداخت کفاره را لازم ندانید و همچنین است اگر کسی مجبورتان کند که به قسمتان عمل ننمایید و نیز اگر گرفتار وسواس باشید و قسم بخورید ولی نتوانید به واسطه‌ی وسواس، به قسمتان عمل کنید مثل این که بگویید: «والله الان مشغول نماز می‌شوم» ولی به واسطه‌ی وسواس، مشغول نماز نشوید، اگر وسواس‌تان طوری باشد که بی‌اختیار به قسم عمل نکنید، کفاره را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۷۵: تا می‌توانید، قسم راست نخورید و قسم دروغ را از گناهان بزرگ بشمارید. ولی اگر برای این که خودتان یا مسلمان دیگری را از شرّ ظالمی نجات دهید، می‌توانید قسم دروغ بخورید، بلکه گاهی اوقات و در بعضی شرایط، باید قسم دروغ بخورید. اما اگر بتوانید توبه کنید یعنی موقع قسم خوردن طوری نیت کنید که دروغ نشود، باید توبه کنید. مثلاً اگر ظالمی بخواهد کسی را اذیت کند، و از شما بپرسد که او را دیده‌اید، و یک ساعت قبل او را دیده باشید، بگویید او را ندیده‌ام، و قصد کنید که مثلاً از پنج دقیقه

پیش ندیده‌ام. و این جور قسم خوردن را غیر از قسمی که در مسائل پیش گفته شد بدانید، یعنی قسم را بر دو نوع بشمارید:

اول: آن که قسم بخورید برای اثبات یا نفی چیزی. مثل این که بگویید: «به خدا قسم این مال از من است». راست این قسم را مکروه و دروغش را حرام بشمارید ولی کفاره ندارد.

دوم: آن که قسم بخورید بر انجام کاری در آینده. مثل این که بگویید: «به خدا قسم این جمعه یا هر جمعه به زیارت امامزاده خواهم رفت». این قسم را مانند نذر بدانید که راست و دروغ ندارد ولی اگر تخلف کنید، باید کفاره بدهید.

احکام وقف

مسئله‌ی ۲۶۷۶: هر گاه چیزی را وقف کنید، از ملک خود خارج بدانید و خودتان یا دیگران نباید آن را ببخشید یا بفروشید و نباید مال وقف را به عنوان ارث، بردارید. ولی در بعضی از موارد که در مسئله‌ی ۲۰۹۴ و ۲۰۹۵ گفته خواهد شد، می‌توانید وقف را بفروشید.

مسئله‌ی ۲۶۷۷: صیغه‌ی وقف را می‌توانید به هر زبانی غیر از عربی هم بخوانید. و در وقف خاص، باید کسی که ملک برای او وقف شده یا وکیلش قبول کند. مثلاً اگر بگویید: «خانه‌ی خود را وقف بر اولادم کردم» و یکی از کسانی که خانه را برایشان وقف می‌کنید یا وکیل آنها بگوید: «قبول کردم»، وقف را صحیح بدانید. ولی اگر برای افراد مخصوصی وقف نکنید، بلکه مثل مسجد و مدرسه برای عموم وقف کنید یا مثلاً بر فقرا یا سادات وقف نمایید،

در صورت امکان باید حاکم شرع یا کسی که از طرف او منصوب است، قبول نماید.

مسئله‌ی ۲۶۷۸: هر گاه ملکی را برای وقف معین کنید و پیش از خواندن صیغه‌ی وقف پشیمان شوید، می‌توانید از وقف کردنش منصرف شوید، گر چه بهتر است به نیتتان عمل کنید. همچنین اگر کسی قبل از خواندن صیغه‌ی وقف بمیرد، وقفش را صحیح ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۷۹: وقتی وقف می‌کنید، باید برای همیشه وقف کنید.

مسئله‌ی ۲۶۸۰: وقف را در صورتی صحیح بدانید که مال وقف را به تصرف کسی که برای او وقف شده یا وکیل، یا ولی‌اش بدهید ولی می‌توانید چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کنید و به قصد این که آن چیز ملک آنان شود، از طرف آنان نگهداری نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۸۱: هر گاه مسجدی را وقف کنید، بعد از آن که یک نفر در آن مسجد نماز بخواند، وقف را استقراریافته بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۸۲: وقتی می‌توانید وقف کنید که مکلف و عاقل باشید و با قصد و اختیار باشد و شرعاً بتوانید در مالتان تصرف کنید. بنا بر این وقف کردن سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید را صحیح ندانید و همچنین است محجور نسبت به اموالی که به حکم حاکم شرع از تصرف در آنها منع شده است.

مسئله‌ی ۲۶۸۳: نباید مالی را برای کسانی که به دنیا نیامده‌اند وقف کنید، ولی می‌توانید برای زندگان و کسانی که بعداً به دنیا می‌آیند وقف نمایید، مثلاً چیزی را بر اولاد خود وقف کنید که بعد از آنان، وقف نوه‌هایتان باشد و هر دسته‌ای بعد از دسته‌ی دیگر از وقف استفاده کنند. همچنین می‌توانید مالی

را برای فرزندان وقف کنید و فرزندان دیگری که بعداً به دنیا بیایند، با آنان شریک باشند.

مسئله‌ی ۲۶۸۴: نباید چیزی را بر خودتان وقف کنید مثل این که دکانی را وقف کنید که عایدی آن را بعد از مرگتان خرج مقبره‌تان نمایند. همچنین اگر مالی را بر فقرا وقف کنید و خودتان فقیر شوید، نباید از منافع آن وقف استفاده نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۸۵: برای چیزی که وقف می‌نمایید، متولی معین کنید، و برای استفاده از وقف، اجازه‌ی حاکم شرع را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۸۶: هر گاه ملکی را مثلاً بر فقرا یا سادات وقف کنید، یا وقف کنید که منافع آن به مصرف خیرات برسد، در صورتی که برای آن ملک متولی معین نکرده باشید، اختیار آن را با حاکم شرع بدانید.

مسئله‌ی ۲۶۸۷: هر گاه کسی ملکی را بر افراد مخصوصی مثلاً بر اولاد خود وقف کرده باشد که هر طبقه‌ای بعد از طبقه‌ی دیگر از آن استفاده کنند، چنانچه متولی ملک، آن را به شما اجاره دهد و بمیرد، باید از متولی بعدی نیز اجاره کنید، ولی اگر متولی نداشته باشد و یک طبقه از کسانی که ملک بر آنان وقف شده، آن را اجاره داده باشند و در بین مدت اجاره بمیرند، اجاره را باطل بدانید و در صورتی که اجاره‌ی تمام مدت را داده باشید، می‌توانید با اجازه‌ی طبقه‌ی بعدی، از مال بردارید.

مسئله‌ی ۲۶۸۸: هر گاه ملک وقف خراب شود، از وقف بودن بیرون ندانید.

مسئله‌ی ۲۶۸۹: هر گاه بخواهید مقداری از ملکی را وقف کنید، باید آن مقدار را به طور کامل مشخص نمایید.

مسئله‌ی ۲۶۹۰: هر گاه متولی وقف خیانت کند و عایدات آن را به مصرفی که

معین شده نرساند، می‌توانید از حاکم شرع بخواهید که به جای او، متولی امینی معین نماید.

مسئله‌ی ۲۶۹۱: فرشی که برای حسینیه وقف کرده‌اید را نباید برای نماز به مسجد ببرید، اگر چه آن مسجد، نزدیک حسینیه باشد.

مسئله‌ی ۲۶۹۲: هر گاه ملکی را برای تعمیر مسجدی وقف نمایید، چنانچه آن مسجد احتیاج به تعمیر نداشته باشد و احتمال هم نرود که تا مدتی احتیاج به تعمیر پیدا کند، در صورتی که غیر از تعمیر، احتیاج دیگری نداشته باشد و عایداتش در معرض تلف بوده و نگهداری آن لغو و بیهوده باشد، می‌توانید عایدات آن ملک را به مصرف مسجدی که احتیاج به تعمیر دارد برسانید.

مسئله‌ی ۲۶۹۳: هر گاه ملکی را وقف کنید که عایدی آن را خرج تعمیر مسجد نمایند و به امام جماعت و به کسی که در آن مسجد اذان می‌گوید نیز بدهند، سهم هر کدام را به طور روشن مشخص کنید مثل آن که یک‌پنچ درآمد برای امام جماعت و یک دهم آن برای مؤذن و بقیه برای تعمیر باشد. و در صورتی که واقف، این مطلب را مراعات نکرده و برای هر کدام سهمی معین ننموده باشد، باید اول مسجد را تعمیر کنید و اگر چیزی زیاد آمد، از امام جماعت و کسی که اذان می‌گوید بخواهید که در تقسیم باقیمانده با یکدیگر مصالحه نمایند.

احکام وصیت

مسئله‌ی ۲۶۹۴: وصیت را همان سفارش‌هایی بدانید که انجام می‌دهید تا

بعد از مرگ، کارهایی برایتان انجام دهند، یا مالی را به کسی بدهند یا صرف امور خیر کنند یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با شماست، سرپرست معین کنید. و کسی که به او وصیت می‌کنید را «وصی» بخوانید. مسأله‌ی ۲۶۹۵: هر گاه می‌خواهید وصیت کنید، حتماً بگویید و اکتفا به اشاره و نوشتن نکنید، ولی کسی که لال است، هر گاه با اشاره مقصودش را بفهماند، وصیتش را صحیح بدانید.

مسأله‌ی ۲۶۹۶: هر گاه نوشته‌ای به امضا یا مهر میت ببینید، چنانچه مقصود او را بفهماند و معلوم باشد که برای وصیت کردن نوشته، باید به آن عمل کنید. ولی اگر بدانید مقصودش وصیت کردن نبوده و چیزهایی نوشته است که بعداً مطابق آن وصیت کند، با کسب اجازه از تمام ورثه‌ی بالغ به آن عمل نمایید ولی از سهم صغیر کم نکنید.

مسأله‌ی ۲۶۹۷: وصیتی را صحیح بدانید که وصیت‌کننده، عاقل و بالغ باشد، ولی وصیت بچه‌ی ده ساله‌ای که خوب و بد را تمیز می‌دهد اگر برای بستگانش وصیت کند یا به کار خوبی مثل ساختن مسجد و آب انبار و پُل وصیت کند را نیز در یک‌سوم اموالش صحیح بدانید. همچنین باید با اختیار خودش وصیت کند، پس وصیت کسی که مجبورش کرده‌اند را صحیح ندانید. ولی اگر وصیت‌کننده سفیه باشد و حاکم شرع هم او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد، باید ورثه‌ی بالغ، از سهم خودشان به وصیت او عمل نمایند.

مسأله‌ی ۲۶۹۸: کسی که از روی عمد و به قصد خودکشی اقدامی علیه خود انجام داده، مثلاً زخمی به خود زده یا سمی خورده که به واسطه‌ی آن، یقین یا گمان به مردنش پیدا می‌شود، هر گاه در فاصله‌ی اقدام به خودکشی تا

مردن، وصیت کند، نباید به وصیتش اعتنا کنید.

مسئله‌ی ۲۶۹۹: کسی که وصیت کرده تا چیزی به شما بدهند، در صورتی خود را مالک آن بدانید که آن چیز را بعد از مردن وصیت‌کننده، قبول کنید.

مسئله‌ی ۲۷۰۰: وقتی نشانه‌های مرگ را در خود دیدید، باید فوراً امانت‌های مردم را به صاحبانش برگردانید و اگر به مردم بدهکار هستید و موقع دادن آن بدهی رسیده، باید بدهید، و اگر خودتان نمی‌توانید بدهید یا موقع دادن بدهی‌تان نرسیده، باید وصیت کنید و بر وصیت خود شاهد بگیرید، ولی اگر بدهی‌تان معلوم است و اطمینان دارید که ورثه می‌پردازند، وصیت کردن را لازم ندانید.

مسئله‌ی ۲۷۰۱: وقتی نشانه‌های مرگ را در خود دیدید، اگر خمس یا زکات یا مظالم بدهکار هستید، باید فوراً بدهید و اگر نمی‌توانید، چنانچه از خودتان مال دارید، یا احتمال می‌دهید کسی آنها را ادا نماید، باید وصیت کنید، و همچنین است اگر حج بر شما واجب شده باشد و بجا نیآورده باشید.

مسئله‌ی ۲۷۰۲: وقتی نشانه‌های مرگ را در خود دیدید، اگر نماز و روزه‌ی قضا دارید، باید وصیت کنید که از مال خودتان برای انجام آنها اجیر بگیرید، بلکه اگر مال نداشته باشید ولی احتمال بدهید کسی بدون آن که چیزی بگیرد آنها را انجام می‌دهد، باز هم باید وصیت نمایید، و اگر قضای نماز و روزه‌تان به تفصیلی که در مسئله‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ گفته شد بر پسر بزرگترتان واجب باشد، باید به او اطلاع دهید یا وصیت کنید که برایتان بجا آورد.

مسئله‌ی ۲۷۰۳: وقتی نشانه‌های مرگ را در خود دیدید، اگر مالی پیش کسی دارید یا در جایی پنهان کرده‌اید که ورثه نمی‌دانند، چنانچه به واسطه‌ی

ندانستن، حقشان از بین برود، باید به آنان اطلاع دهید، و بهتر است برای بچه‌های صغیر خود، سرپرست معین کنید، ولی در صورتی که بدون قیم، مال فرزندان صغیرتان از بین می‌رود، یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آنان سرپرست امینی معین نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۰۴: باید وصی خود را مسلمان، بالغ، عاقل و مورد اطمینان انتخاب کنید.

مسئله‌ی ۲۷۰۵: هر گاه کسی چند وصی برای خود معین کند، و شما هم جزء آنان باشید، چنانچه اجازه داده باشد که هر کدام به تنهایی به وصیت عمل کنید، اجازه گرفتن از یکدیگر در انجام وصیت را لازم ندانید. و اگر اجازه نداده باشد، چه گفته باشد که همه با هم به وصیت عمل کنید، یا نگفته باشد، باید با نظر یکدیگر به وصیت عمل نمایید، و اگر بعضی حاضر نشوید که با هماهنگی یکدیگر به وصیت عمل کنید، می‌توانید از حاکم شرع بخواهید که آنان را مجبور به همکاری کند، و اگر همه یا بعضی اطاعت نکردند، می‌توانید بخواهید که به جای آنان، شخص یا اشخاص دیگری را معین نماید.

مسئله‌ی ۲۷۰۶: هر گاه از وصیت خود برگردید مثلاً بگویید: «یک سوم مالم را به فلانی بدهید»، بعد بگویید: «به او ندهید» وصیت قبلی‌تان را باطل بشمارید، همچنین هر گاه وصیت خود را تغییر دهید مثل آن که سرپرستی برای بچه‌های خود معین کنید، بعد شخص دیگری را به جای او سرپرست نمایید، وصیت اول خود را باطل بشمارید. و هر گاه کسی چنین کند، باید به وصیت دوم او عمل نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۰۷: هر گاه نگوید از وصیت خود برگشته‌اید، ولی کاری کنید که معلوم شود از وصیت خود برگشته‌اید، مثلاً خانه‌ای که وصیت کرده‌اید بعد از

شما به شخصی بدهند، را بفروشید، یا دیگری را برای فروش آن وکیل نمایید، وصیت اول خود را باطل بشمارید.

مسئله‌ی ۲۷۰۸: هر گاه کسی وصیت کرده باشد که چیز معینی را به کسی بدهند، بعد وصیت کند که نصف همان را به دیگری بدهند، باید آن چیز را دو قسمت کنید و به هر کدام از آن دو نفر، یک قسمت آن را بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۰۹: هر گاه کسی در مرضی که به آن مرض می‌میرد، مقداری از مالش را به کسی ببخشد و وصیت کند که بعد از مردنش هم مقداری به کس دیگری بدهند، آنچه را که در حال زندگی بخشیده، از اصل مالش بپردازید ولی آنچه وصیت کرده، اگر بیشتر از یک‌سوم تمام دارایی‌اش نباشد، یا اگر بیشتر است، ورثه اجازه بدهند، به وصیت او عمل کنید، و اگر آنچه وصیت کرده بیشتر از یک‌سوم دارایی‌اش باشد و ورثه هم اجازه ندهند، باید فقط تا مقدار یک‌سوم دارایی‌اش به وصیتش عمل کنید.

مسئله‌ی ۲۷۱۰: هر گاه کسی وصیت کند که یک‌سوم دارایی‌اش را بفروشید و عایدی آن را به مصرفی برسانید، باید مطابق گفته‌ی او عمل نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۱۱: هر گاه کسی در مرضی که به آن مرض می‌میرد، بگوید: «مقداری به کسی بدهکار هستم»، چنانچه متهم باشد که برای ضرر زدن به ورثه گفته است، باید مقداری را که معین کرده از یک‌سوم دارایی او بدهید و اگر متهم نباشد، و کسی هم منکر گفته‌ی او نشود، باید از اصل مالش بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۱۲: کسی که وصیت می‌کند چیزی به او بدهند، باید وجود داشته باشد. پس اگر وصیت کنید به بچه‌ای که ممکن است فلان زن حامله شود چیزی بدهید، چنین وصیتی را باطل بشمارید. ولی می‌توانید وصیت کنید به بچه‌ای که در شکم مادر است، چیزی بدهند اگر چه هنوز روح نداشته

باشد، پس اگر کسی چنین وصیت کرد و بچه، زنده به دنیا آمد، باید آنچه را که وصیت کرده به او بدهید، و اگر مرده به دنیا آمد، وصیتش را باطل بدانید و آنچه برای او وصیت کرده را میان ورثه تقسیم کنید.

مسئله‌ی ۲۷۱۳: هر گاه بفهمید کسی شما را وصی خودش کرده، چنانچه به اطلاع وصیت‌کننده برسانید که برای انجام وصیت او حاضر نیستید، بعد از مردنش هم عمل به وصیتش را بر خود لازم ندانید. ولی اگر پیش از مردن او نفهمید که شما را وصی خودش کرده، یا بفهمید و به او اطلاع ندهید که برای عمل کردن به وصیتش حاضر نیستید، یا در وقتی اطلاع دهید که فرصت نداشته باشد تا شخص دیگری را وصی خود سازد، یا موقعی ملتفت شوید که مریض به واسطه‌ی شدت مرض، نتواند به دیگری وصیت کند، باید انجام وصیت او را قبول نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۱۴: هر گاه کسی که به شما وصیت کرده بمیرد، در صورتی که بدانید مقصود میت این بوده که خودتان انجام دهید، نباید به شخص دیگری بسپارید، ولی اگر بدانید که مقصود میت این نبوده که شما آن کار را انجام دهید، بلکه مقصودش فقط انجام کار بوده، می‌توانید دیگری را از طرف خود وکیل نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۱۵: هر گاه کسی، شما و شخص دیگری را وصی خود کند که با هم به وصیتش عمل کنید، چنانچه آن وصی بمیرد یا دیوانه یا کافر شود، باید از حاکم شرع بخواهید تا یک نفر دیگر را به جای او معین کند. و هرگاه یکی از ورثه باشید و هر دو وصی بمیرند یا دیوانه یا کافر شوند، می‌توانید از حاکم شرع بخواهید که دو وصی دیگر تعیین نماید.

مسئله‌ی ۲۷۱۶: هر گاه وصی کسی باشید و نتوانید به تنهایی کارهای میت را

انجام دهید، می‌توانید از حاکم شرع بخواهید تا برای کمک شما، یک نفر دیگر را معین کند.

مسئله‌ی ۲۷۱۷: هر گاه وصی کسی باشید و مقداری از مال میت در دست شما تلف شود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا تعدی نموده باشید، مثل آن که میت وصیت کرده است که فلان مقدار به فقرای فلان شهر بدهید و شما مال را به شهر دیگر برده و در راه از بین رفته باشد، باید جبران کنید، بلکه اگر در بین راه هم تلف نشود، ولی به فقرای شهری دهید که مورد وصیت نبوده، باز هم باید جبران نمایید. ولی اگر کوتاهی نکرده و تعدی هم ننموده باشید، خود را ضامن ندانید.

مسئله‌ی ۲۷۱۸: هرگاه شخصی، شخص دیگری را وصی کند، و همچنین وصیت کند که اگر آن کس بمیرد، شما وصی او باشید، بعد از آن که وصی اول مُرد، شما باید کارهای میت را انجام دهید.

مسئله‌ی ۲۷۱۹: حجّی که بر میت واجب است و بدهکاری و حقوقی مثل خمس و زکات و مظالم که باید ادا می‌کرد و نکرد را از اصل مال بدهید، اگر چه میت برای آنها وصیت نکرده باشد.

مسئله‌ی ۲۷۲۰: هر گاه مال میت از بدهی و حج واجب و حقوقی مثل خمس و زکات و مظالم که باید می‌پرداخت و نپرداخت زیاد بیاید، چنانچه وصیت کرده باشد که یک‌سوم یا مقداری از یک‌سوم را به مصرفی برسانید، باید به وصیت او عمل کنید و اگر وصیت نکرده باشد، آنچه می‌ماند را مال ورثه بدانید.

مسئله‌ی ۲۷۲۱: هر گاه مصرفی را که میت معین کرده، از یک‌سوم مالش بیشتر باشد، وصیت او در بیشتر از یک‌سوم را در صورتی صحیح بدانید که

ورثه، عملی شدن وصیت را اجازه دهند. و اگر بعضی از ورثه اجازه دهند و بعضی اجازه ندهند، وصیت را فقط در سهم آنان که اجازه داده‌اند، صحیح بدانید.

مسئله‌ی ۲۷۲۲: هر گاه کسی که از او ارث می‌برید، مصرفی را معین کرده باشد که از یک‌سوم دارایی‌اش بیشتر باشد و پیش از مردن، اجازه بدهید که وصیت او عملی شود، بعد از مردن او نباید از اجازه‌ی خود برگردید.

مسئله‌ی ۲۷۲۳: هر گاه کسی شما را وصی خود قرار دهد، اگر بخواهد وصیت‌هایش را از یک‌سوم دارایی‌اش انجام دهد:

اول: بدهی‌هایش به مردم را بدهید، و اگر از یک‌سوم کم آمد، از اصل مالش بپردازید.

دوم: اگر از مورد اول زیاد آمد، خمس، زکات و مظالمی که بدهکار است را بدهید، و اگر از یک‌سوم کم آمد، از اصل مالش بپردازید.

سوم: اگر از دو مورد قبلی زیاد آمد، نماز و روزه‌هایی که وصیت کرده را ادا کنید و اگر زیاد نیامد، برداشتن از اصل مال را لازم ندانید.

چهارم: اگر از موارد قبلی زیاد آمد، در امور مستحبی مانند اطعام فقرا مصرف نمایید.

و در تمام این کارها، از ورثه نیز اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۲۴: هر گاه کسی شما را وصی خود قرار دهد، اگر بخواهد وصیت‌هایش را انجام دهید ولی معین نکند از یک‌سوم دارایی‌اش انجام دهید:

اول: بدهی‌هایش به مردم را باید از اصل مالش بپردازید.

دوم: اگر از مالش زیاد آمد، خمس، زکات و مظالمی که بدهکار است را از

اصل مالش بدهید.

سوم: اگر مالش از دو مورد قبلی زیاد آمد، نماز و روزه‌هایی که وصیت کرده را با اجازه‌ی ورثه، از اصل مالش ادا کنید و اگر اجازه ندادند، از یک‌سوم دارایی‌اش انجام دهید.

چهارم: امور مستحبی مانند اطعام فقرا را از یک‌سوم دارایی‌اش مصرف نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۲۵: هر گاه وصی کسی باشید و شخصی ادعا کند که میت، وصیت کرده که مبلغی به او بدهید، چنانچه دو مرد عادل گفته‌ی او را تصدیق کنند یا قسم بخورد و یک مرد عادل هم گفته‌ی او را تصدیق نماید، یا یک مرد عادل و دو زن عادل، یا چهار زن عادل به گفته‌ی او شهادت دهند، باید مقداری را که می‌گویند به او بدهید، و اگر یک زن عادل شهادت بدهد، باید یک‌چهارم چیزی که مطالبه می‌کند را به او بدهید، و اگر دو زن عادل شهادت دهند، باید نصف آن را، و اگر سه زن عادل شهادت دهند، باید سه‌چهارم آن را به او بدهید، و نیز اگر دو مرد کافر ذمی که در دین خود عادل باشند گفته‌ی او را تصدیق کنند، در صورتی که میت ناچار بوده است که وصیت کند، و مرد و زن عادل هم در موقع وصیت نبوده‌اند، باید چیزی را که مطالبه می‌کند به او بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۲۶: هر گاه کسی ادعا کند وصی میت است یا میت او را سرپرست بچه‌های خود قرار داده است، در صورتی باید حرف او را قبول کنید که دو مرد عادل، گفته‌ی او را تصدیق نمایند.

مسئله‌ی ۲۷۲۷: هر گاه وصیت کنید چیزی به کسی بدهند و آن شخص پیش از آن که قبول کند یا رد نماید بمیرد، می‌توانید از وصیت خود برگردید

و می‌توانید برای ورثه‌اش قرار دهید.

احکام ارث

مسئله‌ی ۲۷۲۸: کسانی که به واسطه‌ی خویشی ارث می‌برند را سه دسته بدانید:

دسته‌ی اول: پدر و مادر و فرزند میت، و با نبودن فرزند، فرزند فرزند هر چه پایین روند، هر کدام آنان که به میت نزدیکتر است ارث ببرد و تا یک نفر از این دسته هست، دسته‌ی دوم ارث نبرند.

دسته‌ی دوم: پدر بزرگ و مادر بزرگ و خواهر و برادر است، و با نبودن برادر و خواهر، فرزند ایشان، هر کدام آنان که به میت نزدیکتر است ارث ببرد و تا یک نفر از این دسته هست، دسته‌ی سوم ارث نبرند.

دسته‌ی سوم: عمو و عمه و دایی و خاله و فرزند آنان است، و تا یک نفر از عمو یا عمه یا دایی یا خاله‌ی میت زنده باشد، فرزندان آنان ارث نبرند. ولی اگر میت، عموی پدری و پسرعموی پدر و مادری داشته باشد، ارث به پسر عموی پدر و مادری برسد، و عموی پدری ارث نبرد.

مسئله‌ی ۲۷۲۹: اگر عمو، عمه، دایی و خاله‌ی خود میت و فرزند آنان و فرزند فرزند آنان نباشند، عمو، عمه، دایی و خاله‌ی پدر و مادر میت ارث ببرند. و اگر اینها نباشند، فرزندان ارث ببرند و اگر اینها هم نباشند، عمو، عمه، دایی و خاله‌ی پدر بزرگ و مادر بزرگ میت، و اگر اینها هم نباشند، فرزندان ارث ببرند.

مسئله‌ی ۲۷۳۰: زن و شوهر به تفصیلی که بعداً (در مسائل ۲۷۷۰ تا ۲۷۷۹)

گفته خواهد شد، از یکدیگر ارث ببرند.

ارث دسته‌ی اول

مسئله‌ی ۲۷۳۱: هر گاه وارث میت فقط یک نفر از دسته‌ی اول باشد، مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر باشد، همه‌ی مال میت را به او بدهید. و اگر چند پسر یا چند دختر باشند، همه‌ی مال را به طور مساوی بین آنان تقسیم کنید. و اگر یک پسر و یک دختر باشند، مال را سه قسمت کنید، دو قسمت را پسر، و یک قسمت را به دختر بدهید. و اگر چند پسر و چند دختر باشند، مال را طوری تقسیم کنید که هر پسری، دو برابر دختر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۳۲: اگر وارث میت فقط پدر و مادر او باشند، مال را سه قسمت کنید، دو قسمت آن را به پدر و یک قسمت را به مادر بدهید، ولی اگر میت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد که همه‌ی آنان مسلمان و آزاد و زنده و پدری باشند، یعنی پدر آنان با پدر میت یکی باشد، خواه مادرشان هم با مادر میت یکی باشد یا نه، اگر چه تا میت پدر و مادر دارد به اینها ارث ندهید، اما به واسطه‌ی بودن اینها، مادر یک‌ششم مال را ببرد و بقیه را پدر بردارد.

مسئله‌ی ۲۷۳۳: اگر وارث فقط پدر و مادر و یک دختر باشند، چنانچه میت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر پدری نداشته باشد، مال را پنج قسمت کنید تا پدر و مادر، هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت آن را ببرد. و اگر دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، با اجازه‌ی پدر و دختر، مال را پنج قسمت کنید تا پدر و مادر، هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت آن را ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۳۴: اگر وارث میت فقط پدر و مادر و یک پسر باشند، مال را شش قسمت کنید، پدر و مادر هر کدام یک قسمت و پسر، چهار قسمت آن را ببرد. و اگر چند پسر یا دختر باشید، آن چهار قسمت را به طور مساوی بین خودتان قسمت کنید و اگر پسر و دختر باشید، آن چهار قسمت را طوری تقسیم کنید که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۳۵: اگر وارث میت فقط پدر و یک پسر، یا مادر و یک پسر باشد، مال را شش قسمت کنید تا یک قسمت آن را پدر یا مادر، و پنج قسمت را پسر ببرد، و اگر چند پسر باشید، آن پنج قسمت را به طور مساوی بین خودتان تقسیم کنید.

مسئله‌ی ۲۷۳۶: اگر وارث میت فقط پدر و پسر و دختر باشد، یا فقط مادر و پسر و دختر باشد، مال را شش قسمت کنید، یک قسمت آن را پدر یا مادر ببرد و بقیه را طوری قسمت کنید که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۳۷: اگر وارث میت فقط پدر و یک دختر، یا مادر و یک دختر باشد، مال را چهار قسمت کنید، یک قسمت آن را پدر یا مادر و بقیه را دختر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۳۸: اگر وارث میت فقط پدر و چند دختر، یا مادر و چند دختر باشند، مال را پنج قسمت کنید، یک قسمت را پدر یا مادر ببرد و چهار قسمت را به طور مساوی بین دخترها تقسیم کنید.

مسئله‌ی ۲۷۳۹: اگر میت فرزند نداشته باشد، نوه‌ی پسری او اگر چه دختر باشد، سهم پسر میت را ببرد، و نوه‌ی دختری او اگر چه پسر باشد، سهم دختر میت را ببرد، مثلاً اگر میت یک پسر از دختر خود و یک دختر از پسرش داشته باشید، مال را سه قسمت کنید، یک قسمت را به پسر دختر و

دو قسمت را به دختر پسر بدهید.

ارث دسته‌ی دوم

مسئله‌ی ۲۷۴۰: دسته‌ی دوم از کسانی که به واسطه‌ی خویشی ارث می‌برند، پدر بزرگ و مادر بزرگ، و برادر و خواهر میت هستند. و اگر برادر و خواهر نداشته باشد، فرزندان‌شان ارث ببرند.

مسئله‌ی ۲۷۴۱: اگر وارث میت فقط یک برادر یا یک خواهر باشد، همه‌ی مال به او برسد. و اگر چند برادر پدر و مادری، یا چند خواهر پدر و مادری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت شود و اگر برادر و خواهر پدر و مادری با هم باشید، هر برادری دو برابر خواهر ببرد. مثلاً اگر دو برادر و یک خواهر پدر و مادری دارید، مال را پنج قسمت کنید، هر یک از برادرها دو قسمت و خواهر یک قسمت آن را ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۴۲: اگر میت، برادر و خواهر پدر و مادری دارد، برادر و خواهر پدری که از مادر با میت جداست، ارث نبرد. و اگر برادر و خواهر پدر و مادری ندارد، چنانچه فقط یک خواهر یا یک برادر پدری داشته باشد، همه‌ی مال به او برسد، و اگر چند برادر یا چند خواهر پدری داشته باشد، مال به طور مساوی بین آنان قسمت شود، و اگر هم برادر و هم خواهر پدری داشته باشد، هر برادری دو برابر خواهر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۴۳: اگر وارث میت فقط یک خواهر، یا یک برادر مادری باشد، که از پدر با میت جداست، همه‌ی مال را به او بدهید. و اگر چند برادر مادری، یا چند خواهر مادری، یا چند برادر و خواهر مادری باشید، مال را به طور مساوی بین خودتان قسمت کنید.

مسئله‌ی ۲۷۴۴: اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری، و برادر و خواهر پدری، و یک برادر یا یک خواهر مادری داشته باشد، به برادر و خواهر پدری ارث ندهید، و مال را شش قسمت کنید، یک قسمت آن را به برادر یا خواهر مادری، و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری بدهید. و هر برادری دو برابر خواهر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۴۵: اگر میت، برادر و خواهر پدر و مادری، و برادر و خواهر پدری، و برادر و خواهر مادری داشته باشد، به برادر و خواهر پدری ارث ندهید، و مال را سه قسمت کنید، یک قسمت آن را به طور مساوی بین برادر و خواهر مادری قسمت کنید، و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری بدهید، و هر برادری دو برابر خواهر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۴۶: اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری، و یک برادر مادری، یا یک خواهر مادری باشد، مال را شش قسمت کنید، یک قسمت آن را به برادر یا خواهر مادری بدهید و بقیه را به برادر و خواهر پدری بدهید، و هر برادری دو برابر خواهر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۴۷: اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری، و چند برادر و خواهر مادری باشد، مال را سه قسمت کنید، یک قسمت آن را به طور مساوی بین برادر و خواهر مادری قسمت کنید، و بقیه را به برادر و خواهر پدری بدهید، و هر برادری دو برابر خواهر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۴۸: اگر وارث میت فقط برادر و خواهر و زن او باشند، ارث زن را به تفصیلی که در مسائل ۲۷۷۰ تا ۲۷۷۹ گفته خواهد شد بدهید، و خواهر و برادر به طوری که در مسائل گذشته گفته شد ارث خود را ببرید. و نیز اگر زنی بمیرد و وارث او فقط خواهر و برادر و شوهر او باشد. شوهر، نصف مال

را ببرد و خواهر و برادر به طوری که در مسائل پیش گفته شد، ارث خود را ببرند، ولی برای آن که زن یا شوهر ارث ببرند، از سهم برادر و خواهر مادری چیزی کم نشود، و از سهم برادر و خواهر پدر و مادری یا پدری کم شود، مثلاً اگر وارث میت، شوهر و برادر و خواهر مادری و برادر و خواهر پدر و مادری او باشند، نصف مال به شوهر برسد، و یک قسمت از سه قسمت اصل مال را به برادر و خواهر مادری بدهید، و آنچه می‌ماند مال برادر و خواهر پدر و مادری باشد. پس اگر مثلاً همه‌ی مال او شش میلیون تومان باشد، سه میلیون تومان به شوهر و دو میلیون تومان به برادر و خواهر مادری و یک میلیون تومان به برادر و خواهر پدر و مادری بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۴۹: اگر میت، خواهر و برادر نداشته باشد، سهم ارث آنان را به فرزندانشان بدهید، و سهم برادرزاده و خواهرزاده‌ی مادری را به طور مساوی بینشان تقسیم کنید. و از سهمی که به برادرزاده و خواهرزاده‌ی پدری یا پدر و مادری می‌رسد، هر پسری دو برابر دختر ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۵۰: اگر وارث میت فقط یک پدربزرگ یا یک مادربزرگ است، چه پدری باشد یا مادری، همه‌ی مال به او برسد و با بودن پدربزرگ میت، به پدر پدربزرگ او ارث ندهید.

مسئله‌ی ۲۷۵۱: اگر وارث میت فقط پدربزرگ و مادربزرگ پدری باشند، مال را سه قسمت کنید، دو قسمت را به پدربزرگ و یک قسمت را به مادربزرگ بدهید. و اگر پدربزرگ و مادربزرگ مادری باشد، مال را به طور مساوی بینشان قسمت کنید.

مسئله‌ی ۲۷۵۲: اگر وارث میت فقط یک پدربزرگ یا مادربزرگ پدری و یک پدربزرگ یا مادربزرگ مادری باشد، مال را سه قسمت کنید، دو قسمت را به

پدربزرگ یا مادربزرگ پدری و یک قسمت را به پدربزرگ یا مادربزرگ مادری بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۵۳: اگر وارث میت، پدربزرگ و مادربزرگ پدری، و پدربزرگ و مادربزرگ مادری باشند، مال را سه قسمت کنید، یک قسمت آن را به طور مساوی بین پدربزرگ و مادربزرگ مادری تقسیم کنید و دو قسمت آن را به پدربزرگ و مادربزرگ پدری بدهید، و پدربزرگ، دو برابر مادربزرگ ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۵۴: اگر وارث میت، فقط زن و پدربزرگ و مادربزرگ پدری و پدربزرگ و مادربزرگ مادری باشد، ارث زن را به تفصیلی که در مسئله‌ی ۲۷۷۱ گفته خواهد شد بدهید، و یک قسمت از سه قسمت اصل مال را به طور مساوی بین پدربزرگ و مادربزرگ مادری قسمت کنید و بقیه را به پدربزرگ و مادربزرگ پدری بدهید و پدربزرگ، دو برابر مادربزرگ ببرد، و اگر وارث میت، شوهر و پدربزرگ و مادربزرگ باشند، به شوهر، نصف مال را بدهید و به پدربزرگ و مادربزرگ، به دستوری که در مسائل گذشته گفته شد، ارث بدهید.

ارث دسته‌ی سوم

مسئله‌ی ۲۷۵۵: دسته‌ی سوم، عمو، عمه، دایی، خاله و فرزندان آنان هستند، به تفصیلی که گفته شد، که اگر کسی از طبقه‌ی اول و دوم نباشد، به اینها ارث بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۵۶: اگر وارث میت فقط یک عمو یا یک عمه است، چه پدر و مادری باشد یعنی با پدر میت از یک پدر و مادر باشد، یا پدری باشد یا مادری، همه‌ی مال را به او بدهید، و اگر چند عمو یا چند عمه باشند و همه پدر و مادری یا همه پدری یا همه مادری باشند، مال را به طور مساوی بین

آنان قسمت کنید، و اگر عمو و عمه هر دو باشند، و همه پدر و مادری، یا همه پدری باشند، عمو دو برابر عمه ببرد. مثلاً اگر وارث میت، دو عمو و یک عمه باشد، مال را پنج قسمت کنید، یک قسمت را به عمه بدهید و چهار قسمت را به طور مساوی در بین عموها تقسیم کنید.

مسئله‌ی ۲۷۵۷: اگر وارث میت فقط چند عموی مادری یا چند عمه‌ی مادری باشد، مال را به طور مساوی بین آنان قسمت کنید، ولی اگر فقط عمو و عمه‌ی مادری داشته باشد، باید با هم صلح کنند.

مسئله‌ی ۲۷۵۸: اگر وارث میت، عمو و عمه باشد و بعضی پدری و بعضی مادری و بعضی پدر و مادری باشند، به عمو و عمه‌ی پدری ارث ندهید، پس اگر میت یک عمو یا یک عمه‌ی مادری دارد، مال را شش قسمت کنید، یک قسمت را به عمو یا عمه‌ی مادری و بقیه را به عمو و عمه‌ی پدر و مادری بدهید و عموی پدر و مادری، دو برابر عمه‌ی پدر و مادری ببرد و اگر هم عمو و هم عمه‌ی مادری دارد، مال را سه قسمت کنید، دو قسمت را به عمو و عمه‌ی پدر و مادری بدهید، و به عمو دو برابر عمه بدهید و یک قسمت را به عمو و عمه‌ی مادری بدهید، و در تمام این موارد، با یکدیگر مصالحه کنند.

مسئله‌ی ۲۷۵۹: اگر وارث میت فقط یک دایی، یا یک خاله باشد، همه‌ی مال را به او بدهید، و اگر هم دایی و هم خاله باشد، و همه پدر و مادری، یا پدری، یا مادری باشند، مال را به طور مساوی بین آنان قسمت کنید و در تقسیم، با یکدیگر صلح کنند.

مسئله‌ی ۲۷۶۰: اگر وارث میت فقط یک دایی، یا یک خاله‌ی مادری و دایی و خاله‌ی پدر و مادری، و دایی و خاله‌ی پدری باشد، به دایی و خاله‌ی پدری ارث ندهید، و مال را شش قسمت کنید، یک قسمت را به دایی یا خاله‌ی

مادری و بقیه را به دایی و خاله‌ی پدر و مادری بدهید و در تقسیم، با یکدیگر مصالحه کنند.

مسأله‌ی ۲۷۶۱: اگر وارث میت، فقط دایی و خاله‌ی پدری و دایی و خاله‌ی مادری و دایی و خاله‌ی پدر و مادری باشد، به دایی و خاله‌ی پدری ارث ندهید و باید مال را سه قسمت کنید، یک قسمت آن را به طور مساوی بین دایی و خاله‌ی مادری قسمت نمایید و بقیه را به دایی و خاله‌ی پدر و مادری بدهید و در تقسیم آن با یکدیگر مصالحه کنند.

مسأله‌ی ۲۷۶۲: اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه باشد، مال را سه قسمت کنید، یک قسمت را به دایی یا خاله و بقیه را به عمو یا عمه بدهید.

مسأله‌ی ۲۷۶۳: اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله، و عمو و عمه باشند، چنانچه عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشند، مال را سه قسمت کنید، یک قسمت را دایی یا خاله ببرد، و از بقیه، دو قسمت به عمو و یک قسمت به عمه بدهید، بنا بر این اگر مال را سه قسمت کنید، سه قسمت را به دایی یا خاله و چهار قسمت را به عمو و دو قسمت را به عمه بدهید.

مسأله‌ی ۲۷۶۴: اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه ی مادری، و عمو و عمه‌ی پدر و مادری یا پدری باشد، مال را سه قسمت کنید، یک قسمت آن را به دایی یا خاله بدهید و دو قسمت باقیمانده را شش قسمت کنید، یک قسمت را به عمو یا عمه‌ی مادری و بقیه را به عمو و عمه‌ی پدر و مادری یا پدری بدهید، و به عمو دو برابر عمه بدهید. بنا بر این اگر مال را سه قسمت کنید، سه قسمت را به دایی یا خاله و یک قسمت را به عمو یا عمه‌ی مادری و پنج قسمت دیگر را به عمو و عمه‌ی پدر و مادری یا پدری

بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۶۵: اگر وارث میت یک دایی، یا یک خاله و عمو و عمه‌ی مادری، و عمو و عمه‌ی پدر و مادری، یا پدری باشد، مال را سه قسمت کنید، یک قسمت را به دایی یا خاله بدهید و دو قسمت باقیمانده را سه سهم کنید، یک سهم آن را به طور مساوی بین عمو و عمه‌ی مادری قسمت کنید و با هم مصالحه کنند، و دو سهم دیگر را بین عمو و عمه‌ی پدر و مادری یا پدری قسمت نمایید، و به عمو دو برابر عمه بدهید. بنا بر این مال را نه قسمت کنید، سه قسمت آن را به خاله یا دایی و دو قسمت آن را به عمو و عمه‌ی مادری و چهار قسمت آن را به عمو و عمه‌ی پدر و مادری یا پدری بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۶۶: اگر وارث میت چند دایی و چند خاله باشند که همه پدر و مادری، یا پدری یا مادری باشند و عمو و عمه هم داشته باشند، مال را سه سهم کنید، دو سهم آن را به دستوری که در مسئله‌ی پیش گفته شد، بین عمو و عمه قسمت کنید و یک سهم آن را بین دایی‌ها و خاله‌ها به طور مساوی قسمت نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۶۷: اگر وارث میت، دایی یا خاله‌ی مادری، و چند دایی و خاله‌ی پدر و مادری یا پدری، و عمو و عمه باشد، مال را سه سهم کنید، و دو سهم آن را به دستوری که سابقاً گفته شد، بین عمو و عمه قسمت کنید. پس اگر میت، یک دایی یا یک خاله‌ی مادری دارد، یک سهم دیگر را شش قسمت کنید، یک قسمت را به دایی یا خاله‌ی مادری بدهید، و بقیه را به دایی و خاله‌ی پدر و مادری یا پدری بدهید، و در تقسیم آن با هم مصالحه کنند. و اگر چند دایی مادری یا چند خاله‌ی مادری یا هم دایی مادری و هم خاله‌ی مادری دارد، آن یک سهم را سه قسمت کنید، یک قسمت را به طور مساوی

بین دایی‌ها و خاله‌های مادری قسمت کنید و بقیه را به دایی و خاله‌ی پدر و مادری یا پدری بدهید، و در تقسیم آن با هم مصالحه کنند.

مسئله‌ی ۲۷۶۸: اگر میت، عمو، عمه، دایی و خاله نداشته باشد، مقداری که به عمو و عمه می‌رسد، به فرزندان آنان و مقداری که به دایی و خاله می‌رسد، به فرزندان آنان بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۶۹: اگر وارث میت، عمو و عمه و دایی و خاله‌ی پدر و همچنین عمو و عمه و دایی و خاله‌ی مادر او باشند، مال را سه سهم کنید، یک سهم آن را به طور مساوی بین عمو و عمه و دایی و خاله‌ی مادر میت تقسیم کنید، و عمو و عمه‌ی مادری مادر میت با هم صلح کنند، و دو سهم دیگر آن را سه قسمت کنید، یک قسمت را به طور مساوی بین دایی و خاله‌ی پدر میت قسمت نمایید، و دو قسمت دیگر آن را به عمو و عمه‌ی پدر میت بدهید، و به عمو دو برابر عمه بدهید.

ارث زن و شوهر

مسئله‌ی ۲۷۷۰: هر گاه زن دائمتان بمیرد و فرزند نداشته باشد، نصف همه‌ی مالش را برای خودتان بردارید و بقیه را به ورثه‌ی دیگر بدهید، و اگر از شما یا از شوهر قبلی‌اش فرزند داشته باشد، یک‌چهارم همه‌ی مالش را برای خودتان بردارید و بقیه را به ورثه‌ی دیگر بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۷۱: هر گاه شوهر دائم زنی بمیرد و فرزند نداشته باشد، یک‌چهارم همه‌ی مالش - جز مواردی که گفته خواهد شد - را به او داده و بقیه را به ورثه‌ی دیگر بدهید. و اگر از آن زن یا از زن دیگرش فرزند داشته باشد، یک‌هشتم همه‌ی مالش - جز مواردی که گفته خواهد شد - را به آن زن داده و بقیه را به ورثه‌ی دیگر بدهید. البته از زمین خانه و باغ و زراعت و

زمین‌های دیگر، به او ارث ندهید، نه از خود زمین و نه از قیمت آن. و نیز از آنچه بر روی زمین است مانند ساختمان و درخت و زراعت، ارث ندهید، ولی از قیمت آنها ارث بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۷۲: هر گاه منہاجیات بخواهند در چیزی که از آن ارث نمی‌برند تصرف کنند، باید از ورثه‌ی دیگر اجازه بگیرند. و اگر از ورثه هستید، تا زمانی که سهم زن را نداده‌اید، نباید در بنا و چیزهایی که باید به زن از قیمت آنها ارث بدهید، بدون اجازه‌ی او تصرف کنید و چنانچه بخواهید پیش از دادن سهم زن، اینها را بفروشید، باید از او اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۷۳: هر گاه بخواهید ساختمان یا درخت و مانند آن را قیمت نمایید، باید حساب کنید که اگر آنها بدون اجاره در زمین بمانند تا از بین بروند، چقدر ارزش دارند، و سهم زن را از آن قیمت بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۷۴: مجرای آب قنات و مانند آن را در حکم زمین بدانید، و اجر و چیزهایی که در آن به کار رفته را در حکم ساختمان بشمارید.

مسئله‌ی ۲۷۷۵: هر گاه میت بیش از یک زن دائم داشته باشد، چنانچه فرزند نداشته باشد، یک‌چهارم مال، و اگر فرزند داشته باشید، یک‌هشتم مالش را، به شرحی که گفته شد، به طور مساوی بین زن‌هایش تقسیم کنید، اگر چه شوهر با هیچ یک از آنان، یا بعضی آنان نزدیکی نکرده باشد، ولی اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته، زنی را عقد کرده، و با او نزدیکی نکرده است، به آن زنش از ارث او ندهید و مهریه‌اش را هم نپردازید.

مسئله‌ی ۲۷۷۶: هر گاه زنی در حال مرض شوهر کند، و به همان مرض بمیرد، به شوهرش - اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد - از ارث او بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۷۷: هر گاه زنتان را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق

رجعی بدهید، و در بین عدّه بمیرد، می‌توانید از او ارث ببرید. و نیز اگر منہاجیات طلاق رجعی بگیرند و شوهرشان در بین عدّه بمیرد، می‌توانند از او ارث ببرند. ولی اگر بعد از گذشتن عدّه‌ی رجعی یا در عدّه‌ی طلاق بائن، یکی از زن و شوهر بمیرد، دیگری نباید از او ارث ببرد.

مسئله‌ی ۲۷۷۸: هر گاه شوهر در حال مرض، زنش را طلاق دهد، و پیش از گذشتن دوازده ماه هلالی بمیرد، با سه شرط به آن زن ارث بدهید:
اول: آن‌که در این مدت، شوهر دیگر اختیار نکرده باشد.

دوم: به واسطه‌ی بی‌میلی به شوهر، مالی به او نداده باشد که به طلاق دادن او راضی شود. بلکه اگر چیزی هم به شوهر نداده باشد ولی طلاق به تقاضای زن باشد، منہاجیات نباید تقاضای ارث کنند.

سوم: شوهر به واسطه‌ی همان مرضی که در آن مرض زنش را طلاق داده، بمیرد، پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود، منہاجیات نباید تقاضای ارث کنند.

مسئله‌ی ۲۷۷۹: لباسی که شوهر برای پوشیدن منہاجیات گرفته است، اگر چه آن را پوشیده باشند، باید بعد از مردن شوهر، جزء مال شوهر بدانند و باید بین خود و سایر ورثه تقسیم کنند، مگر این که شوهر به ایشان بخشیده باشد.

مسائل متفرقه‌ی ارث

مسئله‌ی ۲۷۸۰: هر گاه پدرتان بمیرد، باید قرآن، انگشتر، شمشیر و لباس‌هایی که پوشیده و نپوشیده را به بزرگ‌ترین پسر پدرتان بدهید. و اگر پسر بزرگتر هستید، در گرفتن این چند چیز از سایر ورثه اجازه بگیرید تا با رضایت آنان باشد.

مسئله‌ی ۲۷۸۱: هر گاه پسر بزرگتر بودن‌تان مشخص نباشد، مثل این که برادر دوقلویی داشته باشید یا با برادر دیگران همزمان از دو مادر متولد شده باشید، باید لباس، قرآن، انگشتر و شمشیر پدرتان را به طور مساوی بین خودتان قسمت کنید.

مسئله‌ی ۲۷۸۲: هر گاه پسر بزرگتر باشید و پدرتان که مُرده، قرض داشته باشد، باید به نسبت قرض به دارایی‌اش، از چهار چیزی که گفته شد، بپردازید. مثلاً اگر همه‌ی دارایی پدرتان شصت میلیون تومان است و به مقدار بیست میلیون تومان آن از چیزهایی است که مال شما شده است و سی میلیون تومان هم قرض دارد، باید به مقدار ده میلیون تومان از آن چهار چیز را بابت قرض پدرتان بدهید.

مسئله‌ی ۲۷۸۳: هر گاه در طبقات ارث کافری قرار بگیرید، می‌توانید از او ارث ببرید ولی نباید کافر را از ارث مسلمان بهره‌مند نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۸۴: اگر یکی از خویشان خود را عمداً و به ناحق بکشید، علاوه بر این که گناه بسیار بزرگی مرتکب شده‌اید، نباید از او ارث ببرید. ولی اگر از روی خطا باشد، مثل آن‌که سنگی به هوا بیندازید و اتفاقاً به یکی از خویشان‌تان بخورد و او را بکشد، می‌توانید از او ارث ببرید، ولی نباید از دیه‌ی قتلش ارث ببرید.

مسئله‌ی ۲۷۸۵: هرگاه بخواهید ارث را تقسیم کنید، در صورتی که میت بچه‌ای داشته باشد که در شکم مادر است، و در طبقه‌ی او وارث دیگری مانند فرزند و پدر و مادر هم باشند، باید برای بچه‌ای که در شکم است، سهم یک پسر را کنار بگذارید. ولی اگر احتمال بدهید بیشتر از یک بچه داشته باشد، مثلاً احتمال بدهید که زن، سه بچه حامله باشد، سهم سه پسر را کنار

بگذارید. و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آمد، زیادی را بین سایر ورثه تقسیم کنید.

امر به معروف و نهی از منکر

مسئله‌ی ۲۷۸۶: باید در واجبات و محرمات - با شرایطی که ذکر خواهد شد - امر به معروف و نهی از منکر کنید و نیز خوب است در مستحبات و مکروهات نیز امر به معروف و نهی از منکر نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۸۷: امر به معروف و نهی از منکر را واجب کفایی بدانید به این معنی که هر گاه بعضی از مکلفین انجام دهند، از خود ساقط بدانید. و اگر اقامه‌ی معروف و جلوگیری از منکر، موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد، باید اجتماع کنید.

مسئله‌ی ۲۷۸۸: هر گاه بعضی افراد، امر و نهی کنند و مؤثر نشود ولی احتمال بدهید اگر شما امر یا نهی کنید، مؤثر باشد، باید امر و نهی کنید.

مسئله‌ی ۲۷۸۹: در امر به معروف و نهی از منکر بر بیان مسئله‌ی شرعی بسنده نکنید، بلکه باید امر و نهی کنید. مگر آن که مقصود از امر به معروف و نهی از منکر، با بیان حکم شرعی حاصل شود، و یا طرف مقابل، از آن امر و نهی بفهمد.

مسئله‌ی ۲۷۹۰: در امر به معروف و نهی از منکر، باید قصد قربت کنید یعنی به نیت انجام فرمان خدای تعالی، امر و نهی نمایید.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

مسئله‌ی ۲۷۹۱: چند چیز را در امر به معروف و نهی از منکر در نظر داشته باشید:

اول: آن‌که بدانید آنچه شخص مکلف بجا نمی‌آورد، باید بجا آورد، و آنچه بجا می‌آورد، باید ترک کند. پس تا زمانی که معروف و منکر را به درستی نمی‌شناسید، امر و نهی دیگران را لازم ندانید.

دوم: آن‌که احتمال بدهید امر و نهی شما تأثیر می‌کند. پس اگر بدانید اثر نمی‌کند، امر و نهی دیگران را لازم ندانید.

سوم: آن‌که بدانید شخص معصیت‌کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند. پس اگر بدانید یا گمان کنید یا احتمال صحیح بدهید که تکرار نمی‌کند، امر و نهی‌اش را لازم ندانید.

چهارم: آن‌که در امر و نهی، مفسده‌ای نباشد. پس اگر بدانید یا گمان کنید که اگر امر یا نهی کنید، ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به شما می‌رسد، امر و نهی دیگران را لازم ندانید. بلکه اگر بترسید که ضرری متوجه اطرافیان شما شود، امر و نهی دیگران را لازم ندانید. بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا آبرویی یا مالی بر بعضی اصحاب منهاج فردوسیان، امر و نهی دیگران را لازم ندانید. و حتی در بعضی شرایط باید ترک کنید.

مسئله‌ی ۲۷۹۲: اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریه، باید ملاحظه اهمیت کنید، پس اگر حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام توقف داشته باشد بر بذل جان و مال، باید مال و جانتان را در راه حفظ اسلام عزیز، نثار کنید.

مسئله‌ی ۲۷۹۳: اگر بدعتی در اسلام واقع شود، مثل این‌که خرافات و

منکراتی به اسم دین مبین اسلام نشر یابد، باید به اندازه‌ی توان، اظهار حق و انکار باطل نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۹۴: اگر احتمال صحیح بدهید که سکوت شما موجب آن می‌شود که منکری، معروف شود یا معروفی، منکر گردد، باید اظهار حق کنید و نباید ساکت بنشینید.

مسئله‌ی ۲۷۹۵: هر گاه سکوت شما موجب تقویت ظالم یا موجب تأیید او گردد، یا موجب جرأت او بر انجام سایر محرمات باشد، باید اظهار حق و انکار باطل نمایید، اگر چه تأثیر فعلی نداشته باشد.

مسئله‌ی ۲۷۹۶: هر گاه سکوت شما باعث شود که مردم به شما بدگمان شوند و شما را متهم به سازش با ظالمان کنند، باید به نحو مقتضی، جدا بودن خودتان از اهل ظلم را روشن نمایید.

مسئله‌ی ۲۷۹۷: هر گاه ورود شما در مجلس خاصی موجب شود که از مفسده‌ها و منکراتی جلوگیری شود، باید در حد امکان و توانایی، وارد شوید و جلو انحراف و فساد را بگیرید.

مسئله‌ی ۲۷۹۸: تا جایی که امکان دارد، نباید با حکومتی که فقیه عادل در رأس آن نیست و با دشمنان اسلام یعنی یهود و مشرکین سازش دارد، همکاری نمایید.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر را دارای مراتب بدانید و اگر احتمال بدهید که با مرتبه‌ای، مقصودتان حاصل می‌شود، نباید از مرتبه‌ی بعدی استفاده نمایید. مرتبه‌ی اول: آن‌که با شخص معصیت‌کار طوری عمل کنید که بفهمد برای ارتکاب او به معصیت، این نحوه با او رفتار می‌کنید. مثل این‌که از او رو

برگردانید، یا با چهره‌ی عبوس با او ملاقات کنید.

مسئله‌ی ۲۷۹۹: اگر در این مرتبه درجاتی باشد، باید با احتمال تأثیر درجه‌ی خفیف‌تر، به همان اکتفا کنید. مثلاً اگر احتمال می‌دهید با ترک صحبت کردن با او، مقصود حاصل می‌شود، به همان اکتفا کنید و به درجه‌ی بالاتر، عمل نکنید.

مسئله‌ی ۲۸۰۰: اگر رو برگرداندن و ترک معاشرت با معصیت‌کار، موجب کم شدن معصیت او شود، یا احتمال بدهید که موجب کم شدن معصیت او شود، باید انجام دهید، اگر چه بدانید موجب ترک به طور کلی نمی‌شود. و این امر در صورتی است که با مراتب بعدی، نتوانید به طور کلی از معصیت جلوگیری کنید.

مسئله‌ی ۲۸۰۱: هر گاه معاشرت شما با ظالمان و اصحاب معاصی، موجب کم شدن فساد و ظلمشان شود، ولی از سوی دیگر موجب بدبینی عوام مردم به اصحاب منهج فردوسیان گردد، و جز به ترک معاشرت با ظالمان و اهل معصیت برطرف نگردد، باید ملاحظه کنید که کدام طرف اهمیت بیشتری دارد و به همان طرف عمل نمایید.

مسئله‌ی ۲۸۰۲: هر گاه معاشرت شما با ظالمان و اصحاب معاصی، خالی از فایده و مصلحت باشد، نباید با آنان معاشرت کنید، بخصوص اگر موجب متهم شدن اصحاب منهج فردوسیان در نزد عوام مردم گردد.

مسئله‌ی ۲۸۰۳: هر گاه معاشرت شما با ظالمان و ارباب معاصی، موجب تقویت آنها شود یا موجب تبرئه‌ی آنها در نزد افراد بی‌اطلاع شود، یا موجب جرأت آنها بر فساد و معصیت گردد، یا موجب هتک مقام اصحاب منهج فردوسیان شود، باید ترک معاشرت نمایید.

مسئله‌ی ۲۸۰۴: باید کسانی که ترویج مقاصد اهل بدعت می‌کنند و به مجالس و نشر کتاب‌های آنان کمک می‌نمایند، از قبیل بعض تجار و کسبه را نهی کنید و اگر تأثیر نکرد، از آنان رو برگردانید و با آنان معاشرت و معامله نکنند.

مرتبه‌ی دوم: امر به معروف و نهی از منکر به زبان است. پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایطی که گذشت، باید اهل معصیت را نهی کنید، و تارک واجب را امر به انجام واجب نمایید.

مسئله‌ی ۲۸۰۵: هر گاه احتمال بدهید که با موعظه و نصیحت، معصیت‌کار، معصیتش را ترک می‌کند، باید به همان مقدار بسنده کنید و نباید از این مرحله تجاوز نمایید.

مسئله‌ی ۲۸۰۶: هر گاه بدانید که نصیحت تأثیر ندارد، اگر احتمال بدهید که امر و نهی معمولی، تأثیر دارد یا امر و نهی معمولی تأثیر ندارد ولی امر و نهی با شدت در گفتار و تهدید تأثیر دارد، باید چنین کنید.

مسئله‌ی ۲۸۰۷: نباید برای جلوگیری از معصیت، مرتکب معصیت‌های دیگر مانند دروغ گفتن و فحش دادن و سرزنش کردن و اهانت نمودن و مانند اینها شوید، مگر آن‌که معصیت، از چیزهایی باشد که مورد اهتمام شارع مقدس باشد و به هیچ وجه راضی به آن نباشد، مثل کشتن انسان‌های بی‌گناه که در این صورت، می‌توانید با انجام کارهایی که گفته شد، جلو آن را بگیرید.

مسئله‌ی ۲۸۰۸: هر گاه معصیت‌کار، ترک معصیت نمی‌کند مگر به جمع بین مرتبه‌ی اول و دوم، باید بین مرتبه‌ی اول و دوم جمع کنید یعنی هم از او روبرگردانید و ترک معاشرت نمایید و با چهره‌ی عبوس با او ملاقات کنید، و

- هم او را امر به معروف و نهی از منکر زبانی کنید.
- مرتبه‌ی سوم: توسل به زور و جبر است. پس اگر بدانید یا اطمینان داشته باشید که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را به جا نمی‌آورد، مگر با اعمال زور و جبر، باید مجبورش کنید، ولی باید مراقب باشید که از اندازه خارج نشوید.
- مسئله‌ی ۲۸۰۹: هر گاه جلوگیری از معصیت به این حاصل شود که بین شخص و وسایل معصیت فاصله بیاندازید، باید چنان کنید. مثل این که بتوانید شراب را از دسترس شرابخوار دور کنید.
- مسئله‌ی ۲۸۱۰: هر گاه جلوگیری از معصیت به این حاصل شود که دست معصیت‌کار را بگیرید، یا او را از محل معصیت بیرون ببرید، یا در وسیله‌ای که با آن معصیت می‌کند تصرف کنید، باید چنین کنید. مثلاً کسی که چاقویی برداشته تا بی‌گناهی را بکشد یا مجروح سازد، در صورت امکان باید دستش را بگیرید، یا مثلاً کسی که در مجلس قمار نشسته، چنانچه بتوانید، باید او را از آنجا خارج کنید یا مثلاً کسی که گرفتار موسیقی شده، اگر امکان داشته باشد باید سازش را بشکنید یا تارش را پاره کنید.
- مسئله‌ی ۲۸۱۱: نباید اموال محترم معصیت‌کار را تلف کنید، مگر آن‌که لازمی جلوگیری از معصیت باشد، مثل این که چاقو را از دست کسی که قصد کشتن بی‌گناهی دارد بگیرید و به چاه یا رودخانه بیاندازید. ولی بهتر است بعداً برایش جبران نمایید یا رضایتش را تحصیل کنید.
- مسئله‌ی ۲۸۱۲: هر گاه جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر زندانی کردن معصیت‌کار در محلی، یا مانع شدن از ورود او به محلی، در صورت امکان باید چنین کنید.
- مسئله‌ی ۲۸۱۳: هر گاه جلوگیری از معصیت، توقف داشته باشد بر کتک

زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت‌کار و در مضیقه قرار دادن او، باید برای انجام این کارها، از حاکم شرع اجازه بگیرید.

مسئله‌ی ۲۸۱۴: هر گاه جلوگیری از منکرات و اقامه‌ی واجبات موقوف باشد بر کشتن و زخمی کردن، فقط با اجازه‌ی ولی فقیه اقدام نمایید.

مسئله‌ی ۲۸۱۵: امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به خانواده و نزدیکانتان جدّی‌تر بگیرید ولی نسبت به پدر و مادر باید با ملایمت و نرمی رفتار کنید و هیچوقت با خشونت با آنها روبرو نشوید.

پایان نسخه‌ی اول رساله‌ی توضیح المسائل منهاج فردوسیان